

مطالب

- بسم الله الرحمن الرحيم ۱۵
- فصل اول: تعریف و تاریخچه نماز ۱۵
- معنای نماز ۱۷
- پیشینه نماز ۱۹
- نماز پیامبر (ص) ۲۱
- تغییر نماز ۲۱
- فصل دوم: جایگاه و اهمیت نماز ۲۳
- جایگاه نماز در اسلام ۲۳
- خیرالعمل بودن نماز ۲۵
- نماز و اصول دین ۲۹
- جایگاه نماز در قرآن ۳۰
- جزئیات نماز در قرآن ۳۲
- جایگاه نماز در سیره معصومین علیهم السلام ۳۳
- اهمیت نماز در اسلام ۳۶
- اهمیت نماز در دوران جوانی ۳۸
- نیاز خدا به نماز ۳۹
- دلیل وجوب نماز ۴۰
- نماز جنیان ۴۱
- قلب پاک ۴۲
- تشکر از خدا ۴۳

نماز اهل حق ۴۵

خدمت به جای نماز ۴۶

نماز و یوگا ۴۸

فصل سوم: مقدمات نماز ۴۸

معنای وضو ۴۸

Error! Bookmark not defined. آیه وضو

فوائد وضو ۴۹

فلسفه وضو ۵۳

اعضای وضو ۵۴

شستن دست و صورت ۵۶

تاثیر مسح وضو ۵۷

وضو بعد از غسل ۵۷

تفاوت وضوی زن و مرد ۵۷

Error! Bookmark not defined. ب: غسل

غسل جنابت ۵۸

غسل جایگزین وضو ۵۹

خجالت از انجام غسل ۶۰

Error! Bookmark not defined. ج: تیمم

فایده تیمم ۶۱

Error! Bookmark not defined. د: اذان

فلسفه اذان ۶۲

۶۴	فصل چهار: فلسفه و اسرار نماز
۶۴	کنجکاوای در فلسفه نماز
۶۶	درک فلسفه نماز
۶۶	چرایی نماز
۶۹	۵- از بین برنده آثار گناهان:
۷۲	قبله نماز
۷۴	کعبه و بت پرستی
۷۵	فلسفه نماز به زبان عربی
۷۷	فلسفه واجبات و مستحبات نماز
۷۸	نمازهای پنج گانه
۸۱	فلسفه تعداد رکعات نماز
۸۲	تکرار در نماز
۸۳	کیفیت نماز
۸۴	تکبیره الاحرام
۸۴	هفت تکبیر
۸۵	ارکان نماز
۸۶	سوره حمد
۸۹	دروغ در نماز
۹۰	آهسته و بلند خواندن نمازها
۹۱	قنوت نماز
۹۲	تشهد نماز

- ۹۳..... سلام نماز
- ۹۵..... نام غیر خدا در نماز
- ۹۶..... پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله) و صلوات بر خود
- ۹۷..... مخاطب سلام نماز
- ۹۷..... تکبیر بعد از نماز
- ۹۸..... فصل پنجم: آثار و فوائد نماز
- ۹۸..... آثار جسمی نماز
- ۱۰۳..... آثار روحی نماز
- ۱۰۸..... آثار اخروی نماز
- ۱۱۱..... آثار فرهنگی نماز
- ۱۱۲..... آثار اجتماعی نماز
- ۱۱۴..... آثار سیاسی نماز
- ۱۱۵..... آثار تربیتی
- ۱۱۹..... آثار نماز در جوانان
- ۱۲۰..... آثار اخلاقی نماز
- ۱۲۱..... اثر نماز بر عالم تکوین
- ۱۲۳..... اثر نماز در عالم معنا
- ۱۲۴..... نماگزاران واقعی
- ۱۲۵..... درک آثار نماز
- ۱۲۷..... فصل ششم: آداب نماز
- ۱۲۷..... گفتار اول: نماز اول وقت

۱۲۷ نماز اول وقت
۱۲۹ نماز اول وقت در سیره معصومین علیهم السلام
۱۳۰ آثار نماز اول وقت
۱۳۲ تاخیر در نماز اول وقت
۱۳۳ عزاداری و نماز
۱۳۴ تلاقی وقت نماز با کلاس
۱۳۴ استثنای نماز اول وقت
۱۳۵ جبران تاخیر در نماز
۱۳۶ گفتار دوم: حضور قلب
Error! Bookmark not defined. تعریف خشوع	
۱۳۶ حضور قلب
۱۳۷ فوائد حضور قلب در نماز
۱۳۹ فکر در نماز
۱۴۰ راهکار حضور قلب در نماز
۱۴۹ نصب‌العین قرار دادن ائمه(ع) در نماز
۱۵۲ حضور قلب پیامبر (صل الله علیه و آله) در نماز
۱۵۲ شرک به خاطر حواس پرتی در نماز
۱۵۳ جبران حواس پرتی در نماز
۱۵۴ گفتار سوم: تعقیبات نماز
۱۵۵ بهترین تعقیبات نماز
۱۵۶ بهترین خواسته بعد از نماز

۱۵۷ سلام بعد از نماز
۱۵۸ فصل هفتم: قبولی نماز
۱۵۸ تفاوت صحت نماز با قبولی نماز
۱۶۰ شرایط قبولی نماز
۱۶۲ موانع قبولی نماز
۱۶۴ ارتباط قبولی نماز با قبولی اعمال
۱۶۵ نشانه قبولی نماز
۱۶۶ اخلاص و نشانه های آن
۱۶۷ نماز به خاطر ترس
۱۶۸ ریا و بطلان نماز
۱۶۹ نشانه های ریا
۱۷۰ دست یابی به نماز خالصانه
۱۷۲ وسواس در اخلاص
۱۷۳ فصل هشتم: علاقه به نماز
۱۷۳ عدم علاقه به نماز
۱۷۵ نماز از روی ترس
۱۷۶ راه علاقه مند شدن به نماز
۱۷۷ اقسام نمازگزاران
۱۷۹ لذت نبردن نماز
۱۸۰ درک لذت نماز
۱۸۱ تشویق کودکان به نماز

۱۸۲ تربیت فرزندان با نماز
۱۸۴ پیوند نماز و جوانان
۱۸۵ گسترش فرهنگ نماز
۱۸۶ ارشاد بی نماز
۱۹۳ فصل نهم: نماز علی علیه السلام و شیعیانش
۱۹۳ نماز علی (علیه السلام) با بدن و لباس خونی
۱۹۵ حضور قلب علی (علیه السلام)
۱۹۸ نماز امام علی (علیه السلام)
۱۹۹ نماز قضای علی (علیه السلام)
۲۰۲ وضوی پیامبر (صل الله علیه و آله)
۲۰۴ وضوی شیعه
۲۰۶ مسح در وضو
۲۰۸ اذان اهل سنت
۲۰۹ اذان شیعیان
۲۱۱ مهر نماز
۲۱۳ مهر کربلا در نماز
۲۱۴ جمع دو نماز
۲۱۷ نماز پنج نوبت در کلام علی (علیه السلام)
۲۱۸ نماز دست بسته (تکثف)
۲۲۰ توجیه تکثف
۲۲۱ آمین گفتن

۲۲۲	قنوت نماز
۲۲۳	سه تکبیر پایان نماز
۲۲۳	فصل دهم: زنان و نماز
۲۲۳	تبعیض در نماز
۲۲۴	حجاب در نماز
۲۲۵	مقدم بودن مرد در نماز
۲۲۶	آهسته نماز خواندن زنان
۲۲۷	زنان و جماعت
۲۲۸	امام جماعت زن
۲۲۹	فصل یازدهم: مسافرت و نماز
۲۲۹	فلسفه نماز شکسته
۲۳۰	نماز شکسته
۲۳۱	نماز شکسته و وسایل امروزی
۲۳۳	نماز شکسته در سفر نه روزه
۲۳۳	عدم توقف اتوبوس برای نماز
۲۳۴	فصل دوازدهم: قضای نماز
۲۳۴	فلسفه قضای نماز
۲۳۵	توبه نماز قضا
۲۳۶	اولویت نماز قضا
۲۳۷	نماز مستحبی به جای نماز قضا
۲۳۷	نماز صبح

- ۲۴۵..... بیدار کردن برای نماز صبح
- ۲۴۶..... قضای نماز پدر
- ۲۴۸..... قضای نماز مادر
- ۲۵۰..... خرید نماز اموات
- ۲۵۱..... فصل سیزدهم: آفت های نماز
- ۲۵۱..... گفتار اول: بطلان نماز
- ۲۵۱..... نماز بدون تقلید
- ۲۵۲..... وسواس در نماز
- ۲۵۴..... افکار مزاحم در نماز
- ۲۵۶..... دلچسب نبودن نماز
- ۲۵۶..... طلا در نماز
- ۲۵۸..... غضب نماز گزار
- ۲۵۹..... عادت به نماز
- ۲۶۰..... نماز و برهم خوردن نظم زندگی
- ۲۶۲..... تنبیه کودکان برای نماز
- ۲۶۳..... عوامل بی نشاطی در نماز
- ۲۶۶..... کسب نشاط در نماز
- ۲۶۹..... گفتار دوم: نماز و گناه
- ۲۶۹..... نماز و گناه
- ۲۷۰..... نماز گناهکاران
- ۲۷۰..... نماز شرابخوار

- ۲۷۲..... نماز و روابط نامشروع
- ۲۷۳..... شیطان و نماز
- ۲۷۳..... بازدارندگی نماز از گناه
- ۲۷۵..... بازدارندگی نماز
- ۲۷۷..... گفتار سوم: سبک شمردن نماز
- ۲۷۷..... سبک شمردن نماز
- ۲۸۰..... پیامدهای سبک شمردن نماز
- ۲۸۲..... عوامل سبک شمردن نماز
- ۲۸۶..... عقوبت ترک نماز
- ۲۹۰..... ترک نماز با توجه ایمان داشتن
- ۲۹۱..... بخشش تارک نماز
- ۲۹۲..... ترک نماز به خاطر گناهان
- ۲۹۴..... ترک نماز به خاطر منتفی دانستن فلسفه آن
- ۲۹۴..... ترک نماز به خاطر عدم بازدارندگی از گناه
- ۲۹۵..... ترک نماز پس از حضور در دانشگاه
- ۲۹۷..... خجالت نماز
- ۲۹۸..... ترک نماز به خاطر عدم حضور قلب
- ۲۹۹..... ترک نماز تا بعد از شناخت خدا
- ۳۰۰..... ترک نماز به خاطر برآورده نشدن حاجت
- ۳۰۱..... ترک نماز بعد از ازدواج
- ۳۰۲..... مجوز ترک نماز

- ۳۰۳..... گفتار چهارم: بی نمازی
- ۳۰۳..... خوش شانسی بی نماز
- ۳۰۴..... کفر بی نماز
- ۳۰۵..... رفاه بی نمازها
- ۳۰۸..... علت بی نمازی
- ۳۰۹..... تقاص بی نماز
- ۳۱۱..... غیر مسلمان بی نماز
- ۳۱۳..... بی نماز با حجاب
- ۳۱۴..... اعمال خوب بی نماز
- ۳۱۶..... معاشرت با بی نماز
- ۳۱۶..... دوستی با بی نماز
- ۳۱۸..... تعامل با بی نماز
- ۳۱۹..... عارف بی نماز
- ۳۱۹..... تاثیرگذاری بی نماز
- ۳۲۰..... خواستگار بی نماز
- ۳۲۲..... ازدواج با دختر بی نماز
- ۳۲۳..... نقش نماز در زندگی زناشویی
- ۳۲۴..... توبه بی نماز
- ۳۲۵..... فصل چهاردهم: نماز های واجب و مستحب
- ۳۲۵..... گفتار اول: نمازهای واجب
- ۳۲۶..... نماز میت

۳۲۶	فلسفه نماز آیات
۳۲۸	عاقلانه بودن نماز آیات
۳۲۹	گفتار دوم: نماز های مستحب یا نافله
۳۲۹	فلسفه نوافل
۳۳۰	فوائد نمازهای نافله
۳۳۱	ثواب مستحبات
۳۳۲	نمازهای حاجت
۳۳۴	نافله و حوصله
۳۳۶	توفیق نمازهای نافله
۳۳۷	نماز ازدواج
۳۳۸	نماز غفيله
۳۳۹	نماز شاه پريان
۳۴۰	گفتار سوم: نماز جماعت
۳۴۰	آيه نماز جماعت
۳۴۰	اولين نماز جماعت پيامبر (صل الله عليه و آله)
۳۴۱	فلسفه و فوائد نماز جماعت
۳۴۴	اهمیت نماز جماعت
۳۴۷	حضور قلب و نماز جماعت
۳۴۸	يهود و نصارای امت اسلام
۳۴۸	نماز جماعت کارمندان
۳۴۹	فضيلت نماز جماعت

- ۳۵۰..... امام جماعت
- ۳۵۱..... پول گرفتن امام جماعت
- ۳۵۳..... اقتدا به اهل سنت
- ۳۵۳..... نماز تراویح
- ۳۵۵..... نخواندن حمد در جماعت
- ۳۵۵..... دست دادن بعد نماز جماعت
- ۳۵۶..... توفیق نماز جماعت
- ۳۵۶..... گفتار چهارم: نماز جمعه
- ۳۵۶..... تاریخچه نماز جمعه
- ۳۵۷..... فلسفه نماز جمعه
- ۳۵۸..... اهمیت نماز جمعه
- ۳۵۹..... نماز جمعه در عصر غیبت
- ۳۶۰..... فضیلت نماز جمعه
- ۳۶۱..... ترک نماز جمعه
- ۳۶۲..... خطبه نماز جمعه
- ۳۶۲..... نماز جمعه در صدر اسلام
- ۳۶۳..... قنوت نماز جمعه
- ۳۶۴..... مراجع و نماز جمعه
- ۳۶۴..... جوانان و نماز جمعه
- ۳۶۵..... گفتار پنجم: نماز عیدین
- ۳۶۵..... فلسفه نماز عید

۳۶۵	خطبه نماز عید
۳۶۶	گفتار ششم: نماز شب
۳۶۶	نماز شب در قرآن
۳۶۷	نماز شب پیامبر صل الله علیه و آله
۳۶۸	برکات نماز شب
۳۷۱	بیدار شدن برای نماز شب
۳۷۲	توفیق نماز شب
۳۷۲	فوائد پزشکی نماز شب
۳۷۴	وجوب نماز شب
۳۷۴	نماز شب با خواب آلودگی
۳۷۵	نماز شب آسان
۳۷۶	خاتمه
۳۷۶	سیر مطالعاتی نماز
۳۸۱	فهرست منابع

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه مؤلف:

تا کنون پیرامون نماز کتاب های متعدد و فاخری به نگارش در آمده، با این حال ضرورت ایجاب می کند هر از گاهی کتابی متناسب با نیازهای زمانه در ساختاری نو و جذاب به خوانندگان ارائه گردد.

اثر حاضر با عنوان «دویست و پنجاه پرسش و پاسخ پیرامون نماز» با همین رویکرد برای مخاطبین تالیف گردیده است و برای استفاده بیشتر ویژگی هایی در آن گنجانده شده که به برخی از آنها اشاره می نمایم

۱. این کتاب در قالب پرسش و پاسخ تهیه گردیده و تا آنجا که امکان داشته تمامی سوال هایی که ممکن است ذهن افراد را پیرامون نماز به خود مشغول نماید در آن گنجانده و بدان پاسخ داده شده است .

۲. در این کتاب علاوه بر اینکه بیشترین بهره گیری از ثقلین یعنی قرآن و کلام اهل بیت (علیهم السلام) صورت پذیرفته اما از یافته های علمی نیز غافل نبوده و در تایید احکام اسلام مورد استفاده قرار گرفته است.

۳. پاسخ برخی سوال ها، چکیده یک کتاب می باشد.

۴. تمامی روایات شیعه موجود در این کتاب از منابع اولیه و با کمک دو نرم افزار گرانبها تولیدی « مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور » به نام های « گنجینه روایات نور » و « جامع الاحادیث » مورد استفاده قرار گرفته شده تا علاوه بر امتیاز مستند بودن ، مخاطبین بتوانند در صورت تمایل به سهولت از طریق جستجو در این نرم افزارها به آدرس و متن کامل روایات دست یابند .

۵. تا آنجا امکان داشته برای مطالب کتاب عنوان مناسبی تعیین شده تا علاوه بر نظم دادن به محتویات پاسخ ها ، پیام آن نیز روشن نموده و از ارائه توضیحات اضافه جلوگیری گردد.

در پایان خداوند متعال را حمد و سپاس می نمایم که به نگارنده این توفیق را داد تا به بهانه تالیف این کتاب با معارف معصومین (علیهم السلام) انس گرفته و گامی هر چند کوتاه در راستای ترویج نماز برداشته باشم و امیدوارم که خداوند متعال ما و نسلمان را با نمازگزاران واقعی محشور نماید.

سید حسن موسوی

۱۳۹۲/ ۱۱/۱۷ هـ . ش

بسم الله الرحمن الرحيم
وقف نامه

هرگونه بهره برداری از این اثر از سوی نگارنده وقف ستاد اقامه نماز گردیده و حقوق مادی آن نیز به این مجموعه جهت ترویج نماز به مبلغین نماز تعلق می گیرد.

اللهم تقبل منا

التماس دعا

سید حسن موسوی

ش. ۱۳۹۲/ ۱۱/۱۷ هـ.

توضیح:

کتاب حاضر ابتدا با رویکرد پاسخگویی به تمامی شبهات و سوالات قابل تامل پیرامون نماز برای اداره مشاوره نهاد رهبری در دانشگاه ها تنظیم گردید اما برخی محدودیت های این مجموعه باعث شد تنها بخش هایی از این کتاب حول محور فلسفه نماز منتشر گردد.

یکی از محدودیت ها نهاد رهبری در دانشگاه ها آن است که این مجموعه بطور تخصصی پیرامون نماز فعالیت نمی نماید لذا نمی توانست در حوزه های مختلف از این اثر بهره بگیرد. اما از آنجا که حوزه فعالیت ستاد اقامه نماز بطور تخصصی پیرامون این امر مهم می باشد پس از مشورت با مسئول اداره مشاوره نهاد قرار بر این شد محتویات کامل این کتاب در اختیار ستاد اقامه نماز قرارگیرد تا مسئولین ستاد اقامه نماز بنا به صلاح دید خود از آن استفاده نمایند به شرط آنکه عین کتاب منتشر شده از سوی نهاد رهبری نباشد. به نظر این حقیر ستاد اقامه نماز می تواند:

۱- این اثر را به صورت کامل چاپ نماید چرا که تعداد زیادی از پرسش و پاسخ های این اثر در کتاب منتشر شده از سوی نهاد وجود ندارد.

۲- این اثر را به صورت نرم افزار تهیه و تولید نماید به خصوص اینکه هر پرسش و پاسخی دارای نمایه مخصوص به خود می باشد.

۳- پرسش و پاسخ های گزیده و تلطیف شده این اثر برای گروه های سنی متفاوت تنظیم و چاپ گردد.

۴- در بخش مسابقات از این اثر استفاده گردد.

معنای نماز

۱- نماز یعنی چه؟ خدا چه انتظاری از نماز ما دارد؟!

عده‌ای معتقدند واژه «نماز» در لغت فارسی از لفظ پهلوی نماک (namac) گرفته شده که آن هم از ریشه ایران باستان واژه «نم» (nam) به معنای خم شدن و تعظیم کردن گرفته شده است.^۱ از جمله معانی نماز در کتاب‌های لغت فارسی عبارتند از: بندگی، اطاعت، سجود، پرستش، خدمتکاری و فرمان برداری.^۲ و در اصطلاح شرعی به مجموعه اذکار و حرکات خاصی گویند که بعنوان ستایش و توجه بنده به خداوند انجام می‌گیرد.

«خواندن نماز» معادل کلمه «قرائت» در عربی است و از آن جهت که یک قسمت از نماز عبارت از خواندن و تلفظ کردن حمد و سوره و اذکار است روی این جهت کسی که این اعمال را انجام دهد و این الفاظ را بر زبان جاری کند می‌گویند نماز را خواند. اما در قرآن و روایات همه جا سخن از «اقامه» است که معادل فارسی آن «برپاداشتن» می‌باشد.

قرآن کریم، درباره «اقامه نماز» بسیار تأکید کرده است؛ تا آن جا که ۴۶ بار، نماز را با واژه «اقامه» در تعبیرهای گوناگون، تکرار کرده است. شاید بتوان انتظار خداوند را همان «اقامه نماز» گفت؛ برای «اقامه نماز» چند معنا و تفسیر مطرح شده است:

گسترش نماز

بدون تردید از مصادیق «اقامه نماز» گسترش و مطرح کردن نماز در جامعه است. قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۳؛ «همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست!»

منظور از «اقامه» این است که تنها خودتان نمازخوان نباشید؛ بلکه چنان کنید که آیین نماز در جامعه انسانی برپا شود و مردم با عشق و علاقه، به آن روی آورند.

نماز با شرایط

^۱ - بن خلف تبریزی، برهان قاطع، تحقیق محمد معین، ج ۴، ص ۲۱۶۷

^۲ - برهان قاطع، فرهنگ دهخدا، ج ۱۴، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۲۷۳۱

^۳ - (۲۲) الحج : ۴۱

به گفته برخی بزرگان^۴ «در تمام مواردی که خداوند به نماز سفارش کرده است واژه «اقامه نماز» آمده است تا به این معنا توجه داده شود که مقصود از نماز، گزاردن نماز واجد شرایط است نه تنها بجای آوردن ظاهر نماز (بدون روح)»

به گفته بعضی مفسران، تعبیر «اقامه نماز» به جای «خواندن» یا «به جا آوردن نماز»، بیانگر این نکته است که نماز شما تنها اذکار و حرکات نیست، بلکه باید آن را به طور کامل بپا دارید؛ آن گونه که آثار نماز در چهره و زندگی شما دیده شود؛ تنها لقلقه زبان و راست و خم شدن نباشد، بلکه روح نماز - که همان تسلیم مطلق در برابر خدا در همه امور است - در زندگی شما جلوه کند و حضور دل و توجه قلبی به خدا - که روح نماز است - در نماز حاصل شود.^۵

تداوم نماز

برخی «اقامه» را به معنای تداوم در برپایی نماز می‌دانند؛ یعنی کسی نماز را به درستی بر پا می‌دارد که همیشه آن را ادامه دهد نه اینکه گاهی نماز بخواند: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»؛ «پس وای بر نمازگزارانی که در نماز خود سهل‌انگاری می‌کنند.»

در سوره معراج پس از آنکه خداوند برخی صفات ناشایست انسان‌ها را مورد تاکید قرار می‌دهد، اوصاف شایسته آنها را هم ذکر می‌کند که از جمله آن: «إِلَّا الْمُصَلِّينَ، الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَأِئِمُونَ»^۶؛ «مگر نمازگزاران، که بر نماز خود تداوم دارند»

ظاهر آیه دوام است؛ یعنی هم به وقت، نماز می‌خوانند و هم همیشه نماز می‌خوانند، این گونه نیست که نماز خواندن آنها مقطعی باشد و چنین نمازی است که اگر جزو برنامه زندگی شد و با شرایط آن به جای آورده شد انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد. و اصولاً برنامه‌های تربیتی جز با تداوم، کارایی لازم را ندارند، لذا در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌خوانیم: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَإِنْ قَلَّ»^۷؛ «محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند کاری است که بنده بر آن مداومت داشته باشد هر چند کم باشد». در یک جمع بندی و با مروری به آیه‌های قرآن می‌توان همه این معانی را در اقامه منظور کرد و آن این که نماز کامل، پیوسته و با خشوع و اثر گذار در جامعه باشد.

شهید مطهری در این زمینه می‌گوید: «به پا داشتن نماز آن است که حق نماز ادا شود؛ یعنی نماز به صورت یک پیکر بی روح انجام نگیرد، بلکه نمازی باشد که واقعا بنده را متوجه خالق و آفریننده خویش سازد...»^۹

^۴ - راغب اصفهانی، حسین بم محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت، دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ ق، اول، ص ۴۹۱

^۵ - ر.ک: مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۱، ص ۲۰۹؛ محمد محمدی اشتهاردی، نماز از دیدگاه

قرآن و عترت

^۶ - ماعون (۱۰۷)، آیه ۵-۶

^۷ - معارج (۷۰)، آیه ۲۳-۲۲

^۸ - مؤمنون (۲۳)، آیه ۲؛ ر.ک: علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، واژه قیام

^۹ - آشنایی با قرآن، سوره‌های حمد و بقره، صص ۶۷ و ۶۸

۲- آیا نماز در زمان ادیان پیش از اسلام بوده است؟ و اگر وجود داشته شکل و طرز خواندن آن

در ادیان مسیحی و یهودی و سایر ادیان آسمانی چگونه بوده است؟

با مطالعه پیرامون تاریخ ادیان و مذاهب و همچنین آیات و روایات نقل شده از معصومین (علیهم السلام)، این مطلب کاملاً روشن می‌گردد که قدیمی‌ترین عبادت در تمامی ادیان پیش از اسلام نماز بوده است. در مورد سابقه تاریخی نماز در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «هِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ ع»^{۱۰}؛ «نماز آخرین وصیت و سفارش پیامبران بوده است» و از این روایت به روشنی فهمیده می‌شود که تمامی یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر با نماز مانوس و سفارش کننده به آن بوده‌اند. برخی آیات و روایات که بیانگر نمازگزار بودن پیامبران صاحب شریعت و پیروان آنها است به شرح ذیل می‌باشد:

از هنگام اقامت حضرت آدم و حوا (علیهما السلام) در زمین، خداوند نماز را بر حضرت آدم (علیه السلام) واجب کرد.^{۱۱}

کشتی نوح(ع) دارای پنجره‌ها و سوراخ‌هایی بود که از آن نور خورشید به داخل منعکس می‌شد و از این طریق وقت نماز را تشخیص می‌دادند.^{۱۲}

حضرت ابراهیم آن‌گاه که همسر و فرزند خود را در کنار کعبه نو بنیاد نهاد دست به دعا برداشت و به خدای متعال چنین گفت: خدایا من، خاندان خود را در سرزمینی غیر حاصل خیز و کنار خانه ات ترک نمودم تا نماز را به پا دارند پس دل‌های مردم را در هوای (گرو) آنان قرار ده.^{۱۳}

وقتی حضرت موسی(ع) به کوه طور آمد و پیام رسالت را دریافت نمود خداوند به او فرمود: من خدای یکتا هستم. پس مرا عبادت کن و نماز را بپا دار.^{۱۴}

حضرت عیسی(ع) در گهواره به امر خداوند اینگونه سخن گفت: من بنده خدا هستم که کتاب آسمانی را بر من نازل کرد و مرا پیامبر قرار داد و هر جا که باشم مرا مایه برکت قرار داد و به نماز و زکات تا وقتی که جان در بدن دارم مرا توصیه نمود.^{۱۵}

علاوه بر پیامبران اولوالعزم، در آیات و روایات متعددی از نماز پیامبرانی همچون شیث(ع)، ادريس(ع)، یونس(ع)، صالح(ع)، اسماعیل(ع)، اسحاق(ع)، یعقوب(ع)، لوط(ع)، شعیب(ع)، داوود(ع)، زکریا(ع)،

^{۱۰} - الکافی، ج ۳، ص ۲۶۴

^{۱۱} - مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۹۶

^{۱۲} - مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۳۳

^{۱۳} - ابراهیم (۱۴)، آیه ۳۷

^{۱۴} - طه (۲۰)، آیه ۱۴

^{۱۵} - مریم (۱۹)، آیه ۲۹

ایوب(ع) و... سخن به میان آمده که همگی گویا وجود نماز در تمامی ادیان و شریعت های پیش از اسلام می باشد.^{۱۶}

اما در خصوص کیفیت و چگونگی اقامه نماز در ادیان مسیحی و یهودی و سایر ادیان آسمانی پیش از اسلام باید گفت: آنچه بر اساس تاریخ ادیان و آیات و روایات غیر قابل انکار می باشد این است که نماز به عنوان عبادت در کلیه ادیان وجود داشته و دارد و متناسب با تکامل دین، روند تکاملی داشته است و این تکامل در دین مبین اسلام - همانند جنبه های دیگر آن معارف، مثل قوانین، و مقررات اجتماعی - متناسب با انسان رشد یافته عصر خاتمیت به اوج خود رسیده است.^{۱۷}

یهودیان روزی سه بار نماز می خوانند. نماز صبح، نماز عصر و نماز مغرب نماز در کنیسه بهتر است و در صورتی که حداقل ده نفر مرد حضور داشته باشند، نماز جماعت برقرار می شود. در این حال یک نفر کاهن، لاوی یا مسن ترین فرد که عبری را خوب می داند، جلو می ایستد و دعاها و متونی از تورات را می خواند. معروف ترین عباراتی که می خوانند شِمَع (بشنو) (Shema) نام دارد که عبارت است از: «ای اسرائیل بشنو؛ یهوه خدای ما یهوه واحد است. پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما».^{۱۸}

شستن دست ها تا مچ (وضو) و بستن بازوبند و پیشانی بندی که در آن آیاتی از تورات نوشته شده (تفیلین) (Tefilin) برای مردان در نماز صبح واجب است . قبله یهود شهر اورشلیم است. در مسیحیت نماز به شیوه خاصی که در اسلام وجود دارد مطرح نیست، بلکه آنها در برابر خدا دعا بجا می آورند. مسیحیان کاتولیک پیش از ورود به کلیسا با آب مقدس خود را تطهیر می کنند، به این صورت که دست خود را در آب فرو برده و به صلیب می کشند.^{۱۹}

یکی از دعاها مرسوم برای برگزاری نماز، دعای زیر است: «ای پدر ما که در آسمانی نام تو مقدس باد، اراده تو چنان که در آسمان است در زمین نیز به انجام رسد. نان کفاف امروز ما را بده، گناهان امروز ما را ببخش چنان که ما نیز کسانی را که به ما بدی می کنند ببخشیم. ما را در آزمایشی نیاور، بلکه از شریر رهایی ده؛ زیرا ملکوت، قوت و جلال از آن توست.»^{۲۰}

البته برخی از حرکت های بدن مانند دست ها را رو به آسمان گرفتن و یا خم کردن زانو در نماز مسیحیان مرسوم است.

^{۱۶} - برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به کتاب سیمای نماز، حسین انصاریان، فصل : نماز در آئینه ی حیات انبیا و امت ها

^{۱۷} - یکصد و ده پرسش درباره نماز، مجتبی کلباسی، انتشارات ستاد اقامه نماز، نهم، ۱۳۸۸ش، ص ۱۱۴

^{۱۸} - تشبیه ۶: ۴-۵ . البته آنان در قرائت آن، به جای لفظ یهوه، از ادونای استفاده می کنند.

^{۱۹} - Houghton Mifflin Books. A History : Prayer . (۲۰۰۵) Carol Zaleski, Philip Zaleski.

^{۲۰} - متی، ۶:۹.

بنابر آنچه گفته شد؛ نماز در ادیان آسمانی گذشته نیز سابقه داشته است اگر چه برگزاری آن به شکل های متفاوت بوده است.

نماز پیامبر (ص)

۳- آیا پیامبر (صلی الله علیه وآله) پیش از بعثت و نزول قرآن نماز می خواندند؟ اگر نماز

می خواندند نماز ایشان چگونه بود؟

علامه طباطبایی در تفسیر سوره علق به تشریح این مساله پرداخته و بیان داشته اند: سیاق این آیات دلالت دارد بر اینکه رسول خدا (ص) قبل از نزول قرآن نماز می خوانده. کمالینکه در بسیاری از آیات سوره های مکی و از آن جمله سوره هایی که قبل از سوره اسراء نازل شده، نظیر سوره مدثر و مزمل و غیر آن دو سخن از نماز کرده، و به تعبیرهایی مختلف از آن یاد نموده، هر چند که کیفیت آن را ذکر نکرده، اما این قدر هست که نمازهای قبل از معراج با شکل خاص خود یعنی دو رکعتی و مشتمل بر مقداری تلاوت قرآن و نیز مشتمل بر سجده بوده.

و در بعضی از روایات هم آمده که رسول خدا (ص) در اوایل بعثت با خدیجه و علی (علیهما السلام) نماز می خواند، در این روایات هم نیامده که نماز آن روز به چه صورت بوده^{۲۱}.

تغییر نماز

۴- من شنیدم که نمازها به صورت ۲ رکعتی نازل شده است ولی به دلیل ولادت امام حسن و

حسین (ع) هفت رکعت پیامبر (ص) به نمازها اضافه کرده است آیا این درست است؟ لطفاً اگر

در این خصوص روایتی هست بیان کرده و بگوئید نماز در صدر اسلام چگونه بوده است؟

امام رضا علیه السلام در خصوص تعداد رکعات نماز و روند تغییر آن فرموده اند: اصل نماز یک رکعت است چون اصل عدد، یک می باشد لذا هر گاه نماز را از یک رکعت کمتر بیاورند عمل آورده شده نماز نیست باری حق عزّ و جلّ می دانست آن یک رکعت - که کمتر از آن اصلاً نماز نیست - را بندگان کاملاً و تماماً نیاورده بلکه ناقص اداء می نمایند لذا یک رکعت دیگر را با آن مقرون ساخت تا با رکعت دوم نقص رکعت اول جبران شود و بدین ترتیب اصل نماز دو رکعت جعل گردید.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله می دانستند بندگان این دو رکعت را با تمام آنچه مورد امر است و کاملاً و تماماً نخواهند آورد از این رو به هر کدام از نماز ظهر و عصر و عشاء دو رکعت ضمیمه شد تا بدین وسیله نقص دو رکعت اول و دوم جبران گردد و نیز حضرت می دانستند که در وقت نماز مغرب غالباً

^{۲۱} - طباطبایی سید محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴

ش، پنجم، ج ۲۰، ص ۵۵۱

مردم از خواندن نماز منصرف و به کارهایی از قبیل افطار و تناول غذا و وضوء و آماده نمودن مقدمات استراحت در شب هستند لذا یک رکعت بیشتر به آن اضافه نکردند تا بدین وسیله نماز مغرب بر آنها سبک و خفیف باشد و نیز وجه دیگر برای اضافه شدن یک رکعت به نماز مغرب آن است که بدین وسیله رکعات نماز در روز و شب عدد فرد می‌گردد و اما نماز صبح به حال خود واگذارده شده و چیزی به آن اضافه نگردیده زیرا اشتغال در وقت این نماز بیشتر از اوقات دیگر بوده و دنبال نیازمندیها رفتن وسیع تر نسبت به ازمنه دیگر می‌باشد.

و جهت دیگر آن که قلوب و دلها در وقت نماز صبح از فکر و اندیشه خالی تر است نسبت به اوقات دیگر زیرا در شب معاملات مردم کمتر و داد و ستد قلیل و ضعیف تر می‌باشد لذا انسان در وقت اقبالش به نماز بیش از اوقات دیگر است.^{۲۲}

در روایتی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام در این باره نقل شده: موقعی که پیغمبر عالیقدر اسلام را بمعراج بردند نمازهای واجب که ده رکعت بودند هر کدام دو رکعتی بودند. وقتی حضرت حسنین (علیهما السلام) متولد شدند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای شکرگزاری خدا هفت رکعت دیگر به آنها اضافه کرد و خدا هم اجازه داد.^{۲۳}

در حدیثی امام سجاد علیه السلام با اشاره به چگونگی و علت تغییر نماز فرموده اند: «در مدینه و زمانی که دعوت عمومی به اسلام آشکار گردید و اسلام قوت یافت و خداوند عزّ و جلّ جهاد را بر مسلمانان واجب فرمود، رسول خدا صلی الله علیه و آله هفت رکعت به نمازهای شبانه روز افزود باین ترتیب: دو رکعت به نماز ظهر، و دو رکعت به نماز عصر، و یک رکعت به نماز مغرب، و دو رکعت به نماز عشاء، و نماز صبح را بهمان صورت که در مکه واجب گردیده بود باقی گذاشت و بر آن نیفزود.»^{۲۴}

در پایان ذکر این مطلب ضروری می‌نماید که افزودن رکعت های دیگر بر نماز حتماً به دستورواذن خداوند توسط پیامبر (ص) صورت گرفته است زیرا پیامبر مامور الهی است و از طرف خود چیزی نمی‌گوید» وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ؛ اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»^{۲۵}؛ «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید! آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست!»

^{۲۲} - علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۶۱

^{۲۳} - الکافی، ج ۳، ص ۴۸۷

^{۲۴} - من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۵۵

^{۲۵} - نجم (۵۳)، آیه ۳ و ۴

فصل دوم: جایگاه و اهمیت نماز

جایگاه نماز در اسلام

۵- چگونه می توانیم جایگاه و اهمیت نماز را در دین اسلام برای دیگران ثابت نمائیم؟

دلایل متعددی نسبت به جایگاه و اهمیت نماز در اسلام وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

الف - تعداد روایاتی که درباره نماز از سوی معصومین علیهم السلام نقل گردیده برای پی بردن به جایگاه و اهمیت نماز در دین اسلام خوب است بدانید؛ بیشترین روایات فروع دین در باره نماز ذکر گردیده است و در دو کتاب حدیث بسیار مفصل به نام های «وسائل الشیعه» و دیگر «مستدرک الوسائل» که شامل تمامی روایات و احادیث فقهی مکتب شیعه است؛ طبق شماره ای که در آنها منعکس است مجموعاً ۵۹۰۰۰ روایت دارد و این تعداد تقریباً نوزده هزار آن مربوط به نماز است و این می تواند گویای اهمیت نماز در اسلام و اهمیت آن در مکتب تشیع باشد که تقریباً یک سوم روایات فقهی شیعه مربوط به نماز و مقدمات آن است.^{۲۶}

ب - عدم چشم پوشی از نماز در اسلام

هر یک از تکالیف شرعی به صنفی خاص از بندگان تعلق می گیرد یا اینکه اصنافی تکلیف شرعی به آنها تعلق نمی گیرد مثلاً روزه بر غیر بیمار و غیر مسافر و... واجب است. خمس و زکات و حج بر کسانی که از تمکن مالی برخوردارند تعلق می گیرد. از حضور در صحنه جهاد، زنان پیرمردان و اصناف دیگری معافند. اما نماز فریضه ای است همگانی در زمان خوف و در حال امنیت در روز و شب، در تمامی ماههای سال بر حر و عبد، مرد و زن (البته به استثنای ایام عادت و ولادت)، غنی و فقیر، صحیح و مریض، مقیم و مسافر و... واجب است. حتی قرآن می فرماید اگر شرایط آنچنان سخت و سهمگین بود که مجال پساده شدن از مرکب وجود نداشت. پیاده یا سواره باید نسبت به انجام این فریضه اقدام گردد.^{۲۷}

ج - دستور به تکرار نماز در اسلام

انعطاف مکرر توجه و درخواست انجام متوالی یک وظیفه، انسان را از اهمیت و عظمت آن آگاه می کند. اگر به کسی تکلیف شود که باید روزانه پنج بار با شخصیتی ملاقات کند بدون شک این سوال پیش می آید که او کیست؟ و چه قدر از اهمیت برخوردار است که باید هر روز، چند مرتبه به سراغ او رفت.^{۲۸}

د - سخنان معصومین علیهم السلام راجع به اهمیت نماز در اسلام

^{۲۶} - محمد وحیدی، دانستی های لازم از نماز، قم، موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۷ش،

چهارم، ص ۲۴

^{۲۷} - محمد رضا رضوان طلب، پرستش آگاهانه، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵ ش، دوم، ص ۸۴

^{۲۸} - محمد رضا رضوان طلب، پرستش آگاهانه، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵ ش، دوم، ص ۸۵

در روایات متعددی پیامبر خدا و اهل بیت طاهرینش (علیهم السلام) به تبیین نقش و جایگاه نماز در دین اسلام پرداخته اند که در اینجا به ذکر تعدادی از آنها اکتفا می‌نمائیم.

یک - در اسلام نماز به عنوان ستون دین معرفی شده

حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ مَثَلُهَا كَمَثَلِ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ ثَبَتَ الْأَوْتَادُ وَالْأُتُنَابُ وَإِذَا مَالَ الْعَمُودُ وَانْكَسَرَ لَمْ يَثْبُتْ وَتَدُّ وَ لَا طُنْبُ»^{۲۹}؛ «نماز ستون دین است، مثل نماز، مثل ستون خیمه است، هرگاه ستون، ثابت و پا برجا باشد میخ‌ها و طناب‌ها ثابت خواهند بود و هر گاه کج شده و بشکند میخ و طنابی نمی‌ماند.»

دو - جایگاه نماز در اسلام همچون سر برای بدن است

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «موضع الصلاة من الدين كموضع الرأس من الجسد»^{۳۰}؛ «جایگاه نماز در دین، مانند جایگاه سر در بدن است»

سه - شرط قبولی اعمال دیگر

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ عَلَى الصَّلَاةِ فَإِذَا قُبِلَتْ قُبِلَ مِنْهُ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِذَا رُدَّتْ عَلَيْهِ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ»^{۳۱}؛ «نخستین چیزی که در روز قیامت بنده برای آن مورد حساب‌کشی قرار می‌گیرد و بآن رسیدگی میکنند نماز است، اگر نماز پذیرفته شد سایر اعمالش نیز بتفضّل [از او] پذیرفته می‌شود، و هر گاه نماز مقبول نیفتاد و به بنده باز گردانده شد باقی اعمالش نیز مردود و باز گردانده خواهد شد.»

چهار - خارج نمودن بی نماز از دایره اسلام

نماز در دین اسلام از چنان جایگاهی برخوردار است که کسانی را که به عمد آن را ترک نمایند را از مجموعه خود خارج می‌داند

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «مَا بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَ بَيْنَ أَنْ يَكْفُرَ إِلَّا أَنْ يَتْرُكَ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ يَتَهَاوَنَ بِهَا فَلَا يُصَلِّيَهَا»^{۳۲}؛ «فاصله بین مسلمانی و کفر نیست جز آنکه نماز واجب را از روی عمد ترک کند یا در انجام آن سستی نماید و نماز نخواند.»

^{۲۹} - وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۷

^{۳۰} - نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ص، ص ۷۷۸

^{۳۱} - من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۸

^{۳۲} - بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۱۶

خیر العمل بودن نماز

۶- لطفا بفرمایید چه چیزی در نماز وجود دارد که اینقدر نماز را با اهمیت کرده تا آنجا که از فریضه نماز در اذان به عنوان «خیر العمل» یعنی «بهترین کار» یاد می کنیم اما از جهاد که در آن امکان از کف دادن جانمان وجود دارد به «خیر العمل» تعبیر نشده ولی در اسلام از نماز به عنوان «بهترین عمل» یاد نمی کنیم؟

علت اصلی این امر مجموعه امتیازهایی در نماز وجود دارد که در دیگر عبادات این امتیازها به این جامعیت یافت نمی شود. این امتیازها به قدری زیاد است که اگر بخواهیم تمامی آیات و روایاتی را که در این باره ذکر گردیده را به رشته تحریر در بیاوریم باید صفحات متعددی از این کتاب را به آن اختصاص دهیم، اما جهت اطلاع خوانندگان محترم از ده ها آیه و روایتی که راجع به جایگاه و اهمیت نماز نقل شده به تعدادی از آن ها اکتفا می نمائیم.

- یاد خداوند

خداوند می فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرِي»^{۳۳}؛ «نماز را به یاد من به پای دارید».

- کسب آرامش درونی

در آیه ۲۸ سوره رعد آمده: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^{۳۴}؛ «آگاه باشید، تنها با یاد خدا دلها آرامش می یابد!»

- یاری گرفتن

در قرآن آمده است: «واستعينوا بالصبر و الصلاه و انها لكبيره الا على الخاشعين»^{۳۵}؛ «از صبر و نماز در برخورد با مشکلات نیرو بگیرید؛ همانا نماز سنگین است مگر برای خاشعان»

از همین رو هرگاه مشکلی برای خانواده رسول خدا پیش می آمد ایشان (برای رفع آن) بیان می داشت: برخیزید نماز (مستحبی) بخوانید بعد می فرمود: این دستور خدای من است.^{۳۶} و یا در سیره حضرت علی علیه السلام می خوانیم وقتی برای ایشان مشکلی پیش می آمد، به نماز پناه می برد و آیه: «واستعينوا بالصبر و الصلاه»^{۳۷} را تلاوت می کرد.

- عامل رستگاری

^{۳۳} - طه (۲۰)، آیه ۱۴

^{۳۴} - رعد (۱۳)، آیه ۲۸

^{۳۵} - بقره (۲)، آیه ۴۵

^{۳۶} - سنن النبی صلی الله علیه و آله با ترجمه، ج ۱، ص ۱۵۸

^{۳۷} - بقره (۲)، آیه ۴۵

در سوره اعلیٰ چنین آمده: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ»^{۳۸}؛ «به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد)، رستگار شد. و (آن که) نام پروردگارش را یاد کرد سپس نماز خواند!»

– نماز کلید بهشت است

پیامبر خدا فرمود: «مفتاح الجنة الصلاة»^{۳۹}؛ «نماز کلید بهشت است»

– ستون و سیمای دین

حضرت علی در وصیت های پایان عمرشان فرموده اند: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ - فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ إِنَّهَا عِمَادُ دِينِكُمْ»^{۴۰}؛ «خدا را خدا را درباره نماز، چرا که نماز ستون دین شماست.»

پیامبر خدا می فرماید: «برای هر چیز چهره ای است و چهره دین شما نماز است، مبدا کسی چهره و سیمای دینش را خراب نماید.»^{۴۱}

– معیار ارزیابی

امام ششم شیعیان فرمود: «آزمایش کنید شیعه‌ها را در اوقات نماز که چگونه مواظب آن هستند، و در باره اسرار ما که چگونه آنها را از دشمن ما نهفته میدارند، و در باره اموال خودشان که چگونه با آنها در باره برادران (دینشان) یاری می دهند»^{۴۲}

در روایت دیگری از آنحضرت می خوانیم: «قَالَ لَقَمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ لِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمَةٌ يُعْرَفُ بِهَا وَ يُشْهَدُ عَلَيْهَا... وَ لِلْعَامِلِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ الصَّلَاةُ وَ الصِّيَامُ وَ الزَّكَاةُ»^{۴۳}؛ «حضرت لقمان به فرزندانش فرمود: برای هر چیزی علامتی است که به وسیله آن علامت شناخته می شود و به او شهادت داده می شود... برای عامل به دین سه علامت است: ۱ - نماز ۲ - روزه، ۳ - زکات.»

– محبوب ترین اعمال

حضرت امیر المؤمنین (ع) فرمود: «لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ»^{۴۴}؛ «هیچ عمل و طاعتی نزد خدای با عزت و جلال از نماز محبوبتر نیست»

– شرط قبولی دیگر اعمال

از امام صادق علیه السلام نقل شده: «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ عَلَى الصَّلَاةِ فَإِذَا قُبِلَتْ قُبِلَ مِنْهُ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِذَا رُدَّتْ عَلَيْهِ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ»^{۴۵}؛ «نخستین چیزی که در روز قیامت بنده برای آن مورد حسابکشی قرار

^{۳۸} - اعلیٰ (۸۷)، آیه ۱۵

^{۳۹} - عوالی اللالی، ج ۱، ص ۳۲۲

^{۴۰} - بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰

^{۴۱} - الکافی، ج ۳، ص ۲۷۰

^{۴۲} - بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۹۱

^{۴۳} - بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۴۱۵

^{۴۴} - وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۳

^{۴۵} - من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۸

میگیرد و بآن رسیدگی میکنند نماز است، اگر نماز پذیرفته شد سایر اعمالش نیز پذیرفته می شود، و هر گاه نماز مقبول نیفتاد و به بنده باز گردانده شد باقی اعمالش نیز مردود و باز گردانده خواهد شد.»

- وسیله ی آمرزش

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مثل نماز و اعمال فرزندان آدم مثل مردی است که در خاک بغلتد آن چنان که سرپایش را خاک و کثافت فراگیرد، سپس به طرف آب گیری که آبش پاک است برود و در آن خود را شست و شو دهد و خاک و کثافات را از خود دور کند. نمازهای پنج گانه این چنین می باشند، زمانی که بنده با حضور قلب خدا را عبادت کند، کثافات گناه از وی شسته می شود.»^{۴۶}

- بهای خرید بهشت

پیامبر خدا فرموده اند: «لِكُلِّ شَيْءٍ ثَمَنٌ وَ تَمَنُّ الْجَنَّةِ الصَّلَاةُ الْخَمْسُ»^{۴۷}؛ «برای هر چیزی قیمتی است و قیمت بهشت نماز است»

- عامل عاقبت بخیری

نقل شده به پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) گفتند: فلانی در روز نماز می خواند و شب ها به دزدی می پردازد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «إِنَّ صَلَاتَهُ لَتَرُدُّعَهُ»^{۴۸}؛ «همانا نمازش جلوی او را خواهد گرفت»

- بهره مندی از رحمت الهی

حضرت امیر مومنان (علیه السلام) می فرماید: لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّي مَا يَعِشَاهُ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ مَا سَرَّهُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ»^{۴۹}؛ «اگر بدانند نماز گذار که چقدر رحمت (خاص) خداوند او را فراگرفته سر خود را از سجده بر نمی دارد.»

- دژ محکم در مقابل حملات شیطان

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند: «الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنْ سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ»^{۵۰}؛ «نماز، دژ محکمی است در مقابل حملات شیطان.»

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «الصَّلَاةُ حِصْنُ الرَّحْمَنِ وَ مَدْحَرَةُ الشَّيْطَانِ»^{۵۱}؛ «نماز، دژ محکم خداوند رحمان و وسیله راندن شیطان است.»

^{۴۶} - مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۹۱، حدیث ۳۱

^{۴۷} - جامع الأخبار، ص ۷۳

^{۴۸} - همان

^{۴۹} - مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۸۰؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۷۵

^{۵۰} - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۷۵

^{۵۱} - همان

در روایت دیگری احمد بن عامر طائی از حضرت رضا (ع) از پدرانش از علی علیه السلام روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «شیطان از مؤمن دلتنگ است مادامی که نمازهای پنجگانه را به جای آورد، هر گاه نماز خود را ترک گفت شیطان بر او مسلط می‌گردد و او را گرفتار گناه و فساد می‌کند.»^{۵۲}

– برآورده شدن حاجت

حضرت رضا علیه السلام از پدرانش از علی علیه السلام روایت کرده که حضرت رسول (ص) فرمود: «هر کس یک نماز واجب را به جای آورد در نزد خداوند یک دعای مستجاب دارد.»^{۵۳}

– نماز نور مؤمن

قال رسول الله - صلی الله علیه وآله :-

« الصلوة نور المؤمن »^{۵۴}؛ « نماز نور مؤمن است.»

– بهترین وسیله تقرب به درگاه الهی

قال الکاظم - علیه السلام :- « افضل ما يتقرب به العبد الى الله بعد المعرفة به، الصلوة »^{۵۵}؛ « بهترین چیزی که بنده بعد از شناخت خدا به وسیله آن به درگاه الهی تقرب پیدا می‌کند، نماز است.»

قال الصادق - علیه السلام :- « إِنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ »^{۵۶}؛ « همانا بهترین عمل در روز قیامت نزد خداوند، نماز است.»

– نخستین سؤال در روز قیامت

قال رسول الله - صلی الله علیه وآله :- « حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَدْعُو الْعَبْدَ فَأَوَّلُ شَيْءٍ يُسْأَلُ عَنْهُ الصَّلَاةُ فَإِنْ جَاءَ بِهَا تَامَةً وَإِلَّا رُخَّ بِهِ فِي النَّارِ »^{۵۷}؛ « نمازهای پنج گانه را محافظت کنید، زیرا روز قیامت که می‌شود خداوند بنده اش را فرا می‌خواند و نخستین چیزی که از او می‌پرسد نماز است، اگر آن را به طور کامل انجام داده باشد، (به بهشت می‌رود) و گرنه در آتش افکنده می‌شود.»

اما در خصوص اینکه چرا از جهاد به عنوان خیرالعمل یاد نمی‌شود باید گفت که نماز جهاد ساز و مجاهد پرور است و اینکه از جهاد به عنوان خیرالعمل یاد نشده شاید به خاطر این باشد که:

^{۵۲} - مسند الإمام الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۵۶

^{۵۳} - همان

^{۵۴} - شهاب الاخبار، ص ۵۰

^{۵۵} - تحف العقول، ص ۳۹۱

^{۵۶} - مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۲

^{۵۷} - عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۱

اولاً: خود جهاد نیز برای زنده نگه داشتن نماز است کما اینکه نقل شده روزی در جنگ صفین حضرت علی (ع) در حالی که مشغول جنگ بود مرتب به خورشید نگاه می کرد ابن عباس عرض کرد: یا امیرالمومنین! این چه کاری است که شما انجام می دهید؟ حضرت فرمود: نگاه می کنم تا موقع فرا رسیدن ظهر نماز را ((در اول وقت)) بخوانم ابن عباس گفت: آیا حالا وقت نماز است؟ ما مشغول جنگ هستیم حضرت فرمود: مگر ما برای چه چیزی می جنگیم؟ به درستی که ما برای نماز جنگ میکنیم.^{۵۸}

ثانیاً: آثار و فوائد جهاد برخلاف نماز به هنگام ضرورت و پیدایش مانع برای پیشرفت اسلام و یا مقابله دشمنان با اسلام تنها در برهه خاصی بر کسانی که شرایط این فریضه را دارند واجب می شود، بر خلاف نماز که فریضه ای است برای تمامی زمان ها و تمامی افراد.

نماز و اصول دین

۷- اگر نماز ستون دین است چرا جزو اصول دین مطرح نشده و به عنوان فروع دین مطرح شده

است؟

در پاسخ به این سوال گفتنی است مجموعه معارف دین دو گونه است:

یک - اعتقادات و معارف نظری

دو - تکالیف و دستورات عملی

«اصول دین» مجموعه عقاید بنیادی و پایه‌ای دین است که عمدتاً جنبه نظری دارند و از همین رو به آنها اصول دین گفته می‌شود (مانند توحید، نبوت و...). اما نماز گرچه از نظر عملی جزء اصول و پایه‌های تربیتی رفتار دینی است؛ ولی بدان لحاظ که از نظر عقیدتی جزو معارف نظری نمی باشد، از اصول شمرده نشده و به عنوان «فروع دین» از آن یاد می‌گردد.

البته از آن جهت که نماز با تمامی ارکان دین اعم از اصول اعتقادی، مبانی اخلاقی، آداب فردی و اجتماعی، نظام سیاسی و اقتصادی اسلام و... پیوند ناگسستنی بر قرار نموده بگونه ای که تداوم آن موجب حفظ تمامی این بنیان‌ها خواهد بود؛ از این عمل عبادی به عنوان ستون دین یاد شده است.

به عنوان نمونه به واسطه اقامه نماز در هر روز چندین نوبت به یگانگی خداوند و رسالت محمد مصطفی (صل الله علیه و آله) و همچنین ولایت حضرت علی علیه السلام اقرار شده و این گروه از مبانی اعتقادی یادآوری می‌شود و یا اینکه غصبی نبودن و مباح بودن مکان نماز، لباس نمازگزار، آبی که با آن وضو می‌گیرد را جزو شرایط صحت نماز قرار داده شده و این امر نیز نشان دهنده پیوند آداب اجتماعی اسلام مبتنی بر اقتصاد اسلامی با نماز می باشد.

^{۵۸} - وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۲۴۶

۸- اهمیت و جایگاه نماز را از دیدگاه قرآن بیان کنید؟

نگاهی گذرا به آیات قرآن کریم گویای اهمیت زیاد نماز در این کتاب آسمانی می باشد که در اینجا جهت پاسخ به این سوال به بررسی اجمالی جایگاه و اهمیت نماز از منظر قرآن می پردازیم.

یک - معرفی نماز به عنوان فریضه ای که در هیچ حالتی از انسان ساقط نمی شود در اهمیت و عظمت نماز همین بس که خداوند، اجازه نداده است در هیچ حال و زمانی، از انسان ساقط گردد؛ چنان که می فرماید: «ان الصلاة كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً»^{۵۹}؛ «یعنی، نماز فریضه ای است که باید در مواقع و زمان های معینی انجام شود و مقصد از «کتاب موقوت» این است که نماز فریضه ثابتی است که اصلاً تغییرپذیر نیست و در هیچ حالتی ساقط نمی شود.

دو - انتخاب نماز از میان تمامی اعمال عبادی قرآن می فرماید: «وَأْمُرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ وَ أَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّقُوا»^{۶۰}؛ «و ما دستور دادیم که تسلیم پروردگار عالمیان باشیم. و (نیز به ما فرمان داده شده به) اینکه: نماز را برپا دارید! و از او بپرهیزید!...». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می فرماید: «خداوند متعال با ذکر کلمه (و اتقوه) تمامی عبادات و اعمال دین را خلاصه کرد و تنها از میان آنها نماز را اسم برد برای آن اهمیتی که داشته، و عنایتی که خداوند در امر آن دارد، زیرا اهتمام قرآن شریف نسبت به نماز جای هیچ تردید نیست»^{۶۱}.

سه - قرار دادن نماز در کنار ایمان به مبدا و معاد نماز از منظر قرآن آن قدر دارای اهمیت است که گاهی بلافاصله بعد از ایمان به مبدا و معاد مطرح شده است: «انما يعمر مساجد الله من آمن بالله و اليوم الاخر و اقام الصلاة»^{۶۲}.

چهار - معرفی نماز به عنوان بهترین عملی که انسان در قیامت از آن بهره مند می شود از نظر قرآن، بهترین عملی که انسان در قیامت، از آن بهره مند می شود، برپا داشتن نماز است: «اقیموا الصلاة و اتوا الزکاة و ما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عند الله»^{۶۳}؛ «یعنی، نمازی که در دنیا انجام می دهد و زکاتی که می پردازد سود آن نصیب خود انسان می شود؛ نه این که خداوند به اعمال بشر نیاز داشته باشد».

پنج - معرفی به عنوان یکی بهترین راههای شکرگذاری

^{۵۹} - نساء (۴)، آیه ۱۰۱

^{۶۰} - انعام (۶)، آیه ۷۱ و ۷۲

^{۶۱} - طباطبایی سید محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴

ش، پنجم، ج ۷، ص ۲۰۷

^{۶۲} - توبه (۹)، آیه ۱۲

^{۶۳} - بقره (۲)، آیه ۱۱۰

نماز در قرآن نشانه شکر و سپاس از خدا معرفی شده و بهترین عملی است که می‌توان با آن شکر و ثنای خداوند را به جای آورد. خداوند متعال بعد از آنکه نعمت کوثر را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مرحمت می‌کند، می‌فرماید: «در برابر این عطای ما برای خداوند نماز بخوان: انا اعطیناک الکوثر، فصل لربک و انحر»^{۶۴}

شش - معرفی نماز به عنوان برجسته ترین ویژگی مومنان
خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»^{۶۵}؛ «مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند»

هفت - معرفی نماز به عنوان عامل فلاح و رستگاری
از نظر قرآن، نماز عامل فلاح و رستگاری و سعادت انسان است؛ از این رو در اوصاف متقین می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ... وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^{۶۶}؛ «متقین کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می‌آورند؛ و نماز را برپا می‌دارند...؛ و آنان رستگارانند.»

هشت - قرار دادن برپایی نماز جزو برنامه حاکمان اسلامی
قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^{۶۷}؛ «همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست!»

نه - نماز وسیله جلب رحمت الهی
در آیات قرآن چنین دستور داده شده: «وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^{۶۸}؛ «و نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و رسول (خدا) را اطاعت کنید تا مشمول رحمت (او) شوید.»

ده - قرار دادن نماز به عنوان شرط برادری و اخوت اسلامی
در آیه ۱۱ سوره توبه چنین آمده: «فَإِنْ تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»^{۶۹}؛ «(ولی) اگر توبه کنند، نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، برادر دینی شما هستند؛ و ما آیات خود را برای گروهی که می‌دانند (و می‌اندیشند)، شرح می‌دهیم!»

یازده - قرار دادن نماز به عنوان یکی از اصول نیکیها

^{۶۴} - کوثر (۱۰۸)، آیه ۱ و ۲

^{۶۵} - التوبه (۹)، آیه ۷۱

^{۶۶} - بقره (۲)، آیه ۳

^{۶۷} - حج (۲۲)، آیه ۴۱

^{۶۸} - نور (۲۴)، آیه ۵۶

^{۶۹} - التوبه (۹)، آیه ۱۱

قرآن کریم می فرماید: «...ولكن البر من امن بالله و اليوم الاخر و الملكة و الكتاب و النبيين...واقام الصلوة...»^{۷۰}؛ بلکه نیکی (و نیکوکار) کسانی هستند که به خداوند و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده اند... و نماز برپا می دارند...»

دوازده - دستور به محافظت و کوشش بر نماز

از دیگر آیاتی که بیانگر اهمیت نماز در قرآن می باشد آیه ای است که دستور به محافظت بر نماز داده شده و فرموده است: «حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى»^{۷۱}؛ «بر انجام همه نمازها و - به خصوص - نماز وُسْطَى [=نماز ظهر] محافظت و کوشش نمائید.»

جزئیات نماز در قرآن

۹- با وجود اهمیت بالای نماز چرا خداوند در قرآن مهمترین شیوه راز و نیاز با خود را برای ما

شرح نداده است؟

قرآن معجزه دائمی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله است و به مثابه قانون اساسی اسلام می باشد و در قانون اساسی همان گونه که از اسم او پیداست اصول اساسی بیان می شود نه جزئیات آن، زیرا اگر بنا باشد در هر موضوعی وارد جزئیات شود و به همه سؤالات در زمینه آن موضوع پاسخ دهد، از کتاب واحد بودن خارج می شود و دائره المعارفی قطور می گردد که مراجعه و استفاده از آن کار مشکلی است، ضمن آنکه فروع و مسائل، متغیر هستند و بر حسب زمان و مکان و شرائط افراد، دچار دگرگونی می شوند و حکم ثابتی برای همه موارد وجود ندارد، لذا مناسب است کلیات احکام بیان شود و جزئیات به عهده بزرگان دین و مفسران آگاه، گذاشته شود تا بر حسب نیاز افراد در زمانهای مختلف، توسط اینها استخراج و به مردم عرضه شود.

روش آموزشی قرآن بیان کلیات و اصول عمومی است، تشریح مصادیق و جزئیات غالباً بر عهده پیامبر گرامی (ص) می باشد. رسول خدا (ص) نه تنها مأمور به تلاوت قرآن بود، بلکه در تبیین آن نیز مأموریت داشت، چنانکه می فرماید: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^{۷۲}؛ «و قرآن را بر تو فرستادیم تا آنچه برای مردم نازل شده است، برای آنها بیان کنی و آشکارسازی، شاید آنان بیندیشند. در آیه یادشده دقت کنید، می فرماید:

«تَبَيِّنْ» و نمی گوید: «لَتَقْرَأْ» یا «لِيتَلَوْ» و این نشانه آن است که پیامبر (ص) علاوه بر تلاوت، باید حقایق قرآنی را روشن کند.

^{۷۰} - بقره (۲)، آیه ۱۷۷

^{۷۱} - بقره (۲)، آیه ۲۳۸

^{۷۲} - نحل (۱۶)، آیه ۴۴

بنابراین انتظار اینکه مصادیق و جزئیات در قرآن بیاید، همانند این است که انتظار داشته باشم همه جزئیات در کتاب قانون اساسی کشور ذکر شود.

در قرآن فقط به اصول کلی اشاره شده است. مثلاً قرآن بصورت قانون کلی می فرماید: اقم الصلاه یا کتب علیکم الصیام. نماز بخوانید و روزه بگیرید. اما اینکه نماز را با چه وضعیتی و کیفیتی بخوانیم، دیگر در قرآن نیامده. اینکه در هر وقت نماز چند رکعت باشد؛ و کیفیت خواندن نماز چگونه باشد؟ این وظیفه پیامبر است. پیامبر موظف است نحوه نماز خواندن و تعداد رکعات هر وعده را همانگونه که خداوند متعال دستور داده برای مردم تبیین نمایند. کما اینکه این مساله در بسیاری دیگر از احکام نیز به همین صورت است مثلاً در خصوص زکات خداوند متعال در قرآن مقدار آن را تعیین ننموده اند و یا با وجود اینکه دستور انجام حج در قرآن آمده اما مقدار هفت دور طواف در آن ذکر نگردیده بلکه این موارد را رسول خدا (ص) برای مردم شرح داده اند.

جایگاه نماز در سیره معصومین علیهم السلام

۱۰- خیلی دوست دارم از حالات چهارده معصوم علیهم السلام در موقع نماز بدانم و اینکه آنها تا

چه اندازه به نماز اهمیت می دادند؟

روایات و نقل های تاریخی که بیانگر جایگاه و اهمیت نماز در سیره معصومین علیهم السلام می باشد بسیار می باشد که به دلیل گستردگی آنها تنها به تعداد معدودی اشاره می نمائیم.

یک - نماز رسول خدا صل الله علیه و آله

حضرت رسول صل الله علیه و آله چنان به نماز علاقه داشت که می فرمود: «من هرگز از نماز سیر نمی شوم»^{۷۳} و در جایی دیگر می فرمود: «همانا خداوند روشنی چشم مرا در نماز قرار داد و نماز را محبوب من نمود.»^{۷۴} آنحضرت هنگامی که به نماز می ایستاد چنان بی حرکت می شد که گویا جامه ای پهن شده بر روی زمین بود.^{۷۵} و با این که بی گناه بود اما از خوف خداوند چنان در نماز می گریست که جانمازش خیس می شد.^{۷۶}

رسول خدا (ص) آنقدر به نماز می ایستاد تا پاهایش متورم می شد...، به آن حضرت گفتند: ای رسول خدا! مگر خدا گناهان گذشته و آینده تو را نیامرزیده است؟ فرمود: آیا نباید خدای را بر آنچه انعام فرموده و ما را بدان آرمود سپاسگزا باشم؟^{۷۷}

^{۷۳} - بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۳۳

^{۷۴} - الکافی، ج ۵، ص ۳۲۱

^{۷۵} - بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۴۸

^{۷۶} - مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۴۰

^{۷۷} - بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۵۷

دو - نماز امیرالمومنین علی (علیه السلام)

در حالات حضرت علی علیه السلام به هنگام نماز چنین نقل کرده اند که چون وقت نماز فرا می رسید، علی (ع) به خود می پیچید و می لرزید، به او می گفتند: ای امیرالمؤمنین! تو را چه شده است؟ می فرمود: وقت ادای امانتی شده است که خداوند آن را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کرده و آنها از قبول آن ابا کردند و از آن بیمناک شدند.^{۷۸}

سه - نماز حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

حضرت زهرا سلام الله علیها نیز مانند پدر گرامیشان آنقدر به نماز می ایستاد که پاهایش ورم می کرد.^{۷۹} پیامبر خدا (صل الله علیه و آله) در وصف عبادت آنحضرت فرموده است: «و اما دخترم فاطمه (س) ... سرور زنان عالم از اولین و آخرینشان می باشد، تا اینکه فرمود: هرگاه او در محرابش در برابر پروردگار خویش به نماز می ایستد، نورش برای فرشتگان آسمان آن چنان می درخشد که مانند ستارگان برای اهل زمین می درخشد آن گاه خداوند - عزوجل - به فرشتگانش می فرماید: ای فرشتگانم! به کنیزم و سرور کنیزم فاطمه (س) بنگرید که در برابرم ایستاده است و از ترس من، بدنش می لرزد و با تمام وجودش به عبادتم برخاسته است من شما را گواه می گیرم که شیعیان را از دوزخ در امان دارم.»^{۸۰}

چهار - نماز امام حسن علیه السلام

آنحضرت به هنگام نماز بهترین جامه اش را می پوشید وقتی از او سوال می کردند که چرا بهترین لباس های خود را برای نماز پوشیده می فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ» خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد» سپس به این آیه قرآن کریم استناد می فرمود که: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^{۸۱}؛ زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید!^{۸۲} و هنگامی که به نماز می ایستاد تن مبارکش می لرزید.^{۸۳}

پنج - نماز امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام عصر نهم ماه محرم امام حسین (ع) به برادرش عباس فرمود: «اگر بتوانی لشکر دشمن را از جنگ منصرف کنی، چنین کن تا مگر امشب به درگاه پروردگاران نماز بخوانیم، زیرا او می داند که من نماز و تلاوت قرآن را دوست دارم.»^{۸۴} و فردای آن روز در بدترین شرایط جنگ ظهر عاشورا

^{۷۸} - همان، ج ۸۱، ص ۲۴۸

^{۷۹} - همان، ج ۴۳، ص ۷۶

^{۸۰} - همان، ج ۲۸، ص ۳۷

^{۸۱} - أعراف (۷)، آیه ۳۱

^{۸۲} - وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۵۵

^{۸۳} - بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۵۸

^{۸۴} - اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۸۹

هنگامی که ابو ثمامه صیداوی وقت نماز رابه امام حسین (ع) تذکر داد، امام در حق او بهترین دعا را کرد و فرمود: «نماز را به یاد آوردی، خداوند تو را از نماز گزاران یادآور قرار دهد»^{۸۵} سپس به اقامه نماز پرداختند.

ششم - نماز امام سجاد علیه السلام

امام چهارم شیعیان در شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند.^{۸۶} و هنگامی که به نماز می ایستاد، رنگ صورتش تغییر می کرد و همانند بنده ذلیل، در برابر خدا می ایستاد، و از ترس می لرزید و نمازش همیشه نماز وداع بود؛ آن چنان که گویی بعد از آن نمازی نخواهد خواند.^{۸۷}

روزی در حالی که مشغول نماز بود عبا از شانه مبارک ایشان افتاد، ولی حضرت توجهی نکرد، وقتی از نماز فارغ شد یکی از اصحاب عرض کرد: عبا ی شما از شانه تان افتاد و شما بدون توجه نماز خود را دنبال کردید، آن حضرت فرمود: وای بر تو! می دانی در برابر چه کسی ایستاده بودم؟ چنین فکری مرا از توجه به عبا منصرف ساخته بود.^{۸۸}

هفتم - نماز امام باقر علیه السلام

در حالات آن حضرت آورده اند که روزی در حالی که مشغول نماز بودند، چیزی بر سرشان افتاد حضرت به جهت تعظیم خداوند و حضور قلبی که در نماز داشت، بدون اعتنا، به نماز خویش ادامه دادند تا این که امام صادق (ع) آمد و آن چیز را از سر پدرش برداشت.^{۸۹}

هشتم - نماز امام صادق علیه السلام

آنحضرت هنگامی که به نماز می ایستاد، رنگ صورتش گاهی قرمز و گاهی زرد می شد و چنان نماز می گذارد مثل این که با کسی که با چشم او را می بیند مناجات می کرد.^{۹۰}

از حالات دیگر ائمه (علیهم السلام) به هنگام نماز روایات دیگری نیز نقل گردیده که به دلیل طولانی شدن از ذکر آنها صرف نظر می نمائیم.^{۹۱}

^{۸۵} - بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۱

^{۸۶} - همان، ج ۴۶، ص ۶۱

^{۸۷} - همان، ج ۴۶، ص ۶۱

^{۸۸} - همان، ج ۸۱، ص ۲۶۵

^{۸۹} - همان، ج ۸۱، ص ۲۵۲

^{۹۰} - همان، ج ۸۱، ص ۲۴۸

^{۹۱} - ر ک : جامع آیات و احادیث موضوعی فصل شانزدهم

۱۱- چرا خدا گفته که شما نماز رو برای خودتون می خونید ولی بهش آن قدر اهمیت داده که اگر

نخونیم مجازاتمون می کنه؟

آن چه گفته می شود که نماز برای خود انسان است یعنی نماز برای خدا سودی ندارد نه این که از سود نماز می توان چشم پوشید. بلکه بالاتر باید گفت چون این سود همان سعادت انسان است تحصیل آن لازم است و خداوند تحصیل این سعادت را بر انسان لازم کرده است و انسان را ملزم به طی مسیری نموده است که هدف از خلقت انسان تامین شود.

اما در جواب این سوال چند نکته را باید توجه داشت:

یک - هدف خداوند از خلقت انسان، رسیدن انسان به کمال و سعادت اخروی است یعنی همان رشد آگاهانه و اختیاری انسان.

دو - برای طی این مسیر و رسیدن به این رشد، نماز کارسازترین وسیله و ابزار است. به عبارت دیگر خلقت انسان به گونه ای است که این ابزار به نحو شایسته ای انسان را به این نقطه مطلوب نزدیک می کند.

سه - طی نکردن این مسیر برای انسان به معنی این است که انسان به طور تکوینی مسیری را طی کند که باطن آن سوختن و عذاب است به عبارت ساده تر خداوند عذاب جداگانه ای برای انسان بی نماز مقرر نمی کند بلکه اثر وضعی ترک نماز، عذاب است.

برای درک ارتباط نماز و جزا مطلبی را از زبان استاد مطهری نقل می کنیم. (این مطلب هر چند در مورد تناسب عمل و جزاست ولی برای فهم این که اصلاً چرا خداوند برای ترک عملی مثل نماز که سودش برای انسان است جزا) (و به تعبیر شما مجازات) در نظر گرفته است).

وی می فرماید:

بعضی از مجازاتها، تکوینی است، یعنی در نظام خلقت و طبیعت، اینکه انسان یک کاری می کند که عکس العمل یعنی نتیجه و اثرش را در همین دنیا می بیند. آدمی که مشروب می خورد، به او گفته اند مشروب نخور، وقتی خورد مجازاتش را در همین دنیا می بیند یعنی روی اعصاب، کبد و جهازات دیگرش می بیند. این واقعا مجازاتی است در همین دنیا، ولی درباره این مجازات، انسان این طور فکر می کند که آن کسی که مشروب خورده، چند لحظه مشروب خورده؟ این مجازات هم باید همین مقدار باشد. در مجازاتهای بشری است که این حسابها [در میان] می آید، می گویند این اثر این کار است. یا مثل این است که کسی بگوید آقا کنار لبه پرتگاه کوه نرو، چون لازمه این کار لغزیدن و پرت شدن است. حال یک کسی خیرگی کرد و لب پرتگاه رفت، می افتد و استخوانهایش خرد می شود [، اگر] کسی بگوید میان این جزا و این عمل تناسبی نیست، حالا من خیرگی کردم یک قدم آن طرف تر، باید اینچنین مجازات بشوم که از صدمتر کوه بیفتم پایین که تمام مغزم خرد بشود؟ می گویم اینجا وقتی می گویند جزا یعنی رابطه علت و معلول. این

کار را نکن که دنبالش این [اثر] را دارد. آن اثر فرزند و نتیجه ضروری و حتمی و جبری آن [کار] در نظام خلقت است، نمی تواند از آن جدا باشد. اگر از نوع مجازاتهای اجتماعی بود، این را می گفتند ولی در اینجا نمی گویند.

قرآن منطقی دارد که از این هم یک درجه بالاتر است. قرآن معتقد است که همین عمل انسان، نفس عمل انسان جزای اخروی است. ممکن است بگویید از نظر علمی نمی توانیم توجیه کنیم. اگر هم نتوانیم توجیه کنیم ولی قرآن این را گفته، یک روزی شاید بشر بتواند توجیه کند. عده ای معتقدند توجیه هم می توان کرد. درست است که قرآن تعبیر به ((جزا)) می کند اما جای دیگر بیان می کند و می گوید خود عمل شما همان جزاست..

فهم مفهوم کلمه مجازات مهم است، یعنی باز مسأله کیفر در ذهن نباید وارد شود، کیفر به آن معنایی که ما می گوئیم، همان مفهوم تأدیب کردن، تنبیه کردن، تشفی پیدا کردن یا تهدید کردن، اسباب عبرت دیگران فراهم کردن. عرض کردیم که نه [مفهوم مجازات اخروی] این نیست،

در مجازات تکوینی اگر ما مجازات می گوئیم، البته لفظ آن با لفظ مجازاتهای اجتماعی یکی است ولی ماهیتش دوتاست. کسی که در اثر یک هرزگی پنج دقیقه ای دچار بیماریهای سفلیس و نظیر آن می شود و بعد تا آخر عمر دامنگیرش می شود و احیانا در نسلش هم تا چند نسل ادامه پیدا می کند، ما به آن می گوئیم مجازات. در این طور موارد عرض کردیم جای این حرف نیست که کسی بگوید تناسب [وجود ندارد]، چون آن را برای این وضع نکرده اند که شما بگویید حالا که برای این وضع کرده اند می خواستند کمترش را وضع کنند. آن [مجازات] نتیجه قهری و جبری این [عمل] است، یعنی این راهی است که نهایتش آن است. شما نمی توانید به خدا اعتراض کنید که این راهی که من همین طور از این طرف در پیش می گیرم و آخرش منتهی می شود به مثلاً افغانستان، تو یک کاری بکن که من از این راه بروم ولی به افغانستان نرسم. این محال است. شما می توانید مثلاً بگویید که ای کاش من نبودم، عالمی نبود، اما نمی توانید بگویید که ای کاش من بودم، عالم هم می بود، راه هم می بود و من هم از این طرف می رفتم ولی به افغانستان نمی رسیدم. چنین چیزی محال است

اگر ما باشیم و قرآن، قرآن می گوید این خود عمل شماست نه چیز دیگر. شما می توانید از خدا این توقع را داشته باشید که من نباشم تا این عمل را ایجاد کنم و اساساً عمل ایجاد نشود، نه اینکه عمل ایجاد شود ولی خودش خودش نباشد. قرآن می گوید آن عقرب گزنده جراره قیامت که چنین تو را می گزد، همان گزیدنی است که تو در دنیا در فلان ساعت مرتکب شدی، هیچ چیزی معدوم نمی شود، هر چیزی که موجود شد یک وجهه اش معدوم می شود، یک وجهه دیگرش باقی است، وجود این جهانی اش معدوم می شود، وجود آن جهانی اش باقی است، تو خیال می کنی معدوم شد، واقعا باقی است.

قران می گوید: « و وجدوا ما عملوا حاضرا»^{۹۲}؛ «آتش قیامت همانی است که خودش افروخته»، همین عمل است، نفس عمل است که در آنجا تجسم پیدا می کند، پس چیز زائدی نیست، چون جزا با عمل دو تا نیست.^{۹۳}

اهمیت نماز در دوران جوانی

۱۲- بعضی ها می گویند بگذار تا در دوران جوانی به سر می بریم از جوانیمان نهایت لذت را ببریم

و به اصطلاح عشق دنیایمان را بکنیم، بعد که پیر شدیم توبه می کنیم و آن موقع نماز می

خوانیم؟

اولا: هیچ تضمینی برای زنده ماندن انسان ها تا یک لحظه بعد وجود ندارد چه به اینکه بخواهد انسان برای خود وعده رسیدن به دوران پیری و کهنسالی تضمین نماید.

بهترین دلیل این مدعا هم تصاویر جوانان و نوجوانانی می باشد که به بهانه های مختلف از دنیا رفته اند و دوران پیری را درک نکرده و ما هر روزه در گوشه و کنار خیابان نظاره گر تصاویر آنها می باشیم.

بنابراین این سخن تنها وسوسه از سوی شیطان برای دور کردن انسان ها از خداوند متعال می باشد.

ثانیا: از کجا معلوم که انسان موفق به توبه شود چرا که بعد از اینکه انسان به گناه عادت کرد دلش سخت شده و دیگر هیچگونه رغبتی به توبه و بازگشت پیدا نمی کند و اگر بر فرض هم موفق به توبه شد باز هیچ تضمینی بر پذیرش توبه از سوی خداوند وجود ندارد.

ثالثا: روایات نقل شده گویای آن است که خداوند متعال عبادت جوانان را بیش هر چیزی دوست دارد و عبادت در این دوران به هیچ عنوان قابل قیاس با دوران کهنسالی نمی باشد برخی از این روایات از قرار ذیل می باشد:

- مباحات خداوند به عبادت جوان

رسول خدا - صلی الله علیه وآله - : «خداوند به وجود جوان اهل عبادت بر فرشتگان مباحات می کند و می فرماید: بنده مرا ببینید! به خاطر من چگونه از لذت جسمانی خویش گذشته است.»^{۹۴}

- برابری با عبادت هفتاد و دو صدیق

رسول خدا - صلی الله علیه وآله - در توصیه به اباذر فرمودند: «ای ابوذر! هیچ جوانی ترک دنیا و لذایذ دنیا آن را نمی کند و جوانی خویش را در اطاعت و عبادت پروردگار بزرگ صرف نمی نماید، مگر آن که خداوند اجر و پاداش هفتاد و دو صدیق به او اعطاء می فرماید.»^{۹۵}

^{۹۲} - کهف (۱۸)، آیه ۴۹

^{۹۳} - مجموعه آثار کتاب معاد استاد مطهری، ج ۴، ص ۵۸۴

^{۹۴} - نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ص، ص ۳۰۳

- قرار گرفتن در سایه رحمت الهی

رسول خدا -صلی الله علیه وآله -: «خداوند هفت گروه را در سایه رحمت خود جای می دهد، روزی که سایه ای جز سایه او نیست: اول زمامداران دادگر و دوم جوانی که در عبادت خداوند پرورش یافته باشند.»^{۹۶}

- نماز در دوران جوانی

امام باقر - علیه السلام - به جوانان توصیه نموده اند: «ای طالب علم! نماز را به پادار، قبل از آن که پیری و سستی فرا رسد، که آن وقت قدرت نمازگزاردن را نداری و برای تو میسر نیست (و شاید اشاره به پس از مرگ باشد)»^{۹۷}

نیاز خدا به نماز

۱۳- خداوند چه احتیاج به نماز ما دارد که آن را واجب کرده است؟

باید بدانیم که خداوند متعال گذشته از اینکه احتیاجی به نماز بندگان ندارد، اطاعت و طغیان بندگان نیز، نفع و ضرری به او نمی رساند. قرآن مجید در این باره می فرماید: «إِنْ تَكْفُرُوا أَنتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ»^{۹۸}؛ «اگر همه مردم روی زمین کافر بشوند نقصی بر خدا وارد نیست و کمبودی برای خدا ایجاد نمی شود» و یا در آیه دیگر می فرماید: «وَمَنْ يُقَلِّبْ عَلَى عَقَبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا»^{۹۹}؛ «هر کس به جاهلیت و گمراهی پسروری کند هرگز خدا را زیان نمی رساند».

اما اینکه خداوند متعال با وجود اینکه نیازی به نماز بندگان ندارد، آن را واجب نموده به این دلیل است که، پروردگار عالمیان می داند چه چیزهایی برای بندگانش مفید بوده و می تواند سعادت اخروی او را تأمین می کند و چه چیزهایی زیان بار و نابود کننده مسیر کمال آنها می باشد؛ خداوند می داند که اگر انسان را به حال خود واگذارد، نه تنها به کمال و سعادت اخروی نمی رسد، بلکه خود را به ذلت و پستی می کشاند؛ لذا از روی محبت و لطفی که به بندگان خود دارد آنها را به انجام عباداتی همچون نماز دستور داده است.

تصور نمائید استادی، دانشجویی را به درس خواندن ملزم کند و حتی ممکن است به دلیل درس نخواندن نمره منفی دهد و یا مشروط کند و حال آن که نه به درس خواندن او نیازی دارند و نه ترک تحصیل دانشجوی، ضرری به او می رساند.

^{۹۵} - بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۸۶

^{۹۶} - نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ص، ص ۵۲۱

^{۹۷} - بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۵۱

^{۹۸} - ابراهیم (۱۴)، آیه ۸

^{۹۹} - آل عمران (۳)، آیه ۱۴۴

بنابراین آنچه در وجوب نماز وجود دارد، در واقع چیزی نیست جز لطف و رحمتی از سوی پروردگار به بندگانش، تا به این وسیله هر چه بهتر و سریعتر به کمال و سعادت دنیوی و اخروی خود برسند.

دلیل وجوب نماز

۱۴- به کدام دلیل قرآنی و روایی ثابت می کنید نماز واجب است؟

آیات و روایات بسیاری بر وجوب نماز دلالت دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می نمائیم:

الف - خداوند متعال در آیات متعددی امر به اقامه نماز نموده و فرموده است: «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ»^{۱۰۰}؛ «نماز را به پا دارید». «اقیموا» صیغه امر است و امر نیز در دستورات شرعی بر وجوب دلالت می کند.

ب - خداوند متعال فرموده است: «فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا»^{۱۰۱}؛ «و هنگامی که نماز را به پایان رسانیدید خدا را یاد کنید در حال ایستادن و نشستن و به هنگامی که به پهلو خوابیده‌اید، و هر گاه آرامش یافتید (و حالت خوف زایل گشت) نماز را (به صورت معمول) انجام دهید، زیرا نماز وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است.»

کلمه موقوف از ماده وقت است بنا بر این معنی آیه چنین است که اگر ملاحظه می کنید حتی در میدان جنگ مسلمانان باید این وظیفه اسلامی را انجام دهند به خاطر آن است که نماز اوقات معینی دارد که نمی توان از آنها تخلف کرد.

ولی در روایات متعددی که در ذیل آیه وارد شده است موقوتا به معنی ثابتاً و واجبا تفسیر شده است که البته آن هم با مفهوم آیه سازگار است، و نتیجه آن با معنی اول تقریباً یکی است^{۱۰۲}.

ج - در قرآن کریم آمده است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»^{۱۰۳}؛ «نماز را از زوال خورشید تا نهایت تاریکی شب (نیمه شب) برپا دار، و همچنین قرآن فجر (نماز صبح) را، چرا که قرآن فجر مورد مشاهده (فرشتگان شب و روز) است.»

دلوک شمس به معنی زوال آفتاب از دایره نصف النهار است که وقت ظهر می باشد، و در اصل از ماده دلک به معنی مالیدن گرفته شده، چرا که انسان در آن موقع بر اثر شدت تابش آفتاب چشم خود را میمالد، و یا از دلک به معنی متمایل شدن است چرا که خورشید در این موقع از دایره نصف النهار به سمت مغرب متمایل

^{۱۰۰} - آیاتی که خداوند متعال برای اقامه نماز از چنین تعبیری استفاده نموده بدین شرح می باشد: البقرة (۲) ۴۳؛ البقرة (۲) ۸۳؛ البقرة (۲) ۱۱۰؛ النساء

(۴) ۷۷؛ الأنعام (۶) ۷۲؛ یونس (۱۰) ۸۷؛ النور (۲۴) ۵۶؛ الروم (۳۰) ۳۱؛ المزمّل (۷۳) ۲۰

^{۱۰۱} - نساء (۴)، آیه ۱۰۳

^{۱۰۲} - مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۴، ص ۱۰۵

^{۱۰۳} - اسراء (۱۷)، آیه ۷۸

می‌شود و یا اینکه انسان، دست خود را در مقابل آفتاب حائل می‌کند، گویی نور آن را از چشم خود کنار می‌زند و متمایل می‌سازد.

به هر حال در روایتی که از منابع اهل بیت ع به ما رسیده دلوک به همین معنی زوال خورشید تفسیر شده است، در روایتی از امام صادق ع می‌خوانیم که عبید بن زراره از تفسیر همین آیه از امام، ع سؤال کرد امام فرمود: خداوند چهار نماز بر مسلمانان واجب کرده است که آغاز آن وقت زوال شمس (ظهر) و پایان آن نیمه شب است.

در روایت دیگری از امام باقر ع در تفسیر همین آیه هنگامی که زراره محدث بزرگ شیعه از آن سؤال کرد چنین فرمود: «دلوکها زوالها، غسق اللیل الی نصف اللیل، ذلک اربع صلوات وضعهن رسول الله (ص) و وقتهن للناس و قرآن الفجر صلاة الغداة»؛ «دلوک شمس به معنی زوال آن (از دایره نصف النهار) است، و غسق اللیل به معنی نیمه شب است، این چهار نماز است که پیامبر ص آنها را برای مردم قرار داد و توقیت نمود، و قرآن الفجر اشاره به نماز صبح است»^{۱۰۴}.

نماز جنیان

۱۵- آیا نماز برای جنیان نیز واجب است؟

جن - چنان که از مفهوم لغوی این کلمه به دست می‌آید - موجودی است ناپیدا که وجود آن را قرآن کریم تصدیق کرده و مشخصاتی رانیز برای آن معرفی نموده است از جمله این که:

أ - از شعله آتش آفریده شده اند^{۱۰۵}.

ب - مانند انسان دارای تکلیف و مسوولیت هستند؛ یعنی مکلف است و هدف او بندگی خداست. خداوند متعال در آیه ۵۶ سوره ذاریات می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^{۱۰۶}؛ «جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام».

ت - حساب و کتاب و جزاء دارند^{۱۰۷}.

ث - گروهی از آنها مومن و گروهی کافر و دارای افراد خوب و بدند لذا بدان آنها به جهنم می‌روند^{۱۰۸}.

^{۱۰۴} - مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۱۲، ص ۲۲۱

^{۱۰۵} - رحمن (۵۵)، آیه ۱۵

^{۱۰۶} - ذاریات (۵۱)، آیه ۵۶

^{۱۰۷} - رحمن (۵۵)، آیه ۳۱

^{۱۰۸} - در قرآن کریم در این خصوص آمده است: «قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ» گوید: به میان امتهایی که پیش از شما بوده‌اند، از جن و انس، در آتش داخل شوید. «أعراف (۷)، آیه ۳۸

ج- طائفه جن همانند تمام انسان‌ها در مسیر مراحل تکاملی و کسب سعادت دنیا و آخرت محتاج پیامبر است لذا از پیامبران الهی نمی‌توانند بی بهره باشند. از همین رو خداوند متعال برای هدایت آنها پیامبرانی ارسال نموده است.^{۱۰۹}

ح- برخی از جنیان به خدمت پیامبر اکرم رسیده‌اند و قرآن را گوش داده‌اند و به آن ایمان آورده‌اند.^{۱۱۰} و پس از پیامبر خدا (صل الله علیه و آله) تحت ولایت و امامت ائمه (ع) قرار دارند.^{۱۱۱} با توجه به مقدمه گفته شده معلوم می‌شود که نماز نیز بر جنیان واجب می‌باشد همانگونه که آیات ۱۷ و ۱۸ سوره روم نیز شاهی بر این مساله است آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ»^{۱۱۲}؛ «خدا را بستايد بدان هنگام که به شب درمی‌آييد و بدان هنگام که به صبح درمی‌آييد. سپاس او راست در آسمانها و زمين، به هنگام شب و به هنگامی که به نیمروز می‌رسید.»

برخی از مفسیرین در تفسیر این آیات با استناد به روایت ابن عباس بیان داشته‌اند:

اولاً: مراد از تسبیح و حمد که خداوند متعال در این آیات بدان دستور داده نمازهای پنجگانه می‌باشد. ثانیاً: جمله «فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» گویای آن است که این خطاب شامل تمام موجودات اعم از ملائکه، جن و انس می‌باشد.^{۱۱۳}

بنابراین همانگونه که نماز به عنوان یک عبادت بر انسان‌ها واجب است بر جنیان نیز واجب می‌باشد.

قلب پاک

۱۶- آیا کسی مسلمان باشد و نماز نخواند و بگوید مهم اینکه «انسان ذاتش پاک باشد و دل پاک

داشته باشد»!! بنابراین آیا بهتر نیست که به جای نماز ظاهری، قلب پاک داشته باشیم؟ خیلی‌ها

نماز می‌خواند اما مشکل دارند؟

در این باره اشاره به چند نکته شایان توجه است؛

۱. بدیهی است در اسلام کیفیت، بیشتر از کمیت و باطن، بیشتر از ظاهر!! مورد توجه و تاکید قرار گرفته است.

^{۱۰۹} - یا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ أَنْبَأُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۶)، آیه ۱۳۰

ای گروه جن و انس! آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند؟

^{۱۱۰} - احقاف (۴۶)، آیه ۲۹؛ جن (۷۲)، آیه ۱

^{۱۱۱} - رک به اصول کافی، ج ۱، ص ۳۹۴ روایاتی که تحت عنوان «جن به محضر ائمه (ع) می‌آیند و مسائل دینی خود را می‌پرسند» گردآوری شده است.

^{۱۱۲} - روم (۳۰)، آیه ۱۷

^{۱۱۳} - حسینی جرجانی سید امیر ابوالفتح، آیات الأحکام (الجرجانی)، تهران، انتشارات نوید، ۱۴۰۴ ق، اول، ج ۱، ص ۱۰۸

۲. تاثیرگذاری متقابل ظاهر و باطن قابل انکار نیست چنان که آراستگی چهره و لباس در نشاط و شادابی روحیه مؤثر و آلودگی لباس و بدن در تنفر درونی انسان مؤثر است. هم چنین پریشان حالی عدم رسیدگی به آرامش را به دنبال دارد و نشاط و سرحالی توجه به آراستگی و خودآرایی را در پی دارد.

۳. مهم تر از دو نکته پیش گفته آن است که حفظ ظاهر در حفاظت باطن تأثیر بسزایی دارد. چنان که به طور طبیعی پوست میوه ها در سالم نگه داشتن خود میوه و جلوگیری از نفوذ گرد و خاک ... به میوه جلوگیری می کند. به طور مثال اگر پوست موز کنده شود نگهداری آن مشکل است و اگر پوست نازک خرما می رطوبت برداشته شود به سرعت بخش اصلی خرما ترشیده و غیر قابل استفاده می شود.

همین رابطه در ظاهر و باطن عبادات وجود دارد اگر چه ظاهر شریعت، همانند پوسته است و آنچه مهم است باطن و حقیقت و پاکی قلب است؛ اما اگر ظاهر رعایت نشود چه بسا باطن به سرعت دچار آسیب شود.

البته چه بسا هر نمازخوانی پاکی قلب ممتاز نداشته باشد. اما کسی که دارای قلب پاک است اگر نماز را کنار بگذارد رفته رفته زنگار بر دل او می نشیند. اتفاقاً مهم ترین نقش نماز حفظ پاکی دل و جلوگیری از کدورت قلب است همانگونه که خداوند متعال فرموده است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^{۱۱۴}؛ «نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتیها و گناه بازمی دارد» لذا کسی که نماز نمی خواند قطعاً در برابر گناهان ایمنی نداشته و دل او با گناه آلوده شده است و بهترین دلیل آن نیز آن است که به بزرگترین دستور پرورپشگارش پشت کرده و نماز نمی خواند.

نکته پایانی این که چه کسانی از پیامبر (صل الله علیه و آله) و امامان (علیه السلام) دلشان پاک تر است؟! در حالی که این بزرگان بیش از دیگران به نماز همت داشتند بنابراین کسانی که به طور واقعی خواهان قلب پاک و پاکی در زندگی هستند از بهترین کارها «نماز» است.

تشکر از خدا

۱۷- اگر نماز تشکر از خداست و بناست از نعمتهای خداوند تشکر کنیم چرا حتما باید نماز بخوانیم

و حال آنکه می توانیم حتی موقع خواب در حالی که در رخت خواب خود دراز کشیده ایم

بصورت زبانی از خدا تشکر کنیم و لازم نیست حتما نماز بخوانیم؟

در ابتدا گفتنی است؛ نماز تنها جنبه شکرگزاری ندارد، بلکه عبادت چند منظوره است که بدون انجام دادن آن اهداف مشخص شده آن تامین نمی گردد.

^{۱۱۴} - عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۵

کارکردهای فراوان دیگری در نماز وجود دارد که تنها در پرتو اقامه نماز است که می توان آنها را محقق ساخت. کارکردهایی همچون:

۱. طهارت و پاکیزگی از طریق وضو، غسل، لباس پاک و مکان پاک؛
۲. رعایت به حلال و حرام از جهت مکان غیر غصبی، آب مباح و لباس مباح؛
۳. توجه به زمانو نظم اوقات نماز؛
۴. یادآوری اصول اعتقادی در سوره حمد و...؛
۵. ارتباط روحی و عاطفی با الگوها و اولیای الهی (انعمت علیهم - عباد الله الصالحین - ...)؛
۶. اعلام و شعار (اذان و اقامه)؛
۷. وحدت و همدلی (نماز جماعت - نماز های جمعه و عید)؛
۸. نشاط (ارتباط با آب در وضو و غسل)
۹. همگرایی و نظم اجتماعی با برگزاری نماز جماعت؛
۱۰. تحرک بدنی (قیام - رکوع و سجده)^{۱۱۵}

حال آیا می توان گفت که تنها تشکر زبانی قابلیت جایگزینی نماز را دارد؟ علاوه بر آنچه گفته شد، تشکر از خداوند نیز وقتی عملی خواهد شد که آنچه او خواسته است ما انجام دهیم؛ نه آنچه که دلمان می خواهد. چه این که روح عبادت، همانا عبودیت و بندگی است یعنی تسلیم فرمان بودن که طبیعتا باید انضباط و مقرراتی باشد تا بنده را به آن امتحان نموده، روح بندگی را در او پرورش دهند.

برای سپاسگزاری از خدا بوسیله نماز نیز شکل خاصی وجود دارد که نمی توان آنرا نادیده گرفت. خداوند متعال برای نماز آداب و خصوصیات ویژه ای قرار داده که باید رعایت شود تا عبادت و تشکر از خدا محسوب شود مثل بیان ذکرهای مخصوص با شرایط خاص و در زمان خاص و معین. بنابراین وقتی ما مامور هستیم که نماز را بپا داریم و برای نماز اوقات خاصی تعیین شده و ارکان خاصی (نیت رکوع سجود و...) قرار داده شده، نمی توانیم به سلیقه خود عمل کرده و ادعای تشکر از خداوند متعال نیز داشته باشیم!

^{۱۱۵} - مجتبی کلباسی، یکصدوده پرسش درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، نهم، ص ۱۱۴

نماز اهل حق

۱۸- برخی مانند «اهل حق»، نماز نمی خوانند و می گویند ما به جای نماز «نذر و نیاز» داریم! علت

این عقیده چیست و آیا چنین چیزی مورد قبول است؟

«اهل حق» نام یکی از فرقه های غلات [غلوکنندگان در حق امامان] است که علی الهی هم نامیده می شوند. آنان درباره امام علی (علیه السلام) راه غلو را پیموده و برای او مقام الوهیت اثبات کرده اند. البته برخی افراد این فرقه ممکن است چنین اعتقادهایی نداشته باشند.

پیروان این فرقه بیشتر در شهر کرمانشاه، شهرستان کرند غرب (منطقه دالاهو)، بخش گهواره، کوزران، سرپل ذهاب و اطراف قصر شیرین زندگی می نمایند.

بنا به اظهار برخی از علمای شیعه، بیشترین پیروان فرقه «اهل حق» جزو مستضعفین فکری مذهب شیعه می باشند که به دلیل عدم آگاهی از معارف ناب اسلامی دچار چنین اعتقاداتی گردیده اند.

در خصوص علت نماز نخواندن این فرقه باید بگوئیم: متأسفانه پیروان این فرقه دلیل محکمی برای نماز نخواندن خود ارائه ننموده اند بگونه ای که برخی از آنها در پاسخ به این سوال که چرا نماز نمی خوانند این بیت را بیان می کنند:

اگر نیاز نباشد نماز بی سود است / اگر نیاز دهی پس نماز بیهوده است

بین مردم عادی اهل حق نیز در رابطه با نخواندن نماز بهانه هایی مطرح است. مثلاً می گویند: چون علی علیه السلام را سر نماز کشتند ما نماز نمی خوانیم. یا می گویند ما چون به حقیقت رسیده ایم نیازی به نماز نداریم.^{۱۱۶}

در حالی که آیات قرآن کریم بر وجوب و اقامه نماز، به ویژه نمازهای یومیه بسیار تأکید و سفارش شده و برای آن وقتهای معینی قرار داده شده است، قرآن کریم می فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»^{۱۱۷}؛ «نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب [نیمه شب] برپا دار؛ و همچنین قرآن فجر [نماز صبح] را؛ چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است!» لذا اینگونه نیست که هر کسی به سلیقه خود زمانی را برای نماز قرار داده یا آن را ترک کند.

علاوه بر اینکه اینان ادعای پیروی از امام علی علیه السلام را دارند در حالی که حضرت علی علیه السلام تا آخرین لحظات عمر شریف خود هیچ گاه نماز را ترک نکردند.

اگر فرقه اهل حق الوهیت آن حضرت را قبول دارند باید به این سوال پاسخ دهند که آنحضرت در طول عمر خود برای چه کسی نماز خوانده و برای چه کسی سجده می کردند. و سخنان و خطبه هایی را که از

^{۱۱۶} - آشنایی با فرقه اهل حق، گروه فرق و ادیان معاونت تبلیغ و آموزش های کاربردی حوزه علمیه قم، ص ۱۴

^{۱۱۷} - عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۵

آن حضرت برای اثبات یگانگی خداوند و همچنین توصیه های اکید ایشان نسبت به اقامه نماز را چگونه توجیه می نمایند!!!

آیا کسانی که ادعا می کنند چون به حقیقت رسیده اند نماز نمی خوانند بر این باورند که حضرت علی علیه السلام تا آخر عمرشان به حقیقت نائل نشده بود که تا آخرین لحظه نماز می خواندند؟! اگر قرار بود «نیاز» بهترین جایگزین نماز باشد آیا خود آن حضرت این مساله را نمی دانستند تا این همه نماز نخوانند و حال آنکه در اواخر عمر شریفشان در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواندند^{۱۱۸}. پاسخ سوم: اگر قرار بود به بهانه اینکه حضرت علی علیه السلام در نماز کشته شد کسی نماز نخواند اولین کسانی که باید نماز را ترک می نمودند خاندان آنحضرت می باشد و حال آنکه به شهادت تاریخ و روایات فراوان، خاندان آنحضرت بیشترین اهمیت را به نماز می دادند و دیگران را نیز به نماز توصیه می نمودند به عنوان نمونه فرزندش امام حسین علیه السلام در روزی همچون عاشورا نماز را ترک نکرد و کسی مانند امام زین العابدین (علیه السلام) از کثرت سجده و نماز به «سجاده» - بسیار سجده کننده - و «زین العابدین» - زینت عبادت کنندگانه - ملقب گردید.

خدمت به جای نماز

۱۹- مگر نه اینکه با ارزش ترین اعمال خدمت به مردم است! پس اگر کسی به دیگران خدمت

بکند مثل کسانی که با اختراعات خود به مردم خدمت می کنند دیگر چه نیازی به نماز دارد!

آیا این خدمات جای نماز رو پر نمی کنه؟

بدیهی است ریشه و عامل خدمات، ارزنده تر از یک خدمت است زیرا کسی که انگیزه خدمت را در درون خود باروز کند، خدمات فراوانی را از خود بروز خواهد داد و یکی از مهم ترین آثار نماز آن است که ریشه پاکي ها و انگیزه ساز خدمات است. علاوه بر این که نباید فراموش کرد که بالاتر از خدمت به مردم خدمت به خالق و پروردگار عالمیان در روی زمین می باشد و نماز خدمت به خداوند متعال است که هیچ چیز جایگزین آن نمی شود.

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «إِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ خِدْمَتُهُ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ شَيْءٌ مِنْ خِدْمَتِهِ تَعْدِلُ الصَّلَاةَ»^{۱۱۹}؛ «پیروی و اطاعت از پروردگار خدمت کردن به او در زمین است و هیچ چیز در خدمت به پروردگار معادل نماز نیست.»

^{۱۱۸} - امام باقر علیه السلام به این مساله تصریح نموده و بیان داشته اند: «إِنَّ عَلِيَّ ع كَانَ فِي آخِرِ عُمُرِهِ يُصَلِّي فِي كُلِّ يَوْمٍ وَكَيْلَةُ أَلْفِ رُكْعَةٍ...» همانا حضرت علی علیه السلام در اواخر عمرشان در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواندند. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۹ جلد، مؤسسه آل

البيت عليهم السلام قم، ۱۴۰۹ هجری قمری، ج: ۴، ص ۹۷

^{۱۱۹} - بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۱۸۵

دستورات دین مقدس اسلام هرکدام در جای خود خوب و مناسب است و هر کدام اثر و نورانیت و کمال بخشی خاص خود را دارد. همان گونه که سیری جای تشنگی را نمی گیرد و سیرابی جایگزین گرسنگی نمی شود، در تعالیم اسلام نیز خدمت به خلق - همچون اختراعات مفید - جای نماز را نمی گیرد و نماز جایگزین خدمت به مردم نمی شود.

البته در مورد نمازهای مستحبی می توان گفت که اگر با خدمت به مردم تعارضی داشته باشد به این معنا که خواندن نماز مستحبی مانع انجام خدمت مهم و لازمی که دیگری نمی تواند آن را انجام دهد و تنها از عهده من بر می آید در این صورت خدمت به خلق حق تقدم دارد.

نکته مهم این است که معمولاً همین تعارض و تقابل میان نماز مستحبی و خدمت به خلق موردی و مختص موارد خاصی است و این گونه نیست که من همیشه نماز مستحبی و نافلة را به خاطر خدمت به مردم ترک کنم چون این خود از دام های شیطان برای محروم کردن بندگان مومن از فیض نماز مستحبی است.

در پایان خوب است این نکته را نیز یادآور شویم که خدمت به خلق دامنه وسیعی دارد و اگر چه به طور قطع هرگونه خدمت به خلق خدا هر چند به ظاهر ناچیز باشد موجب پاداش و ثواب است، چنان که پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «من رفع حجراً عن الطريق کتبت له حسنة»^{۱۲۰}؛ «هر کس سنگی را از راه مردم بردارد برای آن حسنه و ثوابی نوشته می شود».

اما اگر این خدمت از راه تعلیم و هدایت دیگران باشد، ارزش فوق العاده ای دارد؛ پیامبر اکرم به امام علی (ع) فرمود «لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ مِنْ مَشَارِقِهَا إِلَى مَغَارِبِهَا»^{۱۲۱}؛ «اگر خداوند به دست تو کسی را هدایت کند برای تو از همه چیز که خورشید بر آن طلوع و غروب کند بهتر است» و یا در خصوص خدمت به مردم در مسیر علم آموزی امام صادق (ع) فرموده اند: «مَنْ عَلَّمَ خَيْرًا فَلَهُ مِثْلُ أُجْرٍ مَنْ عَمِلَ بِهِ»^{۱۲۲}؛ «کسی که به دیگری چیزی بیاموزد برای او مثل پاداش آن که به آن علم عمل می کند پاداش هست».

^{۱۲۰} - نهج الفصاحة مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ص، ص ۷۶۹ شماره ۳۰۱۸

^{۱۲۱} - بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۶

^{۱۲۲} - الکافی، ج ۱، ص ۳۵

نماز و یوگا

۲۰- فرق نماز با یوگا چیست؟ چرا نمی شه به جای نماز اعمال یوگا را انجام داد؟

یوگا نوعی ورزش همراه با تمرکز است و از آثار معنوی-فرهنگی و تربیتی و ارتباط با مبداء هستی کاملاً تهی است در حالی که نماز جامع ترین و کامل ترین راه پرواز از جهان ماده و پیوستن به معبود و معشوق حقیقی و کمال و جمال مطلق است.

هر یک از شرائط، اجزاء، اقوال و افعال نماز دارای معانی و اسراری عظیم و در بردارنده اصول تربیتی و پیام آور فرهنگی خاص هستند که هیچ یک از آنها در یوگا وجود ندارد.

به نظر می رسد آنچه باعث این مقایسه نادرست شده چند چیز است:

الف - اینکه غالباً نمازهای ما حقیقی و با حضور قلب و آداب باطنی نیست و چون به ژرفای نماز راه نیافته و نماز در هویدای دل ما رسوخ نکرده است. با حرکات دیگری که با نگرش سطحی مشابه می نمایند یکسان انگاشته می شود.

ب - بی توجهی به اسرار و روح نماز و تعالیم و پیامدهای معنوی-تربیتی-روحانی-دنیوی و اخروی هر یک از اجزاء و شرایط آن باعث پناه بردن به ارزش هایی چون یوگا می شود. باید بدانیم که یوگا تنها یک ورزش برای تقویت بعدی از ابعاد درونی انسان است و برای عبادات و نیایش و شکرگزاری آفریدگار نیست.^{۱۳۳}

فصل سوم: مقدمات نماز

معنای وضو

۲۱- معنای وضو چیست؟ در کجای قرآن آمده که باید قبل از نماز اینگونه دست و صورت خود را

بشوئیم؟

«وضو» در لغت به معنای نظافت و پاکیزه کردن است^{۱۳۴} و در اصطلاح فقه عبارت است از: شستن مخصوص؛ که می توان آن را به دو صورت انجام داد: ترتیبی و ارتماسی.

وضوی ترتیبی بدین صورت است که به قصد قربت و اطاعت از فرمان خدا، ابتدا صورت و سپس دست راست و بعد دست چپ را بشوید. آن گاه با رطوبتی که از شستن دست بر کف آن باقی مانده، سر را مسح کرده و سپس پای راست و در پایان پای چپ را مسح نماید.

^{۱۳۳} - یکصد و ده پرسش درباره نماز، واحد پاسخگویی به سوالات نماز، زیر نظر: مجتبی کلباسی، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸ش، نهم

^{۱۳۴} - لسان العرب، واژه وضاً

وضوی ارتماسی عبارت است از فرو بردن صورت و دست‌ها در آب، به قصد وضو با مراعات شستن از بالا به پایین. گاهی ممکن است بین این دو شیوه تلفیق شود؛ به این معنا که صورت را ارتماسی و دست‌ها را ترتیبی بشوید. این شکل از وضو نیز صحیح است^{۱۲۵}.

یکی از آیات قرآن کریم مربوط به دستور خداوند متعال برای وضو گرفتن مومنان قبل از نماز می باشد در این آیه علاوه بر دستور وضو برای نماز، به کیفیت و نحوه وضو گرفتن نیز پرداخته شده است. در این آیه خداوند متعال می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^{۱۲۶}. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به (عزم) نماز برخیزید، صورت و دستهایتان را تا آرنج بشوید؛ و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین (هر دو پا) مسح کنید...».

فوائد وضو

۲۲- آثار و فواید وضو را بیان کنید؟

با نگاهی به تمامی جوانب روایات و احکام صادره از معصومین علیهم السلام در دخصوص وضو می توان به دو فایده روشن دست یافت.

الف: فوائد بهداشتی

علاوه بر احادیتی که بر فوائد بهداشتی وضو تاکید نموده و آن را از عوامل طولانی شدن عمر برشمرده اند^{۱۲۷} برخی متخصصین علوم پزشکی با دقت نظر در دستورات و احکام وضو برای این عمل عبادی فوائدی را ذکر نموده اند که به برخی از آنها از قرار ذیل می باشد:

۱- سلامت گوارشی

دانش پزشکی، امروزه عامل انتقال بسیاری از عوامل عفونی را اصطلاحاً Fecal - Oral (مدفوعی - دهانی) شناسایی کرده است که یک گروه عمده از این عوامل عفونی دارای این ویژگی هستند که پس از اجابت مزاج بر روی دست باقی می مانند و بعداً در موقع غذا خوردن و از طریق دهان وارد بدن می شوند و ایجاد بیماری می نمایند.

از این جهت امروزه در همه ممالک پیشرفته اولین اصل بهداشتی که برای مقابله با عفونتهایی گوارشی به همگان (به خصوص اطفال) آموزش داده می شود، شستشوی دستها قبل از غذا خوردن و پس از اجابت

^{۱۲۵} - توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۰-۲۳۶

^{۱۲۶} - مائده (۵)، آیه ۶

^{۱۲۷} - پیامبر اکرم صل الله علیه و آله به یکی از اصحاب خود فرمود: «أَكْثَرُ مِنَ الطَّهْرِ يَزِيدُ اللّٰهَ فِي عُمْرِكَ»؛ یعنی هر چه می توانی بیشتر طاهر (با

وضو) باش خداوند عمرت را زیادتر می کند» (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۳)

مزاج است و به این ترتیب تاثیر نظافت دستها در پیشگیری از گروه زیادی از بیماریهای عفونی باور نکردنی است.

اما فرمان وضو که در آیه شریفه ۹ از سوره مبارکه مائده در قرآن مجید، صادر شده است، به سادگی و صراحت امر به شستشوی دستان (تا آرنج) می کند و ۱۴ قرن پیش با بیان دستوری پیرامون نماز، پیام آور نکته ای می شود که علم بشری در آستانه قرن بیست و یکم به اهمیت بیش از پیش آن، دست یافته است. مقارنت اوقات نماز با سه وعده معمول غذایی (صبحانه و نهار و شام) یا حتی وعده های غذا هنگام روزه داری (سحر و افطار) سبب می شود که شخص نمازگزار، موقع انجام وضو (که معمولاً متعاقب اجابت مزاج نیز هست) خود به خود به شستشوی دستها پردازد و هر گونه عامل بیماریزای عفونی را از دستهای خویش بزدايد و در نتیجه موقع صرف غذا، هیچ عامل عفونی ناشی از دست آلوده موفق به ایجاد بیماری در بدن او نشود.

۲- سلامتی مجاری تنفسی

به علت پراکنده بودن عوامل عفونی متعدد در محیط اطراف و هوای تنفسی انسان، و با توجه به این که استنشاق میکروب از طریق بینی روش عمده انتقال این عفونتهاست، بیماریهای عفونی تنفس، بوفور بوقوع می پیوندد. این مشکلات بویژه در فصل سرما که تجمع افراد در محیطهای بسته افزایش می یابد و ویروس ها و باکتری ها امکان رشد و بیماریزایی زیادتری پیدا می کنند بیشتر می شود و به همین علت است که در فصل سرما شایعترین علت مراجعه اطفال و بزرگسالان به مطب و کلینیک های عمومی، بیماری **common cold** (سرماخوردگی) و عوارض متعدد ناشی از آن است و همانطور که اشاره شد، عمده این درگیری ها، ناشی از انتقال عامل بیماریزا از طریق بینی است.

اما از جمله مواردی که در حین وضو، مورد توصیه موکد قرار گرفته است. سه مرتبه، چشیدن و استنشاق آب سرد و پاک است.

بر این اساس چنانچه مسلمین در مقدمات نماز و حین وضو دستور اسلامی استنشاق آب سرد را اجرا نمایند، همه روزه چند نوبت میکروبهای مجرای تنفس را زدوده و مجرای تنفسی خود را تمیز و پاکیزه می نمایند و بدین ترتیب از بروز بیماریهای متعدد تنفسی در امان خواهند بود.

۳- بهداشت دهان و دندان

نقش دندانها در حفظ و زیبایی و قدرت جویدن و صحبت کردن به خوبی مشخص است و حتی نبودن دندانهای سالم و زیبا برای بانوان و دوشیزگان (بخصوص) اثرات روانی زیادی باقی می گذارد. چرا که در کتابهای علمی دندانپزشکی می خوانیم: نیمی از زیبایی بشر منوط به صورت او و از این مقدار ۲/۳ آن مربوط به دهان و دندانها است.

رعایت بهداشت دهان و دندان و پیشگیری از بیماریهای مختلف آن، از جمله پوسیدگی دندانها و بیماریهای پریودنتال (بیماریهای لثه و بافتهای پشتیبان) و.. به بهترین شکل بوسیله مسواک زدن، انجام می پذیرد. پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در خصوص مسواک زدن به هنگام وضو فرموده اند: «السواک شطر الوضوء»^{۱۲۸}؛ «مسواک کردن جزئی از وضو است» و یا در توصیه ای که به حضرت علی (علیه السلام) در این باره بیان داشته اند: «یا علی! وعلیک بالسواک عند کل وضوء»^{۱۲۹}؛ «ای علی! بر تو باد مسواک زدن به هنگام هر وضو»

بنابراین با توجه به این که نمازگزار روزانه حداقل ۳ بار وضو می گیرد، چنانچه قبل از هر وضو اقدام به مسواک زدن بکند، از حد اکثر پاکیزگی لازم برای پیشگیری از تمامی بیماریهای دهان و دندان برخوردار می شود.

۴- بهداشت پوست

یکی از شرایط صحت وضو، نبود مانع برای رسیدن آب به مواضع وضو می باشد که همین امر یعنی بررسی نبود مانع در اعضای وضو و برطرف نمودن موانع در صورت وجود آن خود نقش بسزایی در سلامت پوست ایفا می نماید.

گذشته از اینکه در وضو مواضعی همچون سر و پا مورد توجه قرار گرفته است و این دو عضو بر خلاف دست و صورت، از اعضای هستند که در بخش قابل توجهی از شبانه روز پوشانیده هستند، تا حدی که حتی خود ما نیز معمولاً توجه کمی به آنها داریم.^{۱۳۰}

اما امروزه دانش بشر، گروهی از بیماریها را می شناسد که شروع تظاهرات این بیماریها از پوست سر و پاها است. بعنوان مثال برخی بیماریهای قارچی پوست از حد فاصل میان شصت و دیگر انگشتان پا آغاز می گردد که اتفاقاً درست محل این ناحیه مسح واجب دارد و به همین ترتیب مسح سر نیز می تواند توجه انسان را به آلودگی یا ضایعه عفونی در مو و پوست سر توجه دهد و در نتیجه انسان را برای رفع آن به اقدام وادارد.

در ضمن وجوب مسح سر و پا فرصتی است برای برداشته شدن پوشش پا و سر و در معرض هوا و اکسیژن قرار گرفتن این اعضا که علاوه بر شادابی پوست، به نوبه خود مانع رشد ارگانیزم های بی هوازی در منافذ پوست خواهد شد.^{۱۳۱}

۵- تسکین اعصاب و روان

^{۱۲۸} - بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۳۶

^{۱۲۹} - اصولی کافی، ج ۸، ص ۷۹

^{۱۳۰} - پوشش پا به صورت جوراب و کفش امروزه در اکثر فرهنگها متداول شده است و پوشش سر به صورتهای مختلف از کلاه ایمنی، کلاه آشپزی،

کلاه جراحی، چادر و عمامه گرفته تا کلاه و روسری معمولی از دیر باز معمول بوده است.

^{۱۳۱} - برای کسب اطلاع بیشتر در این خصوص رجوع کنید به ۴۰ نکته پزشکی پیرامون نماز، دکتر مجید ملک محمدی

از دیگر فوایدی که می توان برای وضو برشمرد نقش آرامش بخشی آن می باشد چراکه تماس آب با پوست بدن اثر خاصی در تعادل اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک دارد^{۱۳۲} به خصوص اگر این عمل با آب سرد صورت پذیرد لذا می بینیم رسول خدا (صل الله علیه و آله) توصیه نموده اند به هنگام خشم انسان با آب سرد وضو بگیرد^{۱۳۳}.

ب: فوائد معنوی

علاوه بر فوائد بهداشتی وضو از سوی ائمه معصومین علیهم السلام نیز فوائد معنوی متعددی برای آن ذکر گردیده است که در اینجا به نمونه هایی از این موارد اشاره می گردد:

۱- موجب سفید روئی در قیامت

پیامبر خدا صل الله علیه و آله در پاسخ به فردی در خصوص وصف مومنان و کافران در قیامت فرمودند: «أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَعُرٌّ مُّحَجَّلُونَ مِنْ أَثَرِ الْوُضُوءِ وَالسُّجُودِ وَأَمَّا الْكَافِرُونَ فَمُسْوَدُونَ الْوُجُوهُ فَيُؤْتَى بِهِمْ إِلَى الصِّرَاطِ»^{۱۳۴}؛ «مؤمنان درخشان و روسفید بر اثر وضوء و کافران سیاه رویند و آنها را بر کنار صراط آرند»

۲- درک ثواب شهداء

پیامبر خدا (صل الله علیه و آله) در ادامه روایت قبلی با تاکید بر دائم الوضوء بودن می فرماید: «إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى طَهَارَةٍ فَأَفْعَلْ فَإِنَّكَ تَكُونُ إِذَا مِتَّ عَلَى طَهَارَةٍ مِتَّ شَهِيداً»^{۱۳۵}؛ «اگر می توانی همیشه با وضو باشی این عمل را ترک نکن چرا که ملک الموت آنگاه که روح بنده ای را که با وضو باشد او را شهید محسوب خواهد نمود.»

۳- بخشش گناهان

از دیگر اسرار وضو بخشش گناهان می باشد امام باقر (علیه السلام) در این خصوص فرموده اند: «ثَلَاثٌ كَفَّارَاتٌ فَاسْتَبَاغُ الْوُضُوءِ فِي السَّبْرَاتِ وَالْمَشْيُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَى الْجَمَاعَاتِ وَالْمُحَافَظَةُ عَلَى الصَّلَوَاتِ»^{۱۳۶}؛ سه چیز است که جبران کننده و محو کننده گناه است: کامل گرفتن وضو در هوای بسیار سرد، راه رفتن در شب و روز به سوی جماعت های اسلامی (نماز جماعت و جمعه)، مراقبت بر انجام صحیح نمازها.»

۴- ثواب شب زنده داری

^{۱۳۲} - مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۴، ص ۲۹۱

^{۱۳۳} - الحکم الزاهرة با ترجمه انصاری، ص ۵۸۶

^{۱۳۴} - بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۶۰

^{۱۳۵} - بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۶

^{۱۳۶} - معانی الاخبار، ص ۳۱۴

اگر کسی قبل از رفتن به رختخواب وضو بگیرد مانند کسی می ماند که تمام شب پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: « مَنْ بَاتَ عَلَى طَهْرٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ »^{۱۳۷}؛ « کسی که شب را با وضو بیارامد، گویی که تمام شب را به احیاء و عبادت گذرانده است ».

۵- مانع از تجاوز به حقوق دیگران

فلسفه دیگر وضو این است که رعایت شرایط وضو موجب می گردد تا مسلمان ها از تجاوز به حقوق دیگران پرهیز نمایند، چراکه از شرایط صحت وضو غصبی نبودن آب و همینطور ظرف وضو می باشد، لذا برای اینکه مسلمانی بتواند این وظیفه دینی را بطور صحیح ادا نماید لازم است مراقب اعمال و رفتار خود بوده و از تجاوز به حقوق دیگران پرهیز نمایند.

فلسفه وضو

۲۳- فلسفه وضو چیست؟

در خصوص فلسفه وضو با استفاده از روایات اهل بیت علیهم السلام می توان امور زیر را بیان کرد:

تقویت روحیه تعبد و بندگی

یکی از مهمترین فلسفه های تمامی دستورات الهی از جمله وضو تقویت روحیه تعبد و بندگی می باشد چراکه به وسیله همین فرامین است که میزان اطاعت پذیری و بندگی ایمان آوردندگان در برابر خداوند متعال ظهور و بروز می نماید^{۱۳۸}، هر چند علت اصلی این دستورات برایشان مخفی و پوشیده باشد^{۱۳۹}. لذا خداوند متعال در قرآن فرموده است: « مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ »^{۱۴۰}؛ « آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است ».

از همین رو یکی از فلسفه هایی که در احادیث اهل بیت (علیهم السلام) برای دستورات الهی از جمله وضو بدان تصریح شده، تقویت روحیه تعبد و بندگی نسبت به فرامین الهی می باشد، امام باقر علیه السلام فرموده اند: « إِنَّمَا الْوُضُوءُ حَدٌّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يُطِيعُهُ وَمَنْ يَعْصِيهِ »^{۱۴۱}؛ « وضوء یکی از حدود دستورات الهی است که خداوند برای شناسایی مطیع و عاصی آن را واجب فرموده است ».

^{۱۳۷} - أمالی الصدوق، ص ۳۴

^{۱۳۸} - البته این نکته را نباید فراموش کرد پذیرش تعدی فروع دینی و احکام الهی یک مرحله پس از آن است که بر اساس مبانی عقلی صحت اصول اولیه ای دین برای افراد به اثبات رسیده باشد

^{۱۳۹} - البته این مساله به معنای ممانعت از پرسشگری و همچنین پاسخ گو نبودن اسلام در فرامین و دستورات الهی نیست، چراکه معصومین علیهم السلام علاوه بر تشویش مسلمانان به تفقه و تدبیر در مسائل دینی در احادیث متعددی به تبیین فلسفه احکام الهی پرداخته اند. به عنوان نمونه می توانید به کتاب علل الشرائع که مجموعه ای از این قبیل روایات بوده و توسط شیخ صدوق (ره) گردآوری شده مراجعه نمایید.

^{۱۴۰} - حشر (۵۹)، آیه ۷

^{۱۴۱} - علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۷۹

آراستگی

از دیگر مسائلی که در روایات در خصوص فلسفه وضو بدان اشاره شده طهارت و پاکیزگی ظاهری می باشد امام رضا علیه السلام در توجیه یکی از شاگردان خود چنین می فرماید: «فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ فَلِمَ أُمِرَ بِالْوُضُوءِ وَ بَدِيَ بِهِ قِيلَ لِأَنَّهُ يَكُونُ الْعَبْدُ طَاهِرًا إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ عِنْدَ مُنَاجَاتِهِ إِيَّاهُ مُطِيعًا لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ نَقِيًّا مِنَ الْأَذْنَابِ وَ النَّجَاسَةِ...»^{۱۴۲}؛ «اگر کسی بگوید چرا خداوند امر فرمود به وضو و به آن آغاز کرد؟ پاسخ می گوئیم: برای آنکه عبد در مقام مناجات و گفتگو و در حال ملاقات با خالق پاک و طاهر باشد.» البته همین طهارت ظاهری زمینه ساز طهارت باطنی است لذا امام رضا (علیه السلام) در تبیین یکی دیگر از فلسفه های وضو طهارت باطنی را مورد توجه قرار داده و فرموده اند: «بدان جهت به گرفتن وضو امر شده که... دل را برای قیام در حضور حضرت پروردگار پاکیزه می سازد»^{۱۴۳}.

نشاط و شادابی

یکی دیگر از فلسفه های وضو ایجاد آمادگی و نشاط برای قرار گرفتن در حضور پروردگار به هنگام مناجات با خداوند می باشد. در این باره نیز امام هشتم علیه السلام فرموده اند: «بدان جهت به گرفتن وضو امر شده که... کسالت و خواب را از آدمی دور می کند»^{۱۴۴}.

اعضای وضو

۲۴- چرا وضو به این شکل است و تنها این چند عضو مورد توجه قرار گرفته اند؟

این سوال از دو منظر قابل پاسخ گویی می باشد:

الف: نقش معنوی شستشو و مسح این اعضا در نماز

بر اساس حدیثی که از امام رضا علیه السلام در خصوص چرایی شکل خاص وضو و اینکه چرا در وضو تنها این چند عضو مورد توجه ویژه قرار گرفته اند می توان گفت مهمترین دلیل توجه خاص به این چند عضو در وضو آن است که تمامی این اعضا در نماز به کار گرفته می شوند، چرا که انسان به هنگام نماز با صورت سجده می کند. با دست از ذات خداوند متعال درخواست می کند و با سر در رکوع و سجود به خدا رو می آورد و در نماز با پاها برمی خیزد و می نشیند.^{۱۴۵}

ب: فوائد جسمی شستشو و مسح اعضای وضو

^{۱۴۲} - علل الشرائع، ج ۱ ص ۲۵۷

^{۱۴۳} - همان، ج ۲، ص ۱۰۴

^{۱۴۴} - عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۰۴ و میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، أسرار الصلاة، رضا رجب زاده، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۸ شمسی، هشتم، ص

۵۶

^{۱۴۵} - همان

علاوه بر آثار معنوی گفته شده با پیشرفت دانش بشری نتایج جالبی در خصوص شستن و مسح این چند عضو خاص به دست آمده است که به یکی از موارد آن اشاره می‌نمائیم.

امروزه، دانش نوروفیزیولوژی (Neurophysiology) و شاخه‌های مختلف این علم از جمله نوروسایکولوژی (Neuropsychology) که به بررسی کارکرد سیستم عصبی می‌پردازد، به پیشرفت‌های چشمگیری نایل آمده است.

از دیدگاه علم فیزیولوژی، مغز یک سیستم رایانه‌ای فوق‌العاده پیشرفته است و مانند رایانه دارای مسیرهای ورودی (راه‌های حسی)، بخش ذخیره اطلاعات (حافظه)، بخش تحلیل اطلاعات و نتیجه‌گیری (تفکر) و مسیرهای خروجی (راه‌های حرکتی) می‌باشد. اطلاعات دیداری، شنیداری، چشایی، لامسه و غیره از طریق راه‌های حسی وارد مغز شده در حافظه ذخیره می‌شوند و یا مورد تحلیل قرار می‌گیرند آنگاه فرامین خروجی از طریق راه‌های حرکتی به اعضا منتقل می‌گردند و اعضا را وادار به عمل می‌سازند.

دسته‌ای از حواس هستند که در سرتاسر بدن وجود دارند و به عضو خاصی اختصاص ندارند، به اینها اصطلاحاً «حواس پیگری» گفته می‌شود. مانند لامسه، درد، حس سرما و گرما، حس فشار، حس ارتعاش و امثال آنها. برای اینکه این حواس ادراک شوند باید به منطقه ویژه‌ای از قشر خاکستری مغز به نام «قشر حسی» مخابره شوند. حس هر بخشی از بدن به قسمت خاصی از قشر حسی ارسال می‌شود. به عبارت دیگر هر قسمت از قشر حسی به بخش معینی از بدن مرتبط است. پس در قشر حسی بخش‌های متناظری با اعضا بدن وجود دارند و اگر نقشه آنها را طراحی کنیم دقیقاً شکل یک آدمک بدست می‌آید که آنرا «آدمک حسی» یا (Sensory homonculus) نامیده‌اند. صورت و دست‌های این آدمک حسی بسیار بزرگ است، در حالی که تنه، ران‌ها و ساق پاهای آن بسیار کوچک هستند. همچنین کف پای آدمک نیز بزرگ است. در آدمک حسی، اعضای که بزرگتر هستند، حساسیت بیشتری دارند. به همین جهت است که حساسیت دست و صورت انسان، بیش از پا و تنه است. در صورت و دست تعداد گیرنده‌های حسی فراوان‌تر است و این اعضا گرچه نسبت به کل بدن کوچک هستند؛ اما پیام‌های عصبی زیادی به قشر مغز مخابره می‌کنند. لذا دقت حسی این بخش‌ها بالاتر می‌باشد و تصویر آنها در آدمک حسی بزرگ است.

اگر ما، به نقشه دقیق آدمک حسی توجه کنیم، به راحتی درمی‌یابیم که اعضا بزرگ آدمک حسی تقریباً همان اعضای هستند که در هنگام وضو گرفتن، مرطوب می‌شوند و عبارتند از صورت، دست‌ها و پاها (از مچ تا انگشتان).

با توجه به نقشه آدمک حسی، روشن است که وقتی در جریان وضو، داخل دهان، صورت، ساعدها، کف دست‌ها، جلوی سرو روی پاهای آدمک حسی، تحریک شوند، قسمت اعظم قشر حسی، تحریک می‌شود و هوشیاری به سطح بالایی می‌رسد، در حالی که فقط چیزی، حدود ۲۰٪ از سطح بدن مرطوب شده است. اگر شخص به عوض وضو گرفتن تمامی بدن خود (یعنی ۵ برابر مساحت وضو) را می‌شست، چیز زیادی

بر تحریک ناشی از وضو، افزوده نمی‌شد؛ به عبارت دیگر، اگر برنامه وضو به گونه فعلی نبود و مناطق دیگری از بدن شسته می‌شدند، چنین اثری بدست نمی‌آمد. پس وضو، با مرطوب کردن ۲۰٪ از سطح بدن، تقریباً کار مرطوب کردن تمام بدن را انجام می‌دهد و این موضوع واقعاً یک معجزه است. در حقیقت، شرع مقدس خواسته است، با سهل‌ترین عمل و کمترین زحمت، بیشترین اثر حاصل آید که همانا نشاط و توجه کافی برای بجا آوردن نماز است. اما بهترین شیوه تحریک حسی، به منظور تولید نشاط، استفاده از آب است؛ زیرا هم بی‌خطر بوده و هم بهداشتی است و به علاوه، از لحاظ روانی هم خوشایند است.^{۱۴۶}

شستن دست و صورت

۲۵- چرا خداوند متعال شستن سر و پا را مانند شستن دست و صورت واجب نکرده؟

امام رضا (علیه السلام) در پاسخ به این سوال فرموده اند: (این موضوع) علت‌های بسیار دارد از جمله آن که: عبادت عبارتست از رکوع و سجود و این دو با صورت و دو دست صورت می‌گیرد نه با سر و پاها لذا صورت و دو دست لازم است شسته شوند و بدین وسیله طهارت و نظافت بیشتری پیدا می‌کنند. دیگر آن که: شستن سر و پاها در تمام اوقات نماز از طاقتمردم خارج بوده و تکلیف به آن در همه حالات سرما و گرما، سفر و حضر، مرض و صحّت و جمیع ازمان، شب و روز تکلیف شاقی است و شستن صورت و دست‌ها از شستن سر و پاها راحت‌تر است و حال آنکه عبادات واجب بر اساس طاقتمردم ضعیف‌ترین افراد سالم، واجب گردیده و سپس عمومیت داده شده و اشخاص قوی را نیز شامل گردیده است.

و یکی دیگر از علت‌های آن نیز این است که سر و پاها در تمام اوقات همچون صورت و دست‌ها منکشف و ظاهر نبوده بلکه با عمامه و کلاه و کفش یا چیزهای دیگر (همچون کلاه و جوراب) پوشیده هستند (که قهراً از آلودگی مصون‌تر و محفوظ‌تر می‌باشند لذا شستن آنها چندان لزومی ندارد)^{۱۴۷}.

^{۱۴۶} - دکتر سید علی مرعشی، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۲۶ آذر ۱۳۷۷، شماره ۲۱۵۱۳، ص ۷، در مقاله ای با عنوان: حکم قرآنی وضو و ساختمان

مغز؛ مجله بشارت، مهر و آبان ۱۳۷۷، شماره ۷

^{۱۴۷} - علل الشرائع-ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۱۷

تأثیر مسح وضو

۲۶- مگر کشیدن مقداری اندک رطوبت دست به سر و پا چه تأثیری در طهارت دارد؟

همانگونه که می دانید صحت وضو تنها منوط به شستن یا مسح نمودن برخی از اعضای بدن نیست بلکه زمانی می توان گفت این عمل عبادی بطور صحیح صورت پذیرفته که شرایط و مقدمات صحت آن نیز رعایت شود.

از شرایط و مقدمات صحت وضو که در رساله های عملیه نیز ذکر گردیده^{۱۴۸} آن است که اعضای وضو پاک بوده و مانعی از رسیدن آب بر اعضای وضو نباشد. بنابراین کسی که قصد دارد وضو بگیرد نسبت به حداقل طهارت و پاکیزگی در اعضای وضو از جمله سر و پا دقت می نماید و با برطرف کردن نجاست و موانع وضو اقدام به طهارت سر و پا نموده و در نهایت با کشیدن رطوبت دستان خود به سر و پا بر این طهارت و پاکیزگی می افزاید.

وضو بعد از غسل

۲۷- اگر مراد از وضو گرفتن، طهارت ظاهری است؟ چرا انسان بعد از استحمام و تمیز شدن بدن

باید برای نماز وضو بگیرد؟

اگر چه استحمام نیز مانند وضو باعث نظافت و طهارت ظاهری بدن می شود اما - همانگونه که در پاسخ به فلسفه وضو گفته شد - وضو تنها برای تمیز شدن ظاهر بدن نیست، بلکه این عمل علاوه بر طهارت ظاهری در طهارت باطنی انسان نیز نقش ایفا می کند و از همه بالاتر به عنوان یک عمل عبادی خاص باید با نیت الهی و شرایط مخصوصی صورت پذیرد.

بنابراین باید گفت استحمام اگر چه باعث تمیزی بدن انسان شده و در جای خود امری پسندیده است، اما به دلیل فقدان جنبه های معنوی و عبادی و اسرار معنوی نهفته در وضو نمی تواند جایگزین وضو گردد و لازم است انسان برای نماز وضو بگیرد.

تفاوت وضوی زن و مرد

۲۸- چرا در وضو مردان باید از پشت آرنج آب بریزند ولی خانمها باید از قسمت تای دست (جلو)

اینکار را انجام دهند؟

قبل از پاسخ به این سوال باید دانست؛ تفاوت ریختن آب روی دست ها میان مردان و خانم ها، مستحب است و اگر هر دو از پشت آرنج و یا جلو دست آب بریزند وضو باطل نیست.

^{۱۴۸} - ر. ک به رساله عملیه، شرایط وضو

شارع مقدس برای صیانت زن از نگاه مردان و حفظ عفت و حیای آنها، دستوراتی واجب یا مستحبی را در وضو و نماز داده است؛ آب ریختن به دست ها از داخل آرنج هنگام وضو و یا گذاشتن آرنج ها و شکم بر زمین و چسباندن اعضای بدن به یکدیگر هنگام سجده و... همگی در این راستا است. علاوه بر اینکه رعایت استحباب این مساله در وضو موجب می شود همیشه مردان و زنان میان خود تفاوتی قایل بشوند و در نتیجه حفظ حریم ها به عنوان یک رفتار هنجار در جامعه نهادینه شود. بر خلاف آنچه جریان سازی فمینیسم به دنبال آن است که مرز حریم های میان زن و مرد را از بین ببرد و ناهنجاریهای فراوانی حتی به طور ناخواسته در جامعه بوجود آید.

غسل جنابت

۲۹-قبول دارم که غسل یک فرمان الهی است اما چرا اسلام دستور می دهد که به هنگام جنب شدن

تمام بدن را بشویند در حالی که فقط عضو معینی آلوده می شود؟

در ابتدا گفتنی است؛ در بدن انسان دو سلسله اعصاب نباتی وجود دارد که تمام فعالیت های بدن را کنترل میکنند "اعصاب سمپاتیک" و "اعصاب پاراسمپاتیک" این دو رشته اعصاب در سراسر بدن انسان و در اطراف تمام دستگاه ها و جهازات داخلی و خارجی گسترده اند، وظیفه اعصاب سمپاتیک "تند کردن" و به فعالیت واداشتن دستگاه های مختلف بدن است، و وظیفه اعصاب "پاراسمپاتیک" کند کردن" فعالیت آنهاست، در واقع یکی نقش "گاز" اتومبیل و دیگری نقش "ترمز" را دارد، و از تعادل فعالیت این دو دسته اعصاب نباتی، دستگاه های بدن بطور متعادل کار میکند.

گاهی جریان هایی در بدن رخ میدهد که این تعادل را بهم میزند، از جمله این جریانه ها مسئله "ارگاسم" (اوج لذت جنسی) است که معمولا مقارن خروج منی صورت میگیرد.

از جمله اموری که میتواند اعصاب سمپاتیک را بکار وادارد و تعادل از دست رفته را تامین کند تماس آب با بدن است و از آن جا که تاثیر "ارگاسم" روی تمام اعضای بدن بطور محسوس دیده میشود و تعادل این دو دسته اعصاب در سراسر بدن بهم میخورد دستور داده شده است که پس از آمیزش جنسی، یا خروج منی، تمام بدن با آب شسته شود و در پرتو اثر حیات بخش آن تعادل کامل در میان این دو دسته اعصاب در سراسر بدن برقرار گردد.

امام علی بن موسی الرضاع فرموده اند: «ان الجنابة خارجة من کل جسده فلذلک وجب علیه تطهیر جسده کله»^{۱۴۹}؛ «جنابت از تمام بدن بیرون می آید و لذا باید تمام بدن را شست»

البته فایده غسل منحصر به این نیست بلکه غسل کردن علاوه بر این یک نوع عبادت و پرستش نیز میباشد که اثرات اخلاقی آن قابل انکار نیست و به همین دلیل اگر بدن را بدون نیت و قصد قربت و اطاعت فرمان

^{۱۴۹} - وسائل الشیعه جلد اول صفحه ۴۶۶

خدا بشویند غسل صحیح نیست در حقیقت به هنگام خروج منی یا آمیزش جنسی، هم روح متأثر می‌شود و هم جسم، روح به سوی شهوات مادی کشیده می‌شود، و جسم به سوی سستی و رکود، غسل جنابت که هم شستشوی جسم است و هم به علت اینکه به قصد قربت انجام می‌یابد شستشوی جان است، اثر دوگانه‌ای در آن واحد روی جسم و روح می‌گذارد تا روح را به سوی خدا و معنویت سوق می‌دهد، و جسم را بسوی پاکی و نشاط و فعالیت.

از همه اینها گذشته، وجوب غسل جنابت یک الزام اسلامی برای پاک نگه داشتن بدن و رعایت بهداشت، در طول زندگی است زیرا بسیاری کسانی که از نظافت خود غافل می‌شوند ولی این حکم اسلامی آنها را وادار می‌کند که در فواصل مختلفی خود را شستشو دهند و بدن را پاک نگاهدارند، این موضوع اختصاصی به مردم اعصار گذشته ندارد، در عصر و زمان ما نیز بسیاری کسانی که به علل مختلفی از نظافت و بهداشت تن غافل می‌شوند ولی این حکم اسلامی آنها را وادار می‌کند که در فواصل مختلفی خود را شستشو دهند و بدن را پاک نگاه دارند.

مجموع جهات سه‌گانه فوق روشن می‌سازد که چرا باید به هنگام خروج منی (در خواب یا بیداری) و همچنین آمیزش جنسی (اگر چه منی خارج نشود) غسل کرد و تمام بدن را شست.^{۱۵۰}

غسل جایگزین وضو

۳۰- چرا از دیگر غسلها (مستحب و واجب) به جز غسل جنابت نمی‌توان بدون گرفتن وضو نماز

خواند؟

علت این امر بازگشت به روایاتی می‌نماید که در این زمینه نقل گردیده و در آن بر این نکته تصریح می‌نماید که تنها با غسل جنابت است که می‌توان بدون وضو نماز خواند.

به عنوان نمونه امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده اند: «كُلُّ غَسَلٍ قَبْلَهُ وَضُوءٌ إِلَّا غَسْلَ الْجَنَابَةِ»؛ «قبل از همه غسل‌ها وضو است الا در غسل جنابت» و یا در جای دیگر فرموده اند: «فِي كُلِّ غَسَلٍ وَضُوءٌ إِلَّا الْجَنَابَةَ»؛ «در همه غسل‌ها وضو است الا در غسل جنابت»

البته این حکم یعنی «کافی بودن غسل جنابت از وضو و عدم آن در مورد سایر غسل‌ها» مورد اتفاق نظر همه علما نیست بلکه فتوای برخی مراجع تقلید این است که برخی دیگر از غسل‌ها و حتی برخی غسل‌های مستحبی نیز جایگزین وضو می‌شود.^{۱۵۱} در این زمینه به سوال و جوابی که در خصوص این مساله از مراجع صورت پذیرفته توجه فرمایید:

^{۱۵۰} - مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۴، ص ۲۹۲

^{۱۵۱} - برای این ادعا فقها مباحث اصولی و فقهی گوناگونی بیان می‌کنند که برای دیدن تفصیل این مباحث می‌توانید به کتب مفصل فقهی زیر مراجعه

با چه غسل‌هایی می‌توان نماز خواند؟

آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای و صافی: تنها با غسل جنابت می‌توان نماز خواند؛ ولی با غسل‌های دیگر باید وضو هم گرفت^{۱۵۲}.

آیت‌الله مکارم: با همه غسل‌های واجب و مستحب، می‌توان نماز خواند و گرفتن وضو واجب نیست. اما احتیاط مستحب آن است که در غیر غسل جنابت، وضو هم بگیرد^{۱۵۳}.

آیت‌الله فاضل: با همه غسل‌های واجب - غیر از غسل استحاضه متوسطه - می‌توان نماز خواند؛ اگر چه احتیاط مستحب آن است که [در غیر غسل جنابت] وضو هم بگیرد^{۱۵۴}.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، نوری و وحید: با همه غسل‌های واجب و مستحب - غیر از غسل استحاضه متوسطه - می‌توان نماز خواند؛ اگر چه احتیاط مستحب آن است که [در غیر غسل جنابت] وضو هم بگیرد^{۱۵۵}.

خجالت از انجام غسل

۳۱- در مورد جاهایی که انسان نسبت به انجام غسل جنابت خجالت می‌کشد و نماز نمی‌خواند،

برای خواندن نماز لطفاً راه حلی ارائه نمایید؟

این مساله یکی از مشکل‌های رایج بین جوانان و نوجوانان می‌باشد که در موقعیت‌های مختلف دچار آن می‌شوند به عنوان نمونه برخی از نوجوانان که در ابتدای سن بلوغ می‌باشند به هنگام محتلم شدن از اینکه بخواهند ابتدای صبح به حمام بروند خجالت می‌کشند و یا برخی دیگر وقتی به مسافرت می‌روند و مهمان کسی هستند اگر محتلم شوند از اینکه بخواهند میزبان را در جریان گذاشته و از حمام استفاده نمایند خجالت می‌کشند و گروهی نیز این مشکل را در دوران نامزدی تجربه می‌کنند و از اینکه در منزل پدر زن به حمام بروند احساس شرم و حیا می‌کنند.

برای حل این مشکل سه راه حل مشخص وجود دارد:

راه حل ابتدایی: از آنجا که در انجام احکام الهی (مثل غسل جنابت) شرم و حیا و خجالت عذر برای ترک وظیفه شرعی حساب نمی‌شود لذا در مرحله اول چنین فردی می‌تواند با کنار گذاشتن خجالت برای انجام

- مختلف الشیعه فی احکام الشریعه ج ۱ ۳۲۱ الفصل الثانی فی غسل الجنابة

- مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (ط-الحديثه) ج ۱ ۱۷۵ فی أن غسل الجنابة كاف عن الوضوء

^{۱۵۲} - توضیح المسائل مراجع، ۳۹۱ و ۶۴۶

^{۱۵۳} - همان، م ۳۹۱ و ۶۴۶.

^{۱۵۴} - همان، م ۳۹۱ و ۶۴۶.

^{۱۵۵} - همان، م ۳۹۱ و ۶۴۶؛ آیت‌الله وحید، توضیح المسائل، م ۳۹۷ و آیت‌الله نوری، توضیح المسائل، م ۳۹۲ و ۶۴۷.

غسل اقدام نماید و در صورت مهمان بودن با درمیان گذاشتن این مساله به همراهان و یا فرزندان پسر میزبان و یا خود میزبان رسماً نیاز به استحمام را ابراز نماید.

البته ناگفته نماند اگرچه ممکن است چنین مساله ای برای اولین بار سخت جلوه نماید اما در دفعات دوم به بعد عادی خواهد شد اما این را هم باید دانست که چنین شخصی با این کار خود عملاً اهمیت حکم الهی را بیان می کند و ایمان را به دیگران آموزش می دهد و دیگران را نیز ترغیب می نماید که در همه ی موارد حکم خدا را رعایت کنند.

راه حل دیگر: راه دیگر آن است که در چنین مواقعی به بهانه‌ای - مثل خواندن نماز جماعت در مسجد - از منزل خارج شده و از حمام‌های عمومی در سطح شهر استفاده نمائید.

راه حل نهایی: گاهی اوقات شرایط خاصی اجازه عملی نمودن دو راهکار قبلی را نمی دهد مثل اینکه میزبان دارای دخترانی می باشد و رفتن به حمام زمینه بدبینی و یا سوء ظن وی را فراهم می نماید و یا اینکه حمام رفتن در منزل پدر زن زمینه بروز مشکلاتی را فراهم می نماید

لذا از آنجا که در صورت وجود وقت کافی برای غسل و نماز، تیمم بدل از غسل باطل است ولو اینکه به خاطر خجالت کشیدن باشد اما به عنوان راه حل نهایی می توان صبر نمود تا وقت نماز تنگ شود سپس تیمم نموده و بعد از تطهیر بدن و لباس، نماز بخواند. در اینصورت اگر چه چنین فردی بدلیل تاخیر نمودن گناه کرده اما تیمم او در آن هنگام صحیح است و نمازش نیز صحیح می باشد^{۱۵۶}.

فایده تیمم

۳۲- تیمم چه فایده ای دارد؟ آیا این عمل منافاتی با بهداشت ندارد؟

برای تیمم دو فایده مهم قابل تصور است:

فایده اخلاقی

تیمم یکی از عبادات است، و روح عبادت به معنی واقعی کلمه در آن منعکس می‌باشد، زیرا انسان پیشانی خود را که شریفترین عضو بدن او است با دستی که بر خاک زده، لمس می‌کند تا فروتنی و تواضع خود را در پیشگاه او آشکار سازد.

فایده بهداشتی

امروز ثابت شده که خاک به خاطر داشتن باکتریهای فراوان می‌تواند آلودگیها را از بین ببرد، این باکتریها که کار آنها تجزیه کردن مواد آلی و از بین بردن انواع عفونتها است معمولاً در سطح زمین و اعماق کم که از هوا و نور آفتاب بهتر می‌توانند استفاده کنند فراوانند، به همین دلیل هنگامی که لاشه‌های حیوانات و یا بدن انسان پس از مردن زیر خاک دفن شود و همچنین مواد آلوده گوناگونی که روی زمینها می‌باشد، در مدت

^{۱۵۶} - سید مجتبی حسینی، رساله دانشجویی (مطابق با نظر ده تن از مراجع)، دفتر نشر معارف، چهاردهم، سال ۱۳۸۱ ش، ص ۹۳ پرسش ۹۰

نسبتاً کوتاهی تجزیه شده و بر اثر حمله باکتریها کانون عفونت از هم متلاشی می‌گردد، مسلم است اگر این خاصیت در خاک نبود کره زمین در مدت کوتاهی مبدل به یک کانون عفونت می‌شد، اصولاً خاک خاصیتی شبیه مواد "آنتی بیوتیک" دارد و تاثیر آن در کشتن میکربها فوق العاده زیاد است.

بنا بر این خاک پاک نه تنها آلوده نیست بلکه از بین برنده آلودگیها است و می‌تواند از این نظر تا حدودی جانشین آب شود، با این تفاوت که آب حلال است، یعنی میکربها را حل کرده و با خود می‌برد، ولی خاک میکربکش است.

اما باید توجه داشت که خاک تیمم کاملاً پاک باشد همانطور که قرآن در تعبیر جالب خود می‌گوید: «فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا»^{۱۵۷}؛ «با خاک پاک تیمم کنید!»

علاوه بر اینکه تعبیر به «صعید» که از ماده «صعود» گرفته شده اشاره به این است که بهتر است خاکهای سطح زمین برای این کار انتخاب شود، همان خاکهایی که در معرض تابش آفتاب و مملو از هوا و باکتریهای میکربکش است، اگر چنین خاکی طیب و پاکیزه نیز بود، تیمم با آن اثرات فوق را دارد بدون اینکه کمترین زیانی داشته باشد^{۱۵۸}.

بنابراین تیمم با خاک پاکیزه علاوه بر اینکه برای اطاعت فرمان خدا و تعبّد به جای آورده می‌شود، از آنجا که، کشنده میکرب‌های موزی و منهدم کننده موادّ آلی است نه تنها منافاتی با بهداشت ندارد بلکه می‌تواند جانشین مناسبی برای آب نیز باشد.

گذشته از اینکه اگر وضو و غسل، بدلی نداشته باشد و بدون بدل، مکرّر نماز خوانده شود روحیه مواظبت برای گرفتن طهارت در شخص ضعیف شده و زمینه های سستی در انجام فرائض دینی برای افراد فراهم گردد.

فلسفه اذان

۳۳- فلسفه اذان گفتن چیست؟ و چرا فرازهای آن تکرار می‌شود؟

هر جمعیت و ملتی برای معرفی خود آگاهانند مردم برای امری و تجمع در جایی، از سرود و یا وسیله ای استفاده می‌کنند. ناقوس کلیسا در مسیحیت، سرود ملی هر کشور و شیپور در برخی شهرها از آن جمله است.

^{۱۵۷} - (۴) النساء : ۴۳

^{۱۵۸} - مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۳، ص ۴۰۰

در اسلام نیز اذان تشریح شد^{۱۵۹} تا نشانه ای برای تجمع مردم و آمادگی آنان برای نماز باشد ضمن آن که اذان برخلاف ناقوس کلیسا دارای محتوایی بس عمیق است که حتی تکرار آن در نمازهای فرادا، انسان را از غفلت بیدار کرده و او را به توحید و عقاید اساسی اسلام هشیار می سازد.

امام رضا(ع) در باره فلسفه و حکمت اذان می فرماید:

۱ - آن کس را که فراموش کار است، یاد آور باشد و آن کس را که غافل است متنبه سازد.

۲ - اعلان وقت نماز.

۳ - ترغیب و تشویق مردم به پرستش خالق یکتا.

۴ - اذان گو، اقرار به توحید دارد و ایمان را آشکار می سازد و اسلام را اعلان می کند.^{۱۶۰}

بنابراین اذان شعاری سکوت شکن، موزون، کوتاه، پرمحتوا و سازنده است که دربردارنده اساسی ترین پایه های اعتقادی و جهت گیری عملی مسلمانان است.

اذان در اسلام، سرود الهی، شعار و ندایی جهت معرفی امت واحد اسلامی است.

اذان، اعلام موجودیت اسلام، معرفی عقاید و اعمال مسلمانان و فریاد علیه معبودهای خیالی است.

اذان، نشانه باز بودن فضای تبلیغات و اعلام مواضع فکری مسلمانان به صورت روشن و صریح است و همیشه نشانه هشیاری و بیداری از غفلت است.

اذان، آماده ساختن روح، دل و جان برای ورود به «نماز» و فریادی است که طنین ملکوتی آن در فضا، دل مؤمنان را به سوی خدا می کشد و بر وحشت و خشم کافران می افزاید. هم چنان که این وحشت را در جملات «گلاستون» سیاست مدار و صهیونیست انگلیسی مشاهده می کنیم.

وی در پارلمان می گوید: «تا هنگامی که نام محمد در ماذنه ها بلند است و کعبه پابرجا است و قرآن رهنما و پیشوای مسلمانان است امکان ندارد پایه های سیاست ما در سرزمینهای اسلامی استوار و برقرار گردد.^{۱۶۱}»

اما درباره تکرار فرازها اذان امام رضا علیه السلام چنین می فرمایند:

(از این جهت تکبیر در اول اذان چهار مرتبه گفته می شود که) در آغاز اذان از آنجا که قبلش کلامی که شنوده را آگاه کند وجود ندارد و غالباً در حال غفلت مستمعین شروع می شود لذا تکبیر اول و دوم را به منظور تنبیه شنوندگان می گویند تا برای شنیدن جملات بعدی آمادگی پیدا نمایند؛ (و همچنین فرازهای

^{۱۵۹} - در پاره ای از روایات که از طرق اهل تسنن نقل شده مطالب شگفت- انگیزی در مورد تشریح اذان دیده می شود که با منطق اسلامی سازگار نبوده و توهینی به مقام شامخ پیغمبر ص محسوب می شود، که بجای تکیه بر وحی کردن، روی خوابهای افراد تکیه کند و مبانی دستورات دین خود را بر خواب افراد قرار دهد، بلکه همانطور که در روایات اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است اذان از طریق وحی به پیامبر ص تعلیم داده شد. (تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۳۹)

^{۱۶۰} - علل الشرائع-ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۲۱

^{۱۶۱} - مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۴، ص ۴۳۸

دیگر اذان تکرار می شود) برای این که تکرار در گوش شنودگان و تأکید بر ایشان باشد تا اگر بار اول را نشنیدند مرتبه دوم را بشنوند...^{۱۶۲}.

فصل چهارم: فلسفه و اسرار نماز

کنجکاوای در فلسفه نماز

۳۴- آیا درسته که ما در خصوص فلسفه احکام کنجکاوای و پرسش کنیم؟

از منظر دین هیچگونه مانعی در خصوص کنجکاوای و پرسش از فلسفه احکام وجود ندارد چراکه اولاً: صدها آیه و حدیث، مردم را به تعقل و و تفکر فرا می خواند و هیچ مکتبی به اندازه اسلام، به اندیشیدن دعوت نکرده است.

ثانیاً: یکی از انتقادهای شدید قرآن بر مشرکان و بت پرستان، تقلید کورکورانه و بی دلیل از نیاکان است. ثالثاً: خودقرآن، بارها در کنار بیان احکام و دستورها، بدلیل آن هم اشاره کرده است. امامان معصوم نیز در روایات، به بیان این حکمتها پرداخته و دانشمندان اسلامی، گاهی به تالیف کتابهایی پیرامون این موضوع اقدام کرده اند^{۱۶۳}.

بعلاوه با پیشرفت دانش بشری، روز بروز پرده از اسرار احکام الهی و دستورهایی دینی برداشته می شود و هرچه از عمر اسلام می گذرد بر عظمت و جلوه آن افزوده می شود^{۱۶۴}.

اما در خصوص فلسفه عبادات از جمله نماز، نکاتی را باید همواره مد نظر داشت:

الف - احاطه به فواید و حکمت‌های دستورات فرعی دین اگر برای همه غیر ممکن نباشد، برای اکثر مردم غیر ممکن است و مانع از انجام وظایف و مشاغل دیگر می‌شود و شخص را از استفاده عملی از این دستورات محروم می‌سازد. مانند بیماری که بخواهد تمام جزئیات نسخه یک طبیب حاذق را بررسی کند و از هر جهت رابطه آن را با مزاج خود تشخیص دهد. بنابراین لازم نیست دلیل همه احکام را همه مردم در همه زمانها بدانند.

ب - دستورات فرعی دین، همین قدر که با منطق عقلاً و علم ثابت و با فرضیه‌های علمی مخالف نباشد، قابل پیروی و لازم الاتباع است؛ مانند دستور طبیب که همین قدر که بدانیم طبابت او بر خلاف قوانین مسلم طبّی و تندرستی نیست به آن عمل می‌کنیم؛ با این تفاوت که در دستورات دینی، احتمال خطا و اشتباه هم نمی‌دهیم.

^{۱۶۲} - ععل الشرائع - ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۲۱

^{۱۶۳} - شاخص ترین این کتاب ها، کتاب علل الشرائع شیخ صدوق است که هم اکنون ترجمه آن نیز موجود می باشد .

^{۱۶۴} - محسن قرائتی، پرتویی از اسرار نماز، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تابستان ۱۳۸۷، هجدهم، ص ۶۶

ج - فلسفه همه احکام و جزئیات آنها به طور تفصیلی روشن نیست و آگاهی از آن دانشی فراتر از تنگناهای معارف عادی بشری می‌طلبد. لیکن بطور اجمال روشن است که همه احکام الهی تابع مصالح و مفاسد واقعی در متعلق آنهاست. بنابراین در صورتی که فلسفه حکمی را بالخصوص ندانیم بنا بر قاعده کلی فوق از آن باید پیروی کرد. زیرا یقین به وجود مصلحتی در آن هست هر چند بر ما ناشناخته باشد.

د - در جست و جوی فلسفه احکام نباید همیشه به دنبال علوم تجربی رفت و دلیلی مادی و فیزیولوژیک برایش جست و جو نمود. این فرایند که همواره در پی یافتن مصلحت یا مفسده ای طبی یا... باشیم برخاسته از نگرشی مادی گرایانه است. در حالی که بسیاری از احکام مصالحی معنوی دارند که در حوزه هیچ یک از علوم بشری قابل تحقیق نیست و آنها با متد تجربی خود قادر به حکمی نفی یا اثباتا پیرامون آن نیستند و یا اگر نظری بدهند بسیار سطحی است و چه بسا مساله حکمتی برتر و بالاتر داشته باشد. چنان که در مورد روزه، علوم به خواص بهداشتی آن پرداخته اند ولی قرآن مجید فلسفه ای بالاتر را بیان فرموده و آن (دست یابی به تقوا) است.

و - کسیکه خدا را حکیم و دستورهایش را بر اساس حکمت می‌داند، نباید بخاطر اینکه امروز دلیل حکمی را نمی‌داند از انجام آن تخلف کند.

ز - در هر جا از قرآن و حدیث، دلیل محکمی بر فلسفه حکمی نداریم، بهتر است ساکت باشیم و با یک سری توجیهاات و حدسیات، دلیل تراشی نکنیم.

ه - اگر گوشه ای از اسرار حکم خدا را شناختیم، نباید گمان کنیم که بر همه اسرار واقف گشتیم. آنکه فلسفه حکمی را را بفهمد، نمی‌تواند خیال کند آنچه فهمیده، تمام است و دیگر چیزی جز آن نیست. مگر با عقل و فکر محدود انسانی، می‌توان به عمق احکامی که از علم بی‌انتهای خدا سرچشمه گرفته، پی برد؟

ن - از آنجا که در دوران ائمه علیهم السلام همه مردم قدرت هضم بسیاری از اسرار را نداشتند؛ ائمه (ع) تنها در جواب افرادی که چیزی در زمینه فلسفه احکام سوال می‌نمودند، مطالبی را که مطابق با فکر و درک آنها بود، بیان می‌کردند. بدیهی است که در این گونه موارد، نمی‌شود حکم کرد که فلسفه و اسرار آن احکام منحصر به چیزی است که در آن روایت اشاره شده است؛ زیرا اگر پرسش کنندگان اسرار زیادتری را می‌خواستند، پیشوایان دینی از جواب دریغ نکرده و مطالب زیادی می‌گفتند و ما از این نمونه‌ها زیاد داریم که شخصی از امام چیزی را می‌پرسید و جوابی می‌گرفت و دوباره که سؤال می‌کرد، امام مطلب عمیق تری را برای او بیان می‌فرمود.^{۱۶۵}

ی - همان عقلی که ما را به فهمیدن فلسفه احکام دعوت می‌کند، همان می‌گوید: اگر جایی ندانستی، از آگاهان بپرس، این همان تعبد در برابر اولیای دین است.

^{۱۶۵} - یک نمونه آن مربوط می‌شود به کسی که از علت نامگذاری کنیه پیامبر خدا به «ابوالقاسم» سوال نمود که امام در ابتدا جوابی دادند اما پس از سوال مجدد این شخص امام به بیان مطالب عمیقی در این زمینه پرداختند. (علل الشرائع، ج ۱، باب ۱۰۶، حدیث ۲)

درک فلسفه نماز

۳۵- برای درک اسرار و فلسفه نماز چه کار باید کرد؟

برای درک اسرار نماز باید در دو زمینه تلاش نمود.

الف - تلاش علمی

اسرار نماز، در آیات مربوط به آن، روایات، و ادعیه قبل و بعد نماز به تفصیل ذکر شده است لذا اگر کسی می خواهد به اسرار نماز پی ببرد در قدم اول باید نسبت به مطالعه آنها تلاش نموده و دریچه ای از علم و معرفت را بسوی خود باز نماید.^{۱۶۶}

ب - تلاش عملی

اساس راز نماز در شهود عینی نماز گزار نهفته است و اوج راز نماز در شهود خداوند نهفته است: «و اعبد ربک حتی یأتیک الیقین.»^{۱۶۷} و پروردگارت را عبادت کن تا یقین تو فرا رسد! (الحجر: ۹۹). (سر الصلاة ج: ۱ ص: ۱۰)

به همین دلیل درک اسرار و حقیقت نماز، منحصر در مطالعه آیات و روایات نماز نیست، بلکه برای پی بردن به حقیقت آن در عمل نیز باید تلاش نموده و با حضور قلب هر چه بیشتر در نماز، به تدریج خود را به درک مراتب بالای اسرار نماز رساند.

چرایی نماز

۳۶- پرسش: شخصی از دوستان من هست که نماز نمی خواند، وقتی من به او گفتم چرا نماز نمی

خوانی از من خواست تا برایش روشن کنم که چرا باید نماز بخوانیم و من نتوانستم جوابی

بدهم و دادن جواب را به آینده موکول کردم، از شما می خواهم که مرا یاری کنید.

در خصوص اینکه چرا باید نماز بخوانیم، دلایل متعددی وجود دارد که در چند محور می توان آنها را

برشمرد:

اول: دستور الهی

^{۱۶۶} - در خصوص اسرار نماز کتاب های متعددی به نگارش در آمده که برخی از آنها به شرح ذیل می باشد .

- اسرار الصلاة امام خمینی (ره)

- از ژرفای نماز، مؤلف: مقام معظم رهبری،

- پرتوی از اسرار نماز، مؤلف: محسن قرائتی، ناشر: ستاد اقامه نماز

- راز و رمز نیایش، مؤلف: اسد الله اسدی گرمارودی، ناشر: سبحان

- تفسیر نماز، مؤلف: محسن قرائتی، ناشر: ستاد اقامه نماز

یکی از دلایل اقامه نماز این است که این عمل دستوری از سوی خداوند متعال می باشد و هرگاه فردی به حقانیت دین مبین اسلام ایمان آورد لازمه آن عمل به دستورات این دین است و یکی از دستوراتی که خداوند متعال برای بندگان خود مقرر نموده اقامه نماز می باشد.

خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن همچون آیه ۴۳ سوره بقره می فرماید: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ...» و نماز را بپا دارید، و زکات را بپردازید...» و در آیه دیگر فرموده است: «ان الصلاة كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً»^{۱۶۷}؛ «البته نماز بر مؤمنان به طور حتم فرض و واجب شده است.» بنابراین برای تمام کسانی که اعتقاد به حقانیت دین مبین السلام دارند لازم و واجب است به این دستور الهی عمل نمایند.^{۱۶۸}

دوم: گستردگی آثار دنیوی و اخروی نماز

از دیگر دلایلی که موجب می شود تا مسلمانان به اقامه نماز رو بیاورند؛ آثار دنیوی و اخروی بیشماری است که خداوند متعال در نماز قرار داده است.

برخی از این آثار که در آیات و روایات ذکر گردیده از قرار ذیل می باشد:

۱- از بین برنده کبر و خود پرستی

یکی از اهداف نماز خشوع و خضوع در پیشگاه مقام ربوبیت و کنار رفتن پرده های تکبر و غرور می باشد. به طور مؤدب ایستادن، رکوع کردن، جبین به خاک ساییدن، سجده و نشستن دو زانو و... همه نشانه های خضوع است. امام علی (ع) می فرماید: «مِنْ تَغْيِيرِ عِتَاقِ الْوُجُوهِ بِالْتُّرَابِ تَوَاضُعًا»^{۱۶۹}؛ «خدای سبحان نماز را مقرر داشت تا پیشانی از روی تواضع به خاک مالیده شود».

هنگامیکه انسان در هر شبانه روز هفده رکعت و در هر رکعت دو بار پیشانی بر خاک در برابر خدا می گذارد و خود را ذره کوچکی در برابر عظمت او می بیند، از این رو پرده های کبر و غرور و خودخواهی را کنار می زند. حضرت علی (علیه السلام) بعد از بیان فلسفه عبادت، یکی از آثار نماز را تکبر زدایی بیان

^{۱۶۷} - عنکبوت، آیه ۴۴

^{۱۶۸} - آیات متعدد دیگری در قرآن مجید مبنی بر دستور به اقامه نماز آمده است که برای اطلاع بیشتر می توانید به قرآن کریم مراجعه نمایید.

^{۱۶۹} - سید رضی، نهج البلاغه، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق، اول، ص ۲۹۴

نمود: «خداوند ایمان را برای پاکسازی انسان هاز شرک واجب کرده است و نماز را برای پاکسازی از کبر» ۱۷۰.

حضرت فاطمه (س) نیز می‌فرماید: «جعل الله الصلاة تنزيها لكم من الكبر» ۱۷۱؛ «خداوند نماز را مقرر داشت تا دامن انسان را از کبر و منیت پاک گرداند».

۲- نماز حافظ ایمان و اعتقاد انسان

حفظ ایمان بدون انجام نماز ممکن نیست، چون ایمان مربوط به لفظ و ادعا نیست که کسی بگوید: من به خدا ایمان دارم و همان کافی باشد، بلکه از روایات استفاده می‌شود یکی از اجزا و ارکان اساسی ایمان، عمل است. قرآن مجید می‌فرماید: «إليه يصعد الكلم الطيب و العمل الصالح يرفعه» ۱۷۲؛ «سخنان پاکیزه به سوی خدا بالا می‌رود و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد».

آیه بالا نقش عمل را نسبت به ایمان روشن می‌کند. همان طوری که گناه، ایمان را کمرنگ می‌سازد، عمل صالح آن را تقویت می‌نماید. امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که به دستور های الهی عمل کند، مؤمن است.» ۱۷۳

ادعای ایمان بدون پای بندی به دستور های الهی، گزاف و دروغ است. اگر فقط ایمان قلبی کافی بود، پیامبران و اولیای الهی که از همه مردم مؤمن تر به خدا بودند، نباید عابدتر از دیگران باشند، در حالی که قرآن مجید از تأکید پیامبرانی چون ابراهیم، موسی و عیسی (ع) بر نماز و اعمال عبادی دیگر خبر داده است. سیرش آن است که نماز بهترین وسیله ای است که می‌تواند روحیه بندگی را در وجود انسان متجلی کند. هیچ یک از اعمال عبادی دیگر، ظرفیت هایی را که نماز در این جهت دارد، دارا نیستند. این که ادعا می‌شود «دل پاک است و نیاز به عمل نیست»، چیزی جز فریب شیطان و خود فریبی نیست. عمل صالح جزئی از ارکان ایمان و یا شرط لازم آن است و هر یک از ایمان و عمل در افزایش دیگری تأثیر و نقش به سزا دارد. نماز عبادتی جامع است که می‌تواند تمام وجود انسان (از جهات بدنی و ظاهری گرفته تا جهات ذهنی و قلبی و باطنی) را در خدمت بندگی و پرستش قرار دهد. نیت خوب داشتن به تنهایی نمی‌تواند

۱۷۰ - نهج البلاغه - ترجمه دشتی، ص ۶۸۳

۱۷۱ - محدث اربلی، كشف الغمة في معرفة الأئمة، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق، اول، ج ۱، ص ۴۸۳

۱۷۲ - فاطر (۳۵)، آیه ۱۰

۱۷۳ - غررالحکم، ج ۲، ص ۴۰۵، ۵

انسان را از انجام عبادت و نماز بی نیاز کند. خداوند در سوره انفال پس از آن که از ایمان در قلب سخن گفته، می فرماید: الذین یقیمون الصلوٰة و ممّا رزقناهم ینفقون اولئک هم المؤمنون حقاً...»^{۱۷۴}؛ «آنان که نماز را اقامه کرده و از آن چه بدانان روزی دادیم، در راه خدا انفاق می کنند، مؤمن واقعی هستند.»

لذا در روایات متعددی که از سوی معصومین علیهم السلام نقل گردیده از نماز به عنوان ستون دین یاد شده است ۱۷۵ به این معنا که نماز حافظ ایمان و اعتقادات انسان می باشد و بدون آن ایمان معنایی ندارد.

۳- نماز موجب طراوت مکتب و احیای دین می باشد

هشام بن حکم از امام صادق(ع) پرسید: چرا نماز واجب شد، در حالی که هم وقت می گیرد و هم انسان را به زحمت می اندازد؟ امام فرمود: «پیامبرانی آمدند و مردم را به آیین خود دعوت نمودند. عده ای هم دین آنان را پذیرفتند، اما با مرگ آن پیامبران، نام و دین و یاد آنها از میان رفت. خداوند اراده فرمود که اسلام و نام پیامبر اسلام(ص) زنده بماند و این از طریق نماز امکان پذیر است»^{۱۷۶}

۴- بازدارندگی از گناهان

خداوند متعال فرموده است: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^{۱۷۷}؛ «نماز انسان را از زشتیها و منکرات باز می دارد.»

۵- از بین برنده آثار گناهان:

« وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفَى النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّكْرِينَ»^{۱۷۸}؛ «در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می برند؛ این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند!»

۶- به پا داشتن نماز، از موانع حُزن و اندوه در آخرت:

^{۱۷۴} - انفال (۸)، آیه ۳ و ۴

^{۱۷۵} - تحف العقول-ترجمه جعفری، ص ۱۸۰؛ پیام پیامبر - ترجمه فارسی ص ۱۵۱

^{۱۷۶} - علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۱۷

^{۱۷۷} - عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۵

^{۱۷۸} - هود (۱۱)، آیه ۱۱۴

خداوند متعال در این باره می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^{۱۷۹}؛ «کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند، اجرشان نزد پروردگارشان است؛ و نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می شوند.»

۷- پاسخ نکیر و منکر

ضمرة بن حبيب می گوید: از پیامبر راجع به نماز پرسش شد، گفت: نماز از شرایع دین است و خشنودی خدا در آنست و آن روش پیامبران است. فرشتگان نمازگزار را دوست دارند و از ایشان است رهنمایی و ایمان و نور معرفت در روزی و آسایش بدن. نماز راندن شیطان است و سلاحی است بر ضد کافر و انگیزه برآورده شدن خواهش و پذیرفتن اعمال است و توشه‌یی است که زیر پهلو است و جواب نکیر و منکر است. نماز نمازگزار در قیامت تاجی است بر سر وی و نور روی او و جامه تن او و پرده‌یی است میان وی و دوزخ. و حجتی است میان او و خدا و رهایی وی از آتش و سبب آسان گذشتن وی از صراط و کلید بهشت و مهریه حورالعین و بهای بهشت است، نمازگزار به سبب نماز به برترین مقامات می رسد چون نماز ستایش و بزرگ داشت خداست. ۱۸۰

سوم: پیامدهای منفی دنیوی و اخروی ترک نماز

از دیگر جهاتی که به عنوان چرای اقامه نماز می توان مطرح نمود پیامدهای بسیار نامطلوب دنیوی و اخروی ترک نماز می باشد که در مباحث آینده به تفصیل بدان خواهیم پرداخت

چهارم: جنبه عرفانی نماز

یکی دیگر از جهاتی که می توان بوسیله آن به چرایی نماز پاسخ داد بررسی این مساله از لحاظ عرفانی و نیاز بشری می باشد چراکه عبادت فطری بشر است و تمامی انسان ها از ابتدا تا کنون به شکلی پرستش داشته اند. عبودیت و پرستش اصلی ترین نیاز روحی انسان در مسیر خدایی شدن و تحقق مقام خلیفه الهی او است. نیازی که هیچ عمل دیگری جای آن را پر نمی کند، و خداوند تنها موجودی است که لایق پرستش است.

^{۱۷۹} - بقره (۲)، آیه ۲۷۷

^{۱۸۰} - خصال-ترجمه مدرس گیلانی ج ۲، ص ۱۳۱

اهل عرفان گفته اند: برای برآورده نمودن این نیاز و رسیدن به عرفان و خلیفه الهی و شناخت خود و خدا که اصلی ترین هدف زندگی انسان است، مراحلی باید طی شود. مرحله اول، شریعت است. برای پیمودن این مرحله باید به سراغ عبادت پروردگار رفت و با استعانت و کمک از عبادت وارد مرحله دوم یعنی طریقت شد، آن گاه از طریقت عبور کرده و به حقیقت پیوست که پیوستن قطره به دریا است. هر کدام از مکتب ها و آیین ها آشکالی برای عبادت دارند اما همه به دنبال پرستش و عبادت اند، حتی موجودات دیگر نیز به عبادت و پرستش مشغولند. قرآن می فرماید: «كُلُّ قَدٍّ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ»^{۱۸۱}؛ «تمامی موجودات نماز و تسبیح خدا را می دانند». در جای دیگری فرماید: «إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»^{۱۸۲}؛ «و هر موجودی، تسبیح و حمد او می گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید»

جمله ذرات عالم در نهران با تو می گویند روزان و شبان

ماسمیعیم و بصیریم وهشیم با شما نامحرمان ما خا موشیم

گر شما سوی جمادی می روید محرم جان جمادان کی شوید.

از منابع و مآخذ اسلامی به دست می آید که برای رسیدن به حق و شاداب کردن روح عرفانی انسان، هیچ راهی بهتر از نماز یافت نمی شود. برای روح انسان شیفته هیچ غذایی سازگارتر و سرشارتر از نماز وجود ندارد، زیرا چه کسی بهتر از خداوند (که برای رسیدن به هر هدفی، ترکیب راه خاصی را مشخص فرموده است) می تواند مرکب و معجونی برایشد و ارتقای انسان ها پدید آورد؟

آنچه زیبایی و حُسن و خیر است، در نماز سفره ای است گسترده که خداوند آن را در پنج نوبت در شبانه روز برای بندگانش باز می کند و بر سر این سفره انواع و اقسام غذاهای لذیذ وجود دارد و هر کس مطابق استعداد و تعالی خود از آن بهره مند می شود.

^{۱۸۱} - نور (۲۴)، آیه ۴۱

^{۱۸۲} - اسراء (۱۷)، آیه ۴۴

۳۷- مگر نه اینکه خداوند در همه جا حاضر است پس چرا نماز به سمت کعبه خوانده می شود؟

قرآن کریم می فرماید: «فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...»^{۱۸۳}؛ «پس روی کن به طرف مسجدالحرام و شما مسلمین نیز هر کجا باشید در نماز روی بدان جانب کنید»، و نیز می فرماید: «وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...»^{۱۸۴}؛ «و ای رسول از هر جا و به هر دیار بیرون شدی روی به جانب کعبه کن و شما مسلمین هم به هر کجا بودید روی بدان جانب کنید».

همان خدایی که فرموده است به هر طرف رو کنید آنجا وجه خدا است و اینکه او از رگ گردن به انسان نزدیک تر است، همو دستور داده است که به هنگام نماز به طرف مسجدالحرام نماز بخوانید. بر این اساس همه جا بودن خداوند با برگزاری نماز به سوی جهت خاص منافات ندارد. چنانکه خدا همه زبانها را می داند ولی قرآن را به زبان عربی نازل کرده و باید نماز را به زبان عربی خواند. نماز خواندن به طرف قبله، نه از این جهت است که خداوند مکان یا جهت معینی دارد - همان طور که قرآن در ضمن آیات مربوط به قبله مخصوصاً در دو مورد به این حقیقت تصریح کرده و می فرماید: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ؛ مشرق و مغرب از آن خداست؛ و به هر سو رو کنید، خداوند آن جاست.» (۱) و در آیه دیگر می گوید: «قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ؛ بگو مشرق و مغرب از آن خداست.» (۲) - بلکه از این نظر است که انسان به حکم این که جسم است هنگام نماز ناچار است به یک طرف متوجه باشد؛ ولی اسلام خواسته از این موضوع حداکثر استفاده را برای تکمیل این عبادت (نماز) بنماید، زیرا همه می دانیم که خانه کعبه قدیمی ترین مرکز توحید است. خانه ای است که به دست قهرمان توحید، ابراهیم خلیل (علیه السلام) تجدید بنا شده و مورد توجه تمام راهنمایان توحید و پیغمبران خدا بوده است.

توجه به این مرکز توحید، توجه به خداست. درست است که خداوند مکانی ندارد، اما کسی که مقابل چنین مرکزی بایستد از جهات زیادی به خدا نزدیکتر است و گویا خود را در پیشگاه او حاضر می بیند. علاوه بر آن، توجه عموم مسلمانان جهان در هر شبانه روز پنج مرتبه به این مرکز مقدس، روح وحدت و یگانگی را در دل و جان آنها پرورش می دهد و به وحدت اسلامی و هماهنگی مسلمین جهان کمک می کند و اجتماعات مختلف اسلامی را از شرق و غرب عالم به هم مربوط می سازد و شوکت و عظمت آنها را

^{۱۸۳} - بقره (۲)، آیه ۱۴۴

^{۱۸۴} - همان، آیه ۱۵۰

ظاهر می نماید و بالاخره جوهر تعلیمات جهانی اسلام را به صورت «وحدت هدف و عقیده» به دنیا نشان می دهد.^{۱۸۵}

جابرین حیان از حضرت امام صادق(ع) پرسید: آیا مرکزیت کعبه برای نماز اهمیتش بیشتر است یا مرکزیت آن
برای حج؟

امام صادق(ع) فرمودند: مرکزیت آن برای نماز، زیرا بسیاری از مسلمانان نمی‌توانند در تمامی عمر حتی یکبار هم به مکه بروند، ولی هر مسلمان در هر نقطه از جهان که هست، حداقل روزی ۵ بار به سوی کعبه نماز می‌خواند و می‌توان گفت در هر شبانه‌روز حداقل ۵ بار نگاه تمامی مسلمانان جهان در کعبه به هم می‌رسند و گویا تمامی مسلمانان جهان شبانه‌روز ۵ بار در چشمان یکدیگر می‌نگرند و سخن آنان در آنجا به هم می‌رسد و تکبیر میلیون‌ها مسلمان که در شرق و غرب و شمال و جنوب دنیا زندگی می‌کنند، در کعبه شنیده می‌شود. این مرکزیت در هیچیک از ادیان گذشته وجود نداشته است و در آینده هم نخواهد آمد.^{۱۸۶} به عبارت دیگر کعبه مغناطیس دل‌های اهل ایمان و رمز وحدت و استقلال مسلمانان است و ارتباط کعبه و نماز ارتباطی دائمی است: نماز منهای کعبه و قبله بی‌ارزش است و حج و کعبه بدون نماز معنا ندارد. نماز و کعبه هر دو وسیله‌ای هستند برای ارتباط با حضرت خالق هستی، یعنی رسیدن به توحید و یکتا پرستی. اگر کسی که از فراز آسمان‌ها به صفوف نمازگزاران در سطح کره زمین بنگرد، دایره‌های متعددی را می‌بیند که مرکزیت همه آنها کعبه است و توحید نقطه تمرکز فکر و دل و جان مسلمانان است.^{۱۸۷}

بنابراین خداوند جهت ندارد. ولی ما انسان‌ها در زندگی و حیات مادی و معنوی خود، نیازمند جهت هستیم. و قبله تعیین کننده‌ی جهت حرکت مسلمانان در طول تاریخ بوده و هست. اگر فرض شود که نماز بدون قبله بود، چه اتفاقی می‌افتاد؟ هرکس به سمتی نماز می‌خواند و همین امر موجب می‌شد تا عده‌ای، جهتی را ترجیح بدهند و دیگران را نیز به آن دعوت کنند، مثلاً عده‌ای به مشرق، برخی به مغرب، گروهی به شمال و برخی به جنوب و..... این موضوع خود عاملی برای تفرقه و نزاع و درگیری می‌شد، حال آنکه نماز با قبله‌ی واحد، صفوف را متحد و یک پارچه می‌کند و روحیه جامعه‌پذیری و الفت در بین مسلمانان و جوامع اسلامی را ایجاد و هویت مستقل فرهنگی در جامعه اسلامی پدید می‌آورد.^{۱۸۸} علاوه بر تحقق وحدت و همدلی، توجه به قبله توجه به نداگر یکتا پرستی حضرت ابراهیم (علیه السلام)، توجه به زادگاه و خاستگاه دعوت توحیدی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و توجه به اولین بناء معبد روی زمین است زیرا کعبه اولین نقطه‌ای است که برای عبادت مردم وضع شده است:

^{۱۸۵} - ناصر مکارم شیرازی و جعفر سبحانی، پاسخ به پرسش‌های مذهبی

^{۱۸۶} - محمد محمدی ری شهری، مناظره در رابطه با مسائل ایدئولوژیک، صص ۸۴ و ۸۵

^{۱۸۷} - قرائتی، محسن، پرتویی از اسرار نماز، ص ۱۰۹، تهران: ستاد اقامه نماز، چاپ هفدهم، ۱۳۸۷.

^{۱۸۸} - مجتبی کلباسی، یکصد و ده پرسش درباره نماز، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، نهم، ص ۴۴

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^{۱۸۹}؛ «نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است.»

کعبه و بت پرستی

۳۸- آیا نماز خواندن به سوی کعبه نوعی بت پرستی نیست توضیح دهید؟

در نماز و عبادت به سوی کعبه دو ویژگی مهم وجود دارد که این ویژگی ها به هیچ عنوان قابل مقایسه با بت پرستی قابل مقایسه نمی باشد تا گفته شود که نماز به سوی کعبه بت پرستی است.

اول: پرستش و ستایش خداوند

اولین و مهمترین ویژگی نماز بسوی کعبه این است که انسان در نماز خالق هستی را به عنوان پروردگار خود مورد پرستش و ستایش قرار می دهد برخلاف بت پرستی انسان، بت را به عنوان «پروردگار» خود دانسته و آن را مورد پرستش و ستایش قرار می دهد لذا اگر قرار بود در نماز خواندن به سوی کعبه نوعی بت پرستی وجود داشته باشد باید مسلمانان از نظر اعتقادی، به این مساله خود را ملتزم بدانند و حال آنکه تمامی مسلمانانی که به سوی کعبه نماز می خوانند علاوه بر اینکه «کعبه» را به عنوان پروردگار خود قبول ندارند، با بررسی محتوای نماز معلوم می شود در نماز از کعبه هیچگونه سخن و ستایشی مطرح نشده؛ بلکه همه آنها، کعبه را تنها به عنوان قبله و جهت نماز خود قبول داشته و در نماز نیز تنها خداوند و خالق هستی خود را مورد ستایش قرار می دهند نه با کعبه را.

دو - دستور الهی

دومین ویژگی نماز خواندن به سوی کعبه این است که بر خلاف بت پرستی با دستور الهی صورت می پذیرد.

خداوند متعال به تمامی مسلمانان دستور داده در هر جای دنیا که هستند به سوی مسجد الحرام نماز بخوانند چه کسانی که نزدیک خانه خدا می باشند و چه آنها که فرسنگ ها از آن دور هستند و اینگونه فرموده اند که: «وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ»^{۱۹۰}؛ «از هر جا (و از هر شهر و نقطه‌ای) خارج شوی، (به هنگام نماز) روی خود را به جانب «مسجد الحرام» کن! این دستور حقی از طرف پروردگار توست!» و این دستور مانند دستور خداوند مبنی بر سجده ملائک بر آدم علیه السلام می باشد که در آن سجده کردن به سوی آدم از آن جهت که فرمان الهی بود، نه تنها شرک

^{۱۸۹} - (۳) آل عمران : ۹۶

^{۱۹۰} - (۲) البقره : ۱۴۹

محسوب نمی شد بلکه عین توحید بود و حتی هنگامی که شیطان^{۱۹۱} از این عمل سرپیچی کرد مطرود درگاه الهی شد و به تعبیر قرآن از کافرین گردید.^{۱۹۲}

فلسفه نماز به زبان عربی

۳۹- چرا حتما باید نماز را به زبان عربی خواند؟ چه اشکالی دارد من با دوست خود به زبان فارسی

و یا هر زبانی که می خواهم سخن بگویم؟ آیا در این صورت تأثیرگذار تر نخواهد بود چون

بهرتر می دانیم چه می گوئیم؟

اینکه واجب است تمامی مسلمانان جهان با هر نوع زبان و ملیتی که دارند نماز را به عربی بخوانند دلایل و حکمت های متعددی می تواند داشته باشد، از جمله اینکه:

غناي زبان عربی

غناي زبان عربی از جهت واژگانی، ساختاری و معنایی - به ویژه در حوزه معارف دینی - به گونه ای است که با دیگر زبانها قابل قیاس نیست. بررسی های انجام شده، نشان می دهد که برخی از مفاهیم قرآنی، در زبان های دیگر معادل ندارد. رایج ترین آیه قرآن؛ یعنی « بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ » به هیچ زبانی ترجمه دقیق نشده است و گویی هیچ مترجمی نمی تواند معادل های دقیق برای برخی از واژه های به کار رفته در آن بیابد. جالب است بدانید که برخی از مترجمین قرآن در مواردی به جای معادل گذاری، خود واژه های قرآن را به کار می برند و از این طریق، واژه های قرآن وارد بسیاری از زبانها (چون فارسی، انگلیسی و...) شده است. به عنوان مثال، مارمادوک پیکتال - یکی از مترجمان نامدار قرآن به زبان انگلیسی - هرگز کلمه God را به جای «الله» به کار نبرده است؛ بلکه Allah را استعمال نموده و آن را از جهات متعددی برتر از God می داند. و یا دو کلمه «رحمن ورحیم» این دو واژه یکی رحمت عامه خداوند را میرساند که شامل مومن و کافر است و آن «رحمن» است و یکی رحمت خاصه به مومنان را که واژه «رحیم» است.

در فارسی ما دو معادل برای بخشنده نداریم که یکی تعمیم را برساند و دیگر مخصوص بودن آنرا برای عده ای خاص و اگر در ترجمه «رحیم» گفته میشود مهربان به جهت تنگ بودن قافیه است والا مهربان معادل «رئوف» عربی است و معادل رحیم نیست. لذا معادل صریحی برای این دو واژه نداریم و بخشنده و مهربان دو واژه نزدیک به لفظ عربی ان هستند و نه مرادف دقیق.

^{۱۹۱} - این نکته باید یادآوری شود در قرآن راجع به شیطان آمده: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ» «به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند جز ابلیس که از جن بود» (الکھف (۱۸)، آیه ۵۰). همانگونه که تصریح شده شیطان از ملائک نبوده بلکه از جن بود که بدلیل عبادت خداوند، مقرب درگاه الهی گردیده بود اما در این امتحان الهی مردود شده و کافر گردید.

^{۱۹۲} - خداوند متعال می فرماید «وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» «و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد.» (البقره (۲)، (۳۴))

بنابراین فارسی‌سازی نماز و یا هر زبان دیگری نمی‌تواند در بردارنده تمامی معانی نماز باشد و این امر مساوی با از دست دادن آثار و فوائد نماز خواهد شد.

مصونیت از تحریف

خواندن نماز به یک صورت معین، آن را از دستبرد، تحریف و آمیخته‌شدن به خرافات و مطالب بی‌اساسی که بر اثر مداخله افراد غیر متخصص، هنگام ترجمه آن به زبان‌های دیگر، رخ می‌دهد، نگاه می‌دارد و به این وسیله روح این عبادت اسلامی محفوظتر می‌ماند.

ایجاد روح اتحاد و همدلی در مسلمانان

خواندن نماز به زبان عربی، یکی از نشانه‌های جهانی بودن دین اسلام است؛ زیرا جمعیتی که در یک صف قرار می‌گیرند و در یک جبهه فعالیت می‌کنند، ناگزیرند، زبان واحدی داشته باشند که به وسیله آن تفاهم کنند؛ یعنی علاوه بر زبان مادری و محلی، یک زبان عمومی و جهانی هم داشته باشند. - نماز خواندن به یک زبان، از طرف تمام مسلمانان رمز وحدت و نشانه‌ی یگانگی مسلمانان است. و از آنجا که زبان عربی به اعتراف اهل فن، یکی از وسیع‌ترین و جامع‌ترین زبان‌های دنیاست، این حقیقت روشن‌تر می‌شود که تمام فرق مسلمان می‌توانند آن را به عنوان یک زبان بین‌المللی شناخته و از آن به عنوان تفاهم و همبستگی اسلامی استفاده نمایند.

زبان معارف دینی

زبان عربی نه تنها زبان یک قوم؛ بلکه زبان دین ما است و آشنایی با آن، ما را مستقیماً با پیام خدا و سنت قولی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه هدی علیهم السلام آشنا می‌سازد. عربی بودن نماز، موجب انس و ارتباط دائمی مسلمانان با زبان دین و کتاب آسمانی می‌شود و زمینه آشنایی هرچه بهتر و مستقیم‌تر از معارف دینی را فراهم می‌آورد.

اعجاز گونگی

لطافت و زیبایی و اعجازین بودن سوره‌های قرآن، در صورت ترجمه از دست خواهد رفت و زیباترین ترجمه‌های بشری، هرگز جانشین لطافت و زیبایی کلام خداوند و آهنگ دلنشین و دل‌نواز آن نخواهد شد. «مارمادوک پیکتال» - در مقدمه ترجمه انگلیسی خود از قرآن - می‌نویسد: «قرآن را نمی‌توان ترجمه کرد؛ زیرا نغمه و آوای بی‌نظیر و آهنگ دلنشین آن، انسان را دگرگون می‌سازد و او را به خشوع و گریه و یا شور و شوق وا می‌دارد».^{۱۹۳}

مصونیت فرهنگی

از منظر جامعه‌شناسی زبان، یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال و پویایی فرهنگی است. فرهنگ‌پذیری (Acculturation) و جامعه‌پذیری (Socialization) در حد بسیار بالایی و امدار زبان

^{۱۹۳} - Muslim World League-Rabita, Muhammad M. Pickthall, The Meaning of The Glorious Quran - p. ۳, ۷۷۹

می‌باشد. اگر استعمار جدید (Neo_colonialism) با تمام توان خود در بسط زبان خود می‌کوشد، از آن روست که بهترین راه تحمیل فرهنگ خود و بیگانه سازی ملت‌ها با هویت خویش، در گرو تغییر زبان و ادبیات است. برای مسلمانان، پیوند دائمی و فزاینده با زبان عربی - که حاوی فرهنگ، ادبیات و معارف دینی است - یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و بدون آن جامعه اسلامی، با شتاب بیشتری دستخوش استحاله فرهنگی خواهد شد. از این رو شارع مقدس اسلام از طریق نمازهای پنجگانه، پیوند با زبان دین را نهادینه و دائمی ساخته تا به این وسیله انتقال و پویایی فرهنگ اسلامی، در همه نسل‌ها و صیانت آن در برابر تهاجمات فرهنگی بیگانگان، در حد بالایی تضمین شود. وحدت زبان ضامن حفظ و مصونیت این عبادت بزرگ از تحریف و آمیختگی با خرافات است.

گذشته از همه این حکمت‌ها، خداوند که آفریدگار انسان‌ها است و انسان را برای تکامل و رسیدن به سعادت آفریده است، نماز را به همین شکل وسیله عروج و ارتقای آدمی قرار داده است که این عروج و پرواز در فضای معنویت و تعبد و بندگی است، بندگی که مولای عارفان علی (علیه السلام) به آن افتخار می‌کند: «كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا»^{۱۹۴}؛ «خدایا! افتخارم همین بس که بنده تو هستم».

البته انسان می‌تواند در قالب دعا و نیایش با هر زبان که خواسته باشد با پروردگار خویش راز و نیاز داشته پیوند و ارتباط برقرار نماید. اما نماز، کامل‌ترین شکل آن است.

در پایان این نکته را یادآوری می‌نمائیم که دانستن معنای آیات و اذکار نماز باعث بهره‌مندی بیشتر از نماز و توجه به خدا می‌شود لذا بر هر مسلمان شایسته است نسبت به یادگیری معنای نماز که در یک صفحه کتاب خلاصه می‌شود، اقدام نموده و از آنجا که این جملات هر روز چندین نوبت در نمازها تکرار می‌شود فراگیری آن ساده و آسان است.

فلسفه واجبات و مستحبات نماز

۴۰- چرا بعضی از اعمال نماز، واجب و بعضی مستحب است؟

در نماز یک سری وظایف و تکالیف واجب وجود دارد که بدون آنها، «نماز» کامل و قابل قبول نیست. این اعمال واجب، طوری تنظیم شده است که نمازگزار، همیشه و در همه حال، بتواند به راحتی، آنها را به جا آورد. در ضمن همه مردم - چه جوان و چه پیر، چه زن و چه مرد، چه با سواد و چه بی سواد - آنها را به آسانی یاد گرفته و عمل کنند.

اما «مستحبات»، اعمال و آدابی است که به جای آوردن آنها ثواب و پاداش دارد و در تکامل نماز و رشد معنوی انسان، دارای نقش است. از طرف دیگر، افراد می‌توانند با توجه به روحیه، معرفت، دانش و وقت خود، مستحبات را به جا آورند و سختی و فشاری نیز متحمل نشوند.

^{۱۹۴} - مجموعه ورام (تنبيه الخواطر) ج ۲ ۱۱۱ الجزء الثانی

از آن جایی که مستحبات، با اراده و علاقه خود شخص خوانده می‌شود - نه از سر تکلیف - نقش زیادی در پرورش اخلاقی فرد و تقرب بیشتر او به خدا دارد. ضمن آنکه واجبات تأمین حداقل «ذکر» است؛ از این رو برای تأمین نیازهای دیگر، مستحبات نیز بیان شده است.^{۱۹۵}

نمازهای پنج گانه

۴۱- چرا باید در پنج نوبت نمازهایمان را بخوانیم؟ چرا تعداد رکعات نماز در هر نوبت با هم

تفاوت دارند؟

پیامبر خدا صل الله علیه آله فلسفه اوقات در روایت مفصل فلسفه اوقات نمازهای پنج گانه را چنین بیان نموده اند

نماز در صبح؛ «... پروردگرم مرا امر نموده که قبل از طلوع خورشید و قبل از آن که کافر برای آفتاب سجده کند، نماز صبح بخوانم؛ تا آن که اتمم برای خداوند سجده نمایند، و زود به جای آوردن آن در پیشگاه خداوند محبوبتر است. این نمازی است که ملائکه شب و روز شاهد آن می باشند.»

نماز در ظهر؛ (علت وجوب نماز ظهر از این قرار است:) همانا در هنگام زوال آفتاب، همه چیز در این عالم خلقت خداوند سبحان را تسبیح می گویند و به حمد خدا مشغول می شوند مگر عرش خدا، و در این موقع خداوند بر من درود می فرستد، در این ساعت خداوند نماز را بر من و اتمم واجب ساخت که در قرآن مجید آمده است، نماز را وقت زوال آفتاب تا اول تاریکی شب به پا دار، و این ساعتی است که جهنمیان را در قیامت به جهنم وارد می کنند، پس در این ساعت هر مؤمنی در حال رکوع یا سجود یا قیام مشغول باشد خداوند سبحان جسدش را بر آتش جهنم حرام می گرداند.

نماز عصر؛ «و آن در ساعتی است که حضرت آدم از آن میوه که از خوردن آن نهی شده بود، خورد و خداوند او را از بهشت خارج کرد. پس خداوند ذریه حضرت آدم را امر به نماز عصر نمود، و خداوند سبحان این نماز عصر را برای امت من نیز اختیار نمود و این نماز از محبوبترین نمازها در نزد خداوند است و مرا سفارش نمود به حفظ بیشتر این نماز در بین نمازهای یومیه.»

نماز مغرب؛ «و آن در ساعتی است که خداوند سبحان توبه حضرت آدم را در آن ساعت قبول نمود، و پذیرفتن توبه آدم بعد از سیصد سال پس از خوردن حضرت آدم از آن میوه درخت که نهی شده بود، طول کشید و در روزهای آخر یک روز که بین نماز عصر و عشاء مانند هزار سال بود و حضرت آدم سه رکعت نماز مغرب به جا آورد، رکعتی برای خطای خویش و رکعتی برای خطای همسرش حوا و رکعتی برای قبول توبه اش، پس خداوند این سه رکعت را برای اتمم واجب کرد. در هنگام مغرب دعاء مستجاب می

^{۱۹۵} - مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پائیز ۸۰ ش، چاپ نهم، ج ۲، ص ۳۶

شود، پروردگام به من وعده داده که دعای مؤمنین را در این وقت مستجاب نماید و این همان نمازی است که خداوند در قرآن مرا به آن امر نموده و فرمود خدا را هنگام شام و صبحگاه در نماز مغرب و صبح تسبیح و ستایش گویند.»

نماز عشاء؛ «... پروردگام به من و امتم به نماز عشاء امر فرمود، برای نورانیت قبر و روشن ساختن آن، و این که به من و به امتم نوری روی صراط عطا فرماید، و هر کس قدمی در راه نماز عشاء بردارد، خداوند بدنش را از آتش جهنم حرام می گرداند و این نمازی است که پروردگار آن را برای مرسلین و انبیای قبل از من اختیار نمود.»^{۱۹۶}

از حضرت امام رضا - علیه السلام - روایت است که به فضل بن شاذان فرمود:

«چنانچه کسی پرسد که، چرا نماز در این اوقات (اوقات معین و مخصوص) بدون تقدم و تأخر واجب شده است، جواب این است که این اوقات برای همه مردم روی زمین معلوم و واضح است و عالم و جاهل آن را به چهار وقت می شناسند: غروب آفتاب خود آشکار و معلوم است که در آن، نماز مغرب واجب شده است و فرو رفتن سرخی آفتاب (شفق) پس از غروب خورشید معلوم و مشهور است که آن وقت نماز عشاء است؛ و همچنین طلوع فجر روشن و آشکار است و آن، وقت نماز صبح است و زوال شمس نیز آشکار و معلوم است و در آن ظهر واجب می شود و برای عصر وقت مخصوص و معینی مانند نمازهای دیگر است و وقت آن پس از انجام ظهر است. و علت دیگر، اینکه خداوند دوست داشته که بندگانش قبل از هر کاری، ابتدا طاعت خداوند را انجام دهند؛ پس ایشان را در اول طلوع روز، امر کرده است که به عبادتش پردازند و سپس در پی کار و روزی خویش روند و امر دنیای خود را اداره کنند، پس در این وقت نماز صبح را بر ایشان واجب کرد و چون نیم روز شود از کار دست کشند و آن وقتی است که مردم به جای خود بازگردند و لباس از تن به در آرند و بیاسایند و به خوردن مشغول شوند و استراحت کنند و در چنین هنگامی خداوند آنان را امر فرموده که ابتدا به ذکر و عبادت او پردازند، از این رو ظهر را بر ایشان واجب کرده است تا به آن آغاز نمایند و سپس به کارهای دیگر پردازند و چون امور شخصی را انجام دادند و خواستند پی کار و کسب خود روند باز دستور نماز عصر را داده که آن را انجام دهند، و سپس به کاری که در نظر دارند رهسپار گشته و به اصلاح آن امر دنیایی خود پردازند، و چون شب شد، لباس از تن بیفکنند و به جایگاه و منزل بازگردند، پیش از هر کار باید به عبادت و ذکر پروردگارشان ابتدا کنند و بعد به امور دیگر پردازند، از این رو نماز مغرب را بر ایشان واجب فرمود، و چون وقت استراحت و خواب آید و از کوشش فراغت یافتند خداوند دوست داشته است که در آغاز به عبادت و طاعت او پردازند، سپس در پی اموری که می خواهند انجام دهند روند و آنچنان باشند که ابتدا کرده باشند در هر فصلی از ساعات شبانه روز به طاعت و پرستش او، و از این جهت در این وقت نماز عشاء را واجب کرد. پس چون این دستور را

^{۱۹۶} - کتاب جامع آیات و احادیث موضوعی، ج ۱ به نقل از وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۴

به کار بندند او را فراموش نخواهند کرد و از او غافل نخواهند شد و در این صورت دل‌هایشان سخت نگرند و رغبتشان نکاهد و اگر کسی بگوید: وقتی معین برای عصر نیست، مانند اوقات نمازهای دیگر، چرا آن را بین ظهر و مغرب قرار داد و میان عشاء و صبح، یا میان صبح و ظهر قرار نداد؟ جواب این است: برای آن که هیچ وقتی برای مردم از ضعفاء و از کار بر کناران و اقویا و کارگزاران آسانتر و راحتتر و مناسبتر برای نماز عصر از این وقت معین نیست، زیرا مردم همگی از اول روز به تجارت و معامله و آمد و رفت و کار و کوشش در رفع حوائج خود، و فعالیت در بازارهای کسب مشغولانند، پس خداوند نخواست که آنان را از به دست آوردن روزی به کار دیگر مشغول کند... نیز مردم همگی قادر به شبخیزی نیستند و آن را درست هم درک نمی‌کنند و وقت آن در نیمه‌های شب اگر باشد، بیدار نمی‌شوند، هر چند واجب باشد و امکانش هم برای ایشان بسیار کم است، پس خداوند بر آنان آسان گرفت و نماز عصر را در سختترین ساعات شبانه روز مقرر فرمود؛ بلکه وقت آن را در راحتترین هنگام قرار داد، چنان که خداوند - عز و جل - خود فرموده است: "یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر".^{۱۹۷}

امام رضا در جای دیگر می‌فرماید: اگر کسی بگوید: چرا نمازهای واجب در اوقات مختلف تشریح شده و در یک وقت نمی‌باشد؟ در پاسخ او می‌گوییم: زیرا برترین اوقات سه وقت است: هنگام ظهر و زوال شمس و پس از غروب و سحر گاهان؛ پس واجب کرد که نمازها در این اوقات سه گانه خوانده شود چون اگر نمازهای واجب در اوقات مختلف و متفرق انجام گیرد انجام آن آسان تر و سبک تر است از این که در وقت واحدی انجام شود.^{۱۹۸}

کوتاه سخن این که نماز موجب یاد خداست، یاد خدا بهترین وسیله برای خویشتن داری و کنترل غرایز سرکش و جلوگیری از روحیه طغیان‌گری است، روی همین جهت است که خداوند دستور داده است که آدمی صبحگاهان موقعی که از خواب بیدار می‌شود، زندگی را با یاد خدا شروع کرده و شب نیز با یاد خداوند به خواب رود. ادای فریضه صبح، ظهر و عصر، مغرب و عشاء که از برترین اوقات است، باعث می‌شود که انسان همواره به یاد خداوند و مقام عبودیت و بندگی باشد.

در پایان گفتنی است؛ سر تفاوت رکعات نماز، چه بسا این بادش که نمازهای یومیه هر کدام مناسب اوقات خاص خود تعیین شده اند بدین صورت که: صبحگاهان وقتی که انسان از خواب برمی‌خیزد، روی مصالحی از جمله این که انسان هنوز با مسائل دنیا و زندگی درگیر نشده، نماز دو رکعتی خوانده می‌شود و در وسط روز به جهت اشتغال به امور مادی و زندگی نیاز بیشتری برای راز و نیاز و عبادت وجود دارد؛ بلکه انسان از یاد خدا غافل نشود و او را فراموش نکند.

^{۱۹۷} - علل الشرائع - ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۳۵

^{۱۹۸} - علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۶۴

فلسفه تعداد رکعات نماز

۴۲- چرا در پنج نوبت شبانه روز تنها ۱۷ رکعت نماز واجب شده نه کمتر و نه بیشتر؟

احکام دین، دو دسته‌اند:

الف) احکامی که فلسفه و حکمت آنها بیان شده است؛ مانند روزه، حج و شراب و....

ب) احکامی که فلسفه آن بیان نشده است؛ مانند تعداد رکعت نمازها.

۳- این که سبب بیان نشدن علل و حکمت‌های بعضی از احکام مانند تعداد رکعت نمازها چیست، چند احتمال وجود دارد:

الف) برای امتحان بندگان باشد، به این معنا که با این دستور معلوم شود که آیا ایمان آورندگان بدون چون و چرا، از او اطاعت می‌کنند یا نه؟ مانند عدد فرشتگان نگهبان جهنم که به تصریح قرآن برای امتحان است.^{۱۹۹} به خصوص اینکه اینگونه موارد از اموری است که به هر شکل قرار داده شود جای سوال برای افراد اشکال تراش باقی می‌ماند مثلاً اگر تعداد رکعات نماز ۱۸ رکعت قرار داده می‌شد سوالی که مطرح می‌شد این بود که «چرا ۱۸ رکعت قرار داده شد نه ۱۷ رکعت؟» و یا اگر ۱۶ رکعت قرار داده می‌شد سوالی که مطرح می‌شد این بود که «چرا ۱۶ رکعت قرار داده شد نه ۱۷ رکعت؟».

ب) فواید و آثار بعضی احکام، تنها مربوط به این دنیا نیست تا ما بتوانیم به آن پی ببریم، بلکه بسیاری از آنها، در جهان آخرت تأثیر دارد و ما، تا خود وارد آن جهان نشویم، نمی‌توانیم به آثار آنها دست یابیم.

ج) به دلیل اعتمادی که مومنین به خداوند متعال دارند چراکه مومنین می‌دانند همه احکام الهی، دارای حکمت بوده و بر اساس مصلحت یا دفع مفسده است. اما از آنجا که به خدا اعتماد داشته و می‌دانند دستوری که داده حتماً به نفعشان می‌باشد دیگر سبب آن را سوال نمی‌کنند مثل زمانی که پزشکی قرصی را برای هر روز و به تعداد معینی تجویز نماید. در این صورت کسی که به وی مراجعه نموده سوال نمی‌کند چرا به این تعداد تجویز نموده و چرا کمتر و یا بیشتر تجویز ننموده است و دلیل آن نیز آن است که به پزشک خود اعتماد داشته و می‌دانند دستوری که به آنها داده به نفعشان می‌باشد.

^{۱۹۹} - مدثر (۷۴)، آیه ۳۰ و ۳۱

تکرار در نماز

۴۳- چه سری در نماز است که اصلاً تعطیلی ندارد و باید آن را هر روز و هر وعده بخوانیم گذشته

از اینکه باید هر رکعت آن را ۲ بار مثل هم بخوانیم و یا اذکار آن مثل سبحان الله و الله اکبر و...

چندین بار تکرار نمائیم؟ آیا بهتر نبود هر روز یک بار نماز می خواندیم؟

پیش از پاسخ باید یادآوری نماییم، انسان برای ادامه حیات مادی خود بسیاری از کارها را بدون هیچگونه تعطیلی، خواسته یا ناخواسته تکرار می نماید و اگر روزی این امور را تعطیل کند حیات مادی اش به خطر می افتد، به عنوان نمونه: انسان نفس کشیدن را بدون تعطیلی تکرار می کند، قلب انسان بدون تعطیلی به ضربان خود ادامه می دهد، انسان برای رفع خستگی می خوابد و این عمل را بارها و بارها تکرار می کند بدون آنکه از تکرار آن خسته شود، انسان برای زنده نگه داشتن خود بارها و بارها غذا می خورد، آب می نوشد و برای حفظ سلامت خود بارها و بارها نظافت بدن را تکرار می کند و نه تنها این امور زمینه کسالت و خستگی او را فراهم نمی کند بلکه باعث نشاط و شادابی بیشتر وی نیز می گردد.

با توجه به مقدمه گفته شده در پاسخ به این سوال می گوئیم: همانگونه که انسان در بعد حیات مادی خود نیاز به انجام بدون تعطیلی برخی کارها دارد، در زندگی معنوی نیز باید برخی اعمال عبادی همچون نماز را، ذکرها و سوره های مهم را بارها تکرار کند تا انسان نشاط معنوی خود را باز آورد و یا تثبیت کند و یا ارتقاء بخشد.

ناگفته نماند، تکرار بدون تعطیلی نماز و همینطور تکرار رکعات و اذکار آن، نه تنها تداوم و صحت حیات معنوی انسان را تضمین می نماید بلکه لازمه رسیدن به اهداف و آثار و فوائد نماز تکرار نماز و رکعات و اذکار آن می باشد چرا که با همین تکرار زمینه کمال و ارتقاء روز افزون انسان فراهم می گردد، تصور کنید کسی را که از پله های نردبانی بالا می رود، کاری که این فرد در ظاهر انجام می دهد تکرار قدم نهادن بر پله های نردبان می باشد اما آنچه که در واقع اتفاق می افتد فاصله گرفتن از زمین و ارتقاء به درجات بالاتر است.

آنچه که در تکرار اذکار، رکعات و خود نماز برای انسان ها اتفاق می افتد - البته با رعایت شرایط صحت و قبولی آن - همچون تکرار قدم نهادن بر پله های نردبان می باشد که انسان را به اهداف و آثار و فوائد نماز نزدیکتر می نماید و تعطیلی آن مساوی با توقف از مسیر کمال و تعطیلی ضربان قلب معنوی انسان و در نتیجه مرگ معنوی و کفر می باشد و از همین رو پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) کسانی را که نماز را از روی عمد تعطیل می نمایند را در زمره کفار بر شمرده و فرموده است: «من ترک الصلاة متعمداً فقد کفر»^{۲۰۰}؛ «کسی که عامدانه نماز را ترک کند، کافر شده است.»

^{۲۰۰} - بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۶۷۳

علاوه بر این معانی بلند و مطالب مهم این ویژگی را دارد که با هر تکرار، انسان به یکی از ابعاد آن توجه می کند و با تکرار الفاظ نورانیت بیشتر برای نمازگزار حاصل می شود و اگر انسان دچار پراکندگی ذهنی و حواس پرتی شود، تکرار، موجب جبران آن می شود.

کیفیت نماز

۴۴- آیا حتما باید نماز را به این شکل رکوع و سجود انجام دهیم؟ چه اشکالی دارد مانند مسیحیان

ایستاده و با احترام مناجات کنیم؟

در ابتدا باید دانست؛ «تنوع» و «تحرك» علاوه بر معانی بلند حمد و سوره و اذکار نماز از ویژگی های ممتاز «نماز» نسبت به سایر انواع عبادت ها در ادیان مختلف است و این نشانه جامعیت و برتری اسلام است. یکی از اثر تنوع و تغییر وضعیت چه بسا ایجاد حس هشیاری و دوری از یکنواختی است که در توجه انسان در مراحل عبادت می تواند بسیار موثر باشد.

پیامبر (صل الله علیه و آله) فرموده: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»^{۲۰۱}؛ «همان گونه که من نماز می خوانم، شما نیز بخوانید». شکل عبادت و پرستش به دستور پیامبر از جانب خدا بوده است. وقتی که پذیرفتیم باید نماز بخوانیم نحوه نماز خواندن را باید از فرمان خداوند و پیام آور خدا یاد بگیریم، همانطور که وقتی بیمار مراجعه به پزشک را ضروری تشخیص داد، چگونگی و نحوه مصرف دارو، تابع نظر و دستور پزشک می باشد.

علاوه بر اینکه کیفیت و نحوه خواندن نماز - علاوه بر اسرار و رموزی که در آنها نهفته - هم زیبا است و هم معارف بلند اسلامی در آن قرار داده شده؛ هم تسبیح و تقدیس لفظی است و هم تقدیس عملی می باشد. رکوع و سجود و تسبیح و تحمید و دعا و تکبیر و سلام و خلاصه همه زیبایی ها در نماز جمع شده. نماز سفره ای است گسترده که خداوند آن را در پنج نوبت در شبانه روز برای بندگانش باز می کند و بر سر این سفره انواع و اقسام غذاهای لذیذ وجود دارد و هر کس مطابق ذوق و سلیقه و به اندازه توان و مرتبه وجودی و استعداد خود از آن بهره مند می شود. نماز عبادتی جامع است که می تواند تمام وجود انسان (از جهات بدنی و ظاهری گرفته تا جهات ذهنی و قلبی و باطنی) را در خدمت بندگی و پرستش قرار دهد.

^{۲۰۱} - نهج الحق و كشف الصدق ص ۴۲۳

تکبیره الاحرام

۴۵- فلسفه اینکه نماز با گفتن تکبیر شروع شده و به هنگام گفتن «الله اکبر» دست ها را بالا می

آوریم چیست؟

امام رضا علیه السلام در پاسخ به این سوال فرموده اند: حقّ تعالی ابتداء به تکبیر را واجب نموده زیرا در این جمله ابتداء نام «الله» آمده و حقّ تعالی اراده اش تعلق گرفته که ابتداء به نام او شود و این مقصود در ابتداء به تسبیح (سبحان الله) و تحمید (الحمد لله) و تهلیل (لا اله الا الله) تأمین نمی شوند زیرا (الله) در این کلمات مؤخر آمده است.^{۲۰۲}

علاوه بر اینکه در معنای تکبیر، عظمت الهی به بهترین وجه تجلی می نماید چراکه الله اکبر یعنی خدا برتر از همه موجودات حسی، عقلی، ملکی و ملکوتی است، یعنی خدا برتر از آنست که کسی بتواند او را توصیف کند... از همین رو امام صادق (ع) می فرماید: همینکه تکبیر می گویی باید همه چیز نزد تو کوچک شود جز او.^{۲۰۳}

اما در خصوص فلسفه بالا آوردن دست ها در احادیث چنین آمده که بلند نمودن دو دست نوعی تضرع و زاری نمودن است لذا حقّ تعالی دوست دارد که بندگان در وقتی که یادش می کنند با حالت تضرع و زاری باشند.^{۲۰۴}

هفت تکبیر

۴۶- بعد از اقامه و قبل از شروع نماز ۷ مرتبه الله اکبر می گویند، درست است یا نه؟ علت چیست؟

فقها بر اساس روایات متعددی که در این زمینه وجود دارد، فرموده اند مستحب است که انسان علاوه بر تکبیره الاحرام، شش تکبیر دیگر بگوید یا قبل از تکبیره الاحرام و یا بعد از آن و یا در وسط آنها تکبیره الاحرام را بگوید و موافق با احتیاط، اولی است.^{۲۰۵}

از امام رضا علیه السلام در خصوص فلسفه بیان تکبیرهای هفتگانه قبل از نمازروایتی نقل گردیده که خلاصه آن این است که: استحباب این تکبیرها بدان جهت است که اگر کسی تکبیرهای بین نماز مثل تکبیرهای قبل از رکوع و دو سجده را سهوا و یا عمدا به جا نیاورد این تکبیرها کفایت از آنها بنماید و نقصی از این جهت بر نماز پیدا نشود.^{۲۰۶}

^{۲۰۲} - علل الشرائع-ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۲۳

^{۲۰۳} - بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۳۰؛ عبد الرزاق گیلانی، مصباح الشریعہ، عبد الرزاق گیلانی، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷ ش، اول، باب ۱۳

^{۲۰۴} - علل الشرائع-ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۳۷

^{۲۰۵} - ر.ک: تحریر الوسیله امام خمینی (س)، ج ۱، القول فی تکبیره الاحرام مسأله ۲

^{۲۰۶} - علل الشرائع-ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۳۰

در روایت دیگری از امام کاظم علیه السلام علت مستحب بودن این تکبیرها چنین بیان شده: «خدا آسمانها را هفت زمینها راهفت و حجابها را هفتگانه آفرید؛ پس چون پیامبر (ص) رابه معراج بردو قرب او به پروردگارش به اندازه فاصله دو کمان یا نزدیکتر شد یک حجاب از حجابهایش برداشته شد؛ پیامبر (ص) تکبیر گفت و آغاز نموده گفتن کلمات افتتاحیه نماز، پس چون حجاب دوم برایش برداشته شود، تکبیر گفت؛ و به همین منوال (گذشت) تا به هفت حجاب رسید؛ پس آن جناب هفت تکبیر گفت بدین علت برای افتتاح نماز هفت تکبیر گفته می شود.»^{۲۰۷}

ارکان نماز

۴۷- فلسفه ارکان اصلی نماز مانند نیت، قیام، رکوع و سجود در نماز - جدا از بحث تبعیدی آن -

نمایانگر چیست؟ چه واقعیتی را می خواهد نشان دهد؟

فلسفه نیت:

عنصری که به عمل انسان، بها می دهد، نیت و انگیزه و هدف اوست. از همین رو، در آیات قرآن، کلمه «فی سبیل الله، فراوان به کار رفته (۷۰ بار) و این هشدار است که انسانها مواظب اعمال و نیات خود باشند که در راه خدا باشد، نه برای غیرخدا یا انگیزه های نفسانی، مانند جاده خطرناکی که تابلوهای هشداردهنده فراوانی در آن نصب می کنند، بندگی خدا راهی است که لغزشگاههای فراوانی دارد و این همه تأکید، هشدار برای دوری از انحرافها است. بخصوص در عبادات، که بدون «قصد قربت» و نیت خدایی ارزش ندارد. نیت رکن عبادت است. اگر عملی بدون نیت انجام شود، یا نیت غیرخدایی داشته باشد، باطل است. نیت، اصل و اساس عمل است. مقدس ترین کارها بخاطر نیت بد فاسد می شود و ساده ترین کارها، با نیت خوب، ارزشی بسیار پیدا می کند.

نیت خدایی، عامل جذب الطاف الهی است. هر که در راه خدا تلاش کند خداوند هم راههای خودش را به او می نمایاند: «و الذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا»^{۲۰۸}. و نیت شرط قبولی عمل است. امام صادق (ع) از قول خدای متعال نقل می کنند و می فرمایند: «لَمْ أَقْبَلْهُ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصاً»^{۲۰۹}؛ «جز آنچه را خالص برای من می باشد، نمی پذیرم»^{۲۱۰}.

فلسفه قیام:

^{۲۰۷} - علل الشرایع، ص ۳۲۲، باب، ۳۰، حدیث ۴

^{۲۰۸} - عنکبوت (۲۹)، آیه ۶۹

^{۲۰۹} - بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۴۳

^{۲۱۰} - قرائتی، محسن؛ پرتوی از اسرار نماز، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ هجدهم، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵ و ۱۱۶

حقیقت قیام عبارت از ایستادن در پیشگاه پروردگار برای اداء حق عبودیت و بندگی او ... و بدانند که در فردای قیامت او را در پیشگاه ذات اقدس خود ایستادنی است که چگونگی آن را این ایستادن تعیین می کند و لذا سزاوار است که انسان آن چه در توان دارد در تصحیح قیام نماز خود، به کارگیرد...^{۲۱۱}

فلسفه رکوع:

رکوع آن است که پس از پایان سوره، به نیت تعظیم و فروتنی در برابر فرمان و عظمت پروردگار، تا حدی خم شویم که دست‌ها به زانو‌ها برسد، کمر صاف باشد، گردن کشیده باشد.

حضرت علی علیه السلام در بیان فلسفه چنین حالتی در رکوع می فرماید: «معنای کشیدن گردن در رکوع این است که در ایمان به خدا استوارم، اگر چه گردنم زده شود، و معنای سر برداشتن از رکوع و گفتن ((سمع الله)) این است که حمد و ثنای ما را می شنود، آن خدایی که مرا از نیستی و عدم به وجود آورده است.»^{۲۱۲}

فلسفه سجده:

سجده، نشان تذلل و خاکساری در برابر خداوند و عالی‌ترین درجه عبودیت است. انسان با سجده، خود را هم‌رنگ با هستی می‌کند «و لله يسجد ما في السموات والارض»^{۲۱۳}.

سجده بهترین حالتی است که انسان به خدا نزدیک می شود. سجده، رمز دوران های چهارگانه زندگی انسان است.

علی (ع) می فرماید: سجده اول، یعنی این که از خاکم، سر برداشتن رمز زندگی دنیایی است. سجده دوم، رمز مردن و به خاک خفتن است، سر برداشتن از سجده دوم، رمز محشور شدن است.^{۲۱۴}

و این کلام امیرالمومنین علیه السلام مضمون این آیه است که: «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى»^{۲۱۵}؛ «ما شما را از خاک آفریدیم و به خاک بر می گردانیم و بار دیگر از خاک، بیرونتان می آوریم.»

سوره حمد

۴۸- چرا باید در نماز، حتماً سوره حمد خوانده شود؟ و سوره‌ای دیگر جای گزین آن نمی‌شود؟

در خصوص علت خواندن سوره حمد و عدم جایگزینی دیگر سوره های قرآن به چند دلیل عمده می توان اشاره نمود؛

^{۲۱۱} - حاج میرزا جواد ملکی تبریزی، اسرار الصلوة، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۶۳، ص ۳۲۳

^{۲۱۲} - بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۵۳

^{۲۱۳} - نحل (۱۶)، آیه ۴۹

^{۲۱۴} - بحار، ج ۸۲، ص ۱۳۹

^{۲۱۵} - طه (۲۰)، آیه ۵۵

جامعیت این سوره

سوره حمد تنها سوره ای است که از زبان بندگان بیان شده و آیات این سوره شامل موضوعات گوناگونی می باشد.

امام رضا علیه السلام در این باره فرموده اند: «علت اینکه در نماز سوره حمد خوانده می شود این است که: (هیچ سوره‌ای از سوره‌های قرآن مثل سوره حمد مشتمل بر جوامع خیر و حکمت نیست و شرح آن چنین است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» با این عبارت بنده آنچه حقّ تعالی بر او واجب کرده یعنی شکر توفیق یافتنش برای اعمال خیر را اداء می کند.

«رَبُّ الْعَالَمِينَ» این عبارت تمجید حقّ تعالی و تحمید او بوده و نیز با آن بنده اقرار می کند که او فقط خالق و مالک است نه دیگری.

«الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» با این عبارت بنده عطف و خالق را نسبت به خود طلب کرده و همچنین پروردگار و نعمت‌هایش بر جمیع مخلوقات را متذکّر می شود.

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» اقرار به بعث و زنده شدن مردگان و حساب و مجازات بندگان بوده و نیز با این کلام بنده ملک آخرت را برای حقّ تعالی اثبات نموده همان طوری که ملک دنیا را برایش ایجاب می نماید.

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ» با این عبارت بنده رغبت و تقرّب خود به خدا را بیان کرده و نیز خبر می دهد از اخلاص عمل فقط برای خالق نه دیگری.

«إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» بنده با این عبارت از خدا تقاضا می کند که توفیق و عبادتش را زیاد کرده و نعمت‌ها و نصرتش را خالق نسبت به او ادامه دهد.

«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» بنده با این جمله از خدا تقاضای ارشاد کرده و نیز بدین وسیله به ریسمان هدایتش چنگ زده و همچنین از خدا می خواهد که معرفتش را به او و به عظمت و کبریائیش زیاد نماید.

«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» این جمله تأکید بنده نسبت به هدایت و رغبتش در ارشاد شدن را رسانده و نیز با این عبارت بنده متذکّر نعمت‌های حقّ تعالی بر اولیائش شده و همچنین رغبت و میلش به مثل چنین نعمت‌هایی را می رساند.

«غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» بنده با اداء این عبارت پناه به خدا برده و استعاذه می جوید از این که در زمره معاندین و کافرین و کسانی باشد که پروردگار و امر و نهی او را خفیف و کوچک می شمردند.

«وَلَا الضَّالِّينَ» با این کلمه بنده از خدا تقاضا می کند او را معصوم و محفوظ بدارد از این که در گروه آنان که از طریق مستقیم حقّ تعالی گمراه بوده و بدون عرفان چنین می پندارند که اعمال پسندیده و شایسته بجا می آورند باشد.

و بدین ترتیب در این سوره جوامع خیر و حکمت نسبت به امر آخرت و دنیا جمع بوده به طوری که با هیچ چیز دیگری برابری نکرده و قابل قیاس نیست.^{۲۱۶}

و بدین ترتیب در این سوره جوامع خیر و حکمت نسبت به امر آخرت و دنیا جمع بوده به طوری که با هیچ چیز دیگری برابری نکرده و قابل قیاس نیست.^{۲۱۷} به دلیل همین ویژگی است که نماز بدون سوره حمد ناقص است.

از امام باقر(علیه السلام) درباره حکم کسی که در نمازش «فاتحه الکتاب» قرائت نکرده بود، سؤال شد؛ حضرت فرمود: «لَا صَلَاةَ لَهُ إِلَّا أَنْ يُقْرَأَ بِهَا»؛ «نمازش، نماز شمرده نمی شود، مگر این که در آن «فاتحه الکتاب» را قرائت کند.»

در روایت دیگری می فرمایند: «كُلُّ صَلَاةٍ لَا يُقْرَأُ فِيهَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فَهِيَ خِدَاجٌ»؛ «هر نمازی که در آن «فاتحه الکتاب» خوانده نشود، ناقص است.»^{۲۱۸}

فواید سوره حمد

روایات متعددی در خصوص آثار و فوائد این سوره بیان گردیده که در اینجا تنها به دو مورد آن اشاره می نمائیم:

پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) به جابرین عبدالله انصاری فرمود: «ای جابر! آیا برترین سوره ای که خدا در کتابش نازل فرموده به تو بیاموزم؟ جابر عرض کرد: آری، پدر و مادرم فدای تو باد! ای رسول خدا! آن را به من بیاموز. پس رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) سوره «حمد» (ام الکتاب) را به او تعلیم داد و فرمود: ای جابر! آیا آگاہت سازم از این سوره؟ عرض کرد: چرا، پدر و مادرم فدای تو باد! یا رسول الله! از آن مرا با خبر ساز. فرمود: آن شفای هر دردی است جز مرگ.»^{۲۱۹}

امام صادق - علیه السلام - فرمودند: «اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ مُقَطَّعٌ فِي أُمَّ الْكِتَابِ»^{۲۲۰}؛ «اسم اعظم خداوند، در فاتحه الکتاب مندرج است.»

با توجه به دلایل گفته شده معلوم می شود سوره حمد، به سبب ویژگیهای منحصر به فردی که دارد، بر دیگر سورهها مقدم است و بر آنها برتری دارد. از این رو در نماز، سوره حمد را می خوانیم.

^{۲۱۶} - علل الشرائع - ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۲۵

^{۲۱۷} - علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۲۵

^{۲۱۸} - ر.ک: شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، باب القراءه فی الصلاه، ص ۳۷-۳۹.

^{۲۱۹} - بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۳۷

^{۲۲۰} - وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۸

دروغ در نماز

۴۹- با این که خدا دروغ را نمی‌پسندد چرا انسانها را در «ایاکَ نَعْبُدُ و اَیَاکَ نَسْتَعِین» نماز مجبور به

دروغ می‌کند؟

بسیاری از آیات و دعاهای وارده از معصومین علیهم السلام ذو ابعاد است، یعنی علاوه بر جنبه تحمید و تسبیح و ذکر و دعا و تضرع و عرض حاجت، جنبه‌های آموزشی، عرفانی و تربیتی در آن لحاظ شده است. در بسیاری از ادعیه بعد تربیتی بیشتر از سایر ابعاد است، و به عبارت دیگر، در ادعیه وارده پیامی نهفته است که منظور اصلی از دعا همان پیام است و دعا وسیله ابلاغ آن پیام.

به عنوان مثال، وقتی در زیارت امام حسین علیه السلام می‌گوییم: «یا لیتنی کنت معکم فافوز معکم» این جمله را تنها به عنوان یک آرزوی بی محتوا نمی‌گوییم. در این جمله پیام شهادت طلبی و تأسی به امام حسین علیه السلام و اصحاب فداکار آن حضرت مطرح است و تکرار آن به منظور ایجاد همین روحیه در زائران حسینی است.

این جملات گرچه به صورت اخبار است ولی در واقع از مقوله انشاء است. یعنی این کلمات را بدین قصد می‌گوییم که باید اینچنین باشیم نه اینکه من اینچنین هستیم.

جمله «ایاکَ نَعْبُدُ و اَیَاکَ نَسْتَعِین» در سوره فاتحه نیز به همین صورت می‌باشد یعنی اگر به منظور اخبار و شرح حال گفته شود در غالب اوقات و افراد دروغ واضح است. چه کسی می‌تواند ادعا کند که تنها خدا را می‌پرستد و از دیگری چیزی نمی‌خواهد؟ اما این جمله در قالب اخبار با پیامی همراه است که آن پیام جنبه انشایی و ایجابی دارد. یعنی: ای نمازگزار باید اینچنین باشی، پس بکوش تا به این مرحله از عبودیت نائل شوی.^{۲۲۱}

از همین رو امام رضا علیه السلام در تفسیر جمله «ایاکَ نَعْبُدُ و اَیَاکَ نَسْتَعِین» می‌فرماید:

با عبارت «ایاکَ نَعْبُدُ» بنده رغبت و تقرب خود به خدا را بیان کرده و نیز خبر می‌دهد از اخلاص عمل فقط برای خالق نه دیگری.

و با عبارت «ایاکَ نَسْتَعِینُ» بنده از خدا تقاضا می‌کند که توفیق و عبادتش را زیاد کرده و نعمت‌ها و نصرتش را خالق نسبت به او ادامه دهد.^{۲۲۲}

همانگونه که ملاحظه می‌نمائید امام در تفسیر این جمله بیشتر جنبه ایجابی آن را لحاظ نموده و اینکه بنده با بیان این جملات به دنبال زیاد شدن توفیق و عبادتش می‌باشد نه اینکه به دروغ مطلبی را بیان کرده باشد.

^{۲۲۱} - آیت الله مهدوی کنی، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، هفتم، ۱۳۷۶ش، ص ۶۳۷

^{۲۲۲} - علل الشرائع-ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۲۵

۵۰- فلسفه آرام خواندن قرائت در نماز ظهر و عصر و بلند خواندن آن در نماز مغرب و عشا

چیست؟

جهر و اخفات در نماز - چنان چه از بعضی از روایات استفاده میشود - یکی از سنت‌های پیامبر اکرم (ص) است که خداوند خواسته با این سنت امت را نسبت به پابندی به سیره و سنت پیامبرش آزمایش کند کما اینکه پیامبر خدا در خصوص نماز می فرمودند: که طبق حدیث نبوی «صلوا کما رأیتمونی اصلی»^{۲۲۳}؛ «نماز بخوانید آن گونه که من می خوانم»

در علل الشرایع و عیون اخبار الرضا از امام رضا - علیها السلام - نقل شده که حضرت فرمود: «علت اینکه بعضی نمازها باید بلند و بعضی آهسته خوانده شود این است که نمازهایی که باید بلند خوانده شوند (صبح، مغرب، عشاء) در اوقاتی است که هوا نسبتاً تاریک و واجب است بلند خوانده شوند که اگر کسی از آنجا عبور می‌کند، بداند که جماعتی در آنجا نماز می‌خوانند تا اگر خواست به آنها ملحق شود؛ چون تاریکی مانع دیدن اوست و بلند خواندن باعث می شود او صدای نمازگزاران را بشنود. ولی دو نمازی که آهسته خوانده می‌شوند (ظهر و عصر) به دلیل اینکه روز است و عملشان کاملاً قابل رؤیت است، احتیاج به بلند خواندن ندارد»^{۲۲۴}

در روایت است که از امام صادق - علیها السلام - سؤال شد که چرا باید نمازهای جمعه، مغرب، عشاء و صبح را بلند خواند ولی نماز ظهر و عصر را آهسته؟ حضرت فرمود: «زیرا پیامبر - صلی‌الله علیه و آله وسلم - وقتی به معراج رفتند اولین نمازی که خدا بر او واجب کرد، نماز جمعه بود؛ آنگاه خداوند به ملائکه امر کرد تا پشت سر پیامبر - صلی‌الله علیه و آله وسلم - بایستند و به پیامبر - صلی‌الله علیه و آله وسلم - دستور داد که نمازش را بلند بخواند تا فضل و برتری خود را به ملائکه نشان دهد. سپس نماز عصر را بر او واجب کرد، ولی کسی را به پیامبر اضافه نکرد تا به وی اقتدا کند؛ از این رو دستور داد تا آهسته قرائت کند. سپس نماز مغرب را واجب کرد و ملائکه را به پیامبر - صلی‌الله علیه و آله وسلم - افزود. پس امر کرد تا بلند بخواند و همین طور در نماز عشاء. وقتی فجر نزدیک شد، پیامبر - صلی‌الله علیه و آله وسلم - از آسمان نزول کرد، آنگاه خداوند نماز صبح را بر او واجب کرد و امر کرد تا بلند بخواند تا فضل خود را به مردم نشان دهد، چنان که به ملائکه فضل خود را نشان داده بود»^{۲۲۵}

^{۲۲۳} - بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۷۹

^{۲۲۴} - علل الشرائع-ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۳۳- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۸۲، ح ۷۴۰۶

^{۲۲۵} - وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۸۳، ح ۷۴۰۷

۵۱- می خواستم بدانم که فلسفه قنوت چیست؟ منظور نه اصل دعا، منظور اینجانب بلند کردن

دست در دعای قنوت است؟ نظر من این است که ما اگر در هنگام دعا کردن در نماز در رکعت دوم دست ها را به بالا ببریم دچار شرک خفی شده ایم زیرا اگر در حرکت کائنات و آسمان ها اگر نظر بیندازیم متوجه می شویم که بالا بردن دست دانستن اینکه خدا در بالاست ولی می دانیم که خدا در همه جا حضور دارد و از رگ گردن به ما نزدیک تر است. یک

توضیح کامل بدهید که فلسفه دست ها را بلند کردن در هنگام قنوت چیست؟

بهترین حالت به هنگام دعا این است که انسان دست ها را به طرف بالا گرفته و درخواست خود را مطرح می کند.

امام صادق(ع) می فرماید: هیچ بنده ای دستش را به سوی خداوند عزیز جبار دراز نمی کند مگر این که خداوند حیا می کند از این که آن را خالی برگرداند و در آن قرار می دهد از فضل و رحمت خودش آن قدر که بخواهد به همین جهت هرگاه کسی از شما دعا کرد دست خود را برنگرداند تا این که آن را به سر و صورتش بکشد.^{۲۲۶}

اما چرا به طرف بالا؟ مگر خداوند در همه جا حضور ندارد؟ حضرت علی(ع) در پاسخ همین سؤال فرمودند: «اذا فرغ احدکم من الصلاة فلیرفع یدیه الی السماء و لینصب فی الدعاء، فقال ابن سبا: یا امیرالمؤمنین! ألیس الله فی کل مکان؟ قال: نعم، قال: فَلِمَ یَرفَع یدیه الی السماء؟ فقال: او ما تقرأ «و فی السماء رزقکم و ماتوعدون». فمن این یطلب الرزق الا من موضع الرزق و موضع الرزق و ما وعد الله السماء»؛ «وقتی از نماز فارغ شدید، دستانتان را به طرف آسمان بالا ببرید و دعا کنید. ابن سبا سؤال کرد: مگر خداوند در همه مکان ها نیست؟ حضرت فرمود: درست است. سؤال کرد: پس چرا دستمان را به طرف آسمان بالا ببریم؟ حضرت فرمود: آیا قرآن نخوانده اید که فرموده است: «رزق شما و آنچه وعده داده شده اید، در آسمان است» پس از کجا باید رزق را طلب کرد؟ باید از موضع و جای رزق و آنچه که خداوند وعده کرده، طلب نمود که آسمان است».^{۲۲۷}

^{۲۲۶} - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۵۱ چاپ آل البیت

^{۲۲۷} - تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ص ۱۱۸

۵۲- فلسفه و اسرار تشهد در نماز چیست؟

تشهد، از واجبات نماز است. پس از هر دو رکعت (و در نماز مغرب، در رکعت سوم نیز) باید نشست و تشهد خواند، که شامل گواهی دادن به یکتایی خدا و رسالت پیامبر و صلوات است. باید دو زانو نشست، بگونه ای که پشت پای راست، روی کف پای چپ قرار گیرد و بهتر است سنگینی بدن به سمت چپ باشد.

از آنجا که در اصطلاح قرآنی، راست، مظهر حق و چپ، سبیل باطل است، امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب این سؤال که چرا پای راست روی پای چپ قرار داده می‌شود، فرمود: تا ویلش این است که: خدایا باطل را بمیران و حق را بر پای دار.^{۲۲۸}

به بیان حضرت علی علیه السلام: «تشهد تجدید و تکرار شهادتین است که تجدید ایمان و اسلام است و اعتراف به مبعوث شدن بعد از مرگ»^{۲۲۹}

در تشهد گواهی به یگانگی خدا و رسالت پیامبر در کنار هم آمده و پیوند نبوت و رهبری را با توحید و عبودیت می‌رساند.

شاید گویای این باشد که این گواهی را هر کس باید با آگاهی و اعتقاد عمیق خود اظهار بدارد و بیعت خویش را با خدا و رسول، تجدید کند.

در شهادت به رسالت و عبودیت حضرت محمد صلی الله علیه وآله هم عظمت مقام آن حضرت نهفته، که خداوند، شهادت به رسالت او را در کنار توحید قرار داده است، هم پیوند نمازگزار را با خط رهبری الهی و قدردانی از او می‌رساند، و هم مقلّم بودن (عَبْدُهُ) بر (رَسُولُهُ) می‌رساند که رمز رسالت پیامبر، عبودیت اوست، و چون بنده خدا بوده به مقام پیامبری برگزیده شده است.

فراز دیگر تشهد، صلوات است. گرچه اهل سنت، این جمله را در تشهد نمی‌خوانند، ولی امام شافعی از رهبران اهل سنت در شعری چنین سروده است:

يا أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ فَرَضٌ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ
كَفَاكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْقَدْرِ أَنْكُمْ مَنْ لَمْ يَصِلْ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ

ای خاندان پیامبر! محبت شما بر ما فرض است و خدا این را در قرآن نازل کرده است.

در عظمت قدر شما همین بس که هر کس بر شما صلوات نفرستد، نمازش، نماز نیست.^{۲۳۰}

^{۲۲۸} - وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۹۲

^{۲۲۹} - بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۵۳

^{۲۳۰} - الغدير فی الكتاب و السنه و الادب، ج ۳، ص ۲۴۵ - به نقل از: ابن حجر فی الصواعق (ص ۸۷)، الزرقانی فی شرح المواهب (۷/۷)، الحمزوی المالکی فی مشارق الأنوار (ص ۸۸)، الشبراوی فی الإنحاف (ص ۲۹)، الصبان فی الإسعاف (ص ۱۱۹).

در کیفیت صلوات بر پیامبر و آلش و نیز در اصل آن، حدیث های متعددی در کتب تفسیر و فقه و حدیث اهل سنت نیز آمده است. حتی در صحیح بخاری روایت است که از پیامبر صلی الله علیه وآله پرسیدند: ما چگونه صلوات بفرستیم فرمود: بگوئید: اللهم صلّ علی محمد وعلی آل محمد^{۲۳۱} در احادیث دیگری نیز آل محمد در کنار نام پیامبر آمده است.^{۲۳۲}

و در احادیثی، نكوهش از کسانی شده که هنگام صلوات بر محمد صلی الله علیه وآله اهل بیت آن حضرت را یاد نمی کنند، همچون حدیث پیامبر که فرمود: «مَنْ قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدًا، وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ آلِهِ لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ»^{۲۳۳}؛ «کسی که بگوید: صلی الله علیه و بر آل او صلوات نفرستند بوی بهشت را درک نخواهد کرد.»

و در مقابل، تشویق از کسانی شده که بر اهلیت پیامبر نیز درود می فرستند و پاداش شفاعت و قرب به پیامبر برای آنان بیان گشته، همچون این حدیث از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: «مَنْ أَرَادَ التَّوَسُّلَ إِلَيَّ وَ أَنْ تَكُونَ لَهُ عِنْدِي يَدٌ أُشْفَعُ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلْيُصَلِّ عَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِي وَ يَدْخُلِ السُّرُورَ عَلَيْهِمْ»^{۲۳۴}؛ «کسی که می خواهد به من توسل پیدا کند و اینکه برای او در نزد من دست شفاعت کننده ای برایش باشد پس باید بر اهل بیت من صلوات بفرستند و سرور و شادی را در آنها ایجاد کند» به هر حال، یاد کردن از آل پیامبر در صلوات، نشان قدرشناسی از دودمان پیامبر و عمل به توصیه خود آن حضرت است.^{۲۳۵}

سلام نماز

۵۳- وجود سلام در نماز چه فلسفه ای دارد و چرا به جای اینکه در اول نماز گفته شود در آخر

نماز گفته می شود؟

آخرین مرحله نماز، سلام و درود فرستادن بر پیامبر اکرم(ص)، بندگان صالح و همه نمازگزاران است.

«تکبیره الاحرام» اجازه ورود به نماز و «سلام» اجازه خروج از آن است.

در باره حکمت و فلسفه «سلام؟» می توان به موارد زیر اشاره کرد:

یگانگی و همدلی مسلمانان

^{۲۳۱} - صحیح بخاری، ج ۸، باب الصلاة علی محمد

^{۲۳۲} - تفسیر فخر رازی، ج ۲۵، ص ۲۲۷ و کنز العمال، ج ۱، ص ۴۹۵

^{۲۳۳} - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۰۳

^{۲۳۴} - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۰۳

^{۲۳۵} - محسن قرائتی، پرتویی از اسرار نماز، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۷ ش، هجدهم، ص ۱۸۶

نماز گزار وقتی در سلام نماز به همه مؤمنان و بندگان صالح و بر خودش سلام می‌دهد، احساس می‌کند که تنها نیست و یکی از آحاد امت بزرگ اسلام است و با مردان خدا، در هر جای زمین، احساس همبستگی می‌کند.

واژه سلام دو معنا دارد؛

۱ - درود و تحیت و آرزوی سلامتی کامل برای مؤمنان،

۲ - نام مقدس خداوند.

براین اساس؛ نماز گزار به اذن پروردگار، سلامتی و امن از عذاب را برای مؤمنان درخواست می‌کنند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «معنی السلام فی دبر کلّ صلاة الامان»^{۲۳۶}؛ «معنای سلام در آخر هر نمازی، امان است»؛ یعنی، اگر نماز را درحالی که قلبش خاضع است به جای آورد، از بلاهای آخرت در امان خواهد بود»^{۲۳۷}.

جلب رحمت الهی

امام علی (ع) می‌فرماید: «السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته» از خدا ترحم خواستن برای خود و همه بندگان است، که این خود سبب ایمن شدن از عذاب قیامت است»^{۲۳۸}

یاد آوری نام الهی

امام صادق (ع) فرموده است: «سلام، یکی از اسم‌های خدا است و اگر می‌خواهی سلام نماز را به خوبی انجام داده و معنایش را ادا کنی، پس باید از خدا بترسی و دین، قلب و عقلت را سالم نگه داری و آنها را به ظلمت گناه نیالایی»^{۲۳۹}.

تلقین نیکی‌ها و شایستگی‌ها

یکی از درس‌ها و ثمرات نماز این است که هر نماز گزار، در هر شبانه روز، پنج بار به خود تلقین می‌کند که: از بندگان نیکوکار و شایسته خداوند است «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین». کسی که نماز می‌خواند، اگر به معنای این جمله توجه کند، وجدانش تحت تأثیر قرار می‌گیرد و سعی می‌کند با پیام آن تلقین، مخالفت نکند و اعمال خلاف مرتکب نشود و خود را هر چه بیشتر به نیکوکاران، نزدیک سازد.^{۲۴۰}

^{۲۳۶} - مصباح الشریعہ، ص ۹۵

^{۲۳۷} - محسن قرائتی، پرتویی از اسرار نماز، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷ ش، هجدهم، ص ۱۶۲

^{۲۳۸} - وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۹۲

^{۲۳۹} - حضرت امام خمینی «ره»، آداب الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ شمسی، هفتم، ص ۳۹۹

^{۲۴۰} - رموز نماز، ص ۸۳

نماز گزار با سلام دادن، نشان می‌دهد که دوست دار و خیرخواه همه خوبان و نیکوکاران است و همواره آرزوی سلامتی آنان را دارد. این مسأله باعث نزدیکی قلب‌ها به هم و مستحکم‌تر شدن دوستی‌ها و برادری‌ها است.^{۲۴۱}

گفتنی است که سلام فقط برای شروع و آغاز دیدار نیست؛ بلکه در فرهنگ و لغت عرب، به معنای خداحافظی نیز می‌باشد. آنان زمانی که از یکدیگر جدا می‌شوند، می‌گویند: «سلام علیکم». درباره «سلام آخر» نماز گفته شده است: انسان در نماز، ارتباطی وثیق با خدا برقرار و با دیگران قطع رابطه می‌کند. اما در پایان نماز - که بازگشت از معراج است - با خلق خدا ارتباط پیدا می‌کند و در این مرحله به مؤمنان و صالحان سلام و درود می‌فرستد.

نمازگزار با «تکبیر الاحرام» وارد نماز می‌شود و چیزهایی برای او حرام می‌گردد. اما سلام نماز برای این است که نمازگزار با آن، از نماز خارج شود. نمازگزار از ابتدای نماز تا آخر، کم کم حضورش پیش خدا، ملائکه و پیامبران زیاد می‌شود و «سلام» تحیت به پیامبران، مؤمنان و ملائکه‌ای است که حاضر شده‌اند. سلام، سلامتی بنده از آتش به وسیله نمازی است که قبول شده و با نماز مقبول، سایر اعمال او هم پذیرفته می‌شود. بنابراین پایان نماز جای سلام، تحیت، سلامتی و شادمانی است؛ نه ابتدای نماز.^{۲۴۲}

نام غیر خدا در نماز

۵۴- اگر در نماز نباید غیر خدا را مخاطب خود قرار داد، سلام بعد از نماز به چه دلیل انجام می

گیرد و گفته می‌شود «السلام علیک یا ایها النبی...»؟

در نماز مجموعه از مقررات شرعی و الهی وجود دارد که برای به تحقق رساندن نماز به صورت مطلوب، مطرح شده است. از قبیل شرایط ظاهری، و باطنی نمازگزار و نیز محل نماز و اجزا و ترتیبات مربوطه به نماز در تمام احکام مربوط به نماز که همگی از امور روشن و آشکار است، شرطی به عنوان مخاطب قرار ندادن غیر خدا مطرح نشده است،

بنابراین:

اولاً، اگر در سلام نماز مخاطب انسان غیر خداوند است، هرگز به نماز صدمه نمی‌زند. زیرا هیچ شرطی یا واجبی از واجبات نماز را مخدوش نمی‌کند.

ثانیاً، مخاطب قرار دادن غیر خدا در نماز از قبیل پیامبر و بندگان صالح خداوند، چون به دستور خداوند، و با نام خدا (سلام) انجام می‌پذیرد، در واقع مخاطب قرار دادن خداوند است.

^{۲۴۱} - مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پانیز ۸۰ ش، چاپ نهم، ج ۲، ص ۲۷

^{۲۴۲} - همان، ص ۳۳

در نتیجه راز سلام این است که انسان به دستور خداوند، با نام خداوند به پیامبران و بندگان صالح و نمازگزاران درود می فرستد. براساس فرامین امام رضا علیه السلام در پاسخ به این پرسش که سخن مخلوق با ورود به نماز حرام و توجه به خالق برای او لازم می شود. فراغت از نماز و انتقال از حال نماز با آغاز کلام مخلوق یعنی سلام صورت می گیرد.^{۲۴۳} سلام بر بندگان صالح خداوند، به معنای بازگشت به جمع آنان است. بنابراین، مخاطب قرار دادن غیر خداوند را در سلام، منافات با آداب و احکام نماز ندارد و چون به دستور خداوند انجام می شود و از سوی دیگر سلام نام خداوند است، در نهایت و واقع خداوند مورد خطاب قرار گرفته است.

پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله) و صلوات بر خود

۵۵- آیا پیامبر اکرم (ص) در نماز خویش، شهادت به رسالت خویش می داده است؟ آیا پیامبر

اکرم (ص) در نماز خویش، سلام و صلوات بر خود می فرستادند؟ با چه عبارتی؟ لطفاً پاسخ را

مستند به روایات و اسناد بدهید.

در ابتدا گفتنی است؛ پیامبر (صل الله علیه و آله) یک شخصیت حقیقی دارد به عنوان یک انسان و یک شخصیت حقوقی به عنوان پیامبر و فرستاده خدا و از این جهت احترام مقام رسالت و شخصیت حقوقی پیامبر (ص) حتی برای خود پیامبر (صل الله علیه و آله) نیز لازم است. از این رو پیامبر (صل الله علیه و آله) موظف بودند نماز را همان گونه که خداوند امر فرموده است، بجای آورند. قرآن مجید نیز می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^{۲۴۴}؛ «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید.»

از آن جایی که رسول اکرم (ص) خود در رأس مؤمنان است آیه شامل خود آن حضرت نیز می شود که به مؤمنان دستور می دهد به پیامبر صلوات بفرستند، بنابراین پیامبر (ص) موظف به فرستادن صلوات و درود بر خود بودند.

بنابراین از آنجا که پیامبر (ص) موظف بودند نماز را همان گونه که خداوند امر فرموده است، به جای آورند و ایشان نیز مانند دیگر مردم در احکام الهی مساوی اند. لذا ایشان نیز در نماز و یا در اذان شهادت به رسالت می دادند و صلوات نیز می فرستاده ولی شان پیامبر در ادای این صلوات شان یک فرد مومن به خدا و

^{۲۴۳} - وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۱۷

^{۲۴۴} - احزاب (۳۳)، آیه ۵۶

رسالت محمد(ص) است لذا هیچ ایرادی ندارد که صلوات بر پیامبر(ص) بفرستد ولی چنین کاری بدین صورت بر ما روا نیست چون ما دارای دو شان نیستیم یکی ((محمد بن عبدالله)) و دیگری ((رسالت الهی)) گرچه ما نیز بر خودمان سلام می‌دهیم و می‌گوییم السلام علینا و علی عباد الله الصالحین.^{۲۴۵}

مخاطب سلام نماز

۵۶- مخاطب سه سلام آخر نماز چه کسانی می‌باشند؟

جمله: (السلام علیک ایها النبی...) خطاب به پیامبر گرامی اسلام می‌باشد. هم‌چنان که قرآن به آن سفارش کرده است (احزاب، ۵۶).

جمله: السلام علینا... خطاب به خود ما (به ویژه در نماز جماعت) و بندگان نیکوکار خدا است؛ مسلمانان، در هر نمازی پیوند دوستی با همه بندگان نیکوکار خدا را به خود تلقین می‌کنند و درود صلح را بر بندگان نیکوکار می‌فرستند.

و جمله: السلام علیکم و رحمه الله... بنابر یک نقل خطاب به انبیا، ملائکه و امامان معصوم می‌باشد که نمازگزار آنان را در ذهنش مجسم می‌نماید و بر آنان درود می‌فرستد^{۲۴۶} یا خطاب به جمیع مؤمنان است؛ یعنی سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما مؤمنان^{۲۴۷، ۲۴۸}.

تکبیر بعد از نماز

۵۷- فلسفه اینکه در پایان نماز سه بار الله اکبر می‌گوییم و دستها را به بالا می‌آوریم و سر را تکان

داده به اطراف نگاه کرده و آرام بر روی ران می‌زنند چیست؟ آیا این عمل برگرفته از

معصومین علیهم السلام است؟

هرچند بسیاری از نمازگزاران پس از سلام نماز، سه مرتبه با حرکت سر و یا احیاناً تکان دادن مختصر دست و یا کشیدن دست بر روی ران و... نماز را خاتمه می‌بخشند، اما چنین کیفیتی در روایات و منابع فقه شیعه توصیه نشد (البته حرام هم نیست!) و در مقابل آنچه مورد توصیه روایات و در نتیجه فتوای مراجع محترم تقلید است، این می‌باشد: «مستحب است نمازگزار پس از اتمام نماز، سه مرتبه دست‌ها را بالا آورده و در همین حالات سه مرتبه الله اکبر هم بگوید؛ هم چنین به هنگام سلام بدون روی گرداندن از قبله به جانب

^{۲۴۵} - مجتبی کلباسی، یکصد و ده پرسش و پاسخ درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، نهم، ص ۱۵۵

^{۲۴۶} - ر.ک: شرح لمعه، ج ۱، ص ۸۲؛ شهید بهشتی، سرود یکتاپرستی، ص ۲۹

^{۲۴۷} - ر.ک: میرزا جواد تبریزی، صراط النجاة، ج ۳، ص ۳۱۷؛ امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۱۵۳، ط ۹

^{۲۴۸} - سعید شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اکبر، پاییز ۱۳۸۷ش، سوم، ص ۲۴۳

راست توجه کند و اگر در سمت چپ او نیز کسی هست به سمت چپ نیز اشاره و سلام را تکرار کند و اگر نماز جماعت است یک سلام نیز به سمت جلو به سمت امام ادا نماید.^{۲۴۹}

در خصوص علت استحباب این عمل نیز یکی از شاگردان حضرت امام صادق، علیه السلام می گوید: از حضرت امام صادق علیه السلام پرسیدم به چه علت نمازگزار پس از سلام نماز سه مرتبه تکبیر گفته و با هر تکبیر دستها را بلند می کند؟ ایشان پاسخ فرمودند: بدین علت که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مکه را فتح نمود، نماز جماعت ظهر را با اصحابش در کنار حجر الاسود اقامه کرد و آنگاه که سلام نماز را داد دستها را بلند کرد و سه مرتبه تکبیر گفت و این دعا را خواند «لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده و نصر عبده و اعز جنده و غلب الاحزاب وحده فله الملك و له الحمد یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدیر»؛ پس رو به یارانش فرموده و خطاب کردند: این تکبیر و این دعا را پس از هر نماز واجب بخوانید و ترک نکنید، که هر کس چنین عملی را پس از سلام نماز انجام دهد شکر واجبی را ادا کرده شکر الهی بابت تقویت اسلام و مسلمانان بر کفر و الحاد است.^{۲۵۰}

برخی برای تکبیر آخر نماز اسراری را نیز مطرح نموده اند:

۱. هر تکبیر اذعان یک مرحله از سه نوع توحید الهی است: توحید در خالقیت (توحید افعالی، توحید ذات خدا، توحید در اسماء و صفات) و نمازگزار با هر تکبیر زبان به اعتراف می گشاید.
۲. این بلند کردن دستها و نزدیک ساختن به گوش، اشاره به طرد و فرا افکندن تعلق خاطر خود به نماز است تا مبدا عجب و خود بینی در قلب او راه یابد.
۳. اظهار ذلت، عجز، قصور و تقصیر خویش در محضر مقدس حضرت باری تعالی است.^{۲۵۱}

فصل پنجم: آثار و فوائد نماز

آثار جسمی نماز

۵۸- آیا نمازی که من می خوانیم در سلامتی و تندرستی جسم مان تأثیر دارد؟

هر چند فوائد جسمی نماز در برابر فوائد بیشمار دنیوی و اخروی آن ناچیز بوده و هیچیک از نمازگزاران با این نیت به اقامه نماز نمی پردازند، با این حال نمی توان به سادگی از این آثار و فوائد چشم پوشی نمود. بطور مسلم نماز بر سلامتی جسم تأثیر گذار است چراکه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) سلامتی را یکی از فوائد نماز برشمرده و در وصف نماز فرموده اند: «رَاحَةٌ فِي الْبَدَنِ»^{۲۵۲}؛ «نماز موجب راحتی و سلامتی در بدن است»

^{۲۴۹} - مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۵۲ و عروه الوثقی، ج ۱، ص ۵۴۰

^{۲۵۰} - وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۲

^{۲۵۱} - برداشت و اقتباس آزاد از آداب نماز، مرحوم آیه الله امام خمینی (ره)، ۳۷۷

در این خصوص نیز تحقیقات مفصل و جالبی از سوی برخی محققین اسلامی و غیر اسلامی صورت پذیرفته و نتایج آن بصورت کتاب در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است. ما نیز در پاسخ به این سوال، به ذکر نتایج برخی از این تحقیقات که در کتاب «راز نیایش (فوائد طبی و درمانی نماز)» ذکر گردیده اکتفا نموده و مطالعه بیشتر در این زمینه را به خوانندگان محترم واگذار می‌نمائیم.

دکتر «الکسیس کارل» درباره فواید طبی نماز می‌گوید:

نتایج نماز و نیایش را با علم نیز می‌توان دریافت، زیرا نماز و نیایش نه تنها به روی حالات عاطفی بلکه روی کیفیات بدنی نیز اثر می‌کند و گاهی در چند لحظه یا چند روز بیماری جسمی را بهبود می‌بخشد. این کیفیات هر چقدر هم که غیر قابل درک باشند، بایستی به واقعیتشان معترف شد. دفتر مشاهدات طبی «لورد» بیش از ۲۰۰ مورد درمان فوری و غیر قابل تردید سل ریوی و عفونت کلیه و سرطان و امراض بدنی دیگر را ضبط کرده است.

در خصوص حرکات نماز نیز، چنانکه امروزه ثابت گردیده، تکرار قیام و قعود در نماز بهترین وسیله ای است که سرعت گردش خون را افزایش داده و از این رو نماز را یکی از عوامل موثر در به کار انداختن جهاز هاضمه دانسته اند که راه اشتها و میل به غذا را نیز هموار می‌سازد. و جالب این است که اوقات نماز و مواقع هضم غذا کاملاً مناسب و هماهنگ بوده و چنانکه ملاحظه می‌نماییم، در این امر حکمت عجیبی به کار برده شده است؛ به این ترتیب که وقت نماز صبح پیش از شروع به غذای صبحانه بوده، و ظهر قبل از آنکه انسان به نهار بپردازد و عصر یا همان وقت که هضم غذا آغاز شده... و به هنگام غروب یا موقعی که انسان بین دو وعده نهار و شام قرار دارد. و به همین ترتیب موقع عشا که هضم غذا تازه شروع گردیده است...

طب جدید این موضوع را ثابت کرده و مدلل ساخته که نماز بهترین وسیله ای است که از بالا رفتن فشار خون جلوگیری کرده و در حفظ تعادل آن اثر بسزایی خواهد داشت. آری طبق نظریه پزشکان چنانچه در ادای نماز مراقبت و محافظت به عمل آمده و حرکات موزون آن به آرامی و طمانینه که از شرایط صحت آن است، توأم باشد، ثابت و مسلم گردیده که از بسیاری بیماریهای ناشی از فشار خون جلوگیری خواهد کرد... و این خود اثری آنی و فوری بر قلب گذاشته و از ضربان تند و سریع آن مانع خواهد شد. مجله «ریدرز دایچست» می‌نویسد:

بر اساس تحقیقات معلوم شده است افرادی که بطور مرتب به عبادتگاه می‌روند، در برابر بسیاری از بیماریها نظیر: فشار خون، بیماریهای قلبی، سل و سرطانهای ناحیه گردن مصونیت دارند. دکتر «ادوین فردریک پاورز»، استاد امراض عصبی در ایالات متحده آمریکا می‌گوید:

علم طب در دنیای کنونی از بسیاری از رموز و اسرار بیماری ها به طرز معجزه آسایی پرده برداشته است. با این وصف هنوز هم هزاران بیماری و مرض باقی است که بزرگترین اطباء هوشمند و نوابغ پزشکی کمترین بارقه امیدی به کشف و معالجه آنها به دست نیاورده اند. اما بررسی و دقت در مطالعات این اطباء و نوابغ این نکته را روشن می سازد که اغلب آنها این نظریه را تایید نموده و اعتقاد پیدا کرده اند که در میان معجزات فراوانی که برای نماز شمرده اند، یکی اعاده صحت و تندرستی روحی و شفای کلیه بیماریهایی است که مداوا شده و کلیه روشهای پزشکی در برابر آنها عاجز مانده است. (راه و رسم زندگی، الکسیس کارل، ص ۱۷۳ و نیایش، ص ۱۲).

یک جراح مصری اخیرا با یک سری تحقیقات گسترده اعلام داشت:

«نماز بهترین درمان برای بیماران مبتلا به جابجایی غضروفهای ستون فقرات است. دکتر «الزیات» استاد دانشگاه نوادا در آمریکا پس از مطالعه بر روی چهل بیمار می گوید: حرکت های ناشی از پنج بار نماز در روز می تواند عمل جراحی ناشی از بیماری مذکور را در مدت یک هفته بهبود بخشد.»

این پزشک مصری به بیماران جراحی شده خود توصیه کرده است که بلافاصله پس از عمل جراحی حرکت کرده و به مدت یک هفته روزی پنج بار حرکات نماز را به جای آورند و این حرکات را در هر صورت تا پایان عمر ادامه دهند.

همچنین یک دانشمند آمریکایی در کتابی که به تازگی بنام «بیماریهای فقرات» منتشر ساخته، گفته های این پزشک مصری را تایید کرده و به بیماران خود نیز سفارش کرده است که روزانه پنج نوبت حرکاتی شبیه نماز مسلمانان انجام دهند.^{۲۵۳}

فایده طبی رکوع و سجود

چنانچه اشاره شد بزرگترین متخصصان و پزشکان عالی مقام بین المللی بر این باورند که حرکات نماز خم و راست شدن ملایم در سجود و رکوع می تواند یکی از راههای مهم درمان بیماری دیسکوپاتی یا بیماری دیسک ناحیه کمر باشد.

رکوع و قیام در نماز در تقویت عضلات پشت و معده اثر بسزایی داشته و آنچه از مواد چربی و پیه که در جدار معده باقی مانده بطور کلی بر طرف می سازد... و مهمترین فایده سجود نیز این است که هم عضلات ران و ساق پا را تقویت می نماید و هم در وصول خون به اعضاء و نواحی بدن کمک کرده و نیروی جدار معده را نیز افزایش می دهد و فعالیت و حرکات امعاء نیز تقویت می گردد و یکی دیگر از فواید سجود البته اگر سجده بطور صحیح انجام گیرد این است که از بزرگ شدن شکم و ورم معده که بر اثر فشردن عضلات آن بوده و خود بیماری بزرگی محسوب می شود، جلوگیری خواهد کرد.

^{۲۵۳} - نقل از اسلام و علم جدید، عبد الرزاق نوفل، ترجمه حسین وجدانی و روزنامه همشهری، ش ۸۱۱.

دکتر «مصطفی حفار» متخصص امراض دستگاه هضم و عضو تحقیقات علمی مجلس شورای ملی لبنان و استاد دانشکده طب فرانسه، راجع به فواید ضمنی رکوع و سجود در نماز می گوید:

رکوع در تقویت عضلات دیواره شکم بسیار مفید است و به جمع شدن معده کمک می کند و آن را در کار هضم یاری می دهد. همچنین روده ها برایشان دفع فضولات هضمی به صورت طبیعی آسان می شود.

اما سجود باعث رانده شدن هوا از میان معده به دهان می شود و دشواری های هضم و انعکاسات قلبی را برطرف می سازد. پزشکان، نشستن به صورت سجده در نماز را برای درمان جمع شدن خون در پایین شکم بانوان که ناشی از پشت درد در زهدان است، توصیه می کنند.

دکتر «فارس عازوری» متخصص بیماریهای اعصاب و مفاصل از دانشگاههای آمریکا می گوید:

نماز مسلمانان و رکوع و سجودش عضلات پشت را تقویت و حرکات ستون فقرات پشت را نرم می سازد و امراض عصبی و عضلانی را آرامش می بخشد. بخصوص اگر نماز را از سن نوجوانی بپا دارند، نیرو و استحکامی در برابر بیماری هایی می یابند که در نتیجه ضعف عضلات مجاور ستون فقرات عارض می شود، آنچه باعث این ضعف می شود، انواع بیماریهای عصبی است که موجب دردهای شدید و تشنج عضلانی است.

اخیرا بعضی از دانشمندان برای تقویت عضلات تمرین هایی معین کرده اند که برخی از آنها شبیه به حرکات نماز است.

دکتر «دیاب» و دکتر «قرقوز» درباره فواید طبی سجود چنین می گویند:

پایین آمدن سر به هنگام سجود منجر به احتقان خون در رگهای خونی مغز می شود و هنگامی که سر به صورت ناگهانی به طرف بالا می رود، فشار داخل رگها کاهش می یابد و این حرکت در هر رکعت نماز شش بار در خلال رکوع و سجود تکرار می شود، یعنی ۱۰۲ بار در شبانه روز و این در حالی است که انسان فقط نمازهای واجب را به جا آورد.

ولی اگر علاوه بر نمازهای واجب، نمازهای مستحب نوافل را نیز به جا آورد، این رقم به ۲۱۶ بار در شبانه روز و ۶۴۸۰ بار در ماه بالغ می شود که در هر حرکتی رگهای خونی منقبض و منبسط شده و بر نرمی و قدرت جداره و عضلات آن افزوده می شود.

البته نباید آرامش روحی و صفای ذهنی حاصل از نماز را نادیده گرفت. تکرار این حالات چند بار در روز موجب می شود مغز به شکل مطلوبتر و بهتری به فعالیت خود ادامه داده و به تفکر به نحو احسن صورت پذیرد.

دو پزشک سابق الذکر در جایی دیگر می گویند:

درحقیقت نماز هم عبادت است و هم ورزش بدنی و روحی... و می توان ادعا کرد که قرآن در تطبیق ورزش های سبک که امروزه به ورزش های سوئدی معروفند، پیشتاز بوده است. آنچه ورزش نماز را از سایر ورزش ها ممتاز می نماید، توزیع مناسب آن در طول شبانه روز است. دانشمندان نیز ثابت کرده اند که بهترین نوع ورزش، ورزشی است که تکرار شود و در طول روز توزیع گردد و خسته کننده نباشد و انجام آن برای هر کس امکان پذیر باشد، که تمام این ویژگی ها در حرکات نماز فراهم است...

فواید ورزشی حاصله از نماز را می توان به شرح زیر خلاصه نمود: در هر رکعت. با علم به اینکه، نمازهای یومیه ۱۷ رکعت بوده و نوافل نیز به آن اضافه می گردد.

- نشاط بخشیدن به کار قلب و دستگاههای گردش خون.
- بهبود فعالیت های مغزی به دلیل کمک به تغذیه بهتر آن.
- تقویت جداره شریان های مغزی و حفظ حالت ارتجاعی آنها که در نتیجه آن، در مقابل پاره شدن و خونریزی مقاوم خواهند شد.

- آماده کردن بدن برای مقابله با پیشامد حالت های ناگهانی که ممکن است بسیاری از مردم دچار آن شوند؛ مثل سرگیجه و سیاهی رفتن چشم و بیهوشی های زود گذر.^{۲۵۴}

شاید به خاطر وجود همین فوائد جسمی نماز است که افراد مقید به احکام مذهبی و نماز خوان، طول عمر بیشتری نسبت به سایر افراد بویژه افراد لایابالی و بی بند و بار و کسانی که پایبند مذهب نیستند، دارند. در این زمینه می توان به علما و مراجع اشاره نمود به عنوان نمونه: آیت الله بروجردی بیش از ۹۰ سال عمر کرد. آیت الله مرعشی نجفی در سن ۱۰۰ سالگی فوت نمود. آیت الله اراکی بیش از ۱۰۰ سال عمر کرد. از صنف روحانی که بگذریم، افراد مذهبی و متدین که دائماً با آداب و سنن اسلامی سر و کار داشته و نماز را سر لوحه دستورات دینی خود قرار داده اند، بیشتر از دیگر مردم روی زمین عمر می کنند. و باز در ایران خودمان کسانی چون: جواد بافرانی پیرمرد ۱۲۴ ساله نایینی و بمانعلی جوانمردی پیرمرد ۱۲۵ ساله شیرازی و کمر احمدی پیرمرد ۱۳۵ ساله ایلامی در پاسخ خبرنگاران جراید، سحر خیزی اقامه نماز صبح، عمل نمودن به احکام شریعت اسلامی بویژه نمازهای پنجگانه و مانوس بودن با قرآن در طول زندگی را از عوامل موثر در طول عمر خود دانسته اند.^{۲۵۵}

^{۲۵۴} - گودرز نجفی، راز نیایش (فوائد طبی و درمانی نماز)، شرکت چاپ و نشر بین الملل، پائیز ۸۶ ش، سوم، ص ۸۲

^{۲۵۵} - همان، ص ۹۰، به نقل از کتاب بین المللی چه کنیم تا به مرز صد سال نزدیک شویم، پروفیسور سیف الدین نبوی

۵۹- تأثیر نماز بر روح و روان انسان چیست؟

خوشبختانه با گذشت زمان و پیشرفت علوم هر روزه بعد جدیدی از تأثیر نماز بر زندگی انسان روشن می‌گردد.

یکی از ابعاد نماز که امروزه مورد توجه دانشمندان اسلامی و غیر اسلامی قرار گرفته، تأثیرات مسائل معنوی از جمله نماز، دعا و راز و نیایش با خداوند متعال بر روح و روان انسان می‌باشد که اعترافات این دانشمندان در این باره بسیار جالب و قابل تأمل می‌باشد.

در اینجا به دلیل اختصار تنها به گوشه‌ای از آثار نماز بر روح و روان انسان اشاره نموده و برای کسب اطلاعات بیشتر، شما را به مطالعه کتاب‌های مفصلی که در این زمینه به نگارش در آمده دعوت می‌نمائیم.

أ - آرامش بخشی نماز

اضطراب بیماری شایع قرن ام و کهکشان است، پیشرفت سریع و پیچیده تمدن و در عین حال بی‌توجهی به ارزش‌های مذهبی و خانوادگی هر روز بیش از پیش برای افراد و اجتماع اضطراب‌های جدید بوجود می‌آورد بگونه‌ای که هر روز آمار بیماری‌های روانی، و مصرف قرص اعصاب و در نتیجه آمار خودکشی و دیوانگی بیشتر می‌شود.

با اینکه دلایل علمی مختلفی از دیدگاه‌های مختلف بعنوان دلایل بروز اضطراب و تشدید آن ارائه شده است اما همچنان دور شدن از ایمان مذهبی بعنوان یک عامل عمیق در بروز اضطراب نقش غیر قابل انکاری دارد^{۲۵۶} و به این ترتیب نقش پیشگیری‌کننده و حتی درمانگر مذهب در مورد اضطراب قابل بررسی است.

بهترین راه حل برای رفع این مشکل فراگیر، چیزی جز یاد خدا و ایمان و انس با نماز نیست کما اینکه که خداوند متعال تصریح نموده: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^{۲۵۷}؛ «همانا با یاد خداوند دل‌ها آرامش می‌یابد»

امروزه بسیاری از دانشمندان علوم روانی و روان‌پزشکان نیز، به این نکته پی برده‌اند که دعا و بر پا داشتن نماز و اعتقاد محکم به خداوند و دین، نگرانی، تشویش، یأس و ترس را - که موجب بسیاری از بیماری‌های روحی است - بر طرف می‌سازد.

«دیل کارندگی» روان‌شناس مشهور غرب می‌نویسد: «در آمریکا، به طور متوسط در هر ۳۵ دقیقه یک نفر خودکشی می‌کند و در هر دو دقیقه یک نفر دیوانه می‌شود. اگر این مردم از تسکین خاطر و آرامش - که دین و عبادت به آدمی می‌بخشد - نصیبی داشتند، ممکن بود، از اغلب این خودکشی‌ها و بسیاری از دیوانگی جلوگیری شود.»^{۲۵۸}

^{۲۵۶} - ترجمه فارسی سیناپس کاپلان - سادوک، جلدوم - صفحه ۴۷۳

^{۲۵۷} - رعد (۱۳)، آیه ۲۸

^{۲۵۸} - مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پائیز ۸۰ ش، چاپ اول، ج ۱، ص ۸۷

ب- تقویت روحیه در زمان بروز مشکلات

نماز در تقویت روحیه انسان به هنگام بروز مشکلات و گرفتاری ها نقش بسیاری دارد، چه عملی بهتر از نماز و پیوند با خدایی که فرمانش در تمام جهان هستی نافذ است و همه چیز در برابر اراده او سهل و آسان است

ت- ایجاد امید

ایمان به خدا و راز و نیاز با او به انسان امید و توان می دهد، احساس می کند به پناهگاه مطمئن و باقدرتی متکی است و بدین دلیل، احساس امید و توانمندی می کند و اگر این ارتباط با آن منبع عظمت و رحمت قطع باشد، احساس دل تنگی و نگرانی در او ایجاد می شود و به بیماریهای روانی گرفتار می آید. روانشناسان و روانکاوان بزرگی همچون یونگ، اریک فروم، ویلیام جیمز و دیگران به این حقیقت اشاره کرده اند و ایمان به خدا را اساس و پایه پیشگیری و معالجه بیماری روانی می دانند.

«دیل کارنگی» می نویسد: «هنگامی که کارهای سنگین، قوای ما را از بین می برد و اندوه ها هر نوع اراده ای را از ما سلب می کند و بیشتر اوقات، که درهای امید به روی ما بسته می شود، به سوی خدا روی می آوریم. ولی اصلاً چرا بگذاریم روح یأس و ناامیدی بر ما چیره شود؟ چرا همه روزه به وسیله خواندن نماز و دعا و بجای آوردن حمد و ثنای خداوند، قوای خود را تجدید نکنیم؟»

حضرت علی(ع) می فرماید: «پروردگارا، تو از هر مونس برای دوستان مونس تری و از همه آن ها برای کسانی که به تو اعتماد کنند، برای کارگزاری آماده تری... اگر تنهایی سبب وحشت آنان گردد یاد تو مونس آنهاست و اگر سختیها بر آنان فرو ریزند به تو پناه می برند.»^{۲۵۹}

ث- احساس عزت

عزت به معنی نفوذناپذیری است. در مکتب انبیا تمام عزت ها از آن خداست، چنانکه همه قدرت ها از اوست. لذا قرآن از کسانی که به سراغ غیر خدا می روند انتقاد می کند که آیا از غیر خدا عزت می خواهید؟^{۲۶۰}

طبیعی است که اتصال به عزیز مطلق و قدرت بی نهایت، به انسان عزت می دهد. چنانکه کلماتی همچون «اللّه اکبر» طاغوت ها را در نزد انسان حقیر و او را در برابر آنها عزیز می کند.

لذا قرآن به ما دستور می دهد که در سختی ها و مشکلات از نماز و عبادت کسب قدرت و قوت کنیم: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^{۲۶۱}؛ «از صبر و نماز یاری جوید»^{۲۶۲}

ج- تمرکز حواس

^{۲۵۹} - سید رضی، نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ ش، چهاردهم، خطبه ۲۲۵

^{۲۶۰} - نساء (۴)، آیه ۱۳۹

^{۲۶۱} - بقره (۲)، آیه ۴۵

^{۲۶۲} - محسن قرائتی، تفسیر نماز، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۷ ش، سیزدهم، ص ۳۰

افراد موفق کسانی هستند که می توانند در امری تمام افکار خود را متمرکز کنند و تمام دانستیهای خود را درباره آن بیاورند و به کار بندند. برآستی اگر روح و فکر ما بطور کامل در نقطه ای متمرکز شود یا برای امری به کار افتد نیروی شگفت انگیز و فوق العاده ای می آفریند.

ویلیام جیمز که پدر روانشناسی جدید محسوب می شود، می گوید: فرق بین افراد نابغه با دیگران، یک موهبت فطری نیست؛ بلکه مربوط به توجه کاملی است که به موضوعات و نتیجه های آن مبذول می دارند و میزان نبوغ بستگی به میزان و درجه تمرکز افکار شخصی دارد. در مورد اینکه چگونه می توان این نیرو را در خود ایجاد کرد ویلیام مولتن در مجله ریدرز دایجست می نویسد:

این نیرو تمرکز فکر به وسیله تمرین به دست می آید و البته تمرین احتیاج به شکیبایی و پایداری دارد. وقتی توانستی افکارت را پی در پی ۵۰ یا ۱۰۰ بار در موضوعی متمرکز کنی لاجرم سایر افکار و خاطره ها جای خود را به موضوع مورد نظرتان خواهد داد. سرانجام عادت خواهی کرد که در هر امری با اراده خود ذهن را متمرکز سازی.

از تمام مطالب فوق نتیجه می گیریم که نماز بهترین وسیله برای پرورش تمرکز فکر و حواس در انسان است. زیرا نمازگزاری که می کوشد با تمام قدرت افکار خود را در یک جا جمع کند تا نمازش با خشوع و حضور قلب باشد، بدون تردید این عمل در وی عادت می شود و می تواند در هر موردی تمام افکار خود را متمرکز سازد و در نتیجه به ترقیات و اکتشافات مهمی نایل گردد.^{۲۶۳}

ح- بهبود افسردگی و اختلالات روانی

اگر انسان بدلیل عدم اعتقاد به خدا، پناهگاه و ماوایی امن نداشته باشد تا بدان التجا جوید، نهایتاً به بن بست و پوچی رسیده و خود را خبط طبیعت پنداشته و بدین گونه خود را دچار امراض روانی لاعلاجی گرداند. لذا، نماز یکی از موثرترین و بهترین راه های درمان اینگونه امراض روحی است، زیرا که نماز و نیایش، راز و نیاز با مبدا هستی است که انسان به اصطلاح عقده گشایی می کند و آنچه در دل و قلبش پنهان دارد، بیرون می ریزد و با خالق خود به امید گشایش راز دل خود را در میان می گذارد و همین امر امید به استجاب دعا و نمازش است که به شخص نیرو و حیاتی تازه بخشیده و او را از چنگال مخوف برخی از امراض روحی و روانی رهایی می بخشد.

پروفسور ویلیام جیمز در این باره می گوید:

در خصوص شفا یافتن بیمار به وسیله دعا و نماز باید گفت: چنانکه حقایق و واقعیتهای پزشکی را قبول داشته باشیم، پزشکانی چند اظهار داشته اند که در بسیاری از موارد دعا، در بهبودی حال بیمار موثر بوده است. بنابر این باید دعا را در معالجه بیماران یکی از وسایل موثر دانست. در مورد بسیاری از مردم، دعا

^{۲۶۳} - گودرز نجفی، راز نیایش (فوائد طبی و درمانی نماز)، شرکت چاپ و نشر بین الملل، پائیز ۸۶ ش، سوم، ص ۸۹

برای معالجات امراض روحی بسیار موثر بوده است و در نتیجه صحت بدنی و جسمی آنها را در پی خواهد داشت.

حتی بقول دکتر کارل وقتی نیایش ساده و به صورت ادای طوطی وار جملاتی باشد، اثری بر روی رفتار و سلوک فرد می گذارد.^{۲۶۴}

خ- بهترین راه تسکین غم و اندوه

بانو دکتر روز هلودنچ که از مشاورین پزشکی بوستن در آمریکا است می گوید:

به نظر من بهترین درمان تسکین و تخفیف غم و نگرانی این است که مشکلات و گرفتاریهای خود را با شخصی که طرف اعتماد باشد در میان گذاریم، ما این عمل را خالی کردن دل می گوئیم....

وقتی که بیماران به اینجا مراجعه می نمایند، می توانند گرفتاری ها و غصه های خود را به تفصیل برای دیگران شرح دهند، آن قدر بگویند تا بکلی از فکرشان خارج شود، فکر کردن درباره نگرانی ها و پنهان داشتن آنها از دیگران باعث هیجان عصبی می شود، ما هم بایستی شریکی برا گرفتاری های خود پیدا کنیم، باید حس کنیم که در دنیا کسی هست که مایل به گوش دادن شرح گرفتاریهای ما و قادر به درک آنها باشد. امروز اغلب بیمارستانهای روحی و عصبی و حتی قسمت های جسمی و بخش های جراحی نزد یکی از طرق معالجه بیماران را همان راز دل گفتن با دیگران تشخیص داده اند. و یکی از دستورات دانشمندان و روان شناسان نیز همین است که انسان عقده های خود را به شخصی که مورد اعتماد خود می داند بازگو کند...

حال با این توضیحات و در چنین مواردی آیا جهت رفع نگرانی و پریشانی بهتر نیست به درگاه خداوند سمیع و بصیر پناه برده... خداوندی که کلیه امور به دست او و هر خیر و احسانی پرتوی از فیوضات بیکران او و هر امری به فرمان اوست...^{۲۶۵}

د- تعادل روحی و روانی

امروزه بیش از ۶۰ درصد مراجعه کنندگان به بیمارستانهای عمومی، در واقع از یک مشکل روانی رنج می برند که در این میان خواب در بهبود و یا تشدید این مساله نقش مهمی را ایفا می نماید، از همین رو ایجاد بهداشت خواب، یک رکن مهم بهداشت روانی و جسمی به حساب می آید و هر عاملی که در تنظیم بهداشت خواب موثر باشد، پیشگیری کننده و حتی درمانگر بسیاری از بیماریهای جسمی و روانی است.

^{۲۶۴} - همان، ص ۴۴

^{۲۶۵} - همان، ص ۴۵

امروزه، نخستین اصلی که در ایجاد بهداشت خواب، توسط جدیدترین منابع علمی دنیا توصیه می شود بیدار شدن هر صبح سر یک موقع مشخص از خواب است.^{۲۶۶}

یک نگاه کلی به جدول اوقات شرعی، نشان می دهد، که وقت نماز صبح، در تمام طول سال، با در نظر گرفتن تغییرات ناشی از حرکات وضعی و انتقالی زمین، زمان ثابتی است و اقامه کننده نماز صبح، با برخاستن پس از اذان در واقع اساسی ترین گام را در جهت رعایت بهداشت خواب و در نتیجه آن، سلامت بدنی و تعادل روحی و روانی برداشته است.

ذ- شادابی روح و روان

از جمله مواد شیمیایی داخل بدن که به طور غیر ارادی سبب شادی انسان می شود و به او شغف و نشئه بی نظیر می بخشد، ماده ای به نام «کورتیزول» می باشد که میزان آن در داخل بدن انسان در ساعات سحرگاهی بشدت افزایش می یابد^{۲۶۷} و در صورت بیداری انسان در این ساعات، لذت و شغف سرمست کننده ای نصیب او می شود که بی شک بر زندگی او در تمام طول روز تاثیر گذار است.

افزایش کورتیزول در ساعات صبح و ارتباط آن با نشاط صبحگاهی، که امروزه از مسلمات پزشکی است، به این ترتیب واضح است، امر واجب نماز صبح با ارزانی داشتن بیداری صبحگاهی به انسان تقدیم کننده شادابی به او می باشد.

ر- ایجاد احساس امنیت روانی

هر چند که در پزشکی و زیست شناسی امروزی واژه استرس به معنی هایی متفاوتی به کار می رود، اما بر اساس تعریف هانس سلیه (روانشناس مشهور) استرس در پزشکی و روانپزشکی معمولاً اشاره به موقعیت های روانی و اجتماعی متنوعی دارد که قادر به ایجاد بیماریهای جسمی و روانی و سایر اختلالات رفتاری است.

چنانچه با دقت کافی و استناد به شواهد آماری به مکانهایی که استرس های متعدد زندگی کار افراد را بدانجا می کشاند (مکانهایی مثل مطب پزشکان، بیمارستانهای جسمی و روانی، قبرستان جوانمرگ ها؟!، زندانها و...) سری بزنیم متوجه می شویم که تعداد مذهبی ها، در مقایسه با غیر مذهبی های حاضر در این قبیل جاها بسیار متفاوت است.

بعنوان مثال در کشور خودمان ۹۰٪ محکومان زندانها را افراد بی نماز تشکیل می دهند. یا مثلاً آمار بیماران بستری در بیمارستانها که با نماز بیگانه اند به طرز باورنکردنی بیش از اشخاص مقید به نماز است.^{۲۶۸}

ز- پیشگیری از بروز اختلال شخصیت اسکیزوئید

^{۲۶۶} - دکتر مجید ملک محمدی، ۴۰ نکته پزشکی پیرامون نماز، همدان، معارف، ۱۳۷۶ ش، نکته اول، به نقل از ترجمه فارسی روانپزشکی کاپلان -

سادوک، دکتر نصرت اله پور افکاری - جلد سوم صفحه ۱۱۱.

^{۲۶۷} - همان، نکته سوم، به نقل از فارماکولوژی کاتزونگ - مبحث کورتیکو استروئیدها

^{۲۶۸} - همان، نکته بیست و یکم

برخی روانپزشکان ایرانی «شخصیت منزوی» را بعنوان بهترین ترجمه، به جای شخصیت «اسکیزوئید» پیشنهاد کرده اند. چرا که مبتلایان به این اختلال، عمری را در کناره گیری از اجتماع گذرانده اند و در نظر دیگران آدم هائی مردم گریز، منزوی و تنها هستند.

مبتلایان به این حالت اکثرا مشاغل انفرادی که حداقل تماس با دیگران را ایجاب می کند، انتخاب می کنند و حتی برخی کارشبانه را به کار روزانه ترجیح می دهند تا مجبور به مدارا با افراد بیشتری نباشند.

روشهای مورد استفاده در روانپزشکی امروز برای درمان این عارضه اعم از روان درمانی، گروه درمانی و یا حتی دارو درمانی صورت می پذیرد اما چنانچه در پیشگیری و یا درمان این اختلال شایع شخصیت، روش عملی بی نظیری را جويا باشیم، کلمه درخشان " نماز " باز هم راهگشا خواهد بود.

توصیه مؤکد اسلام مبنی بر اقامه نمازهای واجب یومیه به جماعت و علاوه بر آن بانگ روح افزای نماز جمعه در فراخواندن به یک اجتماع شکوهمند و پر شور هفتگی بعنوان سمبل بزرگی از اصالت «اجتماعی بودن» و ترک رهبانیت در همه تعالیم اسلامی مطرحند و گویی همه این قبیل تعالیم، خود به خود نمازگزار را از گوشه نشینی و تنهایی، به بطن اجتماع می کشاند.

به این ترتیب، نماز نه تنها از ابتلا به اختلال اسکیزوئید پیشگیری می کند، بلکه توانایی دارد که مبتلایان به این عارضه را برای همیشه از کنج عزلت، به قلب جامعه بکشاند.^{۲۶۹}

آثار اخروی نماز

۶۰- می خواستم بدونم که نماز خواندن ثواب و اثر اخروی هم دارد یا اینکه چون نماز برای هر

مسلمان واجب هست و اینکه یک وظیفه واجب است تاثیری در ثواب های اخروی ندارد؟

درست است که نماز به عنوان یک فریضه الهی بر تمامی مسلمانان واجب است، اما به همان مقدار که این عبادت الهی در نزد خداوند متعال دارای جایگاه و ارزش می باشد به همان اندازه نیز برای آن ثواب های بی شمار و آثار اخروی متعددی قرار داده است.

ابن عباس در روایتی می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند متعال فرشته ای دارد که سخائیل [یا: سنخائیل] نامیده می شود، و وقت هر نماز برائت های نمازگزاران را از پروردگار عالمیان - جلّ جلاله - می گیرد. پس وقتی مؤمنین صبح بپا خاسته و وضو گرفته و نماز صبح را خواندند، او برائتی از خداوند - جلّ جلاله - برای آنان می ستاند که در آن نوشته شده است: «منم خداوند باقی و پایدار، ای بندگان و کنیزان من، شما را در حرز و حراست خود قرار داده و در حفظ و تحت کنف و حمایت گردانیدم. به عزتم سوگند، هرگز شما را بی یاور نخواهم گذاشت، و تا ظهر گناهانتان آمرزیده است.» هنگامی که ظهر شد و مؤمنین بپا خاسته و وضو گرفته و نماز خواندند، برائت دوم را از خدا - عزّ و جلّ - برای آنان می گیرد، که

^{۲۶۹} - همان، نکته بیست و هفتم

در آن نوشته شده: «منم خداوند قادر و توانا، ای بندگان و کنیزان من، گناهان شما را به کارهای نیک مبدل گردانیده، و بدیهایتان را آموخیدم، و به واسطه خشنودی‌ام، شما را در خانه جلال و عظمت داخل گردانیدم.» هنگامی که عصر شد و بپا خاستند و وضو گرفتند و نماز خواندند، براءت سوّم را از خداوند - عزّ و جلّ - برای آنان می‌گیرد که در آن نوشته شده: «منم خداوند جلیل و بزرگوار، که یادم بزرگ و پاک، و سلطنت و پادشاهی‌ام عظیم است. ای بندگان و کنیزان من، بدنهای شما را بر آتش حرام گردانیده و شما را در جایگاه ابرار و نیکان جای دادم، و به رحمت خویش شرّ اشرار را از شما دور نمودم.» هنگامی که وقت نماز مغرب شد، و مؤمنین بپا خاسته و وضو گرفته و نماز خواندند، براءت چهارم را از خداوند - عزّ و جلّ - برای آنان می‌گیرد که در آن نوشته شده: «منم خداوند جبار بزرگ متعال، ای بندگان و کنیزان من، فرشتگانم از نزد شما با خرسندی و خشنودی به بالا آمدند، و بر من سزاوار است که شما را خشنود و خرسند گردانم و هر چه آرزو دارید در روز قیامت به شما عطا کنم.»

هنگامی که وقت نماز عشا رسید و آنان بپا خاسته و وضو گرفته و نماز خواندند، براءت پنجم را از خداوند - عزّ و جلّ - برای آنان می‌گیرد که در آن نوشته شده: «منم خدایی که معبودی جز من نیست و پروردگاری جز من وجود ندارد. ای بندگان و کنیزان من، در خانه‌هایتان طهارت نموده، و به خانه‌های من و مساجد رفتید، و مستغرق در ذکر و یاد من شده، و حقّ مرا شناختید، و نمازهایی را که بر شما واجب کرده بودم ادا نمودید، شما را گواه می‌گیرم ای سنحائیل و ای سایر [و یا: همه] فرشتگانم، برآستی که من از آنان خرسند و خشنود گردیدم.» حضرت فرمود: آنگاه سنحائیل هر شب بعد از نماز عشا سه بار ندا می‌کند: ای فرشتگان خدا، برآستی که خداوند - تبارک و تعالی - نمازگزاران موخّد را آموخید. پس هیچ فرشته‌ای در آسمانهای هفتگانه نمی‌ماند مگر اینکه برای نمازگزاران طلب آمرزش و استغفار می‌نماید و برای آنان به مداومت برگزاردن نماز دعا می‌کند.^{۲۷۰}

در روایت دیگری پیامبر خدا (صل الله علیه و آله) آثار اخروی نماز را چنین برشمرده است: «نماز... موجب اجابت اعمال دعا و پذیرش اعمال و میانجی میان نمازگزار و فرشته مرگ، چراغ روشن کننده قبر، بستری زیر پهلوهای میت پاسخی برای پرسشهای نکیر و منکر، همدم در شادی و گرفتاری و باران رحمتی بر گور است تا روز رستاخیز، نماز توشه مؤمنان در سفر دنیا به آخرت است، نماز گزار را نزد فرشته مرگ شفاعت می‌کند، سبب گذشتن و عبور کردن از پل صراط است، کلیدی برای بهشت و مهریه حوریان بهشتی است.»^{۲۷۱} (۲۷۲)

^{۲۷۰} - فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۱۸۹

^{۲۷۱} - جامع الأخبار، ص ۷۲

^{۲۷۲} - توجه به این نکته لازم است که این ثواب‌ها برای نمازی است که شرایط صحت و قبولی در آن رعایت شده باشد و الا همانگونه که در دیگر روایات نیز تصریح شده هر نمازی نمی‌تواند انسان را به کمال و ثواب‌های اخروی نائل گرداند.

خداوند متعال علاوه بر اینکه برای خواندن خود نماز اجر و ثواب قرار داده برای تک تک اجزای نماز نیز ثواب و پاداش اخروی ویژه ای قرار داده که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌نمائیم:

ثواب و فضیلت قنوت نماز:

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش، از ابو ذر غفاری، و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود: قنوت هر کدام از شما در این دنیا طولانی‌تر باشد، راحتی او در روز محشر بیشتر از دیگران خواهد بود.^{۲۷۳}

ثواب رکوع درست بجای آوردن:

سعید بن جناح نقل کرده است که: در مدینه، در خانه امام محمد باقر علیه السلام بودم، و آن حضرت بی‌آنکه از او سؤالی شده باشد فرمود: هر کس رکوع (نماز) خود را درست بجای آورد، از وحشت قبر آسوده خاطر است.^{۲۷۴}

ثواب یک سجده:

کلیب صیداوی از امام صادق علیه السلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس یک سجده بجای آورد، یک گناه او بخشیده می‌شود و یک درجه بر مقامش (نزد خداوند) افزوده می‌شود.^{۲۷۵}

ثواب نهادن دو کف دست بر زمین در حال سجود:

سکونی از امام صادق علیه السلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: هر گاه یکی از شما سجده کند در حالی که دو کف دست خود را بر زمین بگذارد، امید می‌رود که (دستهای) او در روز قیامت در زنجیر نباشند.^{۲۷۶}

ثواب ذکر صلوات در رکوع و سجود و قیام

محمد بن ابی حمزه، از پدرش، و او از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هر کس در رکوع و سجود و قیام خود «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد» بگوید، خداوند ثواب آن را مانند ثواب رکوع و سجود و قیام (در نامه اعمال او) می‌نویسد.^{۲۷۷}

^{۲۷۳} - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۳۳

^{۲۷۴} - همان

^{۲۷۵} - همان، ص ۳۴

^{۲۷۶} - همان

^{۲۷۷} - همان

آثار فرهنگی نماز

۶۱- می خواستم بدانم نماز از لحاظ فرهنگی چه فایده ای می تواند بر جامعه داشته باشد؟

زنده نگه داشتن و فرهنگ سازی ارزش های اسلامی در جامعه و نهادینه کردن آن ارزشها از مهم ترین آثار نماز می باشد که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می نمائیم.

الف - نهادینه کردن تعلیم و تعلم در جامعه

نمازگزار اگر بخواهد نمازش صحیح باشد باید یک سری آموزش هایی را ببیند، آموزش کلمات عربی قرآن، آموزش احکام، آموزش قبله، آموزش تطهیر و غسل و وضو، آموزش شرایط نماز، مقدمات آن و... چون نماز با تفکر و تعمیق و علم بهتر از نماز بدون تفکر و تعمیق است، پس نماز باعث گرایش به علم و علم آموزی می شود.^{۲۷۸}

ب - محو کردن تبعیض های نابجا

در نماز جماعت امام جماعت برای همه مردم به طور یکسان امام است، نه برای گروه خاص. فقیر و غنی و زشت و زیبا در کنار هم قرار می گیرند، امتیازات پوچ با نماز جماعت از جامعه حذف شود، حتی اگر امام در نماز اشتباه کرد مردم به او هشدار می دهند.

ج - نهادینه کردن توجه به تمامی اقشار جامعه

در نماز جماعت یکی از وظایف امام مراعات ضعیف ترین مردم است بگونه ای که نباید نماز را بیش از حد طول ندهد و این خود درسی است که مسئولین باید در برنامه ریزی ها و حرکت ها توجه به همه اقشار داشته باشند.

د - نماز و اطلاع رسانی

امروزه در دنیا دولت ها با صرف بودجه های سرسام آوری برای امر اطلاع رسانی به جامعه کوشش می کنند.

در اسلام طرح نماز آنهم با حضور مردم در صحنه بصورت جماعت و جمعه، در خانه خدا، بهترین فرصت برای آشنایی مردم با یکدیگر و آشنایی با توطئه های دشمنان و پیش بینی راه حل ها برای ختنی کردن آن و شنیدن آخرین اخبار و گرفتن تحلیل درست از زبان امام جماعت و جمعه با سواد و با تقوی می باشد.

ه - نهادینه کردن مرز بندی بین دوست و دشمن

یکی از دستورات اکید قرآن پرهیز از دوستی نمازگزاران با کسانی است که نماز را به بازی می گیرند. در این خصوص نقل شده دو نفر از مشرکان به نام رفاعة و سوید اظهار اسلام کردند، ولی جزء منافقان شدند. بعضی از مسلمانان با آنها رفت و آمد داشتند. آیه نازل شد:

^{۲۷۸} - علیرضا وحدت پناه، نماز و جامعه شناسی، ستاد اقامه نماز و احیای زکات، بهار ۸۴، دوم، ص ۵۴

« یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوا ولعبا... اولیاء... اذا نادیتم الی الصلوٰۃ اتخذوها هزوا و لعبا»^{۲۷۹}؛ «ای مؤمنین! کسانی که دین شما را به بازی گرفته اند، دوست خود قرار ندهید، آنان که چون شما ندای نماز (اذان) سر می دهید آن را به بازی می گیرند.»

در این دو آیه، ابتدا می فرماید: آنان دین شما را به بازی می گیرند. سپس می فرماید: آنان اذان را به بازی می گیرند.^{۲۸۰}

و - نهادینه کردن فرهنگ و ادب:

اینکه در نماز سفارش شده که در نماز با ادب باشیم، دست ها روی ران ها، بدن آرام، نگاه ها پایین و به محل سجده، داشتن لباس تمیز و... مجموعه این دستورات عملی ها روحیه ادب و فرهنگ را در انسان تقویت می کند، آن هم ادبی براساس ارزش هایی چون شناخت و محبت، تواضع و ادب.^{۲۸۱}

ز- فراهم آوردن محیطی پاک و دینی

نماز علاوه بر شرایط صحت شرایط قبول، یا به تعبیر دیگر شرایط کمال دارد که رعایت آن ها نیز یک عامل مؤثر دیگر برای ترک بسیاری از گناهان است. در کتب فقهی و منابع حدیث، امور زیادی به عنوان موانع قبول نماز ذکر شده است از جمله مسئله شرب خمر است که در روایات آمده: «نماز شرابخوار تا چهل روز مقبول نخواهد شد مگر این که توبه کند»^{۲۸۲} و در روایات متعددی می خوانیم: از جمله کسانی که نماز آن ها قبول نخواهد شد پیشوای ستمگر است^{۲۸۳} و در بعضی از روایات دیگر تصریح شده است که نماز کسی که زکات نمی پردازد قبول نخواهد شد^{۲۸۴}، و همچنین روایات دیگری که می گوید: خوردن غذای حرام^{۲۸۵} و... از موانع قبول نماز است، پیدا است که فراهم کردن تمامی شرایط قبولی نماز تا چه حد در ترویج فرهنگ دینی در جامعه و آماده شدن محیطی پاک و دینی سازنده است!

آثار اجتماعی نماز

۶۲- نماز چه تاثیری در زندگی اجتماعی افراد می گذارد؟

آثار اجتماعی نماز جماعت را در چندین شاخص مهم می توان یافت.

برقراری وحدت اجتماعی

^{۲۷۹} - مائده (۵)، آیه ۵۷

^{۲۸۰} - مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۴، ص ۴۳۵

^{۲۸۱} - محسن قرائتی، یکصد و چهارده نکته درباره نماز، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۴ ش، ص ۵۶

^{۲۸۲} - الکافی، ج ۶، ص ۴۰۰

^{۲۸۳} - بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۳

^{۲۸۴} - بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۹

^{۲۸۵} - بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۱۴

نماز باعث بروز همکاری اجتماعی بین نمازگزاران می شود؛ اگر این همکاری بین مردم بصورت مبادله متقارن گرم (یاری و بیمه اجتماعی) در شئون مختلف زندگی اجتماعی باشد و این همکاری ها افزایش یابد، زمینه برای انجام کارهای خیر که جنبه عمومی دارد و همچنین، تعهدات اجتماعی نمازگزاران نسبت به جامعه و افراد آن افزایش می یابد. افزایش و گسترش همکاری های اجتماعی باعث ایجاد زمینه لازم برای افزایش مودت اجتماعی و موجب بروز مانعی عمده در مقابل نابرابری های اجتماعی می شود. نماز باعث ایجاد گسترش حمایت اجتماعی بین نمازگزاران با یکدیگر و با مردم دیگر می شود. این حمایت تنها در بعد مادی همچون کمک مالی به نیازمندان خلاصه نمی شود؛ بلکه در ابعاد مختلف عاطفی، معرفتی، منزلتی و... بوده و هر چه این ابعاد گسترش بیشتری پیدا نمایند، میزان استثمار و بهره کشی، یاس و خودکشی، محرومیت اجتماعی و انفعال اجتماعی در جامعه کمتر می شود.^{۲۸۶}

هدایت جامعه بسوی عدالت اجتماعی

شرکت در نماز جماعت و آگاه شدن از مشکلات مردم بخصوص ضعفا برای برقراری عدالت است. امام جماعت با بیان خطبه های خود، مردم را ارشاد نموده، باعث بالا رفتن آگاهی و شعور اجتماعی مردم و مطلع شدن آنها از گرفتاری ها و مشکلات هم کیشان خود و به دنبال آن رفع آن گرفتاری ها و مشکلات می شود؛ از این جهت نماز وسیله اقامه قسط و عدل، و ارشاد به ان می باشد.^{۲۸۷}

جامعه پذیری افراد

نماز به صورت مستقیم و غیر مستقیم در جریان جامعه پذیری افراد تاثیر می گذارد. تاثیر مستقیم نماز در جامعه پذیری بدین صورت است که نمازگزاران با پذیرش و درونی ساختن ارزش های موجود در نماز، رفتاری مطابق با انتظارات جامعه اسلامی از خود بروز می دهند. تاثیر غیر مستقیم نماز در جامعه پذیری بستگی به میزان تاثیر نماز و دین در ساینز نهادها و نظام های اجتماعی در جامعه دارد. با توجه به تاثیر فراوان نماز و دین در نهادها و نظام های اجتماعی در جامعه اسلامی می توان بیان نمود که نماز تاثیری بنیادی در نهادها و نظام های اجتماعی جامعه داشته و به همین میزان، نماز تاثیر غیر مستقیم فراوانی بر جامعه پذیری افراد دارد.^{۲۸۸}

مانع بروز اختلالات هنجاری

اسلام عزیز و نماز به سهم خود جلوی اختلالات هنجاری، یعنی قطبی شدن هنجاری «حالتی که بیش از نیمی از جمعیت جامعه تحت فشار هنجاری و تسلط اجتماعی نبوده، تعهدی نسبت به هنجارها نداشته باشد» تضاد هنجاری، تناقض هنجاری، ضعف هنجاری و بی هنجاری را می گیرد.

^{۲۸۶} - علیرضا وحدت پناه، نماز و جامعه شناسی، ستاد اقامه نماز و احیای زکات، بهار ۸۴، دوم، ص ۱۶۴

^{۲۸۷} - همان، ص ۵۳

^{۲۸۸} - همان، ص ۵۳

نماز باعث می شود که اکثریت جمعیت جامعه (بخصوص نمازگزاران) تحت فشار هنجاری قرار گیرند. در این حالت از قطبی شدن هنجاری جلوگیری به عمل می آید؛ با این امر، یکی از زمینه های پیدایش تضاد جلوگیری به عمل می آید، با این امر، یکی از زمینه های پیدایش تضاد هنجاری محو می شود (قطبی شدن هنجاری یکی از زمینه های پیدایش تضاد هنجاری است) از طرف دیگر، نماز با ارائه هنجارهای هماهنگ جلو بروز تضاد هنجاری را گرفته، در نهایت باعث توسعه اجتماعی می گردد.^{۲۸۹}

آثار سیاسی نماز

۶۳- لطفا برای بنده از ابعاد سیاسی نماز بنویسید و بگوئید که نماز چه نقشی در زندگی سیاسی

مسلمانان دارد؟

سیاست در اسلام، سیاست خدعه و فریب و استفاده از هر ابزار و وسیله برای رسیدن به هدف و مقصد نمی باشد بلکه حرکت و فعالیتی جهت دار و مقدس در جهت تحقق اهداف نورانی اسلام و جامه عمل پوشاندن به دستورات الهی در جامعه بشری و در نهایت قرب به حق است. چنین حرکت و تلاشی نیازمند توانایی و قدرت و پشتوانه قوی است و تا انسان تکیه گاهی محکم و قابل اعتماد نداشته باشد قادر نیست با صلابت و بدون انحراف و ترس در این راه گام بردارد. بهترین وسیله ای که تامین کننده این نیرو و قدرت و ایجاد کننده این پشتوانه است نماز است. نماز قطره ناچیز وجود انسان را به دریای عظمت الهی متصل می کند و انرژی و نیروی لازم برای تکاپو و فعالیت های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در اجتماع را به او می بخشد.

نمازی که در دین ما به آن و به جماعت آن و به پر کردن مساجد در آن تاکید شده و نماز های جمعه و نماز های سالانه ی جماعت مثل نماز اعیاد مختلف، تاثیر شگرفی در زندگی سیاسی مسلمانان ایفا می نماید که بطور خلاصه می توان این آثار را در چند عنوان کلی جمع بندی نمود.

تشخیص و اطاعت از رهبری صالح

برای امام جماعت شرایطی گفته شده که مامومین در صورت وجود آن شرایط می تواند به وی اقتدا کند و بعد از اطمینان به انتخاب صحیح از وی تبعیت می کند. مشکل امروز مسلمانان آن است که نماز می خوانند ولی رهبرانشان افراد ترسو و وابسته و دست نشانده و بدون ملاک های الهی اند. با زبان از خداوند راه مستقیم می خواهند، ولی در عمل بیراهه می روند.

^{۲۸۹} - همان، ص ۱۵۵

در روایات می خوانیم: در حدیث از امام باقر - علیه السلام - است: «كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيَهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ»^{۲۹۰}؛ «هر کسی که به خدا ایمان دارد و عبادت های طاقت فرسا هم انجام می دهد ولی امام لایقی از طرف خدا ندارد، تلاشش بی فایده است.»

بر قراری وحدت سیاسی

در صورتی که مسئولین و دست اندکاران جامعه از نمازگزاران واقعی باشند و در مساجد حضور پیدا کنند، زمینه برای پیدایش و گسترش روابط گفتمانی سیاسی با مردم نمازگزار (و یا شاید دیگر افراد) ایجاد می شود. این امر خود باعث ایجاد و افزایش تفاهم سیاسی و اعتماد متقابل نسبت به قضاوت، اجرا، تخصص و دانش طرفین می شود؛ بگونه ای که مسئولین و مردم از امکانات، مزیقه ها و قابلیت ها طرفین مطلع شده و زمینه پذیرش انتقادات سازنده بین مسئولین و مردم را نیز فراهم می نماید.^{۲۹۱}

نفی طاغوت و ایستایی در مقابل ستم

انسانی که فقط خداوند را عبادت نماید در مقابل او سر تعظیم و تسلیم فرود آورد، هر چه غیر خداوند است، برای او حقیر و کوچک می شود و کسی نمی تواند با ظلم و ستم بر او چیره شود. و در مقابل گردنکشان و ظالمان سر تسلیم فرود نمی آورد و با طاغوت کنار نمی آید. خداوند این مسئله را یکی از اهداف بعثت پیامبر(ص) دانسته است: «و در میان هر امتی، پیامبری را مبعوث کردیم تا خداوند را عبادت نمایید و از طاغوت (هر چه در مقابل خدا است) پرهیز کنید.»^{۲۹۲}

ناکام گذاشتن دشمنان اسلام

از نظر «سیاسی» نماز - به خصوص نمازهای جمعه، اعیاد و جماعت - نشانگر شکوه، بزرگی و اتحاد مسلمانان و همچنین زمینه ساز پویایی و رشد سیاسی جوامع اسلامی می باشد و همین امور دست به دست هم می دهد تا مسلمانان همواره برای مقابله با توطئه های دشمن آماده بوده و در نتیجه دشمنان اسلام را در پیاده نمودن نقشه های شومشان ناکام بگذارند.

آثار تربیتی

۶۴- برایم درباره نقش تربیتی نماز در زندگیمان توضیح دهید؟

در این باره باید گفت اگرچه نماز یک ارتباط روحی و معنوی است و هدف از آن یاد خداست، اما اسلام خواسته این روح را در قالب یک سلسله برنامه های تربیتی پیاده کند و لذا شرایط زیادی را برای آن قرار داده است، شرایط صحیح بودن نماز، شرایط قبولی و شرایط کمال نماز و در پرتو همین برنامه های تربیتی

^{۲۹۰} - الکافی، ج ۱، ص ۱۸۳

^{۲۹۱} - علیرضا وحدت پناه، نماز و جامعه شناسی، ستاد اقامه نماز و احیای زکات، بهار ۸۴، دوم، ص ۱۶۲

^{۲۹۲} - نحل (۱۶)، آیه ۳۶

است که نمازگزار ناچار است که برای صحت و قبولی نماز خود در این سیستم تربیتی قرار گرفته و رشد نماید؛ مثلاً، از شرایط صحت نماز مشروع بودن و مباح بودن تمام وسایلی است که در آن به کار می‌رود، مانند آب وضو و غسل، جامه‌ای که با آن نماز می‌گزارد و مکان نمازگزار، این موضوع سبب می‌شود که او گرد حرام نرود و در کار و کسب خود از هر نوع حرام اجتناب نماید؛ و به مرور زمان با همین روحیه تربیت شده و از مال حرام اجتناب می‌نماید.

و یا اینکه برای قبولی نمازش در پیشگاه خداوند باید زکات و حقوق مستمندان را بپردازد؛ غیبت نکند؛ از تکبر و حسد پرهیزد؛ از مشروبات الکلی اجتناب نماید و با حضور قلب و توجه و نیت پاک به درگاه خدا رو آورد.

و یا رعایت شرط کمال نماز مانند خواندن هر یک از نمازها در وقت خود موجب می‌شود فرد نمازگزار فردی منضبط و وقت شناس تربیت گردد. بالاخص که نمازگزار باید برای ادای فریضه صبح پیش از طلوع آفتاب از خواب برخیزد، طبعاً یک چنین فردی همواره سحر خیر بوده و فرامی‌گیرد چگونه به موقع فعالیت‌های مثبت زندگی را آغاز کند.

البته آثار تربیتی نماز به آنچه که گفته شد منحصر نیست؛ ولی این نمونه می‌تواند نشانه اسرار بزرگ این عبادت بزرگ اسلامی باشد.

الف: تربیت فردی

۳۸- انضباط و وقت‌شناسی:

نمازهای اسلامی هر کدام برای خود وقت مخصوص و معینی دارد و فرد نمازگزار باید نمازهای خود را در آن اوقات بخواند، لذا این عبادت اسلامی به انضباط و وقت‌شناسی کمک مؤثری می‌کند.

بالاخص که نمازگزار باید برای ادای فریضه صبح پیش از طلوع آفتاب از خواب برخیزد، طبعاً یک چنین فردی گذشته از این که از هوای پاک و نسیم صبحگاهان استفاده می‌نماید، به موقع فعالیت‌های مثبت زندگی را آغاز می‌کند.

ب: تربیت اجتماعی

۱- همگرایی

نماز در اوقات معین نموداری از وحدت و یگانگی ملت بزرگ اسلام است؛ زیرا همه مسلمانها در وقت‌های مخصوصی رو به قبله ایستاده و با آداب خاصی خداوند جهان را می‌پرستند، این خود نمونه بزرگی از اتحاد و یگانگی ملتی است که اسلام همه را به وسیله آن عبادت متحد و متشکل نموده است.

هرگاه این نمازها به صورت جماعت برگزار گردد، روح وحدت و اتحاد و مساوات و برابری، از صف‌های منظم و فشرده نمازگزاران نمایان خواهد بود و اهمیت این اتحاد و یگانگی معنوی نیازی به توضیح ندارد.

۲- نفی طاغوت و ایستایی در مقابل ستم

انسانی که فقط خداوند را عبادت نماید در مقابل او سر تعظیم و تسلیم فرود آورد، هر چه غیر خداوند است، برای او حقیر و کوچک می‌شود و کسی نمی‌تواند با ظلم و ستم بر او چیره شود. و در مقابل گردنکشان و ظالمان سر تسلیم فرود نمی‌آورد و با طاغوت کنار نمی‌آید. خداوند این مسئله را یکی از اهداف بعثت پیامبر(ص) دانسته است: «و در میان هر امتی، پیامبری را مبعوث کردیم تا خداوند را عبادت نمایید و از طاغوت (هر چه در مقابل خدا است) پرهیز کنید.»^{۲۹۳}

پنجم: فلسفه اخلاقی نماز

۱- عامل پرورش فضائل اخلاقی

نماز روح اخلاص و خداباوری را در انسان افزایش می‌دهد و نتیجه آن پرورش فضایل اخلاقی و تکامل روحی انسان است؛ چه تکاملی بالاتر از این که روح ما از جهان محدود ماده و چهار دیوار طبیعت بیرون رفته و با جهان بیکران کمال مطلق «خدا» مرتبط گردد و در انجام وظایف بندگی و کارهای زندگی، از قدرت نامتناهی و نیروی نامحدود او استمداد بطلبد و خدا را در همه حال حاضر و ناظر خود بداند و به اندازه‌ای شایسته و لایق گردد که بتواند با او سخن بگوید.

۱- زنده کردن حس شکرگزاری

پرستش خدا و عبادت وحی حس تقدیر و شکرگزاری را در انسان زنده می‌کند، قدر دانی از مقامی که نعمتهای بزرگ و پرارزشی را در اختیار انسان نهاده، نشانه لیاقت و شایستگی او نسبت به الطافی است که در حق او انجام گرفته است.

تشکر و سپاسگزاری از مقام خداوند این نتیجه را دارد که فرد سپاسگزار با عرض تشکر و انجام وظیفه، حق‌شناسی خود را در برابر نعمتهایی که خدا در اختیار او گذاشته است آشکار و هویدا می‌سازد.

امام زین العابدین راجع به عبادت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: آنقدر پیامبر در نماز ایستاد تا قدمهایش ورم کرد چنان در روزه داری تشنه میشد آب دهانش خشک میگرددید، گفتند یا رسول الله مگر خداوند وعده مغفرت بتو نداده؟ میفرمود آیا بنده شکرگزار خدا نباشم؟!^{۲۹۴}

۲- بهترین وسیله برای خویشتن داری و کنترل غرایز

از لحاظ تربیتی، یاد خدا بهترین وسیله برای خویشتن داری و کنترل غرایز سرکش و جلوگیری از روح طغیان است.

«نمازگزار» همواره به یاد خدا می‌باشد، خدایی که از تمام کارهای کوچک و بزرگ ما آگاه است، خدایی که از آنچه در زوایای روان ما وجود دارد و یا از اندیشه ما می‌گذارد، مطلع و باخبر است و کمترین اثر یاد خدا

^{۲۹۳} - نحل (۱۶)، آیه ۳۶

^{۲۹۴} - بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۵۷

این است که به خودکامگی انسان و هوسهای وی اعتدال می‌بخشد، چنان که غفلت از یاد خدا و بی‌خبری از پاداشها و کیفرهای او، موجب تیرگی عقل و خرد و کم فروغی آن می‌شود. به راستی، انسان که پایه حکومت غرایز در کانون وجود او مستحکم است، بهترین راه برای کنترل غرایز و خواستههای مرزشناس او همان یاد خدا، یاد کیفرهای خطاکاران و حسابهای دقیق و اشتباه‌ناپذیر آن می‌باشد. از این نظر قرآن یکی از اسرار نماز را یاد خدا معرفی می‌کند: «اقم الصلوة لذكری»^{۲۹۵}؛ «نماز را برای یاد من بپادار!»

۳- دوری از گناه:

نمازگزار ناچار است که برای صحت و قبولی نماز خود از بسیاری از گناهان اجتناب ورزد؛ مثلاً، یکی از شرایط نماز مشروع بودن و مباح بودن تمام وسایلی است که در آن به کار می‌رود، مانند آب وضو و غسل، جامه‌ای که با آن نماز می‌گزارد و مکان نمازگزار، این موضوع سبب می‌شود که گرد حرام نرود و در کار و کسب خود از هر نوع حرام اجتناب نماید؛ زیرا بسیار مشکل است که یک فرد تنها در امور مربوط به نماز به حلال بودن آنها مقید شود و در موارد دیگر بی‌پروا باشد.

گویا آیه زیر به همین نکته اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...»^{۲۹۶}؛ «و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتیها و گناه باز می‌دارد...»

بالاخص اگر نمازگزار متوجه باشد که شرط قبولی نماز در پیشگاه خداوند این است که نمازگزار زکات و حقوق مستمندان را پردازد؛ غیبت نکند؛ از تکبر و حسد بپرهیزد؛ از مشروبات الکلی اجتناب نماید و با حضور قلب و توجه و نیت پاک به درگاه خدا رو آورد و به این ترتیب نمازگزار حقیقی ناگزیر است تمام این امور را رعایت کند. روی همین جهات، پیامبر گرامی ما (ص) می‌فرماید: نماز چون نهر آب صافی است که انسان خود را در آن شست و شو دهد، هرگز بدن او آلوده و کثیف نمی‌شود. همچنین کسی که در شبانه روز پنج مرتبه نماز بخواند و قلب خود را در این چشمه صاف معنوی شست و شو دهد، هرگز آلودگی گناه بر دل و جان او نمی‌نشیند.

۴- غفلت زدایی

بزرگ‌ترین مصیبت برای رهروان راه حق آن است که هدف آفرینش خود را فراموش کند. و غرق در زندگی مادی و لذائذ زودگذر گردند، اما نماز به حکم این که در فواصل مختلف در هر شبانه روز پنج بار انجام می‌شود، مرتباً به انسان اخطار می‌کند و هشدار می‌دهد و هدف آفرینش او را خاطر نشان می‌سازد... و این نعمت بزرگی است که انسان وسیله‌ای در اختیار داشته باشد که در هر شبانه روز چند مرتبه به او بیدار باش گوید.^{۲۹۷}

^{۲۹۵} - طه (۲۰)، آیه ۱۴

^{۲۹۶} - عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۵

^{۲۹۷} - مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۱۶، ص ۲۹۰ - ۲۹۱

امام رضا علیه السلام در خصوص فلسفه عبادت فرموده اند: «(مردم خدا را عبادت می کنند) برای این که ذکر او از یادشان نرفته و تارک مراسم ادب نشده و نسبت به امر و نهی او مرتکب لهُو نشوند حال اگر بدون انجام مراسم عبودیت به حال خود واگذارده شوند روزگار دراز بر آنها بگذرد و دل‌هایشان سخت و قسی گردد.»^{۲۹۸}

آثار نماز در جوانان

۶۵- آثار نماز در جوانان چیست؟ و چه نقشی در تربیت نسل نو دارد؟

اگر جوانان بر اساس آنچه خداوند متعال خواسته نماز را اقامه نموده و آن را به پادارند، یقیناً به تمامی آثار و برکات نماز که به بخشی از آن در پاسخ به سوال‌های گفته شد دست می‌یابند که در اینجا به دلیل پرهیز از تکرار مباحث گذشته از ذکر مجدد این آثار و برکات خود داری می‌نمائیم. اما در خصوص نقش نماز در تربیت نسل نو باید گفت: این فریضه دینی پنج اثر عمده در تربیت نسل جوان ما ایفا می‌نماید:

اول - توحید مداری

نتیجه تمامی تعالیم انبیاء و اولیاء در توحید خلاصه می‌شود و بهترین ابزار یادآوری توحید و جاری نمودن آن در زندگی بشر نماز می‌باشد. جوانی که در روز پنج نوبت نماز را اقامه می‌کند و برای اینکه بتواند به مراتب عالی نماز دست پیدا کند خدا متعال را در تمامی عرصه‌های زندگی در نظر می‌گیرد چنین جوانی همواره بر مدار توحید بوده و از آن منحرف نمی‌شود.

دوم - ایجاد انزجار و تنفر از گناه

از آنجا که نماز بازدارنده از فحشا و منکر می‌باشد، روح نمازگزار بیگانه با گناه تربیت می‌شود، از همین رو اگر جوانی با نماز انس گرفته و آموزه‌های آنرا به خوبی فرا گرفته باشد، به خاطر روح پاکی که در این مسیر کسب نموده از آلوده شدن به هرگونه گناه و فحشا احساس تنفر نموده و از آن پرهیز می‌نماید مانند کسی که سالیان سال شامه او با بوی خوش عطر انس گرفته باشد، چنین فردی با احساس کمترین بوی نامطلوبی منقلب شده و نسبت به آن احساس تنفر می‌نماید و خود را سریع از آن دور می‌کند.

سوم - کسب فضائل اخلاقی همچون تواضع و فروتنی

انسان نمازگزار به هنگام نماز در مقابل قدرت مطلق جهان، بارها پیشانی خود را بر خاک می‌گذارد، سر خم کرده و اظهار ناتوانی و عجز می‌نماید و این امر باعث از بین رفتن رذایل اخلاقی همچون کبر و غرور و در مقابل رشد فضائل اخلاقی همچون تواضع و فروتنی می‌گردد. از همین رو نسل جوانی که در محضر نماز تربیت یافته باشد نسلی سپاسگذار، متواضع و فروتن و بدور از هرگونه عجب و غرور خواهد بود.

^{۲۹۸} - علل الشرائع - ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۱۵

چهارم - کنترل هیجانات کاذب با کسب آرامش قلبی از نماز

مقطع حساس جوانی همراه با فوران احساسات و هیجانات درونی می باشد و بطور طبیعی بخشی از این هیجانات کاذب بوده و موجب بروز مشکلاتی برای این نسل می گردد اما از آنجا که خداوند متعال در انس با نماز و یاد خودش آرامش و طمانینه قرار داده کما اینکه که فرموده است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^{۲۹۹}؛ «تنها با یاد خدا دلها آرامش می یابد!» لذا جوانانی که همراه با نماز رشد می نمایند جوانانی با وقار، آرام و بدور از هرگونه هیجانات کاذب می باشند.

بررسی ها و تحقیقات به عمل آمده نیز نشان داده است که جوانان و نوجوانانی که گرایش به نماز دارند از میزان اعتماد به نفس و کنترل درونی بالا و هیجان خواهی کمی برخوردارند.^{۳۰۰}

پنجم - معرفی الگوهای مناسب به نسل جوان

از ویژگی های دوران جوانی تحت تاثیر قرار گرفتن از الگوهای گوناگون می باشد؛ جوان نمازگزار با گفتن «صراط الذین انعمت علیهم» در نماز خود از خداوند می خواهند که الگوش را کسانی قرار دهد که مورد لطف او هستند، او را شناختند و به او عشق ورزیده اند، در راه او گام برداشته و استقامت کردند و از او جدا نشده اند. بر اساس آیه ۶۹ سوره نساء که خداوند متعال فرموده است: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^{۳۰۱}؛ و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز)، همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان؛ و آنها رفیقهای خوبی هستند!» کسانی که خداوند به آنها نعمت داده، عبارتند از: انبیا و شهدا و صدیقین و صالحان. و این همان معرفی الگوهای مناسب در زندگی برای نسل نو می باشد.

آثار اخلاقی نماز

۶۶- نماز چه تاثیری بر اخلاق انسان ها دارد؟

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه معروف به خطبه قاصعه گوشه هایی از مفاسد اخلاقی همچون کبر و سرکشی و ظلم را برمی شمرد و سپس می فرماید: خداوند بندگان را، با نماز و زکات و تلاش در روزه داری، حفظ کرده است. آنگاه در مورد آثار اخلاقی نماز می فرماید:

^{۲۹۹} - رعد (۱۳)، آیه ۲۸

^{۳۰۰} - این مساله نتیجه تحقیقاتی است که توسط آقای امیری در سال ۱۳۸۰ با جهت بررسی ویژگی های شخصیتی و خانوادگی دانش آموزان مدارس راهنمایی پسرانه منطقه جی شهراصفهان که گرایش به نماز دارند صورت پذیرفته است و در کتاب: «بررسی شیوه های تشویق و ترغیب کودکان و نوجوانان به نماز جماعت - نویسنده: ملیحه اسلامیان» درج گردیده است.

^{۳۰۱} - نساء (۴)، آیه ۶۹

«تَسْكِيناً لِأَطْرَافِهِمْ، تَخْشِيعاً لِأَبْصَارِهِمْ، تَذَلِيلًا لِنُفُوسِهِمْ، تَخْفِيزًا لِقُلُوبِهِمْ، إِزَالَةً لِلْخَيْلَاءِ عَنْهُمْ»^{۳۰۲}؛ «نماز به همه وجود انسان آرامش می بخشد، چشمها را خاشع و خاضع می گرداند، نفس سرکش را رام، دلها را نرم و تکبر و بزرگ منشی را محو می کند.»

اثر نماز بر عالم تکوین

۶۷- آیا نماز خواندن ما اثر تکوینی هم دارد و می تواند بر عالم هستی تاثیر گذار باشد؟

عالم تکوین یا همان عالم هستی، عالم اسباب و مسببات است و بر اساس آنچه از آیات و روایات به دست می آید نماز نیز یکی از عوامل و اسباب تاثیر گذار بر این عالم می باشد که در اینجا به چند مورد اشاره می نمائیم:

- اثر نماز در بلاهای آسمانی

وجود بلاها و آفت های آسمانی از ویژگی های عالم تکوین می باشد که نماز در این ویژگی عالم هستی اثر گذار بوده موجب مصونیت انسان از این بلاها می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هرگاه خداوند، آفتی از آسمان فرو فرستد، حاملان قرآن و نگهبانان خورشید - یعنی نگهبانان وقت نماز - و آباد کنندگان مساجد، از آن در امانند.»^{۳۰۳}

- اثر نماز در آسایش زندگی

نماز به عنوان مهمترین ذکر الهی، نقش بسیار مهمی در آسایش زندگی طبیعی انسان دارد چرا که اگر این فریضه عبادی رها شود به وعده الهی انسان گرفتار زندگی سخت و پر مشقتی خواهد شد آنجا که فرموده است: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»^{۳۰۴}؛ «و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت» و در مقابل اگر مردم به دین داری و نماز روی بیاورد این عمل آنها موجب نزول برکات دنیوی بر آنها خواهد شد همانگونه که خداوند متعال فرموده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»^{۳۰۵}؛ «و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم»

- اثر نماز بر رفع مشکلات دنیوی

^{۳۰۲} - نهج البلاغه، ص ۲۹۴

^{۳۰۳} - مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۴۹

^{۳۰۴} - طه (۲۰)، آیه ۱۲۴

^{۳۰۵} - اعراف (۷)، آیه ۹۶

از دیگر آثار تکوینی نماز، نقش آن در رفع مشکلات دنیوی می باشد، در قرآن آمده است: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»^{۳۰۶}؛ «از صبر و نماز در برخورد با مشکلات نیرو بگیرد؛ همانا نماز سنگین است مگر برای خاشعان»

ابی عبیده خدای گفت: با حضرت باقر (ع) بودم، مرکبم گم شد. امام - علیه السلام - فرمود: دو رکعت نماز بگذار و بعد بگو: «اللهم راد الضالّة، مادئا من الضالّة رد على ضالتي فانها من فضلک و عطائك»؛ خداوند! تو که گمشده را باز می گردانی، و از گمراهی به هدایت می آوری گمشده ام را به من بازگردان که آن از احسان و بخشش توست»، بعد امام (ع) فرمود: ای اباعبیده! پیش آی و سوار شو. با حضرت سوار شدم، همچنان که راه می پیمودم در راه یک سیاهی به چشم ما خورد، امام (ع) فرمود: این شتر توست. چون دقت کردم دریافتم که شتر من است.^{۳۰۷}

- ولایت بر هستی خویش!

از برکات نماز و عبادت آن است که انسان بتدریج و گام به گام بر هستی تسلط پیدا می کند بگونه ای که در سخت ترین حالات زندگی از آرامش قلبی برخوردار خواهد شد همانگونه که خداوند متعال فرموده است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^{۳۰۸}؛ «آگاه باشید، تنها با یاد خدا دلها آرامش می یابد!»

- همگرایی هستی با نمازگزار

از دیگر آثار تکوینی نماز آن است که می تواند هستی را با خود هم نوا نموده و به گونه ای که زبان به تسبیح الهی بگشایند.

یکی از یاران امام سجاد علیه السلام به نام سعید بن مسیب نقل کرده: یک سال من در خدمت امام زین العابدین (علیه السلام) از مکه بیرون آمدم در منزلی فرود آمد دو رکعت نماز خواند در سجده تسبیح پروردگار کرد هر چه در آن اطراف از درخت و گیاه وجود داشت با او به تسبیح پرداختند. من از شنیدن صدای تسبیح آنها ترسیدم، سر برداشته فرمود سعید! ترسیدی؟ عرض کردم آری یا ابن رسول الله فرمود این تسبیح اعظم است.^{۳۰۹}

- افزایش عقل و خرد

از دیگر آثار عجیب نماز به عنوان بالاترین ذکر الهی این است که موجب افزایش عقل و خرد انسان می گردد

^{۳۰۶} - بقره (۲)، آیه ۴۵

^{۳۰۷} - بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۱۲۲

^{۳۰۸} - رعد (۱۳)، آیه ۲۸

^{۳۰۹} - بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۳۷

حضرت علی علیه السلام در این باره فرموده است: «مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَحْيَا اللَّهُ قَلْبَهُ وَ نَوَّرَ عَقْلَهُ وَ لُبَّهُ»^{۳۱۰}؛ هر کس که خداوند سبحان را یاد کند، خداوند دل او را زنده کرده و عقل و خردش را روشن گرداند.»

اثر نماز در عالم معنا

۶۸- آیا با نمازخواندن در عالم معنا اتفاق خاصی رخ می دهد؟

نماز نمازگزار تاثیرهای فراوانی بر عالم معنا می گذارد و با این فریضه دینی اتفاقات بزرگی در عالم معنا به وقوع می پیوندد که به برخی از آنها اشاره می نمائیم:

- همگرایی فرشتگان با نمازگزار

از تاثیرات نماز نمازگزار بر عالم معنا همگرا نمودن فرشتگان با خود می باشد.

امام صادق علیه السلام فرموده است: هر کس با اذان و اقامه نماز گزارد، دو صف از فرشتگان پشت سر او بنماز ایستند، و کسی که فقط با اقامه و بدون اذان نماز می خواند پشت سر او یک صف از ملائکه تشکیل می شود، و کمترین اندازه این صف به مقدار فاصله میان مشرق و مغرب است و بیشترین آن به اندازه فاصله آسمان تا زمین است.^{۳۱۱}

- ممانعت از نزول عذاب الهی

از آثار نماز بر عالم معنا ممانعت از نزول عذاب می باشد

امام صادق علیه السلام در این خصوص فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ لَيُدْفَعُ بِمَنْ يُصَلِّي مِنْ شِيعَتِنَا عَمَّنْ لَا يُصَلِّي مِنْ شِيعَتِنَا وَ لَوْ أَجْمَعُوا عَلَي تَرْكِ الصَّلَاةِ لَهَلَكُوا»^{۳۱۲}؛ همانا خداوند به وسیله شیعیانی که نماز به جا می آورند، از شیعیان بی نماز (بلا) را دفع می کند، ولی اگر همه تارک نماز بودند، هر آینه همه هلاک می شدند.»

- جذب فرشتگان الهی گرداگرد نمازگزار

یکی از آثار نماز بر عالم معنا این است که فرشتگان الهی به سوی نمازگزار جذب شده و گرداگرد او را می گیرند.

امام صادق علیه السلام فرموده است: « [برای نمازگزار] سه ویژگی است: رحمت الهی او را از کف پایش تا کرانه ی آسمان در برمی گیرد و فرشتگان از روی سرش تا کرانه های آسمان گرداگرد او را می گیرند و فریاد کننده ای ندا در می دهد: اگر مناجات کننده می دانست با که مناجات می کند، باز نمی گشت.»^{۳۱۳}

- سلام خدا و ملائکه بر نمازگزار

^{۳۱۰} - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۸۹

^{۳۱۱} - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۸۲

^{۳۱۲} - الکافی، ج ۲، ص ۴۵۱

^{۳۱۳} - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۳۵

از امام حسن عسگری علیه السلام چنین نقل کرده اند که: «إِذَا سَلَّمَ مِنْ صَلَاتِهِ سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ - وَ سَلَّمَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ»^{۳۱۴}؛ «زمانی که بنده نمازش را سلام داد، خدای متعال و ملائکه بر او سلام می فرستند.»

نماگزاران واقعی

۶۹- ویژگی های یک نمازگزار واقعی چیست؟

در آیات و روایات برای نمازگزاران حقیقی، خصایص و ویژگی هایی زیادی مطرح گردیده از جمله در قرآن کریم به موارد ذیل اشاره گردیده:

- مداومت بر نماز «الذین هم علی صلاتهم دائمون»^{۳۱۵}

- انفاق مال در راه خدا به محروم (والذین هم فی اموالهم حق معلوم للسائل و المحروم)^{۳۱۶}

- حفظ عفت در شهوت جنسی (والذین هم لفروجهم حافظون)^{۳۱۷}

- رعایت امانت و وفای به عهد (والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون)^{۳۱۸}

- محافظت بر اوقات و شرایط نماز (و الذین هم علی صلواتهم یحافظون)^{۳۱۹}

از معصومین علیهم السلام نیز روایاتی نقل گردیده که از آنها می توان به ویژگی های نمازگزار واقعی پی برد از جمله:

امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده اند: «خداوند تبارک و تعالی می فرماید: همانا نماز کسی را قبول می کنم که:

- در برابر عظمتم تواضع کند و برایم خاکسار باشد.

- برای رضای من از شهوت ها دوری جوید؛

- روزهایش را با ذکر من به شب رساند؛

- بر بندگانم فخری نفروشد؛

- گرسنگان را سیر کند؛

^{۳۱۴} - امام عسگری علیه السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۹ ق، اول، ص ۵۲۴

^{۳۱۵} - معارج (۷۰)، آیه ۲۳

^{۳۱۶} - همان، آیات ۲۴ و ۲۵

^{۳۱۷} - مؤمنون (۲۳)، آیه ۵

^{۳۱۸} - همان، آیه ۸

^{۳۱۹} - مؤمنون (۲۳)، آیه ۹

- برهنگان را بیوشاند؛

- بر مصیبت دیدگان رحم کند؛

- بی پناهان را پناه دهد؛

اوست که نور (بندگی اش) مانند خورشید می درخشد.^{۳۲۰}

در روایت دیگری آنحضرت در خصوص تشخیص بین نمازگزار غیرواقعی از نمازگزار واقعی بیان داشته اند: «به طول رکوع و سجود شخص ننگرید (فریفته نگردید) زیرا ممکن است به آن عادت کرده باشد و اگر ترک کند موجب وحشتش گردد، لیکن به راستی گفتار و ادای امانتش بنگرید.»^{۳۲۱}

درک آثار نماز

۷۰- چرا ما آثار نماز را در زندگی خود نمی بینیم؟ آیا اگر انسان به نمازش توجه کند می تونه

امیدوار باشه که تمام جوانب زندگیش خوب میشه؟ اخلاقش خوب میشه؟ از صفات زشت

دیگه دست بر می داره و...؟ گناهان رو ترک می کنه و... کلا برای دست یابی به آثار نماز چه

باید کرد؟

بی اعتنایی به نماز و توجه نکردن و عدم رسیدگی به آن، سبب شده که نماز امری ساده، بی ارزش و پیش پا افتاده شناخته شود و گروهی آن را کاری بی فایده و عملی بی اثر در زندگی خود بدانند و حتی کار به جایی برسد که عده ای بگویند نماز چه اثری در زندگی دارد و حال آنکه هر کسی به میزان معرفت و شناخت خود از نماز بهره می برد و چون معرفت و ایمان افراد با هم متفاوت است، نمازهای آنها و آثار آن نمازها نیز مختلف است.

از مجموع آیات و روایات، بر می آید که نمازها از نظر اثرگذاری بر سه قسم است:

۱- نماز بی اثر:

نمازهایی که مهر «باطل»، بر روی آنها نقش می بندد. چه بسیار افرادی که به دلیل کوتاهی در فراگیری احکام و عدم آشنایی با احکام نماز، حتی بدون اینکه خودشان هم متوجه باشند نمازشان باطل است از همین رو بهره ای از آثار نماز نمی برند و یا آن که نماز خود را به جهت دیدن دیگران (ریا)، می خوانند و به محض دگرگون شدن شرایط و بر هم خوردن اوضاع، دیگر نه از نماز خبری است و نه از نمازگزار.

۲- نماز با اثر کم یا متوسط:

عمده نمازها اینگونه است. نمازهایی که بدون خشوع و خضوع، بدون مراعات شرایط بدون رعایت آداب باطنی و عرفانی و... خوانده می شود.

^{۳۲۰} - بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۱

^{۳۲۱} - الکافی، ج ۲، ص ۱۰۵

۳- نماز پرائر:

نمازهای نابی که تمامی شرایط قبولی نماز در آن رعایت می شود. این نماز بهترین وسیله برای قرب به خدا، جامع ترین مظهر عبودیت و بندگی و کاملترین نمونه شکر و سپاسگزاری است. این نماز عامل نیرومند و مؤثری است در صلاح حال فرد و جامعه و عبادتی است که از جهت تربیت و سازندگی به راستی، بی نظیر است.^{۳۲۲} چنین نمازی است که انسان را به تمامی آثار و برکات نماز نائل می نماید و نمازگزار به خوبی از برکات آن بهره می برد.

بطور مسلم اگر انسان مومن به نماز خود توجه نماید و رابطه اش را با خدای خود هر چه قدر هم که ضعیف و کم رنگ باشد، قطع ننماید و همین ارتباط ضعیف را روز به روز تقویت نماید تا به تدریج به درجات عالی قرب و معرفت خدای متعال برساند نماز تاثیر خود را در تمام جوانب زندگی انسان خواهد گذاشت اما به شرط اینکه:

گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

لذا انسان با ایمان باید بکوشد با تمرین و تصمیم و اراده قوی به نمازش عمق و شور و حال ببخشد و با مراجعه به علمای دین و مطالعه کتاب هائی که درباره احکام نماز و همچنین اسرار و نکات ظریف نماز بیان گردیده و نیز مطالعه شرح حال بزرگانی که به نماز عشق می ورزیده اند و نماز آنها نمونه ای از معراج مؤمن بوده به تدریج و کم کم بر حضور و توجه در نمازش بیفزاید و شور و نشاط خود را در حال نماز بیشتر نماید تا از این طریق نمازی کامل و قابل قبول درگاه الهی را اقامه نموده و به دنبال آن آثار و برکات نماز را روز به روز در زندگی خود بیشتر لمس نمایند هرچند این تاثیر گذاری در دراز مدت و اندک اندک صورت پذیرد.

در پایان ذکر چند نکته ضروریست:

اول - آثار متعددی که برای عبادتی مانند نماز در روایات بیان شده به این معنا نیست که لزوما همه آنها با هم در یک فرد ظهور می یابد بلکه ممکن است در هر فردی متناسب با شرایط روحی و جسمی او برخی در آنها تحقق یابد و یا در فردی که آمادگی و زمینه کامل دارد همه آنها محقق شود.

دوم - تحقق آثار مادی و معنوی فراوانی که در آیات و روایات برای نماز بیان شده مشروط به وجود شرایطی مثل اخلاص و توجه و حضور در نماز و مانند آن می باشد و علاوه بر آن باید موانع موجود بر سر راه تحقق این آثار نیز بر طرف گردد. مثلا اگر انسان نماز شب بخواند ولی از گناهان پرهیز نداشته باشد و یا نسبت به والدینش رعایت احترام را نکند و یا به حق الناس بی توجه باشد بدون شک این آثار زمینه تحقق و تبلور پیدا نمی کند و یا در حد ضعیفی که قابل احساس و درک نیست ظاهر می گردد.

^{۳۲۲} - مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پائیز ۸۰ ش، چاپ نهم، ج ۲، ص ۱۱۷

سوم - گاهی ظاهر نشدن آثار لطف خداوند است و خداوند می خواهد که بنده اش همیشه در خانه او بیاید و با او سخن بگوید و نجوا کند و اگر این آثار را زود و سریع به بنده نماز شب خوان بدهد دچار غرور و خود بینی می شود و این غرور و عجب مانع رسیدن او به مقامات و درجات بالاتر و عالی تر گردد. پس در واقع این لطف مخفی خداوند در حق بنده اش می باشد.

فصل ششم: آداب نماز

گفتار اول: نماز اول وقت

نماز اول وقت

۷۱- دلیل تاکی بر نماز اول وقت چیست؟ آیا بهتر نیست هرگاه وقت داشتیم نماز بخوانیم؟

بطور طبیعی هر کاری زمانی ویژه دارد که در صورت تحقق یافتن در آن زمان، دارای تأثیر بیشتر و مناسبتر خواهد بود. برای مثال، ورزش یا خوردن غذا و مصرف دارو هر کدام زمان خاصی می طلبد - اگر در شرایط و فرصت مناسب خودش باشد، بسیار آرامش بخش و مفید خواهد بود؛ ولی اگر در زمان و شرایط خاص تنظیم شده آن مصرف نشود انسان با مشکل مواجه خواهد شد. لذا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «الْأُمُورُ مَرْهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا»^{۳۳۳}؛ «کارها در گرو زمان و فرصت خاص خویشند».

اوقات نماز نیز فرصت هایی هستند که نوعاً مناسبترین شرایط برای نماز است از همین رو نماز خواندن در آن اوقات نشاط آور، انرژی بخش و دارای تأثیرات ویژه است. مثلاً در مورد نماز ظهر از امام صادق علیه السلام نقل شده: «إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَتُحَّتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ هَبَّتِ الرِّيحُ وَ نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى خَلْقِهِ»^{۳۳۴}؛ «به هنگام ظهر درهای آسمان گشوده می شود و بادهای (رحمت) وزیده می شود و خداوند به مخلوقاتش نظر می کند» که در مورد بقیه نمازها نیز به همین صورت است^{۳۳۵}.

امیر المؤمنین (ع) فرموده اند: «هیچ عمل و طاعتی نزد خدای با عزت و جلال از نماز محبوبتر نیست، پس هیچ چیز از امور دنیا از بجا آوردن نماز در وقتهاش شما را مشغول نگرداند، زیرا خداوند با عزت و جلال جماعت و گروهی را مذمت کرده و فرموده: الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (کسانی که از نمازشان غفلت میورزند یعنی وقتهای آن را سبک می شمارند)»^{۳۳۶}.

^{۳۳۳} - بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۶۶

^{۳۳۴} - وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۶۶

^{۳۳۵} - مجتبی کلباسی، مجتبی کلباسی، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، نهم، ص ۸۹

^{۳۳۶} - وسائل الشیعة ج ۴ ص ۱۱۳

در جای دیگر امام صادق علیه السلام تفاوت نماز اول وقت با آخر وقت را چنین بیان داشته اند: «فَضْلُ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا»^{۳۲۷}؛ «فضیلت اول وقت بر آخر آن همانند فضیلتی است که که آخرت بر دنیا دارد.»

اهمیت این مسأله زمانی به اوج خود می رسد که از سوی ائمه علیهم السلام خواندن نماز اول وقت به عنوان یکی از علائم شیعه مطرح می گردد:

امام صادق - علیه السلام - فرموده اند: «أَمْتَحِنُوا شِبَعَتَنَا عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ كَيْفَ مُحَافِظَتُهُمْ عَلَيْهَا»^{۳۲۸}؛ «شیعیان ما را در اوقات نماز آزمایش کنید که چگونه بر خواندن نماز خود در موعد مقرر محافظت می کنند.»

برخی آیات قرآن نیز بر لزوم نماز اول وقت اشاره دارد. خداوند متعال می فرماید:

«وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»^{۳۲۹}؛ «و بر نمازهای خویش، مراقبت می کنند!» تفسیر معروف آیه، این است که مراد از محافظت بر نماز، محافظت بر وقت نماز است.^{۳۳۰}

«رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ»^{۳۳۱}؛ «مردانی که نه تجارت و نه معامله آنها را از یاد خداوند و بر پا داشتن نماز غافل نمی کند.» در روایت آمده: آنها تاجرانی هستند که تجارت و بیع، آنان را از یاد خداوند غافل نمی سازد، هنگامی که وقت داخل می شود حق آن را ادا می کنند.^{۳۳۲}

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا»^{۳۳۳}؛ «اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند؛ و بزودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید!» خداوند متعال در این آیه از گروهی نام برده اند که به دلیل ضایع کردن نماز و پیروی شهوات گرفتار غی^{۳۳۴} خواهند شد. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده: مراد از ضایع کردن نماز در این آیه ترک نماز نیست، بلکه از این ضایع کردن نماز در این آیه تاخیر در نماز است.^{۳۳۵}

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ، الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^{۳۳۶}؛ «پس وای بر نمازگزارانی که، در نماز خود سهل انگاری می کنند»

۳۲۷ - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۳۶
۳۲۸ - بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۴۹
۳۲۹ - انعام (۶)، آیه ۹۲
۳۳۰ - طباطبایی سید محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش، پنجم، ج ۷، ص ۳۸۹
۳۳۱ - نور (۲۴)، آیه ۳۷
۳۳۲ - مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۱۴، ص ۴۸۶
۳۳۳ - مریم (۱۹)، آیه ۵۹
۳۳۴ - امام کاظم علیه السلام در خصوص «غی» فرموده اند: آن کوهی از مس گذاشته که در وسط جهنم می چرخد (بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۲۳)
۳۳۵ - طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسر ۱۳۷۲ ش، سوم، ج ۶، ص ۸۰۲
۳۳۶ - ماعون (۱۰۷)، آیه ۴ و ۵

یونس بن عمار می گوید: از حضرت صادق (علیه السلام) از معنای این آیه سوال کردم که آیا مراد وسوسه شیطان است که انسان را گرفتار سهو می کند؟ حضرت فرمودند: «خیر، هر انسانی گرفتار سهو در نماز می شود و لیکن مراد این است که نماز می خواند، ولی آن را در اول وقتش نمی خواند»^{۳۳۷}

نماز اول وقت در سیره معصومین علیهم السلام

۷۲- آیا معصومین علیهم السلام همانگونه که گفته اند خودشان به نماز اول وقت اهمیت می دادند؟

معصومین علیهم السلام به عنوان بهترین الگوهای الهی برای بشریت، نه تنها دستورات الهی و راههای رسیدن به کمال را برای مردم بیان می کردند، بلکه در مقام عمل نیز بهترین عمل کننده به این دستورات می بودند که روایات و شواهد تاریخی به خوبی گویای این مساله می باشد که به چند نمونه از آنها اشاره می نمائیم.

اول - در خصوص سیره رسول خدا صل الله علیه و آله نسبت به اداء به موقع نماز از حضرت علی علیه السلام چنین نقل گردیده: «رسول خدا (ص) هیچ چیز را نه شام و نه غیر آن را، بر نماز مقدم نمی داشت؛ هرگاه وقت نماز فرا می رسید، رسول خدا (ص) دیگر نه خانواده می شناخت و نه دوست»^{۳۳۸}

دوم - روزی در جنگ صفین، مشغول نبرد بود و میان دو جناح درگیر، (مرتب به خورشید نگاه می کرد و منتظر زوال خورشید بود، تا نماز را بخواند، ابن عباس عرضه داشت: یا علی چرا ایستاده‌ای؟ (و نمی جنگی)؟ فرمود: منتظر دخول و قتم تا نماز بخوانیم؟! «ابن عباس» گفت: آیا اکنون وقت این حرفها است، در حالی که ما به کار جنگ مشغولیم؟ امام فرمود: «عَلَى مَا نَقَاتِلُهُمْ؟ إِنَّمَا نَقَاتِلُهُمْ عَلَى الصَّلَاةِ»؛ «برای چه چیز می جنگیم؟ مگر نه جنگ ما برای نماز است»^{۳۳۹}

سوم - امام رضا (علیه السلام) به عنوان استقبال از بعضی از کسانی که مشتاق آن حضرت بودند (از شهر) خارج شد وقت نماز فرارسید، خانه ای در آن حوالی بود، امام (علیه السلام) با یاران به سوی آن رفتند و در کنار سنگ بزرگی فرود آمدند. راوی می گوید: سپس امام به من فرمود: «(اذان بگو)»، عرض کردم منتظر رسیدن و ملحق شدن بعضی از یاران هستم تا آنان نیز به ما ملحق شوند.

حضرت فرمود: «(خدا تو را پیامرزد، نماز را از اول وقت بدون عذر تاخیر نیندازید، بر تو باد که همیشه نماز را در اول وقت آن بجا آوری)». راوی گوید: پس اذان گفتم و نماز خواندیم.^{۳۴۰}

چهارم - یکی از ادیانی که نامشان در قرآن آمده، ((صابئین)) هستند که به حضرت یحیی گرایش دارند و برای ستارگان تاعثیری قائلند.

^{۳۳۷} - وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۴

^{۳۳۸} - مجموعه ورام، ج ۲، ص ۷۸

^{۳۳۹} - إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۲، ص ۲۱۷

^{۳۴۰} - بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۲۱

این فرقه، رهبری دانشمند ولی مغرور داشتند که بارها با امام رضا علیه السلام گفتگو کرد، ولی زیر بار نمی رفت. در یکی از جلسات، امام رضا علیه السلام استدلالی کرد که او تسلیم شد و گفت: اکنون روح من نرم شده حاضر مکتب تو را بپذیرم، ناگهان صدای اذان بلند شد، امام رضا علیه السلام جلسه را ترک کرد، مردم گفتند: فرصت حساسی است، چنین فرصتی پیش نمی آید، امام فرمود: اول نماز! او که این تعهد را از امام دید، علاقه اش بیشتر شد. بعد از نماز گفتگوش را تکمیل کرد و ایمان آورد.^{۳۴۱}

آثار نماز اول وقت

۷۳- اثرات دنیوی و اخروی نماز اول وقت را برایم بنویسید؟

نماز اول وقت موجب عادت دادن شخص به نظم و باعث نشاط و آمادگی و حضور قلب بیشتر در نماز می باشد؛ علاوه بر این موارد در نصوص دینی نیز آثار دنیوی و اخروی فراوانی برای نماز اول وقت نقل شده که می توان در این زمینه از امور زیر نام برد:

تضمین بهشت

رسول الله - صلی الله علیه وآله - فرمود: «إِنَّ رَبَّكُمْ يَقُولُ هَذِهِ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ الْمَفْرُوضَاتُ فَمَنْ صَلَّى مِنْ صَلَاتِهِنَّ لَوْ قَتِلَ وَ حَافِظَ عَلَيْهِنَّ لَقَبِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ عِنْدِي عَهْدٌ أَذْخِلُهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَ مَنْ لَمْ يُصَلِّهِنَّ لَوْ قَتِلَ وَ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهِنَّ فَذَلِكَ إِلَيَّ إِنْ شِئْتُ عَذَّبْتُهُ وَ إِنْ شِئْتُ غَفَرْتُ لَهُ»^{۳۴۲}؛ «رسول خدا فرمود: خدای شما می فرماید: این نمازهای پنجگانه فریضه است، پس کسی این نمازها را در وقتش به جا آورد و محافظت بر او نماید، روز قیامت مرا ملاقات خواهد کرد. و بر عهده من است که او را وارد بهشت کنم، و کسی که در وقتش نمازها را به جا نیاورد و محافظت بر او نکند، در این صورت بر من است که اگر بخواهم او را عذاب می کنم، و اگر بخواهم او را می بخشایم.»

برآورده شدن حاجت

امام حسن عسکری - علیه السلام - فرموده اند: «موسی به عمران با خداوند سخن گفت و از پروردگار خویش پرسید: خدایا! پاداش کسی که نمازش را اول وقت می خواند چیست؟ خداوند تبارک و تعالی فرمود: خواهش و خواسته او را برآورده می کنم و بهشت را بر او مباح می گردانم.»^{۳۴۳}

مصون ماندن از بلاهای دنیوی

رسول الله - صلی الله علیه وآله - وعده داده: «إِذَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَاهَةً مِنَ السَّمَاءِ غَوَفِي مِنْهَا حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَ رِعَاةُ الشَّمْسِ أَوْ الْحَافِظُونَ لِأَوْقَاتِ الصَّلَوَاتِ وَ عُمَّارُ الْمَسَاجِدِ»^{۳۴۴}؛ «هنگامی که خداوند سبحان، از آسمان آفت

^{۳۴۱} - بحار، ج ۴۹، ص ۱۷۳؛ چکیده آنچه که در روایت ذکر گردیده

^{۳۴۲} - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۹

^{۳۴۳} - بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۲۷

^{۳۴۴} - مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۴۹

نازل کرد حاملین قرآن، رعایت کنندگان خورشید، یعنی کسانی که اوقات نماز را مراعات کنند، و مساجد را آباد می سازند از این آفت در امانند.»

خاموش شدن آتش گناهان

رسول خدا - صلی الله علیه وآله - : « مَا مِنْ صَلَاةٍ يَحْضُرُ وَقْتَهَا إِلَّا نَادَى مَلَكٌ بَيْنَ يَدَيْ النَّاسِ قُومُوا إِلَيَّ نِيرَانِكُمْ الَّتِي أَوْقَدْتُمُوهَا عَلَى ظُهُورِكُمْ فَأَطْفِئُوهَا بِصَلَاتِكُمْ »^{۳۴۵}؛ « وقت هر نماز فرا می رسید، فرشته ای در میان مردم ندا سر میدهد برخیزید، به وسیله نمازتان، آن آتش گناه را که خودتان فراهم کردید، خاموش کنید.»

مصون ماندن انحراف عقیده به هنگام مرگ

امام صادق - علیه السلام - فرمود: « مَلَكُ الْمَوْتِ يَدْفَعُ الشَّيْطَانَ عَنِ الْمُحَافِظِ عَلَى الصَّلَاةِ وَيَلْقَنُهُ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فِي تِلْكَ الْحَالَةِ الْعَظِيمَةِ »^{۳۴۶}؛ « هنگام مرگ ملک الموت شیطان را (در آن هنگام که می خواهد ایمان انسان ها را بگیرد) از کسی که محافظت به (اوقات) نماز می کند، دفع می کند و شهادتین ((اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله)) را در این حالت به او تلقین می کند.»

دعای خیر نماز برای نمازگزار اول وقت

امام باقر (علیه السلام) فرموده است: « هرگاه نماز در اول وقت بالا برود، سفید و درخشان به سوی صاحبش باز می گردد و به او خطاب می کند: از من مواظبت نمودی خدا تو را حفظ کند....»^{۳۴۷}

پیامبر نجات از گرفتاری های دنیوی و اخروی برای او ضمانت نموده

رسول خدا - صلی الله علیه وآله - : « مَا مِنْ عَبْدٍ اهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَ مَوَاضِعِ الشَّمْسِ إِلَّا ضَمِنْتُ لَهُ الرُّوحَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ انْقِطَاعَ الْهُمُومِ وَ الْأَحْزَانَ وَ النَّجَاءَ مِنَ النَّارِ »^{۳۴۸}؛ « بنده ای (نمازگزار) که اهتمام و مواظبت به اوقات نماز نماید، و مواضع آفتاب را برای وقت نمازش دقت کند، من ضمانت می کنم برای او راحتی در دم مرگ را و دفع و رفع هموم و درد و اندوه و نجات از آتش جهنم را.»

مصونیت از غفلت

امام باقر - علیه السلام - فرموده اند: « أَيُّمَا مُؤْمِنٍ حَافِظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ فَصَلَّاهَا لَوْ قَتَلَهَا فَلَيْسَ هَذَا مِنَ الْعَافِلِينَ »^{۳۴۹}؛ « هر مؤمنی محافظت بر نمازش نماید، و او را در وقتش به جا آورد، از انسانهای غافل شمرده نمی شود.»

^{۳۴۵} -أمالی الصدوق، ص ۴۹۶

^{۳۴۶} - من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۷

^{۳۴۷} - وسائل الشیعة ج ۴، ص ۱۰۸

^{۳۴۸} - بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۹

^{۳۴۹} - الکافی، ج ۳، ص ۲۷۰

تاخیر در نماز اول وقت

۷۴- تاخیر در نماز اول وقت چه آثار و پیامدهای سوئی برای ما دارد؟

تأخیر نماز از اول وقت آن، بدون عذر، موجب محروم ماندن انسان از فیوضات و پاداش‌های آن و عدم استفاده از برکات و آثار نماز اول وقت و تزییع و سبک شمردن نماز است. بعضی از آثار سوء تاخیر عمدی از نماز اول وقت بدین شرح می باشد.

یک - دوری از رحمت الهی

امام زمان (عجل الله تعالی فی فرجه الشریف) در خصوص کسی که نماز اول وقت خود را به تاخیر می اندازد فرموده اند: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْعِشَاءَ إِلَى أَنْ تَشْتَبِكَ النُّجُومُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْغَدَاةَ إِلَى أَنْ تَنْفُضَ النُّجُومُ وَ دَخَلَ الدَّارُ»؛ «از رحمت خدا دور است، از رحمت خدا دور است کسی که تأخیر در نماز عشاء نماید تا آنکه ستارگان ظاهر شود و از رحمت خدا دور است، از رحمت خدا دور است کسی که نماز صبح را چندان تاخیر بیندازد تا ستاره ها ناپدید شوند.»

دو - موجب خشم خداوند

رسول خدا - صلی الله علیه وآله - به حضرت علی علیه السلام وصیت نمودند: «یا علی! وَ تَقِيمَ الصَّلَاةَ بِوُضُوءٍ سَابِغٍ فِي مَوَاقِيتِهَا وَ لَا تُؤَخِّرْهَا فَإِنَّ فِي تَأْخِيرِهَا مِنْ غَيْرِ عَلَّةٍ غَضَبَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»^{۳۵۰}؛ «یا علی، با وضوی کامل در اول وقت، نماز اقامه کن، و نماز را از اول وقتش به تاخیر نینداز، چون تاخیر نماز بدون علت و عذر خداوند قهار را به خشم خواهد آورد.»

سه - نماز او را نفرین می کند

امام باقر (علیه السلام) فرموده است: «هرگاه نماز در اول وقت بالا برود، سفید و درخشان به سوی صاحبش باز می گردد و به او خطاب می کند: از من مواظبت نمودی خدا تو را حفظ کند، و هرگاه در غیر وقت خود و بدون شرایط بالا برود، سیاه و تاریک به سوی صاحبش باز می گردد و به او می گوید مرا تباه ساختی، خدا تو را نابود کند.»^{۳۵۱}

چهار - دوری از شفاعت پیامبر

پیامبر خدا (صلی الله علیه آله) فرموده اند: «لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي غَدَاً مَنْ أَخَّرَ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ بَعْدَ وَقْتِهَا»^{۳۵۲}؛ «شفاعت من در قیامت شامل کسی که نمازهای واجبش را در وقت آن نخواند نمی شود.»

پنج - فقیران بهشت

^{۳۵۰} - بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۵۴

^{۳۵۱} - وسائل الشیعة ج ۴، ص ۱۰۸

^{۳۵۲} - أمالی الصدوق، ص ۳۹۹

شخصی به نام ابو سلام عبدی می گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم و عرض کردم: چه می فرمائید درباره کسی که نماز عصرش را عمداً تاخیر اندازد؟ حضرت فرمودند: روز قیامت بی کس و تنها (و فقیر) و بدون ثروت محشور می گردد. عرض کردم: اگر چه از بهشتیان باشد؟ فرمود: اگر چه از اهل بهشت باشد. پرسیدم: منزل و جایگاهش در بهشت در کجاست؟ فرمود: یکه و تنها، بی زن و فرزند و مال و منال در بهشت سرگردان است و اهل بهشت به او چیزی می دهند.^{۳۵۳}

شش - عدم قبولی نماز

از دیگر پیامدهای منفی تاخیر در نماز اول وقت عدم قبولی نماز است که امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند: «مَنْ صَلَّى فِي غَيْرِ وَقْتٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ»^{۳۵۴}؛ کسی که نماز در غیر وقت بخواند، مثل اینکه نماز نخوانده است. (به این معنا که چنین نمازی نمی تواند وی را به آثار و برکات و پاداش های عظیم نماز نائل گرداند هر چند با خواندن این نماز از او رفع تکلیف شده و عذاب نمی شود.)

هفت - عدم استجابت دعا

در روایتی که از امام زین العابدین - علیه السلام - در تشریح آثار گناهان تاخیر در نماز را به عنوان یکی از عوامل عدم استجابت دعا بر شمرده و فرموده اند: «و الذنوب التي ترد الدعاء: سوء النية، و خبث السريرة، و النفاق مع الاخوان، و ترك التصديق بالاجابة، و تأخير الصلوات المفروضة حتى تذهب اوقاته»^{۳۵۵}؛ «و گناهانی که موجب برگشتن دعا می شوند عبارتند از: نیت بد داشتن، در باطن، پلید بودن، با برادران دین، دورویی و نفاق نمودن، برادران دینی را با ترک اجابت، تصدیق نکردن. و نمازهای واجب را به تأخیر انداختن تا وقتشان بگذرد.»

عزاداری و نماز

۷۵- گاهی مجلس عزاداری طول می کشد و نماز اول وقت خوانده نمی شود و یا شب ه دیر می

شود و نماز صبح قضا می شود. آیا این عزاداری قبول است؟

عزاداری و گریه بر حضرات معصومین (علیهم السلام) به ویژه سالار شهیدان از اهمیت فراوانی برخوردار است و از مستحبات مهم می باشد و تأثیرات تربیتی فراوانی دارد، اما یکی از آثار تربیتی عزاداری صحیح پایبندی به نماز اول وقت است. چنان که هدف اصلی امام حسین (علیه السلام) احیا دین و زنده کردن دستورات الهی و روح بخشیدن به نماز بوده است، از همین رو خود امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا نماز خواند و حاضر نشد در صحنه جهاد و جلوی تیرباران دشمن نماز اول وقت را به تاخیر اندازد.

^{۳۵۳} - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳۱

^{۳۵۴} - الکافی، ج ۳، ص ۲۸۵

^{۳۵۵} - بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۷۵

بنابراین پیرو حقیقی آن حضرت باید به اموری مانند نماز که مورد توجه آن بزرگوار است عنایت خاص داشته باشد تا رضایت ایشان را جلب نماید.

تلاقی وقت نماز با کلاس

۷۶- به هنگام نماز اول وقت آیا می توان درس استاد و صحبت استاد را رها کرد و احترام به نماز

اول وقت گذاشت با توجه به اینکه نماز اول وقت اهمیت زیادی دارد؟

بطور مسلم برگزاری نماز اول وقت بویژه به طور جماعت بسیار با فضیلت است و خوب است از نظر فردی و اجتماعی به این مهم پرداخته شود. به طوری که برنامه ریزان مراکز آموزشی و دانشگاه ها امکان حداکثر شرکت در نماز جماعت را برای دانشجویان فراهم کنند. و هر دانشجو نیز در حد توانایی در انتخاب ساعت درسی و تنظیم وقت اداری باید سعی کند که از فضیلت نماز اول وقت به طور جماعت بهره مند شود.

اما با این وجود نباید فراموش کرد که به هر حال نماز اول وقت مستحب است و نمی توان گفت در همه حالات بر همه کارها مقدم است بلکه باید مورد را بررسی کرد و میان آن کاری که با نماز اول وقت تعارض دارد و ارزش و اهمیت نماز اول وقت نسبت سنجی کرد و سپس انتخاب نمود. مثلا در روایات و کتاب های احکام تاکید شده که اگر روزه هستید و مهمان روزه دار دارید و خواندن نماز در اول وقت باعث ناراحتی و به سختی افتادن مهمان می شود افطار کردن در اول وقت بر نماز اول وقت مقدم است. این یک نمونه است و موارد مشابه فراوان دارد. مثلا گاهی ترک کردن درس استاد برای نماز موجب عقب ماندن از درسی می شود که قابل جبران نیست و یا گاهی موجب ضایع شدن و بی احترامی به استاد می شود که باید همه این موارد را با هم مورد توجه قرار داد.

استثنای نماز اول وقت

۷۷- با وجود فضیلت های بسیاری که برای نماز اول وقت گفته شده آیا موارد استثنائی وجود دارد

که انسان بواسطه آن بتواند نمازش را به تاخیر بیندازد؟

آن چه از روایات استفاده می شود این است که نماز اول وقت اهمیت ویژه و خاصی دارد و باید آن را بر کارهای معمولی و غیر ضروری مقدم داشت. اما اگر کاری که با نماز اول وقت در تضام و تعارض است به جهتی اهمیت و خصوصیتی داشته باشد که باید آن را بر نماز مقدم داشت اشکالی ندارد. به عنوان نمونه انسان برای درک فضیلت نماز جماعت می تواند نماز اول وقت خود را به تاخیر بندازد تا نمازش را به جماعت بخواند و یا در ماه رمضان اگر انسان نتواند با توجه و حضور قلب نماز اول وقت و

پیش از افطار بخواند و یا مهمانی دارد که مایل به افطار در اول اذان است بهتر است اول افطار کند و سپس نماز بخواند.

البته در برخی موارد خواندن نماز اول وقت باطل بوده و یا به تاخیر انداختن نماز واجب می شود که در اینجا توجه شما را به دو نمونه جلب می نمایم:

- در صورتی که شرایط صحت نماز (همچون طهارت) در اول وقت آن فراهم نباشد، اما فراهم نمودن شرایط تا پایان وقت امکان پذیر باشد، در این صورت خواندن نماز باطل است مثلاً لباس فردی نجس شده و تعویض و یا تطهیر آن در اول وقت نماز امکان پذیر نیست اما چنین فردی تا قبل از قضا شدن نماز می تواند لباس خود را عوض و یا پاک نماید که در این صورت تا فراهم شدن شرایط صحت نماز باید صبر نماید.

- اگر کار واجبی در اول وقت نماز پیشامد کند. مثلاً طلبکار طلبش را درخواست کند و یا جان کسی در معرض خطر باشد و باید در اول وقت نماز او را به دکتر رسانید و یا نماز خواندن در اول وقت موجب شود انسان دچار آسیب و ضرر سنگینی گردد در این صورت به تاخیر انداختن نماز لازم می باشد. با این وجود نباید فراموش کرد که به هر حال نماز اول وقت مستحب است اما نمی توان گفت در همه حالات بر همه کارها مقدم است بلکه باید مورد را بررسی کرد و میان آن کاری که با نماز اول وقت تعارض دارد و ارزش و اهمیت نماز اول وقت نسبت سنجی کرد و سپس انتخاب نمود.

جبران تاخیر در نماز

۷۸- همین طور که می دانید نماز اول وقت فضیلت بسیاری دارد. حال می خواستم بپرسم که اگر به

دلالتی نتوان نماز را اول وقت خواند، چه کاری می توان انجام داد تا جبران دیرکرد آن باشد؟)

در جایی خواندم که یکی از بزرگان برای دیرکرد نماز صدقه می دادند.)

در روایات اسلامی در این مورد چیزی بیان نشده است و اقدام برخی از بزرگان مبنی بر نذر نمودن جهت پرداخت صدقه در صورت به تاخیر افتادن نمازشان از اول وقت و یا محروم کردن خود از برخی امور مورد علاقه شان، همه و همه در جهت تربیت و تنبیه نفس برای جلوگیری از تکرار تاخیر در نماز اول وقت می باشد، نه اینکه این اقدام در راستای جبران و دیرکرد نماز اول وقت از دست رفته باشد.

در اینجا باید یادآوری نمایم که اگر کسی می خواهد برای محافظت از نماز اول وقت خود چنین برنامه هایی را در پیش رو بگیرد

اولاً: نوع نذر و یا تنبیهی که برای تربیت نفس در نظر گرفته می شود باید متناسب با شرایط و روحیات فرد باشد و نمی توان نسخه واحدی برای همه پیچید، اما معمولاً در این موارد بزرگان برای تنبیه نفس، خود را

از چیزهایی که مورد علاقه او است محروم می کردند. مثلاً اگر به غذای خاصی علاقه دارد او را تا مدتی از خوردن آن منع می کردند و یا نذر می نمودند در ازاء تاخیر بدون عذر در هر نماز یک روز روزه بگیرند. ثانیاً: باید مواظب بود در این مورد سختگیری بیش از حد و شدیدی علیه نفس اعمال نکرد و به تنبیه مختصر اکتفا کرد تا از نظر روانی و روحی دچار خسارت نگردیم.

گفتار دوم: حضور قلب

حضور قلب

۷۹- به چه نمازی، نماز خاشعانه و با حضور قلب گفته می شود؟ اگر کسی نماز را بدون حضور

قلب بخواند اشکال دارد؟

از مهمترین توصیه های معصومین علیه السلام برای نماز این است که نماز با حضور قلب و خشوع کامل اقامه گردد.

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - در اهمیت خشوع در نماز فرموده اند: «تُكْتَبُ الصَّلَاةُ عَلَيَّ أَرْبَعَةً أَسْهُمٍ سَهْمٌ مِنْهَا إِسْبَاعُ الْوُضُوءِ وَ سَهْمٌ مِنْهَا الرُّكُوعُ وَ سَهْمٌ مِنْهَا السُّجُودُ وَ سَهْمٌ مِنْهَا الْخُشُوعُ»^{۳۵۶}؛ «نماز بر چهار بخش واجب شده: یک سهم از آن گرفتن وضوی کامل؛ بخشی از آن رکوع؛ بخشی از آن سجود و بخشی از آن خشوع است». در روایت دیگری حضرت علی علیه السلام با تاکید بر این مساله فرموده اند: «لِيَخْشَعَ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ فَإِنَّ مَنْ خَشَعَ قَلْبُهُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ خَشَعَتْ جَوَارِحُهُ فَلَا يَعْثُبُ بِشَيْءٍ»^{۳۵۷}؛ «مرد باید در نماز خود خاشع باشد، پس وقتی قلبش برای خدا خاشع شد، اعضا و جوارحش نیز خاشع است، با چیزی (در حال نماز) بازی نمی کند.»

«خشوع»، حالت قلبی انسان در عبادت و در نتیجه توجه کامل به مقام بندگی در آستان الهی است. آنکه نیاز و عجز خود را می داند و عظمت و کمال الهی را می شناسد و در عبادت، خود را در برابر آن پیدا می کند، در این حالت قلب، «حضور» خدای بی همتا و آگاه را می یابد و متناسب با این حالت خاشع می شود، نگاه افتاده می گردد و توجه از هر چیز دیگر بریده و به معبود متوجه می شود.

اگر رکوع و سجود و قرائت و تسبیح را جسم نماز بدانیم حضور قلب و توجه درونی به حقیقت نماز و کسی که با او راز و نیاز می کنیم روح نماز است. خشوع نیز در واقع چیزی جز حضور قلب توأم با تواضع و ادب و احترام نیست از همین روست هنگامی که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چنین سوال می

^{۳۵۶} - مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۹۸

^{۳۵۷} - وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴۷۱

کنند که «خشوع چیست؟» می فرماید: «التَّوَّاضُّعُ فِي الصَّلَاةِ وَأَنْ يُقْبَلَ الْعَبْدُ بِقَلْبِهِ كُلِّهِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^{۳۵۸}؛
فروتنی و خاکساری در نماز و اینکه بنده با تمام قلبش به سوی خدا برود....»

گر چه حضور قلب از شرایط صحت نماز نیست؛ یعنی با نبودن حضور قلب نماز باطل نمی شود و از لحاظ فقهی اشکالی ندارد. و لیکن چنین نمازی، عملی بر روح و بی فضیلت و غیر مقبول است، یعنی بالا نمی رود و اثر معراجی خود را از دست می دهد و ثمره آن از دست دادن تمامی فوائدی سات که در آیات و روایات، برای نماز ذکر شده، و چه بسا در مواردی موجب دوری از خدا نیز بشود.

احادیث فراوانی وارد شده که همه بر این مطلب تصریح می نماید میزان قبولی نماز، بستگی به میزان حضور قلب در نماز دارد و به تناسب وجود حضور قلب، نماز مورد قبول واقع می شود. امام صادق - علیه السلام - می فرماید:

«أَنَّ الْعَبْدَ لِيُرْفَعَ لَهُ مِنْ صَلَاتِهِ نِصْفُهَا أَوْ ثُلُثُهَا أَوْ رُبُعُهَا أَوْ خُمْسُهَا وَ مَا يَرْفَعُ لَهُ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ بِقَلْبِهِ»^{۳۵۹}؛ «همانا از نماز انسان، نصفش، ثلثش، ربعش یا خمشش بالا برده می شود و آن مقداری از نماز که توجّه قلبی داشته باشد بالا برده می شود.»

البته بیان آنچه گفته شد به این معنا نیست که تصور کنیم، تحصیل حضور قلب از امور مُحال است و از کسب آن، ناامید شویم و به یک عبادت صوری و ظاهری اکتفاء کنیم. زیرا ممکن است این ناامیدی، از فریب شیطان نشأت گرفته باشد، به این معنا که برای فرار از نماز با حضور قلب، دائماً مشکل بودن آن را بهانه ای برای ترک نماز، قرار دهیم.

فوائد حضور قلب در نماز

۸۰- چرا باید در نماز حواسمان را جمع کرده و حضور قلب داشته باشیم، این کار چه فایده ای

دارد؟

در روایات به نکات مهمی در خصوص فوائد دنیوی و اخروی حضور قلب در نماز اشاره شده است که در پاسخ به این سوال نمونه هایی از این فوائد را ذکر می نمایم:

۱- قبولی نماز

رسول خدا - صلی الله علیه وآله - : «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ امْرِئٍ لَّا يَخْضِرُ فِيهَا قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ»^{۳۶۰}؛ «خداوند نماز بنده ای را که قلبش همراه بدنش در نماز حاضر نیست قبول نمی کند.»

۲- بخشش گناهان

^{۳۵۸} - مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۹۸

^{۳۵۹} - بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۳۸

^{۳۶۰} - مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۰۹

رسول خدا - صلی الله علیه وآله - : « مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَ لَمْ يُحَدِّثْ فِيهِمَا نَفْسَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ »^{۳۶۱}؛ کسی که دو رکعت نماز بخواند و در آن دو رکعت، قلب خود را به چیزی از امور دنیا مشغول نکند، خداوند گناهانش را می آمرزد.»

در روایت دیگری رسول خدا - صلی الله علیه وآله فرموده اند: « إِذَا قَامَ الْعَبْدُ إِلَى الصَّلَاةِ فَكَانَ هَوَاهُ وَ قَلْبُهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى انْصَرَفَ كَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ »^{۳۶۲}؛ « هنگامی که انسان برای نماز می ایستد، اگر همه توجه اش و قلبش به سوی خدا باشد، در حالی نمازش تمام می شود، که مثل روزی است که پاک به دنیا آمده.»

۳- استجابت دعا

رسول خدا- صلی الله علیه وآله - : « مَنْ صَلَّى صَلَاةً لَا يَذْكُرُ فِيهَا شَيْئًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا لَا يَسْأَلُ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ »^{۳۶۳}؛ کسی که نماز می خواند، در حال نماز هیچ چیز از امور دنیایی به یادش نیاید (فقط خداوند در نظرش باشد)، در این صورت هر چیزی از خداوند بخواهد، به او عطا می کند.»

(مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۶۵)

۴- شستشوی گناهان

رسول خدا- صلی الله علیه وآله - : « مَثَلُ الصَّلَاةِ وَ أَعْمَالِ بَنِي آدَمَ كَرَجُلٍ أَتَى مَرَاغَةً فَأَثَارَ عَلَيْهِ مِنْهَا حَتَّى امْتَلَأَ تُرَابًا وَ دَنَسًا ثُمَّ عَمَدَ إِلَى غَدِيرِ مَاءٍ طَيِّبٍ فَاغْتَسَلَ بِهِ فَيَذْهَبُ عَنْهُ التُّرَابُ وَ الدَّنَسُ كَذَلِكَ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ تَغْسِلُ عَنِ الْعَبْدِ الذُّنُوبَ إِذَا صَلَّى لِلَّهِ مِنْ قَلْبِهِ »^{۳۶۴}؛ « مثل نماز و اعمال آدم مثل مردی است که در خاک بغلند آن چنان که سرپایش را خاک و کثافات فراگیرد، سپس به طرف آبگیری که آبش پاک است برود و در آن غسل نماید و خود را شست و شو دهد و خاک و کثافات را از خود دور کند. این چنین است نماز پنجگانه، مانی که بنده با حضور قلب خدا را عبادت کند، کثافات گناه از وی شسته می شود.»

۵- محبوبیت

امام صادق - علیه السلام - : « لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ يُقْبَلُ بِقَلْبِهِ فِي صَلَاتِهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا أُقْبِلَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِوَجْهِهِ وَ أُقْبِلَ بِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْهِ بِالْمَحَبَّةِ بَعْدَ حُبِّ اللَّهِ إِيَّاهُ »^{۳۶۵}؛ « هیچ مومنی نیست که با قلب خود در نمازش به سوی الله برود، مگر اینکه خداوند با همه الطافش به او رو می آورد و بعد از آن قلوب همه مومنین هم از راه رافت و مهربانی به سوی او رو می آورد.»

^{۳۶۱} - بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۴۹

^{۳۶۲} - بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۶۱

^{۳۶۳} - مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۰۵

^{۳۶۴} - تدرک الوسائل، ج ۳، ص ۹۱

^{۳۶۵} - وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴۷۵

۸۱- می خواستم بدونم در نماز باید به چه چیزهایی فکر کرد؟

رسول خدا - صلی الله علیه وآله - فرموده اند: «رُكْعَتَانِ خَفِيفَتَانِ فِي تَفَكُّرٍ خَيْرٌ مِنْ قِيَامٍ لَيْلَةٍ»^{۳۶۶}؛ «دو رکعت نماز سبک، در صورتی که همراه با تفکر و اندیشه باشد، بهتر از عبادت سراسر یک شب است.»
اما اینکه در نماز به چه چیز فکر کنیم؟ باید گفت که فکر و اندیشه انسان در نماز باید بیشتر متمرکز بر دو چیز باشد:

الف - افعال نماز

افعال نماز اعم از قیام، قعود و سجود هر یک نوعی از خضوع و خشوع در برابر خالق هستی می باشد، لذا انسان باید در نماز متوجه باشد که هر یک از افعال را برای چه کسی و به چه منظور انجام داده و چه سری در این افعال نهفته است و چنان این اعمال را انجام دهد انگار که خداوند متعال را در مقابل خود می بیند.
رسول خدا - صلی الله علیه وآله - فرموده اند: «اعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»^{۳۶۷}؛ «عبادت کن خداوند تعالی را، چنانچه گویا او را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.»

ب - اذکار و محتوای نماز

نماز گفتگوی میان مخلوق با خالق هستی می باشد لذا در نماز باید به فکر آن باشیم این است که بدانیم در نماز با خداوند خود چه می گوییم؛ از همین رو در نماز باید در معانی آنچه می گوییم تدبر نموده و با توجه خداوند متعال را به «الرحمن الرحیم»، «مالک یوم الدین» وصف نمائیم و با تمام وجود بگوئیم «ایاک نعبد و ایاک نستعین».

امام صادق - علیه السلام - در ارزش و جایگاه این امر فرموده اند: «مَنْ صَلَّى رُكْعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا أَنْصَرَفَ وَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ»^{۳۶۸}؛ «کسی که آگاهانه و با توجه به مفاهیم، دو رکعت نماز بخواند، در حالی نمازش را به پایان می برد که میان او و خدایش هیچ گناهی نمانده است.»

^{۳۶۶} - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۸

^{۳۶۷} - بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۰۴

^{۳۶۸} - الکافی، ج ۳، ص ۲۶۶

راهکار حضور قلب در نماز

۸۲- هرکار می‌کنم نمی‌توانم در نماز تمرکز پیدا کنم و حواسم پرت می‌شود. لطفاً بگوئید چه

عواملی موجب عدم حضور قلب در نماز می‌شود به گونه‌ای که نمی‌توانم یک نماز با

خضوع و خشوع بخوانم؟ و آیا برای رفع این عوامل راه حلی وجود دارد تا بتوانم نمازی با

تمرکز، بدون حواس پرتی و با حضور قلب داشته باشم؟

همانگونه که گفته شد یکی از شرطهای اساسی پذیرفته شدن نماز در نزد خدای متعال، مسأله «حضور قلب» در حین نماز است؛ و این در حالی است که متأسفانه بسیاری از ما عبادتهای خود را بدون حضور قلب و با حواس پرتی کامل انجام می‌دهیم و به همین جهت است که یک عمر نماز می‌خوانیم، اما اثری از آثار معنوی و روح نواز آن را در خود نمی‌بینیم.

علت حواس پرتی و عدم حضور قلب در نماز، معلول علت‌های مختلفی است که هر یک از این علت‌ها راه حل خاص خود را می‌طلبد که در این قسمت به مهمترین عوامل حواس پرتی در نماز اشاره نموده و راه حل بر طرف نمودن آن را شرح می‌دهیم:

۱. غفلت از عظمت پروردگار

امام خمینی (قدس سره) در کتاب سر الصلاة^{۳۶۹} مهمترین عامل عدم حضور در نماز را غفلت از عظمت پروردگار دانسته و گفته‌اند:

اگر انسان به مناجات با حق تعالی و ولی نعمت خود به قدر مکالمه با یک مخلوق عادی ضعیف اهمیت دهد، هرگز این قدر نسیان و سهو و غفلت نمی‌کند؛ ولی نعمتی که آدمی را به وسیله انبیا و اولیا و قرآن کریم، به مناجات با خود دعوت فرموده و درهای مکالمه با خود را به روی او گشوده است، با این وصف ما به قدر صحبت با یک بنده ضعیف، ادب حضور او را نگاه نداریم.

راه حل

الف: شناخت خدای تعالی

بی‌شک هنگام صحبت کردن با فردی بزرگووار و دارای مقامات عالی، اگر انسان نسبت به او شناخت نداشته باشد، نه تنها از هم صحبتی با او لذت نمی‌برد، بلکه ادب حضور و هم‌کلامی با او را نیز رعایت نمی‌کند.

^{۳۶۹} - امام خمینی (قدس سره)، سر الصلاة، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ش، ششم،

یکی از یاران امام صادق علیه السلام نقل می کند به ایشان عرض کردم: امام سجاد (ع) را دیدم هنگامی که به نماز ایستاد، رنگ چهره اش دگرگون شد. امام صادق (ع) به من فرمود: «به خدا قسم، علی بن الحسین (ع) کسی را که برای او نماز می کرد، می شناخت»^{۳۷۰}

ب: یاد خدا در همه حال

دلی که در بیشتر وقتها از یاد خدا غافل است، نمی تواند در نماز به یاد خدا باشد. پس باید همواره دل را از هر چه جز خدا خالی داشت و یاد خدا را تنها حاکم بر قلب و روان خود نماییم و از هر چه جز خواست او رو بگردانیم تا از نمازی ملکوتی و روحانی در فضایی پر از اخلاص و بندگی خداوند بهره مند شویم.

ج: توجه به عظمت الهی قبل از نماز

در این باره روایات بسیار وارد شده است، از آن جمله: امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی حضرت علی علیه السلام برای اقامه نماز می ایستاد، و قبل از تکبیر می فرمود: «وَجَهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»^{۳۷۱}؛ «روی و تمام وجود خویش را به سوی خداوندی نمودم که آسمانها و زمین را پدید آورد». رنگ صورت مبارکش دگرگون می شد، به حدی که در چهره اش نمایان می گردید.»

د: توجه به عظمت الهی حین نماز

از حضرت رسول ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله روایت است که «عبادت کن خدای تعالی را چنانچه گویا او را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند»^{۳۷۲}.

۲. عدم توجه به هدف نماز

افعال نماز بمنزله ظرفی است که هدف نماز در آن جای گرفته است، بنابر این بجا آوردن نماز در حال غفلت از هدف آن، ظرفی را ماند که بی محتوا است، لذا حضور قلب در هنگام نماز تابع ایمان انسان بحقیقت نماز و اینکه نماز از همه اعمال بهتر و برتر است میباشد، و آن کس که باین حقیقت اعتقاد داشته باشد که نماز معراج او است مسلماً هم و غمش جملگی نزد آن نماز خواهد بود و هیچ چیز دیگری نمی تواند او را از این عمل باز دارد و کسیکه همتش در پی نماز باشد قلبش هم نزد نماز خواهد بود و هر اندازه که همت انسان بیشتر در پی نماز باشد غفلتش از غیر نماز بیشتر خواهد بود^{۳۷۳}.

۳. دغدغه ها و مشکلات زندگی

^{۳۷۰} - بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۶۶

^{۳۷۱} - فلاح السائل و نجاح المسائل، ص، ۱۰۱

^{۳۷۲} - حضرت امام خمینی «ره»، آداب الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ شمسی، هفتم، ص ۳۷

^{۳۷۳} - میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، أسرار الصلاة، رضا رجب زاده، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۸ شمسی، هشتم، ص ۳۰۱

دغدغه ها و گرفتاریهای زندگی اعم از مشکلات معیشتی، تحصیل، خانواده و... نیز یکی دیگر از عوامل حواسپرتی و عدم حضور قلب در نماز می باشد.

راه حل

راه حل این امر علاوه بر تلاش و تدبیر بیشتر در امور زندگی توکل به خدا و یادآوری قدرت الهی می باشد چراکه این خداوند است که تمامی امور در قبضه قدرت اوست و می تواند به راحتی تمامی مشکلات و حتی مشکل زندگی ما را حل نماید در روایتی آمده که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که بنده به نماز بایستد، و نمازش را سبک ادا کند، خداوند - تبارک و تعالی - (به فرشتگان) می فرماید: آیا به بنده من نمی نگرید، گویا خیال می کند که برآورده شدن حوایجش به دست غیر من است، آیا نمی داند که برآورده شدن خواسته هایش به دست من است؟»^{۳۷۴}

پس چه دلیلی دارد که به هنگام نماز حلال مشکلات را رها نموده و به مشکلات و گرفتاریها پناه ببریم بلکه باید به خود نماز برای حل مشکلات یاری جست همانگونه که خداوند متعال فرموده: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^{۳۷۵}؛ «ای افرادی که ایمان آورده اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید!»

۴. ضعف قوای جسمی

پزشکان معتقدند، اگر آدمی غذا را با شادی میل کند، زودتر و بهتر جذب بدن می شود. طب روحانی نیز خبر می دهد که اگر انسان غذاهای روحانی را از روی اشتیاق صرف کند و از خمودگی دور باشد، آثار پاکی و زداوندگی آن زودتر در قلب پدیدار می شود. نشاط جسمی، از عوامل ایجاد شور و شوق به نماز و در نتیجه، یکی از زمینه های حضور قلب در نماز است. بی گمان، نماز کسی که در سلامت جسمی کامل به سر می برد، با نماز کسی که از بدنی بیمار رنج می برد، در میزان بهره مندی از اشتیاق و حضور قلب در نماز، از برخی جنبه ها با هم متفاوت است. پس سزاوار است، کسانی که دغدغه حضور قلب در نماز را دارند، تندرستی خویش را قدر بدانند و جسم خود را در حال نشاط و آمادگی همیشگی برای بندگی شایسته پروردگار نگه دارند.

۵. مشغول شدن حواس ظاهری

یکی از عوامل حواسپرتی، متوجه شدن به امور خارجی است، چرا که قلب و ذهن به منزله حوضی هستند که این پنج حس به آن می ریزند و به واسطه آنها صورتهای معانی بر قلب وارد می شود، به طوری که به واسطه دیدن تصویری یا شنیدن صدایی چندین صورت خیالی بر ذهن وارد می شود و قلب را مشغول خود

^{۳۷۴} - الکافی، ج ۳، ص ۲۶۹؛ ادب حضور (ترجمع فلاح السائل و نجاح المسائل)، ص ۲۸۴

^{۳۷۵} - البقرة (۲)، ۱۵۳

می کند. اگر در هنگام نماز، گوش آدمی چیزی را بشنود یا چشم چیزی را ببیند، حواس و ذهن نمازگزار متوجه آن شنیدنی (مسموع) یا تصویری می گردد و از خدا و توجه به او غافل می گردد و چه بسا با شنیدن یک کلمه، خاطره های زیادی در ذهن او نقش بندد و تا آخر نماز او را مشغول بدارد.

راه حل

علاج آن در از بین بردن این اسباب است که به صورتهای مختلف بیان می گردد:

الف. اختصاص مکان مناسبی برای نماز

امام صادق علیه السلام فرموده اند: «كَانَ عَلِيُّ عَ قَدْ جَعَلَ بَيْتًا فِي دَارِهِ - لَيْسَ بِالصَّغِيرِ وَ لَا بِالْكَبِيرِ لِصَلَاتِهِ»^{۳۷۶}؛ «امیرالمومنین (علیه السلام) در منزل خود اتاق متوسطی که نه کوچک بود و نه بزرگ برای نماز خود اختصاص داده بودند.»

ب: چشم بستن

یکی از راههای معمولی که در میان مردم بیشتر مشاهده می شود، بستن چشمها در حین نماز است تا تمرکز حواس بیشتری حاصل کنند که این امر البته برای کسانی است که نمی توانند بدون بستن چشمها در نماز و با نگاه به محل سجده، آن تمرکز لازم را کسب کنند و گرنه کسی که می تواند با بستن چشمها در نماز و با نگاه کردن به محل سجده، حواس خود را جمع کند، بهتر است که چشمها را نبندد.

ج. انتخاب مکان مناسب برای نماز

نمازگزار برای این که هیچ چیز او را به خود جلب نکند، باید مکان خلوت و بی سر و صدا، بی منظره و ساده ای را انتخاب کند؛ مثلاً در مکانی که عکس، تلویزیون و رادیوی روشنی، زن و بچه و... نباشد که مسلماً تحصیل حضور قلب در چنین مکانی راحت تر از مکان شلوغ، پر رفت و آمد و... می باشد. چون زمینه حواسپرتی در آنجا کمتر است.

از همین رو در روایات نقل شده که حضرت علی علیه السلام اتاق ساده ای را مخصوص نماز خود قرار داده بودند. امام صادق علیه السلام در این خصوص فرموده اند: «كَانَ لِعَلِيِّ عَ بَيْتٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ إِلَّا فِرَاشٌ وَ سَيْفٌ وَ مُصْحَفٌ وَ كَانَ يُصَلِّي فِيهِ أَوْ قَالَ كَانَ يَقِيلُ فِيهِ»^{۳۷۷}؛ «علی (ع) در خانه خود اتاقی داشت که در آن، غیر از فرش و شمشیر و قرآن چیز دیگری نبود و او در آن اتاق نماز می خواند.»

د. حضور در نماز جماعت

^{۳۷۶} - بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۶۱

^{۳۷۷} - وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۹۶

علاوه بر ویژه گیهای برجسته نماز جماعت که به آن توصیه های فراوان شده یکی از خصوصیات آن ایجاد حضور قلب برای نمازگزاران می باشد چراکه در نماز جماعت اموری همچون مراقبت از تعداد رکعات نماز به دیگران محول شده و دل یکسره متوجه معبود می باشد^{۳۷۸}.

و. توجه به معانی و اسرار نهفته در اعمال نماز (هم از جهت معنوی و هم از جهت کاربردی) اگر قبل از هر عبارت نماز، معنای آن را در ذهن تداعی کنید و سپس الفاظ عربی آن را بیان کنید (معنی لغوی) و اینکه متوجه معنای رکوع و سجود و... باشید، ملاحظه خواهید کرد که دیگر نمازتان نمازی بی روح و کسالت آور نخواهد بود؛ بویژه اگر پس از تمرین و ممارست در توجه به معانی لغوی عبارات نماز، به معنای کاربردی آن توجه کنید، حضور قلب در نماز چشم گیر خواهد بود.

مثلاً وقتی عبارت الحمد لله رب العالمین را بر زبان جاری می کنید به یاد نعمتهای الهی افتاده و لطف پروردگار را در احسان و بخشش او در نعمتهای بی شمارش متذکر شوید؛ در این صورت ارتباطی لذت بخش بین شما خدای متعال برقرار خواهد شد.

هـ. دقت در انجام مقدمات نماز، مانند مسواک، تخلیه دستگاه گوارش، وضوی با معنویت، انجام مستحباتی چون اذان، اقامه و...

در کتابهای حدیث آمده است: شخصی از پیامبر(ص) درخواست کرد که راهی به او بنمایاند تا حضور قلب بیشتری در نماز پیدا کند حضرت او را به شاداب گرفتن وضو فرمان دادند. بنابراین وضوی شاداب و با آداب خود در حضور قلب انسان در نماز مؤثر است.

ی. رعایت مستحبات نماز

-نگاه کردن به محل سجده در حال قیام، بین دو قدم در حال رکوع و دامن یا روی دو پا در حال تشهد و سلام

- بازی نکردن با اعضای بدن و هر چیز دیگری در نماز.

امام باقر علیه السلام در این خصوص می فرماید: «در نماز با دست و سر و ریش خویش بازی مکن، و در نماز با خودت صحبت نکن و خمیازه نکش...»^{۳۷۹}

- نگاه نکردن به اطراف

- سر وقت برای نماز برخاستن و بالاخره رعایت تمام آداب مستحبی که به آنها در توضیح المسائل مراجع عظام اشاره شده است همگی می تواند مانع از حواسپرتی انسان در نماز گردد.

۶. هرزگی قوه خیال

^{۳۷۸} - امام خمینی (قدس سره)، سر الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ش، ششم،

ج ۲، ص ۳۲

^{۳۷۹} - الکافی، ج ۳، ص ۲۹۹

از اسباب محوری و اصلی حواسپرتی، فرآر بودن، و هرزگی قوه خیال است. آدمی دارای نیرویی است که دائماً ذهن و خیالش را به کار می گیرد. اگر ذهن انسان در مورد موضوعات کلی، به صورت منظم و مرتب فعالیت کند و از یک مقدمه، نتیجه ای بگیرد، در این صورت تفکر و تعقل حاصل شده است، ولی اگر ذهن انسان بدون هیچ مقدمه و نظمی در موضوعات جزئی، از چیزی به چیزی و از جایی به جایی پرواز کند و هیچ رابطه منطقی بین موضوعاتی که در ذهن آمده ایجاد نکند، تخیل صورت گرفته است.

- ویژگیهای قوه خیال

یکی از ویژگیهای قوه خیال، فرآر و متحرک بودن آن است، چون اگر تفکر نباشد، هزاران خاطره و مسأله به ذهن انسان (در طی چند لحظه، بدون هیچ ارتباطی با هم) می رسد. دیگر از ویژگیهای قوه خیال که از تعریف آن بر می آید. آن است که در موضوعات جزئی کار می کند و هم چنین از بی نظمی خاصی برخوردار است.

انواع خیالات در نماز

در نمازی که می خوانیم، تمام انواع چهارگانه تصورات خیالی که در ذیل می آید، وجود دارد، مگر کسانی که قوه خیال را کاملاً تربیت کرده و متمرکز بر نماز کرده باشند.

گاهی آنچه در نماز به ذهن خطور می کند، انجام کار خیری است؛ مثلاً در این تصور است که چگونه بعد از نماز سخنرانی کند و یا با فلان بزرگ یا دوست، چگونه گفتگو کند.

و یا انجام کار شری است، مثلاً در این تصور است که چگونه بر سر دیگری کلاه بگذارد و...

گاهی آنچه در خاطر و خیال می آید، صرف خیال است و آن یا خیال پسندیده است مثلاً (در خاطر خود بگذارند که پولدار شود تا بتواند گرسنگانی را سیر و برهنگانی را لباس بپوشاند و...) و یا خیال فاسد می باشد (مثلاً در خاطر خود لذت گناه و چگونگی آن را بیاورد و با آن دلخوش کند).

پس آنچه که در قوه خیال ما می آید از این چهار حالت خارج نیست، اگر چه گاهی در نماز قوه خیال در امور پسندیده فعالیت می کند، و لیکن در جهت کسب حضور قلب، خیال در امور پسندیده هم باید کنترل شود و از پرواز آن به امور مختلف، خوب نگه داشته شود تا قلب یکسره متوجه خداوند گردد.

- راه حل

الف. بیرون نماز

باید در بیرون نماز، تمرین و ممارست در حفظ قوه خیال و متمرکز کردن آن صورت گیرد، به این صورت که در ابتدا تمرین کنیم که فکر و خیال خود را به امور خاصی متمرکز بدهیم و دائماً مواظبت بنماییم که خیال به جایی دیگر نرود که اگر این تمرکز ادامه پیدا کند، آرام آرام می توانیم فکر و خیال خود را ضبط و نگهداری کنیم که هر کجا اراده کردیم حرکت کند.

کیفیت تغذیه قوه خیال

هر یک از قوای ما محتاج به تغذیه مناسب خود می باشد و از آنجا که نماز آینه تمام نمای اعمالی است که انسان در طی روز انجام داده می باشد، اگر کسی فکر و روح خود را در طی ساعات روز با اعمال الهی مانوس کرده باشد در نماز نیز همین سیر ادامه پیدا می کند و اگر غیر از این باشد فکر انسان نیز در نماز پراکنده می گردد. بنابراین برای منظم کردن قوه خیال و جهت دادن به آن، از عوامل کنترل قوه خیال و گفتن ذکر دایم با توجه و متمرکز کردن ذهن به امور پسندیده، استفاده کرد. از جمله امور پسندیده عبارتند از: یاد خدا بودن؛ تمام کارها و اعمال خود را نیت و هدف خدایی دادن؛ تفکر در مسائل علمیه و مسائل اعتقادی (مبدأ و معاد) و وظایف انسانی و عملی (کسب اخلاق حسنه و رفتار انسانی)؛ مراقبت بر احوال و رفتار خود که چه مقدار منطبق با عقل، شرع و رضای خداوند است و هم چنین یادآوری گذرگاه بودن دنیا و مسافر بودن خود و دقت و تعقل به عجایب خلقت و آثار نظم و قدرت پروردگار؛ همه اینها عوامل کمک کننده در کنترل قوه خیال می باشد.

ب. داخل نماز

یکی از روشهای کنترل قوه خیال در نماز «تصمیم بر مخالفت است»؛ یعنی تصمیم بگیرد که خیال خود را متمرکز در نماز و یا معانی نماز نماید و هر وقت کنترل آن از اراده انسان خارج شد دوباره برگرداند. حضرت امام خمینی - قدس سره - می فرماید:

«طریقه عمده رام نمودن آن «عمل نمودن به خلاف است» و آن، چنان است که انسان در وقت نماز خود را مهیا کند که حفظ خیال در نماز کند و آن را حبس در عمل نماید و به مجرد این که بخواهد از چنگ انسان فرار کند آن را استرجاع نماید (برگرداند) و در هر یک از حرکات و سکانات و اذکار و اعمال نماز ملتفت حال آن (قوه خیال) باشد و از حال آن تفتیش نماید (جستجو کند) و نگذارد سر خود باشد و این در اول امر، کاری صعب (مشکل) به نظر می آید، ولی پس از مدتی عمل و دقت و علاج، حتماً رام می شود و ارتیاض پیدا می کند (ورزیده می شود)»^{۳۸۰}.

۷. دنیا پرستی

از موانع مهم و اصلی حضور قلب، دنیا پرستی و اسارت و فریفتگی در برابر آن است. غالب اندیشمندانی که درباره اهمیت نماز کتاب نوشته اند، مسأله دنیا دوستی را یکی از مهمترین مانع حضور قلب بر شمرده اند.

^{۳۸۰} - حضرت امام خمینی «ره»، آداب الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ شمسی، هفتم، ص ۴۴

آنچه اسلام بدان معتقد است، ترک پرستش دنیا و کمال مطلوب و محبوب واقعی ندانستن آن است. تمام آیات و روایاتی که در مذمت حبّ به دنیا آمده، اشاره به این قسم دارند و آنچه مانع حضور قلب در نماز می گردد، همین «دنیاپرستی و اسارت دنیا» است.

در قرآن کریم و روایات اهل بیت، دنیا، ناپایدار و محل گذر و اهل دنیا، مسافر معرفی شده است^{۳۸۱}. و این واقعیتی غیر قابل انکار است و نیز در بعضی از آیات آمده که دنیا وسیله ای است جهت رسیدن به هدف، نه نهایت آرزو و کمال مطلوب بشری^{۳۸۲}.

- راه حل

از مطالب گذشته روشن گردید که آنچه مانع حضور قلب است، دنیاپرستی و دلبستگی به آن است. ترک اسارت و بندگی دنیا، با چند لحظه و دقیقه ممکن نخواهد بود، بلکه با آشنایی به آفات آن و به میزان عزم و تلاش و مجاهدت واقع بینانه، می توان به ترک دنیا به معنای حقیقی آن رسید. برای درمان دنیا زدگی، باید:

اولاً: دیدگاه خود را نسبت به دنیا و انسان از زاویه دین اسلام اصلاح نمود.
ثانیاً: قبل از تکبیره الاحرام تمامی مسائل دنیوی را از ذهن خود پاک کرده و آماده نماز گردد همانطور که امام صادق - علیه السلام - فرموده اند: «اذا استقبلت القبلة فانس من الدنيا و ما فيها و الخلق و ما هم فيه و استفرغ قلبك عن كل شاغل يشغلك عن الله»^{۳۸۳}؛ «هنگامی که برای نماز به جانب قبله ایستادی، دنیا و آنچه در آن است را فراموش کن و قلب خود را از هر گونه سرگرم کننده ای که تو را از خدا بازدارد، فارغ ساز.»

ثالثاً: پس از شروع نماز هرآنچه در برابر خداوند متعال قرار می گیرد را کوچک بداند
امام صادق - علیه السلام - فرموده اند: «فاذا كبرت فاستصغر ما بين السموات العلى و الثرى دون كبريائه»^{۳۸۴}؛ «هرگاه تکبیره الاحرام گفتی، همه چیز را از آن چه در آسمان و زمین است درمقابل خدای کبیر و متعال، کوچک و ناچیز بشمار، مگر کبریایی و بزرگی خداوند متعال را.»

رابعاً: نماز خود را در اول وقت بخوانیم چراکه اهمیت دادن به نماز و مداومت بر نماز اول وقت، بیانگر ترجیح دادن نماز به تمام امور مادی و دنیوی است و همی امر کم کم انس با نماز را ایجاد خواهد کرد و موجب لذت بردن از نماز خواهد شد اما کسی که هر کاری را بر نماز ترجیح می دهد، نماز خواندن را برای اوقات بی کاری خود می گذارد و هنگام نزدیک شدن به طلوع یا غروب آفتاب نمازش را می خواند، علاوه بر اینکه حضور قلب پیدا نمی کند، هیچ گاه از نماز خواندن نیز، لذت نخواهد برد.

^{۳۸۱} - سید رضی، نهج البلاغه، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق، اول، خطبه ۲۰۱؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳؛ روم (۳۰)، آیه ۷

^{۳۸۲} - کهف (۱۸) آیه ۱۸؛ رعد (۱۳) آیه ۱۲؛ یونس (۱۰) آیه ۱۰۰

^{۳۸۳} - میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۹۶

^{۳۸۴} - عبد الرزاق گیلانی، مصباح الشریعه، عبد الرزاق گیلانی، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷ ش، اول، ص ۹۱

۸. وسواس در قراءت

هدف اصلی از عبادت، تحصیل مقام «جدایی کامل از غیر خدا» است، لذا موانع این راه، باید برداشته شود. یکی از این موانع، توجه زیاد و وسواس داشتن در قراءت است که موجب می شود نمازگزار از باطن و حقیقت نماز به ظاهر توجه کند و به جای توجه کردن به معانی نماز و کسب حضور قلب به الفاظ و چگونگی تلفظ آنها مشغول گردد، اگر چه رعایت قراءت، از شرایط صحت نماز است، و لیکن شرط صوری است و باید در حد تکلیف آن را انجام داد و نیز از توجه زیاد به ظاهر، باید پرهیز کرد. این که بعضی می خواهند به واسطه حفظ قراءت، تمرکز حواس کامل پیدا کنند، اشتباه است، چون حواس در قراءت، کافی نیست، ثانیاً هدف نیست، بلکه هدف، توجه کامل قلب به خداست و چنین شخصی، به جای توجه به خدا و بریدن از اغیار، گرفتار ادای کلمات از مخرجشان می شود.

راه حل

الف. آشنایی به ظاهر و باطن نماز

باید بداند که رعایت قراءت و امثال آن، از احکام ظاهریه نماز و عبادت می باشند و باید در حد اعتدال و تکلیف به آنها توجه کرد و حضور قلب و تخلیه قلب از اغیار از شرایط باطنیه نماز است و حقیقت نماز با وجود آن معنا پیدا می کند که هرچه توجه به این معنا زیادتر باشد، نماز کاملتر خواهد شد، چرا که باطن نماز برخلاف ظاهر آن، محدود به حدی نیست. باید دانسته شود که فرق نماز امیر المؤمنین - علیه السلام - با نماز ما در حضور قلب به خدا می باشد نه به مد «و لا الضالین» و قراءت کاملتر آن حضرت.

ب. همانند سازی با الگوهای دینی

برای این که نمازگزار، متوجه شود که دچار وسواس شده یا خیر، بهتر است عمل خود را بر علما و فقها عرضه کند و از آنها سؤال کند که آیا مبتلا به مرض وسواس است یا خیر؟ چون کشف مرض، برای مریض مشکل است، بلکه چه بسا خود را عادی می بیند و دیگران را متهم به بی مبالاتی می نماید و از عمل آنها رنج می برد.

لذا وقتی از علما در مورد حال خود سوال کند و از نظر آنها نسبت به خود با خبر شود، مقداری مشکل حل خواهد شد.

بالا تر این که، به عمل خود علما نگاه کند و ببیند که آنها هم مثل او این قدر حساسیت دارند یا عملشان بر خلاف او است؟ اگر عملکرد علما را برخلاف خود یافت، پس باید بداند که یقیناً دچار وسواس شده است

۳۸۵

۹. غفلت از مرگ

به راستی، از کجا می‌دانیم که پس از این نماز، آن قدر زنده بمانیم که به نماز دیگر نیز برسیم؟ ما وقتی وارد نماز می‌شویم، حتی نمی‌توانیم یقین کنیم که همین نماز را به پایان خواهیم برد، تا چه رسد به اینکه بخواهیم، به نمازهای دیگر دل خوش کنیم!

اگر انسان چند لحظه‌ای پیش از نماز بنشیند و بیندیشد که شاید این، آخرین نماز من باشد، باری شاید آن نماز را با حالت توجه به درگاه خداوند به جا آورد.

راه حل

توجه داشتن به تک فرصتی بودن نماز یکی از مواردی که می‌تواند به حضور قلب بیشتر در نماز کمک کند و در روایت‌ها نیز به آن اشاره شده، در نظر داشتن این نکته است که احتمال دارد این نماز، آخرین نمازی باشد که می‌خوانیم.

در روایتی نقل است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به یکی از یاران خود فرمود:

« فَلْيُصَلِّ صَلَاةً مُّوَدَّعٍ »^{۳۸۶}؛ « به هنگام نماز، به گونه‌ای نماز بخوان که گویا این آخرین نمازی است که می‌خوانی و نماز خداحافظی توست ».

نصب‌العین قرار دادن ائمه (ع) در نماز

۸۳- با توجه به روایتی در کتاب فقه‌الرضا (علیه السلام) نقل گردیده در باب الاستقبال فی الصلاة به این بیان که « واجعل واحداً من الأئمة نصب عینک..» آمده آیا می‌توان برای حضور قلب در نماز چنین تصور کرد که مثلاً یکی از ائمه علیهم السلام در مقابل ما ایستاده است؟

در خصوص این جمله از کتاب فقه‌الرضا (علیه السلام) چند نکته حائز اهمیت است

اول: این جمله در میان منابع روایی شیعه تنها در کتاب فقه‌الرضا (علیه اسلام) ذکر گردیده که علامه مجلسی (رض) در حاشیه توضیح روایتی با اکتفا به دو کلمه از این جمله یعنی (واجعل واحداً) می‌فرماید: «لم يذكر ذلك في خبر آخر» ترجمه: «این مطلب در روایت دیگری ذکر نگردیده» و مصحح بحارالانوار نیز در پاورقی همان صفحه می‌نویسد: «این جمله از افزوده‌های ابن ابی‌العزاق‌الشلغمانی است که از اصحاب حلول و اتحاد بوده است».^{۳۸۷}

دوم: در مورد فقه‌الرضا و اینکه آیا این کتاب از حضرت رضا علیه السلام است یا خیر اقوال مختلفی مطرح است و در انتساب آن به حضرت رضا علیه السلام تردید جدی وجود دارد و در بین فقها کمتر کسی به صورت قطعی حکم به انتساب آن به حضرت رضا علیه السلام نموده است برخی آنرا کتاب فتوایی پدر

^{۳۸۶} - بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۷

^{۳۸۷} - بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۱۷

مرحوم صدوق علی بن بابویه دانسته اند و برخی آنرا از اصحاب و یا اولاد آن حضرت دانسته اند^{۳۸۸} بنا بر این نمیتوان مطلب مورد سوال را روایت قطعی دانست. علاوه بر این در این کتاب به پاره ای از احکام فقهی اشاره شده است که با فقه مذهب تشیع هیچ گونه هم آهنگی ندارد.^{۳۸۹}

حاج شیخ حسین نهاوندی غروی می نویسد: شیخ حر عاملی «فقه الرضا» را از کتب مجعوله و موضوعه و در «وسائل الشیعه» ادا از آن خبری ذکر نکرده است. هم چنین مرحوم صدوق در «عیون» و کلینی در «کافی» دانسته، اسمی از فقه الرضا نبرده اند.^{۳۹۰}

سوم: این جمله با آن چه در متن «فقه الرضا» آمده است متناقض است، چون در صفحه ۱۰۲ همان کتاب حدیث چنین روایت شده است: «واقبل علی الله بجمع القلب و بوجهک حتی یقبل الله علیک» علاوه بر اینکه روایات صحیحی در دست است که تصریح دارد به این که نباید در حال نماز و عبادت متوجه غیرخدا بود و اصلاً اگر غیر از این باشد شرک محسوب می شود.^{۳۹۱}

چهارم: بر اساس تحقیقات به عمل آمده صوفیان جهت سرپوش نهادن به اعمال خلاف شرع خود، دست به دامان اینگونه احادیث متشابه و یا ضعیفی شده اند که اگر چه می توان وجه صحیحی برای آن ها یافت و توضیحی معقول و خردمندانه از آن ها به دست داد، ولی آنان به دنبال دست یافتن به مقاصد خود به تأویلاتی روی آورده اند که نه مورد قبول آیات کلام الله مجید می باشد و نه با احادیثی که از ائمه (ع) نقل شده است، قابل تطبیق است؛ بلکه هیچ سنخیتی با اصول مسلم و صحیح اسلامی ندارد.

و در خصوص جمله: «تذکر رسول الله (ص) واجعل واحدا من الائمة نصب عینیک؛ رسول خدا(ص) را به یاد آر و یکی از ائمه (ع) را نصب العین خود قرار ده.» می گویند غرض از نصب العین قرار دادن یکی از ائمه (ع)، در نظر گرفتن و حاضر ساختن صورت مرشد است در دل، تا از تفرقه و وسوسه شیطان خلاصی یافته شود.^{۳۹۲}

پنجم: با صرف نظر نمودن از مطالب گفته شده و صحت این جمله به عنوان روایت؛ لحاظ معنا دو احتمال میتواند در این روایت مطرح شود

احتمال اول: این که مراد از نصب العین و مورد توجه قرار دادن یکی از ائمه این باشد که نماز گذار نستجیر بالله ائمه را مورد عبادت و پرستش قرار دهد این مطلب علاوه بر این که با ظاهر و سیاق عبارت این کتاب

^{۳۸۸} - برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص ادله کسانی که کتاب فقه الرضا را منسوب به امام رضا علیه السلام نمی دانند می توانید به آدرس :

<http://www.rafed.net/books/feqh/feqh-reza/feqeh2.html> مراجعه نمائید .

^{۳۸۹} - رک: الفقه المنسوب، مقدمه، ص ۳۴ به بعد

^{۳۹۰} - تنبیه العاقلین، ص ۳۰

^{۳۹۱} - رک: بحارالانوار، ج ۴، ص ۱۶۶

^{۳۹۲} - طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۴۳۱؛ گنابادی، مجمع السعادات، ص ۱۲۱ و ۱۲۲- فصلنامه پژوهش و حوزه، شماره ۸، نقد و تحلیل دیدگاه های

متصوفه درباره حدیث، دهقان زاده، ابراهیم

مخالف است مخالف با قرآن و روایات ائمه معصومین و بدیهی مکتب اسلام و تشیع است که عبادت غیر خداوند و شریک گرفتن برای خدا در عبادت جایز نیست و کفر است.

احتمال دیگری که در این روایت مطرح است این است که نماز گذار هنگام نماز ائمه را وسیله توجه خود به خداوند قرار دهد چنانکه در دعای توجه هنگام نماز که در کتاب کافی نقل شده این گونه آمده است: عن ابی عبدالله علیه السلام قال: کان أمير المؤمنين علیه السلام یقول: من قال هذا القول کان مع محمد وآل محمد إذا قام قبل أن یستفتح الصلاة: «اللهم إني أتوجه إليك بمحمد وآل محمد، وأقدمهم بین یدی صلاتی، وأتقرب بهم إليك، فاجعلنی بهم وجیهاً فی الدنيا والآخرة، ومن المقربین، مننت علیهم بمعرفتهم، فاختم لی بطاعتهم ومعرفتهم وولایتهم فإنها السعادة، فاختم لی بها، فإنک علی کل شیء قدير.»^{۳۹۳}؛ «خدایا من متوجه میشوم به سوی تو به محمد و آل محمد و آنها را مقدم میدارم در مقابل نماز و تقرب میجویم به آنان به سوی تو پس قرار بده مرا به سبب ایشان صاحب جاه و مقام در دنیا و آخرت و از مقربانی که منت گذاشته ای بر آنان به معرفت ایشان و عاقبت مرا ختم کن به اطاعت، معرفت و ولایت ایشان که این همان سعادت {در دنیا و آخرت} است تو بر هر چیز توانایی.»

اگر در مضامین این دعا که به دعای توجه هنگام نماز نامیده میشود دقت کنید می بینید که در این دعا توجه به خداوند به سبب پیامبر و ائمه معصومین است مطرح است که به احتمال زیاد همین مطلب مقصود از عبارت کتاب فقه الرضا علیه السلام است که «وَأَنْوِ عِنْدَ افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ ذِكْرَ اللَّهِ وَ ذِكْرَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ اجْعَلْ وَاحِدًا مِنْ الْأُئِمَّةِ ع نُصَبَ عَيْنِيكَ» هنگام شروع نماز در نظر بیاور یاد خدا را و یاد رسول خدا را و یکی از امامان را در مقابل نظر خود آور. مقصود از به نظر آوردن یکی از ائمه و نصب العین قرار دادن این است که به سبب آنها فرد به سوی خداوند عالم توجه پیدا کند و آنان را واسطه خود به سوی خداوند قرار دهد و به وسیله آنان به خداوند نزدیک شود و این همان مضمون آیه قرآن است که میفرماید: «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»^{۳۹۴}؛ «به سوی خداوند وسیله بجوید» و کدام وسیله اقرب به خداوند است از شخص پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیه السلام.

^{۳۹۳} - الکافی، ج ۲، ص ۵۴۴

^{۳۹۴} - مائده (۵)، آیه ۳۵

حضور قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله) در نماز

۸۴- وقتی سید الساجدین (ع) پس از فراغت از نماز دست بسته شده فرزند خود را می بیند از علت

آن جو یا می شود و می گویند مگر متوجه این همه فغان کودک به علت شکستگی دست

کودک نشدید. نیز رسول الله (ص) در حین نماز صدای گریه کودک را می شنود و برای رعایت

حال او و مادرش نماز جماعت را کوتاه و خلاصه می کند (منقول از سنن النبی). این موارد

چگونه با هم جمع می شوند؟

قبل پاسخ به این سوال یادآوری دو نکته ضروری است

اول: حضور قلب و عدم حضور قلب دایره مدار رضا و عدم رضای خداست. در هر چه رضای خدا باشد،

ولی خدا به آن نظر دارد و در هر چه رضای خدا نباشد، ولی خدا نیز توجهی به آن نمی کند.

دو: حضور قلب یعنی توجه به خدا و حکم او و بی توجه بودن به غیر خداوند و احکام الهی؛ از همین رو

حضور قلب مانع از توجه اهل عبادت به احکام نماز نمی شود و نمازگزار در عین اینکه به هنگام نماز

حضور قلب دارد، باید طبق احکام نماز و خواست تشریحی خدا نیز رفتار نماید.

با توجه به دو نکته گفته شده پاسخ این سوال چنین می شود که حضرت رسول (ص) متوجه کودک در

حال گریه شد، چون خداوند رحیم راضی نیست که عبادتش، موجب آزار خلق شود. پس بر امام جماعت

تکلیف کرده که در چنین حالتی نماز را سریع بخواند و سریع خواندن نماز در چنین مواقعی از احکام نماز

جماعت می باشد. بنابراین پیامبر (ص) نیز در این جریان طبق احکام الهی و خواست تشریحی خدا رفتار

نمود.

اما امام سجاد (ع) متوجه فغان کودک نشد؛ چون طول یافتن یا نیافتن نماز ایشان دخیلی در حال آن کودک

نداشت و به حد کفایت کسانی بودند که به وضع او رسیدگی کنند. ولی اگر کسی در آن حال در کنار

کودک حضور نداشت، امام (ع) نیز طبق وظیفه شرعی نماز خود را می شکست تا به حال او رسیدگی

نماید. چون در چنین حالتی، وظیفه شرعی و الهی و رضایت خداوند در شکستن نماز می باشد.

شرک به خاطر حواس پرتی در نماز

۸۵- شنیده ام در هنگام خواندن نماز هنگام خواندن آیه «ایک نعبد و ایک نستعین» اگر حواس به

چیزی غیر از خدا باشد دچار شرک شده ای. آیا این مطلب درست است؟

آیه شریفه ایک نعبد و ایک نستعین بیانگر توحید افعالی و عبادی است و اعتقاد به تاثیر گذاری در نظام

هستی را برای غیر خدا نفی می کند و این مفهوم بزرگ را در خود دارد که در نظامی بزرگ همراه با

مجموعه ای از خدا خواهان این سخن را ابراز می کند.

اما اینکه اگر کسی در حین گفتن این آیه شریفه حواسش به چیز دیگری غیر خدای تعالی باشد، مشرک به شمار نمی رود بلکه اگر انسان در زمانی که این ذکر را می گوید دیگران را مانند خدای تعالی موثر در وجود بداند و شریک در اداره نظام هستی، در این صورت او مشرک است حتی اگر در نماز نباشد و حتی اگر مشغول به این ذکر نباشد.

پس ثمره این عقیده به ایاک نعبد و ایاک نستعین، باید بندگی خالصانه و استمداد از خدا در همه مسائل باشد و هرگونه حاکمیت غیر خدا نفی می شود. و همه نفع ها و ضرر ها تحت اراده خدا بشمار آمده و جزیه خدای تعالی به دیگری چشم امید نخواهد داشت. این اجمالی از مفهوم بلند آیه شریفه است.

جبران حواس پرتی در نماز

۸۶- اگر نمازمان را با حواس پرتی و بدون حضور قلب خواندیم آیا برای جبران آن می توانیم نماز

را تکرار نمائیم؟

برای جبران حواس پرتی و عدم حضور قلب در نماز نیازی به تکرار نماز نیست بلکه از سوی معصومین علیهم السلام راه حل های دیگری در این خصوص معرفی شده تا انسان بتواند نواقص نماز خود را بوسیله آنها جبران نماید.

راه حل اول: خواندن نوافل

یکی از این راه ها که برای جبران عدم حضور قلب در نماز معرفی گردیده خواندن نوافل می باشد امام باقر علیه السلام فرموده اند: «كُلُّ سَهْوٍ فِي الصَّلَاةِ يُطْرَحُ مِنْهَا غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُتِمُّ بِالنَّوْافِلِ»^{۳۹۵}؛ «هر قسمتی از نماز را که به غفلت و سهو بگذرد، دور انداخته می شود و می توان نواقص این چنین نماز را با نمازهای مستحبی جبران کرد.»

در اینجا خوب است این نکته را یاد آور شویم که هر یک از نمازهای واجب دارای نافله مخصوص به خود می باشد و خواندن این نوافل می تواند جبران کننده نواقص نمازهای واجب باشد که برای اطلاع بیشتر به رساله های عملیه مراجعه نمائید.

راه حل دوم: سجده شکر

حسن بن علی بن فضال از حضرت رضا (ع) روایت کرده است که آن جناب فرمود: ... کمتر چیزی که در سجده شکر مجزی است اینست که سه مرتبه بگویند: «شکر الله شکر الله». عرض کردم معنی شکر الله چیست فرمود که سجده کننده میگوید این سجده من شکرگزاری پروردگار من است که مرا توفیق داده است که خدمت او را بانجام رسانیده ام و ادا کرده ام واجب او را و شکر موجب زیادتی است پس اگر در نماز

^{۳۹۵} - الکافی، ج ۳، ص ۲۶۸

تقصیری کرده باشد که به نمازهای نافله تمام نشود باین سجده نقصان آن بر طرف می شود و نماز تمام می شود.^{۳۹۶}

گفتار سوم: تعقیبات نماز

۸۷- تعقیبات بعد از نماز چیست و چه فوائدی دارد؟

خداوند متعال در قرآن می فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ»^{۳۹۷}؛ «و هنگامی که نماز را به پایان رسانیدید، خدا را یاد کنید در حال ایستادن و نشستن و به هنگامی که به پهلو خوابیده اید»

تعقیبات نماز به مجموعه ادعیه، اذکاری گفته می شود انسان بعد از نمازهای یومیه به جا می آورد و بهترین و موثرترین این ادعیه و اذکار همان هایی است که از سوی معصومین برای ما نقل گردیده و نیایشها که به عنوان تعقیب نماز قرائت می شود در دو بخش تعقیبات مشترک (یعنی برای تمامی نمازهای یومیه) و تعقیبات ویژه برای هر نماز از زبان معصومین علیهم السلام روایت گردیده است. در خصوص فواید و آثار نیز باید گفت: تعقیبات نماز دارای آثار دنیوی و اخروی فراوانی می باشد که به سه مورد آن اکتفا می نمائیم.

الف - استجابات دعا

امام صادق - علیه السلام - فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الصَّلَاةَ فِي أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ فَاسْأَلُوا حَوَائِجَكُمْ عَقِيبَ فَرَائِضِكُمْ»^{۳۹۸}؛ «به درستی که خداوند نمازهای واجب را در محبوبترین اوقات واجب کرد، پس حاجات خود را بعد از نمازهایتان بخواهید.»

ب - زیاد شدن روزی

امام صادق علیه السلام فرمودند: «التَّعْقِيبُ أُبْلَغُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْبِلَادِ»^{۳۹۹}؛ «دعای پس از نماز برای جلب رزق از پیمودن شهرها مؤثرتر است.»

ج - بخشش گناهان و افزایش درجات

رسول خدا صل الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ ثَابِتًا رِجْلَهُ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا فَقَالَ لَهُ اذْذُ شَرَفًا تُكْتَبُ لَكَ الْحَسَنَاتُ وَ تُمَحَىٰ عَنْكَ السَّيِّئَاتُ وَ تُبْنَىٰ لَكَ الدَّرَجَاتُ حَتَّىٰ تَنْصَرِفَ»^{۴۰۰}؛ «کسی که در جایگاه نمازش بنشیند، و به ذکر خدای تعالی و به تعقیبات بپردازد خداوند فرشته ای را بر او مأمور و موکل می

^{۳۹۶} - عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۱

^{۳۹۷} - نساء (۴)، آیه ۱۰۳

^{۳۹۸} - وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۴۳۱

^{۳۹۹} - تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۰۴

^{۴۰۰} - بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۲۳

گرداند که به وی می گوید: ای نمازگزاری که مشغول به دعا هستی، به شرف و کرامت و فضیلت خود بیفزا (یعنی بیشتر و زیادتراً دعا کن) که از برای تو حسنات ثبت می گردد و سیئات و بدیهایت محو و نابود می شود و درجات برای تو افزون می گردد و این گفتگو ادامه دارد تا وقتی که او از دعا و تعقیباتش فارغ شود»

بهترین تعقیبات نماز

۸۸- بهترین تعقیبات نماز را بیان نمائید؟

برای تعقیبات نمازهای یومیه ادعیه و اذکار بشماری از سوی معصومین علیهم السلام بیان گردیده است که هر کدام در جایگاه خود بهترین تعقیبات می باشد^{۴۰۱}؛ اما از آنجا که نسبت به برخی از تعقیبات نماز توصیه های بسیاری شده است اشاره ای گذرا به آنها می نمائیم:

الف - سجده شکر

حسن بن علی بن فضال از حضرت رضا (ع) روایت کرده است که آن جناب فرمود سجده بعد از اداء نماز واجب شکرگزاری است بر اینکه پروردگار بنده را توفیق داده است بر اداء واجب خود و کمتر چیزی که در آن سجده مجزی است اینست که سه مرتبه بگویند: شکر الله شکر الله

عرض کردم معنی شکر الله چیست فرمود که سجده کننده میگوید این سجده من شکرگزاری پروردگار من است که مرا توفیق داده است که خدمت او را بانجام رسانیده ام و ادا کرده ام واجب او را و شکر موجب زیادتی است پس اگر در نماز تقصیری کرده باشد که بنمازهای نافله تمام نشود باین سجده نقصان آن بر طرف می شود و نماز تمام می شود.^{۴۰۲}

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: سجده شکر بعد از نماز، دلیل کامل شدن نماز و رضای خدا و اعجاب و خوش آمدن فرشتگان است. خداوند بارها از آنان می پرسد، پاداش این بنده شاکر چیست؟ می گویند: رحمت تو، بهشت تو، حل مشکل او، و هر خیری را که فرشتگان می گویند، جوابی نمی شنوند، به خدا عرضه می دارند: ما نمی دانیم پاداش این سجده چیست خداوند می فرماید: همچنانکه او از من تشکر کرد، من هم از او تشکر می کنم، و با این جمله به فرشتگان می فهماند که رضا و سپاس الهی از او، بالاتر از بهشت و رحمت و حل مشکلات است.^{۴۰۳}

ب - تسبیح حضرت زهرا (سلام الله علیها)

^{۴۰۱} - رک کتاب مفاتیح الجنان تعقیبات مشترکه و تعقیبات مختصه

^{۴۰۲} - عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۲۸۲

^{۴۰۳} - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۶

امام صادق علیه السلام فرمودند: «تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ ع فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبْرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رُكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ»^{۴۰۴}؛ «تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بعد از نماز واجب در نزد من محبوبتر است از هزار رکعت نماز در هر روز».

ج - صلوات بر محمد و خاندان طاهرینش

حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هر کس بعد از نماز صبح و نماز مغرب قبل از آن که پاهایش را حرکت دهد (هیئت نشستن در حال نماز را به هم بزند) و یا کسی سخنی بگوید یک بار بگوید: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ» خداوند صد حاجت او را برآورده می کند که هفتاد حاجت در دنیا و سی حاجت دیگر در آخرت برای او برآورده می شود.^{۴۰۵}

د - خواند سوره حمد، آیه الکرسی، آیه شهد الله و آیه ملک

بنابر آنچه از امام صادق (علیه السلام) نقل گردیده هر یک از شیعیان بعد نماز های واجب خود سوره حمد و آیه شهد الله و آیه الکرسی و آیه ملک را بخواند

چون خداوند اراده نمود که فاتحه کتاب، و آیه الکرسی. و شهد الله (ال عمران ۲۶ و ۲۷)، و قل اللهم مالک الملك (ال عمران ۱۸ و ۱۹) را نازل نماید اینان بعرض چنگ انداختند در حالی که بین آنها و بین خدا حاجابی نبود و گفتند ای پروردگار ما را به دار گناه و سرای معصیت و به میان کسانی که معصیت تو میکنند فرود می آوری در حالیکه ما به طهور و قدس متعلق هستیم خطاب رسید بعزت و جلالم سوگند هیچ بنده ای از آل محمد و شیعیانشان نیست که شما را پس از هر نماز قرائت کند مگر اینکه او در حظیره - القدس بر آنچه که در او است ساکن گردانم، و با نگاه مکنون خود به او نظر کنم و در هر روز هفتاد مرتبه باو می نگرم، و در هر روز هفتاد حاجت برای او روا کنم که کمترین آن مغفرت و آمرزش او باشد.^{۴۰۶}

بهترین خواسته بعد از نماز

۸۹- بعد از نماز از خدا چه بخواهیم که سود اخروی بیشتری ببریم؟

خداوند متعال به فضل و رحمت خویش به انسان اجازه طلب هر نوع درخواستی را اعم از امور مادی و معنوی را داده است که هر کس به قدر همت خود می تواند از خداوند متعال درخواست نماید. اما در خصوص اینکه چه دعایی برای آخرت انسان سودمند تر است به روایتی از حضرت علی علیه السلام اکتفا می نمایم.

^{۴۰۴} - الکافی، ج ۳، ص ۳۴۳

^{۴۰۵} - مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۰۰

^{۴۰۶} - الکافی، ج ۲، ص ۶۲۰

آنحضرت فرموده اند: «به چهار شخص شنوایی داده شده است: پیامبر (ص) و بهشت و آتش و حور العین. وقتی بنده نمازش را تمام کرد پس بر پیامبر درود فرستد و از خدا بهشت را بخواهد و به خدا از آتش پناه برد و از او بخواهد که حور العین را به او تزویج کند، زیرا هر کس بر پیامبر (ص) درود بفرستد، دعای او بالا برده می‌شود، و هر کس از خدا بهشت را بخواهد، بهشت می‌گوید: خدایا خواست بنده‌ات را بده در آنچه خواست و هر کس به خدا از آتش جهنم پناه برد، جهنم گوید: خدایا بنده را از آتش جهنم نجات بده! و هر کس از خدا حور العین بخواهد ایشان می‌گویند: خدایا به بنده‌ات آنچه را که خواست عطا کن!»^{۴۰۷}

سلام بعد از نماز

۹۰- بهترین شکل سلامی که بعد از خواندن نمازهای یومیه به خدمت معصومین (علیهم السلام) گفته

می‌شود که به سه طرف گفته می‌شود (به طرف کربلا، مرقد امام رضا(ع)، دگر بار به طرف

قبله با سلام بر اهل قبرستان بقیع) به چه صورت است؟ آیا این سلام در منبعی خاص بیان شده

است؟

سلام هایی که پس از پایان نماز می‌خوانند نخست رو به طرف قبله به حضرت سیدالشهدا سلام داده می‌شود ((السلام علیک یا ابا عبدالله، السلام علیک یا بن رسول الله، السلام علیکم و رحمه الله برکاته)) و بعد رو به طرف خراسان به حضرت رضا سلام داده می‌شود ((السلام علیک یا علی بن موسی الرضا المرتضی، السلام علیک یا معین الضعفاء، السلام علیکم و رحمه الله و برکاته)) آن گاه رو به طرف قبله به حضرت حجت بن الحسن سلام می‌دهیم: ((السلام علیک یا صاحب الزمان، السلام علیک یا شریک القرآن و یا قاطع البرهان، السلام علیکم و رحمه الله و برکاته)).

در خصوص سلام به معصومین علیهم السلام پس از نماز گفتنی است:

اولاً: یکی از راههای زیارت معصومین علیهم السلام زیارت و سلام از راه دور می‌باشد و در روایات تصریح شده اینگونه سلام‌ها به آنها رسانده می‌شود.

حضرت صادق علیه السلام فرموده است که: هرگاه راه یکی از شما دور و از خانه‌اش تا به قبور ما مسافت بسیار باشد بالا رود به پشت بام بلندتر منزل خود و دو رکعت نماز کند و اشاره کند به سلام کردن بسوی قبرهای ما پس بدرستیکه آن به ما می‌رسد

در روایت دیگری نقل شده آنحضرت به یکی از یاران خود به نام سدیر فرمود: ای سدیر زیارت می‌کنی قبر حسین علیه السلام را در هر روز؟ عرض کردم که فدای تو گردم نه. فرمود: شما چه جفاکارید، در هر جمعه زیارت می‌کنید او را؟ گفتیم: نه. فرمود در هر ماهی زیارت می‌کنید گفتیم نه فرمود در هر سالی او را

^{۴۰۷} - عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۱۶۵

زیارت می‌کنید گفتم گاهی از سالها شده که زیارت کرده‌ام فرمود ای سدیر چه جفاکارید شما به امام حسین علیه السلام آیا نمی‌دانید که حق تعالی را دو هزار هزار فرشته ژولیده مو گرد آلوده که می‌گیرند بر آن حضرت و زیارت می‌کنند و خسته نمی‌شوند؟! چه می‌شود برای تو ای سدیر که زیارت کنی قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه پنج مرتبه و در هر روزی یک مرتبه؟ گفتم: فدایت شوم بین ما و بین او فرسخهای بسیار است فرمود به من که بالا رو به بام خانه‌ات پس نظر کن به جانب راست و چپ پس بلند کن سر خود را بسوی آسمان پس قصد کن جانب قبر آن حضرت را و بگو السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ نوشته می‌شود برای تو زیارتی و آن زیارت حجه و عمره است.^{۴۰۸}

ثانیا: در خصوص سلام دادن به این شکل خاص پس از نماز، در روایات مطلبی ذکر نگردیده.

ثالثا: سلام به امامان بهتر است همیشه رو به قبله باشد. به همین جهت از برخی بزرگان دیده شده است که تنها رو به قبله می‌ایستند و سلام به پیامبر(ص) و بقیه امامان(ع) می‌دهند اگر چه در خصوص امام رضا(ع) به جهت اینکه مرقد شریف ایشان در ایران می‌باشد و موقعیت جغرافیایی آن به آسانی قابل تشخیص است رو به سوی مشهد سلام دادن رسم شده است.

فصل هفتم: قبولی نماز

تفاوت صحت نماز با قبولی نماز

۹۱- چه فرقی بین صحت نماز و قبولی نماز وجود دارد؟

به طور کلی در عبادات - که یکی از بارزترین آن نماز است - سه شرط لازم است:

۱ - شرط صحت؛ ۲ - قبولی. ۳ - شرط کمال

اول - شرایط صحت نماز، شرایطی می‌باشند که در صورت فقدان یکی از آنها نماز باطل بوده و اصل تکلیف نماز از انسان ساقط نمی‌شد و در صورت عدم جبران، مکلف عذاب می‌گردید.

شرط صحت نماز که خود به دو عامل بستگی دارد:

الف - صحیح بودن شکل ظاهری نماز

صحیح بودن شکل نماز؛ به این است که به همان شکل و شیوه معین از سوی خدا و مکتب انجام گیرد؛ نه از روی سلیقه‌های شخصی. رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌فرماید: «لَا قَوْلَ وَلَا عَمَلَ وَلَا نِيَّةَ

^{۴۰۸} - مفاتیح الجنان، باب زیارات، مطلب سوم در زیارات مخصوصه حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام است، هشتم زیارت اربعین است، ص

إِلَّا بِإِصَابَةِ السُّنَّةِ»^{۴۰۹}؛ «ارزشی برای گفته ها و عمل ها و نیت ها نیست، مگر آن که طبق دستور و سنت انجام گیرد.»

حضرت ابراهیم(ع) از خداوند درخواست می کند: «أَرِنَا مَنَاسِكَنَا»^{۴۱۰}؛ «خدایا! نحوه صحیح عبادت را به ما نشان بده» (ارنا مناسکنا). پس این که کجا باید شکسته بخوانیم و یا تمام، آهسته بخوانیم یا بلند، تعداد رکعات و امثال آن چگونه باشد و... مربوط به شکل ظاهری نماز است که باید به همان صورتی که دستور داده اند، انجام دهیم. در غیر این صورت باطل و بی ارزش است؛ مثل دندانهای یک کلید که اگر اندکی ریز یا درشت باشند، دیگر قفل را باز نمی کنند.

ب - صحیح بودن نیت و هدف آن

صحیح بودن هدف به این است که هدف انسان در عبادت، کسب رضای الهی و انجام وظیفه باشد. پس عبادتی که برای غیر خدا باشد (مثلاً برای ریا، خودنمایی و خوشایند مردم) شرک است و هیچ ارزشی ندارد.

با وجود این دو عامل نماز دارای شرایط صحت می باشد

دوم - شرایط قبولی نماز

در نماز صحیح اگرچه شکل ظاهری آن صحیح و شرایط صحیح بودن را دارا می باشد و انسان تکلیفش را انجام داده و از عقاب خدا رهایی پیدا کرده - ولی رشد آور و تعالی بخش نیست.

مقصود از شرایط قبولی نماز، شرایطی است که رعایت آن ها، علاوه بر درستی عمل، موجب قرب به خدا و کسب پاداش الهی می شود. ممکن است نمازی صحیح باشد ولی سبب رشد و تزکیه روح نشود، همچون دارویی که شفابخش نباشد، یا جنسی در بازار بی مشتری باشد. عبادت هم، گاهی تنها در حد نجات بخشی از کیفر است، ولی گاهی انسان را محبوب خدا و عمل را مقبول درگاهش می سازد.^{۴۱۱}

ج - شرایط کمال

شرایط کمال آنهایی است که در صورت نبود آنها نماز از ثواب و پاداش کمتری برخوردار می باشد و اگر این شرایط را دارا باشد ثواب آن بیشتر خواهد بود.^{۴۱۲}

^{۴۰۹} - الکافی، ج ۱، ص ۷۰

^{۴۱۰} - (۲) البقرة: ۱۲۸

^{۴۱۱} - محسن قرائتی، پرتویی از اسرار نماز، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۷ ش، هجدهم، ص ۵۰

^{۴۱۲} - محمد وحیدی، دانستنی های لازم از نماز، قم، موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۷ ش،

چهارم، ص ۱۷۳

شرایط قبولی نماز

۹۲- از نظر ائمه معصومین علیهم السلام چه چیزهایی سبب پذیرش و قبولی نماز می باشد؟

همانگونه که گفته شد نماز، غیر از شرایط صحّت، شرایط «قبول» و «کمال» هم دارد. در آیات و روایات، شرایطی برای قبولی اعمال و عباداتی مثل نماز بیان شده از جمله شرط اعتقادی، شرط سیاسی، شرط اخلاقی، شرط اقتصادی، شرط اجتماعی، شرط بهداشتی و... که نمونه هایی از آنها از این قرار است.

یک - شرط اعتقادی: ایمان به خدا

نداشتن ایمان، مایه تباهی اعمال است: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ»^{۴۱۳}؛ «کسی که انکار کند آنچه را باید به آن ایمان بیاورد، اعمال او تباه می گردد»

دو - شرط سیاسی: ولایت

ولایت و رهبری صحیح و آسمانی، همه بندگان خدا و بندگی ها و نماز و حجّ و جهاد و... را در مسیر الهی قرار می دهد و به آنها جهت شایسته می بخشد.

در حدیث از امام باقر - علیه السلام - است: «كُلُّ مَنْ دَانَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيَةٌ غَيْرُ مَقْبُولٍ»^{۴۱۴}؛ «هر کسی که به خدا ایمان دارد و عبادت های طاقت فرسا هم انجام می دهد ولی امام لایقی از طرف خدا ندارد، تلاشش بی فایده است.»

در حدیث دیگر امام زین العابدین - علیه السلام - در پاسخ کسی که پرسید چه چیزی سبب قبولی نماز است؟ فرمودند: «وَلَا يَتَنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنَ أَعْدَائِنَا»^{۴۱۵}؛ «ولایت ما اهل بیت، و برائت از دشمنان ما»

بنابراین شرط قبولی نماز، ولایت است. ولی همراهش باید تقوا هم باشد. امام باقر - علیه السلام - می فرماید: «وَ مَا تُنَالُ وَ لَا يَتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَ الْوَرَعِ»^{۴۱۶}؛ «در خط رهبری ما نیست، مگر آنانکه اهل عمل و تقوا باشد.»

سه - شرط اخلاقی:

الف) تقوا

داستان فرزندان آدم در قرآن آمده است. هر دو قربانی کردند. قربانی یکی پذیرفته شد و دیگری نه. خدا می فرماید: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»^{۴۱۷}؛ «خدا تنها از اهل تقوا می پذیرد.»

^{۴۱۳} - مائده (۵)، آیه ۵

^{۴۱۴} - الکافی، ج ۱، ص ۱۸۳

^{۴۱۵} - بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۴۴

^{۴۱۶} - الکافی، ج ۲، ص ۷۴

^{۴۱۷} - مائده (۵)، آیه ۲۷

رسول خدا - صلی الله علیه وآله - نیز در روایتی فرموده اند: «لَوْ صَلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْأَوْتَارِ وَ صُمْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْحَنَائِيَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْكُمْ إِلَّا بَوْرَعٌ»^{۴۱۸}؛ «اگر آن قدر نماز بخوانید تا همچون زه کمان شوید، و آن قدر روزه بگیرید تا همچون کمان خم شوید، خدا از شما قبول نمی کند، مگر این که انسان با ورع باشید.»

ب) حضور قلب در نماز

امام باقر علیه السلام: «عَلَيْكَ بِالْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ فَإِنَّمَا يُحْسَبُ لَكَ مِنْهَا مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ»^{۴۱۹}؛ «در نماز توجه به خدا داشته باش، زیرا از نماز آن مقدار قبول می شود که تو به آن توجه داری.»

چهار- شرط اقتصادی:

الف) رعایت حق و حقوق مردم

رسیدگی به نیازمندان و ادای حقوق محرومان به درجه ای از اهمیت است که گاهی قبولی عبادت بستگی به آن دارد. پرداختن زکات، یا داشتن درآمد مشروع، از این نمونه هاست.

امام رضا - علیه السلام - می فرماید: «فَمَنْ صَلَّى وَ لَمْ يُزَكَّ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ»^{۴۲۰}؛ «هر کس نماز بخواند ولی زکات (و مالیات اسلامی) نپردازد، نمازش قبول نمی شود.»

ب) کسب مال حلال و مباح

علی (ع) خطاب به کمیل فرمود: «يَا كَمِيلُ انْظُرْ فِي مَا تُصَلِّي وَ عَلَى مَا تُصَلِّي إِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ وَجْهِهِ وَ حِلِّهِ فَلَا قَبُولَ»^{۴۲۱}؛ «ای کمیل! نگاه کن بین که در چه چیز نماز می گزاری و بر روی چه چیز به نماز ایستادی. اگر آن چیزی را که برای نماز استفاده می کنی، حلال و مباح نباشد، نمازت قبول نیست.»

پنج - شرط اجتماعی: خیرخواهی نسبت به دیگران

امام صادق - علیه السلام - فرموده اند: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّمَا أَقْبِلُ الصَّلَاةَ لِمَنْ تَوَاضَعَ لِعَظَمَتِي وَ يَكْفُ نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ مِنْ أَجْلِي وَ يَقْطَعُ نَهَارَهُ بِذِكْرِي وَ لَا يَتَعَاطَمُ عَلَيَّ خَلْقِي وَ يُطْعِمُ الْجَائِعَ وَ يَكْسُو الْعَارِيَ وَ يَرْحَمُ الْمُصَابَّ وَ يُؤْوِي الْغَرِيبَ»^{۴۲۲}؛ «خداوند متعال فرمود: نماز کسی را می پذیرم که: در مقابل عظمت من خاضع باشد؛ از خواسته های نفسانی به خاطر من خود را دور کند؛ روزش را با یاد من به پایان برد؛ بر بندگانم بزرگی نferوشد؛ به گرسنه غذا دهد؛ برهنه را بپوشاند؛ به مصیبت دیده مهربانی کند؛ غریب را پناه دهد.»

۶. شرط خانوادگی: خوشرفتاری

^{۴۱۸} - بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۵۸

^{۴۱۹} - الکافی، ج ۳، ص ۲۹۹

^{۴۲۰} - وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۵

^{۴۲۱} - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۱۹

^{۴۲۲} - بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۴۲

آئین مقدس و متعالی اسلام، میان عبادت و سیاست و اخلاق و اجتماع، پیوندی منسجم ایجاد کرده است. در امور خانوادگی هم رعایت احترام و حقوق متقابل زن و شوهر را چنان مهم دانسته که بی توجهی به آن گاهی باعث قبول نشدن نماز می گردد. و قطع پیوندهای زمینی، به قطع پیوند آسمانی می انجامد. در این زمینه پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - فرموده است: «مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَ لَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا ... ثُمَّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرُ»^{۴۲۳}؛ «هر کس زن بد رفتار و اذیت کننده ای داشته باشد، خداوند نماز و کارهای نیک آن زن را نمی پذیرد. (مرد نیز همچنین است)»

نه تنها بد رفتاری زن با شوهر یا برعکس، این اثر را دارد، حتی نگاه خشم آگین به پدر و مادر هم مانع قبول عبادت است.

امام صادق - علیه السلام - فرمود: «مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبِيهِ نَظَرَ مَاتِ وَ هُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً»^{۴۲۴}؛ نماز فرزندی که با خشم به پدر و مادر خود نگاه می کند قبول نمی شود. گر چه والدین، نسبت به آنان کوتاهی و ظلمی کرده باشند.^{۴۲۵}

مواعقبولی نماز

۹۳- اعمالی که موجب می شود تا نمازتان مورد پذیرش درگاه الهی واقع نشود چه چیزهایی می

باشد؟

برخی کسانی که در احادیث تصریح شده که نمازشان مورد قبول خداوند واقع نمی شود به شرح ذیل می باشند؟

- . کسانی که نسبت به نماز استخفاف و بی اعتنایی می کنند.^{۴۲۶}
- . کسانی که خیانت در معامله می کنند.^{۴۲۷}
- . کسانی که پروایی از ارتکاب گناه جنسی ندارند بگونه ای که اگر زنی خود را به آنها عرضه کند او را اجابت می کنند.^{۴۲۸}
- . پیشوای جائز.^{۴۲۹}

^{۴۲۳} - وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۶۳

^{۴۲۴} - الکافی، ج ۲، ص ۳۴۹

^{۴۲۵} - محسن قرآنی، پرتویی از اسرار نماز، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۷ ش، هجدهم، ص ۵۳

^{۴۲۶} - الکافی، ج ۳، ص ۲۶۹

^{۴۲۷} - بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۴۲

^{۴۲۸} - همان

^{۴۲۹} - بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۳

- مردی که امامت نماز جماعتی را به عهده می گیرد که جماعت از امامت او کراهت دارد.^{۴۳۰}
- بنده ای که بدون ضرورت از مولایش فرار کند.^{۴۳۱}
- زنی که بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون رود.^{۴۳۲}
- زنی که شوهرش به خاطر حقی از وی خشمگین باشد مگر آنکه از او راضی شود.^{۴۳۳}
- زنی که برای غیر شوهر خودش را خوش بو نماید.^{۴۳۴}
- هر کس که غیبت مرد یا زن مسلمانی را کند، مگر این که غیبت شونده او را بینشد.^{۴۳۵}
- کسی که به پدر و مادر نگاه تند و خشم آلود کند.^{۴۳۶}
- کسی که لقمه حرام بخورد، تا چهل شب نماز او قبول نمی شود.^{۴۳۷}
- نماز آدم شرابخوار تا چهل روز پذیرفته نیست.^{۴۳۸}
- کسی که اهل چشم چرانی می باشد.^{۴۳۹}
- مردانی که زنانشان را آزار دهند و زنانی که شوهرانشان را آزار می دهند.^{۴۴۰}
- کسی که در حال خودداری از بول و با باد معده نماز بخواند.^{۴۴۱}
- هر کسی که مانع دادن زکات شود.^{۴۴۲}
- رباخوار.^{۴۴۳}
- کسی که عاق والدین شده است.^{۴۴۴}

-
- ۴۳۰ - همان
- ۴۳۱ - همان
- ۴۳۲ - همان
- ۴۳۳ - الکافی، ج ۵، ص ۵۰۷
- ۴۳۴ - همان
- ۴۳۵ - بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۵۸
- ۴۳۶ - الکافی، ج ۲، ص ۳۴۹
- ۴۳۷ - بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۱۴
- ۴۳۸ - الکافی، ج ۶، ص ۴۰۰
- ۴۳۹ - بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۴۲
- ۴۴۰ - وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۶۳
- ۴۴۱ - تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۳۳۳
- ۴۴۲ - بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۹
- ۴۴۳ - مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۳۲
- ۴۴۴ - همان

در پایان ذکر این نکته نیز ضروری می باشد که برخی با مشاهده روایات عدم قبولی نماز با خود چنین تصور می نمایند که چون مثلاً غیبت کرده اند و نمازشان قبول نمی باشد دیگر نیازی به خواندن نماز نیست و حال آنکه این واجب الهی در هیچ حالتی از فرد ساقط نمی شود و با وجود اینکه بدانند نماز او مورد قبول خداوند نیست بر او واجب است نماز خود را بخواند تا در قیامت به دلیل ترک نماز مورد بازخواست الهی قرار نگیرد.

ارتباط قبولی نماز با قبولی اعمال

۹۴-طبق حدیث امام باقر (علیه السلام) اول چیزی که در قیامت محاسبه می شود نماز است و اگر

قبول شود بقیه کارها هم قبول می شوند^{۴۴۵}. سوال من این است که چرا یک مسلمان با نماز

اعمال خویش پذیرفته می شود ولی یک مسلمان بی نماز اعمالش مورد پذیرش نیست؟

نماز مقبول، شرایطی دارد؛ از جمله شرایط ولایی، اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و... که همگی بیانگر آن است که این عمل عبادی به عنوان ستون دین با تمام زندگی انسان و اعمال عبادی دیگر او مرتبط است؛ یعنی، شاخصی است که می توان مطلوب بودن و الهی بودن یک زندگی را با آن سنجید.

به عنوان نمونه یکی از شرایط قبولی نماز کسب درآمد از راه حلال و پرداخت زکات می باشد و اینکه انسان از راه خیانت در معامله درآمدی را کسب نکرده باشد؛ حال اگر کسی که برای قبولی نمازش - به عنوان ستون دین - این شرایط را رعایت نکرده به گونه ای که از سوی خداوند مورد قبول واقع نشده بطور مسلم برای دیگر اعمال عبادیش مانند حج نیز این شرایط را رعایت ننموده و معلوم می شود که دیگر اعمال نیز قابلیت پذیرش را نخواهد داشت.

از همین جا درمی یابیم که نماز معیاری است که قبولی اعمال دیگر را نیز می توان با آن سنجید. پس اگر نماز قبول باشد، کارهای خوب دیگر نیز قبول است و اگر مردود باشد، چنان بر می آید که اشکال ریشه ای در اعمال وجود دارد و نمی تواند مورد قبول خداوند قرار گیرد.

این روایت بیانگر آن است که نماز از جایگاهی ویژه برخوردار است و در روز قیامت اول به نماز نگاه میشود اگر پذیرفته شود یعنی با شرایط آن از جمله اعتقاد به ولایت و دیگر چیزهایی که در آن شرط است انجام شده باشد ما بقی اعمال نیز به مانند آن است و نیاز به دقت در آن نیست چون آن اعمال هم به مانند

^{۴۴۵} - همانگونه که در سوال آمده امام باقر علیه السلام فرموده اند: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا» «نخستین چیزی که بنده را برای آن مورد حساب قرار می دهند نماز است، اگر پذیرفته شد اعمال دیگرش نیز پذیرفته می شود و اگر پذیرفته نشد اعمال دیگرش نیز پذیرفته نمی شود»

(الكافي، ج ۳، ص ۲۶۸، باب من حافظ علی صلاته أو ضيعها ...)

نماز عمل عبادی است و اگر نماز که راس اعمال عبادی است مشکل اساسی داشته باشد قطعاً دیگر اعمال نیز دچار مشکل است و به عنوان یک عمل عبادی به حساب نمی آید.

مثلاً اگر کسی از روی عناد ولایت و محبت علی علیه السلام و اهل بیت ان حضرت را منکر شود بنا به آنچه در روایات آمده نمازش مورد قبول نخواهد بود چون یک حقیقت مسلم اسلام را انکار کرده و شرط قبولی نماز را ندارد چنین شخصی سایر اعمال او نیز همانند نماز مورد قبول نیست چون نزد خداوند خیر محسوب نمیشود و در حقیقت عمل او شر محض است کما اینکه در روایات اهل بیت علیهم السلام اعمال نیک ناصب و دشمن اهل بیت علیهم السلام با اعمال قبیح او هیچ فرقی گذاشته نشده است. حضرت صادق علیه السلام میفرماید: «إِنَّ النَّاصِبَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَا يُبَالِي صَامَ أَمْ صَلَّى زَنَى أَمْ سَرَقَ إِنَّهُ فِي النَّارِ إِنَّهُ فِي النَّارِ»^{۴۴۶}؛ «دشمن و ناصب اهل - بیت فرقی ندارد روزه بدارد یا نماز بخواند زنا کند یا دزدی نماید او در آتش است او در آتش است.»

نشانه قبولی نماز

۹۵- از کجا می توانیم تشخیص دهیم که نمازمان قبول شده؟

بهترین سخن، سخن خداست. خداوند متعال درباره قبولی نماز، معیاری را در قرآن بیان کرده است که با کمی دقت قابل فهم است. در آیه ۴۵ سوره عنکبوت می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^{۴۴۷}؛ و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتیها و گناه بازمی دارد.»

نشانه قبولی نماز، این است که انسان از گناه دوری کند؛ زیرا نماز باعث می شود که انسان به یاد خداوند باشد و این، باعث خوف از نافرمانی می شود.

امام صادق - علیه السلام - با تاکید بر این شاخص در روایتی فرموده است: «فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ مَا أُذْرَكَ مِنْ نَفْعِ صَلَاتِهِ فَلْيَنْظُرْ فَإِنْ كَانَتْ صَلَاتُهُ حَجَزَتْهُ عَنِ الْفَوَاحِشِ وَالْمُنْكَرِ فَإِنَّمَا أُذْرَكَ مِنْ نَفْعِهَا بِقَدْرِ مَا أَحْتَجِزُ»^{۴۴۸}؛ «هر کس دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه و زشتی باز می دارد یا نه؟ پس به هر اندازه که نمازش او را از گناه باز بدارد به همان مقدار نمازش قبول واقع شده است.»

^{۴۴۶} - بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۳۵

^{۴۴۷} - عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۵

^{۴۴۸} - وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴۷۶، ۲- باب تأکد استحباب الخشوع فی الصلاة

اخلاص و نشانه های آن

۹۶- منظور از اخلاص در نماز چیست؟ و از کجا بدانیم نمازی که می خوانیم خالصانه است؟

«اخلاص»، یکی از فضایل درونی مؤمنان و مردان الهی است که مستلزم پاکی بی شائبه اعمال دینی و عبادت‌های خالصانه است و از هر گونه ریا و انگیزه غیر الهی بدور می باشد.

نمازی که مؤمن در برابر خدا انجام می دهد، قبل از هر چیز اقرار به یگانگی او است؛ یعنی، او را پروردگار مطلق شناختن و هیچ یک از آفریده‌ها را با او شریک ندانستن است. بنابراین منظور از اخلاص در نماز این است که انسان صرفاً به خاطر خدا اقدام به اقامه نماز نموده و در نماز، تنها او را در نظر داشته باشد و هیچ چیز را در این عمل عبادی شریک خداوند قرار ندهد.

برخی از نشانه‌هایی که بوسیله آن می توان خالصانه بودن نماز را تشخیص داد بدین شرح می باشد

الف - عدم توقع از دیگران

اگر کار برای خداست، انسان مخلص، چشمداشت تشکر و قدردانی از غیر خدا ندارد. اگر قدر شناسی و ناسپاسی هم دید، باز در عمل خویش ثابت قدم و استوار است. این نشانه آن است که برای خدا کار می کند اما اگر کسی بواسطه نماز خواندش از دیگران توقع تعریف و تمجید و یا ارائه خدمتی داشته باشد این عمل با اخلاص سازگاری ندارد.

ب - عدم توقع پاداش از خداوند

نشانه دیگر اخلاص در نماز این است که انسان در ازای نمازی که می خواند توقع پاداش از خداوند نداشته باشد هر چند یقیناً خداوند نماز وی را بی پاداش نمی گذارد.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند: «کمترین نشانه اخلاص آن است که آدمی در اطاعت و عبادت حق، کوشا باشد، و برای عمل خود ارزشی قایل نباشد و خود را طلبکار خدا نداند، زیرا می داند اگر خداوند آن گونه که باید از او مطالبه عبادت کند، از انجام آن ناتوان خواهد بود.»^{۴۴۹}

ج - پشیمان نشدن

انسان مخلص، از کار نیکی که کرده، پشیمان نمی شود. چون نزد خدا پاداشش محفوظ است و به وظیفه هم هر چه بوده عمل کرده است و اجر و ثواب را هم از او می گیرد.

اگر کسی خالصانه نمازش را بخواند اما در زندگی با مشکلات مواجه شود، پشیمانی ندارد. اگر در بروز مشکلات و سختی‌ها از نمازهایی که خوانده پشیمان شده، پای اخلاصش می‌لنگد.

د- عدم تأثیر استقبال یا بی‌اعتنایی

^{۴۴۹} - شرح مصباح الشریعه، ص ۴۲۴

این هم نشان دیگری از اخلاص است. این نباشد که اگر نمازتان مورد ستایش و استقبال قرار می‌گیرد، تشویق به انجام آن شوید، و این نباشد که چون کارتان با بی‌اعتنایی و بی‌مهری مردم روبرو شود سست شوید. اگر کار برای خداست نباید تشویق و استقبال یا بی‌اعتنایی و عدم قبول مردم در انسان مخلص مؤثر واقع شود.

و- یگانگی ظاهر و باطن

از نشانه‌های دیگر خلوص، همگونی ظاهر و باطن است. عملش در ظاهر با نیتش در باطن یکسان باشد. گندم‌نمای جو فروش نباشد، و همان باد که نشان می‌دهد، «بود» و «نمود»ش یکی باشد. علی علیه السلام فرموده است: «مَنْ لَمْ يَخْتَلِفْ سِرَّهُ وَ عِلَانِيَتَهُ وَ فِعْلُهُ وَ مَقَالَتَهُ، فَقَدْ آدَى الْأَمَانَةَ وَ اخْلَصَ الْعِبَادَةَ». کسی که ظاهر و باطنش و نهان و آشکارش و رفتار و گفتارش با هم اختلاف نداشته باشد، او امانت الهی را ادا کرده و عبادت و بندگی را خالص ساخته است. نشانه‌های دیگری هم برای اخلاص وجود دارد که به همین قدر، بسنده می‌شود.

آنکه اخلاص دارد، نورانیتی در دل، توفیقی در عمل، پاداشی در دنیا و آخرت، عاقبت بخیری و خوش نامی، محبوبیت و نام نیک خواهد داشت. این وعده الهی است که پاداش نیکوکاران خالص و بندگان مخلص ضایع نمی‌شود.^{۴۵۰}

نماز به خاطر ترس

۹۷- اگر انسان نماز فقط و فقط به خاطر ترس از جهنم بخونه، نه به خاطر خدا، فایده ای داره و

اصلاً اینجور نمازی اونو به خدا نزدیک می‌کنه؟

انسان‌ها ممکن است با انگیزه‌های متفاوتی خداوند متعال را عبادت کنند که این انگیزه‌ها هر چند متفاوت است اما در نهایت به خاطر خداوند متعال می‌باشد ممکن است فردی نماز بخواند اما نماز و عبادت او برای رسیدن به صواب‌های اخروی آن باشد و امکان دارد فرد دیگری به خاطر ترس از عذاب الهی خداوند را عبادت کند و یا کس دیگری خداوند را خالصانه و فقط با انگیزه شکر و سپاسگذاری از نعمتهایی که به او داده خداوند را عبادت کند همانگونه که حضرت علی علیه السلام فرموده اند: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ»؛ گروهی با هدف رسیدن بصوابهای اخروی خدا را عبادت میکنند که این عبادت تجار و بازرگانان است و گروهی دیگر از جهت ترس از عذاب الهی، خدا را عبادت مینمایند که این عبادت

^{۴۵۰} - عنوان بندی‌ها از کتاب یکصدوده پرسش درباره نماز، مجتبی کلباسی

برندگان است. و گروهی بانگیزه شکر و سپاسگزاری از نعمتهای پروردگار عبادت خداوند مینمایند که این عبادت احرار و آزادگان است.^{۴۵۱}

اما نکته مهم این است که نماز و عبادت به خاطر صواب الهی و یا ترس از عذاب خداوند به این معنا نیست که انسان دیگر خدا را قبول ندارد و یا اگر نمازهایش را با این انگیزه ها خواند دیگر نمازهایش به خاطر خدا نبوده است؛ چرا که، هم آن کسی که به خاطر ثواب نماز می خواند و هم آن کسی که با انگیزه در امان ماندن از عذاب خداوند نماز می خواند در مرحله اول به خداوند متعال و وعده های او مبنی بر پاداش و عذاب الهی ایمان دارد و پس از ایمان به خداوند و گفته هایش بر اساس آنچه او دستور داده نماز می خواند و این همان نماز خواندن به خاطر خداوند می باشد. البته با این تفاوت که هر گروهی از این گروههای سه گانه توانسته اند مرتبه از مراتب معرفت الهی را طی کنند و به میزانی که نسبت به خداوند متعال معرفت پیدا کرده اند به همان میزان انگیزه خود را برای اعمال عبادی همچون نماز تنظیم نمایند.

ریا و بطلان نماز

۹۸- آیا اگر من برای تعریف و تمجید دیگران نماز بخونم و به اصطلاح ریا بکنم نمازم باطل می

شه؟ چرا؟

اگر کسی قصدش از نماز ریا و خودنمایی باشد این کار حرام و موجب بطلان نماز می شود و دلیل آن نیز آیات و روایات وارده است^{۴۵۲} که در اینجا تعدادی از آنها را ذکر می نمائیم:

الف - خداوند متعال در سوره کهف می فرماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»^{۴۵۳}؛ «پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند!»

ب - رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث شریف قدسی فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «أَنَا أَغْنِي الْأَغْنِيَاءَ عَنِ الشَّرْكِ، مَنْ عَمِلَ عَمَلًا فَأَشْرَكَ فِيهِ غَيْرِي فَصِيبِي لَهُ، فَأَنَا لَا أَقْبَلُ إِلَّا مَا كَانَ خَالصًا لِي»^{۴۵۴}؛ «خداوند متعال می فرماید: «من بی نیازترین کس از شرک هستم، اگر کسی کاری انجام دهد و در آن کسی جز مرا شریک سازد، نصیب من نیز او را باشد، و من جز عملی را که برایم خالص باشد، نمی پذیرم»

^{۴۵۱} - نهج البلاغه، ص ۵۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۱۲

^{۴۵۲} - اخلاق (ترجمه اخلاق)، مترجم: شیخ محمدرضا جباران، مؤسسه انتشارات هجرت، چهارم، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۶۹

^{۴۵۳} - کهف (۱۸)، آیه ۱۱۰

^{۴۵۴} - الجواهر السنیه-کلیات حدیث قدسی، ص ۳۳۲

ج - از امام صادق علیه السلام نقل شده: « چون روز قیامت فرا رسد، بنده ای را می آورند که اهل نماز بوده و خود نیز چنین ادعا می کند به وی می گویند: تو بدان جهت نمازگزاردی که تو را ستایش کنند، پس به ملائکه دستور می رسد او را به سوی آتش ببرید.»^{۴۵۵}

د - پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: « مَنْ صَلَّى صَلَاةً يُرَائِي بِهَا فَقَدْ أَشْرَكَ »^{۴۵۶}؛ « کسی که برای خودنمایی نماز بخواند مشرک است.»

نشانه های ریا

۹۹- چگونه می توانیم تشخیص دهیم نمازی که می خوانیم از روی ریا می باشد؟

در احادیث پیامبر و اهل بیت علیهم السلام برای شخص ریاکار نشانه های ذکر گردیده که فهرست وار به آنها اشاره می نمائیم:

- هنگامی که کسی نزد اوست تلاش می کند اعمال الهی انجام دهد

- هنگامی که تنها شد در انجام عمل کسل است!

- در تمام کارهایش اصرار دارد مردم از او مدح و ستایش کنند،

- سعی می کند ظاهرش را در نظر مردم خوب جلوه دهد. ۴۵۷

- اگر در میان مردم باشد (اعمالش را) بانشاط انجام می دهد

- هرگاه او را مدح و ثنا گویند بر عملش می افزاید

- و هرگاه ثنا نگویند از عملش می کاهد! ۴۵۸

^{۴۵۵} - بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۳۰۱

^{۴۵۶} - بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۲۲

^{۴۵۷} - رسول خدا صل الله علیه و آله فرمودند: « وَأَمَّا عَلَامَةُ الْمُرَائِي فَأَرْبَعَةٌ يَخْرِصُ فِي الْعَمَلِ لِلَّهِ إِذَا كَانَ عِنْدَهُ أَحَدٌ وَ يَكْتَسِلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يَخْرِصُ فِي كُلِّ أَمْرٍ عَلَى الْمُحَمَّدَةِ وَ يُحْسِنُ سَمْتَهُ بِجَهْدِهِ (بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۲۲)

^{۴۵۸} - أمير المؤمنين ع: لِلْمُرَائِي ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يَكْتَسِلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يَنْشَطُ إِذَا كَانَ فِي النَّاسِ وَ يَزِيدُ فِي الْعَمَلِ إِذَا أَتَيْ عَلَيْهِ وَ يَنْقُصُ إِذَا ذُمَّ (مجموعه

ورام) (تنبيه الخواطر)، ج ۱، ص ۱۸۷

دست یابی به نماز خالصانه

۱۰۰- برای این که بتوانیم ریا را از خود دور کرده و خالصانه نماز بخوانیم چه کارهایی را باید

انجام بدهیم؟

کسب اخلاص در نیت و عمل، از دشوارترین گردنه های راه ایمان است که دست یابی به آن راه کارهای مختلفی دارد؛ از جمله:

الف - تقویت توحید

کوتاهترین راه عقلی برای رسیدن به اخلاص و ریشه کن کردن «ریا» تقویت توحید در دل می باشد. منظور از توحید در این مقام، توحید افعالی است یعنی، انسان باور کند که فاعل و مؤثری در عالم جز خداوند نیست لا مؤثر فی الوجود الا الله. اگر برای ما روشن شود که هیچ کس به غیر از خدا منشأ اثری نیست و بفهمیم که رزق، عطا، منع، غنا، فقر، مرض، سلامتی، ذلت، عزت، زندگی، مردن و. همه در دست خداوند است و هر آنچه در جهان هست مقهور امر حاکم بی شریک می باشد، دیگر دل به دیگران نمی بندیم و خودنمایی در مقابل دیگران برایمان لذتی نخواهد داشت. زیرا ریشه «ریا» یا طمع در مال و منافع دیگر انسانها است، و یا محبت و دوست داشتن مدح و ستایش انسانها، و یا خوش نداشتن و کراهت از مذمت و ملامت مردم است. اگر ریاکار این سه مشکل را حل نماید، دیگر دلیلی برای خودنمایی در مقابل انسانها وجود نخواهد داشت.

ب - یقین به مبدا و معاد

همه ما به خدا و روز قیامت به نوعی ایمان داریم ولی این اعتقاد به مرز یقین نرسیده است، چراکه به غیر خدا امید می بندیم و متکی بر این امید، آنان را در عمل خود شریک می نمائیم اما اگر ایمان خود را به مرز یقین برسانیم دیگر اعمال خود را برای هیچکس غیر از خداوند متعال انجام نخواهیم داد.

این واقعیت با تعبیر گوناگونی در سخنان ائمه دین مورد اشاره قرار گرفته است امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: «سَبَبُ الْإِخْلَاصِ الْيَقِينُ»^{۴۵۹}؛ «اخلاص ره آورد یقین است»

و در سخن دیگر می فرماید: «عَلَى قَدْرِ قُوَّةِ الدِّينِ يَكُونُ خُلُوصُ النَّيَّةِ»^{۴۶۰}؛ «اخلاص آدمی به میزان استحکام دینداری اوست»

ج - یاس از مردم

^{۴۵۹} - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۲

^{۴۶۰} - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۹۳

همه انسان ها در توصیف قرآن آنقدر ناتوان هستند که: «لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَا يُجْتَمِعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ»^{۴۶۱}؛ «هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار دست به دست هم دهند! و هر گاه مگس چیزی از آنها برباید، نمی‌توانند آن را باز پس گیرند!»

بنابراین برای دست یابی به اخلاص باید از این خیل ناتوانان قطع امید کرد و این ناامیدی، اولین گام برای اعمال خالصانه می باشد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «أَوَّلُ الْإِخْلَاصِ الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ»^{۴۶۲}؛ «نا امید بودن از مردم، نخستین شرط اخلاص است»^{۴۶۳}.

د - بکارگیری عقل

از دیگر راههای رسیدن به اخلاص به کارگیری عقل می باشد. یکی از اصحاب ما از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: «بین حق و باطل فقط بی‌عقلی وجود دارد، پرسیدند یا ابن رسول الله این چگونه می‌شود، فرمودند: بنده‌ای کاری انجام می‌دهد و خداوند هم از او راضی می‌باشد ولی او غیر از خدا را در نظر می‌گیرد، اگر او در این کار فقط خداوند را در نظر می‌گرفت به سرعت به مقصود خود می‌رسید»^{۴۶۴}.

ح - توجه به آثار و عواقب ریا

یکی از راههای علاج ریا، توجه به آثار و عقوبات آن است که می‌تواند مانع به وجود آمدن و رشد این صفت زشت شود. قرآن در آیات متعددی به نکوهش ریاکار می‌پردازد و او را بی‌بهره و زیانکار معرفی می‌کند: بقره، آیه ۲۶۴؛ نساء، آیه ۳۸ و ۱۴۲؛ انفال، آیه ۴۷ و ماعون، آیه ۷.

روایات نیز چهره‌ای زشت از ریاکار ترسیم کرده‌اند و به شدت سرزنش نموده‌اند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: «ریاکار در قیامت با چهار نام صدا زده می‌شود: ای کافر! ای فاجر! ای حيله‌گر! ای زیان‌کار! عملت نابود شد و اجرت باطل گشت! پاداش خود را از کسی بخواه که عملت را برای او انجام دادی!»^{۴۶۵}

و- مقابله با هوای نفس

یکی دیگر از موانع دست یابی به اخلاص در نماز، هوای نفس است که سرچشمه اخلاص را تیره می‌سازد؛ حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «چگونه توانایی بر اخلاص دارد کسی که هوای نفس بر او غالب است.»^{۴۶۶} لذا اگر کسی می‌خواهد نمازی خالصانه اقامه نماید باید با هوای نفسانی خویش مبارزه نماید.

^{۴۶۱} - حج (۲۲)، آیه ۷۳

^{۴۶۲} - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۹۸

^{۴۶۳} - محمد رضا رضوان طلب، پرستش آگاهانه، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵ ش، دوم، ص ۱۱۴

^{۴۶۴} - بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۹۹

^{۴۶۵} - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۵۵

^{۴۶۶} - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۰۶

ه - محدود نمودن دامنه آرزوهای دراز

هم‌چنین برای خلوص داشتن در عبادت، باید دامنه آرزوهای دور و دراز را جمع نمود؛ حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «قَلِّلِ الْأَمَالَ تَخْلُصْ لَكَ الْأَعْمَالُ»^{۴۶۷}؛ «کم کن آرزوهایت را تا عمل هایت خالص شود.»

ی - تمرین در مقام عمل

پس از تفکر در فواید و آثار و برکات اخلاص و شناخت روش‌هایی که موجب می‌شود تا عبادات از جمله نماز از روی خلوص نیت انجام گیرد، باید در مقام عمل نیز به تمرین پرداخت و با سعی و تلاش، از کارهایی که به اخلاص نیت صدمه می‌زند، پرهیز نمود و کارهایی را که در خلوص نیت نقش دارند، انجام داد.^{۴۶۸}

وسواس در اخلاص

۱۰۱- از اینکه موقع نماز خواندن کسی بهم نگاه کند خوشم نمی‌آید. در ضمن آگه بخواهند

تعریف بکنند نیز بیزارم. حتی بعضی مواقع شده که آن قدر نمازم را به تأخیر می‌اندازم تا قضا

می‌شود تا کسی آنجا نباشد. شما چه می‌گویید تا این احساس بدرد نخور را به راحتی از

خودم دور کنم؟

ریا گرفته شده از رؤیت است و تعریف آن عبارت است از: طلب منزلت و مقام در قلب‌های مردم به وسیله عبادات و طاعات خداوند متعال.

در مورد تحقق ریا باید توجه داشت:

اولاً: تحقق ریا مشروط به قصد ریا است.

ثانیاً: وابسته به داشتن غرضی از اغراض دنیوی نظیر کسب محبوبیت نزد مردم و از این طریق کسب ثروت و ریاست بر ایشان می‌باشد.

ثالثاً: مربوط به حوزه عبادت و پرستش است.

بنابراین تازمانی که عوامل ریا محقق نشده است دلیلی ندارد تا کسی تصور نماید که اعمال وی با نگاه دیگران و یا تعریف آنها عملی ریائی می‌شود.

متأسفانه گاهی حساسیت نسبت به این موضوع برای برخی از جوانان به صورت وسواس در می‌آید و آنها خیال می‌کنند که آدم‌های بسیار ریا کاری هستند و از این موضوع بسیار هم ناراحت می‌شوند، این گروه باید بدانند که تصور ریا خصوصاً برای جوانان، بسیار نادر است، چرا باید یک جوان ریا کند؟ شاید این موضوع بیشتر نسبت به بزرگسالان مصداق داشته باشد تا جوانان و دانشجویان.

^{۴۶۷} - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۵۵

^{۴۶۸} - سعید شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اکبر، پاییز ۱۳۸۷ش، سوم، ص ۲۰۳

با این وجود در صورتی که احساس می کنید این حالت نوعی وسواس است، باید توجه کنید که وسواس بیماری خطرناکی است و باید به شدت مواظب باشید تا بحرانی نشود. راه درمان وسواس آن است که به آن کاملاً بی توجه باشید یعنی با خود بگویید مسأله‌ای نیست بگذار این عملم ریایی باشد، و دیگران ببینند و تعریف کنند، سپس با خود بگویید خوب حالا تعریف و تمجید دیگران به چه درد من می خورد؟ در این صورت پوچی آن برایتان به خوبی روشن می شود و به آن بی اعتنا می شوید.

این نکته را نیز نباید فراموش کرد که بسیاری از مواقع انسان کار اخلاقی خوبی انجام می دهد که اطلاع از آن باعث تشویق دیگران برای انجام کار نیک می شود، بدون اینکه شخص بخواهد قصد قربتش را نسبت به خدای تعالی خدشه دار نماید، اگر انسان در باطن برای خدای متعال کار می کند، اشکالی ندارد که در ظاهر دیگران مطلع شوند. کسی که حقیقتاً در مسیر الهی و قرب به خداوند حرکت می کند، رفتار آشکار او حتی ممکن است نوعی امر به معروف حساب شود و در افراد دیگر انگیزه کار نیک را فراهم می آورد و در این راستا اگر هم احساس خوشحالی نماید ریا محسوب نمی شود.

در روایت است که مردی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: یا رسول الله عملم را پنهان می کنم و دوست ندارم کسی از آن مطلع شود ولی چون کسی اطلاع می یابد خوشحال می شوم.

حضرت فرمود: برای تو دو پاداش هست پاداش عمل پنهانی و پاداش عمل آشکار.^{۴۶۹}

از امام باقر علیه السلام درباره مردی که عمل خیری انجام می دهد و چون دیگران او را می بینند خوشحال می شود، سؤال شد.

فرمود: اشکال ندارد هر کس دوست دارد خدا او را به خوبی در میان مردم مشهور کند البته در صورتی که عملش را به این منظور انجام نداده باشد.^{۴۷۰}

فصل هشتم: علاقه به نماز

عدم علاقه به نماز

۱۰۲- هر چه می خواهم خودم رو متقاعد کنم به اینکه باید نماز بخونم نمی تونم! علاقه به این کار

ندارم و شب و روز تو ترس و اضطراب طی می کنم! علت آن چیست؟

انسان برای انجام هر کاری نیاز به انگیزه درونی یا بیرونی و انگیزه مادی یا معنوی دارد و منشأ انگیزه های درونی نیازهای زیستی یا نیازهای معنوی و متعالی است. چرا ما هر روز خوردن صبحانه و نهار و شام را تکرار می کنیم و هیچگاه نمی گوئیم من از خوردن نهار خسته شدم بلکه با فرا رسیدن وقت نهار احساس

^{۴۶۹} - بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۷۴

^{۴۷۰} - بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۹۴

می کنیم یک عامل درونی ما را به طرف غذا سوق می دهد و اگر چند ساعتی به تأخیر بیفتد اوقات مان تلخ می شود و ممکن است پرخاشگری هم بکنیم. علت این امر نیازهای زیستی و فیزیولوژیکی است یعنی وقتی مواد غذایی، آب و... در بدن کم می شود عضلات معده شروع به انقباض و فعالیت می کنند به گونه ای که ما را متوجه کنند که بدن نیاز به مواد غذایی دارد و این نیاز تبدیل به یک میل و یک حالت روانی می شود در نتیجه ما با علاقه و ولع سر سفره غذا می رویم و هر روز نیز این کار را تکرار می کنیم و هیچگاه نیز دلسرد و دلزده نمی شویم. به موازات این نیازهای مادی بعد غیرمادی وجود ما نیز برای ادامه حیات و بقاء نیاز به غذا دارد و باید غذای متناسب با آن تأمین شود خداوند که آفریدگار جسم و جان ماست همه نیازهای ما را تأمین کرده است و جالب اینجاست که ما به ازاء این نیازها چیزهایی است که با طبع ما بسیار سازگار است. خداوند جهان مادی را با انواع و اقسام مواد غذایی رنگارنگ و مطبوع خلق کرده است تا نیازهای مادی ما تأمین شود آموزه های دینی از جمله نماز، روزه و سایر عبادات برای ما به عنوان غذا مقرر فرموده و در قالب دین و از طریق وحی به پیامبران نازل کرده است. اگر ما انسان ها به این حقیقت پی ببریم که برای ادامه حیات معنوی روح ما نیازمند به غذاهای معنوی می باشد و با این غذای معنوی است که انسان از نگرانی و اضطراب رهایی یافته و آرامش می گیرد در اینصورت با علاقه و اشتیاق فراوان به استقبال نماز خواهیم رفت.

در خصوص علت بی علاقه گی به نماز نیز دلایل متعددی در این مساله دخیل است از جمله:

- عدم شناخت و توجه کافی نسبت به معبود
 - آسیب پذیری مقطع نوجوانی و جوانی است. این مقطع سنی، مقطع حساس و بحرانی برای جوانان و نوجوانان است، مسایل و بحران های بلوغ از یک طرف، شک و تردیدهای مذهبی از طرف دیگر، ناپختگی و بی تجربگی و گرایش سریع به الگوهای غیر واقعی که اهل نماز نیستند، زمینه هایی است که در خود فرد وجود دارد و باعث می شود که جوانان و نوجوانان علاقه چندانی به نماز نداشته باشند.
 - برخورد های نادرست والدین و مربیان نسبت به نماز خواندن کودک، نوجوان یا جوان می باشد که باعث زدگی و بی علاقه گی افراد نسبت به نماز می شود.
 - عدم درک صحیح از نماز و فلسفه آن به دلیل عدم شناخت از نماز و اهمیت و اسرار نهفته در آن.
- پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله) می فرماید: «لَوْ تَعَلَّمُ مَا لَكَ فِي الصَّلَاةِ وَمَنْ تُنَاجِي مَا انْفَتَلَتْ»^{۴۷۱}؛ «اگر بدانی نماز چیست و با چه کسی نجوی و گفتگو می کنی خسته نمی شود و نماز را به اتمام نمیبری»

^{۴۷۱} - بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۸۰

- جای گیری حب دنیا و زرق و برق آن در دل آدمی به خاطر اشتغال
- بیش از حد فکر و تعلق قلب به دنیا و مسائل و مشکلات مادی که زمینه بی علافگی نسبت به مسائل معنوی از جمله نماز را فراهم می نماید. پیامبر بزرگ خدا حضرت مسیح می فرماید: «صَاحِبُ الدُّنْيَا لَا يَلْتَدُّ بِالْعِبَادَةِ وَلَا يَجِدُ حَلَاوَتَهَا مَعَ مَا يَجِدُ مِنْ حُبِّ الْمَالِ»^{۴۷۲}؛ «دنیا پرست از عبادت و انس با خدا لذت نمی برد در حالیکه حب مال در دل او است»
- استفاده از غذای حرام و ناپاک.
- تکرار گناه به حدی که دل سیاه گردد و شوق عبادت گرفته شود.
- تاثیر پذیری از تبلیغات و تهاجم فرهنگی که موجب می شود انسان با اعمال عبادی احساس تحجر و عقب ماندگی کند.
- محیط و اجتماعی ناسالم و غیر دینی
- همنشینی با دوستان فاسد و بی نماز

نماز از روی ترس

- ۱۰۳- با وجود اینکه نماز رابطه عاشقانه انسان با خدا است پس چرا در صورت عدم ادا نماز به مجازات های سختی در قیامت مبتلا می شویم و به خاطر همین نماز رو فقط و فقط به خاطر ترس از جهنم می خونیم، نه از روی علاقه؟
- عبادت خداوند متعال نیز دارای درجات و مراتب متعددی می باشد که پائین ترین نوع عبادت آن است که انسان به خاطر ترس از جهنم خدا را عبادت کند و بالاترین نوع آن نیز آن است که انسان در رابطه ای عاشقانه به خاطر دوستیش با خدا او را عبادت کند
- امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ قَوْمٌ عَبْدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَوْفًا فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَقَوْمٌ عَبْدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ وَقَوْمٌ عَبْدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حُبًّا لَهُ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ»^{۴۷۳}؛ «عبادت کنندگان سه دسته اند: ۱- گروهی که خدای عز و جل را از ترس عبادت کنند و این عبادت بردگانست، ۲- مردمی که خدای تبارک و تعالی را بطمع ثواب عبادت کنند و این عبادت مُزدبگیران ۳- دسته ای که خدای عز و جل را برای دوستیش عبادت کنند و این عبادت آزادگان و بهترین عبادتست.

^{۴۷۲} - بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۰۹

^{۴۷۳} - بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۵۵؛ الکافی، ج ۲، ص ۸۴

اما اینکه خداوند متعال برای ترک نماز عذاب های سختی قرار داده به خاطر آن است که انسان و لو به خاطر ترس از جهنم هم که شده، خود را به خواندن نماز ملزم نموده و از فوائد بیشمار نماز محروم نگردد. همانگونه که در قوانین راهنمایی و رانندگی نیز چنین مساله ای را مشاهده می کنیم، بگونه ای که برای سلامت جان رانندگان و مسافران جریمه های سنگینی در نظر گرفته شده تا برخی رانندگان از ترس جریمه هم که شده خود را به قوانین پایبند نمایند و به این بهانه سلامتی آنها حفظ شود و این امر بدان معنا نیست که مسئولین راهنمایی و رانندگی به دنبال میچ گیری از رانندگان و یا آزار آنان باشند. بطور یقین در میان رانندگان نیز کسانی هستند که تنها به خاطر احترام به قانون رانندگی خوبی دارند و لو اینکه هیچ گونه جریمه ای برای تخلفات رانندگی وجود نداشته باشد.

لذا با توجه به روایت گفته شده آنچه که پرسشگر محترم پس از اصلاح دیدگاه خود باید در این مسیر انجام دهد آن است که در ابتدا هرچند به خاطر ترس از جهنم نماز خود را اقامه می نماید اما در ادامه مسیرعلاقه خود را نسبت به نماز بیشتر نمود و خود را از این مرتبه پائین به بالاترین مرتبه نماز که ارتباط عاشقانه با خداوند است برساند.

راه علاقه مند شدن به نماز

۱۰۴- ممکن است راهی جهت بوجود آمدن اشتیاق برای خواندن نماز به بنده معرفی کرده تا

نمازهای من از حالت کسل کننده ای که هم اکنون دارد، خارج شود؟ آیا برای تقویت جاذبه

نماز، سوره ای، دعایی وجود دارد تا با علاقه بیشتری نماز بخوانم؟

بطور کلی ما وقتی به نماز علاقه مند می شویم که نخواهیم فقط وقت نماز بنده خدا باشیم و در سایر اوقات برده هوا و هوس و دنیا، اگر در اوقات دیگر شبانه روز هم در ارتباط با خدا بودیم و در فضای عبودیت خدا نفس کشیدیم و گام برداشتیم، با اشتیاق و علاقه نماز خود را اقامه خواهیم نمود. با این حال موارد دیگری نیز در علاقه مندی انسان به نماز موثر است که به طور اختصار ذکر می نمائیم:

- ب- شناخت و توجه کافی نسبت به معبود و این که در نماز با چه کسی سخن می گوئیم
- ت- شناخت نسبت به اسرار و اهمیت نماز که توجه به هرکدام از آنها، به عمل انسان معنا و روح می بخشد و او را به نماز و عبادت علاقه مند می کند
- ث- دقت در آثار و برکات دنیوی و اخروی نماز
- ج- حتی الامکان نماز را به جماعت یا در مساجد خواندن؛
- ح- حتی الامکان ذهن و قلب را از تعلقات دنیا و نفس بیرون آوردن؛
- خ- با قاطعیت تمام توجه خود را به سوی پروردگار معطوف کردن؛
- د- مطالعه در نحوه و کیفیت عبادات ائمه(ع)؛

- د- حضور قلب داشتن در نماز.^{۴۷۴}
- ر- مطالعه سیره و رفتار اولیای الهی و عارفان، در نماز؛ که می تواند تاثیر زیادی بر انسان دارد و او را برای برپایی نماز عاشقانه و پر نشاط تشویق می کند.
- ز- توکل بر خدا و استعانت از خود نماز برای رفع کسالت و بی علاقگی بسیار مفید است همانگونه که خداوند فرموده است «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^{۴۷۵}.
- س- علاوه بر آن معاشرت و دوستی با انسانهای مقید به نماز و در صورت امکان، کم کردن و حتی قطع رابطه با انسانهایی که نماز نمی خوانند، در اشتیاق انسان به عبادت خدا بسیار مفید و مؤثر است.

اقسام نمازگزاران

- ۱۰۵- بازشناسی قرآن کریم از مردم نسبت به وظیفه عبادی نماز چیست؟
- در آیات متعدد قرآن کریم به زیبایی به بازشناسی و معرفی انواع برخورد مردم نسبت به نماز پرداخته شده است که فهرست وار خدمت شما ارائه می گردد:
- عده ای ایمان ندارند و نماز نمی خوانند: «فلا صدق و لا صلی»^{۴۷۶}
- عده ای مانع نماز دیگران می شوند: «ارایت الذی ینهی عبدا اذا صلی»^{۴۷۷}
- عده ای نماز را مسخره می کنند: «و اذا نادیتم الی الصلوٰة اتخذوها هزوا»^{۴۷۸}
- عده ای بی نشاط نماز می خوانند: «واذا قاموا الی الصلوٰة قاموا کسالی»^{۴۷۹}
- عده ای گاهی می خوانند و گاهی نمی خوانند: «فویل للمصلین الذینهم عن صلواتهم ساهون»^{۴۸۰}

^{۴۷۴} - مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پائیز ۸۰ ش، چاپ اول، ج ۱، ص ۵۹

^{۴۷۵} - (۲) البقرة : ۴۵

^{۴۷۶} - قیامت (۷۵)، آیه ۳۱

^{۴۷۷} - علق (۶۹)، آیه ۴۰

^{۴۷۸} - مائده (۵)، آیه ۵۸

^{۴۷۹} - نساء (۴)، آیه ۱۴۲

^{۴۸۰} - ماعون (۱۰۷)، آیه ۴

- عده ای به خاطر رسیدن به دنیا، از نماز کم می گذارند: «و اذا راءوا تجاره او لهوا انفضوا اليها و تركوك قائما» ۴۸۱؛ «هرگاه لهو و تجارتي دیدند به سوی آن روانه شده و تو را در حالی که به خواندن خطبه نماز ایستاده ای وامی گذارند.»

- بعضی نماز را با خشوع می خوانند: «والذين هم في صلوتهم خاشعون» ۴۸۲

- بعضی نسبت به نماز مراقبند: «و هم على صلوتهم يحافظون» ۴۸۳

- بعضی کار را به خاطر نماز رها می کنند: «رجال لا تلهيهم تجاره ولا بيع عن ذكر الله» ۴۸۴

- بعضی با نشاط به سوی نماز حرکت می کنند: «فاسعوا الى ذكر الله» ۴۸۵

- بعضی بهترین لباس را برای نماز می پوشند: «خذوا زينتكم عند كل مسجد» ۴۸۶

- بعضی عشق ثابتی نسبت به نماز دارند: «الذين هم على صلوتهم دائمون» ۴۸۷

- بعضی برای نماز سحرخیزی دارند: «فتهجد به نافلة لك» ۴۸۸

- بعضی شب را با نماز، صبح می کنند: «بيتون لربهم سجدا و قياما» ۴۸۹

- کسانی که بی هیچ عذر موجهی نماز جماعت را ترک کرده و فرادا نماز می خوانند. ۴۹۰

- بعضی سجده ای همراه با اشک دارند: «سجدا و بکيا» ۴۹۱. ۴۹۲

۴۸۱ - جمعه (۶۲)، آیه ۱۰

۴۸۲ - مؤمنون (۲۳)، آیه ۲

۴۸۳ - انعام (۶)، آیه ۹۲؛ معارج (۷۰)، آیه ۳۴

۴۸۴ - نور (۲۴)، آیه ۳۷

۴۸۵ - جمعه (۶۲)، آیه ۹

۴۸۶ - أعراف (۷)، آیه ۳۱

۴۸۷ - معارج (۷۰)، آیه ۲۳

۴۸۸ - اسراء، ۷۹

۴۸۹ - فرقان (۲۵)، آیه ۶۴

۴۹۰ - بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۵

۴۹۱ - مريم (۱۹)، آیه ۵۸

۴۹۲ - محسن قرائتی، یکصدو چهارده نکته درباره نماز، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۴ ش، مردم و نماز

لذت نبردن نماز

۱۰۶- چرا هر کار می‌کنم از نماز لذت نمی‌برم و حس می‌کنم فقط دارم به سری کلمات ادا می‌کنم اونم از سر وظیفه؟

اگر کسی نفس خود را که به توحید گرایش دارد، با حب نفس، حب جاه و مقام، حب به دنیا و... دفن کند، دیگر عظمت و کبریایی خداوند متعال را در مقابل این امور نادیده می‌گیرید و این همان مهمترین علتی که موجب لذت نبردن انسان از نماز می‌شود.

امام صادق - علیه السلام - تشریح این علت فرموده اند: «چون تکبیر (نماز) را گفتی، آنچه را که ما بین آسمان و زمین است در مقابل کبریای خدا کوچک و ناچیز شمار که اگر خداوند بر قلب بنده زمانی که تکبیر می‌گوید، بنگرد و در دل او چیزی باشد که از حقیقت معنای تکبیر باز می‌دارد، به او گوید: (ای دروغگو آیا مرا می‌فریبی؟ به عزت و جلالم سوگند که از شیرینی یاد خود محرمت کنم و از قرب به خودو شادمانی مناجاتم محجوبت سازم) پس به هنگام نمازگزار دنت دل خود را بیازما، اگر شیرینی نماز را و در (عمق) جان سرور و بهجت (حاصل از) آن را می‌یابی و دلت از راز و نیازها او شادمان است و از گفتگو با او لذت می‌برد، بدان که خداوند تو را در تکبیری که بر زبان رانده ای تصدیق فرموده است و گرنه، بدان که فقدان لذت مناجات و محرومیت از شیرینی عبادت دلیل بر این است که خداوند تو را (در تکبیرت) دروغگو دانسته و از درگاه خود رانده است.»^{۴۹۳}

علاوه بر این برخی دیگر از امور نیز موجب می‌شود تا انسان لذت نماز را از دست بدهد از جمله:

- وجود افکار پریشان و نبود صفای دل و حضور قلب در نماز.
- نشناختن نماز و اهمیت و اسرار نهفته در آن.
- استفاده از غذاهایی که حلال نیستند.
- استفاده از غذاهایی که پاک نیستند.
- تکرار گناه به حدی که دل سیاه گردد و شوق عبادت گرفته شود.
- مشغول بودن ذهن و فکر به هنگام نماز.

در پایان این بحث توجه به دو نکته لازم و ضروری است:

اول- اگر قرار بود هر امری که از جانب خداوند بر ما واجب شده است، با لذت همراه می‌شد، معلوم نبود چه کسی مؤمن است و چه کسی فاسق! چرا که مهم این است که امر خدا را اطاعت کرده و انجام تکلیف کنیم چه لذت ببریم و چه لذت نبریم؛ در این صورت معلوم می‌شود چه کسی عبد خدا است و چه کسی عبد هوای نفس!

^{۴۹۳} - بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۳۰

دوم- لذت بردن از مناجات با حضرت حق به خصوص در نماز، به تدریج و به مرور زمان، همراه با مراقبت و سعی و تلاش حاصل خواهد شد. پس باید صبور بود و عجله نکرد.

درک لذت نماز

۱۰۷- چه کار کنم از نمازی که می خوانم لذت ببرم؟

برای اینکه از نماز و عبادت لذت ببریم، ابتدا باید بدانیم که عبادت چیست، چگونه ارتباطی است و سپس حقیقت عبادت را در خودمان محقق کنیم و به ارتباط خود با خدای متعال عمق ببخشیم و سجاده را به می عشق حق تعالی رنگین سازیم تا از عبادت و نماز لذت ببریم و برای رسیدن به این هدف باید نسبت به موارد ذیل مراقبت نمود.

الف- بالا بردن سطح معرفت خود نسبت خدای تعالی

بی شک هنگام صحبت کردن با فردی بزرگوار و دارای مقامات عالی، اگر انسان نسبت به او شناخت نداشته باشد، نه تنها از هم صحبتی با او لذت نمی برد، بلکه ادب حضور و هم کلامی با او را نیز رعایت نمی کند. آیا تا به حال از خود پرسیده ایم که شناخت ما از خدای خویش چقدر است؟ آیا نسبت به صفات الهی آگاهی داریم؟ الرحمن یعنی چه؟ الرحیم به چه معناست؟ حمد و سپاس چرا باید مخصوص پروردگار باشد؟ و... چرا امثال ما از نماز لذت نمی ببریم، در حالی که معصومین (علیهم السلام) نماز را نور چشم خود می دانستند؟

مطالعه ی کتاب های خدانشناسی، پرسش از علما و صاحب نظران در این خصوص و همنشینی با صاحب نفسان و اهل تقوا، کمک زیادی در این زمینه خواهد کرد.

ب- تفکر و مطالعه در مورد نماز

هر یک از مقدمات و ارکان و اجزاء نماز، دارای فلسفه و حقیقتی است که درک و آگاهی نسبت به آنها در بهره بردن و حظ معنوی از نماز، مؤثر است. مطالعه ی کتب بزرگان و اهل سلوک، از قبیل اسرار الصلوة مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (رضوان الله تعالی علیه) کتب تفسیری درباه ی سوره ی حمد و توحید، در فهم حقیقت نماز و انس با آن بسیار مؤثر است.

ج- توجه به معانی نماز (هم از جهت معنوی و هم از جهت کاربردی)

اگر قبل از هر عبارت نماز، معنای آن را در ذهن تداعی کنید و سپس الفاظ عربی آن را بیان کنید (معنی لغوی) ملاحظه خواهید کرد که دیگر نمازتان نمازی بی روح و کسالت آور نخواهد بود؛ بویژه اگر پس از تمرین و ممارست در توجه به معانی لغوی عبارات نماز، به معنای کاربردی آن توجه کنید، از نمازتان لذت خواهید برد.

مثلاً وقتی عبارت الحمد لله رب العالمین را بر زبان جاری می کنید به یاد نعمتهای الهی افتاده و لطف پروردگار را در احسان و بخشش او در نعمتهای بی شمارش متذکر شوید؛ در این صورت ارتباطی لذت بخش بین شما خدای متعال برقرار خواهد شد.

د - خواندن نماز در اول وقت

مداومت بر نماز اول وقت، کم کم انس با نماز را ایجاد خواهد کرد. کسی که هر کاری را بر نماز ترجیح می دهد، نماز خواندن را برای اوقات بی کاری خود می گذارد و هنگام نزدیک شدن به طلوع یا غروب آفتاب نمازش را می خواند، هیچ گاه از نماز خواندن، لذت نخواهد برد.

ه- پرهیز از دنیا دوستی

انسان همیشه به چیزی توجه دارد که نسبت به او محبت دارد. کسی که همه ی توجهش به دنیا و زرق و برق آنست چگونه می تواند از نمازش لذت ببرد؟ ما دو نوع لذت داریم، لذت های مادی و لذت های معنوی. لذت از نماز جزء لذت های معنوی انسان است. کسی که از لذت های مادی مانند موسیقی و فیلم و ماهواره و زن و خانه و ماشین و شهوات و مانند آن بیش از آن مقداری که مشروع است، لذت می برد و عادت هم کرده است، اگر بخواهد از معنویات لذت ببرد باید از اینگونه لذت ها فاصله بگیرد و کم کم موضوع لذت هایش را عوض کند و سعی کند از نماز و عبادت و مناجات حق تعالی لذت ببرد تا مذاق جانش عوض شود و به جای لذت های مادی لذت های معنوی جایگزین شود. اگر در زندگی به ضرورت از دنیا استفاده کنیم و به آن دل نبندیم، بسیاری از مشکلات ما حل خواهد شد.

ز- یاد خدا در همه حال

اگر انسان، در هر موقعیتی خدا را ناظر بر اعمال و رفتار خویش ببیند و این ذکر و یاد را در درون خود تقویت کند، کم کم نسبت به خداوند محبت پیدا کرده و با یاد او انس می گیرد؛ لذا چنین کسی وقتی در معرض شنیدنیها، دیدنیها، خوردنیها و... قرار می گیرد اول از خود سؤال می کند: آیا خدای من که ناظر من است از این کار من راضی است؟ بنابراین با یاد خدا از حرامها اجتناب کرده و با یاد خدا به واجباتش عمل می کند. این فرد به تدریج به یاد خدا دل می بندد و اوقات نماز را بهترین زمان برای معاشقه با محبوبش می داند.

تشویق کودکان به نماز

۱۰۸- برای تشویق کودکانمان به نماز چه کارهایی باید انجام دهیم؟

برای تشویق کودکان به نماز راههای گوناگونی وجود دارد که متناسب با روحیات هر کودک مورد استفاده قرار می گیرد که در این قسمت به تعدادی از آنها اشاره می نمائیم؟

- تهیه لباس مخصوص و سجاده و تسبیح زیبا و یا برای دختر بچه ها مقنعه و چادر زیبا و مناسب

- تشویق کودکان و نوجوانان هنگامی که نماز می خوانند.
- تشکیل نماز جماعت در منزل یا بردن بچه ها به مساجد
- نقل قصه ها و داستان های شیرین در حد فهم آنان از نماز بزرگان
- نقل اشعار و احادیث زیبا در باره نماز
- ترک مستحبات در ابتدای کار، طول ندادن نماز و رعایت توانایی کودکان و نوجوانان
- رعایت نظافت محل نماز و بردن آنها در مساجدی که نظیف است و جلب توجه می کند
- خود والدین به نماز اهمیت بدهند و در اول وقت آمادگی خود را نشان دهند.
- بیان عظمت نماز با زبان کودکانه
- آنها را از مصاحبت با افراد بی نماز و یا آنانی که به نماز اهمیت نمی دهند دور نگاه داشتن^{۴۹۴}
- تشویق کودکان و نوجوانان به شرکت در نماز جماعت و اختصاص جایزه از طرف امام جماعت یا متولیان امور مسجد به کودکان.
- حضور و همراهی والدین با فرزندان در برنامه های مذهبی مساجد.

تربیت فرزندان با نماز

۱۰۹- به عنوان والدین چه کارهایی در تربیت فرزندانمان باید انجام دهیم تا آنها نماز خوان بار

بیایند؟

اقداماتی که والدین درباره نمازخوان کردن فرزندانمان باید انجام دهند به شرح ذیل می باشد

یک- دعا کردن برای نمازخوان شدن فرزندانمان

همانگونه که حضرت ابراهیم (علیه السلام) برای فرزندان خود دعا نمود تا از اقامه کنندگان نماز باشند و به خداوند متعال عرضه داشت: « رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي »^{۴۹۵}؛ « پروردگارا: مرا برپا کننده نماز قرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین فرما) » والدین نیز وظیفه دارند در مرحله اول برای نماز خوان شدن فرزندانمان دعا نمایند.

دو - ایجاد تصویر صحیح و روشن از دین در ذهن فرزندان

بعضی از بچه ها فکر می کنند دین یعنی حزن، اشک و انجام یک سری از کارها که به درد آخرت می خورد و تاثیری در زندگی دنیا ندارد. باید بحث «دین و زندگی» را برای آنان به تصویر کشید که دین برنامه سعادت بخش دنیا و آخرت انسان است و نماز، بخش فراوانی از آثارش در همین دنیا به انسان می رسد.

^{۴۹۴} - مجتبی کلباسی، مجتبی کلباسی، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، نهم، ص ۳۵

^{۴۹۵} - ابراهیم (۱۴)، آیه ۴۰

سه- الگوی عملی بودن برای فرزندان نسبت به نماز

اگر بچه ها ببینند بهترین اوقات پدر و مادرشان زمانی است که آنها به نماز ایستاده اند، و آرام ترین، راحت ترین شرایط و هیات پدر و مادر زمانی است که وقت اذان است، زمانی که می خواهند برای نماز آماده شوند. می بینند که زیباترین جامه، خوش بو ترین و معطر ترین لباس در تن پدر و مادر زمانی است که می خواهند نماز بخوانند و از نظر اخلاقی خوش اخلاق ترین زمان عمرشان است آن وقت می بینیم این نماز تداعی می شود با بهترین احساسات، برای بچه می ماند و بچه همان موقع بدون این که پدر و مادر بخوانند روع می کند به نماز خواندن و به نماز علاقه مند می شود.

چهار - سخت و تلخ نکردن نماز برای فرزندان

امام کاظم (علیه السلام) از پدرشان و از جدشان (علیهم السلام) نقل کرده اند که فرمودند: «أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع يَأْمُرُ الصَّبِيَّانَ أَنْ يُصَلُّوا الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ جَمِيعًا فَقِيلَ لَهُ يُصَلُّونَ الصَّلَاةَ فِي غَيْرِ وَقْتِهَا قَالَ هُوَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَنَامُوا عَنْهَا»^{۴۹۶}؛ پدرم علی بن الحسین (علیه السلام) به بچه ها می فرمودند: نماز مغرب و عشا را پشت سر هم بخوانند به حضرت عرض کردند: [نماز عشا] در غیر وقت [فضیلت] خوانده می شود فرمودند: این بهتر است که خوابشان ببرد و اصلاً نماز نخوانند.»

پنج- تشویق به نماز با کمک ابزارهای مختلف

شش- نقل سخنان بزرگان و دانشمندان درباره نماز و ارتباط عملی بعضی از آنها با نماز^{۴۹۷}

هفت- مانوس ساختن فرزندان با مسجد

هشت - آموزش و تشویق گام به گام فرزندان نسبت به نماز

از مهمترین اقدامات والدین برای تربیت و تشویق فرزندان برای نماز، تربیت و تشویق گام به گام نماز به آنها می باشد.

امام صادق علیه السلام در خصوص نحوه آموزش گام به گام به کودکان اینچنین بیان داشته اند: هنگامی که کودک به سه سالگی رسید، به او گفته می شود که هفت مرتبه ((لااله الاالله)) بگوید. بعد او را آزاد بگذار تا زمانیکه سن او به سه سال و هفت ماه و بیست روز که رسید به او گفته می شود که هفت مرتبه بگوید «محمد رسول الله» بعد او را آزاد بگذار تا چهار سال او تمام شود آن گاه به او بگو هفت مرتبه ((صلی الله علی محمد و آل محمد)) بگوید.

پس او را آزاد بگذار تا هنگامی که پنج سالش تمام شد، آنگاه دست راست و چپش را به او یاد بده، وقتی آن ها را شناخت، او را به سمت قبله بنشان، و به او بگو: ((سجده کن)).

^{۴۹۶} - بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۳۶۴

^{۴۹۷} - محمد وحیدی، دانستی های لازم از نماز، قم، موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۷ش،

سپس او را تا شش سالگی آزاد بگذارد. و بعد از آن به او نماز خواندن و رکوع و سجود را یاد بده. هنگامی که هفت سالش تمام شد، آنگاه به او بگو: ((دست و صورتت را بشوی)) و هنگامی که شست، به او بگو: ((نماز بخوان)).

و بعد او را تا تمام شدن نه سالگی آزاد بگذارد و سپس به او وضو را یاد بده^{۴۹۸}.^{۴۹۹}

پیوند نماز و جوانان

۱۱۰- چگونه می توان بین نماز و جوانان پیوند ایجاد کرد؟

راه‌های جذب جوانان به نماز و آگاهی دادن آنها نسبت به نماز، بسیار متنوع و متناسب با شرایط فردی و اجتماعی جوانان است، ولی عمده راه‌های تعمیق گرایش‌های آنها به مسائل معنوی و نماز، در چهار مورد ذیل خلاصه می‌شود:

یک - تعمیق بنیه های فکری و اعتقادی

در آغاز بایستی زیر بناهای فکری فرد را مورد بررسی قرار داد و در اصلاح آن کوشید.

دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد و... اموری است که نتیجه مستقیم بر عمل کرد فرد دارد. پس باید به تقویت و اصلاح این مبانی کوشید.

نماز، عملی است که در مجموعه عقیده توحیدی، دارای معنا و فلسفه است. پس در آغاز بایستی این مجموعه شناخته شود تا نماز جایگاه خود را در ذهن و اندیشه فرد باز یابد.^{۵۰۰}

دو - بالا بردن سطح آگاهی جوانان درباره نماز

بالا بردن سطح آگاهی و شناخت آنها درباره فلسفه، جایگاه و اهمیت نماز؛ می‌تواند با استفاده از شیوه‌های تشویق، اهدای کتاب‌های مناسب و تأیید شده و جذاب، برگزاری مسابقات، جلسات آموزش - تفریحی، اردو و غیر اینها انجام شود.

سه - ارائه الگوی مناسب

ارائه الگوی مناسب می‌تواند از سوی والدین، مربیان و دوستان صورت پذیرد؛ این الگو می‌تواند اهمیت دادن به نماز اول وقت، حضور در مساجد و نماز جماعت، مطالعه کتاب‌هایی درباره اهمیت نماز و بازگو کردن آن و کارهایی این چنینی باشد.

چهار- مشاوره با کارشناسان دینی و تبلیغی، به ویژه در موارد خاص، مفید و در برخی مواقع لازم است.^{۵۰۱}

^{۴۹۸} - وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۴

^{۴۹۹} - در این زمینه مطالعه کتاب «روشهای پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، دکتر غلامعلی افروز» توصیه می‌شود.

^{۵۰۰} - مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پائیز ۸۰ ش، چاپ اول، ج ۱، ص ۶۲

^{۵۰۱} - سعید شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اکبر، پاییز ۱۳۸۷ ش، سوم، ص ۱۲۴

گسترش فرهنگ نماز

۱۱۱- فرهنگ نماز و راهکارهای پیشنهادی برای جاری شدن فرهنگ نماز در جامعه به خصوص

دانشگاه ها را تبیین کنید.

راهکارهای متعددی جهت جاری شدن فرهنگ نماز در جامعه بویژه دانشگاه ها وجود دارد که بطور قطع اگر هر یک از افراد، نهادها و دانشگاه های دولتی و غیر دولتی به وظیفه خود به خوبی عمل نماید می تواند در ترویج فرهنگ نماز نقش بسیار موثری داشته باشد.

بعضی از این راهکارها از قرار ذیل می باشد.

الف: ترویج عملی نماز:

امام صادق(علیه السلام) فرمود: «كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْوَرَعَ وَ اَلِاجْتِهَادَ وَ الصَّلَاةَ وَ اَلْخَيْرَ فَاِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ»^{۵۰۲}؛ «مردم را با غیر از زبان‌های تان دعوت کنید [به سوی دین] تا این که مشاهده کنند از شما تقوا و اجتهاد و نماز و خیر و نیکی را، پس این است (چهار چیز) دعوت [واقعی مردم به دین].»
بر همین اساس اگر مردم مسولین تمامی رده ها را به هنگام نماز در مساجد مشاهده کنند و یا دانشجویان به هنگام نماز مدیران و اساتید دانشگاه خود را آماده برای اقامه نماز ببینند این امر موجب الگو گیری آنها شده و زمینه نماز خوان شدنشان را فراهم می نماید.

گذشته از اینکه عملکرد صحیح، ساده زیستی و پایبندی نمازگزاران به اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی نیز نقش موثری در ترویج فرهنگ نماز در جامعه دارد چراکه وقتی نمازگزار اینگونه رفتارها را از خود ارائه دهد، افراد غیر نمازگزار (تارک نماز و کاهل در نماز) سرمشا این برکات را نماز دانسته و تحت تاثیر این رفتارها قرار گرفته، تشویق به نماز خواندن می شوند.

ب: اقامه نماز بصورت جماعت

اگر نماز به صورت جماعت و در منظر عموم برگزار شود، اثرش هزاران برابر بیشتر از نماز فرادا است، لذا قرآن کریم برای همین اهمیت می فرماید: « و اركعى مع الرّكعين »^{۵۰۳}؛ « با رکوع کنندگان رکوع نما. »
لذا اگر همه سعی نمایند در هر جایی که هستند نماز خود را اول وقت و به جماعت اقامه نمایند، در این صورت دیگران با مواجه شدن با چنین صحنه ای و اینکه همه در این برنامه شرکت دارند حتی آنهایی که شاید به تصورشان اهل نماز نیستند، آنها نیز به برگزاری نماز تشویق می شوند.

ج: ترویج تشکیلاتی و سازمان یافته نماز

باید با سازماندهی در تبلیغ و ترویج نماز جهت ایجاد و افزایش مهارت در نماز بکوشیم و اگر با یک یا دو نفر ممکن نمی شود با افراد بیشتری اقدام کنیم.

^{۵۰۲} - الکافی، ج ۲، ص ۷۸

^{۵۰۳} - آل عمران (۳)، آیه ۴۳

در این خصوص علاوه بر اینکه می توان از برنامه های آموزشی و تربیتی مساجد و رسانه ها استفاده نمود، باید برنامه ریزی فعالیت های تمامی ارگان ها و سازمان ها به نحوی باشد که با نماز تلاقی ننماید به عنوان نمونه برنامه های جذاب صدا و سیما، برگزاری جلسات ارگان ها و کلاس های درس مدارس و دانشگاه ها بگونه ای تنظیم گردد که با نماز اول وقت تلاقی نداشته باشد، همچنین می توان با ایجاد فضای مناسب - از جهت زیبایی، نظافت و فضای معنوی - جهت اقامه نماز در اماکن عمومی و جاهایی که همواره مردم در آن اجتماع نموده و یا رفت و آمد می کنند مانند فرودگاهها، ایستگاههای قطار، بندرها و بازار و بازارچه ها و... نمازخانه ها یا مساجدی بنا کرد.

د: استفاده از ابزار و زبان روز جهت ترویج نماز

در برنامه های دینی از جمله ترویج نماز، باید از هر روش درستی بهره برد و درخور فهم مردم و با زبان آنان سخن گفت

در این راستا نیز ارگان هایی همچون وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات اسلامی و صدا و سیما از هنر به ویژه سینما برای نشان دادن گوهر نماز و چهره نماز و نمازگزار می توانند بهره بگیرند، علاوه بر اینکه هنرمندان نیز با زبان شعر و قصه و نقاشی و با آفرینش آثار هنری با کیفیت هنر را برای ترویج فرهنگ نماز به کار گیرند. در مجامع دانشگاهی نیز فراخور جایگاه عملی دانشجویان می توان به تبیین آثار و ثمرات علمی نماز پرداخت.

ارشاد بی نماز

۱۱۲- یک فرد بی نماز را چگونه می توانیم ارشاد و راهنمایی نمائیم بگونه ای که از اسلام خسته

نشوند و در نهایت نماز خوان گردد؟

خداوند متعال جهت هدایت بشر سه ابزار مهم را در نهادش به ودیعت گذاشته که می توان با به کارگیری این ابزارها به اصلاح زیر بناهای فکری افراد بی نماز پرداخته و آنها را به نماز تشویق و ترغیب نمود.

راه فطرت

همه انسانها دارای فطرت الهی می باشند لذا می توانید از این ویژه گی خدایی بهره جسته و شخص مورد نظرتان را تشویق به نماز کنید و به عنوان نمونه اینگونه مطرح نمائید که:

برخی از مسائل است که تنها به دست خدا بوده و هیچ بشری نمی تواند در آن دخل و تصرف کند مانند طول عمر و عافیت و سلامتی، کمی یا زیادی روزی و یا اینکه زندگی انسان همیشه به یک منوال نبوده و بسیاری از اوقات دچار فراز و نشیب های گوناگون می شود که غیر از خدا پناهگاهی ندارد.

از او بپرسید در چنین مواقعی می خواهد دست به دامن چه کسی بشود اگر می خواهد دست به دامن چه کسی بشود؟ اگر می خواهد دست به دامن غیر خدا بشود که از آنها کاری بر نمی آید و اگر می خواهد از

خدا استمداد بجوید این کار را چگونه می خواهد انجام دهد؟ آیا می تواند از خدایی که به دستوراتش گوش نداده بخواهد که او به حرفش گوش کند و خواسته اش را برآورده سازد؟!

پس انسان باید یک راهی را جهت ارتباط بین خود و خدا برای خود باز بگذارد تا بتواند در چنین مواقعی به درگاه الهی التماس کند و بهترین راه همان نماز می باشد.

از ویژگی های فطری هر انسانی این است که در مقابل نعمتی که دیگران به وی عطا می کند سپاسگذار بوده و تشکر می نماید. فطرت انسان خواهان تشکر از ولی نعمت است. پیامبر خدا فرموده اند: «جِبَلَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا»^{۵۰۴}؛ «بر اساس دوستی و محبت کسی که به انسان احسان کند، آفریده شده است» و از آنجا که در اصل خدای سبحان خالق و هستی بخش ماست و از سویی همه نعمت ها و برکاتی که در زندگی ما وجود دارد از آن اوست. بنابر این لازم است به اقتضای تکلیف فطری خودمان از قادر مَنان تشکر کنیم. حال این تشکر باید به چه شکل و کیفیتی باشد؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بهترین نوع تشکر و تعظیم در برابر خداوند را از راه نماز به ما معرفی فرموده اند.

در روایتی از امام سجاد علیه السلام نقل شده که فرموده اند: «آنقدر پیامبر در نماز ایستاد تا قدمهایش ورم کرد چنان در روزه داری تشنه میشد آب دهانش خشک می گردید، گفتند یا رسول الله مگر خداوند وعده مغفرت بتو نداده؟ میفرمود آیا بنده شکرگزار خدا نباشم؟

خدای را سپاس بر نعمت و آزمایشش و او را ستایش از ابتدا تا انتهای روزگار بخدا سوگند اگر اعضايم قطع شود و چشمانم بر روی سینهام بیفتد هنوز سپاس یک دهم از یک نعمت از نعمتهای بی شمارش را نکرده ام ستایش تمام ستایشگران بپایه یک نعمت او نمیرسد»^{۵۰۵}

راه عقل و استدلال

یکی از مهمترین ابزارهایی که خداوند متعال در اختیار بشریت قرار داده عقل و اندیشه می باشد که بوسیله آن به مصالح و مفاسد خود پی برده و می تواند مسیر صحیح را انتخاب نماید. با طرح موضوعات و مسائل گوناگونی این ابزار مهم را به کار انداخته و افراد را به اندیشه وادارید تا به این وسیله به نماز رو بیاورند.

یاد آوری نمائید که اگر بر فرض خواندن نماز، واجب نباشد و یا کار درستی نباشد؛ آنهایی که نماز می خوانند در برابر آنهایی که نماز نخوانده اند چیزی را از دست نداده اند (چون به غیر از مدت کوتاهی که در روز برای نماز گذاشته اند مانند بقیه مردم از این دنیا بهره برده اند)؛ اما اگر آنچه را که نماز خوانها می گویند درست باشد (که قطعاً نیز همینگونه است) کسانی که نماز خوانده اند نجات یافته اند و آنهایی که

^{۵۰۴}- بحار الأنوار ج ۷۴، ص ۱۴۲

^{۵۰۵}- بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۵۷

نماز نخوانده اند بی بهره مانده و گرفتار عذاب می شوند و هر انسان خردمند و عاقلی ترجیح می دهد راهی را انتخاب کند که ضرری متوجه او نشود.

امام صادق (علیه السلام) در یکی از این مناظرات به ابن ابی العوجاء فرمود: «اگر امر چنان باشد که تو میگوئی؛ و حال آنکه چنان نیست که تو میگوئی ما نجات یافتیم و تو نجات یافتی؛ و اگر امر چنان باشد که ما میگوئیم و حال آنکه آن چنانست که ما میگوئیم ما نجات یافتیم و تو هلاک شده ای.»^{۵۰۶}

وی را با فلسفه نماز آشنا نمائید در این خصوص علاوه بر اینکه وی را با کتابهایی که در این خصوص به نگارش در آمده آشنا می نمائید^{۵۰۷}؛ در فرصت‌های مناسب فلسفه نماز را بیان کنید مثلاً سؤال و جواب‌هایی که قبلاً تهیه دیده‌اید، بین شما و دیگران مطرح و جواب داده شود. البته لازم‌هاش مطالعه و پیش بینی قبلی است.

بر اساس آیات و روایات اهمیت و آثار و برکات نماز را یادآوری نمائید.^{۵۰۸} و پیامدهای منفی دنیوی و اخروی ترک نماز را مطرح نمائید به خصوص اگر به روش غیرمستقیم ارائه گردد و موجب تنبه و موعظه کردن را فراهم سازد.

هر از چند گاهی (همچون شب های جمعه) سری به قبرستان و گذشتگان بزنید و به وی گذر عمر و مرگ و بیهوده نبودن جهان هستی را یاد آور شوید که این امر علاوه بر اینکه تاثیر بسزایی در کاهش روحیه تکبر و غرور دارد انسان را به فکر و عبرت اندوزی فرو خواهد برد.

دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد و... اموری است که دارای نتیجه مستقیم بر عملکرد فرد است. پس باید به تقویت و اصلاح این مبانی کوشید. اگر خلأ عمده‌ای که موجب ترک نماز شده، مشکل فکری است و در فلسفه نماز دچار اشتباه شده و آن گاه نتیجه نادرستی گرفته است به پر کردن این خلأ فکری بپردازید و راه اصلاح وی نیز تصحیح اندیشه ایشان است که البته کار آسانی هم نیست و نیازمند فرصتی طولانی و نیز استفاده از روش‌های اصولی و تدابیر خردمندانه است.

راه عاطفی

از او سوال نمائید که دوست دارد چگونه فرزندی داشته باشد فرزندی که نسبت به مسائل دینی مقید باشد و یا فرزندی که در خصوص مسائل دینی بی موالات باشد و اگر جواب وی این است که دوست دارد فرزندش مقید به مسائل دینی باشد به او متذکر شوید که نسبت به این مساله فکر کند که یک مادر بی موالات نسبت به مسائل مذهبی چگونه می تواند فرزندی متدین را تربیت نماید.

^{۵۰۶} - التوحید للصدوق، ص ۲۹۸ - الکافی، ج ۱، ص ۷۵

^{۵۰۷} - در خاتمه همین کتاب به کتاب‌هایی که در این زمینه مفید می باشد اشاره شده است .

^{۵۰۸} - در این خصوص از مطالبی که در فصل « جایگاه و اهمیت نماز » ذکر گردیده می توانید استفاده نمائید .

اگر دوستانی مذهبی و از خانواده های مذهبی دارد از طریق آنها می توان توجه او را بیشتر به نماز جلب کرد به این صورت که اگر مسجدی در نزدیکی خانه ی شماست به دوستان او تلفن بزنید که بیایند در خانه و او را با خود به مسجد ببرند و او را با مسجد مرتبط بسازید یقیناً اثر بسیار چشمگیری بر او خواهد گذاشت.

از اتفاقات پیرامونی خود جهت راهنمایی وی استفاده کنید به عنوان مثال شنیدن خبر مرگ ناگهانی دوستان و آشنایان و فامیل معمولاً بسیار بر روی افراد تاثیر می گذارد و شما می توانید در چنین موقعیت هایی متذکر شوید که مرگ معلوم نیست چه موقع به سراغ ما بیاید و چه بسا فرصت جبران گذشته را به ما ندهد و اگر ما دست خالی به آن دنیا برویم سرنوشت بسیار بدی پیدا خواهیم کرد؛ پس چه خوب است تا زنده ایم فرصت را غنیمت شمرده و برای خود ره توشه ای ذخیره نمائیم.

از داستانهای عبرت آموز بهره بگیرید که می توانید به کتابهای ذیل مراجعه نمائید.

* داستانها و حکایتهای نماز (یک) - مؤلف: رحیم کارگر محمدیاری - ناشر: ستاد اقامه نماز

* داستان نماز عارفان - مؤلف: سید مهدی شمس الدین - ناشر: ستاد اقامه نماز

* بهترین پناهگاه - مؤلف: رحیم کارگر محمدیاری - ناشر: ستاد اقامه نماز

از اصول و عقایدی که تا کنون نسبت به آنها پایبندی خود را حفظ نموده بهره کافی را ببرید مثلاً ممکن است وی ارادت خود را نسبت به امام حسین علیه السلام حفظ کرده باشد لذا شما می توانید با بیان داستان عاشورا بگوئید که ایشان در بدترین شرایط، در اول وقت نماز خواند پس چه جوابی به امام خواهیم داشت اگر از ما بپرسد که من در چنین شرایطی نماز را ترک نکردم چرا تو که ادعای محبت من را داری با وجود آرامش و تمامی امکانات رفاهی نمازت را نمی خواندی؟

و یا ممکن است کسی چون به شفاعت معصومین (علیهم السلام) اعتقاد دارد بگوید که ما چون شیعه هستیم هر کار بکنیم بالاخره مورد شفاعت ائمه علیهم السلام قرار می گیریم و بهشتی می شویم! در پاسخ به وی بگوئید: امام صادق علیه السلام در آخرین لحظات مرگ خود دستور داد تمامی خویشاوندانش را جمع نمودند و به آنها فرمود «ان شفاعتنا لا تنال مستخفاً بالصلاة»^{۵۹}؛ «بشفاعت ما نخواهد رسید کسی که نماز خود را سبک شمارد.»

سعی کنید افرادی که صحبت آنها بر روی آنان نافذ است، پیدا کنید و از آنان بخواهید که با مهارت و شگرد شایسته‌ای، با آنها درباره نماز صحبت کنند. این کار را می‌توان از طریق جلسه میهمانی یا در طول مسافرت به انجام رساند .

تلاش کنید از نماز بزرگان و شخصیت‌ها نخبه های علمی، فرهنگی و ورزشی در نزد ایشان صحبت کنید مثلاً حضرت علی (ع) با همه شخصیت و گرفتاری‌هایی که داشتند، چگونه و با چه اشتیاقی به اقامه نماز

^{۵۹} - بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۸

می‌پرداختند. همچنین گرایش رجال بزرگ سیاسی، علمی همچون شهید رجایی، شهید بابایی و... به نماز را، به ایشان گوشزد کنید .

در پایان جهت رسیدن به نتیجه مطلوب و عملی شدن آنچه تا کنون گفته شد نکاتی را حتما باید لحاظ نمائید

۱- برای دستیابی به توفیق هدایت بی نماز به ائمه اطهار(علیهم السلام) متوسل شوید و آنها را در پیشگاه خداوند واسطه کنید که خداوند توفیق چنین عملی را به شما عطا فرماید.

۲- میزان تاثیر گذاری خود را در بی نماز (که می تواند همسر، فرزند و یا دوست و برادر شما باشد) بیشتر کنید

۳- متناسب با جایگاهی که طرف مقابل شما از لحاظ سنی و یا نوع ارتباطی که با شما دارد مثل دوست، خواهر، برادر، همسر و یا فرزند می توانید از ابزارهای تشویقی متناسب با هر یک استفاده نماید مثلا برای کودک دختر چادر نماز زیبا و یا جا نماز تهیه کنید و از مادر وی بخواهید که وقتی نماز می خواند برای او نیز جا نماز پهن نماید و....

۴- مطالب مندرج در این نوشتار برنامه هایی عملی می باشد که پیاده نمودن آنها نیاز به صبر، حوصله و زمان می باشد بنابراین تمامی آنچه گفته شد را به عنوان یک مقاله و یا مطلب علمی نمی توان به بی نماز ارائه نمود، بلکه هر کدام از این موارد را به تناسب موقعیت و در فرصتهای مناسب به مرور زمان پیاده نمائید.

۵- در هیچ یک از مراحل گفته شده از برخورد نیک و ملامت آمیز و احترام نهادن دور نشوید. این را بدانید که با فشار و اجبار کسی را نمی توان هدایت نمود و چه بسا تأثیر منفی آن بیشتر از هدایت گردد. اگر رابطه شما با همسرتان اکنون به جبهه گیری و حساسیت نشان دادن و صف آرایی منتهی شده است برای مدتی سکوت کرده و حرفی به او نگوئید و به دنبال اجرای روش غیرمستقیم باشید و به شکلی از همکاری افراد دیگر بهره مند شوید .

۶- مسوئلیت بعضی برنامه های نماز را به وی بسپارید مثلا از او بخواهید تا وقت نماز را به شما یاد آوری نماید.

۷- از زور و تحمیل خودداری نمائید چراکه تحمیل فطرت خداداد را منحرف می سازد و او را از خواندن نماز منصرف می کند .

۸- تمام انتظارات و دستورات خود را در قالب محبت و دوستی بیان کنید .

۹- به شخصیت او به خصوص در جمع دوستان احترام بگذارید .

۱۰- توان روحی و جسمی و روانی او را در عمل به خوبی ها و ترک بدی ها مد نظر داشته باشید و فراتر از توانش از او انتظار نداشته باشید .

- ۱۱- از سخت گیری و زیاده روی پرهیز نموده و نماز را سهل و آسان جلوه دهید و به او متذکر شوید که میزان وقتی که انسان در طول ۲۴ ساعت روز، برای نماز صرف می نماید در مقایسه با وقتی که انسان برای خواب و خوراک و حتی دیدن فیلم و یا اینترنت می گذارد چیزی نیست.
- ۱۲- بی نماز باید این موضوع را درک نماید که آنچه که شما مطرح می نمائید از سر دلسوزی و شفقت و مهربانی، همراه با رأفت و رحمت، و عشق و موعظه حسنه می باشد و نیت دیگری ندارید.
- ۱۳- به هنگام گفتگو باید از جدال خصمانه و غرور و خودمحموری به دور بود و پرسش و پاسخ‌هایی که رد و بدل می شود باید نیکو، منطقی و اقناع کننده و برای کشف حقیقت باشد لذا از بحث و جدل های بی فایده که ثمره ای جز بی احترامی به یکدیگر و بسته شدن راههای دیگر ندارد جداً خوداری کنید .
- ۱۴- در صورت اقدام به اقامه نماز، ایشان را مورد تشویق قرار دهید.
- ۱۵- صفات پسندیده و نقاط مثبتی که در ایشان هست را مد نظر قرار دهید و همواره ایشان را به خاطر آن ویژگی های مثبت مورد احترام و تکریم قرار دهید.
- ۱۶- علاوه بر معرفی کتاب هر چیزی که احتمال می دهید در تشویق او برای خواندن نماز مفید است فراهم کنید مثلاً از نوار سخنرانی مربوط نماز یا فیلم مربوط به نماز و... کمک بگیرید.
- ۱۷- می توانید آیات یا احادیثی که در مورد اهمیت نماز است در معرض دید او نصب کنید.
- ۱۸- هرگز وی را سرزنش نکنید و از طریق نکوهش و سرزنش نخواستہ باشید افکار و اندیشه های خود را به وی منتقل و یا تحمیل کنید و به جای این که بی نماز را به خاطر نماز نخواندنش سرزنش کنید و یا مورد انتقاد قرار دهید، اعمال مثبت نمازگزاران و مسجدی‌ها را مورد تشویق قرار داده و هرگاه که به مسجد برای نماز جماعت می‌رود بیشتر او را تحویل بگیرید و بیشتر مورد احترام و تکریم قرار دهید .
- ۱۹- در خصوص مسائل دینی؛ از سوی خود اظهار نظر نکید بلکه مطالبی که ارائه می نمائید مستند به روایات معتبر و یا فتاوی مراجع باشد.
- ۲۰- زمینه های گناه همچون وجود ماهواره و فیلم های مبتذل و موسیقی های حرام را از بین ببرید.
- ۲۱- فضای مناسب را جهت اقامه نماز برای بی نماز فراهم نمائید. مثلاً اگر همسری دارید که به بهانه مشغله های خانه نماز نمی خواند به وی این اطمینان خاطر را بدهید برای اینکه بتواند نمازش را بخواند در او را کمک خواهید نمود.

۲۲- هر شخصی یک نقطه پذیرش و به قول معروف «رگ خوابی» دارد، سعی کنید این رگ خواب و نقطه پذیرش را به دست آورید و از این کانال وارد شوید و هدف خود را تعقیب کنید و لذا به صرف این که باید شخصی را هدایت کرد بسنده نکنید بلکه با مطالعه بر روی خصوصیات وی؛ راه نفوذ در او و جلب نظر او را به دست آورید سپس زیر بناهای فکری وی را مورد بررسی قرار داده و در اصلاح آن بکوشید. دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد و اموری است که دارای نتیجه مستقیم بر عملکرد افراد می باشد. پس باید به تقویت و اصلاح این مبانی کوشید.

۲۳- بهترین روشی که از سوی معصومین علیهم السلام برای جذب دیگران به راه خدا معرفی شده این است که خودمان با اشتیاق و علاقه به احکام دینی اسلام عمل کنیم و همیشه به دستورات دینی پایبند باشیم و در واقع با عمل خود دیگران را به دستور دینی دعوت کنیم به عبارت دیگر احکام دینی را با عمل خود تبلیغ کنیم.

قرآن در سوره بقره می فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»^{۵۱۰}؛ «آیا دیگران را به نیکی دعوت می کنید در حالی که خودتان را فراموش کرده اید».

حضرت صادق علیه السلام فرمود: مردم را با غیر زبان خود (با اعمال و رفتار خود) براه حق دعوت نمائید. باید مردم از شما ورع و کوشش و نماز و اعمال خیر ببینند؛ که این روش کاملاً جلب کننده است. (بحار الأنوار ج ۶۷ ص ۳۰۳)

البته علت اتخاذ چنین رویکردی نیز کاملاً روشن است؛ چراکه اگر اهل عمل نباشید ولو به ظاهر خود را متعبد هم جلوه دهید تأثیرگذاری شما خیلی کم می شود. گذشته از اینکه چه بسا اگر حساسیت خاصی به شما پیدا کرده باشند دعوت زبانی شما نه تنها آنها را بیدار و هدایت نمی کند بلکه لجاجت و سرپیچی دیگران را ولو بخاطر ناراحت کردن شما بیشتر خواهند کرد.

^{۵۱۰} - البقره ۲۴

فصل نهم: نماز علی علیه السلام و شیعیانش

نماز علی (علیه السلام) با بدن و لباس خونی

۱۱۳- نمازی که حضرت علی(ع) اقامه کردند در حالی که تیری در پایشان گیر کرده بود و طیب با توجه به گفته و توصیه فرزندان و اطرافیان آن حضرت(ع)، سر نماز تیر را از پای ایشان در آورد و با توجه به این که یکی از شرایط صحت نماز طهارت بدن و لباس می باشد و خون بیشتر از یک سکه ۲ ریالی نماز را باطل می کند آیا باطل است و یا حضرت(ع) آن را قضا کرده اند و اگر باطل شده حضرت قضا ننموده اند آیا خداوند نماز را همان گونه پذیرفته اند با توجه به این که قوانین خداوند لایتغیر بوده مگر قانون خدا تغییر می کند پس حسابگری و عدل دقیق خدا چه می شود مگر او بین بندهایش فرق می گذارد؟

ابتدا باید همه جوانب یک واقعه تاریخی را بررسی کرد و پس از یقین به وقوع آن به داوری نشست. از همین رو ابتدا باید بررسی کرد که علی(ع) چنین نمازی خوانده یا نخوانده است؟ و اگر خوانده باشد باید شرایط این نماز و شرایط حضرت علی(ع) را در نظر گرفته و پس از آن داوری کنیم. اگر چنین بکنیم هیچ سؤالی بی جواب نمی ماند.

الف - بررسی این واقعه

یکی از علمای اهل سنت به نام «علامه محمد صالح کشفی حنفی» در کتاب خود به نام «المناقب المرتضویه» چاپ بمبئی هند، ص ۳۶۴ چنین آورده است: «روی ان علیا(ع) قد اصاب رجله فی غزوه احد سهم صعب اخراجه. فأمر رسول الله(ص) بعد فراغه عن الصلاه بأنه لم یلتفت بذلک»^{۵۱۱}؛ «روایت شده که در جنگ احد تیری به پای علی(ع) فر رفت و بیرون آوردنش سخت شد. پیامبر اسلام دستور داد تیر را در حالی که علی(ع) مشغول نماز است در آورید. بر اساس دستور پیامبر تیر را از پای علی(ع) در آوردند. علی(ع) پس از پایان نماز گفت: متوجه کشیدن تیر نشدم.»

این حدیث در هیچیک از کتب روایی معتبر شیعه اعم از اصول کافی، فروع کافی، بحارالانوار و... ذکر نگردیده است و اگر هم در جایی به این داستان اشاره شده سندی برای آن ذکر نگردیده است به عنوان نمونه در منتهی الآمال، ج ۱، ص ۲۸۸ چاپ هجرت، آمده است ولی اشاره به مأخذ آن نشده است؛ در منهاج البراعه ج ۸، ص ۱۵۲ در شرح خطبه ۱۲۲، ماجرای در آوردن تیر از پای امام را ذکر کرده و گفته است: روایت کرده اند که در جنگ صفین تیر به پای امام اصابت کرد و جراحان نتوانستند تیر را در آورند. وقتی علی(ع) به نماز ایستاد، جراحان در حال سجده تیر را در آوردند و وقتی که علی(ع) نماز را تمام

^{۵۱۱} - ملحقات احقاق الحق، ج ۸، ص ۶۰۲.

کرد، متوجه شد که تیر را در آورده اند و فرمود: سوگند به خدا احساس نکردم و متوجه نشدم. در این کتاب هم به مأخذ روایت اشاره نکرده است.

البته بر اساس اصول و قواعد «علم الحدیث» این حدیث حدیثی صحیح به شمار نمی رود چون راویان آن معلوم نیستند ولی چون یک مسأله تاریخی است، ضرورت ندارد در پی تحقیق کامل درباره سند آن باشیم.

ب - بررسی فقهی نماز آنحضرت در چنین شرایطی

با فرض درستی حدیث، نماز آن حضرت با لباس و بدن خونی از لحاظ شرعی نیز صحیح بوده و حتی نیاز به قضاء هم ندارد چراکه

اولاً: علی (ع) مشغول نماز خود بوده و به دستور پیامبر تیر از پای او کشیدند و اگر موقع کشیدن تیر خون هم بیاید مشکلی برای علی (ع) پیش نمی آید چون آن حضرت متوجه این اعمال نبوده و نمازش با مشکل مواجه نشده است. همانگونه که اگر کسی در حال نماز باشد و فرد دیگری مقداری خون به لباس های وی بریزد و او متوجه رفتار این فرد نباشد و بعد از نماز بداند که در لباسش خون بوده است، نماز چنین فردی صحیح است و نیاز به قضا ندارد.

ثانیاً: بر فرض اینکه حضرت علی (ع) متوجه کارهای پزشکی بوده و خون هم جاری می شد و همه بدن و لباس ایشان هم خونی شده با این حال باز هم نماز ایشان اشکالی ندارد چرا که ایشان نماز خود را در حال اضطراب اقامه نموده اند بخصوص اینکه در جنگ احد حدود چهل زخم بر بدن آنحضرت وارد شد^{۵۱۲} که بطور طبیعی تا مدتی باید آنحضرت با همین وضعیت نماز خود را اقامه می نمودند.

بنابراین بر اساس احکام لایتغیر الهی نماز آنحضرت هیچ اشکالی نداشته و هر کس دیگر هم جای ایشان بوده و در چنین شرایطی نماز بخواند نماز وی نیز صحیح است و نیاز به قضا ندارد.

مطلب دیگری که باید به آن توجه کنیم این است که نماز حضرت علی (ع) نماز کاملی بوده و کامل بودن نماز هم به خاطر وجود کمالات معنوی بسیار بالا در جان آن حضرت است و کامل بودن نماز ربطی به کشیدن تیر ندارد. کشیدن تیر از پای آن حضرت در حال نماز و توجه نداشتن آن حضرت به رفتارهای جراح از نشانه های کامل بودن نماز است و پیامبر اکرم می دانستند که نماز علی چگونه است و برای همین دستور دادند که تیر را در حال نماز بیرون بکشند. آنچه برای علی (ع) فضیلت است، نماز کامل است و گرنه کشیدن تیر در حال نماز برای علی (ع) فضیلت نیست. ممکن است پرسید: مگر می شود تیر از پای کسی در آورند و او احساس درد نکند؟ در جواب باید گفت: این، ممکن است و نشدنی نیست و اگر حواس انسان به طور کامل با خدا باشد، احساس درد نمی شود. روز عاشورا امام حسین (ع) و یارانش در برابر

^{۵۱۲} - بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۷۷

شمشیر های دشمن قرار گرفته و زخم های زیادی بر بدنشان وارد شد ولی آنان درد شمشیر ها را احساس نمی کردند.^{۵۱۳}

حضور قلب علی (علیه السلام)

۱۱۴- چگونه حضرت علی(ع) تیر در پایشان فرو رفت و در حین نماز آن را از پای مبارکشان

بیرون کشیدند، اما به دلیل حضور قلب در نماز متوجه نشد ولی در جای دیگر به هنگام نماز

متوجه سائل شد و انگشتر خود را در رکوع به او داد؟

خداوند متعال می فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ. وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»^{۵۱۴}؛ «سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همانها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند. و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرند، پیروزند؛ (زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است.»

صدقه دادن حضرت علی علیه السلام در نماز از احادیث متواتر و مسلمات شیعه و سنی^{۵۱۵} است. گفتنی است معنی غرق شدن در توجه به خدا این نیست که انسان بی اختیار احساس خود را از دست بدهد بلکه با اراده خویش توجه خود را از آنچه در راه خدا و برای خدا نیست بر می‌گرداند.^{۵۱۶}

پاسخ های متعددی برای این پرسش وجود دارد از جمله:

پاسخ اول:

اولین شرط و مهمترین شرط انبیاء و اوصیای انبیاء عصمت است و نه فقط معصوم از گناه باشند بلکه غفلت، نسیان، سهو، شک در آنها راه ندارد و امیر المؤمنین (ع) ادا بر او غفلت عارض نمیشود بخصوص در احکام شرع و عبادات مثل ایتاء زکاة و عدم ردّ سائل و متوجه است که این عبادت بزرگ از او فوت نشود، و اما مسئله اخراج تیر از پای مبارک نه از جهت غفلت بوده بلکه آن حالت شوق با خدا و حالت

^{۵۱۳} - منهاج البراعة، شرح نهج البلاغه، خوبی، ج ۸، ص ۱۵۲، چاپ اسلامیة

^{۵۱۴} - (۵) المائدة: ۵۵-۵۶

^{۵۱۵} - داستان اعطای انگشتر به فقیر در رکوع و نزول آیه ۵۵ «مائدة» در شأن حضرت علی(ع) را عده زیادی از اصحاب پیامبر(ص) نقل کرده‌اند؛ از جمله: ابن عباس، عمار یاسر، عبدالله بن سلام، انس بن مالک، جابر بن عبدالله و ابوذر غفاری.

در کتاب «غایة المرام» ۲۴ حدیث در این باره از کتاب‌های اهل سنت ذکر گردیده است. منابعی که این حدیث در آن ذکر شده، عبارت است از: محب الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۸۸۲ - قاضی شوکانی، فتح‌الغدير، ص ۵۰۳ - جامع‌الاصول، ج ۹، ص ۴۷۸ - اسباب النزول واحدی، ص ۱۴۸۵ - لباب النقول سیوطی، ص ۱۰۵۶ - تفسیر طبری، ص ۱۶۵۷ - تفسیر فخر رازی، ج ۳، ص ۴۳۱۸ - تفسیر درالمتنور، ج ۲، ص ۳۹۳۹ - کنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۱. (مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پائیز ۸۰، ش، چاپ اول، ج ۱، ص ۷۶)

^{۵۱۶} - مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۴، ص ۴۲۸

خوف باندازه‌ای بوده که الم اخراج تیر در مقابل او صفر بوده و همین است معنای آنکه در مورد بعضی اصحاب امام حسین علیه السلام دارد « لا یمسون الم الحدید» نه اینکه تیرها و شمشیرها و نیزه‌ها را نمیدیدند یا توجه نداشتند بلکه الم آنها در مقابل شوق شهادت و لقاء پروردگار هیچ بود چه رسد بمقام علی (ع)^{۵۱۷}

پاسخ دوم:

شنیدن صدای سائل و کمک به او، توجه به غیر خدا و خویشتن یا امور مادی نیست که با حضور قلب منافات داشته باشد، بلکه آن هم در واقع توجه به خداست. قلب پاک حضرت علی (علیه السلام) در برابر سائلان حساس بود و به ندای آنها پاسخ می‌گفت. آن حضرت با این کار، عبادتی را با عبادت دیگر آمیخت و در حال نماز زکات داد که هر دو برای خدا و در راه او بود، چون قبل از آن که انفاق و صدقه به دست سائل برسد، به دست خدا می‌رسد. در آیه ۱۰۴ سوره توبه می‌فرماید: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ»^{۵۱۸}؛ «آیا نمی‌دانستند که فقط خداوند توبه را از بندگان می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد»^{۵۱۹}.

بنابراین ایشان در همان حال که خدا را با نماز بندگی می‌نمود، بندگی دیگری را بر آن افزود. و این کمالی است بر روی کمالی و نوری است بر روی نوری.

پاسخ سوم:

از نگاه عرفانی، ولی خدا به هنگام نماز در محضر خداست؛ لذا هر آنچه برای خدا محبوب است بنده ی خدا به آن توجه دارد و آنچه محبوب او نیست بنده ی خدا نیز به آن بی توجه می‌باشد. پس چون سائل کمک طلبید، صدقه دادن به او محبوب خدا بود، لذا امیرمومنان متوجه آن عمل خیر شد و برای خدا تصدق نمود. بلکه بالاتر از این، ولی خدا در حال نماز به مقامی می‌رسد که چشم و گوش او خدایی می‌شوند و دستش دست خدا می‌گردد. در این حال هر آنچه خدا ببیند او نیز می‌بیند و هر آنچه خدا بشنود او نیز می‌شنود و خدا با دست او دست به کار می‌گردد. لذا چنین کسی عین الله و اذن الله و ید الله است. با این بیان، در جریان صدقه دان امیر مومنان (ع) به سائل، در حال رکوع، خداوند متعال بود که با عین الله الناظره سائل را نظاره کرد و او بود که با یدالله صدقه داد.

رسول خدا (ص) فرمودند: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرْصَدَ لِمُحَارَبَتِي وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِاللَّانِفَلَةِ حَتَّىٰ أَحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا إِنْ دَعَانِي أَحْبَبْتُهُ وَإِنْ سَأَلَنِي أُعْطِيْتُهُ»^{۵۲۰}؛

^{۵۱۷} - طیب سید عبد الحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش، دوم، ج ۴، ص ۴۰۱

^{۵۱۸} - توبه (۹)، آیه ۱۰۴

^{۵۱۹} - سعید شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اکبر، پاییز ۱۳۸۷ ش، سوم، ص ۱۰۲ به نقل از ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۹، ص ۲۱۱ - ۲۱۲

^{۵۲۰} - الکافی، ج ۲، ص ۳۵۲

خداوند عزّ و جلّ فرمود: هر که به دوستی از من اهانت کند به تحقیق برای جنگ با من کمین کرده است؛ و هیچ بنده ای به چیزی به من تقرب نجوید که نزد من محبوبتر از آنچه بر او واجب کرده‌ام باشد؛ و همانا او به وسیله ی نماز نافله به من نزدیک شود تا آنجا که من او را دوست بدارم، و هنگامی که او را دوست بدارم گوش او شوم همان گوش‌ی که با آن می شنود و چشم او گردم همان چشمی که با آن ببیند، و زبانش شوم همان زبانی که با آن سخن گوید، و دست او گردم، همان دستی که با آن بگیرد، اگر مرا بخواند اجابتش کنم، و اگر از من خواهشی کند به او بدهم»

بر همین اساس بود که امیر مومنان (ع) فرمودند: «أَنَا عَلِمُ اللَّهَ وَ أَنَا قَلْبُ اللَّهِ الْوَاعِي وَ لِسَانُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ وَ أَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَ أَنَا يَدُ اللَّهِ»^{۵۲۱}؛ «منم علم خدا و منم قلب پر گنجایش خدا و منم زبان گویای خدا و چشم نظاره گر او و منم جنب الله و منم دست خدا»

و امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ خَلْقًا خَلَقَهُمْ مِنْ نُورِهِ وَ رَحْمَتِهِ لِرَحْمَتِهِ فَهُمْ عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ وَ أُذُنُهُ السَّمَاعَةُ وَ لِسَانُهُ النَّاطِقُ فِي خَلْقِهِ بِإِذْنِهِ»^{۵۲۲}؛ «برای خدا مخلوقاتی است که آنها را از نور و رحمت خویش و برای رحمت خویش آفریده است؛ پس آنان چشم نظاره گر خدا و گوش شنوای او و زبان گویای او در میان خلق می باشند به اذن او»

پاسخ چهارم:

از آنجا که آیه شریف (مائده، آیه ۵۵) در مقام مدح و بیان ویژگی‌های ولی خدا و پیشوای مسلمانان است و کمک به فقیر در حال نماز را یک فضیلت و ویژگی ذکر می‌کند، معلوم می‌شود که علی (علیه السلام) موقعی که توجه به سائل نموده و اشاره کرده که انگشتر را از دست او بیرون آورد، توجه به خدا هم داشته و از حضور قلب او هیچ کاسته نشده است، زیرا اگر هنگام توجه به فقیر از خدا غافل شده باشد، فضیلت و ویژگی او به شمار نمی‌آید، چون هر کس می‌تواند در حال نماز از توجه به خدا منصرف شود و متوجه خلق خدا شود، در حالی که در آیه این کار را یکی از ویژگی‌های ولی خدا به حساب آورده که در دیگران این ویژگی وجود ندارد. بنابراین آیه می‌خواهد مقام بالاتری را برای امام ثابت کند و آن مقام «جمع‌الجمع» است.

توضیح: توجه کردن در آن واحد به چند موضوع مختلف از قدرت بشر عادی خارج است؛ یعنی اگر بخواهد قلب خود را مشغول عملی نماید، در همان حال نمی‌تواند به مطلب دیگر نیز مشغول باشد، ولی این قدرت در خداوند متعال هست و در آن واحد می‌تواند به هزاران و میلیون‌ها نوع کلام و فعل توجه داشته باشد. در دعای جوشن کبیر آمده است: یا من لایشغله سمع عن سمع، یا من لایمنعه فعل عن فعل، یا

^{۵۲۱} - بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۹۸

^{۵۲۲} - بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۴۰

من لایلهیه قول عن قول؛ ای خدایی که ترا شنیدن این، مانع از شنیدن آن نیست و هیچ کاری مانع از کار دیگر نیست و هیچ سخنی مزاحم سخن دیگر نمی‌باشد....

از آیات و روایات استفاده می‌شود که خداوند مقام «جمع‌الجمع» را به حجه و ولی خود داده است؛ به همین جهت است که معصومین (علیه السلام) در آن واحد می‌توانند به میلیون‌ها سلام و اظهار حاجت مردم توجه نمایند، این مقام موهبتی الهی است که ثابت کننده منصب ولایت تکوینی امام است و با داشتن چنین مقام و قدرتی است که اداره امور آفرینش و سرپرستی عوالم خلقت برای آنها ممکن و مقدور است.

با توجه به آنچه گفته شد معلوم می‌شود مولی علی (علیه السلام) در آن واحد می‌تواند دو کار انجام دهد؛ هم توجه به خدا داشته باشد و هم توجه به خلق و این از ویژگی‌های ولی خداست که افراد دیگر قادر بر این کار نیستند.^{۵۲۳}

نماز امام علی (علیه السلام)

۱۱۵- می‌گویند مولا علی (علیه السلام) هر شب هزار رکعت نماز می‌خواندند چطور ممکن

است؟ مگه آیه صریح قرآن نیست که می‌گه: «انا بشر مثلکم یوحی الی...» پس این کار که از

آدم معمولی بر نمی‌آید؟ پس چطور ممکنه این کار را مولا می‌کردند و هم از طرفی آدم

معمولی بودند؟

روایات متعددی در خصوص هزار رکعت نماز خواندن حضرت علی (علیه السلام) نقل شده است^{۵۲۴}. به عنوان نمونه امام باقر علیه السلام در روایتی فرموده اند:

«وَاللَّهِ إِنْ كَانَ عَلِيٌّ ع... وَإِنْ كَانَ لِيُصَلِّيَ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكْعَةٍ»^{۵۲۵}؛ «به خدا سوگند شیوه علی علیه السلام این بود که در شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند»

اما نکته ای که در این روایات وجود دارد و کمتر مورد توجه قرار گرفته، این است که در تمامی این روایات با صراحت جملاتی همچون «فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ» - به معنی شبانه روز - و یا «فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ» - به معنی هر شبانه روز - بیان شده است و در هیچ یک از این روایات تعبیر به «فِي كُلِّ لَيْلَةٍ» - به معنی هر شب - نشده است. لذا بر اساس روایات مطرح شده از معصومین (علیهم السلام)، آن حضرت در هر شبانه روز - یعنی در طول ۲۴ ساعت شبانه روز - هزار رکعت نماز می‌خواندند نه در هر شب؛ بنابراین آنچه که مطرح می‌شود مبنی بر اینکه حضرت علی (علیه السلام) در هر شب هزار رکعت نماز می‌خواندند یک اشتباه لفظی و غلط رایج می‌باشد.

^{۵۲۳} - سعید شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اکبر، پاییز ۱۳۸۷ش، سوم، ص ۱۰۲

^{۵۲۴} - ر، ک: بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۶۱؛ أمالی الصدوق، ص ۲۸۱، المجلس السابع والأربعون؛ روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۱۱۶

^{۵۲۵} - أمالی الصدوق، ص ۲۸۱، المجلس السابع والأربعون؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۲۰

بر اساس آنچه که از برخی احادیث فهمیده می شود این است که چنین عبادتی همیشگی نبوده بلکه مربوط به اوقات خاصی از عمر ایشان بوده است، به گونه ای که ایشان در برخی از ایام اینگونه خداوند را عبادت می کردند.

امام باقر علیه السلام این مساله را مربوط به اواخر عمر حضرت علی (علیه السلام) بیان نموده و فرموده اند: «إِنَّ عَلِيًّا كَانَ فِي آخِرِ عُمُرِهِ يُصَلِّي فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَلْفَ رَكْعَةٍ...»^{۵۲۶}؛ «همانا حضرت علی علیه السلام در اواخر عمرشان در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواندند».

بر فرض اینکه آنحضرت و برخی دیگر از ائمه (علیهم السلام) در هر شب هزار رکعت نماز می خواندند همانگونه که در روایتی نقل شده امام رضا علیه السلام به دعبل، شاعر معروف، پیراهنی از خز هدیه کرد و به او گفت: قدر این پیراهن را بدان که من هزار شب و در هر شبی هزار رکعت با آن نماز گزارده و هزار بار قرآن ختم نموده‌ام.^{۵۲۷}، باز این مطلب از نظر امکان، مشکلی ندارد و علامه امینی (ره) در برابرانکار برخی، یک شب هزار رکعت نماز در مقابل آنان به جا آوردند.^{۵۲۸}

در پایان گفتنی است؛ میتوان نماز مستحبی را بسیار ساده به جا آورد و بدون خواندن سوره و تنها با یک ذکر (مثلاً سبحان الله)، رکوع و سجود آن را انجام داد و در پایان به یک سلام اکتفا نمود. در اینصورت دو رکعت، حدود ۱ دقیقه طول میکشد و در مجموع هشت ساعت وقت لازم است.^{۵۲۹}

نماز قضای علی (علیه السلام)

۱۱۶- قضیه غروب کردن آفتاب و قضا شدن نماز حضرت علی (ع) که پیامبر اکرم (ص) دعا کردند و آفتاب دوباره طلوع کرد و بعد از نماز عصر حضرت علی (ع) غروب کرد، چه بود؟ آیا امکان دارد که حضرت علی (ع) نمازش قضا شود؟

در این باره مطالب و دیدگاههای مختلفی وجود دارد که قضاوت قطعی را بسیار مشکل، بلکه تا حدی ناممکن می سازد. آنچه در اینجا تقدیم می گردد یکی از دیدگاهها در این باره است: مرحوم مجلسی در کتاب بحارالانوار^{۵۳۰} از منابع مختلف همانند قرب الاسناد، علل الشرایع، بصائر الدرجات و... ۱۸ حدیث در مورد رد شمس ذکر می کند که در آن روایات، امور ذیل را باعث برگرداندن خورشید از سوی خداوند دانسته است:

^{۵۲۶} - شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم، ۱۴۰۹ هجری قمری، ج: ۴ ص ۹۷

^{۵۲۷} - بحارالانوار، ج ۸۳ ص ۲۲۲.

^{۵۲۸} - مجتبی کلباسی، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، نهم، ص ۷۷

^{۵۲۹} - همان

^{۵۳۰} - بحارالانوار: محمدباقر مجلسی، ج ۴۱، ص ۱۶۶

اول - مولا علی (ع) در سفری، به زمین شوره زاری برخورد می کند که نمی تواند در آن نماز عصر خود را بجا آورد در نتیجه تا رسیدن به زمین شوره زار خورشید غروب می کند و نماز حضرت قضا می شود. در این زمان حضرت از خداوند درخواست می کند تا خورشید برگردد و این دعا مستجاب می شود و حضرت نماز عصر خود را اداء بجا می آورد.

دوم - پیامبر (ص) علی (ع) را به دنبال کاری فرستاد سپس نماز عصر را با مردم به جماعت اقامه کرد، علی (ع) از ماموریت بازگشت در حالی که نماز عصر خود را بجا نیاورده بود، حضرت گزارش ماموریت به استحضار رسول اکرم رساند در این هنگام به پیامبر حالت وحی دست داد و حضرت سر بر دامن علی (ع) گذاشت تا اینکه آفتاب غروب علی (ع) به احترام پیامبر چیزی نگفت. وقتی پیامبر چشم باز کرد از علی (ع) پرسید: آیا نماز عصر را خوانده ای؟ علی عرض کرد: خیر، خوش نداشتم سر شما را بر زمین بگذارم. در این هنگام پیامبر رو به قبله عرض کرد: «اللهم کان علی فی طاعتک و حاجه رسولک فاردد علیه الشمس لیصلی علی صلاته» با این دعا خورشید به اول عصر برگشت و علی (ع) نماز خود را بجا آورد، آنگاه خورشید مجدداً غروب کرد.

سوم - مولا علی (ع) وقتی نماز ظهر را بجا آورد، جمجمه ای توجه حضرت را به خود جلب کرد. مولا علی (ع) صحبت کردن با جمجمه را آغاز کرد که از کجایی؟ در چه عصری زندگی می کردی؟ از اخبار آن زمان بگو و... حاصل اینکه: این گفتگو طولانی شد به گونه ای که خورشید غروب کرد در این هنگام مولا علی (ع) دعا کرد و از خداوند خواست که خورشید برگردد تا او نمازش را به صورت ادا بجا آورد و چنین شد.

چهارم - پیامبر در منزل خود بود در حالی که علی (ع) هم حضور داشت در این هنگام جبرئیل برای وحی نازل شد و پیامبر حالت وحی گرفت لذا سر بر دامن علی گذاشت و این حالت ادامه تا خورشید غروب کرد در حالی که علی (ع) نماز عصر را نخوانده بود (گرچه با ایما و اشاره نماز خود را بجا آورد) تا اینکه پیامبر از حالت وحی خارج شد آنگاه از علی (ع) پرسید: نماز عصر را خوانده ای؟ امیر مومنان عرضه داشت خیر....

پنجم - علی (ع) با عده ای نماز عصر را خواند ولی عده دیگر به دلیل آنکه از فرات عبور نکرده بودند نتوانستند در جماعت امام شرکت کنند و زمانی که از فرات گذشتند آفتاب غروب کرده بود و علی (ع) از خداوند درخواست کرد که خورشید برگردد تا آنها نماز عصر خود را بخوانند.

ششم - علی (ع) بر رسول خدا وارد شد در حالی که آن حضرت مریض بوده بیهوش شد و جبرئیل سر رسول خدا را به دامن داشت وقتی علی (ع) وارد شد جبرئیل به علی (ع) فرمود: شما سزاوارترید که سر پسر عمو را به دامن بگیرید، علی (ع) نشست و سر رسول خدا را به دامن گرفت این حالت ادامه داشت تا

اینکه خورشید غروب کرد در حالی که علی (ع) نماز عصر خود را بجا نیاورده بود وقتی پیامبر بهوش آمد از علی (ع) پرسید: نماز عصر را خوانده ای؟ حضرت عرض کرد خیر. پیامبر در خواست رد شمس کرد. هفتم - در چندین روایت آمده که حادثه برگرداندن خورشید در دو مقطع رخ داد. یکی در زمان حیات پیامبر و دیگری بعد از فوت پیامبر.

پس از روشن شدن مطالب بالا در جواب این سوال باید گفت: علامه طباطبائی می گوید: «نفوذ اسرائیلیات و احادیث ساختگی در میان روایات ما حقیقتی انکار ناپذیر است».^{۵۳۱}

اسرائیلیات به مجموعه احادیثی اطلاق می شود که ریشه ای یهودی یا نصرانی و مانند آن داشته باشد. ارزیابی سند یک روایت به تنهایی برای شناخت اسرائیلیات کافی نیست زیرا گاهی مشاهده می شود که چنین روایات دارای سندی معتبری اند در حالی که از نظر محتوی و متن با اصول مسلم اعتقادی و عقلی یا شرعی سازگار نیست، بنابراین بهترین، کارآمدترین و مطمئن ترین روش برای ارزیابی و پالایش روایات روش ارزیابی محتوایی و سنجش مفاد روایت با مبانی مسلم عقلی و نقلی است که در روایات از آن به «عرضه حدیث بر قرآن» یاد شده است.

بنابراین

اولاً: روایات مزبور از نظر سند با مشکل روبروست.

ثانیاً: اگر مساله به این مهمی رخ داده بود همه مردم به سرعت از آن آگاه گشته و در تاریخ با تمام جزئیات درج می شد.

ثالثاً: مگر نماز در شوره زار حرمت دارد که موجب ترک نماز گردد؟ بر فرض که نماز در شوره زار داری کراهت باشد اما وقتی در حال قضا شدن باشد نماز در همان شوره زار واجب می گردد.

رابعاً: از عجایب اینکه در این روایات به امام علی (ع) نسبت داده که حضرت عمداً نماز واجب خود را ترک کرده است و چه گناهی از این مهم تر؟ و عذر و توجیه بدتر از گناه اینکه بگوییم چون زمین شوره زار بوده پس حضرت با این عذر نماز واجب را ترک کرده است.

خامساً: کدام سخن از این سخیف تر که بگوییم مولا علی (ع) نماز ظهر را بجا آورد سپس مشغول صحبت با جمجمه ای شد و آن چنان سرگرم این صحبت که آفتاب غروب می کند و نماز حضرت قضا می شود و حضرت از این گذشت زمان و غروب آفتاب غافل می ماند؟!!

سادساً: آیا واقعاً گزارش ماموریت به پیامبر از خواندن نماز واجب بالاتر بود به گونه ای که باعث ترک نماز گردد؟

سابعاً: بر فرض محال که شوره زار بودن زمین و یا صحبت با جمجمه ها و... عذر تلقی شود به گونه ای که بتوان نماز واجب را ترک کرد، سوال این است که آیا نماز با ایماء و اشاره هم مقدور نبود در حالی که

^{۵۳۱} - علامه سید محمد حسین طباطبائی، المیزان، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۲، ص ۱۱۳

صلاه غرقى داريم به معنى اينكه انسان در حال غرق شدن نيز مجاز به ترك نماز نيست بلکه بايد نماز غرقى بخواند چطور در روايات حتى اشاره اى به اينکه حضرت نماز به صورت نشسته و يا با ايماء و اشاره بجا آورده، نرکده است (گرچه در برخى از روايات به چنين نمازى اشاره شده است).

ثامنا: متن روايات مضطرب است که همين امر موجب ترديد بيشتر در صحت روايات مى گردد زيرا در يکجا مى گويد عده اى از ياران على (ع) نماز نخوانده بودند.

در جاى ديگر آمده خود حضرت نماز عصر را بجا نياورده بود، در يک روايت مى گويد على (ع) به فرمان پيامبر به ماموريت رفته و وقتى برگشت و گزارش را تقديم کرد به پيامبر حالت وحى دست داد در ديگرى آمده پيامبر مريض و در حال اغماء بود و على (ع) وارد شد به پيشنهاد جبرئيل سر رسول خدا را به دامن گرفت و اين امر باعث قضا شدن نماز عصر گرديد.

در روايتى مى گويد على (ع) در منزل پيامبر بود که به حضرت حالت وحى دست داد و آن حضرت سر مبارکش را به دامن على (ع) گذاشت و تا زماني که پيامبر از حالت وحى خارج شود و زانوى على (ع) آزاد گردد نماز عصر مولا قضا شد.

در يکجا مى گويد على (ع) مشغول صحبت کردن با جمجمه شد و همين باعث قضا شدن نماز شد و در جاى ديگر مى گويد که على (ع) از زمين شوره زار عبور مى کرد و اين عامل قضا شدن بوده در حالى که در روايات ديگر مى گويد برگشت خورشيد در مجموع دو دفعه رخ داد يکى در زمان حيات پيامبر و ديگرى بعد از وفات آن حضرت.

بنابر اين از آنچه که گذشت بايد گفت در صحت روايات مربوط به رد شمس ترديد وجود دارد.^{۵۳۲}

وضوى پيامبر (صل الله عليه و آله)

۱۱۷- رسول خدا (صل الله عليه و آله) چگونه وضو مى گرفتند آيا همانند شيعيان يا برادران اهل

تسنن؟ آيا دليل محکمی که نشان دهنده نحوه وضو گرفتن ايشان باشد وجود دارد؟

سه دليل عمده گويای آن است که نحوه وضو گرفتن رسول خدا (صل الله عليه و آله) همان چيزى بوده که هم اکنون شيعيان بر طبق آن عمل مى نمايند.

مستندات تاريخى

دلایل و مستندات تاريخى متعددى وجود دارد مبنی بر اينکه در زمان خلافت ابوبکر و عمر تا زمان عثمان اخلافي میان مسلمانان راجع به وضو وجود نداشته بگونه اى که تمامی مسلمانان يکسان وضو مى گرفتند و

^{۵۳۲} - برای کسب اطلاع بيشتر ر . ک به مقاله اى که با عنوان (نقد سندی و محتوایی روايت «رد الشمس») از سوى دانشکده علوم حديث در پایگاه اطلاع رسانی دارالحدیث www.darolhadith.com منتشر گردیده .

حتی خود عثمان نیز تا حدود شش سال بعد از خلافتش همانند دیگران وضو می گرفت اما پس از مدتی اقدام به تغییر وضو نموده است.

عمده ترین تغییراتی که عثمان در وضو ایجاد کرد این بود که دست ها را از پائین به بالا شست و به جای مسح پاها آنها را شست و شو نمود، که این اقدام وی با مخالفت صحابه، تابعین و عامه مردم که از نحوه وضو گرفتن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به خوبی آگاه بودن مواجه گردید.^{۵۳۳}

سیره اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

بر اساس حدیث مورد اتفاق جمیع فرق مسلمین: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتُم بها لن تضلوا ابدا»^{۵۳۴}؛ «دو شیء گرانبها میان شما باقی می گذارم: کتاب خدا و اهل بیتم، مادامی که به این دو چنگ بزنید گمراه نخواهید شد.»

اگر ائمه (ع) حکمی یا کیفیت عملی را بیان می کنند، صرفاً بیان حکم الهی و نحوه عمل و سیره رسول اکرم (ص) است و از پیش خود چیزی را تشریح نمی کنند و آنچه که از سیره اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در خصوص نحوه وضو گرفتن آنها نقل شده همگی گویای آن است که سیره این بزرگواران در وضو گرفتن آن بوده که دست ها را از بالا به پائین می شستند و پاها را نیز مسح می نمودند کما اینکه شیعه نیز به تبعیت از ایشان همینگونه وضو می گیرد.^{۵۳۵}

روایات

روایات متعددی از شیعه و سنی نقل گردیده و در آن با بیان نحوه صحیح وضو شیوه ابداعی عثمان که بر خلاف وضوی پیامبر بود رد شده که در اینجا تنها به دو نمونه از این روایات اشاره می نمائیم:

ابن عباس در روایتی از سرپیچی مردم سخن به میان آورده و می گوید: «أبی الناس الا الغسل و لا أجد فی کتاب الله الا المسح»^{۵۳۶}؛ «مردم جز شستن به چیزی تن ندادند در حالی که من در قرآن غیر از مسح چیزی نیافتم.»^{۵۳۷}

در روایت دیگری امام باقر (علیه السلام) به تشریح وضوی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و بیان داشته اند:

۵۳۳ - ر . ک به : وضوء النبی صلی الله علیه و آله وسلم من خلال ملابسات التشریح، علی شهرستانی که با عنوان وضو پیامبر به ترجمه حسین صابری منتشر گردیده است .

۵۳۴ - فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج ۲، ص ۲۴۳ به نقل از صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۳۰۸

۵۳۵ - همان

۵۳۶ - سیوطی جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق،

ج ۲، ص، ۲۶۲

۵۳۷ - ر . ک به : وضوء النبی صلی الله علیه و آله وسلم من خلال ملابسات التشریح، علی شهرستانی که با عنوان وضو پیامبر به ترجمه حسین صابری منتشر گردیده است .

«فَغَسَلَ يَدَهُ الْيُمْنَى مِنَ الْمِرْفَقِ إِلَى الْأَصَابِعِ لَا يَرُدُّ الْمَاءَ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ»^{۵۳۸}؛ «دست راست خود را از آرنج تا سر انگشتان شست و آب را به سوی آرنج‌ها باز نمی‌گرداند».

وضوی شیعه

۱۱۸- استدلال شیعه برای اینکه در وضوء بر خلاف اهل سنت دستها را از آرنج به پایین می‌شوید

چیست؟

در این باره علاوه بر سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیه السلام) که بر اساس حدیث ثقلین عمل به روش آنها ما را از گمراهی دور می‌کند، از آیات دیگر قرآن نیز می‌توان به عنوان نمونه استفاده کرد.

قرآن در این مورد می‌گوید: «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ»^{۵۳۹}؛ «دستهای خود را تا آرنج (یا با آرنج) بشوید».

نکته مهم در این آیه این است که هدف از آوردن کلمه «إلى المرافق» «شستن تا آرنج» چیست؟ آیا هدف بیان آن تعیین محدوده شستشوی دست به هنگام وضو می‌باشد، یا اینکه هدف از آوردن این کلمه بیان نحوه شستن دست از نوک انگشتان تا به آرنج می‌باشد؟!

دقت در آیه گویا آن است که مراد از آوردن این کلمه آن است که مقدار و محدوده شستشوی دست معین گردد نه اینکه نحوه شستن دست‌ها را بیان نماید چراکه:

واژه «ید» در زبان عربی نسبت به چند قسمت از این عضو بدن به کار می‌رود از جمله:
أ. ید: انگشتان.

ب. ید: از انگشتان تا مچ دست.

ج. ید: از انگشتان تا آرنج.

د. ید: از انگشتان تا کتف.

عرب در همه این موارد لفظ «ید» را به کار می‌برد، و در اشعار عرب و کلمات فصیحان و بلیغان برای این استعمالات گوناگون، شاهد فراوان است و نیاز به آوردن آنها نیست اما به عنوان نمونه کافی است که بدانیم «ید» در مورد آیه سرقه «السارق و السارقه فاقطعوا أيديهما»^{۵۴۰}؛ «دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، بعنوان یک مجازات الهی، قطع کنید!» در خصوص انگشتان از نظر فقه شیعی یا مچ دست از نظر فقه سنی بکار رفته است.

^{۵۳۸} - تهذیب، ج ۱، ص ۵۶

^{۵۳۹} - مائده (۵)، آیه ۶

^{۵۴۰} - همان، آیه ۳۸

همچنان که در آیه «فَتِيْمَمُوا صَعِيْدًا طَيِّبًا فَاْمَسَحُوا بِوَجْهِكُمْ وَ اَيْدِيكُمْ مِنْهُ»^{۵۴۱}؛ «با خاک پاکی تیمم کنید! و از آن، بر صورت (پیشانی) و دستها بکشید!» مراد از «ید» تا مچ دستان می‌باشد.

بنابراین با توجه به استعمالات گوناگون که برای «ید» وجود دارد، در آیه وضو برای رفع ابهام و این که مقدار شستن را روشن کند لفظ «إلى المرافق» بکار برده شده تا روشن شود محدوده شستن، فاصله سر انگشتان تا آرنج است نه کمتر و نه بیشتر.

و اما اینکه چگونه بشوییم، از بالا آغاز کنیم یا بر عکس، آن را بر عهده خود انسان نهاده است که در امثال این موارد از آن پیروی می‌کنند، و مسلماً در نظافت دستها از بالا شروع می‌کنند نه از پایین.

این نوع تفسیر مربوط به خصوص این آیه نیست. در کلمات روزمره ما نیز این نوع ترکیبها که ناظر به بیان مقدار و اندازه است نه نحوه و کیفیت کار، زیاد وارد شده است به عنوان نمونه هنگامی که صاحب خانه ای به استاد رنگ‌کار می‌گوید: این اتاق را تا سقف رنگ کن. آنچیزی که همه از این جمله می‌فهمند این است که مراد صاحب خانه بیان محدوده رنگ کاری می‌باشد نه بیان اینکه رنگ کار از پائین دیوار تا به سقف شروع به رنگ کاری نماید چراکه بطور طبیعی در همه این موارد کار از بالا آغاز می‌شود نه بر عکس. خلاصه استدلال شیعه این است که این طور ترکیبها و جملات ناظر به بیان کیفیت و نحوه کار نیست، بلکه ناظر به بیان مقدار و محدوده آن عمل می‌باشد.

و اما کیفیت شستن چیزی نیست که عرف در آن تردید کند. او آنچه که راحت و موافق شرایط موضع است آن را انتخاب می‌کند، و لذا در مورد شستن دستها، از بالا به پایین می‌شوید، ولی به هنگام مسح بر پا از نوک انگشت تا مچ پا، مسح می‌کشد.

گذشته از این گروهی از مفسران معتقدند واژه «إلى» در آیه به معنی «انتهای» یا به تعبیر فارسی «تا» نیست، بلکه به معنی «مع» و همراه است. و هدف از آوردن «إلى» این است که آرنج هم باید شسته شود و نظیر آن در قرآن دو آیه یاد شده در زیر است:

«و لا تأكلوا أموالهم إلى أموالكم»^{۵۴۲}؛ «اموال یتیمان را همراه اموال خود نخورید». و یا در آیه دیگر آمده است: «ويزدکم قوه إلى قوتکم»^{۵۴۳}؛ «نیروی بر نیروی خود بیفزایید».

در این صورت با استدلال به این که «الی» به معنی «مع» باشد دیگر هیچ توجیهی برای شستن دست ها از نوک انگشتان تا به آرنج باقی نخواهد ماند.^{۵۴۴}

دانشمند و فقیه سنی مذهب آقای وهبه الزحلی نیز به این امر اعتراف نموده، می‌گوید: «در نزد تمامی دانشمندان و عالمان - از جمله امامان مذاهب چهارگانه اهل سنت - داخل نمودن آرنج در شستن واجب

۵۴۱ - همان، آیه ۶

۵۴۲ - نساء (۴)، آیه ۲

۵۴۳ - هود (۱۱)، آیه ۵۲

۵۴۴ - جعفر سبحانی، سیمای فرزندانگان، ج ۲، به نقل از سایت تبیان با کمی تغییر.

است، زیرا حرف «الی» که برای انتهای غایت است در این جا به معنای «مع» می باشد مانند دو آیه شریفه: «ویزدکم قوه الی قوتکم» و «و لا تأکلوا أموالهم الی أموالکم» که در این دو نیز «الی» به همین معنا است.^{۵۴۵} از همین رو، هیچ یک از مذاهب اهل سنت شستن دست ها را از پایین به بالا واجب یا مستحب نمی دانند بلکه برخی «الی» را به معنای «مع» می گیرند.^{۵۴۶}

مسح در وضو

۱۱۹- چرا ما در هنگام وضو پاها را مسح می کنیم اما اهل سنت پاها را می شویند؟

در وضو، چهار عضو از حکم خاصی برخوردارند این چهار عضو عبارتند از:

۱ و ۲. صورت و دستها تا آرنج.

۳ و ۴. سر و پاها.

قرآن درباره دو عضو نخست می فرماید:

«فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ»^{۵۴۷}؛ «صورت و دستها را تا آرنج بشوید»

و درباره دو عضو دیگر می فرماید:

«وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ»^{۵۴۸}؛ «و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی پشت پا] مسح کنید»

در کنار هم قرار دادن این دو جمله به خوبی گویای آن است که شستن پاها با ظاهر آیه مخالف می باشد چراکه

اگر واقعاً، وظیفه وضو گیر، شستن پاها است شایسته بود که لفظ «أرجلکم» در کنار «أیدیکم» قرار گرفته و آیه اینگونه نازل می شد: «فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم و أرجلکم الی الکعبین». «صورت و دست ها و پاهایتان را بشوید».

و اگر تأخیر و ذکر آن در ذیل جمله دوم به خاطر بیان ترتیب عمل وضو است (شستن پا پس از مسح سرانجام گیرد) لازم بود اینگونه بفرماید:

«و امسحوا رؤوسکم و اغسلوا أرجلکم الی الکعبین». «سر خود را مسح کرده و پاهایتان را بشوید»

در حالی که هیچ کدام انجام نگرفته و لفظ «أرجلکم» زیر مجموعه «و امسحوا» وارد است و این نشانه این است که وظیفه وضو گیر در مورد پاها، مانند سر، مسح است.

ابن عباس نیز از سرپیچی مردم از ظاهر قرآن، سخن می گوید و می فرماید:

^{۵۴۵} - الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۱، ص ۲۱۸

^{۵۴۶} - ر.ک: الفقه علی المذاهب الاربعه، عبدالرحمن الخیرری، دارالفکر، ج ۱، ص ۵۳؛ حلیه العلماء فی معرفه مذاهب الفقها، الففال، مکتبه الرساله

الحديثه، ج ۱، ص ۱۴۵

^{۵۴۷} - مائده (۵)، آیه ۶

^{۵۴۸} - همان، ۶

«أبي الناس الا الغسل و لا أجد في كتاب الله الا المسح»^{۵۴۹}؛ «مردم جز شستن به چیزی تن ندادند در حالی که من در قرآن غیر از مسح چیزی نیافتم.» و لذا گروهی از علمای اهل سنت بر دلالت آیه بر مسح پاها، اعتراف کرده هر چند عملاً مخالفت نموده‌اند، و برخی برای احتیاط میان مسح و غسل جمع می‌کنند، و برخی با اعتراف به دلالت آیه بر مسح می‌گویند علت «شستن پا» این است که شستن از نظافت بالایی برخوردار است، تو گویی خدای حکیم از این موضوع غافل بوده است!!^{۵۵۰}

ابن حزم متوفای (۴۵۶) می‌گوید: «ان القرآن نزل بالمسح، قال الله تعالى: «وامسحوا برؤوسکم و ارجلکم» و سواء قرء بخفض اللام أو فتحها هی علی کل حال عطف علی الرؤوس»^{۵۵۱}؛ «قرآن درباره پاها حکم به مسح کرده است، و آیه نیز همین را می‌رساند خواه لفظ «وارجلکم» را به کسره بخوانیم یا به فتح در هر حال عطف بر «رؤوسکم» می‌باشد.»

قتاده نیز گفته است خدا دو شستن و دو مسح بر ما واجب کرده است.^{۵۵۲}

علی بن برهان الدین حلبی (متوفای ۱۰۴۴ هـ) می‌گوید: جبرئیل آنگاه که به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وضو را آموزش داد، فرمان به مسح پا داد، سپس می‌گوید محیی الدین می‌گوید: مسح دو پا اهر کتاب است.^{۵۵۳}

در باره آیه شریفه: «وَ امسحوا برؤوسکم و ارجلکم» سخن این است که آیا واژه «وارجلکم» به کجا عطف شده است، و به تعبیر دیگر: معطوف علیه آن چیست؟! در باره واژه «وارجلکم» دو قرائت هست: قرائت جر «وامسحوا برؤوسکم و ارجلکم». قرائت نصب «وامسحوا برؤوسکم و ارجلکم».

بنابر قرائت جر که چهار قاری (ابن کثیر، ابو عمرو، حمزه، عاصم به روایت ابی بکر.) از قراء سبعة وفق آن قرائت کرده‌اند حکم آن واضح است و آن این که معطوف بر ظاهر «برؤوسکم» می‌باشد، و طبعاً هر دو عضو،

^{۵۴۹} - سیوطی جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق،

ج ۲، ص، ۲۶۲

^{۵۵۰} - اسامی برخی از علماء اهل سنت که با اعتراف بر ظاهر آیه بر لزوم مسح پاها، اعذاری برای مخالفت خود با ظاهر آیه تراشیده‌اند

قرطبی (متوفای ۶۷۱) می‌نویسد: حجاج بن یوسف در اهواز سخنرانی کرد، و آیه وضو را تلاوت نمود، و اصرار ورزید که حتماً پاها را بشوید زیرا چیزی آلوده‌تر از پاهای انسان نیست.

انس بن مالک که از اصحاب پیامبر است این سخن را شنید، گفت صدق الله و کذب الحجاج «خدا راست گفته و حجاج دروغ می‌گوید»، خدا به مسح پاها فرمان داده است، چنان که می‌گوید: «فامسحوا برؤوسکم و ارجلکم» سپس از عامر شعبی نقل می‌کند که جبرئیل در مورد پا حکم مسح را آورده و لذا در تیمم آنچه در وضو شسته می‌شود باقی مانده و آنچه که مسح می‌شود، لغو گشته است.

^{۵۵۱} - المحلی، ج ۲، ص ۵۶، شماره ۲۰۰

^{۵۵۲} - الجامع الاحکام القرآن، ج ۶، ص ۹۲

^{۵۵۳} - السیرة الحلبیة، ج ۱، ص ۲۸

حکم یکسان (مسح) خواهند داشت. و بنا بر قرائت نصب که سه قاری از قراء سبعة وفق آن قرائت کرده‌اند عطف بر محل «برؤوسکم» می‌باشد زیرا محل آن به حکم این که مفعول و «وامسحوا» است منصوب می‌باشد و عطف بر محل در کلام عرب و قرآن شایع است؛ مانند:

«أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ»^{۵۵۴}؛ خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند! در این آیه واژه «ورسوله» به محل «الله» که به ظاهر منصوب و از نظر محل مرفوع است، عطف شده است. خلاصه این که بر هر دو قرائت لفظ «وأرجلكم» عطف بر «برؤوسکم» است گاهی بر ظاهر و گاهی بر محل و نتیجه هر دو قرائت مسح پا است.

ولی کسانی که معتقد به شستن پاها هستند در تفسیر اعراب آیه در تنگنای عجیبی قرار گرفته‌اند و ناچار شده‌اند هر دو قرائت را به صورت بسیار ناکام و غیر مقبول تفسیر کنند.

این افراد به جای این که «وأرجلكم» را بر لفظی که در کنارش هست عطف کنند، آن را بر لفظ «وجوهکم» که در جمله پیشین است عطف می‌نمایند، در حالی که این عطف برخلاف ظاهر و بر خلاف قواعد عربی می‌باشد.^{۵۵۵}

نکته پایانی آن که صراحت آیه شریفه آن است که «وامسحوا برؤوسکم» و بر اساس ادبیات عرب این «باء» بعضیه است یعنی به مقداری از سر خود مسح کنید در حالی که آنچه رایج میان برخی اهل سنت است مسح یا شستن تمام سر است!! و به طور یقین این رفتار آنها مخالف آیه شریفه و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است زیرا در آیه نگفته «وامسحوا رؤوسکم» یعنی تمام سر خود را مسح بکشید، بلکه فرموده «وامسحوا برؤوسکم» یعنی بعض سر را مسح بکشید وقتی ثابت شود بخشی از وضوی اهل سنت با ظاهر قرآن سازگار نیست نسبت به دیگر روش‌های آنها در وضو نیز نمی‌توان اطمینان پیدا کرد. به ویژه که مخالف روش و روایت اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌باشد.

اذان اهل سنت

۱۲۰- چرا «حی علی خیر العمل» در اذان اهل سنت وجود ندارد؟

بر اساس آنچه که از روایات اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) وارد شده معلوم می‌شود «حی علی خیر العمل» جزو اذان بوده و در عهد پیامبر اکرم (ص) و تا عهد ابی بکر و قسمتی از عهد عمر در اذان گفته می‌شد بعد از دستور دارد آن را از اذان و اقامه حذف کنند.

^{۵۵۴} - التوبة (۹)، آیه ۳

^{۵۵۵} - آیه الله جعفر سبحانی، سیمای فرزندگان ج ۲، به نقل از سایت تبیان

در روایتی از ابن عباس سوال کردند: به چه علت «حیّ علی خیر العمل»، از اذان حذف شده است؟ جواب داد: «عمر می‌خواست مردم با تکیه کردن بر نماز جهاد را ترک نکنند و به این جهت آن را از اذان حذف کرد.»^{۵۵۶}

در روایت دیگری فردی به نام محمد بن ابی عمیر همین سوال از امام رضا علیه السلام پرسید؛ حضرت فرمودند: علت ظاهرش را جويا هستی یا از علت باطنی آن سؤال می‌کنی؟ محمد بن ابی عمیر می‌گوید: عرض کردم از هر دو می‌پرسم.

حضرت فرمودند: اما علت ظاهرش، آن است که مردم جهاد را به خاطر نماز ترک نکنند و اما علت باطنی آن، خیر العمل ولایت است لذا کسی که امر به ترک «حیّ علی خیر العمل» از اذان نمود قصدش این بود که بر ولایت تحریص و تحریکی نباشد.^{۵۵۷}

حذف این فراز از اذان در حالی صورت گرفت که مسلمانان در زمان پیامبر(ص) به هر دو فریضه «نماز» و «جهاد» اهمیت می‌دادند و هیچ کدام مانع دیگری نمی‌شد. علاوه براینکه کسانی که این فراز از اذان را حذف نموده اند باید به این سوال پاسخ دهند که مگر پیامبر(ص) نمی‌دانستند خیرالعمل نماز است یا جهاد تا این فراز را در اذان ذکر نمایند ولی بعدا دیگران بعدا پی به این مساله برده و آن را از اذان حذف کردند؟

اذان شیعیان

۱۲۱- آیا اذان رایج شیعیان در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وجود داشت و در آن زمان

نیز به هنگام اذان، در ادامه شهادت به نبوت، شهادت بر ولایت حضرت علی (علیه السلام) نیز

ذکر می‌شد؟

درباره اذان رایج در میان شیعیان، در ادامه شهادت به نبوت و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، شهادت بر ولایت و امامت نیز به عنوان مستحب گفته می‌شود و بنابر اتفاق همه مراجع بزرگوار تقلید شیعه، جزء اذان نیست علاوه بر این که شیعه دلایل در دست دارد که نشان می‌دهد، اقرار به ولایت علی (علیه السلام) در اذان و اقامه، از زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در میان اصحاب موجود بوده و پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نیز آن را تایید نموده اند.

سلمان فارسی در عصر پیامبر در اذان و اقامه بعد از گواهی به یکتایی خدا و رسالت پیامبر(ص) به ولایت امیرمؤمنان علی (ع) شهادت می‌داد. یکی از اصحاب به محضر رسول خدا(ص) رسیده و عرض کرد: ای رسول خدا! امروز موضوعی را شنیدم که قبلا نشنیده بودم. پیامبر فرمود: آن موضوع چیست؟ او عرض کرد: سلمان اذان می‌گفت، شنیدم او بعد از گواهی به یکتایی خدا و رسالت پیامبرش، به ولایت علی (ع) گواهی

^{۵۵۶} - علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۷

^{۵۵۷} - علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۸

داد — توجّه: این ماجرا بعد از حجه الوداع و پس از ماجرای غدیر رخ داده است — پیامبر فرمود: سمعتم خيراً — چیز خوبی شنیده اید.

یکی از اصحاب نزد پیامبر(ص) آمده و عرض کرد: ای رسول خدا! ابوذر در اذان بعد از شهادت به رسالت پیامبر(ص) به ولایت علی شهادت می دهد و می گوید: اشهد ان علیا ولی الله. پیامبر(ص) فرمودند: کذلک أو نسیتم قولی فی غدیر خم من کنت مولاه فعلی مولاه؟ فمن نکث فأنما ینکث علی نفسه — همین گونه است. مگر سخن مرا در غدیر خم فراموش کرده اید که گفتم هر کس من مولای او هستم پس علی (ع) مولای او است؟ هر کس پیمان را بشکند قطعاً به خودش آسیب رسانده است.^{۵۵۸}

علاوه بر اینکه از دیدگاه قرآن همان گونه که رسول اکرم ولی از سوی خداوند است، حضرت علی (علیه السلام) نیز ولی است به عنوان نمونه خداوند متعال در قرآن فرموده است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^{۵۵۹}؛ «تنها سرپرست شما خدا و رسول او و کسانی هستند که ایمان آورده اند. کسانی که نماز را به پای می دارند و در حال رکوع زکات می دهند»، که به تصریح شیعه و سنی بر امام علی (ع) تطبیق شده است^{۵۶۰}. بنابراین بیان شهادت به ولایت در ادامه ی شهادت به نبوت مطابق آیات قرآن است.

در برخی از روایات نیز آمده است که هر کس «لا اله الا الله محمد رسول الله» می گوید: علی امیرالمومنین نیز بگوید^{۵۶۱}. این روایت دلالت بر استحباب شهادت به ولایت پس از شهادت به توحید و رسالت در همه مواضع دارد چه در اذان باشد چه در غیر اذان.

البته علمای شیعه نیز معتقدند اگر مجامع اهل سنت و شیعیان اتفاق کنند که هر دو بر اذان زمان پیامبر(ص) عمل نمایند بسیار شایسته است. چراکه اگر چه در اذان شیعه حذف نیست و عمل آنها مستند به آیات و روایات می باشد اما در اذان و اقامه اهل سنت عبارت «حی علی خیرالعمل» که در زمان رسول خدا صل الله علیه و آله جزء اذان بوده به دستور خلیفه دوم حذف شده است بدون اینکه دلیل قرآنی یا روایی برای آن اقامه نماید. متکلم معروف اشعری به نام علاء الدین قوشجی (متوفای ۸۷۹) می گوید: عمر بن خطاب نسبت به سه چیز هشدار داد، و گفت: «ثلاث کن عهد رسول الله (ص) و أنا أنهی عنهن و احرمهن و أعقر علیهن: متعه النساء، و متعه الحج و حی علی خیر العمل»^{۵۶۲}؛ «سه چیز در عهد رسول خدا رسمیت داشت و

۵۵۸ - سید علی حسینی میلانی، محاضرات فی الاعتقادات، قم، مرکز الابحاث العقائديه، ۱۴۲۱هـ ج ۲، ص ۶۵۹ به نقل از کتاب «السلافة فی امر الخلافة» اثر محقق و دانشمند بزرگ اهل سنت شیخ عبدالله مراغی مصری

۵۵۹ - مائده (۵)، آیه ۵۵

۵۶۰ - ر.ک: تفسیر طبری، ج ۶، ص ۱۸۶؛ احکام القرآن (تفسیر جصاص)، ج ۲، ص ۵۴۲؛ تفسیر بیضاوی، ج ۱، ص ۳۴۵؛ الدرالمثور، ج ۲، ص ۲۹۲

۵۶۱ - الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۵۸

۵۶۲ - شرح تجرید قوشجی بحث امامت

من از آنها باز می‌دارم، و تحریم می‌کنم و مؤاخذه می‌نمایم: ۱. متعه زنان، ۲. متعه حج، ۳. گفتن حی علی خیر العمل».

مهر نماز

۱۲۲- چرا شیعیان در نماز از مهر استفاده می‌نمایند؟ آیا این عمل شرک نیست؟ لطفاً سندی محکم

ارائه کنید.

بنا بر روایات بسیاری - که شیعه و سنی نقل نموده‌اند - پیامبر(ص) بر خاک سجده می‌کردند و در تابستان که بر اثر هوای عربستان خاک و ماسه‌های کف مسجد النبی(ص) بسیار گرم و سوزان می‌شد، بر حصیر سجده می‌کردند. در این باره روایت پیامبر(صلی‌الله‌علیه) که مورد اتفاق شیعیان و اهل سنت است، نقل می‌کنیم: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهْرًا»^{۵۶۳}؛ «زمین برای من، سجده‌گاه و مایه پاکیزگی قرار داده شده است». از این روایت به خوبی استفاده می‌شود؛ پیامبر(صلی‌الله‌علیه) خاک و زمین را به عنوان سجده‌گاه و جهت تیمم استفاده می‌کردند و در این باره تمامی شیعیان و اهل سنت اتفاق نظر دارند.

مهر همان خاک است که بصورت فشرده در آمده و سجده بر خاک امری معمول است که از زمان پیامبر(ص) بوده و از آنجا که امروزه همه مساجد مفروش است و سجده بر فرش تشریح نشده است، لذا شیعیان مهری از خاک تهیه می‌کنند که اولاً «زمین» بر آن صدق کند و ثانیاً پاک و تمیز باشد.

برخی روایات اهل تسنن بر استفاده برخی صحابه از چیزی شبیه مهر امروزی برای سجده در نماز تصریح دارد: ابن سعد در طبقات الکبری در احوال مسروق بن اجدع^{۵۶۴} می‌گوید: «كان مسروق اذا خرج يَخْرُجُ بَلْبِنَةً يَسْجُدُ عَلَيْهَا فِي السَّفِينَةِ»^{۵۶۵}؛ «وقتی مسروق بیرون می‌رفت خشتی همراه خود می‌برد و در کشتی بر آن سجده می‌کرد».

زرین می‌گوید: «كتب الي علي بن عبدالله بن عباس رضي الله عنه ان ابعث الي بلوح من احجار المروه اسجد عليه»^{۵۶۶}؛ «علی بن عبدالله بن عباس به من نوشت که لوحی از سنگ‌های مروه برایم بیاور تا بر آن سجده کنم». از این ادله معلوم می‌شود که سجده بر مهر یا همان لوح بدعت نیست.

^{۵۶۳} - صحیح بخاری، ج ۱، کتاب الصلاة، ص ۹۱

^{۵۶۴} - مسروق بن اجدع فقیه مدینه و از شاگردان خلفای راشدین بود

^{۵۶۵} - الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۶، ص ۷۹، دار صادر بیروت، ۱۳۷۷ ه.ق

^{۵۶۶} - اخبار مکه (ازرقی)، ج ۳، ص ۱۵۱ به نقل از سجده بر تربت، سیدرضا حسینی نسب، انتشارات مؤسسه سیدالشهداء قم، ۱۳۶۹

عالمان برجسته اهل سنت نیز سجده بر خاک را تأکید کرده اند؛ هم چنان که امام محمد غزالی در کتاب «احیاء العلوم» بر این مسأله انگشت نهاده است.

خاطر نشان می شود مهر نزد شیعه موضوعیت ندارد؛ بلکه ملاک همان سجده بر خاک است و مهر وسیله ای است که سجده بر خاک را در هر جا و هر مکان سهل و آسان می سازد لذا سجده بر مهر شرک نیست چرا که شرک آن است که سجده برای غیر خدا باشد ولی شیعیان بر خاک سجده می کنند، نه برای خاک. به عبارت دیگر شرک آن است که غیر خدا «مسجود» واقع شود نه مسجد (محل سجده) و مهر و خاک مسجد است، نه مسجود. برخلاف حرکت بت پرستان که بت ها را مسجود قرار داده و در پیشگاه آنها کرنش و تواضع می نمودند. توضیح: این که سجده از جمله کارهایی است که بالاترین حد خضوع و فروتنی انسان در مقابل کس یا چیزی را نشان می دهد. استدلال بت پرستان برای توجیه سجده شان در مقابل بتها این بود که چون خدای خالق جهان دیده نمی شود نمی توان او را عبادت نمود، پس باید بتهایی را که دیدنی و محسوس هستند پرستش کرد و به همین جهت در مقابل بتها کرنش و سجده می کردند و به آنها که ساخته دست خودشان بودند احترام می گذارند. ولی تفکر شیعه آن است که تنها وجود شایسته عبادت خداوند یکتا است، او اگر چه دیده نمی شود و کنه ذات او در محدوده فهم و درک محدود انسان نمی گنجد، ولی عبادت او امری ممکن است و خودش کیفیت این عبادت را آموخته و باید او را به همان نحوی که فرموده است عبادت کرد. سجده بر خاک و ساییدن پیشانی بر آن که نشانی از پایین ترین چیزهاست علامت نهایت ذلت و کوچکی انسان و اعتراف به عظمت خالق است (سبحان ربی الاعلی و بحمده) و تفاوت این عمل و فکر بت پرستان از زمین تا آسمان است.

بنابراین اگر سجده بر مهر، بت پرستی محسوب شود؛ سجده بر فرش نیز همان حکم را دارد. لذا بهتر است بر مواردی سجده نمود که مورد اتفاق همه مسلمانان است کما اینکه بنا به روایتی که مورد قبول همه مسلمانان است پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهْرًا»^{۵۶۷}؛ «زمین برای من، سجده گاه و مایه پاکیزگی قرار داده شده است».

از این روایت به خوبی استفاده می شود؛ پیامبر (صلی الله علیه) خاک و سنگ را به عنوان سجده گاه و جهت تیمم استفاده می کردند و در این باره تمامی شیعیان و اهل سنت اتفاق نظر دارند. نسبت به دیگر موارد مثل فرش، پوشیدنی ها و خوردنی ها که اختلاف نظر هست، عقل داور می کند که به مورد اتفاق نظر، عمل شود و از موارد اختلافی اجتناب نمود.

^{۵۶۷} - صحیح بخاری، ج ۱، کتاب الصلاة، ص ۹۱

۱۲۳- بنا به نظر شیعه چرا خواندن نماز با مهر کربلا ثواب بیشتری دارد؟

علامه امینی (ره) در این باره می‌فرماید: «این امر بر دو اصل اساسی استوار است: الف) آن که شیعه امامیه در صدد آن است که برای خود تربت و مهری پاک به همراه داشته باشد تا بر آن سجده نماید. ب) برخی از مکان‌ها بر بعضی دیگر برتری دارد، لذا آثار و برکاتی بر آن مترتب است؛ به همین دلیل کعبه و حرم، حکم خاصی به خود گرفته است. از جمله سرزمین‌هایی که بر سایر بقاع برتری پیدا کرده و دارای آثار و برکاتی خاص است محلی است که بدن شریف سیدالشهدا (علیه‌السلام) را در خود جای داده است. همان بقعه‌ای که امام علی (علیه‌السلام) قبل از شهادت امام حسین (علیه‌السلام) قبضه‌ای از خاک آن را برداشت و استشمام کرد و چنان گریست که زمین از اشک‌های حضرتش مرطوب گشت. سپس فرمود: از این سرزمین هفتاد هزار نفر محشور شده و بدون حساب وارد بهشت می‌گردند.^{۵۶۸} آیا سجده بر چنین تربتی مطلوبیت و قداست ندارد و سبب تقرب به خداوند متعال نمی‌گردد؟ آیا سزاوار نیست که انسان بر تربتی سجده کند که در آن نشانه‌های توحید و شهادت در راه معبود است؟ تربتی که در صورت توجه خاص به حقیقت آن حالت رقت قلب در انسان ایجاد شده و انسان را به سوی خداوند نزدیک می‌کند...»^{۵۶۹}

استاد عباس محمود عقاد - نویسنده مصری - در مورد سرزمین کربلا می‌نویسد: «سرزمین کربلا حرمی است که مسلمانان برای عبرت و یادآوری به زیارت آن می‌آیند و غیر مسلمین برای مشاهده و بازدید، ولی اگر بنا باشد که حق این سرزمین ادا شود باید آن را زیارت‌گاه هر انسانی قرار داد که برای نوع خود نصیبی از قداست و بهره‌ای از فضیلت قائل است، زیرا ما به یاد نداریم که قطعه‌ای از زمین به مانند کربلا این چنین دارای فضیلت و منقبت باشد و این نیست مگر به جهت آن که این سرزمین با اسم کربلا و منزلگاه حسین (علیه‌السلام) مقرون و عجین شده است.»^{۵۷۰} در روایتی امام باقر علیه السلام فرموده اند:

خداوند تبارک و تعالی بیست و چهار هزار سال پیش از خلقت کعبه، زمین کربلاء را آفرید و آن را مقدس و مبارک قرار داد و پیوسته قبل از خلقت مخلوقات مقدس و مبارک بود تا آن را برترین زمین در بهشت نمود و برترین منزل و مسکنی قرارش داد که اولیاء و دوستانش در بهشت در آن سکنا می‌گزینند.^{۵۷۱}

^{۵۶۸} - المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۱۱، ح ۲۸۲۵.

^{۵۶۹} - السجود علی التربة الحسينية عند الشيعة الامامية، ص ۶۹-۸۷.

^{۵۷۰} - ابوالشهداء، ص ۱۴۵.

^{۵۷۱} - کامل الزیارات-ترجمه ذهنی تهرانی، ص ۸۱۳.

از همین رو گرچه سجده بر هر خاکی، بلکه هر سنگ و چوب پاکی جایز و صحیح است اما بر اساس همین امتیازی که تربت امام حسین علیه السلام دارد، امام صادق علیه السلام جز بر خاک کربلا سجده نمی کرد و این کار را از سر خشوع و خضوع برای خدا می کرد.^{۵۷۲} و می فرمود: «سجده بر خاک حسین (علیه السلام) حجاب های هفت گانه را از میان بر می دارد»^{۵۷۳}

جمع دو نماز

۱۲۴- این که شیعیان نماز عصر را بلافاصله بعد از نماز ظهر می خوانند بر خلاف سنت پیامبر (

صل الله علیه و آله) و نوعی دروغ نیست؟! زیرا هنوز عصر نشده است؟!!

در ابتدا گفتنی است؛ زمان برگزاری نماز ظهر و عصر از هنگام اذان ظهر تا قبل از غروب یا مغرب است. بنابراین این اگر کسی به هر دلیلی مانند خواب و یا سفر و یا تأخیر تا هنگام عصر نماز نخوانده باشد ابتدا باید نماز ظهر بخواند و سپس نماز عصر و دورغی اتفاق نیفتاده است بلکه از نظر شرعی نمازها یک وقت فضیلت دارد که نماز ظهر بهتر است در هنگام ظهر و نماز عصر در هنگام عصر خوانده شود اما جمع بین نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء در زمان پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله) انجام می شده و در روایات شیعه و روایات اهل سنت آمده است؛

عبدالله بن سنان از حضرت امام صادق(ع) نقل کرده که آن حضرت فرمود: پیامبر خدا(ص) بدون این که عذری در کار باشد، ظهر و عصر و نیز مغرب و عشاء را با یک اذان و دو اقامه خواندند»^{۵۷۴}

اسحاق بن عمار از امام صادق(ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «پیامبر خدا بدون این که عذری در کار باشد، ظهر و عصر را در یک جا خواندند. عمر به آن حضرت گفت: آیا در نماز چیز تازه ای پیدا شده؟ پیامبر اکرم(ص) گفت: نه چیز تازه ای درباره نماز نیامده ولی خواستم بر امت خودم گشایشی بدهم»^{۵۷۵}

عبدالملک قمی می گوید: به امام صادق(ع) گفتم: می توانم بین دو نماز را بدون این که عذری داشته باشم جمع بکنم؟ امام در جواب گفت: پیامبر خدا این کار را انجام داد و خواست که امت را در آسایش و سبکی قرار دهد»^{۵۷۶}

عبدالله بن عمر می گوید: پیامبر با این که در مدینه بود و مسافر نبود نماز را تمام و با هم خواند»^{۵۷۷}

امام باقر(ع) فرمود: پیامبر خدا ظهر و عصر و نیز مغرب و عشاء را با یک اذان و دو اقامه خواندند»^{۵۷۸}

^{۵۷۲} - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۶۶

^{۵۷۳} - همان

^{۵۷۴} - وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۲۰

^{۵۷۵} - همان، ص ۲۲۱

^{۵۷۶} - همان

^{۵۷۷} - همان

فقهای شیعه به پیروی از این احادیثی که از عمل پیامبر حکایت می‌کند و از روایاتی که پیشوایان بزرگ اسلام رسیده است و به پیروی از ظواهر آیات قرآنی، در تمام اعصار اسلامی، تفریق میان نمازها را مستحب دانسته و می‌فرمایند: فاصله انداختن میان نمازها و اقامه هر نمازی در وقت فضیلت خود مستحب و افضل است و در عین حال می‌توان این مستحب را ترک نمود و نمازها را جمع خواند و معنای مستحب همین است که انسان بسان سایر مستحبات در فعل و ترک آن مختار باشد.

جابر بن زید از ابن عباس نقل کرده است که پیامبر خدا(ص) هفت رکعت مغرب و عشاء را با هم خواند و هشت رکعت ظهر و عصر را با هم خواند و آن حضرت در مدینه بود^{۵۷۹} و نیز می‌گوید: «پیامبر اسلام هفت رکعت را با هم خواند و هشت رکعت را هم با هم خواند»^{۵۸۰}

ابن عباس می‌گوید: پیامبر اسلام در مدینه، بین ظهر و عصر و بین مغرب و عشاء را جمع می‌کرد، بدون این که عذری در کار باشد»^{۵۸۱}

سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می‌کند: رسول خدا(ص) ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با هم خواند بدون این که خطر و یا سفری در کار باشد»^{۵۸۲}

- عبدالله بن شقیق می‌گوید: روزی ابن عباس پس از نماز عصر، برای ما سخنرانی می‌کرد. سخنرانی طولانی شد، آفتاب غروب کرد، هوا تاریک شد، ستارگان در آسمان ظاهر شدند و مردم می‌گفتند: وقت نماز است. مردی از بنی تمیم که همیشه نماز را اول وقت می‌خواند نزد ابن عباس آمد و گفت: بابا وقت نماز است و سخن را کوتاه کن. ابن عباس به او گفت: ای بی‌مادر! آیا تو به من سنت پیامبر را تعلیم می‌دهی؟! من خودم دیدم که پیامبر اسلام ظهر و عصر را با هم می‌خواند و مغرب و عشاء را با هم می‌خواند. عبدالله بن شقیق می‌گوید: من به شک افتادم. رفتم نزد ابوهریره و از او پرسیدم. ابوهریره گفت: ابن عباس راست می‌گوید»^{۵۸۳}

هر چند اخبار و روایات بسیاری در این باب از اهل تسنن نقل شده، لیکن همین که بابی به نام «جمع بین الصلاتین» اختصاص یافته و احادیث مربوطه در این باب نقل گردیده، محکم‌ترین دلیل و برهان بر جواز جمع خواندن نماز است. زیرا اگر غیر از این می‌بود باید باب مخصوصی به نام «جمع بین الصلاتین فی السفر» یا «جمع بین الصلاتین فی الحضر» اختصاص می‌دادند تا احادیث مربوطه را تفکیک نمایند.

۵۷۸ - همان، ص ۲۲۳

۵۷۹ - صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۰۱، باب تأخیرالظهر الی العصر، ح ۵۱۸، چاپ پنجم، ۱۹۹۳ - ۱۴۱۴، نشر و توزیع دار ابن کثیر و الیمامه، دمشق و

بیروت

۵۸۰ - همان، ص ۲۰۶، ح ۵۳۷، باب وقت المغرب

۵۸۱ - صحیح سنن نسائی، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۶۰۱، باب الجمع بین الصلواتین فی الحضر

۵۸۲ - صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۸۹، ح ۴۹، باب الجمع بین الصلواتین فی الحضر، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۵، ۱۳۷۴، بیروت

۵۸۳ - صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۹۱، ح ۵۷ و ۵۸

از طرفی دیگر، بخاری همین احادیث را در صحیح خود آورده، لیکن به دلایل نامعلومی و با زبردستی آن‌ها را از محل «جمع بین الصلواتین» به محل دیگری مثل «باب تأخیر الظهر إلى العصر من کتاب مواقیت الصلاة» و «باب ذکر العشاء والعتمة» و «باب وقت المغرب» انتقال داده است.

در پایان خاطر نشان می‌شود حکمت این مساله و جواز جمع بین نمازها به خاطر آسایش مسلمین و سخت نگرفتن به آنان بوده است.

در روایتی از اهل سنت آمده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) جمع بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء کرد، به آن حضرت عرض شد که چرا چنین کردی؟ فرمود: این گونه عمل کردم تا حرجی بر امتم نباشد.^{۵۸۴} ابن عباس نیز در تبیین فلسفه و حکمت این حکم می‌گوید: به خاطر گشایش و تخفیف بر امت، پیامبر (صلی الله علیه و آله) این کار را کرد.^{۵۸۵}

اینها قسمتی از احادیثی است که محدثان اهل تسنن در کتاب‌های تفسیر و حدیث خود نقل کرده‌اند و همگی حاکی از این است که جدا خواندن نمازها امر مستحبی است و اگر روزی دیدیم که مراعات این مستحب به اصل ادای فریضه لطمه می‌زند، به دستور خود پیامبر می‌توانیم ترک کنیم، یعنی هر دو را با هم بجا آوریم. امروز در بسیاری از مناطق، وضع زندگی طوری تنظیم شده که مراعات این استحباب، موجب مشقت شده است و چه بسا سبب می‌شود که گروهی از انجام اصل نماز سرباز زنند. در این موقع با الهام گرفتن از راهنمای خود، پیامبر می‌توان برای مراعات «اهم»، مسئله تفریق را ترک نمود، و هم اکنون بسیاری از فقهای اهل تسنن همین نظر را دارند، ولی به ملاحظاتی از اظهار نظر خودداری می‌کنند.^{۵۸۶}

بنابراین، جمع کردن بین نماز ظهر و عصر و نیز مغرب و عشاء، هیچ گونه اشکالی ندارد زیرا ریشه در روایات و سیره پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) دارد و متهم ساختن شیعه به این که خلاف سنت پیامبر عمل می‌کنند، کار دشمنان اسلام و مسلمین است.

^{۵۸۴} - صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۵۱

^{۵۸۵} - همان، ص ۱۵۲

^{۵۸۶} - ر.ک: مکارم شیرازی، پاسخ به پرسش‌های مذهبی، قم، امیرالمؤمنین، ۱۳۷۷، ص ۳۰۰

نماز پنج نوبت در کلام علی (علیه السلام)

۱۲۵- در بررسی هایی که بنده انجام دادم، مشاهده کردم بر اساس آیه ۱۳۰ سوره طه اوقات نماز طور دیگری شرح داده شده و منابع روایی شیعه و به خصوص در نامه ای از حضرت علی (ع) به فرماندار مصر، اوقات نمازهای یومیه مطابق آنچه امروزه اهل تسنن انجام می دهند به صورت جداگانه بیان شده و حتی حضرت در نامه مذکور (که در نهج البلاغه آمده است) بیان می دارند که نمازها را در این اوقات به جماعت برگزار نمایید. بنابر این چگونه مراجع تقلید و عموم شیعه نمازهای پنج گانه را به صورت جدا از هم نمی خوانند و مثلاً نماز ظهر و عصر را با هم می خوانند؟

گرچه بنا به نظر تمامی فقهای شیعه خواندن نماز در پنج نوبت (ظهر، عصر، مغرب، عشاء و صبح) امری مستحب و بهره مندی از ثواب اول وقت و فضیلت وقت خاص را به دنبال دارد؛ ولی خواندن نماز در سه وعده نیز با آیات قرآن کریم تعارض ندارد.

اصولاً آیاتی که با صراحت به اوقات نماز اشاره دارد در هیچ کدام به جزئیات به طور کامل و پنج وعده بودن تصریح نشده است. خداوند متعال می فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»^{۵۸۷}؛ «نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب [نیمه شب] برپا دار؛ و همچنین قرآن فجر [نماز صبح] را؛ چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است!»^{۵۸۸} در جایی دیگر می فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ»^{۵۸۹}؛ «نماز را در دو طرف روز و اوائل شب برپا دار، چرا که حسنات، سیئات [و آثار آنها را] بر طرف می سازند، این تذکری است برای آن ها که اهل تذکرند.»^{۵۹۰}

بنابراین، در آیات مذکور که درباره اوقات نماز می باشد، به پنج وعده بودن نماز، تصریح نشده است، تا با سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) (نماز در سه وعده) تعارضی داشته باشد.^{۵۹۱}

در مورد آیه «فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ...»^{۵۹۲}؛ «در برابر آنچه آنها می گویند صابر و شکیبا باش، قبل از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن، و همچنین در اثناء شب و اطراف روز تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور...» که به صراحت از

۵۸۷ - اسراء (۱۷)، آیه ۷۸

۵۸۸ - ر.ک: جلال الدین سیوطی، الدرالمثور، بیروت داراحیاء التراث العربی، ج ۵، ص ۲۸۰-۲۸۲.

۵۸۹ - هود، ۱۱۴

۵۹۰ - ر.ک: مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۱۲، ص ۲۲۱ و ج ۹، ص ۲۶۵

۵۹۱ - سعید شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اکبر، پاییز ۱۳۸۷ ش، سوم، ص ۱۷۸

۵۹۲ - طه (۲۰)، آیه ۱۳۰

نماز سخن به میان نیامده بین مفسران گفتگو است که منظور حمد و تسبیح مطلق است و یا اشاره به نمازهای پنجگانه دارد. جمعی معتقدند که مقصود حمد و تسبیح مطلق است، در حالی که گروهی دیگر آنرا اشاره به نمازهای پنجگانه می دانند و برخی نیز احتمال داده اند که آیه شریفه اشاره به ذکرهای مخصوصی باشد که در روایات اسلامی در این ساعات مخصوص وارد شده است. در هر صورت این تفسیرها با هم منافاتی ندارند و اگر مقصود نمازهای پنجگانه هم باشد، با روش معمول شیعیان سازگار است.^{۵۹۳}

با توجه به مطالب گفته شده معلوم می شود جزئیات اوقات نمازهای پنجگانه، در قرآن بیان نشده؛ بلکه بیان جزئیات و شرح آن به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) سپرده شده است؛ به همین جهت آیات قرآن در کنار روایاتی که از آن بزرگواران به دست ما می رسد، زمان نمازهای پنج گانه را به طور دقیق مشخص می کند.

فقههای شیعه نیز به پیروی از احادیثی که از عمل پیامبر حکایت می کند و از روایاتی که از پیشوایان بزرگ اسلام رسیده است و به پیروی از ظواهر آیات قرآنی، در تمام اعصار اسلامی، تفریق میان نمازها را مستحب دانسته و می فرمایند: فاصله انداختن میان نمازها و اقامه هر نمازی در وقت فضیلت خود مستحب و افضل است و در عین حال می توان این مستحب را ترک نمود و نمازها را جمع خواند.

اما در خصوص کلام حضرت علی علیه السلام نیز باید گفت که در منابع روایی شیعه روایاتی نیز در خصوص استحباب این امر نقل شده^{۵۹۴} و کلام حضرت امام علی بن ابیطالب (ع) در نامه ۵۲ نهج البلاغه نیز نیز تبیین اوقات فضیلت نمازهای یومیه و تأکید بر امری مستحب و یکی از سنن پیامبر اکرم (ص) دارد و دلالتی بر وجوب و الزام و حتمیت ندارد.

نماز دست بسته (تکتف)

۱۲۶- چرا ما شیعیان در نماز باید دستهایمان صاف و به سمت پایین باشد و مانند اهل تسنن دست

بسته نماز نمی خوانیم؟ سنت پیامبر (صل الله علیه و آله) چه بود؟

دلایل مختلفی وجود دارد مبنی بر اینکه دست بسته خواندن نماز- که در اصطلاح فقهی تکفیر و تکتیف نامیده می شود- شیوه پیامبر خدا (صل الله علیه و آله) نبوده و بعد از ایشان به وجود آمده است.

در متون اهل سنت آمده است: «ابو حمید ساعدی صحابی بزرگ برای گروهی از صحابه که در میان آنان ابو هریره دوسی، سهل ساعدی ابو السید ساعدی، ابو قتاده، حارث بن ربیع و محمد بن مسلمه نیز حضور داشتند کیفیت انجام نماز را از رسول خدا (ص) حکایت کرد و نیز از مستحبات ریز و درشت آن نام برد

^{۵۹۳} - جهت اطلاع بیشتر به مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۱۳ ص ۳۳۷

^{۵۹۴} - این روایات در وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۵۶ باب ۱۰ جمع آوری شده .

ولی از چنین عملی دست روی دست نهادن در نماز سخن به میان نیاورده.^{۵۹۵} اگر شیوه پیامبر اکرم (ص) ولو احياناً چنین بود او یادآور می شد و یا حاضران تذکر می دادند.

بیهقی از محدثان برجسته اهل سنت در سنن خود میگوید: از حدیث سهل بن سعد استفاده می شود که دست بسته نماز خواندن بعد از پیامبر به وجود آمده است، چون حدیث می گوید: «كَانَ النَّاسُ يُؤْمَرُونَ»؛ یعنی به مردم دستور می دادند. در حالی که اگر این کار از پیامبر بود، آن را به پیامبر نسبت می داد.^{۵۹۶}

اگر این عمل سنت همیشگی پیامبر می بود، همه اهل سنت دست بسته خواندن را واجب می دانستند در حالی که هیچ کدام از چهار فرقه فقهی اهل سنت این عمل را واجب نمی دانند حتی مالکی ها آن را مستحب هم نمی دانند.^{۵۹۷}

علماء اهل سنت خود معترفند که تکتف جزء سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) نبوده است، مهمترین دلیل بر دست بسته نماز خواندن روایت بخاری است که در آن تصریح می کند به این که ((الناس يؤمرون)) و نمی گوید که پیامبر امر کرد که دست راست را روی دست چپ بگذارید. بنا بر این روایت به هیچ عنوان حاکی از سنت پیامبر نمیشود و بر فرض اگر دلالت آن درست بود و حاکی از سنت بود باز هم به دلیل تعارض با روایات معتبره که حاکی عدم این زیاده هستند این روایت از حجیت و اعتبار خارج میشود. بخاری چنین روایت می کند:

«فروى عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْلَمَةَ، عَنْ مَالِكٍ، عَنْ أَبِي حَازِمٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ، قَالَ كَانَ النَّاسُ يُؤْمَرُونَ أَنْ يَضَعَ الرَّجُلُ الْيَدَ الْيُمْنَى عَلَى ذِرَاعِهِ الْيُسْرَى فِي الصَّلَاةِ. قَالَ أَبُو حَازِمٍ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا يَنْمِي ذَلِكَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قَالَ إِسْمَاعِيلُ يُنْمَى ذَلِكَ. وَلَمْ يَقُلْ يَنْمَى.»^{۵۹۸} «عن أبي حازم از سهل بن سعد است که گفت: مردم امر می کردند که نمازگزار در نماز دست راست را بر ساعد دست چپ بگذارد. ابو حازم می گوید: مطلبی درباره این روایت نمی دانم جز اینکه به پیامبر نسبت داده شده است. اسماعیل می گوید: این مطلب نسبت داده شده است و نمی گوید خود او نسبت داده است.»

در روایات اهل بیت علیهم السلام این عمل را به مجوس نسبت داده اند از جمله روایت امام باقر(ع) فرمود: «وَلَا تُكْفَرُ إِلَّا مَا يَصْنَعُ ذَلِكَ الْمَجُوسُ»؛ «در نماز تکتف نکن که این کار مجوس است.»^{۵۹۹} و آن حضرت به طور صریح دستور می دهد در نماز دست ها را روی ران ها بگذارید و آنها را رها کنید و انگشتان دست را به هم بچسبانید.^{۶۰۰}

^{۵۹۵} - سنن بیهقی، ج ۲ - سنن ابوداود، ج ۱، باب افتتاح الصلاة، ح ۷۰ و ۷۳۶ - سنن ترمذی، ج ۲، ص ۹۸، باب صفت الصلاة

^{۵۹۶} - سنن بیهقی، ج ۲، ص ۲۸

^{۵۹۷} - الفقه على المذاهب الخمسة، مغنیه، ص ۱۰۹

^{۵۹۸} - صحیح البخاری: ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۷۴۰، کتاب الأذان، ب ۸۷، باب وَضَعُ الْيُمْنَى عَلَى الْيُسْرَى.

^{۵۹۹} - وسائل الشیعة، ج ۷، ابواب ۱۵ قواطع نماز، ص ۲۶۶

^{۶۰۰} - همان، ج ۵، باب ۱۷ از ابواب قیام، ص ۵۱۱

برخی از نقل های تاریخی آمده است که این عمل در زمان خلیفه دوم به نماز اضافه گردیده است: وقتی که اسیران ایرانی را نزد عمر بن خطاب آوردند، عمر بن خطاب آنها را دست بسته دید و پرسید: چرا چنین کرده اید؟ گفتند: رسم ما ایرانیان این است که در برابر پادشاهانمان چنین می ایستیم. عمر بن خطاب از این حالت خوشش آمد و دستور داد از این پس در نماز چنین بایستند و مردم هم مطابق دستور عمل کردند و به این ترتیب، تکفیر، سنت شد.^{۶۰۱}

شیعیان این عمل را سنت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ندانسته و بستن دست را حرام و باطل کننده نماز می دانند^{۶۰۲} لذا طبق سیره پیامبر و اهل بیت او (علیهم السلام) به هنگام نماز دست های خود را صاف و روی ران ها قرار می دهند، چراکه عبادات از احکام توقیفی است و هیچ کسی جز پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمی توان حرکت و فعلی را بر آن بیفزاید.

توجیه تکتف

۱۲۷- دوست شافعی مذهبی دارم که می گوید علت اینکه اهل تسنن دست بسته نماز می خوانند

این است که امام علی(ع) به هنگام نماز از ناحیه شکم شمشیر خوردند و برای ادامه نماز دست

های خود را روی زخمشان گرفتند و سنیها هم به خاطر احترام بیش از حدشون به امام علی(ع)

دستشون رو می گیرند آیا این حرف درست است؟

شیعه و سنی در مورد ضربه خوردن امیر المؤمنین علیه السلام معتقدند که آن حضرت به واسطه ضربه ای که توسط شقی ترین انسان ها یعنی ابن ملجم مرادی ملعون که بر فرق سر مبارک آن حضرت اصابت کرد به شهادت رسید و این موضوع در دست بسته نماز خواندن اهل سنت هیچ نقشی ندارد.

اما همانگونه که در سوال قبل گفته شد روایات و شواهد تاریخی بیانگر آن است که این مساله از دوران خلیفه دوم به نماز اضافه شد نه پس از شهادت حضرت علی علیه السلام که پس از خلیفه دوم و سوم زمام حکومت را به دست گرفتند.

بهترین دلیل بطلان آنچه در سوال مطرح گردیده آن است که از خود حضرت علی علیه السلام روایتی مبنی بر منع این عمل ذکر گردیده^{۶۰۳} و حال آنکه اگر این عمل بعد از شهادت ایشان مرسوم شده باشد دیگر مخالفت آنحضرت با عمل کسانی که هنوز دست به این نرده اند معنایی ندارد.

^{۶۰۱} - مستند العروه، آیت الله شیخ مرتضی بروجردی، ج ۴، ص ۴۴۵ - جواهر، ج ۱۱، ص ۱۹

^{۶۰۲} - جواهرالکلام، ج ۱۱، ص ۱۵، نجفی

^{۶۰۳} - حضرت علی (ع) فرمود: مسلمان با گذاشتن دست خود روی دست دیگر، خود را به کفار (یعنی مجوس) تشبیه نمی کند (وسائل الشیعه، ج ۷،

ابواب ۱۵ اقواطع نماز، ص ۲۶۷)

گذشته از اینکه اگر قرار بود دست بر روی یکدیگر گذاشتن به خاطر شمشیر خوردن به شکم آن حضرت رسم شود فرزندان ایشان که امامان پس از ایشان می باشند به این کار زودتر از دیگران اقدام نموده و شیعیان را نیز به این عمل توصیه می کردند و حال آنکه علاوه بر اینکه خود به هنگام نماز دست شان را بر روی یکدیگر قرار نمی دادند سرمنشا آن عمل را از کفار دانسته و مردم را از آن منع می کردند^{۶۰۴} به همین دلیل نیز شیعیان این کار را باطل کننده نماز می دانند.

آمین گفتن

۱۲۸- چرا شیعیان بعد از حمد آمین نمی گویند اما اهل سنت بعد از سوره حمد «آمین» می گویند؟

به عقیده شیعیان گفتن «آمین» در نماز بعد از سوره حمد بدعت و حرام است و طبق نظر اهل بیت (علیهم السلام) نه تنها گفتن آن در نماز مستحب نیست، بلکه موجب بطلان نماز می گردد، زیرا دلیلی بر استحباب آن در نماز وجود ندارد. ولی مذاهب اهل سنت آن را از سنت های نماز دانسته یا مستحب می دانند.

با مراجعه به مصادر روایی اهل بیت (علیهم السلام) نیز پی می بریم که آنان این امر را بدعتی در نماز دانسته و به جهت حفظ سنت پیامبر از تحریف، شدیداً با اضافه کردن «تأمین» در نماز مخالفت نموده، شیعیان را از گفتن آن در آخر قرائت حمد بازداشته اند: کلینی به سند خود از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: «هرگاه پشت سر امام جماعت مشغول نماز بودی، هنگامی که امام از قرائت حمد فارغ شد بگو: الحمد لله رب العالمین و آمین مگو»^{۶۰۵}

وجود برخی روایات نیز گویای آن است که این بدعت متأثر از نفوذ نظریات یهود و نصارا در برخی مذاهب اسلامی می باشد مانند روایت معاویه بن وهب که از امام صادق (ع) نقل می کند: درباره آمین گفتن بعد از «الضالین» از آن حضرت سؤال شد، حضرت فرمودند که این عمل یهود و نصارا است شما باید از آن اجتناب کنید.^{۶۰۶}

۶۰۴ - ر ک : وسائل الشیعه، ج ۷، ابواب ۱۵ قواطع نماز، ص ۲۶۶

۶۰۵ - وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۶۷، کتاب الصلاة، باب عدم جواز التأمین فی آخر الحمد.

۶۰۶ - همان

قنوت نماز

۱۲۹- آیا پیامبر(ص) در نمازشان قنوت می خواندند؟ اگر خیر پس این حکم چگونه پیدا شده است

و اگر بله چرا اغلب مسلمانان این حکم را در احکام فقهی خود ندارند؟

قنوت از مستحبات نماز واجب و مستحبی است و در کتب شیعه، روایات معتبری از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است که تمامی بر فضیلت قنوت در تمام نمازها گواهی می دهد.^{۶۰۷}

علامه محمد تقی مجلسی در کتاب فقهی گرانسنگ «لوامع صاحبقرانی» فصلی را با عنوان «قنوت سنتی است از سنن حضرت سید المرسلین» گشوده و در فرازی از این فصل، این سخن حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه را نقل می کند که ایشان درباره کسی که قنوت را ترک گفته بود، فرمود: «مرا خوش نمی آید که کسی، از سنت حضرت سید المرسلین (ص) رو را بگرداند».^{۶۰۸}

متون حدیثی اهل سنت نیز، بر انجام قنوت از سوی پیامبر(ص) گواهی می دهد؛ از جمله به این دو دقت کنید:

ابن مسعود می گوید: «ان النبی علیه السلام قنت قبل الركوع؛ پیامبر(ص) قبل از رکوع، قنوت بجای می آورد»^{۶۰۹}

در روایت دیگری از اهل سنت چنین نقل شده: براء بن عازب که از یاران رسول خداست می گوید: «کان رسول الله(ص) لا یصلی صلاه مکتوبه إلا قنت فیها»^{۶۱۰}؛ «پیامبر نماز واجبی نمی خواند مگر این که در آن قنوت به جا می آورد».

درباره قنوت نماز در میان اهل سنت اختلاف فتوا وجود دارد ابو حنیفه می گوید: قنوت جز در نماز «وتر» در دیگر نمازها مکروه است^{۶۱۱} اما دو فرقه مالکی و شافعی، با استناد به روایت انجام قنوت توسط پیامبر(ص)، حکم به استحباب قنوت در نماز صبح و در هر پیش آمد ناگوار نموده اند.^{۶۱۲}

^{۶۰۷} - الکافی، ج ۳، ص ۳۳۹، بابُ الْقُنُوتِ فِي الْفَرِيضَةِ وَالنَّافِلَةِ وَمَنْ هُوَ وَمَا يُجْزَى فِيهِ

^{۶۰۸} - مجلسی، لوامع صاحبقرانی، ج ۴، ص ۹۶. الکافی، ج ۳، ص ۳۴۰

^{۶۰۹} - سنن البیهقی، ج ۲، ص ۲۰۷

^{۶۱۰} - سنن دارقطنی: ۳۷/۲، حدیث ۴؛ سنن بیهقی: ۱۹۸/۲

^{۶۱۱} - هدایه مرغینانی: ۶۶/۱؛ بدایه المجتهد: ۱۳۲/۱

^{۶۱۲} - الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، علة سنن الصلاة مجتمعة.

سه تکبیر پایان نماز

۱۳۰- چرا شیعیان پس از سلام نماز سه بار «الله اکبر» می گویند؟

دلیل این عمل شیعیان سیره عملی پیامبر و اهل بیت او (علیهم السلام) و همچنین توصیه آن بزرگواران بر انجام این عمل می باشد.

در خصوص سیره پیامبر خدا صل الله علیه و آله از امام صادق علیه السلام نقل شده است که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مکه را فتح نمود، نماز جماعت ظهر را با اصحابش در کنار حجر الاسود اقامه کرد و آنگاه که سلام نماز را داد دستها را بلند کرد و سه مرتبه تکبیر گفته و دعایی را نیز قرائت نمودند سپس به اصحاب خود توصیه نمودند این عمل را انجام داده و ترک نمایند.^{۶۱۳}

در خصوص سیره ائمه اطهار علیه السلام نیز در حدیثی از صفوان بن مهران نقل شده امام صادق علیه السلام بعد از نمازشان دستان خود را بالا می آوردند.^{۶۱۴}

گذشته از اینکه در روایات متعددی که از معصومین علیه السلام نقل گردیده آن بزرگواران توصیه به این عمل می نمودند به عنوان نمونه امام باقر علیه السلام در حدیثی چنین توصیه نموده اند: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ إِذَا سَلَّمْتَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ ثَلَاثًا»^{۶۱۵}؛ «هرگاه سلام نمازت را دادی دستان خود را سه بار به همراه گفتن تکبیر بالا بیاور»

فصل دهم: زنان و نماز

تبعیض در نماز

۱۳۱- علت این همه تفاوت چیست که مرد باید به هر قیمتی که شده همیشه نماز بخواند اما زنان

حداقل چند روز در ماه اصلاً نباید نماز بخوانند؟ و حتی لازم نیست قضای اون رو بجا

بیاورند؟

شهید مطهری می فرماید: «از نظر اسلام زن حائض حکم یک انسان به اصطلاح «محدث» را یعنی انسان فاقد وضو و غسل را دارد که در آن حال از نماز و روزه محروم است»^{۶۱۶}، به نظر ایشان حیض مانند جنابت، خواب، بول و غیره موجب حدث (نوعی پلیدی) است که اولاً اختصاص به زن ندارد و ثانیاً با غسل و یا وضو مرتفع می گردد.

^{۶۱۳} - وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۲

^{۶۱۴} - وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۲

^{۶۱۵} - مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۵۲

^{۶۱۶} - مرتضی مطهری، مجموعه آثار ۱۹، مسأله حجاب، ص ۴۱۹

خونریزی ماهیانه زن یک نوع بیماری و زحمت است و به دلیل پدید آمدن همین وضعیت روانی خاص، زن نمی تواند در حال نماز توجه دقیق و آرامش و طمانینه و طهارت لازم را داشته باشد، در حالی که نماز گفتگوی بنده و راز و نیاز او با خدا است که باید در نهایت دقت و آرامش و طهارت انجام گردد، درواقع معافیت زن در هنگام قاعدگی از عباداتی که نیاز به وضو، یا تیمم یا غسل دارد، امتنان و تسهیلی است که خداوند برای زنان مقرر کرده است.

درباره بحث زن حائض که روزه اش را باید قضا کند و نمازش که این قدر در اهمیتش سخن در میان است، قضا ندارد؛ یکی از حکمت های آن را از روایات امامان معصوم (ع) می توان چنین بیان کرد: شیخ صدوق (ره) در کتاب شریف، علل الشرایع با توجه به سلسله سند، از ابی بصیر نقل می کند که او می گوید: از حضرت امام صادق (ع) سؤال کردم که چرا زن حائض روزه اش را باید قضا کند ولی نمازش را قضا لازم نمی باشد حضرت در جواب فرمودند: «زیرا روزه در یک ماه فقط واجب می باشد ولی نماز در هر شبانه روز از سال واجب می باشد»^{۶۱۷}؛ فلذا برای اینکه زن حائض بتواند مقداری از روزه های فوت شده را درک کند واجب است روزه هایی که در ایام عادت بوده است را قضا نماید ولی چون می تواند در ایام دیگری (غیر از ایام عادت ماهانه) به فیض نماز نائل آید نیازی به قضای نمازهای ایام عادت ندارد. از سوی دیگر کمبود عبادت زن در ایام عادت قابل جبران است چون وی می تواند وقت نماز، خود را پاکیزه نموده و در نمازگاه خد ذکر خداوند گفته و ارتباط معنوی خود را با خدایش حفظ نماید و روزه ها را قضا کند.

بدین ترتیب، عبادت زنان کمتر از مردان نخواهد بود با توجه به این که زنان شش سال زودتر از پسران قابلیت و ظرفیت انجام تکالیف را پیدا می کنند و در ایام بارداری و بخشی از زمان شیردهی و پس از یائسگی عادت ماهانه ندارند، میزان عبادت زنان و مردان، چندان تفاوتی با یکدیگر ندارند.

حجاب در نماز

۱۳۲- فلسفه حجاب کامل در نماز چیست؟ خدا که با همه محرم است، پس چرا در تاریکی و

تنهایی که هیچ نامحرمی هم وجود ندارد، بانوان باید با پوشش کامل نماز بخوانند؟

از آنجا که ویژگی های زن، خواسته یا ناخواسته چشم های محرم یا غیر محرم را می رباید، می توان گفت در تمام مهندسی احکام فقهی اسلام، حفظ عفت و حیا برای زن و مرد یک اصل ضروری و مهم به حساب می آید. بنابراین تمام احکام عبادی و توصلی تابع این اصل است. بر اساس همین اصل شارع مقدس دستوراتی واجب یا مستحبی را در نماز داده است؛ از جمله: آب ریختن به دست ها از داخل آرنج هنگام وضو، کنار هم قرار دادن پاها هنگام قیام، ابتدا زانوها را روی زمین قرار دادن پیش از رفتن به سجده،

^{۶۱۷} - علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۹۴

گذاشتن آرنج ها و شکم بر زمین و چسباندن اعضای بدن به یکدیگر هنگام سجده و همچنین رعایت حجاب کامل در نماز و... که همگی این دستورها نشان دهنده آن است که این کارها مانع از در معرض دید قرار گرفتن برجستگی های بدن زن به ویژه در نماز که با نشستن و برخاستن و رکوع و سجود همراه است خواهد بود.

اما در خصوص محرم بودن خداوند و لزوم رعایت حجاب بدون حضور نامحرم باید گفت که اصولاً محرم و نامحرم در مورد خداوند مفهوم و معنای ندارد زیرا خداوند بر اسرار، باطن و ظاهر هر شخص اشراف دارد و به تعبیر قرآن کریم از رگ گردن انسان به انسان نزدیک تر است^{۶۱۸}؛ گذشته از اینکه حکم پوشش در نماز، با حفظ حجاب در برابر نامحرم تفاوت‌هایی دارد و با آن قابل مقایسه نیست؛ مثلاً پوشاندن روی پا در برابر نامحرم واجب است؛ ولی در نماز - بدون حضور نامحرم - واجب نیست.

بنابراین علل و حکمت های رعایت حجاب در نماز بدون حضور نامحرم را باید در موارد دیگری جستجو نمود که در اینجا به سه مورد آن اشاره می نمائیم:

الف - نماز دارای آثار و فواید فراوان است. یکی از آنها، نهادینه کردن ارزش ها و تمرین پیوسته پاکی ها است. یاد خدا بزرگ ترین ارز است و نمازهای پنج گانه این ارزش را در قلوب همگان نهادینه می کند. حفظ حجاب و پوشش اسلامی نیز برای زنان یک ارزش گران بها و تعیین کننده است. خداوند متعال تمرین و یادآوری پیوسته آن را برای زنان در نماز واجب کرده است تا همواره بر حفظ آن پایدار باشند.

ب - وجود پوشش برای تمام بدن و داشتن پوششی مخصوص برای نماز، توجه و حضور قلب انسان را بیشتر می کند و از التفات ذهن به تجملات و چیزهای رنگارنگ می کاهد و ارزش نماز را صد چندان می کند.

ج - داشتن پوشش کامل در پیشگاه خداوند، نوعی ادب و احترام به ساحت قدس ربوبی است. از این رو برای مرد نیز دربر داشتن عبا و پوشاندن سر در نماز، مستحب است.

مقدم بودن مرد در نماز

۱۳۳- آیا دلیل جلوتر ایستادن مرد بر زن به هنگام نماز، برتری مرد بر زن را از دیدگاه اسلام اثبات

نمی کند؟

در پاسخ به این سؤال توجه به نکات زیر بایسته است:

۱- این مساله به عنوان یک اصل واجب کلی در اسلام مطرح نمی باشد چراکه اگر فاصله زن و مرد بیشتر از پنج متر باشد، یا بین آنها حائلی مانند پرده یا دیوار باشد و یا در دو سطح مختلف (مثل طبقه اول و بالکن بعضی از مساجد) ایستاده باشند و زن جلوتر از مرد باشد، نمازشان صحیح است.

^{۶۱۸} «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» و ما به او از رگ قلبش نزدیکتریم! (ق، (۵۰)، (۱۶)

علاوه بر اینکه بحث تقدم و تاخر مرد و زن در جایی است که هر یک از زن و مرد همزمان به نماز بایستند اما اگر یکی از آنها جلوتر به نماز ایستاد وظیفه نفر بعدی است که باید فاصله لازم را رعایت نماید خواه زن باشد یا مرد^{۶۱۹}.

۲- جلوتر ایستادن مرد نشانه برتری مردان نیست چرا که از دیدگاه اسلام، افراد انسان (چه مرد و چه زن) از نظر حقیقت انسانیت و مسایل ارزشی یکسانند و هیچ یک بر دیگری جز به تقوا و عمل صالح بیشتر، برتری ندارد خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^{۶۲۰}؛ «گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست» و یا در جای دیگر می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^{۶۲۱}؛ «هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد.»

۳- به طور مسلم تاخر و تقدم مکانی نشانه فضیلت و برتری به حساب نمی آید، تا از این رهیافت گفته شود که ارزش زن کمتر از مرد است، بلکه تقدم و تاخر مکانی برای مرد و زن در نماز حکمت و دلایل دیگری دارد از جمله اینکه: از آنجا که زن همانند گل است و خواسته یا ناخواسته چشم های محرم یا غیر محرم را می رباید، می توان گفت این دستور الهی نشانگر آن است که باید میان مردان و زنان در همه حال از جمله در وقت نماز حریم عفت و حیا به خوبی پاس داشته شود و اگر چنین حکمی نباشد و ایستادن زنان جلوی مردها متداول گردد، طبعاً زمینه وسوسه های شیطانی فراهم می گردد و هنگامی که در نماز نظر مرد به قد و قامت زنی بیفتد به جای توجه به خدا توجه اش به مسایل دیگر معطوف می شود. از همین رو اسلام در نماز و سایر تعامل های مربوط به زندگی به گونه ای احکام و تکالیف انسان را طراحی کرده است که هم با نیازهای روحی و روانی انسان بسازد و هم بر تعالی اخلاقی و معنوی انسان تأثیر گذار باشد.

آهسته نماز خواندن زنان

۱۳۴- چرا در مورد بانوان بلند خواندن نماز واجب نیست، حتی اگر نامحرم هم نباشد؟

آنچه نکوهیده است «تبعیض» است اما «تفاوت» زمینه تکامل و احساس نیاز هر چه بیشتر میان زن و مرد را فراهم می کند. توجه به تفاوت زن و مرد در احکام نماز، وضو، حجاب و ... همگی در همین راستاست که هر کدام از زن و مرد به این واقعیت بیشتر توجه داشته باشند و در چگونگی رفتارها و انتظارات در زندگی،

^{۶۱۹} - وسایل الشیعه، ج ۳، ابواب مکان مصلی، باب ۷ و ۶ و توضیح المسائل آیت الله فاضل لنکرانی، ص ۱۶۰ مسأله ۹۰۱

^{۶۲۰} - حجرات (۴۹)، آیه ۱۳

^{۶۲۱} - نحل (۱۶)، آیه ۹۷

وجود تفاوت را باور کنند. در این صورت است که هر کدام از زن و مرد، جایگاه و مسئولیت ویژه خودش را شایسته تر به انجام رساند.

دلیل این که بلند خواندن نماز برای زنان حتی به هنگامی که نامحرم وجود ندارد واجب نشده، نیز توجه به همین نکته است که روحیه متانت و حیا در بانوان بیش از پیش ایجاد شود تا در زمان حضور مردان، بهترین رفتار را رعایت نمایند.

یکی از حکمت‌ها و جهت‌گیری احکام اسلامی گام عملی به سوی کاستن از میزان تهییج و ایجاد انگیزش جنسی غیر شرعی در مردان است بنابراین در مواردی که نامحرم وجود دارد اجازه بلند خواندن نماز توسط زنان داده نشده است.

اما دلیل اینکه بلند خواندن نماز برای زنان حتی به هنگامی که نامحرم وجود ندارد واجب نشده، ممکن است از این جهت باشد که در این مساله یک جهت‌گیری و تمرین پرورش این خصلت و ایجاد ملکه حجب و حیا در بانوان باشد تا در زمان حضور مردان به بهترین نحو این امر را رعایت نمایند.

زنان و جماعت

۱۳۵- در روایتی دیدم که نماز خواندن زن در خانه، فضیلتش بیشتر از حضور وی در نماز جماعت

است علت آن چیست؟ من همه جا شنیده بودم که اسلام هیچ گاه جلوی حضور زن در اجتماع

را به شرط رعایت حجاب و عفاف نگرفته است. لطفا توضیح دهید.

در خصوص حضور زنان در نماز جماعت روایات متعددی وجود دارد از جمله روایت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) که فرموده اند: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ وَحَدَّهَا فِي بَيْتِهَا كَفَضْلِ صَلَاتِهَا فِي الْجَمْعِ خَمْسًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً»^{۶۲۲}؛ «فضیلت نماز زن به تنهایی و در خانه اش، بیست و پنج برابر نماز جماعت اوست.»

البته روایات متعدد دیگری نیز وجود دارد که به طور عام نماز جماعت را افضل از نماز فرادا می‌داند. به عنوان مثال رسول خدا (ص) فرموده اند: «صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةِ الْفَرْدِ بِخَمْسٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً»^{۶۲۳}؛ «فضیلت نماز جماعت بیست و پنج برابر نماز فرادی است.»

برخی فقها بین این روایات جمع نموده اند. به نظر این فقها از آنجا که ممکن است حضور زن در جماعت، با برخی از وظایف و فضیلت‌هایی که به لحاظ وظیفه همسری و مادری که با فضیلت‌ترین وظایف است و ثواب جهاد در راه خدا را دارد^{۶۲۴} معارض باشد یا اینکه حضور در جامعه زمینه تعرض به او یا مفاسد دیگر اجتماعی را ایجاد نماید لذا خداوند متعال بر زن منت نهاده و همان ثواب حضور در

^{۶۲۲} - وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۷

^{۶۲۳} - الخصال، ج ۲، ص ۵۲۱

^{۶۲۴} - پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند جهاد المراه حسن التبعل؛ نیکو همسر داری جهاد زن است. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۶۶

مسجد و جماعت را به نماز فرادای زن در خانه اش مترتب نموده است. از این رو فقها نتیجه گرفته اند که اگر حضور زن در جماعت مستلزم چنین مفاسدی نباشد و با وظایف و تکالیف متعالی او معارضه ای نداشته باشد نماز جماعتش و حضور در مسجد برای او نیز همان ثوابی را که برای مردان دارد خواهد داشت.

- در آخر به دو نمونه استفتا از حضرت امام خمینی ره در این زمینه اشاره می کنیم.
- زنان نیز در صورت شرکت در نماز جماعت از ثواب آن بهره مند خواهند شد^{۶۲۵}.
 - اگر زنان بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند^{۶۲۶}.

امام جماعت زن

۱۳۶- آیا زن می تواند امام جماعت شود؟

بنا به قول مشهور فقها زن در تمام نمازها از جمله در نمازهای یومیه، می تواند برای زنان امامت نماید، ولی برای مردان نمی تواند امامت کنند.

همانگونه که مردان، دارای اندیشه، اراده و اختیارند و برای رسیدن به تکامل و قرب الهی وظایف و تکالیفی بر عهده آنهاست، زن ها هم همین گونه هستند و در این جهت، هیچ امتیازی بین زن و مرد وجود ندارد، ولی در بعضی احکام و وظایف با یکدیگر متفاوتند. وظایفی به عهده مردان است و بر عهده زنان نیست و بالعکس و این تفاوت برای این است که طبیعت و آفرینش زن و مرد متفاوت است. اما آنچه که به عنوان پاسخ لازم است گفته شود این است که زنان از لحاظ فیزیولوژی و نوع آفرینش دارای سه ویژگی هستند که این ویژگی ها موجب شده تا بر اساس قوانینی که خدای متعال، به مقتضای حکمت بالغه خود وضع نموده، وظیفه امامت جماعت از دوش زنان برداشته و به مقتضای آفرینش آنها وظایف دیگری را به آنها محول نماید. این سه ویژگی از قرار ذیل می باشد:

۱- غلبه احساس در زنان:

در علم فیزیولوژی گفته شده زنان از نظر مغز، قلب، شریان ها، اعصاب و عضلات بدنی، با مردان تفاوت دارند. در زندگی زنان، «احساس» و در حیات مردان تعقل غلبه دارد. (البته عموم زنان و مردان این گونه هستند) و به علت همین تفاوتی که در آفرینش زن و مرد وجود دارد، قوانین اسلام هم با آفرینش انسان سازگار است، به همین جهت، در اسلام، وظایف و تکالیف عمومی و اجتماعی که به تعقل و صلابت بیشتری نیاز دارد؛ مانند حکومت، امامت، قضاوت، جهاد ابتدایی و... به عهده مردان قرار داده شده است و وظایفی را که ارتباطش با احساس، بیشتر از تعقل است و زن، بهتر از مرد می تواند از عهده آن برآید؛ مانند

^{۶۲۵} - رساله امام (ره)، م ۱۳۹۹ و ۱۴۰۵

^{۶۲۶} - اجوبه، ج ۱، ص ۱۷۶ و ۱۷۷ و رساله امام (ره)، م ۸۹۴

پرورش و تربیت اولاد و آشنا کردن آنها به وظایف اجتماعی، تدبیر منزل و... مخصوص زنان قرار داده است.

۲- جاذبه جنسی زنان برای مردان

نوع آفرینش زن بگونه ای می باشد که هر گونه رفتار و گفتار و حرکات او موجب تحریک جنسی مردان می گردد و از آنجا که عفت و عصمت زن از منظر اسلام اهمیت بسیاری دارد، خداوند متعال، بعضی از کارهای اجرایی، مانند امامت جماعت را - که سر کار انسان با نامحرمان بسیار است - به عهده مردان گذاشته است. به ویژه اینکه در صورت امامت جماعت واقع شدن زن و جلوتر ایستادن وی در نماز که بطور معمول برجستگی های او در منظر نامحرمان قرار و صدای وی به گوش دیگران می رسد ممکن است به جای حضور قلب نمازگزاران، زمینه انحراف آنها را فراهم گردد؛ لذا عفت زن اقتضا می کند که امامت جماعت مردان بر عهده آنها نباشد.

۳- عادت ماهانه زنان

وجود برخی محدودیت ها در پاره ای از ایام برای زنان همچون ایامی که عادت ماهیانه دارند و یا در ایام بارداری و وضع حمل که در این ایام یا اصل تکلیف نماز از آنها ساقط شده و یا قادر به حضور در مساجد نمی باشند موجب می شود که مسئولیت امامت نسبت به مردان را نتواند انجام دهند.

به خصوص اینکه اینگونه امور از خصوصی ترین مسائل شخصی یک زن می باشد که در صورت قبولی امامت جماعت توسط آنها این مساله به عنوان یک مساله عمومی آشکار می شود؛ چرا که باید نماز جماعت مثلا مسجدی در هر ماه به مدت مشخصی - که برای همه معلوم است - تعطیل شده و یا به شخص دیگری واگذار گردد و این امر با حفظ آبروز افراد منافات پیدا می کند.

فصل یازدهم: مسافرت و نماز

فلسفه نماز شکسته

۱۳۷- فلسفه اینکه در سفر باید نماز های خود را شکسته بخوانیم چیست؟

علت شکسته خواندن نماز در حال مسافرت تصریح آیات قرآن است:

آیه ۱۰۱ سوره نساء دلالت دارد بر اینکه مسافر باید نمازش را قصر (شکسته) بخواند. آنجا که می فرماید: «وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ»^{۶۲۷}؛ «هنگامی که سفر می کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید...»

^{۶۲۷} - نساء (۴)، آیه ۱۰۱

نماز شکسته از احکام امتنانی و تسهیلی خداوند بر مسافران است زیرا به طور معمول شرایط سفر با شرایط وطن متفاوت است و امکانات تغییر می یابد. از نشانه های شریعت کامل علاوه بر «تعبد»، «تنوع» می باشد. از آنجا که مسافران معمولاً با فشردگی برنامه ها و عجله روبرو هستند و چه بسا مسائلی پیش بینی نشده برای آنان در طول سفر رخ دهد، لذا خداوند متعال تخفیف در عبادت را به عنوان هدیه ای به بخشی مسافران به صورت حکمی امتنانی تعیین نموده است.

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «ان الله تعالى وضع عن المسافر الصوم و شطر الصلاة»^{۶۲۸}؛ خداوند متعال روزه و مقداری از نماز را از مسافر برداشته است «وضع»؛ یعنی، باری را از دوش این افراد برداشت.

امام صادق (ع) از پدران خود (ع) و آنان از رسول خدا (ص) نقل کرده اند که: «ان الله اهدى الى و الى امتى هديه لم يهدى اليها احد من الامم كرامه من الله لنا، قالوا: و ماذا يا رسول الله؟ قال: الافطار في السفر و التقصير في الصلاة، فمن لم يفعل ذلك، فقد رد على الله عزوجل هديته»^{۶۲۹}؛ «خداوند متعال هدیه ای به من و امتم کرامت فرموده که به امت های گذشته نداده است، عرض کردند: آن هدیه چیست؟ فرمود: اجازه افطار روزه و نصف شدن نماز [نمازهای چهار رکعتی] در مسافرت؛ پس هر کسی چنین نکند هدیه خداوند را رد کرده است»

نماز شکسته

۱۳۸- با توجه به آیه ۱۰۱ سوره نساء «... فليس عليكم جناح أن تقصروا من الصلوه ان خفتم أن

يفتنكم الذين كفروا...» آیا حکم این نیست که در سفر، در صورت ترس از آسیب کفار (دشمن)

می توان نماز را شکسته خواند؟ و در آیه ۱۰۳ سوره نساء «... فاذا اطمأنتم فاقیموا الصلوه...»

آیا منظور این نیست که پس از اینکه در سفر و از خوف دشمن نماز را شکسته خواندید، پس

از اینکه رفع خطر شد، نماز را کامل بخوانید؟ خواهشمندم این مسئله را برایم تبیین کنید.

از مجموع آیات یاد شده استفاده می شود که شکسته خواندن نماز در سفر مبتنی و معلق بر خوف از دشمن نیست، زیرا اولاً: ابتدای آیه دارد که: (وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ...) این قسمت آیه صورت مسافرت های عادی و معمولی را در نظر دارد نه فقط صورت خوف را. بعلاوه نماز خوف در دو آیه بعد به طور جداگانه و با احکام خاص خودش بیان شده است. نماز خوف با نماز قصر در سفر متفاوت است. روایات متعددی که اهل سنت و شیعه در نماز قصر نقل کرده اند نیز این عمومیت را تأیید می کند و ممکن است مقید ساختن حکم قصر به مسئله خوف از این جهت باشد که این قید ناظر به وضع مسلمانان در آغاز اسلام است و به اصطلاح این قید غالبی است و در جای خودش (علم اصول) این مطلب اثبات شده که چنین قیودی مفهوم

^{۶۲۸} - کنز العمال، ج ۸، ص ۵۰۳

^{۶۲۹} - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۲۰

[ندارد و این گونه نیست که اگر این قید نباشد حکم هم نباشد و یا از این جهت باشد که بعضی از مفسران معتقدند که مسئله نماز قصر نخست به هنگام خوف تشریح شده، سپس این حکم توسعه پیدا کرده و یا این تعلق حکم قصر به خوف به سبب تأکید باشد، یعنی نماز قصر برای مسافر همه جا لازم است، ولی به هنگام خوف تأکید بیشتری دارد.

در هر حال شکی نیست که با توجه به تفسیر آیه در روایات فراوانی آمده که نماز مسافر اختصاص به صورت خوف ندارد؛ از آن جمله:

۱. در تهذیب باسناد خود از زراره روایت می‌کند که گفت: از حضرت باقر(علیه السلام) سؤال کردم درباره نماز خوف و نماز مسافر که هر دو شکسته هستند؟ فرمود: آری نماز خوف برای قصر سزاوارتر است از نماز مسافر که بدون خوف است.

۲. در تفسیر الدر المنثور است که ابن شیبیه، عبد بن حمید، احمد، مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی، ابن ماجه و... در ناسخ و ابن جبان از یعلی بن امیه روایت کرده‌اند که گفت از عمر بن الخطاب سؤال کردم خدا می‌فرماید: لیس علیکم... ان خفتم... یعنی اگر از فتنه انگیزی کافران می‌ترسید عیبی ندارد که قصر بخوانید، در حالی که مردم در امن به سر می‌برند (باز هم قصر بخوانند) عمر به من گفت: من از همین مطلبی که تو تعجب کرده‌ای تعجب کردم و از رسول الله(صلی الله علیه وآله) سؤال کردم حضرت فرمود: صدقه‌ای است که خدا به شما داده، شما هم صدقه خدا را قبول کنید و یا این که از ابن عباس روایت کرده‌اند (در همان تفسیر) که می‌گوید: بین مکه و مدینه در حالی که ایمن بودیم... با پیغمبر(صلی الله علیه وآله) نماز را دو رکعتی خواندیم.^{۶۳۰}

امام باقر(علیه السلام) می‌فرماید: شکسته خواندن نماز در سفر واجب است؛ همان گونه که تمام خواندن آن در وطن واجب است.^{۶۳۱ ۶۳۲}

نماز شکسته و وسایل امروزی

۱۳۹- آیا با وجود امکانات رفاهی کنونی جهت حمل و نقل -مثل هواپیما که مسافر هنگام سفر

هیچ سختی ای متحمل نمی‌شود- باز هم باید نماز را شکسته خواند؟ یا اینکه چنین افرادی می

توانند نماز خود را کامل بخوانند؟

در پاسخ به این سوال سه نکته را باید مد نظر داشت:

^{۶۳۰} - ر.ک: المیزان، ج ۵، ص ۶۳؛ تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۹۴ - ۹۶؛ طبری، احکام القرآن، ج ۱-۲، ص ۴۸۷ و حسینی جرجانی، آیات الاحکام، ج ۱، ص ۲۴۰

- ۲۴۷

^{۶۳۱} - شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۳۴

^{۶۳۲} - سعید شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اکبر، پاییز ۱۳۸۷ش، سوم، ص ۳۰۶

اول: امروزه نیز گرچه وسایل نقلیه و ابزار مسافرت با گذشته فرق کرده است؛ ولی در عین حال هم اکنون نیز مسافرت دارای مسائل غیر قابل پیش بینی و مشکلات زیادی است.

قطعاً زندگی در سفر مانند زندگی در خانه نمی باشد و آن شرایطی که برای انسان، در محل خود فراهم است، در بیرون شهر فراهم نیست؛ بنابراین، با مقایسه این دو به یکدیگر مشکلات سفر هم‌چنان محسوس است. شما اگر به تجربه خودتان مراجعه کنید، ملاحظه خواهید کرد که اصولاً در سفر - به ویژه در میان راه - آن آرامش لازم وجود ندارد؛ به ویژه آنکه در سفر با وسایل سریع، دغدغه‌ها بسیار زیاد و فرصت اندک است لذا هر چند امروزه وسایل سفر راحت شده؛ ولی در عین حال، فشارهای عصبی و فرصت‌های محدود، جایگزین آن شده است. برای نمونه شخصی که با هواپیما مسافرت می‌کند، گرچه با سریع‌ترین و راحت‌ترین وسیله به سفر می‌رود؛ ولی چند دقیقه تأخیر، می‌تواند مانع سفر او شود.

بنابراین با توجه به مشکلات زیاد و عدم آرامش، دستور قصر نماز مسافر صادر شده است.

دوم: یکی از حکمت‌های مهم قصر نماز و افطار روزه مشقت و دشواری‌های سفر است و نه آنکه تمام العله باشد. نه در روایتی و نه به هیچ دلیل عقلی ما دسترسی پیدا نکردیم که دلیل قصر، منحصرأ همین امر بوده است تا اشکال وارد شود که مشقت گذشته وجود ندارد پس مسافر امروزی نباید نماز را قصر و روزه را افطار نماید، اگر واقعاً علت تامه قصر (شکسته) خواندن نمازهای چهاررکعتی و نگرفتن روزه در سفر، همان باشد که در سؤال آمده است، باید چنین باشد؛ ولی با یک بررسی اجمالی روشن می‌شود که چنین چیزی صحیح نیست؛ زیرا اگر این حرف صحیح باشد، باید:

اولاً: تمامی سفرهای با مشقت و طولانی، مشمول چنین حکمی باشند و حال آنکه به طور مثال در سفر معصیت - هر چند هم با مشقت و طولانی باشد - باید نماز تمام خوانده و روزه گرفته شود.

ثانیاً: باید هر چه سفر طولانی‌تر و با مشقت‌تر باشد، تخفیف بیشتر باشد و حال آنکه مشاهده می‌شود به طور مثال: کسی که شغلش مسافرت است و دائماً سفر می‌کند، باید نمازش را تمام خوانده و روزه‌اش را نیز بگیرد.

خلاصه اینکه یکی از حکمت‌های این حکم، تخفیف است و این تخفیف یک هدیه الهی است که شامل برخی از مسافران می‌شود و لزوماً و در تمام موارد، ربطی به طولانی بودن و مشقت داشتن سفر ندارد. نوعاً سفر خسته کننده و ملال آور است، چه کوتاه باشد و چه طولانی و چه با وسایل نقلیه باشد و یا بدون آن. سوم: در وضع قوانین، به موارد کلی توجه می‌شود، نه به موارد استثنایی و از آن جا که نوعاً در مسافرت، افراد عجله دارند و امکانات به اندازه محل سکونت برایشان فراهم نیست، دستور آمده که مسافران - البته با شرایطی - نماز را شکسته بخوانند و روزه را قضا کنند. در این جا نباید مسافری را در نظر گرفت که هیچ مشکلی ندارد و می‌تواند بدون مشکلی نماز و روزه‌اش را تمام انجام دهد.

نماز شکسته در سفر نه روزه

۱۴۰- فرق بین مسافرت نه روزه و یازده روزه چیست که در یکی نماز تمام و دیگری شکسته

است؟

کسی که قصد دارد ۱۰ روز در جایی بماند نوعی آرامش و تسکین دارد. از این رو تخفیف برای او نیست. حال چه فرقی بین ۱۱ و ۹ روز هست؟ اولاً ۹ روز یک روز از ۱۰ روز کمتر است و عدد ۹ یک رقمی و ۱۰ دو رقمی است. ثانیاً قانون باید تکلیف فرد را روشن کند؛ حال اگر ۹ روز هم ملاک قرار میگرفت گفته میشد که چه فرقی با ۸ روز دارد.

این موضوع در بسیاری از قوانین مطرح است؛ مثلاً برای ثبت نام در دبستان باید فرد ۶ سال تمام داشته باشد، اگر یک روز هم کم باشد، ثبت نام نمی‌شود حال چه فرقی دارد ۶ سال تمام یا ۶ سال یک روز کم؟ به هر تقدیر ۱۰ روز ماندن زمانی است که نوعاً افراد آرامش پیدا می‌کنند. از همین رو نماز نیز تمام است.^{۶۳۳}

عدم توقف اتوبوس برای نماز

۱۴۱- هنگامیکه به مسافرت می‌رویم اتوبوس‌ها برای نماز نگه نمی‌دارند! در چنین مواقعی وظیفه

ما چیست؟

قبل از پاسخ به این سوال باید چند نکته را یاد آوری نمائیم

اول: نماز از واجباتی است که در هیچ صورت و حالتی از انسان ساقط نمی‌شود و باید به هر شکل و در هر صورت آن را در وقت خود انجام داد.

دوم: باید از سفرهای غیر ضروری که احتمال از دست رفتن نماز است پرهیز نمود. حضرت علی علیه السلام در این باره فرموده اند: «لَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ فِي سَفَرٍ يَخَافُ فِيهِ عَلَى دِينِهِ وَصَلَاتِهِ»^{۶۳۴}؛ «نباید شخص به مسافرتی برود که بر دین و نماز خود بیمناک است.»

سوم: مهمترین عاملی که موجب بروز چنین مسائلی گردیده، سهل‌انگاری متدینین در وظیفه شرعی امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد که موجب گردیده برخی از افراد گستاخانه نسبت به نماز بی‌توجهی نمایند همانگونه که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَسْأَلَنَّ اللَّهُ شِرَارَكُمْ»^{۶۳۵}؛ «امر به معروف و نهی از منکر کنید، و گر نه خدا بدان شما را بر نیکانتان چیره می‌کند...»

^{۶۳۳} - مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پائیز ۸۰ ش، چاپ اول، ج ۱، ص ۴۱

^{۶۳۴} - بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۸

^{۶۳۵} - بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۷۸

لذا اگر تمامی کسانی که مقید به نماز هستند با زبانی نرم و رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر این مسأله را به رانندگان متخلف یادآوری می نمودند هم اکنون با چنین مشکلی مواجه نمی بودیم. با توجه به نکات گفته شده از آنجا که همه مسافران مسلمانند و مانند شما مکلف به نماز هستند، در مرحله اول باید از سوی تمام مسافران ترتیبی داده شود که راننده اتوبوس توقف کوتاهی جهت نماز داشته باشد تا نماز بطور صحیح و کامل خوانده شود. اما اگر چنین شرایطی فراهم نشد باید به تنهایی به راننده تذکر دهید و از جهت قانون نیز باید راننده برای نماز ننگه دارد و اگر ننگه نداشت شما حق شکایت دارید با تمام این احوال اگر راننده ننگه نداشت نباید برای نماز خواندن کوتاهی نمود و این امر مجوز قضا شدن نماز نیست. از همین رو در ماشین وضو بگیریید و اگر آب نبود تیمم کنید و اگر هردو کار امکان نداشت باید بدون وضو نماز را نشسته بخوانید و بعدا هم نماز را قضا کنید.

در خصوص نماز خواندن در ماشین هم باید تا حد ممکن بر طبق دستور نماز باشد یعنی اگر ایستاده خواندن و یا رعایت جهت قبله و یا سجده بر چیزی که درست و صحیح است ممکن است باید رعایت کنید و اگر ایستاده نشد باید نشسته بخوانید و اگر رو به قبله امکان پذیر نبود به هر طرف کافی است. در مورد رکوع و سجده نیز اگر نتوانستید طبق معمول انجام دهید می توانید با اشاره آنها را انجام دهید.

فصل دوازدهم: قضای نماز

فلسفه قضای نماز

۱۴۲- چرا قضای نماز را باید بخوانیم؟ خدا که به نماز ما احتیاجی ندارد؟

مثال ترک نماز واجب و لزوم قضای آن مانند دانشجویی است که در انجام تکالیف دانشگاه کوتاهی نموده و در امتحان آخر دوره مشروط شده است و در فرصت دیگر امکان جبران به او می دهند.

نماز قضا در حقیقت ایجاد این امکان است که دانشجو بتواند در اولین موقعیت این ضایعه را جبران نماید تا بتواند از امکانات و امتیازات پایان دوره دانشجویی استفاده کند.

انجام دستورات و اوامر الهی و عبادات و از جمله نماز دارای مصالح فراوان مادی و معنوی است که خداوند متعال به خاطر شدت تاثیرات این عبادات در کسب کمالات معنوی آن ها را بر بندگان خود واجب نموده است. کسی که موفق به انجام این عبادات نشده در حقیقت مصلحت موجود در آن را درک نکرده است قضای عبادت در حقیقت نوعی ترحم و فرصتی است که خداوند برای جبران بخشی از این مصلحت فوت شده قرار داده است.

ایجاد فرصت برای جبران مصلحت عباداتی که در ظرف زمانی مخصوص خود واقع نشده است نه تنها در مورد بسیاری از واجبات وجود دارد بلکه این فرصت در مورد بسیاری از مستحبات نیز پیش بینی شده است و این امر به معنای تفضل و رحمت الهی است که امکان جبران مافات را مقرر فرموده است.

گذشته از اینکه وجوب ادای نماز قضا می تواند نقش بازدارندگی در قضا شدن نماز داشته باشد. به عبارت دیگر وقتی مکلف بداند که نماز تکلیف دائمی و ضروری است و حتی اگر در وقت معین ادا نشود باید در آینده ادا شود هر چند فضیلت کمتری دارد بطور عقلانی و منطقی ترجیح می دهد نماز را در وقت معین بخواند.

توبه نماز قضا

۱۴۳- اگر کسی نمازهای قضای زیادی داشته باشد آیا خداوند متعال او را نمی بخشد و به جهنم

می اندازد؟ چنین فردی چگونه می تواند این همه نماز قضای خود را به جا بیاورد؟

خیر، خداوند متعال وعده داده تمام گناهان را (مگر شرک) را می بخشد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ»^{۶۳۶}؛ «خداوند (هرگز) شرک را نمی بخشد! و پایین تر از آن را برای هر کس (بخواند و شایسته بداند) می بخشد»

البته توبه قضا شدن نماز که از حقوق خداوند محسوب می شوند به این است که انسان علاوه بر توبه و تصمیم به خواندن به موقع تمامی نمازها، قضای نمازهای گذشته را نیز به جا می آورد.

در خصوص چگونه خواندن نمازهای قضا شده نیز برای اینکه بتوان تمام آن را به جا آورد بگونه ای که خسته کننده نشده و باعث زدگی نگردد چند راهکار و توصیه پیشنهاد می شود:

الف - در خواندن قضای نمازها نباید خود را تحت فشار قرار داده بلکه باید برای آن برنامه ریزی بلند مدت نمود و به مرور زمان و به تدریج باید آنها را خواند.

ب- می توان به تعداد نمازهای قضا یک جدول تنظیم نموده و تمام روزهای ماه را در آن نوشته و یک ستون را هم به نمازهای پنج گانه اختصاص داد و هر وقت قضای نمازی را خوانده می شود در این جدول و در روز مخصوص خود یک علامت زد.

ت- یکی از بهترین اوقات برای نمازهای قضا قبل یا بعد از نمازهای یومیه می باشد که در اینصورت در کنار هر نماز یومیه ای یک نماز قضا نیز خوانده می شود.

ث- باید از شرایطی که برای خواندن نماز قضا به وجود می آید استفاده نمود. مانند برخی مساجد که در ایام ماه مبارک رمضان، نماز قضا چندین روز را به جماعت انجام می دهند.

ج- شروع هر کاری برای انسان سخت است اما وقتی انسان به کاری عادت کرد برایش ساده می شود.

ح- از نمازهایی که در سفر نیز قضا شده نباید غافل بود و آنها را نیز باید به همان صورت که در سفر واجب بوده بجا آورد.

^{۶۳۶} - نساء (۴)، آیه ۴۸

اولویت نماز قضا

۱۴۴- کدام یک از این دو صحیح است؟: بنده سراغ نوافل و مستحبات نمی روم و به جای آن، به قضای واجبات گذشته مثل نماز می پردازم چون با وجود حق الله و واجبات قضا نشده، نوافل و مستحبات نیز پذیرفته نمی شوند و اثری ندارند. بنده نوافل و مستحبات را به جا می آورم به امید آن که توفیقی جهت قضای واجبات گذشته نیز حاصل شود و موفق به قضای واجبات گردم؟

از نظر شرعی اگر کسی نماز واجب قضا داشته باشد خواندن نافله برای او جایز است بر خلاف روزه که با وجود داشتن قضای روزه نمی توان روزه مستحبی گرفت.

از سویی دیگر بر عهده داشتن قضای نماز به معنای قبول نشدن نماز مستحبی و نوافل نمی باشد و هر کدام وظیفه ای است که یکی به صورت وجوب و دیگری به صورت استحباب بر عهده ما است. بنا بر این خواندن نوافل آثار خاص خود را دارد که آثاری بسیار با برکت و پر بار است و به قول خود شما خواندن نافله توفیق آور است و انسان را موفق به قضای نماز های واجب نیز می کند. این حالت برای کسی است که نسبت به واجبات اهتمام دارد، ولی گاهی مایل است مستحبات را نیز انجام دهد. اما اگر کسی به طور کلی به واجبات خود بی توجه باشد و نسبت به مستحبات اهتمام داشته باشد، همانگونه که امروزه خیلی از مردم اینطور عمل می کنند، باید بداند که در این صورت مستحبات برای او نافع نبوده و باید ابتدا نسبت به واجبات خود اهتمام بورزد، زیرا تقوا شرط قبولی اعمال است.

بنابراین اگر بتوان برنامه ریزی درستی داشت بگونه ای که هر دو را با هم جمع نمود یعنی هم نماز های قضا را خواند و هم از برکات نوافل و لا اقل برخی از آنها مانند نوافل شب و صبح بهره مند شد بسیار مناسب و شایسته است و این کار اگر با برنامه انجام گیرد ممکن و عملی است.

البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که اگر کسی از نظر وقت در مضیقه باشد به طوری که امر دایر میان قضای نماز واجب و خواندن نوافل باشد بی شک قضای نماز واجب مقدم است اما معمولاً چنین ضیق وقتی وجود ندارد زیرا اوقاتی که از دست می دهیم به اندازه ای زیاد است که می توان با استفاده از آنها موفق به انجام هر دو نوع نماز شد.

نماز مستحبی به جای نماز قضا

۱۴۵- در برخی کتاب ها به نقل از پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) نوع خاصی از نمازهای مستحبی

را ذکر کرده اند و گفته اند اینگونه نمازها جبران کننده تمامی نمازهای قضای انسان می باشد

و حتی موجب ادا شدن نماز قضای والدین نیز می گردد. سوال من این است که آیا چنین

چیزی صحت دارد یا خیر؟

از نظر حکم شرعی و فتوای فقهای اسلام نماز قضا تنها با خواندن و به جا آوردنش از ذمه انسان ساقط می گردد و هیچ راه و وسیله دیگری برای اسقاط این تکلیف وجود ندارد و روایات صحیح فراوانی بر این امر دلالت دارد.

اگر روایتی بر خلاف این حکم مسلم و قطعی وجود داشته باشد در تعارض با این روایات متعدد و صحیح است و در برابر آنها نمی تواند ایستادگی کند و به اصطلاح علمای علم اصول ساقط می گردد و قابل اعتنا و توجه نیست که در این گونه موارد باید روایت مخالف را کنار گذاشت و یا به گونه ای که با اصول و ملاک های شناخته شده دینی هماهنگ باشد توجیه کرد.

بنابراین اگر روایت مذکور از نظر سند هم مشکلی نداشته باشد بدلیل وجود روایات قطعی مبنی بر قضا نمودن نماز فوت شده، قابل اعتنا نمی باشد و نماز مذکور جبران نمازهای قضا شده را نمی کند.

البته باید خاطر نشان نمود موارد فراموش شده و موارد احتمالی غیر تکلیف آور است. به طور مثال در اوایل سن بلوغ چه بسا برخی نمازها قضا شده باشد در این صورت به مقداری که یقین داریم قضا شده و یا احتمال جدی می دهیم که قضا شده باید جبران شود. اما احتمالات ضعیف نیازی به قضا ندارد و با خواندن نمازهای مستحبی خداوند با لطف و رحمت، کاستی های احتمالی را جبران می کند.

نماز صبح

۱۴۶- بیشتر نمازهای صبحم قضا می شود. برای خواندن نماز صبح چه کنیم تا همت بلند شدن پیدا

کنیم؟ در خواب احساس می کنم که دارم وضو می گیرم و نماز می خوانم، اما حوصله بلند شدن

را ندارم؟ آیا از نظر روایات راه حلی وجود دارد؟

قبل از هر چیز در خصوص اهمیت نماز صبح باید بگوئیم که رسول خدا صل الله علیه و آله فرمودند: «فَمَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَصَلَاةَ الْغَدَاةِ فِي الْمَسْجِدِ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا أُحْيِيَ اللَّيْلَ كُلَّهَا»^{۶۳۷}؛ هر کسی که نماز مغرب و عشا و نماز صبحش را در مسجد بصورت جماعت بخواند مانند آن است که تمام شب را به شب زنده داری و عبادت گذرانده است»

^{۶۳۷} - آمالی الصدوق، ص ۳۲۹

خواندن نماز صبح آنهم در اول وقت، شاید از نمازهای دیگر مشکل تر باشد؛ چرا که کندن از رختخواب گرم و لذت خواب در ابتدای راه سخت است ولی نماز گزار می تواند با کمی تمرین و ممارست از منافع سحر و صبح بهره مند گردد و از فیض نماز اول وقت نماز صبح بی نصیب نماند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «فَإِذَا صَلَّى الْعَبْدُ صَلَاةَ الصُّبْحِ مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ اثْبَتَتْ لَهُ مَرَّتَيْنِ تُبْتِهَا مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ»^{۶۳۸}؛ «پس هرگاه نماز گزار نماز صبح را با طلوع فجر به جای آورد دو مرتبه برای او نوشته می شود، هم فرشته صبح و هم فرشته شب می نویسند (نماز صبح را فرشته روز و فرشته شب هر دو مشاهده می کنند)».

باید توجه داشت از دست دادن سلب توفیق از نماز صبح معلول علت‌های مختلفی می باشد که پس بررسی اعمال و رفتار خود در طول شبانه روز، علت اصلی آن را یافته و در رفع آن کوشش نمود. برخی از عوامل سلب توفیق از نماز صبح شامل موارد ذیل می باشد:

عدم برنامه ریزی

از مهمترین عوامل مادی که مانع از توفیق درک نماز صبح می گردد فقدان برنامه ریزی و نظم در زندگی می باشد مانند فقدان برنامه ای منظم برای خواب و یا ایجاد مشغله های پراکنده و فراتر از توانایی های خود که نتیجه ای جز ایجاد خستگی مفرط ندارد. کسالت و تنبلی نیز اگر افزوده شود امر را تشدید می کند.

پرخوری

علتی دیگر برای خواب طولانی و سنگین پرخوری در شب می باشد. حضرت عیسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) خطاب به بنی اسرائیل فرمود: «ای بنی اسرائیل! خوردن خود را زیاد نکنید، زیرا هر کس بر خوردن خود بیفزاید، بر خوابیدن خود هم می افزاید و هر کس که بر خواب خود بیفزاید، از نماز کم می گذارد (و در نتیجه) در زمره غافلان نوشته می شود»^{۶۳۹}.

غرق شدن در مسائل مادی و دنیوی

حضرت عیسی (علی نبینا و آله علیه السلام) نقش دنیا زدگی را در بی حوصلگی افراد نسبت به عبادات اینچنین ترسیم می نماید که: همچنان که بیمار بر غذای لذیذ نگاه می کند و بدلیل شدت درد لذت آن را نمی چشد، همچنان فرد دنیادار نیز همراه با عشق به مال نه لذتی از عبادت می برد و نه شیرینی و حلاوتش را می چشد^{۶۴۰}.

خوردن غذاهای نامناسب در شب

^{۶۳۸} - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، نویسنده شیخ صدوق، ناشر دار الرضی، قم، ۱۴۰۶ ق، اول، ص ۳۶

^{۶۳۹} - ورام ابن ابی فراس، مجموعه ورام (تنبیه الخواطر)، مکتبه فقیه، قم، اول، ج ۱، ص ۴۷

^{۶۴۰} - حسن بن شعبه حرّانی، تحف العقول، بهراد جعفری، اسلامیه، تهران، ۱۳۸۰ ش، اول، ص ۴۸۳

خوردن غذاهای نامناسب در شب نیز موجب ترک نماز صبح خواهد شد، برخی از غذاها بگونه ای می باشند که اعصاب و بدن را سست می نمایند. لذا اگر شب ها از ماست، دوغ، کشک و مانند آن استفاده شود خواب بر انسان چیره شود؛ و یا خوردن غذاهای چرب و سنگین موجب سنگینی خواب می گردد و این امور باعث می شود انسان برای بیدار شدن از خواب دچار مشکل گردد.

کم معرفتی

یکی از مهمترین عوامل معنوی که موجب می شود تا انسان نسبت به نماز صبح به سختی از خواب بیدار گردد، عدم معرفت و شناخت نسبت به خداوند متعال و الطاف وی می باشد. فرض کنید اگر با یکی از مسولین که حل مشکل تان در دست اوست قراری گذاشته اید. و یقین دارید که وی در همان ساعت مقرر منتظر شما است. آیا واقعا شب به راحتی می خوابید و دیر بر سر قرار حاضر شده و یا با کسلی با وی مواجه می شوید؟

اگر انسان واقعا نسبت به الطاف الهی کمترین معرفتی داشته باشیم و بدانند که کسی که قرار است به هنگام نماز با وی صحبت کند همانی است که ما را از نیستی به دنیا آورده و تمامی نعمت های خود را نیز بر ما ارزانی داشته تا به نهایت کمال و درجات بالای بهشتی دست پیدا کند. او همانیست که اختیار کمی و زیادی روزی ما را دارد؛ همانی است که مرگ و زندگی ما در ید قدرت اوست و... با این حال آیا نسبت به نماز با بی حالی برخورد خواهیم کرد و یا آنکه سر از پا نشناخته و با تمام وجود به اقامه نماز عاشقانه خواهیم پرداخت.

گناه

اعمال و رفتاری که انسان در طی روز انجام می دهد نقش بسیار مهمی در توفیق انسان نسبت به عبادات دارد یعنی هر چه در طی روز کارهای شایسته از انسان سر بزند توفیقات انسان نیز برای اعمال خوب دیگر بیشتر فراهم می شود و هر چه به گناه آلوده شود توفیق اعمال خوب از وی سلب می گردد؛ لذا باید نسبت به این مساله بسیار حساس بود تا بواسطه گناه درک لذت سحرخیزی را از دست نداد.

بعضی از گناهان که معمولا دامنگیر جوانان از جمله دانشجویان می باشد از قرار ذیل است.

- دیدن صحنه های و تصاویر غیر اخلاقی از طریق اینترنت، ماهواره، تلفن همراه و...

- چشم چرانی

- برقراری روابط نامشروع با جنس مخالف

- استفاده از غذاهایی که حلال نیستند.

- استفاده از غذاهایی که پاک نیستند.

- دروغ گفتن

- استهزاء و تحقیر دیگران

- ایجاد مزاحمت و آزار همکلاسی ها و یا هم خوابگاهی ها

۳- ضعف اراده: سحرخیزی اراده و عزم می خواهد. دوست داشتن تنها کافی نیست، باید با تصمیم جدی خوابید. ضعف اراده از مهم ترین عوامل محروم ماندن از سحرخیزی می باشد. باید با این ضعف و سستی اراده مبارزه کرد. امام علی (ع) می فرماید: «ضادوا التوانی بالعزم»^{۶۴۱}؛ «به وسیله عزم، با سستی مبارزه کنید». با توجه به آنچه گفته شد راهکارهایی حل این مشکل در هفت محور قابل ارائه می باشد:

اول: فعالیت های روزانه

۱- تنظیم برنامه ای منسجم و منظم جهت جلوگیری از خستگی مفرط

۲- انتقال فعالیت های شبانه به بعد از نماز صبح چراکه معمولاً اینگونه فعالیت ها تا پاسی از شب به طول می انجامد و باعث خواب ماندن از نماز صبح می شود اما با انتقال این فعالیت ها به بعد از نماز صبح علاوه بر از دست ندادن نماز، بازدهی بیشتری نیز نسبت به فعالیت های خود کسب می نمایم.

۳- از سیستم مراقبه، مشارطه، محاسبه استفاده کنید، یعنی با خود شرط نمائید که گناهی انجام ندهید سپس در طول روز مراقب اعمال خویش باشید (چه در زمان حضور در کلاس و کتابخانه و خوابگاه و...) و شب هنگام محاسبه کنید تا ببینید تقوی را رعایت نموده اید و در طول روز آیا گناهی مرتکب شده اید و در صورتی که تقوی را رعایت ننموده اید توبه نموده و با خود شرطی را بگذارید تا دیگر مرتکب آن گناه نشوید.

۴- تماشای صحنه و فیلم های مبتذل و آلوده به گناه و همین طور رفتن به محیط های نامناسب را ترک نمائید.

۵- از گفتگو با جنس مخالف، نگاه کردن به آنها، خندیدن در منظر نامحرم جدا خودداری کنید.

۶- از آنجا که ممکن است ارتکاب برخی از گناهان به دلیل عدم اطلاع از آنها باشد، لذا جهت فراگیری واجبات و محرمات دینی مطالعه بیشتری نموده و به کتابهای ذیل مراجعه فرمائید:

- مطالعه رساله عملیه مرجع تقلید خود

- پرسش و پاسخ دانشجویی شماره ۱۸ (احکام نگاه و پوشش)

- کتاب واجبات و محرمات در شرع اسلام / آیت الله مشکینی / دفتر نشر الهادی / ۱۳۷۸ ش

- گناهان کبیره شهید دستغیب (ره)

دوم: خوراک شبانه

در خصوص خوراک شبانه نکات زیر را رعایت فرمائید:

^{۶۴۱} - عبد الواحد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶ ش، اول، ص ۴۷۶

۱- شام را در ابتدای شب بخورید زیرا هر چه وقت خوردن شام به اول شب نزدیک تر بوده و با وقت خواب فاصله داشته باشد هم خواب راحت تری خواهید داشت و هم برای نماز صبح با مشکل کمتری مواجه خواهید شد.

۲- بلافاصله قبل از خواب چیزی نخورید:

اگر در فاصله ی زمانی کمتر از دو ساعت به خوابیدن، چیزی بخورید و بعد به رختخواب بروید بدن شما درگیر هضم غذا خواهد بود و این امر می تواند در خواب شما اختلال ایجاد کند و یا اصلا زمان به خواب رفتن را طولانی کند.

۳- سعی کنید زود بخوابید، زیرا تحقیقات نشان داده است که خواب یک سوم ابتدای شب کاملتر و با آرامش تر می باشد و لذا خستگی را از تن انسان، بهتر خارج می کند.

۴- پر خوری نکنید: باید از افراط و تفریط در خوردن پرهیز شود. کم خوری غیر از نخوردن یا بد خوردن است. میزان کم خوری را رسول اکرم (ص) چنین می فرماید: *كُلْ وَ اَنْتَ تَشْتَهِي وَ اُمْسِكْ وَ اَنْتَ تَشْتَهِي* در حالی که اشتها داری، بخور و در حالی که (هنوز) اشتها داری، از خوردن دست بکش^{۶۴۲}.

۵- غذای مناسبی میل نمائید: کیفیت غذا جوری باشد که اعصاب و بدن سست نشود. شب ها از ماست، دوغ، کشک و مانند آن استفاده نشود یا در کنار آن ها چند دانه خرما یا کشمش یا مویز و مانند آن تناول شود. هر کس باید با توجه به مزاج خود، برنامه غذایی مناسبی برای خود داشته باشد. دقت کنید چه غذاهایی قوت می بخشد، چه غذاهایی سستی و نسبت به چه غذاهایی حساسیت دارید. مثلا خرما برای بعضی مزاج ها سازگار نیست، زیرا موجب جوش صورت و دمل می شود.

۶- از خوردن مال حرام پرهیز نمائید.

سوم: چگونگی خواب و استراحت برای بیدار شدن در سحر

تنظیم چرخه خواب نقش مؤثری در عملکرد کار روزانه انسان و به موقع بیدار شدن دارد. معمولا دو نوع چرخه خواب وجود دارد. یک نوع چرخه خواب بدین صورت است که افراد تا دیر هنگام بیدار هستند در عوض صبح ها دیر از خواب بیدار می شوند و بخشی از روز را نیز خواب هستند. نوع دیگر افرادی هستند که شبها زود می خوابند و صبح نیز زود از خواب بیدار می شوند. افرادی هم هستند که چرخه خواب منظمی ندارند و دائما وقت خواب و بیداری آنها متغیر است. گاهی زود می خوابند و دیر هم بلند می شوند و یا بالعکس. این افراد معمولا دچار اختلال خواب هستند یا به تدریج دچار اختلال خواب می شوند. گرچه دو نوع اول موجب اختلال خواب نمی شود، اما آنچه با فرهنگ دینی ما سازگارتر و مناسب تر است این است که ما کارهای خودمان را بگونه ای تنظیم کنیم که شب ها زودتر بخوابیم و صبح ها نیز حداقل یک ساعت مانده به طلوع آفتاب بیدار شویم. اگر بتوانیم قبل از اذان صبح بیدار شویم خیلی مطلوب تر

^{۶۴۲} - بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۰

است. در هر حال خواب به اندازه و کافی برای ترمیم انرژی های از دست رفته و آمادگی برای فعالیت های مجدد روز بعد ضروری است و راهی وجود ندارد جز تنظیم یک برنامه دقیق. بنابراین راه کارهای ذیل را رعایت فرمائید:

۱- زود بخواهید: بگونه ای برنامه ریزی نمائید که حداکثر تا ساعت ده شب در رختخواب خود باشید.
۲- خواب قیلوله و قبل از ظهر - که استحباب شرعی هم دارد - ترک نشود. این خواب مختصر، ولی بسیار مفید است. اگر قبل از ظهر میسر نیست با فاصله ای بعد از نهار انجام گیرد. اگر اصلاً خواب روز میسر نیست، حداقل باید دقایقی دراز کشید.

پیامبر گرامی اسلام فرمود: از خوردن غذای سحر برای روزهی روز کمک بگیرید و از خواب قیلوله برای بیداری یاری بخواهید.^{۶۴۳}

۳- محل استراحت خود را طوی طراحی و انتخاب کنید که مُشرف به پنجره و فضای باز باشد تا تغییرات جوئی (رنگ آسمان و تغییرات نور هوا) برای شما ملموس باشد.

۴- اگر اطرافیان شما دیر می خوابند، شما سعی کنید محل خواب خود را در جایی که سر و صدای کمتری دارد و مزاحمتی برای شما نیست انتخاب کنید و هر چقدر زودتر بخواهید و هرچه خواب شما با آسودگی و در محیطی آرام صورت گیرد، بالطبع برخاستن شما برای کارهای صبح، بهتر و و مقدورتر خواهد شد. یکی از عللی که سبب خواب ماندن در صبح ها می شود این است که روح و جسم انسان از لحاظ کمی و کیفی استراحت کافی برخوردار نیست. حداقل ۶ ساعت خواب برای یک انسان مورد نیاز است در این مدت زمان بدن باید طوری به خواب برود که استراحت عمیق احساس شود. اگر انسان بعد از این نوع استراحت، خودانگیز از خواب بیدار شد این نشانگر خواب و استراحت به میزان مطلوب است.

۵- محیط خوابتان را برای بیدار شدن مساعد کنید:

جایی که در آن می خوابید و صبح قرار است در آن بیدار شوید خودش می تواند یک عامل برای سحر خیزی باشد. هر چند این عامل در افراد مختلف متغیر است اما مثلاً داشتن یک اتاق خواب منظم و مرتب و تمیزی می تواند بسیار در سحرخیز بودن شما موثر باشد و نظم این اتاق سبب شود که شما احساس کنید، سر زمانی که با خود قرار گذاشته اید باید از خواب بیدار شوید.

۶- به اندازه کافی بخواهید: این یکی از عوامل اصلی است که سبب می شود افراد با زود از خواب بیدار شدن مشکل داشته باشند، در اصل داشتن خواب کافی، زود بیدار شدن از خواب را چندین بار آسان تر میکند.

^{۶۴۳} - شیخ حسن دیلمی، إرشاد القلوب إلی الصواب، شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ ق، اول، ج ۱، ص ۹۱

۷- بر تمرین دادن بدن اصرار داشته باشید: سعی کنید همیشه راس یک ساعت خاص از خواب بیدار شوید بیدار شدن از خواب در یک ساعت خاص می تواند سبب ایجاد عادت برای بیداری در آن ساعت در بدن شود و فراموش نکنید سحرخیزی تنها یک عادت است.

۸- به بدن خود گوش دهید: بدن شما خیلی خوب می تواند احتیاجاتش را به شما اطلاع دهد، اگر هنگامی که صبح از خواب بیدار می شوید هنوز احساس خستگی میکنید سعی کنید شبها زودتر به رختخواب بروید بدن شما کم کم یک الگوی معین برای خوابیدن و بیدار شدن پیدا میکند و کاملا بر آن منطبق خواهد بود.

۹- آداب خواب را رعایت کنید، از جمله: وضو گرفتن، خواندن سوره های توحید و معوذتین، ذکر صلوات و تسبیحات اربعه و تسبیح حضرت زهرا (سلام الله علیها)، آیه الکرسی، بخصوص خواندن آیه ی آخر سوره ی کهف و نیز توسل به امام زمان برای محروم نماندن از فیض نماز اول وقت و... از جمله اموری است که خواب مؤمن را همراه با هدف و انگیزه می کند و این توجه و هدفمندی در بیداری صبح تأثیرگذار خواهد بود. البته اگر بجا آوردن همه ی آداب خواب برایتان سخت است، به هر میزان که مقدورتان می باشد انجام دهید.

چهارم: برای بیدار شدن

برای بیدار شدن می توانید از ساعت استفاده کنید. اگر زنگ ساعت شما را بیدار نمی کند بهتر است تا مدتی که خود عادت به بیدار شدن کنید، به یکی از نزدیکان سفارش کنید که شما را در ساعت مقرر بیدار کند.

پنجم: به هنگام بیدار شدن

به هنگام بیدار شدن ممکن است کسلی تمام وجود انسان را فرا گرفته باشد، لذا برای رفع این کسلی و خواب آلودگی می توانید کارهای زیر را انجام دهید:

۱- در رختخواب به خودتان برای بیدار شدن دروغ نگوئید:

همیشه سعی کنید بلافاصله بعد از بیدار شدن رختخواب خودتان را ترک کنید، اینکه مثلا ۱۰ یا ۲۰ دقیقه ی دیگر از جایم بلند خواهم شد در حالی که بیدار شده اید اصلا به شما کمکی نخواهد کرد و هر چه بیشتر در زمانی که بیدار شده اید در رختخواب بمانید بدنتان تمایلش برای بازگشت به خواب عمیق بیشتر می شود.

۲- بعد از بیدار شدن به پاس این نعمت سجده شکر بجای آورید

۳- پس از بیدار شدن سپس مسواک بزنید.

در روایات آمده پیامبر صلی الله علیه و آله هر شب سه بار مسواک می کرد: یک بار پیش از خواب، یک بار وقتی از خواب برای نماز شب برمی خاست، و یک بار پیش از آنکه برای نماز صبح از خانه بیرون رود^{۶۴۴}.

۴- می توانید یک دوش آب سرد بگیرید

^{۶۴۴} - علامه طباطبائی، سنن النبی صلی الله علیه و آله، محمد هادی فقهی، کتاب فروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۷۸ ش، هفتم، ج ۱، ص ۲۲۱

۵- مقداری نوشیدنی مانند چای و آب و یا میوه میل کنید

۶- به فضای باز رفته و نفس عمیق بکشید و ۱۵ ثانیه نگه دارید

۷- انگیزه خود را برای بیدار شدن افزایش دهید مثلاً اگر به خوردن چیزی علاقه دارید، آن را برای صبح بگذارید و یا اگر دوستی دارید با او قرار بگذارید که یکدیگر را بیدار کنید.

ششم: محیط زندگی و تحصیل

باید توجه داشت که بسیاری از عوامل سلب توفیق از نماز صبح ممکن است برخاسته از شرایط زندگی، دوستان، محیط دانشگاه و جو حاکم بر آن باشد که می تواند در وضعیت روحی افراد تأثیر گذار باشد. بنابراین:

اولاً: سعی کنید در محیط دانشگاه و زندگی خود با افرادی که بیشتر اهل معنویت، نماز و دعا و با نشاط هستند معاشرت داشته باشید و از گعده های دوستانه که توأم با گناه و رفتارهای غیراخلاقی است اجتناب کنید.

ثانیاً: تا آنجا که ممکن است در فضاهای معنوی همچون مساجد نمازهای مستحبی را بجا بیاورید. چراکه فضاهایی که معنوی باشند، ناخودآگاه انسان را تحت تأثیر قرار می دهند و به طور غیر مستقیم، بدون حساسیت فرد، سبب تأثیر گذاری می شوند.

هفتم: بالا بردن انگیزه و اشتیاق به نماز

وقتی بدانیم نماز به معنای ارتباط و سخن گفتن مستقیم با خداوند بزرگ است و این بالاترین توفیقی است که یک انسان می تواند از آن برخوردار باشد، سعی می کند همواره خود را آماده سازد. قرآن کریم می فرماید: «...وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»^{۶۴۵}؛ «... آنها که به آخرت ایمان دارند به آن (قرآن) ایمان می آورند و مراقب نمازهای خویش می باشند.» در این باره نکات ذیل را رعایت فرمائید:

- ۱- کتاب‌هایی درباره اهمیت و ارزش نماز مطالعه کنید، تا شناخت شما در مورد نماز بیشتر شود
- ۲- بدانید به هر اندازه که کارهای خوب در این دنیا خود را سخت نشان دهد در آخرت پاداش آن به همان اندازه بیشتر خواهد بود کما اینکه امام باقر علیه السلام فرموده اند: کار نیک و عمل خیر بهمان نسبتی که در قیامت سنگین و موجب سنگینی میزان انسان می شود برای مردم دنیا سنگین و دشوار است. و کار زشت بر اهل دنیا خفیف و سبک است (زود انجام می دهند) همچنان که در آن جهان خفیف و موجب سبکی میزان اعمال می شود.^{۶۴۶}

^{۶۴۵} - انعام (۶)، آیه ۹۲

^{۶۴۶} - بحار الانوار-ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، ج ۲، ص ۲۲۵

۳- این نکته را باید توجه داشته باشید که عمر گذرا می باشد و فرصت ها به سرعت از دست می رود و بهترین فرصت برای خود سازی و رسیدن به کمال همین دوران جوانی می باشد.

۴- سیره چهارده معصوم، اولیاء دین و علما دینی و حالات آنها را به هنگام برپایی نماز مطالعه نمائید و به دنبال این نکته باشید که چه انگیزه ای موجب می شد تا آنها با چنین شور و حالی به نماز پردازند.

بیدار کردن برای نماز صبح

۱۴۷- بیدار کردن کسی آشنا (مثل همسر، برادر، خواهر، فرزند) یا غیر آشنا برای نماز صبح یا نماز

واجب دیگر چگونه است؟ آیا باید آنها را بیدار کنیم یا اینکه بگذاریم نمازشان قضا شود؟

شرایطی که ممکن است برای بیدار نمودن دیگران پیش بیاید از قرار ذیل می باشد:

اول: فردی که قصد بیدار نمودن آن را داریم اهل نماز می باشد.

در خصوص چنین فردی از آنجا که در حال خواب تکلیفی بر عهده افراد نمی باشد و از سوی دیگر نیز خوابیدن از جمله حقوق شخصی هر فرد است، لذا بیدار ساختن کسی از خواب - حتی برای نماز - جایز نیست. مگر آنکه، علم به رضایت بیدار نمودن وی داشته باشیم که در این صورت می توانیم او را بیدار نمائیم. مانند زمانی که خود فرد - اعم از دوست، مهمان، همسر - از ما خواسته او را بیدار کنیم و یا اینکه می دانیم در صورت بیدار نکردن وی باعث ناراحتی او می شود.

دوم: فردی که قصد بیدار نمودن آن را داریم با انگیزه اینکه نماز نخواند خوابیده.

اگر انسان بداند کسی خوابیده به قصد آنکه نماز نخواند از باب نهی از منکر با وجود شرایط آن، بیدار کردن لازم است.^{۶۴۷}

سوم: فردی که قصد بیدار نمودن آن را داریم فرزند انسان می باشد.

پدر و مادر که مسئولیت تربیت فرزند به عهده آن ها است، لازم است ابتدا او را از حدود سن هفت سالگی به تدریج برای نماز بیدار کنند تا این کار در هنگام بلوغ شرعی به صورت عادت درآید، البته این بیدار نمودن باید همراه با آرامش و مهربانی و با صدای آرام باشد تا در نظر فرزند حساسیت بدی نسبت به نماز پیدا نشود و ضمناً لازم است با دادن اطلاعات دینی به خصوص درباره نماز و اهمیت آن سعی کنید ایمان فرزندان را تقویت نمایید و در خود او انگیزه بیدار شدن ایجاد کنید تا برای بیدار شدن اهتمام بورزد.

بنابراین علاوه بر جواز بیدار نمودن فرزندان، این امر پسندیده نیز می باشد مگر آن که از جهات دیگری موجب اذیت یا موجب ضرر باشد، مثل اینکه مریض باشند.^{۶۴۸}

^{۶۴۷} - محمد وحیدی، دانستنی های لازم از نماز، قم، موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۷ش،

چهارم، ص ۲۰۵، به نقل از مجمع المسائل، ج ۱، سوال ۴۱۰

^{۶۴۸} - همان، ص ۱۹۳ به نقل از مجمع المسائل، ج ۱، سوال ۴۹۳

قضای نماز پدر

۱۴۸- . فقها می گویند: نماز قضای پدر، بر پسر بزرگ، واجب است؛ آیا این حکم، منافات با آیه «وَ

لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» ندارد؟ چرا باید گناه و تکلیف پدر را پسر بزرگ بر دوش بکشد؟.

چرا این مسئله بر بقیه فرزندان (پسر و دختر) یا بر همه به صورت مشترک، واجب نشده است؟

در ابتدا توجه شما را به حکم شرعی در این باره جلب می کنیم:

همه مراجع: نماز قضای پدر تنها بر عهده پسر بزرگ خانواده (بعد از فوت پدر) است. اما اگر کس دیگری هم به جا آورد، اشکال ندارد و رفع تکلیف از پسر می شود. پسر بزرگ نیز می تواند کسی را برای خواندن نماز پدر اجیر کند.

اگر پدر وصیت کند که از ثلث مالش برای قضای نماز او اجیر بگیرند، پس از خواندن اجیر، قضای نماز از عهده پسر بزرگ ساقط می شود.^{۶۴۹}

این نکته نیز قابل ذکر است که برخی از فقها می گویند: وجوب قضای نماز بر پسر بزرگتر فقط در صورتی است که وی به خاطر مرض و سفر، نتوانسته نماز و روزه اش را انجام دهد نه اینکه به خاطر نافرمانی و یا از روی بی مبالاتی آنها ترک کرده؛ در روز قیامت، مؤاخذه و عذاب می شود و او نیز مانند بقیه مردم، در برابر اعمال خود، مسئول می باشد.

لذا در صورتی که پدر از روی بی مبالاتی نماز را ترک نکرده باشد، بلکه به علت مریضی یا فراموشی، این اتفاق افتاده باشد، خیلی جای سؤال نیست؛ زیرا ادای چنین نمازی برای پدر، قطعاً جبران آن همه زحمت و حق پدر است.

اشکال عمده، صورتی است که پدر از روی عمد و بی مبالاتی، نماز را ترک کرده باشد که در این صورت، می گوئیم: این مسئله، یک تکلیف بر پسر بزرگ تر است؛ نه رفع تکلیف از پدر؛ تا گفته شود چرا وظیفه پدر را پسر باید بر دوش بکشد؟ بنابراین، پدر که از روی بی مبالاتی، نمازش را ترک کرده، در روز قیامت، مؤاخذه و عذاب می شود و او نیز مانند بقیه مردم، در برابر اعمال خود، مسئول می باشد و حتماً بازخواست می شود و مورد عقوبت شدید واقع خواهد شد؛ حتی اگر پسر وی نمازهای او را به جا آورد؛ زیرا این نماز، ربطی به آن نماز ندارد. آن نماز، تکلیف پدر بود که به جا نیآورده بود و این نماز، تکلیف پسر است؛ مانند بقیه تکالیف پسر. اگر از اول، خداوند به جای هفده رکعت، سی و چهار رکعت نماز را در شبانه روز بر پسر بزرگ واجب می کرد، آیا جای اعتراض داشت؟ بنابراین، در قبال انجام این عبادت، خداوند، به پسر، ثواب و اجر عنایت می کند؛ پس پسر، گناه پدر را بر دوش نمی کشد.

^{۶۴۹} - توضیح المسائل مراجع، م ۱۳۹۴ و ۱۳۹۰، آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۱۳۹۰-۱۳۹۳ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۱۳۹۸-۱۴۰۲ دفتر آیت الله خامنه ای.

البته همان طور که انجام خیرات و صدقه دادن به نیت والدین، در حق آنها مؤثر است، ادای نماز و روزه قضا نیز از باب فضل الهی، بی تأثیر در وضع آنها در برزخ و قیامت نیست؛ ولی این قضیه، مسئله دیگری است و هیچ گاه به طور کامل، جای نمازهای پدر را نمی گیرد.

اما این که چرا خداوند این تکلیف را بر دوش پسر گذاشته، علت ها و حکمت های گوناگونی می تواند داشته باشد که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

۱- به جهت فرهنگ سازی احترام به والدین و فهماندن ارزش آنها؛ این دستور اسلامی، نمایان گر عظمت و ارزش پدر و مادر است که در هیچ مکتبی جز اسلام، مورد توجه واقع نشده است. از این رو، قرآن کریم بعد از عبادت خداوند، احسان و احترام به پدر و مادر را مورد تأکید قرار می دهد و می فرماید: «وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^{۶۵۰}؛ «و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر (-خود-) احسان کنید».

احسان پسر بزرگ تر به پدر و مادر بعد از مرگ، در شمار مهم ترین و محبوب ترین چیزها نزد خداوند است. خداوند بعد از دستور به توحید که شالوده خلقت و هدف نهایی است، به احسان به پدر و مادر دستور می دهد که این امر، نشان دهنده اهمیت و اولویت احسان فرزندان نسبت به پدر و مادر می باشد.

۲- یکی از علل وجوب قضای روزه و نماز پدر و مادر بر پسر بزرگتر به خاطر زحمات و خیراتی است که پدر و مادر در حق فرزندان انجام داده اند. به طور معمول پسر بزرگتر بیشترین بهره را از لطف و حضور پدر می برد چرا که از نظر سنی زمان بیشتری از نعمت وجودی پدر و مادر بهره مند بوده است و از نظر محوریت در کارها و امور نیز بیشتر از خواهر و برادران کوچکتر از خود مد نظر قرار می گیرد.

۳- به جهت فرهنگ سازی مدیریت پسر بزرگ تر نسبت به خانواده؛ به همین جهت در ارث نیز سهم او از بقیه متمایز است و در مقابل این تکلیف، پسر بزرگ تر از ارث بیشتری برخوردار می گردد؛ یعنی اموال اختصاصی پدر، مثل انگشتر، اسلحه، وسیله سواری و... به پسر بزرگ می رسند که در فقه اسلامی از آنها به «حبوه» تعبیر شده است و این حکم، امروزه نیز جریان دارد؛ البته ثوابی که از ناحیه انجام آن نمازها و روزه ها به وی می رسد، بسیار زیادتر از آن است که با ارزش آن ارث مازاد، مقایسه گردد.

وقتی خداوند می خواهد مدیریت شخصی را جا بیندازد و فرهنگ سازی کند، تکلیف بیشتری نیز بر دوشش می گذارد؛ تا مدیریت او، توجیه پذیر باشد. به جهت اهمیت نماز و روزه و عدم رضایت خداوند نسبت به ترک آنها؛ چه در صورت سهوی و چه در صورت عمدی؛ یعنی نماز و روزه آن قدر برای شارع مقدس مهم هستند که برای انجام آنها و فهماندن این اهمیت، چنین احکامی را وضع کرده است؛ به طوری که حتی اگر انسان برای وضو، آب نداشته باشد و برای تیمم نیز هیچ چیزی که تیمم بر آن صحیح است، وجود نداشته باشد (فاقد طهورین باشد) باز فقها طبق روایات می فرمایند: چنین شخصی نماز را ترک نکند

^{۶۵۰} - اسراء (۱۷)، آیه ۲۳

و هرگاه امکان تحصیل طهارت برایش مهیا شد، با وضو مجدداً آن نماز را اعاده کند؛ یعنی خداوند، راضی به ترک نماز، حتی برای انسان بی طهارت نیست.

۴- اگر نماز و روزه قضای پدر بر همه فرزندان واجب می شد، ممکن بود این مسئله مانند میراث مالی، مورد اختلاف ورثه گردد و در نتیجه، منجر به ترک آن شود. علاوه بر این، پر رنگ کردن مدیریت پسر بزرگ بعد از فوت والدین، مسئله مهم و حائز اهمیتی است و عدم وجوب آن بر دختران با توجه به عذرهایی که دارند، نوعی تخفیف در حق آنان است.

در پایان ذکر دو نکته نیز ضروری می نماید:

اول: پسر بزرگ تر می تواند از ثلث میراث پدر و مادر، قبل از تقسیم آن، هزینه خواندن نماز و ادای روزه را جدا کند و شخص دیگری را برای انجام آن، اجیر نماید و بدین سان، اگر مقدار آن زیاد باشد، مشکلی برای پسر بزرگ پیش نخواهد آمد.

دوم: سنجش وظایف نسبت به مزیت های صرف مادی و دنیوی از اشتباهاتی است که با روح معنا گرا و آخرت محور دستورات الهی منافات دارد. ثوابی که از ناحیه انجام دادن نماز و روزه فوت شده پدر و مادر توسط پسر بزرگتر به وی می رسد بسیار زیاد و برتر از آن است که بخواهد با ارزش انگشتی و سلاحی که به صورت مازاد بر سهم ارث پسر بزرگتر میرسد مقایسه گردد. گذشته از این خیرات و برکات دنیوی و اخروی آن برای پسر بزرگتر فراوان است.

قضای نماز مادر

۱۴۹- چرا نمازهای قضای مرد فوت شده بر پسر بزرگترش واجب ولی نمازهای قضای مادر بر وی

واجب نیست، چه دلیلی دارد پدر این بهره را ببرد ولی مادر نه؟

برای دریافت پاسخ باید به چند نکته توجه نمود:

روایات متعددی داریم که، از میت، نماز و روزه و... قضا شود از این جهت فرقی بین زن و مرد نمی گذارند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «الصلوة التي دَخَلَ (حَصَلَ) وَقْتُهَا قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ الْمَيِّتُ يَقْضَى عَنْهُ أَوْلَى النَّاسِ»؛ «قبل از آن که انسان بمیرد اگر وقت نماز رسید (و آن نماز قضا شد) آن نماز را سزاوارترین و نزدیکترین فرد به میت قضا می کند.» و باز آن حضرت (علیه السلام) فرمودند: «از طرف میت حج، روزه، آزاد کردن بنده و هر کار خوبی قضا می شود.»^{۶۵۱}

بنا به نظر برخی از مراجع - که نام آنها در نکته دوم خواهد آمد - کلمه «میت» شامل زن و مرد می شود و اگر در بعضی از روایات کلمه ی «مرد» ذکر شده است از باب غلبه و مثال است. مانند این که گفته

^{۶۵۱} - ر ک وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۲۸۱، باب ۱۱۲ از ابواب قضاء الصلوات

شود: «مردی» در نماز بین رکعت ۲ و ۳ شک کرد و این گونه بیان به آن معنا نیست که اگر زن شک کند حکمش چیز دیگر است.

هر چند مشهور فقها فرموده اند که قضای نماز و روزه مادر بر پسر بزرگ واجب نیست اما بزرگانی دیگر مانند صاحب عروءه، صاحب وسیله، مرحوم آیت الله اراکی، مکارم شیرازی و مقام معظم رهبری فرموده اند: فرقی بین پدر و مادر از این جهت نیست یعنی همان گونه که قضای نماز و روزه پدر بر پسر بزرگ واجب است قضای نماز و روزه مادر نیز واجب می باشد.^{۶۵۲} برخی از مراجع نیز مانند آیت الله فاضل لنکرانی و صافی گلپایگانی قضای نماز مادر را بنا بر احتیاط واجب بر پسر بزرگ واجب دانسته اند.^{۶۵۳}

اگر پدری فوت کرد و همه ی فرزندان او دختر بودند در این جا فرقی بین پدر و مادر نیست. اگر نماز قضای پدر بر پسر بزرگتر واجب است و نماز قضای مادر واجب نیست برای آن است که آن روزی که این مادر، دختر بود حضرت حق تعالی قضای نماز و روزه پدر را به عنوان تکلیف زاید بر او واجب نکرده بود. امروز هم که آن دختر مادر شده خدای حکیم نمی فرماید نماز قضای این مادر بر پسر بزرگتر واجب است.

ولی این پدر آن روزی که پسر بود خداوند قضای نماز پدر را به عنوان یک تکلیف زیادی بر او واجب کرد امروز هم فوت کرده پسر بزرگش باید نماز قضایش را به جا آورد. بنابراین:

اولاً: خداوند متعال در تکلیف نمودن بین دختر و پسر فرقی قائل نشده

ثانیاً: اگر تفاوتی اندکی در این حکم بین زن و مرد وجود دارد از روی حکمت می باشد.^{۶۵۴}

در پایان گفتنی است؛ در خصوص چگونگی احکام الهی خوب است با واقع بینی و بدون پیش فرض نگاه تحقیر آمیز به مرد یا زن، موضوع را مورد بررسی قرار دهیم. زیرا مرد و زن هر دو آفریده خداوند و هر کدام نقش مهمی را در این نظام هستی و به دنبال آن زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی ایفا می کنند. بنابراین دلیل ندارد به جهت نظر برخی مراجع تقلید مبنی بر این که نماز قضای مادر بر پسر بزرگتر واجب نیست، نتیجه گیری کنیم که از سوی خداوند به شخصیت زن توهین شده، بلکه این تفاوت میان پدر و مادر چه بسا بر اساس یک واقع بینی شکل گرفته است. به طوری که همان گونه که پسر بزرگتر برخی

^{۶۵۲} - برای توضیح بیشتر ر.ک جوادی آملی زن در آئینه جلال و جمال، نشر فرهنگی رجا، ۱۳۷۴، ص ۴۱۰؛ آیت الله اراکی، المسائل الواضحه، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱، صص ۲۴۲ و ۲۴۳؛ آیت الله خامنه ای، رساله اجوبه استفتات (ترجمه فارسی) نشر بین الملل، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۱۰؛ آیت الله مکارم شیرازی، رساله عملیه، مساله ۱۲۰۵

^{۶۵۳} - حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، رساله توضیح المسائل، چاپ شصت و ششم ۱۴۳۰ هـ/ق / ۱۳۸۸، مسأله ۱۳۹۹. آیة الله فاضل لنکرانی، رساله عملیه، ص ۲۳۲

^{۶۵۴} - برگرفته از کتاب «زن در آئینه جلال» و جمال از حکیم فرزانه استاد علامه آیة الله جوادی آملی نشر فرهنگی رجا، ۱۳۷۴، ص ۴۱۰

از اموال اختصاصی پدر به او می رسد و دلایل متعدد روان شناختی و اجتماعی دیگر جایگاه خاص را برای جایگزینی پسر بزرگ تر به جای پدر ایجاد کرده است این وظیفه نیز الزامی شده است. این برای نماز قضای مادر این ویژگی نیست بلکه وظیفه اخلاقی همه فرزندان است که این مسئولیت را بر عهده بگیرند.

خرید نماز اموات

۱۵۰- مسأله خرید نماز و روزه میت از طرف بازماندگان (قرآن، حدیث، رساله و...) و اینکه چرا

باید بین کسی که در این دنیا نماز و روزه خودش را در اول وقت خوانده و کسی که این کار را نکرده و بعد از مرگ برایش نماز و روزه می‌خرند و پول می‌دهند که برای میت نماز و روزه ادا شود فرقی نباشد؟ آیا آن دنیا را هم پولدارها با خرید نماز و روزه به دست می‌آورند و از زیر بار گناه در می‌آیند؟ لطفاً در این خصوص توضیح دهید.

بدون شک فردی که در دنیا به وظایف الهی و عبادی خود توجه داشته و نماز را با وجود سختی و مشقت در اول وقت به جا آورده و خود مسیر تکامل را طی نموده با کسی که پس از مرگش برای او نماز و روزه به جا آورده اند از نظر ارزش و درجه یکسان نمی‌باشند.

اصولاً هر عبادتی که در ظرف و وقت خود به جا آورده شود ارزشمند تر و ماجورتر از عبادتی است که خارج از وقت و ظرف خود انجام گیرد زیرا وقت خاص و محدوده عمل و عبادت دارای اثر خاصی در تاثیر گذاری عمل است و این اثر و خاصیت در خارج از وقت و زمان خاصش کم رنگ تر و کم اثر تر است و حتی نماز داخل وقتی که در اول وقت خوانده شود با نماز آخر وقت در اجر و ثواب متفاوت است تا چه رسد به نماز خارج از وقت و نمازی که پس از مرگ برای کسی خوانده می‌شود.

بنابراین، کسی که از روی بی‌مبالاتی، یک عمر نمازش را ترک کرده، در روز قیامت مؤاخذه و عذاب می‌شود و او نیز مانند بقیه مردم، در برابر اعمال خود مسئول می‌باشد و حتماً بازخواست می‌شود و به جا آوردن نماز قضا توسط فرزند و یا خرید نماز به هیچ وجه تضمینی برای بهشت رفتن وی نمی‌باشد هرچند ممکن است با عمل نیابتی در مجازات وی تخفیف داده شود.

در خصوص کسانی هم که بنا به عذری همچون بیماری و... ترک عبادت نموده اند، اگر چه با بجا آوردن

نماز توسط دیگران بازخواست نمی‌شود ولی اجری و درجه ای هم دریافت نکند.

علاوه بر این که بهشت نیز مانند جهنم دارای درجات و مراتب است و اگر این افراد وارد بهشت بشوند چه بسا هم درجه با کسانی نخواهند بود که وظیفه شان را درست و به موقع انجام داده اند.

فصل سیزدهم: آفت های نماز

گفتار اول: بطلان نماز

نماز بدون تقلید

۱۵۱- آیا نماز خواندن، نیازمند تقلید از مجتهد است. اگر خداوند طبق آیه شریف قرآن از رگ

گردن به ما نزدیک تر است و همه بندگان را دوست دارد، آیا حتماً لازم است اجازه نمازمان

را به دست یک مجتهد بدهیم؟

انسان در احکام غیر ضروری و غیر قطعی، یا خودش مجتهد است و یا در حدی است که نزدیک است مجتهد بشود و می تواند به احتیاط عمل نماید. در هر دو حال تقلید لازم نیست، ولی اگر نه مجتهد و نه محتاط است، در احکام فرعی غیر قطعی، لازم است تقلید کند. اما آن جا که مسئله ای از ضروریات و قطعیات دین باشد، مانند: اصل وجوب نماز و تعداد رکعات نماز و غیره، نیاز به تقلید نیست؛ اعم از این که موضوع مسلم و قطعی، در قرآن کریم تصریح شده باشد، مانند: «وَأَقِمُْوا الصَّلَاةَ»^{۶۵۵}؛ «نماز را به پا دارید.» یا این که از غیر قرآن یعنی از روایات امامان معصوم (علیهم السلام) به دست آمده باشد؛ مانند: تعداد رکعات نماز. چرا که تعداد رکعات نماز، مانند اصل وجوب نماز امری قطعی و مسلم است، لذا هیچ کس نگفته است در تعداد رکعات نماز از مجتهد تقلید کنید.

از آن جا که از طرفی یاد گرفتن تمامی جزئیات نماز واجب است و از طرف دیگر استنباط احکام شرعی به کمک روایات، کار هر کس نیست، عقل می گوید باید در این باره سراغ متخصصی رفت؛ همان طور که اگر کسی مریض شود سراغ هر کس نمی رود، بلکه فقط نزد پزشک می رود و این مراجعه به متخصصی [که نسبت به احکام شرعی همان مجتهدین هستند] امری معقول، مقبول و عرف عقلا است.

البته راه فراگیری احکام شرعی و استنباط آن مانند مجتهدان برای همگان باز است. چه اشکال دارد که همه مجتهد شوند؟ اما مادامی که فردی خود قدرت استنباط ندارد، طبق حکم عقل لازم است سراغ متخصص و مجتهد برود. عمل به این اصل (رجوع به متخصص) به دستور خداوندی است که از رگ گردن به ما نزدیک تر است و این عمل را دوست می دارد: «فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^{۶۵۶}؛ «پس اگر نمی دانید، از پژوهندگان کتاب های آسمانی جو یا شوید.»^{۶۵۷}

^{۶۵۵} - بقره (۲)، آیه ۴۳

^{۶۵۶} - نحل (۱۶)، آیه ۴۳

^{۶۵۷} - سعید شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اکبر، پاییز ۱۳۸۷ش، سوم، ص ۳۱۰

۱۵۲- وسواسی شدید هستم به طوری که یک ۲ رکعتی را ۱۰ بار می خوانم و یا کلمات نماز را

چندین بار تکرار می کنم، در این زمینه باید چه کار کرد؟

در پاسخ به بخش اول سوال باید بگوئیم که: وسواس از قدیمی ترین اختلالات شناخته شده روانی است که بین مردم از شیوع نسبتا بالایی برخوردار است. این بیماری به لحاظ عوامل آن بسیار پیچیده و متنوع است و درمان آن ممکن است، ولی نیز دشوار می نماید، مگر اینکه شخص مبتلا واقعا بنخواهد علاج شود و به روش درمانی آن پاسخ صحیح دهد.

این بیماری از آن جهت که هم به عنوان یک بیماری روان تنی شناخته شده است و هم زمینه ساز بسیاری از انحراف های دینی در انسان است، دارای روشهای درمانی متعدد است؛ مانند درمان دارویی، مشاوره و درمان روانی و توصیه های دینی.

برای مبارزه با این بیماری برخی از روشهای کلی وجود دارد که در این قسمت به آنها اشاره می نمایم. مهمترین و مؤثرترین راه درمان وسواس، بی توجهی به پیام های آن و عدم پاسخ دهی عملی به آن است. این بیماری در صورتی ادامه می یابد و تشدید می شود که به ندهای درونی آن که مبتنی بر تکرار عمل، یا دقت بی مورد و یا قضاوت غیر منطقی و افراطی نسبت به امور است، پاسخ دهی عملی شود. برای مقابله با این حالت بهترین راه بی اعتنایی به این پیامها و ترتیب اثر ندادن به آنها است. اگر مدتی این روش عملی شود، به طور قطع از شدت ابتلا به آن کاسته خواهد شد.

یکی دیگر از روش ها تقابل به ضد می باشد، مثلا برای کسانی که از آلودگی و نجاست هراس دارند و این هراس منشا اضطراب و وسواس در آنها شده است، آلوده سازی عمدی شخص توسط خود او یا دیگران، از راههای درمان و رفع حساسیت به این امر است. اگر این روش با تکرار تحمل شود به طور قطع موثر خواهد بود.

البته بیماری وسواس چون دارای ریشه های هورمونی است و با فعالیت های هورمونی بدن نیز در ارتباط است، پزشکان با تجویز داروهایی سعی می نمایند فعالیت های هورمونی بدن را متعادل سازند و از این طریق کمک می کنند تا فرد بتواند راحت تر با این مشکل طرف شود و آن را از خویش براند.

در برخی روایات از وسواس به عنوان وسوسه ای از سوی شیطان یاد شده است. به عنوان مثال نزد امام صادق (ع) شخصی را به عقل و درایت نام بردند و گفتند او وسواس دارد، حضرت فرمود: چگونه عاقل است که شیطان را اطاعت می کند؟

از همین رو به خدا توکل نموده و به خودتان تلقین کنید که «وسواس» یک نوع کار شیطانی است و باید هر چه زودتر دست از آن بردارم.

در پایان برای رفع این مشکل توصیه می کنیم که

اولاً: مسائل شرعی را طبق رساله مرجع تقلید خود به نحو صحیح فراگرفته و دقیقاً بر اساس آنچه ذکر گردیده عمل نمائید.

ثانیاً: کتابهایی که در این زمینه به نگارش در آمده را مطالعه مانند «شناخت و درمان وسوسه و وسواس» نوشته محمود ارگانی بهبهانی از انتشارات مجمع ذخایر اسلامی. «وسواس و درمان آن» نوشته آیه الله مظاهری.

ثالثاً: پیامدهای منفی این بیماری را با خود یادآوری نمائید؛ مانند از بین رفتن تمرکز فکری و اختلال در امور زندگی و بازماندن از انجام تکالیف شرعی

خوب است بدانید خوشبختانه از سوی معصومین علیهم السلام در این زمینه دستورالعمل هایی ذکر گردیده که به دو نمونه از آنها اشاره می نمائیم:

مردی خدمت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رسید و عرض کرد یا رسول الله به شما از بلای وسوسه که در نماز بدان گرفتار گشته ام شکایت می کنم تا آنجاست که بیشتر اوقات نمی فهمم چند رکعت خوانده ام، زیاد خوانده ام یا کم. حضرت فرمود: هر گاه خواستی وارد نماز شوی انگشت سبابه دست راست خود را بر ران چپ خود بگذار و فشار ده و بگو: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (از خداوند و از نام او یاری میجویم، و بخداوند توکل میکنم و پناه میبرم به خدائی که شنوا و دانا است از شر شیطان رانده شده درگاه الهی) پس (چون این کلمات را بگوئی) شیطان را میکشی و زجرش میکنی و از خود میرانی.^{۶۵۸}

در روایت دیگری پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) برای در امان ماندن از وسواس به حضرت علی علیه السلام خواندن آیه ۴۵ و ۴۶ سوره اسرا را توصیه فرمودند: «إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا وَ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَكَلِمَةً عَلَى آذَانِهِمْ نَقُورًا»^{۶۵۹}

^{۶۵۸} - الکافی، ج ۳، ص ۳۵۸؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۸؛ بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۲۳۸

^{۶۵۹} - اسراء (۱۷)، آیه ۴۶ و ۴۵

افکار مزاحم در نماز

۱۵۳- در ذهن من یک جمله دائماً تکرار می شود که امان از من بریده و زندگی رو برای من جهنم

کرده، هر وقت می خوام نماز بخونم یا به یاد خدا باشم، چیزی در ذهنم می گوید خدایی وجود ندارد، نمی دونم شیطان منو عذاب می ده یا دچار یه مشکل دیگه هستم؟ لطفا راهنمایی ام کنید.

یکی از الگوهای عمده وسواس؛ افکار وسواسی می باشد این افکار که به طور تکراری و ناخواسته به سراغ فرد آمده و ذهن او را به خود مشغول می کند محتوای این افکار معمولاً عمل جنسی یا پرخاشگری یا آسیب رساندن است و از نظر بیمار غیرقابل تحمل و شرم آور است.

وسواس فکری می تواند مشکلات متعدد و مسایل آزار دهنده بسیاری را برای شخص مبتلا و اطرافیانش به همراه داشته باشد. در این حالت شخص مبتلا ممکن است تصاویری ذهنی به شکل صحنه های وحشتناک و ناراحت کننده بسیاری داشته باشد که هر چه بیماری سعی در مقاومت در مقابل آنها دارد، نمی تواند از آنها خلاص شود این وسوسه فکری از موضوعات بسیار کلی؛ مانند سوال ذهنی درباره اینکه: چه کسی خدا را آفریده؟ هدف از زندگی چیست؟ گرفته تا افکار گناه آلوده جنسی و ترسهای مرضی و... متفاوت است و تقریباً همه این افکار بیمار را در وضعیت وحشتناکی قرار می دهند.

چنانچه تکرار این افکار به حد افراط رسیده و همیشگی است و بدون اختیار و ناخود آگاه در ذهن کسی رخ میدهد و مدت مدیدی نیز گرفتار آن می باشد، چنین فردی متأسفانه دچار نوعی وسواس فکری خاصی گردیده که البته قابل درمان نیز هست. اما اگر این افکار و توهمات به این حد نرسیده و گاه گاهی اتفاق می افتد باید گفت چنین فردی گرفتار وسواس فکری نیست هر چند باید با مبارزه و تلاش به پیشگیری از آن بپردازید.

جهت مقابله با چنین افکار مزاحم می توان از دستورالعملهای زیر بهره گرفت:

ا- اولین قدم برای شناخت وسواس و درمان آن داشتن آرامش است. اساساً عامل اصلی وسواس اضطراب است. بنابراین سعی کنید در همه حالات زندگی خصوصاً در مواقع ظهور این تصویر آرامش خود را حفظ نمایید

ب- برای مقابله با وسواس فکری، باید نسبت به آن بی اعتنا بود. اگر بتوان به افکاری که به ذهن خطور می کند بی اعتنا بود و به آنها اهمیت نداد، به تدریج انسان از شر آنها رهایی خواهد یافت.

ت- منحرف ساختن فکر به سوی محاسبات ذهنی یکی از مفیدترین راه حلها است
لذا از آنجا که معمولاً این افکار در زمانهای خاصی به سراغ افراد می آید، باید سعی کرد با یک برنامه ریزی دقیق و حساب شده ذهن خود را به موضوعات مهم و جذاب دیگر مشغول ساخت و هیچ گاه بیکار نبود.

ث- فرمان ایست: در منابع علمی جدید، برای متوقف کردن افکار وسواسی، علاوه بر درمانهای دارویی و قبل از آن درمانها، از روشهای خاصی استفاده می شود که مهمترین آنها روش توقیف فکر نام دارد، بدین ترتیب که از بیمار خواسته می شود که به طور عمد افکار وسواسی خود را آزاد بگذارد و در این بین ناگهان درمانگر با صدای بلند و بیزار کننده، فریاد می زند: ایست!؟! به نظر می رسد این عمل جریان فکر وسواسی را متوقف می کند. بنابراین هرگاه این افکار به سراغتان آمد و متوجه شدید، وسط افکار به خود بگویید: «بس است دیگر» و بدین وسیله رشته افکار مزاحم را قطع کرده و به سراغ مطلبی دیگر خواهید رفت.

ج- کنترل حواس: گرچه ذهن انسان این توانایی را دارد که حتی بدون استفاده از حواس ظاهری افکاری را تولید کند ولی عمده آن چیزهایی که انسان در مورد آن فکر می کند اعم از چیزهای خوب یا بد. داده های حواس ظاهری او است لذا باید مجاری ورودی ذهن را که همان حواس ظاهری است کنترل کرد؛ یعنی چشم، گوش، زبان و لامسه و... بنابراین یکی از مهمترین راه های کنترل فکر، کنترل حواس ظاهری است.^{۶۶۰}

در احادیث معصومین علیهم السلام نیز راه حل هایی برای رهایی از وسوسه های فکری مطرح گردیده که در اینجا برخی از آنها را ذکر می نمایم:

در حدیثی راوی می گوید: از امام (ع) پرسیدم: اگر وسوسه های فراوانی در درونم باشد چه کنم؟ حضرت فرمود: مشکلی نیست، هنگام هجوم وسوسه بگو: لا اله الا الله.^{۶۶۱}

- در روایت دیگر آمده است: سه روز از هر ماه را روزه گرفتن، معادل روزه همه عمر است و وسوسه ها را از دل می زداید.^{۶۶۲}

- حضرت صادق (ع) فرمود: حضرت آدم (ع) از حدیث و وسوسه نفس و غم و غصه به خداوند شکایت کرد، جبرئیل (ع) نازل شد و به ایشان فرمود: ای آدم! چنین بگو: «لا حول و لا قوة الا بالله»، آدم (ع) این ذکر را گفت و وسوسه و اندوه از او برطرف گردید.^{۶۶۳}

در خصال شیخ صدوق (ره) از امیرمؤمنان (ع) چنین نقل می کند: وقتی شیطان در شما وسوسه ای ایجاد کرد به خداوند پناه برده و بگویید: «آمنت بالله و برسوله مخلصا له الدین»^{۶۶۴}؛ «به خداوند و پیامبرش ایمان آوردم در حالی که در دینم اخلاص دارم».

^{۶۶۰} - برای مطالعه بیشتر رک «شناخت و درمان وسوسه و وسواس» نوشته محمود ارگانی بهبهانی از انتشارات مجمع ذخایر اسلامی؛ «درمان رفتاری وسواس» نوشته گیل اس استکتی، ترجمه عباس بخشی پور رودسری و مجید محمود علیلو از انتشارات نشر روان پویا (سال ۱۳۷۶)؛ «وسواس و درمان آن» نوشته آیه الله مظاهری.

^{۶۶۱} - بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۱۲۷

^{۶۶۲} - شیخ حسن فرزند شیخ طبرسی، مکارم الأخلاق، قم، شریف رضی، ۱۳۷۰ ش، چهارم، ص ۱۳۸

^{۶۶۳} - وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۲۱۷

^{۶۶۴} - الخصال، ج ۲، ص ۲۲۴

بد نیست در پایان به این تأکید شود که این گونه افکار یک بیماری تلقی می شود، بنابراین شخصی که وسواس فکری دارد نباید سعی کند که افکار وسوسه گونه را با فشار آوردن به ذهنش فراموش کند چرا که خود این کار به مرور زمان، باعث تضعیف اعصاب و تقویت این افکار می شود، بلکه این افکار را همچون آب رودخانه ای باید دید که می آید و می رود.

دلچسب نبودن نماز

۱۵۴- بعضی وقت ها که نماز می خوانم به قول معروف دلچسب نیست، آیا می توان یک نماز را به

خاطر دلچسب نبودن دوباره خواند؟

آنچه که ما وظیفه داریم آن است که همه اعمال عبادی از جمله نماز را به خاطر خدا انجام دهیم نه بخاطر دل و هوای نفس و معمولاً این شیطان است که وسوسه می کند و می گوید: «این نماز دلچسب نشد» لذا باید با او مخالفت نمود و الا مرتبه بعد نیز نمی گذارد حواس انسان جمع شود و باز ممکن است نوبت به مرحله سوم برسد و به این ترتیب به وسواس که بزرگترین دام شیطان است مبتلا شده که نجات از آن خیلی مشکل است.

بنابراین اگر نمازی که خوانده اید از نظر ظاهر مطابق آنچه در رساله مراجع تقلید آمده بوده و هیچ شرط و یا جزیی را ترک و یا خراب نکرده اید تکرار لازم نیست و طبق آنچه که ائمه علیهم السلام فرموده اند برای جبران عدم حضور قلب در نماز نیز می توانید به جای تکرار خود نماز به خواندن نافله های هر یک از نمازهای پنج گانه - که کیفیت آن در رساله های مراجع ذکر گردیده - اقدام نمائید.

طلا در نماز

۱۵۵- دلیل اینکه مردان هنگام نماز نباید طلا به همراه داشته باشند چیست؟

استفاده از طلا برای مردان بطور مطلق چه در نماز و چه در غیر نماز حرام است و در صورت استفاده نمودن طلا در نماز موجب بطلان آن می شود که در این حکم فلسفه حکمت های متعددی نهفته است از جمله اینکه:

- وجود ویژگی های جسمی و روانی مردان

ویژگی های جسمی و روانی مرد که تفاوت هایی با زن دارد و این تفاوت ها به طور طبیعی رسالت های گوناگونی را به عهده این دو جنس قرار می دهد. اسلام باتوجه به تفاوت های طبیعی هر یک - که در جای خود حکمت های ارزشمندی دارد - احکام و مقررات ویژه ای را وضع کرده است و از مرد انتظار دارد که عنصری متفکر و فعال باشد و از تجملات زیاد مانند تزیین به طلا پرهیز نماید. در مقابل برای زن که

طبیعی احساسی و عاطفی تر دارد برخی از زینت ها را که هم با روحیه او سازگارتر است و هم به زندگی با مرد شیرینی بیشتری می بخشد اجازه داده است.

لذا امام صادق(ع) می فرماید: «... و جعل الله الذهب فی الدنيا زینه النساء فحرم علی الرجال لبسه والصلوه فیه»^{۶۶۵}؛ «خداوند چون طلا را در دنیا زینت زنان قرار داده است، پوشیدن آن برای مردان و نماز خواندن با آن حرام شده است»

- بروز مشکلات خونی

تحقیقات جدید نشان می دهد گلبول های سفید در خون مرد بیش از زن است. از طرف دیگر طلا در افزایش این گلبول ها مؤثر است. از این رو وجود آن برای زن مفید است ولی برای مردان چندان مناسب نیست و ممکن است موجب برهم زدن تعادل گلبول های سرخ و سفید گردد.^{۶۶۶}

- بروز مشکلات ناباروری

تحقیقات جدید نشان می دهد گلبول های سفید در خون مرد بیش از زن است. از طرف دیگر طلا در افزایش این گلبول ها مؤثر است. از این رو وجود آن برای زن مفید است (مخصوصا اینکه زنان در ایام خاصی مقداری خون بدن خود را از دست می دهند) ولی برای مردان چندان مناسب نیست و ممکن است موجب برهم زدن تعادل گلبول های سرخ و سفید گردد.

تحقیقات انجام شده در سال ۱۹۷۰ در خصوص اندازه گیری طلا در سرم خون، مایع منی و شیر انسان و همچنین تراکم طلا در بافت های مختلف نشان می دهد که بیشترین مقدار آن در دستگاه تناسلی از جمله تخمدان ها و رحم و در مردان در بیضه ها و اپیدیدیم تجمع می یابد و در مردان جوان از طریق مایع منی و در افراد مسن از طریق ادرار دفع می گردد.

محدوده ی ۷۵-۱۰۵ نانو گرم طلا در یک میلی لیتر مایع منی، مانعی برای تحرک اسپرم ها ایجاد نمی کند ولی با بیشتر از این حد میزان تحرک اسپرم به طور محسوسی کاهش می یابد.

آندرو (Andrew) و همکارانش در سال ۱۹۹۰ نشان دادند که بالا بودن طلای موجود در بدن افراد زرگر باعث ایجاد اختلالات هورمونی می شود و هورمون های پرولاکتین و F.S.H بیش از همه تحت تاثیر قرار می گیرند.

در نتیجه می توان یکی از علل عمده ی تحریم استعمال طلا برای مرد را، نقش این فلز در کاهش تحرک سلول های جنسی نر (اسپرم) و اختلالات هورمونی در ظهور صفات ثانویه ی زنانه دانست.^{۶۶۷}

- جلوگیری از رواج تجمل گرایی

^{۶۶۵} - وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۴۱۴

^{۶۶۶} - تجلی حکمت در فلسفه پزشکی احکام . تالیف محمد عزیز حسامی، ص ۲۹

^{۶۶۷} - همان

احتمال دارد علت حرمت آن جلوگیری از فرو افتادن مردها در دام زینت‌های گران‌بها و تجمل‌گرایی و دوری از رسیدن به کمال باشد.

– منافات آن با فلسفه نماز

همانگونه که در روایات تصریح شده یکی از فلسفه‌های نماز از بین بردن تکبر در وجود انسان می‌باشد^{۶۶۸} اما یکی از آثار منفی استفاده از طلا برای مردان پرورش روحیه تکبر و غرور می‌باشد و این با آنچه اسلام در نماز قرار داده منافات دارد.

غصب نمازگزار

۱۵۶- چرا در لباس نمازگزار اگر یک دکمه یا نخ از راه حرام به دست آمده باشد و به قول معروف

غصبی باشد نمازش باطل است؟

دلیل اینکه نمازخواندن در لباس و یا مکان غصبی موجب بطلان نماز می‌شود - حتی اگر دکمه‌ای از لباس غصبی باشد - آیات و روایاتی است که در این زمینه وجود دارد.

در قرآن مجید آمده است: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»^{۶۶۹}؛ «خدا، تنها از پرهیزگاران می‌پذیرد!» در وصایای علی (ع) به کمیل آمده: «يَا كَمَيْلُ أَنْظِرْ فِي مَا تُصَلِّيَ وَعَلَىٰ مَا تُصَلِّيَ إِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ وَجْهِهِ وَجِلِّهِ فَلَا قَبُولَ»^{۶۷۰}؛ «ای کمیل نگاه کن که در چه چیزی و بر روی چه مکانی نماز می‌خوانی که اگر آنها از راه حلال نباشد قبول در کار نیست»، بنابراین حتی یک دکمه غصبی هم می‌تواند مبطل نماز باشد.

^{۶۶۸} - حضرت فاطمه (س) نیز می‌فرماید «جعل الله الصلاة تنزيها لكم من الكبر»؛ «خداوند نماز را مقرر داشت تا دامن انسان را از کبر و منیت پاک

گرداند». (محدث اربلی، كشف الغمّة في معرفة الأئمّة، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق، اول، ج ۱، ص ۴۸۳)

^{۶۶۹} - مائده (۵)، آیه ۲۷

^{۶۷۰} - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۱۹

عادت به نماز

۱۵۷- من قبل از ورود به دانشگاه نمازهایم را می خواندم ولی نه اول وقت ولی بعد از ورود به دانشگاه بیشتر نمازهایم را به جماعت می خوانم و دو سالی است که وقتی موقع نماز می شود در هر جا و هر حالی که باشم (منزل-خیابان-تماشای فوتبال) یک دغدغه ای دارم و به سمت نماز خوندن چه با جماعت یا فرادا حرکت می کنم، از کجا بفهمم که این حرکت به سوی نماز از روی عادت نیست و از آن نوع خداپسندش است؟

نخست باید دانست؛ هر نوع عادتی زشت و ناپسند نمی باشد و حتی عادت کردن به بسیاری از امور می تواند برای انسان مفید باشد مثل زمانیکه انسان به ورزش کردن عادت کرده باشد که این عادت برای سلامتی وی بسیار مفید است.

اما در خصوص عادت کردن نسبت به اعمال عبادی همچون نماز باید گفت که عادت کردن نسبت به عبادات دو گونه است. برخی عادت ها ریشه در آگاهی و آزادی انسان ندارد و صرفاً یک عادت کور است، چنین عادتی البته ارزش اخلاقی ندارد و انسان ساز نیست، اما عادت هایی که پشتوانه اختیاری دارد، یعنی ناشی از آگاهی و آزادی انسان است مانند عادت به نماز اول وقت و سایر اعمال و عباداتی که ناشی از آگاهی عمیق انسانی و دینی است، باعث پایین آمدن ارزش عمل نمی شود و با عادت از نوع اول فرق دارد. در روایتی از امام صادق علیه السلام در همین زمینه نقل گردیده که: «لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ قَدْ اِعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ وَ لَكِنْ اَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ اَدَاءِ اَمَانَتِهِ»^{۶۷۱}؛ به طول رکوع و سجود شخص ننگرید (فریفته نگردید) زیرا ممکن است به آن عادت کرده باشد و اگر ترک کند وحشتش گیرد؛ و لیکن به راستی گفتار و ادای امانتش بنگرید»

در این حدیث دو نشانه برای نماز از روی عادت می توان یافت.

نشانه اول آن است که کسیکه اعمال عبادیش از روی عادت است اگر به هر دلیلی آن را با کیفیت گذشته به جای نیاورد این امر موجب نگرانی او می شود.

نشانه دوم آن است که نماز چنین فردی همراه با ارزش های دینی دیگر صداقت در گفتار و اداء امانت همراه نیست.

البته نماز دارای مراتب فراوان و درجات بسیاری است و هر درجه آن دارای ارزش است و حتی اگر این اهمیت دادن به نماز از روی عادت هم باشد باز ارزنده است زیرا آثار و برکات نماز و به خصوص نماز اول وقت به اندازه ای زیاد و فراوان است که حتی انجام آن از روی عادت نیز خدا پسند و موجب خشنودی

^{۶۷۱} - بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۸

خداوند است، البته انسان باید بکوشد تا با بالا بردن آگاهی خود درباره فلسفه نماز اول وقت و عبادت و مانند آن، هر چه بیشتر اعمال خود را اختیاری و آگاهانه تر نماید.

نماز و برهم خوردن نظم زندگی

۱۵۸- انجام برخی دستورات دینی نظم زندگی و نظم فیزیولوژیک ما را به هم می زند مثلاً شب

زنده داری باعث می شود که در طی روز به علت کم خوابی با سردرد یا عدم تمرکز مواجه

باشیم یا مثلاً رفتن به نماز جماعت باعث گرفته شدن وقت و بازماندن از کارهای مهم علمی و

شغلی می شود، چاره چیست؟

عنوان مقدمه باید عرض کنیم:

خداوند متعال تمام آفرینش را براساس نظم استوار نموده است و در دستگاه خلقت، هر پدیده ای جای خاصی دارد و مأموریت و کار ویژه ای به عهده دارد. کرات آسمانی در مدار معینی حرکت می کنند، فصول سال و گذشت شب و روز نظم خاصی دارد و خلقت اشیا از اندازه، حد و میزان خاصی برخوردار است. خدای تعالی می فرماید: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر، آیه ۴۹) ما هر چیزی را به اندازه (و روی حساب) آفریدیم.

درقرآن کریم نیز بخش عظیمی از دستورات و سفارشات در راستای تنظیم اندیشه و اعمال انسان است. امیرمؤمنان - علیه السلام - می فرماید: «أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ»^{۶۷۲}؛ آگاه باشید که آگاهی از آینده، خبر از گذشته، داروی درد (نادانی و گمراهی) و نظم و ترتیب زندگی روزمره شما در قرآن (آمده) است.

علاوه بر قرآن در روایات اسلامی نیز نظم و انضباط مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان نمونه، امیرمؤمنان - علیه السلام - که بارها نتایج زیانبار بی نظمی و تشتت را در فکر و عمل مسلمانان دیده بود، در بستر شهادت و در آخرین پیامش، فرزندان خود و مسلمانان را به تقوای الهی و نظم در کارها فراخوانده، می فرماید: «أَوْصِيكُمْمَا وَ جَمِيعَ وَاٰلِهِ وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ»^{۶۷۳}؛ «شما را (ای حسن و حسین) و همه خانواده و فرزندانم و هر کس را که نوشته من به او می رسد، به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می کنم.»

با توجه به مقدمه ای که خدمت شما ارائه شد باید بگوئیم که:

^{۶۷۲} - نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸، ص ۲۲۳

^{۶۷۳} - سید رضی، نهج البلاغه، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق، اول، نامه ۴۷، ص ۴۲۱

اولاً: امکان ندارد خداوندی که بنیان هستی و مخلوقاتش را بر اساس نظم قرار داده و از طرفی قرآن و فرستادگانش همگی انسان‌ها را دعوت به نظم و انضباط می‌نمایند؛ دستوراتی برای بندگانش بدهد و از آنها کارهایی بخواهد که خلاف نظم زندگی و نظم فیزیولوژیک انسان‌ها باشد.

ثانیاً: بر خلاف آنچه شما مطرح نموده اید آنچه‌ای که نظم زندگی و نظم فیزیولوژیک انسان‌ها به هم می‌زند همان روز مرگی است که به خاطر مشاغل کاری و فکری بسیاری از مردم دنیا دچار آن شده‌اند به گونه‌ای که شرایط زندگی ناخواسته آنها را به دنبال خود می‌کشاند تا جایی که به خاطر همین کارهای به ظاهر علمی و کاری مهم انسان شب و روز خود را گم کرده و دچار افسردگی و دیگر امراض مختلف روحی و جسمی می‌گردد. اما در پرتو عملی شدن دستورات دینی است که انسان می‌تواند از لجام گسیختگی فعالیت‌های روزمره زندگی جلوگیری نموده و یک نظم دائمی برای ساختار جسمی و روحی خود فراهم نماید.

به عنوان نمونه اوقات پنج‌گانه نماز در طول روز، زندگی بشر را به نوعی بخش‌بخش و در عین حال طبقه‌بندی می‌کند. مسلمانان در صدر اسلام، به کمک اوقات شرعی، روز خود را تقسیم‌بندی و برنامه‌ریزی می‌کردند. شاید آن وقت مسلمانان ارزش این برنامه‌ریزی و اوقات را نمی‌دانستند، اما امروزه همه می‌دانند که این طبقه‌بندی اوقات چقدر می‌تواند در صرفه‌جویی وقت کمک کند.

آداب و احکام ظریف نماز موجب می‌شود، ناخودآگاه در طولانی‌مدت پذیرش انضباط و برنامه‌ریزی را در زندگی آسان و روح نظم را در انسان تقویت شود.

شهید مطهری (ره) می‌گوید: «عبادت که می‌خواهی بکنی یک وقت مشخصی دارد و دقیقه‌اش هم حساب می‌شود... انضباط و وقت را باید بشناسی و جز در وقت خودش در وقت دیگر نباید نماز بخوانی.»

لذا می‌بینیم کسانی مانند امام خمینی (قدس سره) که در این مکتب رشد پیدا کرده‌اند از منظم‌ترین افراد جامعه بوده و با مطابقت دادن خود با همین نظم الهی توانسته‌اند به تمامی کارهای مهم تحصیلی و شغلی خود رسیدگی نموده و به بالاترین درجات علمی و شغلی نیز نائل گردند.

آری! نماز، یک برنامه‌ی منظمی است که روح انضباط را در انسان، تقویت می‌کند، و اوقات آن بر اساس حرکت منظم خورشید، و سفیده‌ی سحر قرار گرفته و شرائط و اجزاء آن همچون مهره‌های تسبیح است که نماز و ارتباط با خدا، نخ آن مهره‌ها است، به این ترتیب روح سست و سهل‌انگار و یا سرکش انسان از کلاس نماز، تعدیل و تنظیم می‌شود و از کندروی و تندروی، محفوظ می‌ماند.^{۶۷۴}

ثالثاً: اگر خداوند متعال نسبت به مسأله دستوری داده‌اند شرایط بهتر عملی شدن آن را نیز بیان کرده‌اند که مجموعه رعایت آن شرایط است که می‌تواند به بهترین وجه نظم فیزیولوژی بدن را حفظ نماید به عنوان نمونه برای اینکه فردی بتواند نماز شب را به نحو مطلوب بجا بیاورد و در طی روز با مشکلی مواجه نشود

^{۶۷۴} - درس نظم و انضباط از مکتب نماز، نویسنده محمد محمدی اشتهاردی

اول توصیه شده که در ابتدای شب انسان به رختخواب برود و در مرحله بعد نیز توصیه شده که انسان در طی روز و مشخصاً قبل از ظهر استراحت نماید که با پیاده نمودن چنین نظمی حتی افراد دچار میگرن هم با خواندن نماز شب دچار مشکل نمی شوند.^{۶۷۵}

بنابر این بهترین راه چاره این است که به آنچه خداوند متعال به عنوان آگاه ترین موجودات به ساختار جسمی و روحی انسان و همچنین بهترین برنامه ریز برای حفظ نظم و سلامت است عمل نمائیم تا در پرتو آن هم به موفقیت های مادی و هم معنوی نائل گردیم.

تنبیه کودکان برای نماز

۱۵۹- این حدیث درسته که اگه بچه تا ۱۰ سالگی نماز نخوند باید با کتک وادارش کرد؟

در حدیثی راجع به تمرین و عادت دادن فرزندان به نماز از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شده است که: «مُرُوهُمْ بِالصَّلَاةِ وَ هُمْ أَبْنَاءُ سَبْعٍ وَ اضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَ هُمْ أَبْنَاءُ عَشْرٍ»^{۶۷۶}؛ «یعنی آنها را در هفت سالگی به نماز امر کنید و در ده سالگی بزنید.»

راجع به این روایت نکاتی وجود دارد که عدم توجه به این نکات موجب برداشت غلط از روایت می شود اول: در سیره عملی هیچ یک از معصومین علیهم السلام و توصیه های تربیتی آنها، زدن کودکان دیده نشده و حتی از این اقدام نهی نموده اند، به عنوان نمونه مردی حضور امام کاظم علیه السلام از فرزند خود شکایت کرد. حضرت فرمود: «لَا تَضْرِبُهُ وَ اهْجُرْهُ وَ لَا تُطَلِّ»^{۶۷۷}؛ «فرزندت را نزن، و برای ادب کردنش، از او قهر کن، ولی مواظب باش، قهرت طول نکشد (و هر چه زودتر آشتی کن.)» در این حدیث امام (ع) کیفر بدنی یعنی زدن طفل را صریحاً منع فرموده و در عوض از مجازات عاطفی استفاده کرده است.

دوم: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در روایات دیگر تنبیه بدنی را مورد مذمت قرار داده و این عمل را موجب پرداخت قصاص دانسته است و برای تنبیه مجازات های عاطفی را جایگزین نموده اند.

آن حضرت در مذمت کسانی که همسران خود را کتک می زنند فرموده است: «إِنِّي أَتَعَجَّبُ مِمَّنْ يَضْرِبُ امْرَأَتَهُ وَ هُوَ بِالضَّرْبِ أَوْلَى مِنْهَا لَا تَضْرِبُوا نِسَاءَكُمْ بِالْخَشَبِ فَإِنَّ فِيهِ الْقِصَاصَ وَ لَكِنْ اضْرِبُوهُنَّ بِالْجُوعِ وَ الْعُرْيِ - حَتَّى تَرْبِحُوا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»^{۶۷۸}؛ «من تعجب می کنم از کسانی که زنان خود را کتک می زنند و چنین کسانی به کتک خوردن اولیت دارند تا زنان. (سپس فرمود:) زنان خود را با چوب نزنید که در آن قصاص است (بلکه اگر می خواهید تربیت و تنبیه کنید می توانید) به گرسنگی و برهنگی ایشان را بزنید تا آنکه فایده دنیوی و اخروی نصیب تان شود.»

^{۶۷۵} - برای اطلاع بیشتر به کتاب «اسرار پزشکی نماز شب» تألیف «محمود غفاری» مراجعه نمائید

^{۶۷۶} - بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۳۳

^{۶۷۷} - بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۹

^{۶۷۸} - جامع الأخبار، ص ۱۵۸

همانگونه که در این روایت آمده، پیامبر خدا (صل الله علیه و آله) خودشان نیز دیگران را از تنبیه بدنی نهی نموده و مراد از «زدن» را در تنبیه بدنی نمی دانستند، بلکه «زدن» را در قالب مجازات عاطفی تفسیر می کردند.

سوم - در احادیث وظیفه آموزش گام به گام نماز توسط والدین از سن سه سالگی با آموزش کلمه توحید یعنی «لا اله الا الله» شروع شده و تا سن ده سالگی با آموزش کامل وضو، نماز و بازخواست آن ادامه می یابد.^{۶۷۹}

لذا اگر مراد این روایت تنبیه بدنی هم باشد، برای کسانی است که در تربیت اولاد خود انواع تدبیرهای لازم را به کار گرفته اند و در این مسیر بر اساس دستورات دینی آهسته آهسته و به تدریج جلو رفته اند. نه تندی اعمال کرده اند و نه کندی و مسامحه نموده اند اما با این حال همچنان فرزندشان از خواندن نماز سرباز می زند در این صورت مسئله کتک زدن و تادیب مناسب، آن هم نه شدید، به حکم «أَخِرُ الدَّوَاءِ الْكَيِّ»^{۶۸۰}؛ آخرین درمان داغ کردن است» لازم می شود. نه اینکه برخی والدین بدون اینکه کمترین قدمی در راستای آموزش دینی فرزندشان برداشته باشند با شنیدن این روایت و بدون در نظر گرفتن توضیح و تفسیرهای جانبی آن به یکباره به جان فرزند خود افتاده و انتقام تمامی سهل انگاری های خود نسبت به تربیت فرزند را از کودک خود بگیرند و در نتیجه فرزند خود را نسبت به دین و نماز بیزار نمایند.

چهارم - هدف از توصیه های اسلام تربیت دینی صحیح فرزندان می باشد لذا اگر عملی کردن چنین توصیه ای، حتی با در نظر گرفتن تمامی جوانب گفته شده آن، اثر سوء داشته باشد و فرزند را به لجاجت و مقاومت وادار نماید، نباید به آن متوسل شد.

عوامل بی نشاطی در نماز

۱۶۰- من یک دانشجوی مذهبی هستم که جدیداً دچار بی حالی در نماز شدم و کلاً برای فعالیتهای

مذهبی اون حالی که قبلاً داشتم را ندارم احساس خستگی می کنم و از این موضوع خیلی

ناراحتم و احساس دوری از خدا و روح را آزار می دهد، لطفاً کمک کنید که بفهمم که چرا

چنین اتفاقی برای من افتاده؟

بطور کلی عوامل رکود معنویت از جمله بی حالی و از دست دادن نشاط در نماز به دو دسته تقسیم بندی می شود:

اول: عوامل زود گذر و غیر پایدار

^{۶۷۹} - به فصل تشویق به نماز مراجعه نمایید.

^{۶۸۰} - این جمله ضرب المثل معروف عرب به عنوان آخرین راه درمان مریضی ها می باشد؛ بحار الأنوار، ج ۳۱ ص ۵۰۵

گاهی اوقات کاهش معنویت در انسان معلول عواملی زود گذر می باشد که با کمی توجه و پس از برطرف شدن آن عوامل انسان به سرعت به مسیر اصلی خود باز گشته و چه بسا با اشتیاق بیشتر به مسائل معنوی می پردازد که در اینجا به سه نمونه از این عوامل اشاره می نمائیم

الف - حوادث و اتفاقات زندگی

برخی اوقات از دست دادن حالات معنوی نتیجه برخی اتفاقات و حوادث زندگی می باشد از نگاه روان شناختی انسان از نظر خلقی و عاطفی معمولاً یک حالت یکنواخت ندارد. همه انسانها کم و بیش دورههایی از غمگینی و افسردگی را تجربه می کنند و این امر طبیعی است. و علت آن هم گاهی معلوم و شناخته شده است؛ مثل از دست دادن عزیزی، شکست در بعضی از امورات زندگی و یا برآورده نشدن خواسته و آرزویی، و یا دست نیافتن به محبوب و مطلوب خود (مثل دخترانی که در مسیر ازدواج با مشکل مواجه می شوند). و یا حتی انتظار عنایت و لطف و توجه خاصی از طرف خدا داشته باشند اما حاصل نشده باشد و همچنین زندگی کردن در غربت و دوری از خانواده و صدها عامل دیگر که هر یک از آنها می تواند در حالات معنوی انسان تاثیر گذار باشد و موجب کاهش حالات معنوی در انسان گردد.

ب - تحمیل عبادات مستحبی به خود به هنگام عدم آمادگی روحی

انسان برای انجام اعمال مستحبی (همچون نماز شب و خواندن ادعیه، حضور در مراسمهای معنوی) همواره از لحاظ روحی دارای آمادگی نمی باشد بلکه گاهی اوقات در حال نشاط و آمادگی معنوی و گاهی اوقات هم آمادگی و نشاط لازم را ندارد.

لذا اگر فردی در حالت ادبار و بی میلی به انجام مستحبات پرداخته و این امور را به خود تحمیل نماید به مرور زمان موجب دل زدگی از امور معنوی و در نهایت منجر به دست دادن حالات معنوی می گردد.

ج - خستگی ناشی از فعالتهای روزانه

انتخاب واحد های درسی متعدد و فعالیتهای جنبی آن موجب خستگی جسمی می شود و این خستگی جسمی بدنبال خود خستگی روحی و بی حالی نسبت به نماز و دیگر عبادات را نیز بدنبال خواهد داشت.

د - پرخوری

حضرت علی علیه السلام: «إِيَّاكُمْ وَ الْبِطْنَةَ فَإِنَّهَا مَفْسَاةٌ لِّلْقَلْبِ مَكْسَلَةٌ عَنِ الصَّلَاةِ وَ مَفْسَدَةٌ لِّلْجَسَدِ»^{۶۸۱}؛ «از پرخوری دوری کنید که موجب قساوت قلب و باعث کسالت از اقامه نماز و سبب تباهی بدن است.»

و - تدبیر الهی

یکی دیگر از عوامل زود گذر که علمای اخلاق در این خصوص ذکر نموده اند این است که، از دست دادن حالات معنوی تدبیری الهی در راستای مصالح بندگان خوب خدا می باشد.

^{۶۸۱} - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۶۰

بدین معنا که برخی اوقات سلب توفیقات و از دست دادن حالات معنوی تدبیر از سوی خداوند جهت بالا بردن ظرفیت بندگان صالح الهی می باشد چراکه اگر همیشه آن لذت معنوی ادامه پیدا کند. ادامه زندگی روزمره اختلال پیدا می کند و انسان ارتباط خودش را با اطرافیان قطع می کند، لذا باید ظرفیت انسان برای تحمل مقامات معنوی بالا رود به طوری که مانند اولیا و معصومان(ع) در حالی که آن مقامات معنوی را دارند در میان مردم نیز زندگی می کنند. و یا به این دلیل است که بنده خود را از عجب محافظت کند، و یا اینکه توفیقی از بنده خوب خدا سلب می شود تا با تأسف شدید او برای از دست رفتن توفیق الهی(همچون تهجد و نماز شب)، اجر بیشتری باو عنایت فرماید.

البته آنچه که از اخبار استفاده می شود این امر خیلی اندک و یکی دو - نوبت بیشتر نخواهد بود.

ب: عوامل پایدار

گاهی اوقات نیز کاهش معنویت معلول عواملیست که در صورت عدم توجه به آنها و با گذشت زمان برطرف نمی شود چراکه در وجود انسان ریشه دوانده و در صورت عدم ریشه یابی و برطرف نمودن آن می تواند انسان را به نابودی بکشاند؛ در اینصورت باید این عوامل را در وجود خود شناسایی نموده و آنها را ریشه کن نمائید. که دو مورد آن به شرح ذیل می باشد.

الف: گناه

این عامل از عواملی است که تاثیر فراوانی در کاهش حالات معنوی انسان دارد؛ لذا انسان نسبت به این مساله باید بسیار حساس بود و اگر دانشجویی دید بی میلی به اعمال عبادی (همچون نماز و ادعیه) در وی طولانی شده، این امر نشانگر بروز مشکلی در زوایای وجودی او می باشد که بوسیله گناه در او ایجاد شده. بعضی از گناهان که معمولاً دامنگیر دانشجویان می باشد از قرار ذیل است.

۱- دیدن صحنه های و تصاویر غیر اخلاقی از طریق اینترنت، ماهواره، تلفن همراه و...

۲- چشم چرانی

۳- برقراری روابط نامشروع با جنس مخالف

۴- جای گیری حب دنیا و زرق و برق آن در دل آدمی.

۵- استفاده از غذاهایی که حلال نیستند.

۶- استفاده از غذاهایی که پاک نیستند.

۷- دروغ گفتن

امام صادق علیه السلام فرموده اند: «مردی دروغ می گوید به اندازه ای که از نماز شب محروم می گردد، و هر

گاه از نماز شب محروم شد از روزی هم محروم می شود.»^{۶۸۲}

۸- استهزاء و تحقیر مؤمنان است.^{۶۸۳}

^{۶۸۲} - ایمان و کفر- ترجمه الإيمان و الکفر بحار الانوار ج ۲، ص ۴۶۸

۹- تکرار گناه به حدی که دل سیاه گردد و شوق عبادت گرفته شود. که با تفحص در نفس خود باید علت را پیدا کرد و مداوا نمود.

۱۰- ایجاد مزاحمت و آزار همکلاسی ها و یا هم خوابگاهی ها

۱۱- خود ارضائی

ب - تکبر و غرور

عامل دیگری که کاهش معنویت و کاهلی در نماز و سایر فرایض عبادی می تواند موثر باشد تکبر و غرور است صفت غرور از پست ترین اوصاف انسانی است که شاید بتوان گفت منشا تمام گناهان و معاصی می گردد.

گاهی اوقات این غرور ناشی از برخی توفیقات الهی در مسیر سیرو سلوک می باشد به این معنا که ممکن است فردی بدلیل عبادات خالصانه به مراتبی از کمالات دست بیابد اما به جای شکر این نعمت به آن مغرور شده و همین امر زمینه از دست دادن توفیقات الهی و سقوط وی را فراهم می نماید.

کسب نشاط در نماز

۱۶۱- اینجانب حدود یک سال پیش هر روز نمازهای یومیه و حتی نماز شبم و دعا را هم ترک نمی

کردم و با بهترین نحو و با شوق و شور حال خاصی این اعمال را به جا می آوردم ولی بعد از

اینکه دانشگاه قبول شدم کم کم از انجام دعاها و نمازهای مستحبی کناره گیری کردم به دلیل

خستگی راه و درس و... حتی به مرز ترک نمازهای واجب هم نزدیک بود برسم که خود را

نگه داشتم ولی بعد از این دیگر نمازهایم کیفیت نمازهای قبل را ندارد و حتی در نماز نمی

توانم حواس و ذهن خود را کنترل کنم و خیلی می خواهم به یک سال پیش برگردم و با همان

شور و اشتیاق نمازهای واجب و مستحبی را انجام دهم، لطفا من را راهنمایی کنید که چگونه

می توانم کیفیت و اشتیاق خود را به معبود خود زیادتر کنم؟

برای اینکه بتوانید نشاط خود را در نماز بدست بیاورید و با همان شور و اشتیاق گذشته نماز بخواندی بهترین کار مراجعه به حالات نفسانی خود و بررسی دقیق آنچه که پس از ورود به دانشگاه برای شما روی داده می باشد تا با یافتن علت اصلی بروز چنین حالتی به برطرف نمودن مشکل پرداخته و به حالت گذشته باز گردید.

شاید بروز چنین حالتی ناشی از خستگی جسمی فعالیت های روزانه باشد لذا برای کاهش خستگی جسمی که ناشی از فعالیتهای روزانه اولاً: واحد های درسی و همچنین کلاس های جنبی را بنا به استعداد و ظرفیت خود انتخاب نمائید.

ثانیا: جهت ارتقاء کیفیت در برنامه ریزی تحصیلی، با مشاورینی که در این زمینه فعالیت می نمایند صحبت کنید.

ممکن است این حالت پس از بروز مشکلی در زندگیتان بوجود آمده باشد که در اینصورت این موضوع را به خود یادآوری نمائید که چه بسا چیزهایی که انسان به آن دست می یابد، ولی سرانجام بلای جان و مایه اندوهش می گردد؛ و چه بسیار اموری که در نظر انسان ناگوار و ناخوشایند است و گاه مورد نفرت او است ولی باطن و سرانجام آن برای او خیر و مبارک است، قرآن کریم بر این حقیقت ریشه دار انگشت گذاشته و می فرماید: «و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئاً و هو شر لکم»^{۶۸۴}؛ «چه بسا چیزی را ناگوار بدانید ولی در واقع مایه خیر شما است و چه بسا به چیزی دل ببندید که در واقع برایتان زیانبار است.»

چه بسا پس از بررسی حالات خود به دریابید که علت بروز چنین امری تحمیل بیش از حد عبادات بوده است که در اینصورت باید

اولاً: از این پس در ایامی که آمادگی و نشاط کافی جهت انجام اعمال عبادی را ندارید خیلی به خود فشار نیاورد (مثلاً خود را ملزم به حضور در مراسم های مذهبی طولانی شرکت نکنید) تا این کار موجب نفرت، خستگی و بی حوصلگی نسبت به انجام اعمال عبادی نگردد. حضرت علی علیه السلام در اینخصوص فرموده اند: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِدْبَارًا - فَإِذَا أُقْبِلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النُّوَافِلِ - وَإِذَا أُدْبِرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ»^{۶۸۵}؛ «یعنی برای دلها گاهی اقبال و رو کردن است (دارای میل و اشتیاق است) و گاهی ادبار و پشت کردن، (در حالت بی میلی و بی حوصلگی)؛ هرگاه اقبال کرد به نوافل و مستحبات بپردازید و هرگاه پشت کرد به واجبات اکتفا کنید.»

ثانیا: در عبادات میانه روی و اعتدال را رعایت نمائید:

در این باره توصیه های فراوانی از معصومین علیهم السلام به ما رسیده است که دو روایت را بدلیل اهمیت آن در اینجا ذکر می نمائیم:

روایت اول: پیامبر اکرم صل الله علیه و آله در توصیه هایی به امیرالمومنین علی علیه السلام فرموده اند: «ای علی این دین استوار و محکم است پس روش و حرکت دینی تو باید با حوصله و مدارا باشد و عبادت خدا را در نظر خودت مبعوض و ناپسند نکن چون کسی که افراط و تندروری داشته باشد (مانند کسی است که)

^{۶۸۴} - بقره (۲)، آیه ۶ ۲۱

^{۶۸۵} - نهج البلاغه، ص ۵۳۰

پشت و کمر مرکب را زخمی و رنجور کرده و در عین حال مسافتی را هم طی نکرده (کنایه از زحمت بیهوده کشیدن است)»^{۶۸۶}

روایت دوم: حضرت علی علیه السلام نیز در وصیت‌های خود به هنگام شهادت فرموده است: «ای فرزند عزیزم. اقتصاد و میانه‌روی داشته باش در امور زندگی و در عبادات. و بر تو باد که عمل خود را طوری ترتیب دهی که همیشه تا آخر عمر طاقت ادامه آن را داشته باشی»^{۶۸۷}

احتمالی که در این خصوص وجود دارد این است که این حالت نتیجه بی برنامه‌گی شما برای طول روزتان باشد که برای رفع این مشکل باید برای طول روز خود برنامه‌ای منسجم تنظیم نمائید بگونه‌ای که بتوانید هم نشاط عبادی خود را حفظ کنید و هم فعالیت‌های دیگر زندگی اعم از تفریح، ورزش و کار و تحصیل خود را به خوبی ادامه دهید.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) توصیه نموده اند: «سزاوار است برای عاقل اگر مغلوب هوای نفس نباشد که شبانه روز خود را چهار قسمت نماید:

اول: در یک قسمت حساب نفس خود را نماید تا ببیند در شبانه روز چه کسب کرده خوبی یا بدی، دوم: در یک قسمت حوائج خود را از حق تعالی بخواهد و با او مناجات کند و تفکر در صنایع و مخلوقات خداوند بنماید،

سوم: در یک قسمت خلوت کند با برادران و دوستان (و باید ایشان برادران و دوستانی باشند که عیبهای او را بگویند و او را از عیوبش اعراض دهند)

چهارم: یک قسمت را از برای نفس خود گذارد که صرف در لذت‌های حلال کند»^{۶۸۸}

در نهایت این احتمال نیز وجود دارد که شما خدایی ناکرده پس از ورود به دانشگاه در محیطی قرار گرفته‌اید که زمینه‌های گناه برای شما فراهم گردیده است که اگر چنین باشد حتماً زمینه‌های گناه را از خود دور کنید و با توبه به درگاه الهی به آغوش پر مهر خداوند بازگشته و نشاط و شادابی معنوی خود را مجدداً کسب نمائید.

^{۶۸۶} - بحار الانوار-ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، ج ۲، ص ۲۲۴

^{۶۸۷} - بحار الانوار-ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، ج ۲، ص ۲۲۵

^{۶۸۸} - ارشاد القلوب-ترجمه مسترحمی ج ۲ ص ۱۴۶

گفتار دوم: نماز و گناه

نماز و گناه

۱۶۲- فرق کسی که نماز می خواند و گناه می کند با کسی که گناه نمی کند و نماز هم نمی خواند

چیست؟

قبل از هر چیز باید بگوئیم تصور اینکه کسی بی نماز باشد و گناه نکند محال است، چرا که کمترین گناهی که چنین فردی در هر روز انجام می دهد ترک نماز است و همانگونه که می دانیم ترک نماز از گناهان کبیره می باشد.

با این حال می توان بر اساس آنچه که از روایات به دست می آید چند تفاوت عمده بین کسی که نماز می خواند - هر چند گناه کار باشد - با کسی که در ظاهر گناه نمی کند مطرح نمود.

اول - امید به نجات و عاقبت بخیری فرد نماز خوان نسبت به فرد بی نماز بسیار بیشتر است همانگونه که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نسبت به جوان نماز خوانی که مرتکب گناه نیز می شد فرمود: یک روز نمازش او را از گناه باز می دارد و چیزی هم نگذشت که آن جوان توبه کرد.^{۶۸۹}

دوم - نماز موجب می شود تا گناهان ریخته شده و از بین برود. از سلمان فارسی رحمه الله نقل شده است که می گوید: «با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سایه ی درختی بودیم، یک شاخه از آن گرفته و آن را تکان داد پس یک برگ از آن افتاد. فرمود: «نمی پرسید که چرا چنین کردم؟» عرض کردیم به ما خبر دهید ای رسول خدا! فرمود: «به تحقیق شخص مسلمان هرگاه به نماز قیام می کند گناهانش می ریزد همان طور که برگ های این درخت می ریزد»^{۶۹۰}. لذا کسی که نماز می خواند نسبت به کسی که نماز نمی خواند، بیشتر در معرض غفران و رحمت الهی قرار دارد.

سوم - بر اساس احادیث نقل شده ملاک قبولی اعمال خوب انسان، قبولی نماز است یعنی اگر نماز انسان مورد قبول خداوند قرار گرفت سایر اعمال خوب انسان نیز مورد قبول واقع می شود و الا دیگر اعمال نیک انسان ارزشی نخواهد داشت.^{۶۹۱} بر همین اساس هیچیک از اعمال خوب فرد بی نماز مورد قبول درگاه الهی قرار نمی گیرد چون اصلاً نمازی نخوانده تا قبول یا رد شود، ولی اگر فرد نماز خوان نمازش مورد قبول درگاه خداوند قرار گیرد هر چند گناه کار باشد مابقی اعمال نیک وی نیز قبول می شود.

^{۶۸۹} - بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸

^{۶۹۰} - بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۰۸

^{۶۹۱} - امام صادق علیه السلام فرموده: «نخستین چیزی که در روز قیامت بنده برای آن مورد حسابگشی قرار میگیرد و بآن رسیدگی میکنند نماز است، اگر نماز پذیرفته شد سایر اعمالش نیز پذیرفته می شود، و هر گاه نماز مقبول نیفتاد و به بنده باز گردانده شد باقی اعمالش نیز مردود و باز گردانده خواهد شد.» (من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۸)

نماز گناهکاران

۱۶۳- شخصی اهل نمازه است اما گناه هم می کند، وضعیت نمازش پیش خداوند چطور است؟

اکثر مومنین که نماز می خوانند و روزه می گیرند، گاهی نیز آلوده به گناه می شوند. کسی نمی تواند ادعا کند که هرگز گناه نمی کند. این ادعا خاص معصومین(ع) است. وهمین نمازهای بی روح و دست و پا شکسته نیز خالی از آثار مختلف تربیتی و روانی و اجتماعی نمی باشد و اگر انسان همین نماز بی روح را هم ترک می کرد، میزان جرم و خطا و معصیت او بیشتر می شد. چون اثر عمده نماز که همان نهی از فحشا و زشتی و گناهان است، حتی در این گونه نمازها نیز ظاهر و آشکار می گردد. علاوه بر اینکه با توبه آثار این گناهان از بین خواهد رفت.

اما اینکه وضعیت نماز افرادی که گناه می کنند چه خواهد شد باید بگوئیم که اگر گناه چنین فردی از موانع قبولی نماز باشد مانند رباخواری، عاق والدین، بی اعتنایی به نماز...^{۶۹۲} در اینصورت هرچند این شخص در قیامت به خاطر نماز مورد مواخذه قرار نمی گیرد ولی نماز وی مورد قبول درگاه الهی نبوده و برای وی کمال آور نخواهد بود. اما اگر گناهان وی غیر از مواردی است که مانع قبولی نماز می شد و از سوی دیگر شرایط قبولی نماز را دارا بود، در این صورت نماز وی مورد قبول درگاه الهی قرار گرفته و گناهان وی نیز مانند دیگر اعمال خوب و بد انسان در ترازوی اعمال مورد محاسبه قرار می گیرد.

نماز شرابخوار

۱۶۴- چرا می گویند «شرابخوار تا چهل روز نماز ندارد»؟ منظور از «نماز نداشتن» چیست؟

حکم حرام بودن شراب در برخی آیات قرآن کریم و فرمایشات معصومین(ع) وارد شده و در حرمت آن هیچ تردیدی نیست.^{۶۹۳} از جمله آثار مخرب شراب، تأثیر آن بر سایر اعمال و آداب دینی است از جمله در حدیثی می خوانیم: «لَا تُقْبَلُ صَلَاةُ شَارِبِ الْخَمْرِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا أَنْ يُتُوبَ»^{۶۹۴}؛ «شخصی که شراب بنوشد تا ۴۰ شبانه روز نمازهایش قبول واقع نمی شود مگر از این گناه کبیره توبه کند». و منظور کسانی که می گویند شرابخوار نماز ندارد نیز همین است. یعنی تا چهل روز نماز چنین فردی مورد قبول خداوند قرار نمی گیرد و به کار بردن چنین تعبیری به این معنا نیست که نماز بر او واجب نبوده و یا اینکه نماز از گردن او ساقط می شود و این حرف بهانه ای برای ترک نماز گردد، بلکه اگر کسی مرتکب خطای شرابخواری شد باید بعد از حالت مستی نمازش را بجا آورد چرا که نماز چنین فردی صحیح بوده و در هر صورت باید نماز خود را بخواند تا حداقل گرفتار عذاب ترک نماز نشود.

^{۶۹۲} - ر ک به فصل قبولی نماز

^{۶۹۳} - مائده (۵)، آیه ۹۰ و ۹۱ - بقره (۲)، آیه ۲۱۹

^{۶۹۴} - مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۵۷

اما اینکه چرا تا چهل روز نماز شرابخوار مورد قبول خداوند قرار نمی‌گیرد؟ هر چند ممکن است در ظاهر این امر عجیب به نظر برسد ولی با بررسی حکمت و اسرار نماز معلوم می‌شود بین جسم و روح نمازگزار ارتباط تنگاتنگی هست چراکه نماز وسیله ارتقا روحی و معنوی، عامل تقرب به ذات اقدس اله و... است. و از آنجا که اولین و مهمترین اثر تخریبی شراب متوجه روح و جان آدمی است و نیز چون حقیقت انسان را روح او تشکیل می‌دهد لذا تأثیر سوء شراب، فاحش‌تر و عظیم‌تر از آن است که به نظر برسد. از همین رو وقتی گفته می‌شود نماز چنین فردی پذیرفته نیست، به این علت است که روح او قابلیت درک و استعداد دریافت فیوضات روحانی و معنوی را از دست می‌دهد. به طوری که از بعضی روایات به دست می‌آید، شراب ام‌الفساد و مادر تمام گناهان و لغزش‌ها است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «کسی که یک جرعه شراب بیاشامد، خدا و پیغمبران و مؤمنین او را لعنت می‌کنند، اگر به مقداری بخورد که مست شود، روح ایمان از او دور می‌شود و به جایش روح کثیف شیطانی جایگزین می‌گردد، پس نماز را ترک می‌کند و ملائکه او را سرزنش می‌کنند و خدای تعالی او را خطاب می‌کند: «ای بنده من کافر شدی، بدا به حال تو». پس امام فرمود: «بدا به حالش، بدا به حالش، به خدا سوگند یک سرزنش الهی از هزار سال عذاب سخت‌تر است»^{۶۹۵}.

آری شراب روح ایمان را متزلزل می‌سازد و روح ناآرام و بی‌قرار و بدون اتکاء، هرگز فیض الهی و ارتباط معنوی را درک نخواهد کرد. هر عبادتی، به خصوص نماز نیاز به اقبال و توجه روح دارد اگر روح نمازگزار استعداد و قابلیت خود را از دست بدهد مانند ظرفی خواهد بود که واژگون در زیر بارش باران قرار بگیرد، مسلماً هر قدر هم باران بیاید به داخل ظرف و ارونه، داخل نخواهد شد.

در این خصوص از امام رضا علیه السلام نیز چنین روایت شده که: «شخصی به نام حسین بن خالد می‌گوید محضر مبارک حضرت رضا(ع) عرض کردم برای ما از پیامبر(ص) روایت شده که فرموده اند: کسی که شراب بیاشامد تا چهل روز نمازش مقبول نیست، آیا این روایت صحیح است؟ حضرت فرمودند: راویان این حدیث راست گفته و حدیث را صحیح نقل کرده اند. عرض کردم: چرا نمازش تا چهل روز مقبول نیست نه کمتر از آن و نه بیشتر حضرت فرمودند: برای این که حق تعالی خلقت انسان را مقدر و معین فرموده با این بیان: وقتی نطفه انسان در رحم مادر قرار می‌گیرد ۴۰ روز به حال نطفه بعد تبدیل به علقه می‌شود. تا ۴۰ روز سپس مضغه می‌شود و ۴۰ روز به این حالت است (و همین طور جلو می‌رود تا خلقت کامل شود) بنابراین وقتی شخصی شراب می‌خورد آن شراب ۴۰ روز در بدن او می‌ماند و تا این زمان که بقایا و ذرات شراب درجوف او باقی است نماز نباید مقبول درگاه الهی واقع شود.^{۶۹۶}

در پایان باید این مطلب را یاد آوری نمود همانگونه که در روایات تصریح شده باب توبه و رحمت الهی به سوی گناهکاران باز است لذا اگر فردی از گناه شرب خمر توبه نماید نمازش مورد قبول درگاه الهی قرار

^{۶۹۵} - الکافی، ج ۶، ص ۳۹۹

^{۶۹۶} - علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۴۵

خواهد گرفت و توبه وی نیز باید به گونه ای باشد که عزم جدی بر ترک این گناه نماید به طوری که دیگر بازگشتی به گناه گذشته نکند و در آینده نیز هرگز به آن گناه فاحش مرتکب نشود.

نماز و روابط نامشروع

۱۶۵- به تازگی با پسری دوست شده ام، می دانم که این کار من اشتباه است و مرتکب گناه می

شوم، آیا با این کار من، نماز خواندن و سایر کارهایی که انجام می دهم، نزد خداوند بی

ارزش خواهد بود؟

ایجاد محدودیت و رعایت حدود الهی در برخورد با نا محرم، به سود و نفع هر دو طرف، یعنی زن و مرد می باشد. قدم گذاشتن در نواهی الهی و انجام اعمالی که حضرت حق تعالی ما را از آن نهی نموده است، در مدت زمانی کوتاه یا طولانی، به ضرر خود و جامعه ماست و بالاخره دود مخالفت با حق تعالی، اول به چشم خود ما خواهد رفت.

یکی از مضرات ارتباط غیر شرعی با نا محرم، ایجاد مشغله ی فکری و محبت قلبی نسبت به جنس مخالف است؛ این مشغله، کم کم انسان را وارد معاصی بزرگتر می کند؛ تا جایی که خدای ناکرده، بعضی از گناهان ناشی از این ارتباط، ضربه ای سهمگین به پیکره ی جسم و روح انسان و جامعه وارد کرده و چه بسا تبعات ملال آوری به دنبال خواهد داشت.

بطور مسلم نماز و سایر اعمال عبادی شما نزد خداوند بی ارزش نخواهد بود چرا که اگر قرار بود این اعمال پس از گناه نزد خداوند بی ارزش باشد دستور می داد تا گناهکاران دیگر نماز نخوانند.

مهمترین ارزش نماز و سایر اعمال عبادی گناهکار این است که بهترین دریچه امید برای بازگشت از گناهان می باشد. از این رو توصیه می کنیم نه تنها نماز خود را با اینگونه وسوسه های شیطانی ترک نکنید بلکه سعی کنید نسبت به احکام نماز و حضور قلب در نماز دقت بیشتری داشته باشید.

در پایان این نکته را یادآوری می کنیم که یکی از شگردهای شیطان رانده شده، این است که گناه را در نظر انسان زیبا و ترک آن را سخت و نشدنی جلوه می دهد؛ اما با توکل به خدا و توسل به اهل بیت عصمت و طهارت بویژه امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) می توان از اینگونه ارتباط های حرام، اجتناب نمود و بر اساس وعده الهی که فرمود: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»^{۶۹۷}؛ «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند» به فراهم شدن زمینه های ازدواج سالم خود امیدوار بود.

^{۶۹۷} - (۶۵) الطلاق : ۲

شیطان و نماز

۱۶۶- آیا کسی که شیطان وجود او را تسخیر کرده، نماز او به حساب شیطان و مانند او گذاشته

می‌شود؟

خیر، نماز او به حساب خودش نوشته می‌شود منتها جزء کسانی است که «خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ»^{۶۹۸}؛ «کار خوب و بد را به هم آمیختند؛ امید می‌رود که خداوند توبه آنها را بپذیرد»

در توضیح بیشتر باید بگوئیم که افراد چند گروهند: بعضی‌ها منزّه محض هستند، مخلص و مخلص هستند که در نامه عمل آنها جز فضیلت چیز دیگری نیست مثل ائمه معصومین (علیهم السلام). بعضی‌ها متأسفانه کسانی هستند که در نامه عمل آنها جز تباهی و سیاهی چیزی نیست، این‌ها کسانی اند که «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ»^{۶۹۹}؛ «خدا بر دلها و گوشهای آنان مهر نهاده» گروه سوم کسانی اند که «خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا»^{۷۰۰} یعنی گاهی به طرف فضیلت و گاه به طرف رذیلت حرکت می‌کنند، این‌ها مادامی که تسلیم شیطان نشوند و عقائدشان محفوظ باشد امید نجات دارند و نماز و عبادات این‌ها به حساب خودشان است، چون اصل عقیده را حفظ کرده‌اند و اجازه نداده‌اند بیگانه در مسائل عقیدتی به جای ایشان تصمیم بگیرد.

بازدارندگی نماز از گناه

۱۶۷- منظور از نهی و بازدارندگی نماز از گناه در آیه: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^{۷۰۱}

چیست؟

مفسرین در خصوص منظور این آیه مبنی بر اینکه نماز انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد، پاسخ‌های متعددی را مطرح نموده‌اند که در اینجا برخی از آنها را ذکر می‌نمائیم:

الف - نهی نماز از فحشا و منکر نهی تشریحی است نه تکوینی

از برخی روایات استفاده می‌شود که خود نماز انسان را بصورت تشریحی از فحشا و منکر نهی می‌کند و انسان هم می‌تواند منهیات نماز را اطاعت کند و هم می‌تواند اطاعت نکند کما اینکه در روایتی از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله نقل شده: «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يُطِيعِ الصَّلَاةَ وَ طَاعَةُ الصَّلَاةِ أَنْ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ»^{۷۰۲}؛ «کسی که اطاعت فرمان نماز نکند نمازش نماز نیست، و اطاعت نماز آن است که نهی آن را از

^{۶۹۸} - توبه (۹)، آیه ۱۰۲

^{۶۹۹} - سوره بقره (۲): آیه ۷

^{۷۰۰} - توبه (۹)، آیه ۱۰۲

^{۷۰۱} - عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۵

^{۷۰۲} - بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸

فحشاء و منکر به کار بندد» از همین رو برخی مفسرین گفته اند: نماز مانند یک انسانی که دیگری را از فحشاء و منکرات نهی می‌کند، به شخص نمازگزار می‌گوید: زنا مکن، ربا مخور، دروغ مگو، و... و لیکن همان طور که در آن انسان لازمه نهی این نیست که شنونده گوش هم بدهد، و از گفته او منتهی هم بشود، در نماز نیز چنین است، یعنی نماز مرتب به نمازگزار می‌گوید که چنین و چنان مکن، و لیکن لازمه این نهی این نیست که نمازگزار (بطور تکوینی) منتهی هم بشود، و از آن کارها دست بردارد. مگر نهی نماز از نهی خدا مهم‌تر و مؤثرتر است، خدای تعالی در آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^{۷۰۳}، به عدل و احسان و صلح رحم امر می‌کند، و از فحشاء و منکر نهی می‌فرماید، و با این حال مردم هم چنان نافرمانی‌اش می‌کنند، و نهی او باعث بازدارندگی مردم نمی‌شود، نهی نماز هم مثل آن است^{۷۰۴}

ب - بالاخره نماز انسان را از گناه باز می‌دارد و لو در آینده

برخی مفسرین با استناد به داستان جوانی از انصار که با رسول خدا نماز می‌خواند و مرتکب فحشا می‌شد و پیامبر فرمود: بالاخره روزی نمازش او را از ارتکاب فواحش نهی می‌کند و چیزی نگذشت که او توبه کرد. چنین گفته اند که معنای آیه این است که نماز در آینده صاحبش را از فحشا و منکر باز می‌دارد.^{۷۰۵} هر چند هم اکنون گرفتار گناه و معاصی باشد.

ج - این بازدارندگی بواسطه رعایت احکام قبولی و صحت نماز

نمازگزار ناچار است که بخاطر صحت نماز و یا قبول شدن آن، یک سری دستورات دینی را مراعات کند (از جمله غصبی نبودن لباس و مکان نماز، طهارت بدن، عدم شرب خمر و...) که رعایت آنها خود زمینه‌ای قوی برای دوری از گناه و زشتی است. آری کسی که لباس سفید بپوشد، طبیعی است که روی زمین آلوده و کثیف نمی‌نشیند.^{۷۰۶}

د- این بازدارندگی بواسطه شکل گرفتن ملکه پرهیز از فحشاء و منکر در انسان می‌باشد

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بیان داشته: (از آنجا که) نماز مشتمل است بر ذکر خدا، و این ذکر، اولاً ایمان به وحدانیت خدای تعالی، و رسالت و جزای روز قیامت را به نمازگزار تلقین می‌کند، و به او می‌گوید که خدای خود را با اخلاص در عبادت مخاطب قرار داده و از او استعانت بنما، و درخواست کن که تو را به سوی صراط مستقیم هدایت نموده، و از ضلالت و غضبش به او پناه ببر.

^{۷۰۳} - نحل (۱۶)، آیه ۹۰

^{۷۰۴} - طباطبایی سید محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم،

۱۳۷۴ ش، پنجم، ج ۱۶، ص ۱۹۹

^{۷۰۵} - گنابادی سلطان محمد، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، خانی رضا / حشمت الله ریاضی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور،

۱۳۷۲ ش، ج ۱۱، ص ۲۶۴

^{۷۰۶} - محسن قرائتی، تفسیر نماز، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷ ش، سیزدهم، ص ۲۸

و ثانياً او را وادار می‌کند بر اینکه با روح و بدن خود متوجه ساحت عظمت و کبریایی خدا شده، پروردگار خود را با حمد و ثنا و تسبیح و تکبیر یاد آورد، و در آخر بر خود و هم مسلکان خود و بر همه بندگان صالح سلام بفرستد.

علاوه بر این او را وادار می‌کند به اینکه از حدث (که نوعی آلودگی روحی است)، و از خبث یعنی آلودگی بدن و جامه، خود را پاک کند، و نیز از اینکه لباس و مکان نمازش غصبی باشد، بپرهیزد، و رو به سوی خانه پروردگارش بایستد.

پس اگر انسان مدتی کوتاه بر نماز خود پایداری کند، و در انجام آن تا حدی نیت صادق داشته باشد، این ادامه در مدت کوتاه به طور مسلم باعث می‌شود که ملکه پرهیز از فحشاء و منکر در او پیدا شود، به طوری که اگر فرضاً آدمی شخصی را موکل بر خود کند، که دائماً ناظر بر احوالش باشد، و او را آن چنان تربیت کند که این ملکه در او پیدا شود و به زیور ادب عبودیت آراسته گردد، قطعاً تربیت او مؤثرتر از تربیت نماز نیست، و به بیش از آنچه که نماز او را دستور می‌دهد دستور نخواهد داد، و به بیش از آن مقدار که نماز به ریاضت وادارش می‌کند وادار نخواهد کرد.^{۷۰۷}

بازدارندگی نماز

۱۶۸- در قرآن آیه ای داریم که می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^{۷۰۸} با توجه به

این آیه و اینکه اکثریت مردم مقید به خواندن نماز هستند چرا با این وجود گناه می‌کنند؟

بر اساس آنچه از روایات و تفاسیر به دست می‌آید این است که بازدارندگی از گناه جزئی از طبیعت نماز است. از همین رو نماز هر چند سطحی و ناآگاهانه باشد غیر ممکن است که هیچ‌گونه تاثیری در نمازگزار نداشته باشد چراکه کسانی که نماز حقیقی نمی‌خوانند و آلوده به گناه هستند؛ اگر همان نماز ناقص و سطحی را نخوانند از آن هم آلوده تر خواهند شد. و اگر همین افراد اهتمامشان به نماز بیشتر شود دوری آنها از گناه بیشتر خواهد شد.

لذا در یک مقایسه ساده می‌بینیم کسانی که نام مسلمانی دارند و نماز نمی‌خوانند، روزه را هم می‌خورند، و حج هم نمی‌رود و زکات هم نمی‌دهند، و بالأخره سایر واجبات را هم ترک می‌کند، و هیچ فرقی بین پاک و نجس، و حلال و حرام نمی‌گذارد، و هیچ چیزی را در راه خود مانع پیشرفت خود نمی‌بیند، نه ظلم، نه زنا، نه ربا، نه دروغ، و نه هیچ چیز دیگر. اما اگر حال چنین شخصی را با حال کسی مقایسه کنیم که نماز می‌خواند، و در نمازش به حد اقل آن یعنی آن مقداری که تکلیف از گردنش ساقط شود اکتفاء می‌کند،

^{۷۰۷} - طباطبایی سید محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم،

۱۳۷۴ ش، پنجم، ج ۱۶، ص ۱۹۸

^{۷۰۸} - عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۵

خواهیم دید که او از بسیاری از کارها که بی نماز از آن پروا نداشت پروا دارد، و اگر حال این نمازگزار را با حال کسی مقایسه کنیم که در نمازش اهتمام بیشتری دارد، خواهیم دید که دومی از گناهان بیشتری پروا دارد، و به همین قیاس هر چه نماز کاملتر باشد، خودداری از فحشاء و منکرات بیشتر خواهد بود. اما علت اینکه افراد نماز خوان با وجود اینکه بازدارندگی از گناه جزئی از طبیعت نماز است، مرتکب گناه می شوند می توان به دلایل متعددی اشاره نمود

الف: فقدان شرایط صحت نماز

یکی از علت های ممکن است بعضی افراد دچار آن باشند این است که به دلیل کوتاهی در فراگیری مسائل فقهی و عدم آشنایی با احکام یکی از مقدمات نماز مانند وضو، تیمم یا غسل و یا بخش های مختلف نماز مانند قرائت، رکوع و سجود و دیگر اجزا و شرایط، نمازشان صحیح نباشد و هرگاه نمازی از اصل باطل باشد دیگر توقع اینکه چنین نمازی بتواند بازدارنده گناه باشد معنا ندارد.

ب: عدم قبولی نماز

از دیگر عواملی که موجب می شود تا نماز اثر بازدارندگی خود را از دست بدهد عدم قبولی نماز است امام صادق علیه السلام فرموده اند:

« مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَوْ قُبِلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ فَبَقَدَرٍ مَا مَنَعَتْهُ قُبِلَتْ مِنْهُ »^{۷۹}؛ « هر کس دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه و زشتی باز داشته یا نه؟ پس به هر قدر که نمازش او را از گناه باز داشته، به همان اندازه نمازش قبول شده است. »
مراد از این روایت این است که نماز ناهی و بازدارنده از معاصی است؛ پس هر کس که اقامه نماز کند ولی نماز او به صفت و ویژگی هایی که حق تعالی آن را وصف کرده نباشد، به همان مقدار که از این ویژگی ها به دور بوده نماز او قبول نگردیده و به همان مقدار اثر بازدارندگی خود را از دست می دهد.

ج - عادت به نماز

ممکن است علت اینکه بعضی نمازگزاران مرتکب گناه می شوند این باشد که نمازی که می خوانند از روی عادت است نه ترس از خدا؛ چون ترک عادت بسیار دشوار است، نماز را ترک نمی کند و معاصی را مرتکب می شود.

د - وجود مانع در برابر این بازدارندگی

علامه طباطبایی در تشریح علت عدم بازدارندگی نماز از گناه در نمازگزاران گفته اند: پیدایش صفت بازدارندگی از گناه اثر طبیعی نماز هست، و لیکن به نحو اقتضاء، نه به نحو علیت تامه، تا تخلف نپذیرد، و نمازگزار دیگر نتواند گناه کند، بلکه اثرش به مقدار اقتضاء است، یعنی اگر مانع و یا مزاحمی در بین نباشد اثر خود را می بخشد، و نمازگزار را از فحشاء بازمی دارد، ولی اگر مانعی و یا مزاحمی جلو اثر آن را گرفت،

^{۷۹} - بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸

دیگر اثر نمی‌کند، و در نتیجه نمازگزار آن کاری که انتظارش را از او ندارند می‌کند، (مثلاً ممکن است هوا و هوس‌های درونی شخص مانع تاثیر نماز شوند و آن را از اثر بیندازند. نماز چنین فردی در حد توان خود جلوی دشمن درونی را گرفته و مانع از فحشا و منکر می‌شود؛ لیکن نفس اماره‌اش قوی تر بوده و مانع از این اثر گذاری می‌گردد) خلاصه یاد خدا، و موانعی که از اثر او جلو می‌گیرند، مانند دو کفه ترازو هستند، هر وقت کفه یاد خدا چربید، نمازگزار گناه نمی‌کند، و هر جا کفه آن موانع چربید کفه یاد خدا ضعیف می‌شود، و نمازگزار از حقیقت یاد خدا منصرف می‌گردد، و گناه را مرتکب می‌شود.^{۷۱۰}

هـ - خواندن نماز به جای اقامه نمودن نماز

اگر دیده می‌شود افرادی نماز می‌خوانند اما تأثیری در روح آنان دیده نمی‌شود به این خاطر است که آنان نماز را فقط «می‌خوانند» و نماز را «بر پا نمی‌دارند». در قرآن لفظ «صلاة» معمولاً با فعل «یقیمون» و «أقیموا» و مشتقات «قیام» آمده یعنی «نماز را بر پا داشتن». بر پا داشتن نماز با خواندن نماز متفاوت است. فردی که نماز را بر پا می‌دارد یعنی در تمام زندگی او نماز برپاست و در تمام حیات او توحید و صفات الهیه جاریست.

گفتار سوم: سبک شمردن نماز

سبک شمردن نماز

۱۶۹- منظور از سبک شمردن نماز در حدیث معروف امام صادق(ع) چیست؟ لطفاً مصادیق سبک

شماری نماز را بیان نمائید.

در روایت معروف امام صادق علیه السلام آمده است: «إِنَّهُ لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ»^{۷۱۱}؛ «شفاعت ما شامل کسی که نماز را سبک بشمارد نمی‌شود».

مقصود از سبک شمردن نماز، این است که انسان برای نماز ارزش و اهمیت لازم و شایسته را قائل نباشد و با وجود داشتن اختیار و قدرت برخواندن آن نسبت به این فریضه الهی سستی نماید.

سبک شمردن نماز دارای مراتب و درجاتی می‌باشد که در آیات و روایات متعددی به این مراتب و مصادیق سبک شمردن نماز پرداخته شده است؛ که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌نمائیم.

۱- کسانی که از روی مخالفت با دستور الهی نماز را ترک نمایند.

^{۷۱۰} - طباطبایی سید محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم،

۱۳۷۴ ش، پنجم، ج ۱۶، ص ۲۰۱

^{۷۱۱} - الکافی، ج ۳، ص ۲۷۰

رسول خدا در توصیه ای فرمودند: «لَا تَدَعِ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَإِنَّ مَنْ تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ مِلَّةُ الْإِسْلَامِ»^{۷۱۲}؛ «نماز را از روی عمد ترک نکن پس کسی که از روی عمد نماز را ترک نماید به تحقیق از امت اسلامی جدا گردیده است.»

۲- مسلمانی که نماز را قبول دارد؛ ولی آن را به جا نمی آورد.

پیامبر خدا در باره این افراد فرموده اند: این دسته از امت اسلامی که نماز نمی خواند در یکی از درکات جهنم به نام سقر قرار خواهند گرفت^{۷۱۳}.

۳- مسلمانی که نماز را قبول دارد؛ ولی گاهی آن را به جا می آورد و گاهی ترک می کند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در خصوص این دسته از افراد نیز فرموده اند: برای این گروه از افراد جایگاهی از جهنم به نام «غی» اختصاص داده شده است (چرا که خداوند متعال فرموده است): «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا»^{۷۱۴}؛ «اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند؛ و بزودی «غی» را خواهند دید!»

۴- تاخیر نماز

یکی از بارزترین و شایع ترین مصادیق سبک شمردن نماز این است که انسان بدون هیچ عذری نماز خود را به تاخیر بیندازد بگونه ای که یا در آخر وقت خوانده شود و یا بطور کلی نماز قضا گردد. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۴ و ۵ سوره ماعون که خداوند متعال فرموده است: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» فرموده اند: (مراد از بی اعتنایی به نماز در این آیه)، تاخیر آن از اول وقت بدون عذر است^{۷۱۵}.

۵- با عجله خواندن نماز

نبی اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَسْرَقُ النَّاسِ فَالَّذِي يَسْرِقُ مِنْ صَلَاتِهِ تُلْفٌ كَمَا تُلْفُ الثَّوْبُ الْخَلْقُ فَيُضْرَبُ بِهَا وَجْهُهُ»^{۷۱۶}؛ «دزدترین مردم کسی است که به خاطر سرعت و شتابزدگی از نماز خود کم کند، نماز چنین انسانی، همچون جامه مندرسی در هم پیچیده شده، به صورت او پرتاب می گردد.»

و در حدیث دیگری نقل گردیده مردی در حضور امیرالمومنین علیه السلام نماز خود را با شتاب به جا می آورد حضرت نگاهی به او کرده و فرمود: چند وقت است اینگونه نماز می خوانی؟ او گفت: مدت هاست. حضرت فرمود: مثل تو نزد خداوند مثل کلاغ می باشد (که بجای سجده منقار بر زمین می کوبد) اگر

^{۷۱۲} - الکافی، ج ۳، ص ۴۸۸

^{۷۱۳} - علی مشکینی، تحریر المواعظ العددیه، قم، الهادی، ۱۴۲۴ ق، هشتم، ص ۳۳۲

^{۷۱۴} - مریم (۱۹)، آیه ۵۹

^{۷۱۵} - وسائل الشیعه، ج ۴ ص ۱۲۴

^{۷۱۶} - ابن فهد حلی، عدة الداعی و نجاح الساعی، قم، دار التکتاب اسلامی، ۱۴۰۷ ق، اول، ص ۴۱

اینگونه بمیری بر غیر ملت و دین پیامبر اکرم مرده ای سپس فرمودند: بدرستی که دزدترین مردم کسی است که از نمازش بدزدد.^{۷۱۷}

۶- نماز از روی کسالت و بی حالی

خداوند متعال در وصف این دسته از نمازگزاران می فرماید: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى...»^{۷۱۸}؛ «منافقان می خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آنها را فریب می دهد؛ و هنگامی که به نماز برمی خیزند، با کسالت برمی خیزند...»

۷- بی توجهی و عدم حضور قلب در نماز

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «عَلَيْكَ بِالْأَقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ فَإِنَّمَا يُحْسَبُ لَكَ مِنْهَا مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ وَ لَا تَعْبَثُ فِيهَا بِيَدِكَ وَ لَا بِرَأْسِكَ وَ لَا بِلِحْيَتِكَ وَ لَا تُحَدِّثُ نَفْسَكَ وَ لَا تَتَشَاءَبُ وَ لَا تَتَمَطَّ وَ لَا تُكْفِرُ...»^{۷۱۹}؛ «بر تو باد توجه کامل به نمازت، پس همانا، آن مقدار که در نماز حضور قلب داشته باشی، حساب می شود، در نماز با دست و سر و ریش خویش بازی مکن، و در نماز با خودت صحبت نکن و خمیازه نکش...»

۸- به جا نیوردن کامل رکوع و سجود نماز

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فرموده: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ وَ لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُتِمُّ رُكُوعَهَا وَ سُجُودَهَا»^{۷۲۰}؛ «کسی که رعایت امانت نکند ایمان ندارد، و کسی که در بند پیمان نباشد دین ندارد، و کسی که رکوع و سجده نمازش را کامل انجام ندهد (مثل این است که) نماز نخوانده است»

۹- عدم رعایت آداب نماز

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) در روایتی می فرماید: «مَنْ أَحْسَنَ صَلَاتَهُ حَتَّى تَرَاهَا النَّاسُ وَ أَسَاءَهَا حِينَ يَخْلُو فَبَلَكَ اسْتِهَانَةٌ»^{۷۲۱}؛ «آنکس که در مقابل مردم با دقت نماز بخواند و در خلوت بدون دقت نمازگزارد به نماز بی اعتنائی کرده است.»

۱۰- فراهم نکردن مقدمات نماز قبل از اذان

یکی دیگر از مصادیق سبک شمردن نماز که در مراتب پائین سبک شمردن نماز به حساب آورده می شود و در روایات نسبت به آن مذمت شده این است که انسان قبل از وقت نماز آماده نماز نباشد مثلاً وضوی خود را به تاخیر انداخته باشد.^{۷۲۲}

^{۷۱۷} - بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۵۳

^{۷۱۸} - نساء (۴)، آیه ۱۴۲

^{۷۱۹} - بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۰۱

^{۷۲۰} - بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۱۹۸

^{۷۲۱} - مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۶

^{۷۲۲} - بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۵۴

۱۷۰- سرنوشت کسانی که نسبت به نماز بی اهمیت هستند؛ گاهی نماز می خوانند و گاهی ترک

می کنند و به اصطلاح نماز را سبک می شمارند چیست؟

در روایات متعددی به سرنوشت نافرجام کسانی که نسبت به نماز اهمیت نمی دهند پرداخته شده است کسانی که برایشان تفاوتی نمی کند که نمازشان در وقت خودش خوانده می شود یا نه، یا اینکه هرگاه میلشان کشید می خوانند و هرگاه دلشان نخواست ترک می کنند. از جمله روایتی که از حضرت فاطمه زهرا (س) نقل شده که ایشان از پدر بزرگوارشان پرسیدند: پدر جان، ! زنان و مردانی که نسبت به نماز بی اعتنا هستند و نماز را سبک می شمارند، چه عواقبی را در پیش دارند؟ رسول خدا (ص) فرمود: ای فاطمه جان! هر کس از مردان و زنان نمازش را سبک بشمارد خداوند او را به پانزده بلا مبتلا می سازد: شش مورد در دنیا، سه مورد در وقت مرگ، و سه مورد آنها در قبر و سه مورد در قیامت زمانی که از قبر خارج شود:

الف) اما آن شش بلاهایی که در دنیا دامنگیرش می شود:

- خداوند برکت را از عمرش می برد.

- خداوند برکت را از رزقش می برد.

- خداوند عز و جل سیمای صالحین را از چهره اش محو می کند

- هر عملی که انجام می دهد پاداش داده نمی شود.

- دعایش به آسمان نمی رود.

- بهره ای از صالحین برای او نیست.

ب) اما آن سه بلاهایی که هنگام مرگ گرفتارش خواهد شد:

- ذلیل از دنیا می رود

- هنگام مرگ در حال گرسنگی خواهد بود.

- تشنه از دنیا خواهد رفت اگرچه آب همه نهرهای دنیا را به او بدهند.

ج) اما آن سه بلایی که در قبر دامنگیرش می شود:

- خداوند ملکی در قبر برای او می گمارد تا او را زجر دهند.

- قبرش برای او تنگ خواهد شد.

- گرفتار ظلمت و تاریکی قبر خواهد شد.

د) اما آن سه بلایی که در روز قیامت گرفتار خواهد شد:

- خداوند ملکی را موکل می سازد او را با صورت بر روی زمین بکشد، در حالی که خلائق تماشا می

کنند.

- محاسبه اعمالش به سختی انجام می شود.

خدا به نظر لطف به او نمی نگرد و برای اوست عذاب همیشگی. ۷۲۳ -

علاوه بر این، روایات دیگری نیز پیامدهای منفی سبک شمردن نماز را برشمرده اند که تعدادی از آنها را ذکر می نمایم:

أ - محروم ماندن از شفاعت اهل بیت علیهم السلام

امام صادق علیه السلام در لحظات پایانی عمر شریفشان فرمودند: «إِنَّهُ لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ»؛^{۷۲۴} «بشفاعت ما نخواهد رسید کسی که نماز خود را سبک شمارد.»

ب - مطرود پیامبر خدا و اهل بیتش (علیهم السلام)

رسول خدا فرمود: «لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ لَا يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَأَ وَاللَّهِ»؛^{۷۲۵} «از من نیست کسی که نمازش را سبک بشمارد. قسم به خدا بر حوض کوثر بر من نخواهد رسید.»

در روایت دیگری امام رضا - علیه السلام - فرمود: «إِيَّاكَ أَنْ تَكْسَلَ عَنْهَا أَوْ تَتَوَانَى فِيهَا أَوْ تَتَهَاوَنَ بِحَقِّهَا أَوْ تُضَيِّعَ حَدَّهَا وَ حُدُودَهَا أَوْ تَنْقُرَهَا نَقْرَ الدِّيكِ أَوْ تَسْتَخِفَّ بِهَا أَوْ تَشْتَغَلَ عَنْهَا بِشَيْءٍ مِنْ عَرَضِ الدُّنْيَا أَوْ تُصَلِّيَ بَعْيَرٍ وَقْتَهَا»؛^{۷۲۶} «بپرهیزید از این که در نماز سستی و تنبلی کنید و یا حدودش را ضایع کنید یا از روی دستپاچگی رکوع و سجده نماز را آن چنان به جا آورید که گویی همچون خروس منقار می زنید یا این که نماز را سبک بشمارید یا این که به جای نماز به امور دنیوی مشغول شوید و یا در غیر وقت نماز بخوانید»

ت - مردن به دینی غیر از اسلام

زراره می گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که می فرمود: مردی وارد مسجد پیامبر (ص) شد و سجده خود را آن گونه که شایسته است انجام نداد، سجده ای سبک بجای آورد. پیامبر (ص) فرمود: «این، مانند نوک به زمین زدن کلاغ است، اگر با این حالت بمیرد به دین محمد از دنیا نرفته است.»^{۷۲۷}

ث - محشور شدن با طاغوتیان

پیامبر خدا (ص) فرمود: «لَا تُضَيِّعُوا صَلَاتِكُمْ فَإِنَّ مَنْ ضَيَّعَ صَلَاتَهُ حُشِرَ مَعَ قَارُونَ وَ هَامَانَ وَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ اللَّهُ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ فَالْوَيْلُ لِمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيَّ صَلَاتِهِ وَ آدَاءِ سُنَّةِ نَبِيِّهِ»؛^{۷۲۸} «نماز خود را تباه نکنید، زیرا کسی که نمازش را تباه سازد با قارون و هامان محشور می گردد و بر خدا ثابت است که او را با منافقان وارد دوزخ کند. وای بر کسی که بر نماز و ادای سنت پیامبر خود مواظبت نکند.»

^{۷۲۳} - بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۲۱

^{۷۲۴} - بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۸

^{۷۲۵} - بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۲۱

^{۷۲۶} - همان، ص ۲۰

^{۷۲۷} - أمالی الصدوق، ص ۴۸۳

^{۷۲۸} - عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۱

ج- گرفتار شدن به گناهان کبیره

رسول خدا (ص) فرمود: «لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ هَائِبًا لِابْنِ آدَمَ دَعِرًا مِنْهُ مَا صَلَّى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ لَوْ قَتِهِنَّ فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ اجْتَرَأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ»^{۷۲۹}؛ پیوسته شیطان از پسر آدم تا هنگامی که نمازهای پنجگانه را در وقت خود انجام دهد ترس و وحشت دارد، ولی آنگاه که نمازها را تباه ساخت بر او جرأت پیدا می‌کند و او را در گناهان بزرگ وارد می‌سازد.»

عوامل سبک شمردن نماز

۱۷۱- من متأسفانه نمی‌تونم به طور مرتب نماز بخونم، نمازهایم را عقب می‌اندازم، گاهی فراموش

می‌کنم، گاهی هم تنبلی می‌کنم و گاهی نیز نمازم از عمد قضا می‌شود. علت آن چیست و

چی کار باید بکنم؟

برای حل این مشکل ابتدا باید با بررسی عوامل سستی در نماز به ریشه‌یابی عامل اصلی این مساله در خود پرداخت، سپس راهکار مناسبی را برای حل آن در پیش گرفت.

در پاسخ به این سوال به چند مورد از عواملی که در میان جوانان و نوجوانان شیوع بیشتری دارد اشاره نموده و راهکار پیشنهادی خود را جهت برطرف نمودن آن را نیز ذکر می‌کنیم.

أ- ضعف و سستی در مبانی دینی و اعتقادی

وقتی نوجوان و جوان فاقد باور عمیق و ریشه دار نسبت به خدا و معاد باشد نه پشتوانه‌ای از عشق دارد تا او را برانگیزد و نه انگیزه‌اش چون خوف و هراس از بازخواست اخروی تا او را به ادای تکلیف دینی وادارد.

راهکار: مطالعه کتب اعتقادی^{۷۳۰} و برقراری ارتباط با روحانیون و حضور در مجالس سخنرانی علما

ب- انتظار و تلقی ناروا از نماز

وقتی جایگاه نماز درست تحلیل و تبیین نشود ممکن است بعد از مدتی نماز کنار گذاشته شود یا منظم برپا نشود که این نیز به حذف نماز می‌انجامد.

گاه از نوجوان می‌پرسیم چرا نماز نمی‌خوانی؟ و پاسخ این است که هرچه از خدا خواستم که به فلان خواسته و آرزویم برسم، نرسیدم و دیگر نماز نمی‌خوانم، یا مدتی نماز خواندم و دیدم مشکلم حل نشد یا به خواسته ام نرسیدم، دیگر نمی‌خوانم! استفاده ابزاری از نماز، القای خانواده‌ها که اگر نماز بخوانی، در امتحان قبول می‌شوی و نماز را درحد مشکل‌گشای مسائل عادی زندگی -حتی گاه خواسته‌های نامعقول- تلقی کردن، آفت و آسیب بزرگ برای نماز خواندن است.

^{۷۲۹} - أمالی الصدوق، ص ۴۸۴

^{۷۳۰} - در این خصوص مطالعه کتاب‌های شهید مطهری و آیت الله مصباح یزدی را توصیه می‌نمائیم .

مشهور آن است که در فصل امتحان، نماز خواندن دانش آموزان و دانشجویان رایج تر می شود و پس از امتحان - به خصوص اگر با ناکامی مواجه شوند - تعطیل می شود!
راهکار: لازمه تغییر این دیدگاه غلط، مطالعه و آشنایی بیشتر افراد راجع به فلسفه نماز می باشد.

ت - انباشت پرسش ها و تردیدها

نوجوانان و جوانان پرسشگر و کنجکاوند. براساس حق پرسشگری و کنجکاوی، از نماز هم می پرسند، چرا نماز؟ چرا این گونه؟ چرا هروقت دلم خواست نخوانم؟ چرا به هر سمت نخوانم؟ چرا هر مقدار دوست داشتم و کشش داشتم نخوانم؟ اصلاً چرا بخوانم؟ و چرا... اگر این پرسش ها، پاسخ دقیق و مجاب کننده نیابند یا پرسشگر به دلیل سؤال، تحقیر و تمسخر و متهم شود و یا پاسخ ها انحرافی باشد، موریانه تردید، شک، تزلزل و درنهایت پرهیز و ستیز وجود وی را پرخواهدکرد بخصوص اگر این سوالات در برخی محیط های دانشجویی توسط افراد مغرض یا نادان، با شبهات اعتقادی همراه گردد.

راهکار: ایجاد موقعیت ها و فرصت هایی برای سؤال، حتی طرح سؤالات احتمالی در فضایی سرشار از عاطفه و محبت، تشویق ها و تردیدها را می زداید لذا برای حل این مشکل ارتباط مستمر با مراکز پاسخگویی به سوالات دینی - همچون مرکز مشاوره نهاد رهبری در دانشگاه ها^{۳۳۱} و یا مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی^{۳۳۲} - توصیه می شود.

ث - گناه آلودگی

گناه بطور طبیعی موجب دور شدن انسان از مسائل معنوی می گردد اما اثر ویژه ای که در جوانان و نوجوانان دارد آن است که موجب ناامیدی آنها از درگاه الهی گردیده و به مرور موجب سستی آنها نسبت به نماز و تمامی اعمال عبادی می گردد.

راهکار: راه حل این مشکل ترک گناه و بازگشت به درگاه الهی می باشد که در قرآن کریم آمده است: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (البقره: ۲۲۲) خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد. و بهترین روش ترک گناه نیز بکارگیری سیستم مراقبه، مشارطه، محاسبه می باشد، یعنی در طول روز مراقب اعمال خویش باشید و شب هنگام محاسبه کند تا ببینید به وظایف و برنامه هایی که دین از افراد با ایمان توقع دارد عمل کرده یا نه و در صورتی که عمل نکرده باشد با خود شرطی را بگذارید تا خود را مقید به ان اعمال نماید.

ج - عدم احساس نیاز

عدم برآورد صحیح نیازها، موجب غفلت از ضرورتها می گردد. از همین رو برخی افراد به هنگام روبرو شدن با مشکلی گرایش شدیدی به نماز و دعا پیدا می کنند اما پس از پشت سر گذاشتن مشکل همه چیز را

^{۳۳۱} - بدین منظور می توانید به آدرس WWW.PORSEMAN.ORG مراجعه و یا با شماره پیامک ۳۰۰۰۱۶۱۹ سوالات خود را طرح نمایید .

^{۳۳۲} - بدین منظور می توانید با شماره تلفن ۰۹۶۴۰ و یا پیامک ۳۰۰۰۷۱۲ ارتباط برقرار نمایید .

تمام شده می دانند لذا به سرعت وضعیت گذشته خود را فراموش کرده و به مسائل معنوی کم توجه می شوند و حتی بعضی به آن پشت می نمایند. خداوند متعال در وصف چنین افرادی فرموده است:

« وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ^{۷۳۳}؛ « هنگامی که انسان را زیانی رسد، پروردگار خود را می خواند و بسوی او باز می گردد؛ اما هنگامی که نعمتی از خود به او عطا کند، آنچه را به خاطر آن قبلاً خدا را می خواند از یاد می برد و برای خداوند همتیانی قرار می دهد تا مردم را از راه او منحرف سازد؛ بگو: «چند روزی از کفرت بهره گیر که از دوزخیانی!»

راهکار: دقت در این مساله که انسان نه تنها به هنگام بروز مشکلات به خداوند متعال نیازمند است بلکه نمی تواند حتی یک لحظه از خداوند متعال بی نیاز باشد چراکه به ثمر رسیدن هر تلاش و کوششی در گرو اراده خداوند است.

ح - تسویف (واگذاری امور به آینده)

برخی از جوانان با وجود اینکه چند سالی است که وارد سن تکلیف شده و در مقابل تعالیم و دستورات دین مکلف می باشند و بر آنها واجب است که به احکام دینی گردن نهند ولی با این توجیها که ما هنوز جوانیم و تازه اوایل عمر ماست و تا پیری فرصت داریم و بهانه هایی از این قبیل در نماز خواندن خود سستی می نمایند.

راهکار: برای تصحیح این دیدگاه غلط تنها لازم است هر از چندگاهی انسان سری به قبرستان ها بزند و جوانان و نوجوانانی که سر به تیره تراب گذاشته اند را ملاحظه نماید.

خ - محیط خانواده و بی توجهی والدین

بی توجه بودن یا کم توجهی پدر و مادر یا مربی خانواده نسبت به فرزندان در محیط خانه و سطحی نگری آنان در ابتدای نوجوانی فرزندان یا احیاناً بی مبالا تی اعضای خانواده نسبت به مسائل دینی خصوصاً فریضه نماز تاثیر بسزایی در تربیت جوانان و نوجوانان به جای می گذارد. بعنوان مثال فرزند اگر در خانه ای رشد کند که در آن خانه کسی به نماز اهمیت ندهد یا در قبال مسائل دینی خود را مسئول ندانند یا خود اهل نماز باشند ولی فرزند خانواده را تحریص و تشویق به نماز ننمایند قطعاً فرزند آن خانواده اهل نماز و عبادت نخواهد شد.

راهکار: اصلاح رفتار والدین و توجه بیشتر آنها به نماز در جلوگیری از این روند موثر است.

د - خجالت کشیدن

^{۷۳۳} - زمر (۳۹)، آیه ۸

خجالتی بودن یکی از ویژگیهایی می باشد که موجب می شود برخی جوانان و نوجوانان از ابراز عقاید حقه خود ممانعت به عمل بیاورند مثل زمانیکه فرد در جمع مهمانیها و مجالس قرار می گیرد و خجالت می کشد وضو گرفته و نماز بخواند.

راهکار: ایجاد اعتماد به نفس برای مقابله و مواجهه با محیط های ناسالم، تمسخرهای افراد نادان و همچنین خجالتی بودن. زیرا بعضاً ممکن است نو جوانی که اقدام به خواندن نماز می کند در چنین شرایطی اگر اعتماد به نفس نداشته باشد از میدان بدر رفته و نماز را ترک کند.

د- تحمیل عبادات مستحبی به خود به هنگام عدم آمادگی روحی

انسان برای انجام اعمال مستحبی (همچون نماز شب و خواندن ادعیه، حضور در مراسمهای معنوی) همواره از لحاظ روحی دارای آمادگی نمی باشد بلکه گاهی اوقات در حال نشاط و آمادگی معنوی و گاهی اوقات هم آمادگی و نشاط لازم را ندارد.

لذا اگر فردی در حالت ادبار و بی میلی به انجام مستحبات پرداخته و این امور را به خود تحمیل نماید به مرور زمان موجب دل زدگی از امور معنوی همچون نماز می گردند.

راهکار: رعایت حد اعتدال در عبادات و تنظیم عبادات متناسب با شرایط روحی خود.

ر- خستگی ناشی از فعالتهای روزانه

مشغول نمودن بیش از حد و توان خود به امورات مادی و فعالیتهای جنبی جوانان موجب خستگی جسمی می شود و این خستگی جسمی بدنبال خود خستگی روحی و بی حالی نسبت به نماز و دیگر عبادات را نیز بدنبال خواهد داشت.

راهکار: تنظیم برنامه ای منسجم برای طول روز، بگونه ایکه بتوان هم نشاط عبادی خود را حفظ کرد و هم فعالیت های دیگر زندگی اعم از تفریح، ورزش و کار و تحصیل خود را به خوبی ادامه دهید.

ز- مزاحم دانستن نماز برای کارهای شخصی

برخی چون در وقت نماز مشغول کارها و اعمال شخصی خود هستند، خواندن نماز را به وقت دیگری موکول می کنند و هرگاه فرصت های اولیه برای اقامه و برپایی نماز از دست رفت، به تدریج بعد از استراحت چون دوباره مشغول فعالیت می شوند اقامه نماز را مانعی برای انجام کار های خود می دانند.

راهکار: رفع این مشکل به معرفت انسان نسبت به خداوند متعال بستگی و ایمان به وعده های الهی دارد و اینکه انسان هر چیزی را در مدار مسائل مادی ارزیابی ننماید و بداند که رفع مشکلات، روزی، موفقیت و... در پرتو عنایت الهی می باشد.

س- فقدان برنامه ریزی

به عنوان نمونه دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه معمولاً تحت نظارت والدین خود دارای برنامه ای منظم می باشند (هم برای مسائل مادی و هم معنوی)؛ اما به محض ورود به دانشگاه روال عادی زندگی افراد

تغییر کرده به گونه ای که تقریباً تمامی مسئولیتهای زندگی از جمله برنامه ریزی فعالیتهای روزانه بر عهده خود دانشجو قرار می گیرد. و متأسفانه برخی از دانشجویان بدلیل فضای باز محیط های دانشجویی نمی توانند آنگونه که باید و شاید زندگی دانشجویی خود را بر اساس برنامه منظمی تنظیم نمایند تا هم بتوانند به نحو شایسته ای فعالیت های درسی خود را پیگیری نمایند و هم از مسائل معنوی مانند نماز دور نمانند.

راهکار: تنظیم برنامه زندگی بر اساس دستور رسول خدا (صل الله علیه و آله) که توصیه فرمودند: سزاوار است برای عاقل اگر مغلوب هوای نفس نباشد که شبانه روز خود را چهار قسمت نماید،

اول: در یک قسمت حساب نفس خود را نماید تا ببیند در شبانه روز چه کسب کرده خوبی یا بدی،

دوم: در یک قسمت حوائج خود را از حقتعالی بخواهد و با او مناجات کند و تفکر در صنایع و مخلوقات خداوند بنماید،

سوم: در یک قسمت خلوت کند با برادران و دوستان (و باید ایشان برادران و دوستانی باشند که عیبهای او را بگویند و او را از عیوبش اعراض دهند)

چهارم: یک قسمت را از برای نفس خود گذارد که صرف در لذتهای حلال کند.^{۷۳۴}

ش - همنشینی با دوستان ناباب

بدیهی است که نقش بسیار مهم دوستان در شکل دهی شخصیت انسانی خصوصاً در سنین نوجوانی و جوانی را نباید نادیده گرفت. چه بسا جوانانی که در مسائل دینی علاقمند و به دینداری خود راغبند و لیکن در محیط های که در آن ساعاتی را سپری می سازند با افرادی آشنا شوند که کارهای نادرست انجام می دهند یا حرفهای لغو و بیهوده می زنند به مرور زمان موجب می گردد که حالات و رفتار آنها در روح انسان تأثیر بگذارد و به تدریج او را در دام بی نمازی و لا ابالی گری گرفتار نمایند.

راهکار: تجدید نظر در دوستان و انتخاب دوستان مسجدی

ص - تمسخر افراد جاهل و نادان

برخی اوقات نیز تمسخر افراد نادان موجب سستی دیگران نسبت به نماز می شود.

راهکار: تقویت اعتماد به نفس

عقوبت ترک نماز

۱۷۲- اگر نماز ترک کنیم، چه اتفاقی می افتد؟ مگر چه چیزی را از دست می دهیم؟

ترک نماز، کوتاهی در مهم ترین دستور الهی و انجام ندادن بزرگ ترین وظیفه و برنامه زندگی است. ترک نماز، ناشکری، ناسپاسی و کفران نعمت های الهی و برداشتن عمود و ستون دین است؛ زیرا نماز پایه دین است.

^{۷۳۴} - ارشاد القلوب - ترجمه مسترحمی ج ۲ ص ۱۴۶

ترک نماز و عبادت، باعث می‌شود که آفرینش و زندگی انسان، بیهوده و لغو جلوه کند؛ درحالی‌که عبادت است که انسان را به هدف آفرینش رهنمون می‌شود. ترک نماز و نیایش، موجب ترک لذت بخش‌ترین حالات انسان است.

ترک نماز آثار و نتایج شوم فراوانی دارد؛ که در پاسخ به این سوال به گوشه‌هایی از این آثار شوم می‌پردازیم:

یک - دور ماندن از امان

رسول خدا - صلی الله علیه وآله -: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَقَدْ بَرِيَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ وَ ذِمَّةِ رَسُولِهِ»^{۷۳۵}؛ «کسی که نماز را عمداً و بدون علت ترک کند از امان خدا و رسولش دور خواهد بود.»

دو - سبب تسلط شیطان

امام صادق (ع) از پدرش از پدرانش از امیر مؤمنان (ع) نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمود: «شیطان همواره از پسر آدم وحشت دارد و فاصله می‌گیرد تا زمانی که نمازهای پنجگانه‌اش را در وقتش به جا می‌آورد. پس هرگاه آنها را ضایع کرد بر او جرات پیدا می‌کند و او را بر گناهان بزرگ وارد می‌سازد.»^{۷۳۶}

نقل شده زنی، دیوانه وار و فریاد کنان خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! به یارانت بگو از نزد شما بروند که من با شما کاری دارم. اصحاب رفتند آن زن خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشست و عرض کرد: یا رسول الله! گناه بسیار بزرگی مرتکب شده‌ام. حضرت فرمودند: رحمت پروردگار بزرگ تر از گناه توست. آن گاه سؤال کردند: گناهت چیست؟ زن گفت: شوهردار بوده‌ام، مرتکب زنا شدم و از نطفه‌ی حرام حامله شدم، بچه به دنیا آمد، او را در خمره‌ی سرکه خفه کردم و سرکه‌ی نجس را به مردم فروختم! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حکم گناه آن زن را بیان کردند و سپس فرمودند: آیا می‌خواهی بدانی که چرا درون این چاه افتاده‌ای و این گناهان را مرتکب شده‌ای! من گمان می‌کنم که تو نماز عصر نمی‌خوانی!^{۷۳۷}

سه - نابود شدن اعمال خوب

رسول خدا - صلی الله علیه وآله -: «مَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ حَتَّى تَفُوتَهُ مِنْ غَيْرِ عُذْرٍ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ»^{۷۳۸}؛ «کسی که نمازش را بدون عذر ترک کند (نخواند) تا وقت آن بگذرد، عمل او نابود شده است.»

چهار - از بین رفتن فاصله کفر و ایمان

رسول خدا - صلی الله علیه وآله -: «بَيْنَ الْعَبْدِ وَ بَيْنَ الْكُفْرِ تَرَكَ الصَّلَاةَ»^{۷۳۹}؛ «فاصله کفر و بندگی ترک نماز است.»

^{۷۳۵} - عیون أخبار الرضا (ع) ج ۱، ص ۲۸۵

^{۷۳۶} - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳۰

^{۷۳۷} - حقی بروسوی اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت، بی تا، ج ۱۰، ص ۵۰۵

^{۷۳۸} - بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۰۲

چهار - مورد لعن تمامی کتب آسمانی و ملائکه و پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) رسول خدا - صلی الله علیه و آله -: «تارک الصلاة ملعون فی التوراة ملعون فی الانجیل ملعون فی الزبور ملعون فی القرآن ملعون فی لسان جبرئیل ملعون فی لسان میکائیل ملعون فی لسان اسرافیل ملعون فی لسان محمد»^{۷۴۰}؛ «ترک کننده نماز در تورات و انجیل و زبور و قرآن مورد لعنت قرار گرفته و به زبان جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و محمد (ص) ملعون است.»

پنج - مردن به دینی غیر از دین اسلام رسول خدا - صلی الله علیه و آله -: «مَنْ تَرَكَ صَلَاةً لَمْ يَرْجُو ثَوَابَهَا وَلَا يَخَافُ عِقَابَهَا فَلَا أَبَالِي أَيْمُوتُ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا أَوْ مَجُوسِيًّا»^{۷۴۱}؛ «کسی که نماز را ترک کند، در حالی که امید به پاداش نماز نداشته و از عذاب آن نیز نمی ترسیده، پس باکی نیست که یهودی بمیرد، یا نصرانی، یا مجوسی.»

شش - ترک نماز برابر است با کفر رسول خدا - صلی الله علیه و آله -: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ»^{۷۴۲}؛ «هرکس عمدا نمازش را ترک کند، کفر ورزیده است.»

در روایت دیگری آمده است: عبید بن زراره می گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: گناهان کبیره کدام اند؟ آن حضرت فرمود: گناهان کبیره در نوشتار علی بن ابی طالب (ع)، هفت چیز است: کفر به خداوند، کشتن انسان، عاق پدر و مادر شدن، ربا گرفتن، خوردن مال یتیم به ناحق، فرار از جهاد و تعرب بعد از هجرت. عبید می گوید: از امام پرسیدم: یک درهم از مال یتیم خوردن، بزرگتر است یا ترک نماز؟ حضرت فرمود: ترک نماز. عرض کردم: شما ترک نماز را از گناهان کبیره به حساب نیاوردید. حضرت فرمود: اولین چیزی که از گناهان کبیره برایت گفتم چه بود؟ عرض کردم: کفر به خداوند. فرمود: همانا تارک نماز کافر است.^{۷۴۳} هفت - اگر اقامه کنندگان نماز نبودند بی نمازها در دنیا هلاک می شدند.

امام صادق - علیه السلام -: «إِنَّ اللَّهَ لَيَدْفَعُ بِمَنْ يُصَلِّي مِنْ شِيعَتِنَا عَمَّنْ لَا يُصَلِّي مِنْ شِيعَتِنَا وَ لَوْ أَجْمَعُوا عَلَي تَرْكِ الصَّلَاةِ لَهَلَكُوا»^{۷۴۴}؛ «همانا، خداوند به وسیله شیعیان نمازگزار ما از شیعیان بی نماز ما (بلا را) دفع می کند، ولی اگر همه تارک نماز بودند هر آینه همه هلاک می شدند.»

هشت - لعن خدا بر تارک الصلوة

^{۷۳۹} - بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۰۲

^{۷۴۰} - الحکم الزاهره با ترجمه انصاری، ص ۲۹۴

^{۷۴۱} - بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۰۲

^{۷۴۲} - عوالی اللألی، ج ۲، ص ۲۲۴

^{۷۴۳} - الکافی، ج ۲، ص ۲۷۸

^{۷۴۴} - الکافی، ج ۲، ص ۴۵۱

حضرت علی - علیه السلام :- «اللَّهُمَّ أَلْعَنُ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا»^{۷۴۵}؛ «خدا یا لعنت کن کسی را که عمدا نماز را ترک کند.»

نه - متروود اسلام و مسلمین

رسول خدا - صلی الله علیه وآله :- «من اعان تارك الصلوة بلقمة او كسوة فكانما قتل سبعین نبیا اولهم ادم و اخرهم محمد»^{۷۴۶}؛ «کسی که ترک کننده نماز را به دادن طعامی یا لباسی یاری کند، مثل این است که هفتاد پیغمبر را کشته، که اول آنها آدم، و آخر آن ها محمد (ص) است.»

ده - بدست آوردن زیان و خسران آخرت

عبید بن زرارۀ می گوید: از امام صادق (ع) از سخن خدای عز و جل «هر کس به ایمان کافر شود به تحقیق عملش نابود شده و او در آخرت از زیانکاران است»^{۷۴۷} پرسیدم، فرمود: ترک کردن نماز است چنان نمازی که به آن اقرار کرده است.»^{۷۴۸}

یازده - بی بهره از اسلام

امام صادق - علیه السلام :- «لَا حَظَّ فِي الْإِسْلَامِ لِمَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ»^{۷۴۹}؛ «تارک نماز، حظ و بهره ای از اسلام ندارد.»

دوازده - از بین رفتن دین

رسول خدا - صلی الله علیه وآله :- «فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ»^{۷۵۰}؛ «کسی که عملا نمازش را ترک کند، به تحقیق که دینش را منهدم کرده است.»

در روایت آمده که سرور زنان، فاطمه، دختر سرور پیامبران - که دروهای خداوند بر او و پدر و شوی و پسران اوصیاء او باد - از پدر بزرگوارش حضرت محمد صلی الله علیه و آله پرسید: ای پدر جان! سزای مردان و زنانی که نماز را سبک بشمارند، چیست؟ فرمود: ای فاطمه، هر کس چه مرد باشد و چه زن، نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده مصیبت گرفتار می نماید: شش چیز در سرای دنیا، و سه چیز هنگام مرگ، و سه چیز در قبرش، و سه چیز در قیامت هنگام بیرون آمدن از قبر.

مصیبت‌هایی که در دار دنیا بدان مبتلا می گردد عبارتند از:

۱- خداوند، خیر و برکت را از عمر او برمی دارد.

۲- خداوند، خیر و برکت را از روزی اش برمی دارد.

^{۷۴۵} - مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۹۱

^{۷۴۶} - جامع الأخبار، ص ۷۴

^{۷۴۷} - «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» مانده (۵)، آیه ۵

^{۷۴۸} - بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۱۹

^{۷۴۹} - بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۳۲

^{۷۵۰} - بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۰۲

- ۳- خداوند- عزّ و جلّ- نشانه صالحان را از چهره او محو می‌فرماید.
- ۴- در برابر اعمالی که انجام داده پاداش داده نمی‌شود.
- ۵- دعای او به سوی آسمان بالا نمی‌رود و مستجاب نمی‌گردد.
- ۶- هیچ بهره‌ای در دعای بندگان شایسته خدا نداشته و مشمول دعای آنان نخواهد بود.
- و مصائبی که هنگام مرگ به او می‌رسد بدین ترتیب است:
- ۱- با حالت خواری و زبونی جان می‌دهد.
- ۲- گرسنه می‌میرد.
- ۳- تشنه جان می‌سپارد، به گونه‌ای که اگر آب تمام رودخانه‌های دنیا را به او بدهند، سیراب نگشته و تشنگی‌اش برطرف نخواهد شد.
- و مصیبت‌هایی که در قبرش بدان گرفتار می‌گردد بدین قرار می‌باشد:
- ۱- خداوند فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا او را در قبر نگران و پریشان نموده و از جایش برکند.
- ۲- خداوند گور را بر او تنگ می‌گرداند.
- ۳- قبرش تاریک می‌شود.
- و مصائبی که در روز قیامت، هنگام بیرون آمدن از قبر، بدان مبتلا می‌شود، عبارت است از:
- ۱- خداوند فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا در حالی که مردم به او می‌نگرند، او را به رو بر زمین بکشد.
- ۲- سخت از او حساب می‌کشند.
- ۳- خداوند هرگز نظر رحمت به او ننموده و از بدیها پاکیزه‌اش نمی‌گرداند، و برای او عذاب دردناکی خواهد بود.^{۷۵۱}

ترک نماز با توجیه ایمان داشتن

۱۷۳- به برخی افراد وقتی می‌گوئیم چرا نماز نمی‌خوانی می‌گویند «من به خدا ایمان داشته و او

را قبول دارم، پس چه نیازی به خواندن نماز هست!»! جواب این افراد چیست؟

در پاسخ به این افراد باید گفت: حفظ ایمان بدون انجام نماز ممکن نیست، چون ایمان مربوط به لفظ و ادعا نیست که کسی بگوید: من به خدا ایمان دارم و همان کافی باشد، بلکه از آیات و روایات استفاده می‌شود یکی از اجزا و ارکان اساسی ایمان، عمل است. قران مجید می‌فرماید: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»^{۷۵۲}؛ «سخنان پاکیزه به سوی خدا بالا می‌رود و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد.» و یا در

^{۷۵۱} - فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۲۲ - ادب حضور، ص ۶۲

^{۷۵۲} - فاطر (۳۵)، آیه ۱۰

سوره «والعصر» می خوانیم: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ؛ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...»^{۷۵۳}؛ «انسانها همه در زیانند؛ مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند»

آیات بالا نقش عمل را نسبت به ایمان روشن می کند. همان طوری که گناه، ایمان را کمرنگ می سازد، عمل صالح آن را تقویت می نماید. امام صادق(ع) می فرماید: «مَنْ عَمِلَ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ»^{۷۵۴}؛ «کسی که به دستور های الهی عمل کند، مؤمن است.»

ادعای ایمان بدون پای بندی به دستور های الهی، گزاف و دروغ است. اگر فقط ایمان قلبی کافی بود، پیامبران و اولیای الهی که از همه مردم مؤمن تر به خدا بودند، نباید عابدتر از دیگران باشند، در حالی که قرآن مجید از تأکید پیامبرانی چون ابراهیم، موسی و عیسی(ع) بر نماز و اعمال عبادی دیگر خبر داده است. سیرش آن است که نماز بهترین وسیله ای است که می تواند روحیه بندگی را در وجود انسان متجلی کند. عمل صالح جزئی از ارکان ایمان و یا شرط لازم آن است و هر یک از ایمان و عمل در افزایش دیگری تأثیر و نقش به سزا دارد. نماز عبادتی جامع است که می تواند تمام وجود انسان (از جهات بدنی و ظاهری گرفته تا جهات ذهنی و قلبی و باطنی) را در خدمت بندگی و پرستش قرار دهد. نیت خوب داشتن به تنهایی نمی تواند انسان را از انجام عبادت و نماز بی نیاز کند. خداوند در سوره انفال پس از آن که از ایمان در قلب سخن گفته، می فرماید: «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا...»^{۷۵۵}؛ «آنان که نماز را اقامه کرده و از آن چه بدانان روزی دادیم، در راه خدا انفاق می کنند، مؤمن واقعی هستند.» لذا در روایات متعددی که از سوی معصومین علیهم السلام نقل گردیده از نماز به عنوان ستون دین یاد شده است^{۷۵۶} به این معنا که نماز حافظ ایمان و اعتقادات انسان می باشد و بدون آن ایمان معنایی ندارد.

بخشش تارک نماز

۱۷۴- مگر خدا نفرموده است که حق الناس رو رعایت کنید من از حق الله میگذرم به همین سبب

بعضی افراد می گند که ما نماز نمی خوانیم و مسائل دیگر رو رعایت می کنیم و خدا از حق

خودش میگذره؟

اولاً: از قرآن کریم و سایر متون دینی استفاده می شود که، بخشش گناهان و گذشت خداوند از حق خود، در جایی است که انسان گناهان و خطاهائی را از روی جهالت انجام دهد و توبه کرده و با عمل صالح گذشته

^{۷۵۳} - عصر (۱۰۳)، آیه ۲ و ۳

^{۷۵۴} - بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۳۶

^{۷۵۵} - انفال (۸)، آیه ۳ و ۴

^{۷۵۶} - تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ص ۱۹۸

خود را جبران نماید در اینصورت از حق خود می گذرد، نه اینکه عمداً گناه کند و اصرار بر عمل خود داشته باشد به این خیال که خداوند او را می بخشد.

خداوند متعال در این باره فرموده است: «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»^{۷۵۷}؛ «اما پروردگارت نسبت به آنها که از روی جهالت، بدی کرده‌اند، سپس توبه کرده و در مقام جبران برآمده‌اند، پروردگارت بعد از آن آمرزنده و مهربان است.» و یا در آیه دیگر می فرماید: «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى»^{۷۵۸}؛ «و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می‌آمرزم!»

بنا بر این اگر کسی عمداً نماز نخواند بر اساس آنچه در روایات آمده موجب کفر اومی شود و دیگر زمینه ای برای بخشش و گذشت نمی ماند.

ثانیا: اگر قرار بود خداوند از حق خودش به این راحتی بگذرد بگونه ای که هر کس خواست به دستورات الهی عمل کند و هر کس دوست داشت آن را رها نماید؛ در اینصورت چه لزومی داشت که اصلاً خداوند دستوری برای بندگانش صادر کند و یا دیگر لزومی نداشت تا خداوند متعال برای ابلاغ دستورات خودش به مردم صد و بیست و چهار هزار پیامبر را با آنهمه مشقت هایی که برای آنها وجود داشت مبعوث نماید. ثالثاً: اگر قرار باشد خدا نسبت به حق خودش در خصوص نماز بی تفاوت باشد دلیلی ندارد این همه آیات و روایات مربوط به عذاب کسانی که نسبت به نماز سهل انگارند و یا نماز نمی خوانند بیان نماید. البته در مقایسه مسان حق الله و حق الناس، توبه و جبران حق الناس بسیار مشکل تر است و این گونه روایات سختی حق الناس را بیان می کند نه بی اهمیتی و بی تفاوتی نسبت به حق الله باشد.

ترک نماز به خاطر گناهان

۱۷۵- وقتی می خواهم نماز بخوانم همیشه یاد گناهانم می افتم و از خداوند خجالت می کشم و از

اینکه در پیشگاه خداوند برای نماز حاضر شوم، احساس شرمساری می کنم، قصد دارم دیگر

نماز نخوانم نظر شما چیست؟

دل نگرانی انسان در مورد اعمال گذشته، بشارت دهنده وجود روح تقوا و خداترس وی می باشد. این گونه نگرانی ها و اندوه ها نسبت به خطاها و سستی ها به ویژه در یک جوان بیانگر لطف خداوند و عنایت ویژه الهی می باشد.

حسرت بر اعمال بد و نادرست گذشته و اندوهگین بودن به خاطر آن امری مطلوب و پسندیده است به شرطی که از حد و اندازه تجاوز نکند. هدف از ندامت و پشیمانی از اعمال گذشته و غصه دار بودن به

^{۷۵۷} - نحل (۱۶)، آیه ۱۱۹

^{۷۵۸} - طه (۲۰)، آیه ۸۲

خاطر آنها این است که چنین اشتباهی در آینده تکرار نگردد و خطاها و کاستی های گذشته را با عزم و اراده ای مستحکم در آینده جبران شود و با عبرت آموزی از گذشته و دستیابی به عوامل خطاهای گذشته، راه آینده را با استواری و صلابت پیموده و به سعادت حقیقی در دنیا و آخرت نائل گردد. ولی اگر غصه و تأسف و اندوه برگزیده، افق آینده را در نظر ما تیره و تار سازد و پای رفتن و حرکت ما را سست نماید تا جایی که ما را از نماز دور کند، این دور شدن از هدف و تسلیم دوام شیطان شدن و از چاله به چاه افتادن است.

خداوندی که خالق و آفریننده ما است و از ضعف و ناتوانی و جهالت ما از همان ابتدای آفرینش و قبل از آن آگاه بوده و می دانسته ما انسان های خدا باور و معتقد به او دچار لغزش و خطا می شویم، دری به نام توبه بر روی ما گشوده است و ما را دعوت نموده که بعد از لغزش با توبه و پشیمانی و عذرخواهی بلند شویم و قد راست نماییم و رشته اتصال بین خود و خدا را که با گناه و خطا پاره کرده ایم دوباره گره بزنیم.

باید توجه داشت که دام های شیطان بسیار متنوع و رنگارنگ است. شیطان که استاد مکر و فریب است برای هر فردی دامی ویژه او دارد برای بندگان با تقوای الهی دامی و برای بندگان فاسق دامی دیگر دارد. هدف شیطان بازداشتن از یاد خداوند و فاصله انداختن بین بندگان و خداوند به هر طریق ممکن است. اندوه بر گذشته اگر باعث ناامیدی و یاس از درگاه الهی و در نتیجه ترک نماز گردد، در واقع شاد کردن شیطان و کمک به او در پیاده کردن اغراض شوم اوست.

نکته ای که نباید هیچگاه فراموش کرد این است که نماز علاوه بر اینکه انسان را از گرفتار شدن به گناهان بیشتر باز می دارد، خود یکی از راههای پاک نمودن گناهان گذشته می باشد.

پیامبر خدا فرموده اند: «فَإِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ وَتَوَجَّهْتَ وَقَرَأْتَ أُمَّ الْكِتَابِ وَمَا تَيَسَّرَ لَكَ مِنَ السُّورِ ثُمَّ رَكَعْتَ فَأَتَمَمْتَ رُكُوعَهَا وَسَجُودَهَا وَتَشَهَّدْتَ وَسَلَّمْتَ غُفِرَ لَكَ كُلُّ ذَنْبٍ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الصَّلَاةِ الَّتِي قَدَّمْتَهَا إِلَى الصَّلَاةِ الْمُؤَخَّرَةِ»^{۷۵۹}؛ «آنگاه که نماز را اقامه کردی و توجه به خدای متعال یافتی و سوره حمد یا سوره دیگری از سوره های قرآن را قرائت نمودی سپس به رکوع رفتی و رکوع و سجود را کامل بجای آوردی و تشهد و سلام را انجام دادی خداوند متعال همه گناهانی را که بین نماز قبلی و این نماز انجام داده ای می بخشد.»

لذا پس از یادآوری گناهان قبل از نماز، بطور صادقانه از خداوند متعال طلب مغفرت نموده و با امید به درگاه الهی نماز خود را با حضور قلب اقامه نمائید که بر اساس وعده الهی، رحمت خداوند متعال شامل حال شما خواهد شد.

^{۷۵۹} - من لا یحضره الفقیه ج ۲، ص ۲۰۲

ترک نماز به خاطر منتفی دانستن فلسفه آن

۱۷۶- بعضی می گویند فلسفه نماز این است که انسان را از فحشا و منکر باز بدارد پس کسی که

فحشا و منکر را مرتکب نمی شود، نیازی به نماز خواندن ندارد؟ ما نیز گناه نمی کنیم به همین

خاطر هم نماز نمی خوانیم.

اگر قرار بود با این استدلال کسی نماز نخواند، باید چهارده معصوم علیه السلام به خاطر معصوم بودنشان از اقامه نماز معاف می شدند و حال آنکه این بزرگواران بیشتر از همه نماز می خواندند.

ادعای چنین افرادی مبنی بر گناه نکردنشان یک ادعای پوچ و بی اساس است چرا که بدترین گناهی که هر روز مرتکب می شوند، تخلف از دستور الهی مبنی بر ترک نماز است و شاید ادعای این افراد به خاطر عدم شناخت آنها از گناهان می باشد که در این صورت توصیه می کنیم برای آشنایی با گناهان به کتاب «گناهان کبیره» شهید محراب آیت الله دستغیب مراجعه نمایند.

فلسفه و آثار و برکات نماز منحصر در بازدارندگی از گناه نیست بلکه مجموعه ای از حکمت ها و آثار و برکات در آن نهفته است که با ترک نماز، انسان از تمامی این آثار محروم می گردد.^{۷۶۰}

ترک نماز به خاطر عدم بازدارندگی از گناه

۱۷۷- من تصمیم گرفتم که دیگه نماز نخونم آخه به چه دردی می خوره وقتی گناه هام هر روز

تکرار میشه؟ هیچ جوره هم نمی شه انجام ندم چون تا حالا هزار بار سعی کردم که گناه نکنم

اما نشد؟

میزان بازدارندگی نماز از فحشا و منکر بستگی به درجات نماز و میزان حضور و توجه در آن دارد. اگر نماز به صورت کامل اقامه شود، به طور قطع نیروی بازدارندگی کاملی در فرد نماز گذار ایجاد خواهد کرد. در هر صورت نماز از فحشا و فکر باز می دارد ولی این در همه افراد نماز خوان به یک اندازه نیست. کسی که به کلی نماز نمی خواند، حتما به دلیل عدم وجود نیروی بازدارنده به گناهان زیادی آلوده خواهد شد. همین که شما اکنون سوال مطرح کرده اید معلوم می شود که طالب پاکی هستید و این طلب یکی از آثار نماز در شما است. باید به این نکته بیاندیشید که اگر همین نمازی را که اکنون می خوانید نمی خواندید، در چه راهی قرار می گرفتید و چه سرانجامی برایتان رقم می خورد؟

کسی که دوست ندارد به گناه آلوده شود، اگر نماز را به این بهانه که او را از گناهان باز نمی دارد ترک نماید در قدم اول دچار یکی از گناهان کبیره یعنی همان ترک نماز شده و این کار وی به معنای زدن تیر خلاص بر پیکره معنوی انسان و خراب نمودن تمامی پل هایی که می تواند بهترین راه بازگشت به خداوند

^{۷۶۰} - ر ک به فصل «فلسفه نماز» و «آثار و فوائد نماز» در همین کتاب

متعال باشد ولی خواندن نماز ولو اینکه همراه با گناه باشد نشانه باز بودن راه بازگشت و وجود زمینه مساعد برای ترک گناهان و عاقبت بخیری انسان می باشد نقل شده جوانی از انصار همواره با پیامبر به نماز می ایستاد اما در عین حال مرتکب گناه و فحشا می شد. وضعیت او را به پیامبر شرح دادند؛ پیامبر در پاسخ فرمود: یک روز نمازش او را از گناه باز می دارد، چیزی نگذشت که آن جوان از اعمال زشت خود توبه کرد.^{۷۶۱}

در پایان گفتنی است: خدای متعال در فطرت همگان شناخت نیک و بد را قرار داده و توسط انبیای الهی انسان را از پیروی از شیطان و هوای نفس برحذر داشته است و مومنان نیز به تاثیر منفی شیطان و هوای نفس ایمان دارند، ولی در اثر وجود عواملی نمی توانند آنچنان که باید مقاومت نمایند و دچار لغزش و گناه می شوند. برای اینگونه افراد بهترین راهکار تنظیم برنامه خودسازی و مبارزه با عوامل گناه است؛ که این مساله نیز امری تدریجی بوده و محتاج صبر و حوصله فراوان می باشد.

بنابراین انسان باید در مسیر کمال مانند کوهنوردی باشد که گاهی به قله کوه بلندی که قصد صعود به آن را دارد نگاه می کند و احساس می کند هنوز تا قله کوه راه زیادی مانده و از طرفی به دامنه کوه نگاه می کند و می بیند از آن فاصله گرفته و این حالت بین ترس و امید را چنان چه در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) آمده، همواره در زندگی خود حفظ کند. یعنی هم از این که گاهی توفیق بندگی و دوری از گناه را پیدا کرده امیدوار و خوشحال باشد و هم از این که گاهی دچار لغزش و گناه می گردد ترسان و بیمناک، نه اینکه پس از گرفتار شدن گناهان به جای اینکه به فکر جبران گناه خود باشد به کلی ناامید و مایوس شود و حتی تصمیم بگیرد تمامی راههای بازگشت را نیز خراب نماید.

ترک نماز پس از حضور در دانشگاه

۱۷۸- بعد از اینکه وارد دانشگاه شدم به مرور زمان نماز رو ترک کردم علت آن چیست؟

همانطور که می دانید دین همانند درختی است که نیاز به مراقبت و حراست دارد و در صورتی که انسان از آن غافل شود این درخت با ارزش، رشد خود را از دست داده و خواهد خشکید و نماز ستون و پایه دین است. بنابراین در این مورد که نمازتان را ترک می کنید لازم است آسیب شناسی دقیقی صورت بگیرد تا علت و یا علل این مشکل شناسایی شده و آنگاه به حل و فصل این موضوع بپردازید. لازم به ذکر است که رفتن به دانشگاه به خودی خود نمی تواند عامل ترک نماز باشد بلکه علل زیر می تواند در بوجود آمدن این مشکل دخیل باشد که شما می توانید آن ها را رفع کنید:

علل احتمالی:

الف - کاسته شدن نظارت والدین:

^{۷۶۱} - بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸

معمولا در دوران قبل از دانشگاه و حضور فرزندان در خانه والدین نسبت به برنامه های آنها نظارت بیشتری دارند و با تذکراتی که به جا آنها را نسبت به تکالیف دینی راهنمایی می کنند اما پس از ورود به دانشگاه و دور شدن از خانه این نظارت به حداقل خود می رسد و زمینه ترک نماز برای برخی دانشجویان فراهم می گردد.

ب - دوستان ناسالم و بی اهمیت به نماز و دین:

نشست و برخاست و معاشرت با کسانی که نسبت به نماز و دستورات دینی بی اهمیت هستند می تواند نقش موثری در دور شدن شخص از نماز داشته باشد چرا که شخصیت شما در این سنین متاثر از الگوهای رفتاری دوستان می باشد.

ج - القاء شبهات دینی:

القاء برخی شبهات در مورد نماز، دین و... در محیط های دانشگاهی باعث سست شدن مبانی دینی و در نتیجه کاهش رفتارهای دینی مانند نماز می شود که البته وجود این شبهات زمانی سازنده است که دانشجوی مسلمان آن ها را با مطالعه، تحقیق و پرسش حل کرده و از این معبر عبور کند.

د - اعتماد به نفس پایین:

اعتماد به نفس پایین در مورد رفتارهای دینی و خجالت از انجام فرایض دینی در محیط دانشگاه و یا خوابگاه بین دوستان و اطرافیان، یکی دیگر از علل ترک نماز و اعمال دینی پس از ورود به دانشگاه می باشد. ه - القاء این تفکر که خداوند مرا دوست ندارد و آب از سر ما گذشته باعث دور شدن بیشتر از انجام واجبات می باشد که شخص مسلمان باید شدیداً با آن مبارزه کرده و این فکر را از القائات شیطانی بداند.

و - تمسخر دیگران:

از آن جا که محیط دانشگاه بستری برای ارائه افکار مختلف می باشد، این احتمال وجود دارد که نماز خواندن با تحجر و عقب افتادگی همراه باشد. و حال آنکه از ویژگی های یک مومن واقعی این است که به تعبیر قرآن «لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»^{۷۶۲} باشد و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی نداشته باشد.

ی - ارتکاب گناه:

یکی از کانون های اصلی توجه دشمن در شیخون فرهنگی دانشگاه ها می باشد که خود بستر مناسبی را برای آلوده شدن به گناه را فراهم می کند گذشته از اینکه شرایط دانشگاه ها و محیط های دانشگاهی به گونه ای می باشد که زمینه مساعدی برای ارتکاب برخی از گناهان را برای دانشجویان فراهم نموده است به عنوان نمونه وجود کلاس های مختلط زمینه مساعدی برای گناهان چشم و برقراری روابط نامشروع را فراهم

^{۷۶۲} - مائده (۵)، آیه ۵۴

نموده است و... از آنجا که ارتکاب این قبیل گناهان موجب دوری انسان از خدا می گردد، به مرور افراد نسبت به نماز بی اهمیت شده و اقدام به ترک این فریضه الهی می نمایند.

خجالت نماز

۱۷۹- وقتی به مهمانی می رویم و یا در خوابگاه هستم خجالت می کشم در جمع دیگران بلند شده

و نماز بخوانم لذا نمازم را رها می کنم؛ آیا می شود بعد نماز بخوانم؟

در انجام احکام الهی مثل نماز و روزه و دیگر واجبات، شرم و حیا عذر حساب نمی شود لذا کسی نمی تواند به این بهانه نماز خود را ترک نماید.

اما آنچه که می تواند در چنین مواقعی اعتماد به نفس شما را افزایش داده و خجالت شما را از بین ببرد مقداری تفکر و تعقل در باره برخی موضوعات راجع به عملی است که می خواهید در آن محیط انجام دهید.

با خود بیندیشید آنهایی باید خجالت بکشند که دستور خالق، رازق و حافظ خود را با نماز نخواندن کنار گذاشته اند نه شمایی که می خواهید فرمان الهی را عملی نمائید و به نماز بایستید.

به یاد داشته باشید ائمه اطهار علیهم السلام همچون امام حسین علیه السلام در بدترین شرایط همچون ظهر عاشورا نماز را اقامه کردند چگونه می شود که ما در شرایطی که هیچ خطری تهدیدمان نمی کند و هیچ ضرری هم از این عمل به ما نمی رسد دست از نماز برداریم.

فراوش نکنید که چه بسا با این عمل خود، دیگرانی را هم که ممکن است مانند شما گرفتار خجالت شده باشند را تشویق به نماز نموده و آنها نیز ممکن است پس از شما به نماز بایستند که این خود امر به معروف عملی بوده و اجر فراوانی را نسبب شما می نماید.

این را بدانید که اگر به خاطر خجالت از دیگران نماز را رها کنید فردای قیامت هیچ یک از کسانی که شما به خاطر خجالت از آنها نمازتان را ترک کرده اید پاسخگوی عمل شما نمی باشند و این شما هستید که باید نسبت به ترک نماز خود حساب پس بدهید.

با خود اندیشه کنید که چه بسا قرار گرفتن در چنین موقعیتی، امتحانی از سوی خداوند برای ارزیابی پایبندی شما به دستورات دینی باشد لذا سعی کنید از این امتحان الهی سربلند بیرون بیائید.

ترک نماز به خاطر عدم حضور قلب

۱۸۰- دوستی دارم که نماز را ترک کرده. او در توجیه کارش می گوید حدیثی از امیرالمؤمنین

علی(ع) داریم که فرموده: «اگر یک لحظه حضور قلب در نماز نداشته باشم، نماز نمی خوانم.»

می خواستم سوال کنم، آیا در کتب روایی معتبر ما چنین حدیثی نقل شده است؟

اولاً: پس از بررسی منابع روایی به چنین روایتی دست نیافتیم و این جمله نه تنها از حضرت علی (علیه السلام) بلکه از هیچیک از معصومین (علیهم السلام) نقل نگردیده است.

ثانیاً: یکی از صفات معصومین (علیهم السلام) همان عصمت آنها از خطا، اشتباه، نسیان و دوری از خدا می باشد و این صفت همواره با آنها است لذا تصور این مطلب که، حتی به مقدار یک لحظه هم این بزرگواران از یاد خدا غافل باشند و یا اینکه در نماز حضور قلب نداشته باشند ممکن نیست. کما اینکه ابو حمزه ثمالی در حالات امام سجاد علیه السلام نقل کرده که: امام سجاد علیه السلام را در نماز دیدم که عباد آن حضرت از روی یکی از شانه هایشان افتاده بود آن را مرتب و منظم نکردند تا از نمازشان فارغ شدند، از آن حضرت راجع به آن پرسیدم. حضرت فرمودند: «وای بر تو، آیا می دانی در مقابل چه کسی من بودم، بنده نمازش قبول نمی شود مگر آن مقداری از نماز که حضور قلب دارد. (یعنی به همان مقداری که انسان در نمازش حضور قلب دارد به همان مقدار از نمازش مورد قبول خداوند قرار می گیرد)»^{۷۶۳}

ثالثاً: این جمله بپرفرض اینکه صحت داشته باشد به این معنا نیست که ایشان در برخی مواقع نمازهای خود را به دلیل عدم حضور قلب ترک می کردند بلکه به این معنا است که ایشان حتی یک لحظه هم در نماز حضور قلب خود را از دست نمی دادند.

رابعاً: شیطان برای دور کردن از نماز چنین وسوسه هایی را به ذهن انسان خطور می دهد تا به بهانه اینکه: «نمی توانیم نماز با حضور قلب بخوانیم لذا نماز مان فایده ندارد» وی را از نماز دور کند و حال اینکه وظیفه ما این است که مسیر کمال را طی کنیم و سعی کنیم در هر نمازی که می خوانیم نسبت به نماز قبلی حضور قلب بیشتری داشته باشیم.

^{۷۶۳} - علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۳۲

ترک نماز تا بعد از شناخت خدا

۱۸۱- یکی می گفت: انسان نباید کورکورانه نماز بخواند و این تقلید کورکورانه باعث میشود که

سوالات زیادی در ذهن ما بوجود آید، بلکه ابتدا باید خدا را بشناسی (و او را حس کنی) بعداً

هر زمان که این شناخت را پیدا کردی نماز بخوان) آیا این نوشته قابل قبول نیست؟!

اینکه انسان نباید کورکورانه نماز بخواند و باید خدا را بشناسد و عبادت نماید، درست است؛ اما این بدان معنا نیست که اول باید به اوج معرفت الهی رسید و بعد شروع به عبادت نمود. چون اساساً بدون عبادت شرعی محال است کسی خداشناس حقیقی شود. همین که انسان دانست خدایی هست و دینی فرستاده و دستوراتی داده، خود مرتبه ای از شناخت خداست. لذا به همین اندازه شناخت باید عمل نمود؛ و همزمان باید در راه شناخت عمیقتر خدا و دین او نیز کوشید؛ و طبیعی است که هر چه شناخت بالا می رود، باید عبادت را هم متناسب با آن، عمق بخشید. پس باید دانست و عبادت کرد؛ و باید عبادت نمود تا قابلیت برای یقین بیشتری حاصل گردد؛ و چون علم فزونتر شد، باید عبادت را عمق بخشید و به این ترتیب و به صورت پله پله در نردبان عبودیت و معرفت بالا رفت. لذا خداوند متعال فرمود: «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»^{۷۶۴}؛ «و پروردگارت را عبادت کن تا یقین به تو روی آورد»

علاوه بر اینکه خداوند متعال فرمود: «... اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ»^{۷۶۵}؛ «تقوای الهی پیشه کنید! و خداوند به شما تعلیم می دهد»

نیز امام باقر علیه السلام فرمودند: «مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ عِلْمَهُ اللَّهُ مَا لَمْ يَعْلَمْ»^{۷۶۶}؛ «هر که به آنچه می داند عمل نماید، خداوند آنچه را که نمی داند به او تعلیم می دهد»

پس علم و معرفت خداوند متعال و عمل و عبادت، همانند پله های نردبانند که یک در میان قرار گرفته اند. یا همانند دو بال پرنده اند که تنها با وجود هر دوی آنها می توان پرواز نمود. یا همانند روح و بدن و می باشند که همواره باهمند. لذا رسول خدا (ص) فرمودند: «الْعِلْمُ وَالْعَمَلُ قَرِينَانِ كَأَقْتِرَانِ الرُّوحِ وَالْجَسَدِ وَ لَأَ يُنْتَفَعُ بِأَحَدِهِمَا إِلَّا مَعَ الْآخَرَ»^{۷۶۷}؛ «علم و عمل همراهند مانند همراهی روح و بدن، و یکی بدون دیگری بی فایده است»

^{۷۶۴} - حجر (۱۵)، آیه ۹۹

^{۷۶۵} - البقرة ۲۸۲

^{۷۶۶} - بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۸۹

^{۷۶۷} - مجموعه ورام، ج ۱، ص ۸۲

ترک نماز به خاطر برآورده نشدن حاجت

۱۸۲- برخی‌ها که نمازشان را ترک کرده اند می‌گویند اگر خداوند مشکلات ما را حل نکند نماز

نخواهیم خواند؛ آیا این درست است؟

فرض می‌کنیم که آنچه برخی می‌گویند مطلب صحیحی باشد که اگر خدا مشکل ما را حل کند ما نماز می‌خوانیم؟ حال با توجه به این فرض به مطالب زیر توجه شود:

الف - اگر کسی که مشکلی ندارد فقط باید نماز بخواند، در این صورت اکثر مردم نباید نماز بخوانند؛ چون هر یک به نحوی مشکلی دارند. اگر یک جوان مشکل ازدواج و خانه دارد، بسیاری از ازدواج کرده‌ها و خانه‌دارها نیز ده‌ها مشکل دارند. حال آیا می‌توان این مبنا را پذیرفت؟

ب - نماز خواندن در برابر حل مشکلات؛ یعنی شاکر بودن در برابر احسان و لطف خداوند. حال می‌پرسیم آیا تاکنون خداوند نعمتی به ما داده که در برابر آن شاکر باشیم؟! آیا نعمت وجود، سلامتی، عقل، حواس، خانواده و... آیا سزاوار نیست که در برابر نعمت‌هایی که به ما داده او را شاکر باشیم تا او نیز نعمتش را بر ما افزون سازد.

ج - آیا احتمال نمیدهید که مشکلات فعلی به جهت ناسپاسیهای گذشته باشد؟! خداوند خود فرموده است: اگر «سپاس‌گزاری کنید، نعمتتان را افزون می‌سازیم»^{۷۶۸}

آنچه گفتیم با توجه به فرض بود، ولی اگر از زاویه کامل‌تری به موضوع نگاه کنیم، خواهیم دید که نماز فلسفه‌ای دارد فراتر از موضوع شکرگزاری و قدردانی نسبت به نعمت‌های خداوند نمازهای روزانه چراغ‌هایی است که در مسیر پر پیچ و خم زندگی روشن می‌شود تا انسان در گردونه‌ها، سختی‌ها و ظلمت‌ها خود را نبازد و در مسیر راستی و درستی حرکت کند؛ ناامید نگردد و بر مشکلات با توکل بر خداوند فائق آید.^{۷۶۹}

د - آیا فکر نمی‌کنید با ترک نماز یکی از مهمترین ابزارهای حل مشکلاتان را کنار گذاشته اید؟ آیا نمی‌دانید خداوند برای رفع مشکلات، کمک گرفتن از نماز را توصیه نموده است.

خداوند متعال در سوره بقره چنین توصیه نموده است: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^{۷۷۰}؛ «از صبر و نماز یاری جویید»

و - وجود برخی مشکلات عامل رشد و تعالی مومنین است و نباید آن را به عامل سقوط خود تبدیل نمود.

^{۷۶۸} - ابراهیم (۱۴)، آیه ۷

^{۷۶۹} - مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پائیز ۸۰ ش، چاپ اول، ج ۱، ص ۵۷

^{۷۷۰} - (۲) البقره ۴۵

حضرت موسی در گفتاری که با خداوند داشت عرض کرد: خدایا دوست ندارم که بیمار و ضعیف گردم و در عبادت من سستی پیدا گردد و هم دوست ندارم همیشه سالم باشم که تو را فراموش کنم، بلکه دوست دارم گاهی بیمار شوم که تو را یاد کنم و گاهی سالم شوم، و تو را شکرگذارم.^{۷۱}

ترک نماز بعد از ازدواج

۱۸۳- از زمانی که ازدواج کردم نماز را ترک کرده ام دلیل این موضوع چیست؟

قبل از پاسخ به سوال این نکته را یادآور می شویم که برخی افراد به هنگام روبرو شدن با مشکلی گرایش شدیدی به نماز و دعا پیدا می کنند اما پس از پشت سر گذاشتن مشکل همه چیز را تمام شده می دانند لذا به سرعت وضعیت گذشته خود را فراموش کرده و به مسائل معنوی کم توجه می شوند و حتی بعضی به آن پشت می نمایند.

خداوند متعال در وصف چنین افرادی فرموده است: «وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَ جَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ»^{۷۲}؛ «هنگامی که انسان را زبانی رسد، پروردگار خود را می خواند و بسوی او باز می گردد؛ اما هنگامی که نعمتی از خود به او عطا کند، آنچه را به خاطر آن قبلاً خدا را می خواند از یاد می برد و برای خداوند همتیانی قرار می دهد تا مردم را از راه او منحرف سازد؛ بگو: «چند روزی از کفرت بهره گیر که از دوزخیانی!»

مهمترین دلیلی که ممکن است موجب ترک نماز پس از ازدواجتان شده باشد این است که شما به هدفی که برای نماز خواندن ترسیم نموده بودید - یعنی ازدواج - دست یافته اید و پس از ازدواج دیگر دلیلی برای نماز خواندن خود نمی یابید.

به این معنا که ممکن است شما بالاترین هدفی که برای زندگی خود ترسیم نموده بودید دست یابی به ازدواج بوده باشد و برای رسیدن به این هدف نیز بهترین راهی که پیش روی خود می دیدید روی آوردن به خدایی بود که می توانست شما را به هدفتان برساند، لذا به امور معنوی از جمله خواندن نماز توجه می کردید؛ اما پس از رسیدن به هدف خود (یعنی ازدواج)، دیگر دلیلی برای خواندن نماز نمی بینید لذا آن را ترک کرده اید.

اما نباید دو نکته را فراموش کرد:

اول: نیاز انسان به درگاه الهی تنها منحصر در امر ازدواج و دیگر مشکلات نمی باشد بلکه انسان همچون چراقی که برای روشن ماندن خود بطور دائم نیاز به جریان الکتریسیته دارد در تمامی مراحل زندگی خود

^{۷۱} - ارشاد القلوب - ترجمه سلگی، ج ۱، ص ۱۲۲

^{۷۲} - زمر (۳۹)، آیه ۸

چه در امر ازدواج و چه دیگر امور مختلف زندگی از جمله سختی های آن نیاز به فیض الهی دارد چرا که به تعبیر خداوند متعال همه ما نیازمند خداوند متعال می باشیم آنجا که می فرماید: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ »^{۷۷۳}؛ «ای مردم شما(همگی) نیازمند به خدائید»

دوم: ترک نماز یعنی بستن تمامی راههای رسیدن به آثار و برکات دنیوی و اخروی و قبول این موضوع یعنی قبول از دست دادن آرامش روحی، از دست دادن شادابی روح، از دست دادن رحمت الهی و بطور خلاصه از دست دادن سعادت دنیا و آخرت.

مجوز ترک نماز

۱۸۴- در چه مواقعی می توان نماز را به جای نیاورد؟

خداوند متعال درباره وجوب نماز می فرماید: «...إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا»^{۷۷۴}؛ «همانا نماز در اوقات معین بر مؤمنان مقرر شده است.» بنابراین نماز هیچ گاه نباید ترک شود. حتی اگر کسی نمی تواند به شکل عادی انجام دهد، باز هم نماز را باید بخواند؛ مثلاً اگر کسی ایستاده نمی تواند نماز بخواند باید نشسته آن را به جا آورد و اگر نشستن هم برایش ممکن نیست باید خوابیده نماز بخواند... و تنها در یک مورد نباید نماز بخواند و آن هنگام عادت ماهیانه زنان است.^{۷۷۵}

^{۷۷۳} - فاطر (۳۵)، آیه ۱۵

^{۷۷۴} - نساء (۴)، آیه ۱۰۳

^{۷۷۵} - سعید شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اکبر، پاییز ۱۳۸۷ش، سوم، ص ۳۱۲

گفتار چهارم: بی نمازی

خوش شانسی بی نماز

۱۸۵- بنده یک دوست و هم اتاقی دارم که نماز نمی خواند، سوال من این است که با وجود اینکه

تقریباً به یک اندازه در درس خواندن تلاش می کنیم ولی او به مراتب از من در کسب نمره

موفق تر است و بسیار خوش شانس و خوش اقبال بوده و همیشه با غرور می گوید خدا با من

است. حال سوال من این است چگونه این فردی که نه مقید به نماز است، نه مقید به روزه و

واجبات است و از ارتکاب بعضی معاصی که بنده مرتکب نمی شوم ابایی ندارد پس چرا از

من موفق تر است؟

در این باره گفتنی است؛ موفقیت تحصیلی و پیشرفت های مادی به طور معمول مرهون تلاش و استعداد انسان است. چه بسا این فرد از استعداد و دقت بیشتری بهره مند باشد. بنابراین در هنگام مقایسه باید توجه داشته باشیم که در شرایط مساوی با بهره هوشی مساوی و وقت گاری یکسان به نتیجه گیری اقدام کنیم. بدیهی است که هرگاه دو نفر با بهره هوشی و دقت و زمان یکسان، تلاشی را آغاز کنند به طور بدیهی فردی که از عوامل معنوی نیز بهره مند باشد از شرایط مناسب تر و آرامش بیشتر نیز برخوردار خواهد بود. متأسفانه گاهی در هنگام مقایسه یک نفر با هوش بیشتر و با تلاشی بیشتر با یک نفر دیگر که مذهبی است اما هوش و تلاش کمتری دارد مقایسه می شود، در حالی که اگر امکانات و شرایط مساوی باشد به طو حتم جوانان مؤمن، با انگیزه و پشتکار بیشتر خواهند بود و موفقیت های آنها چشمگیر است چنان که اکنون در برخی پروژه های جهاد دانشگاهی یا صنایع مختلف هسته ای، هوا و فضا و ...، نمونه های فراوانی از جوانان مذهبی و تحصیل کرده و دارای رتبه های خوب علمی و تخصصی دیده می شود.

علاوه بر این که در زندگی باید به ادامه و پایان راه نیز اندیشید. کسانی که موقعیت دارند اگر آلوده به گناه شوند به طور معمول رفته رفته موفقیت های آنها کم می شود، اما کسانی که علاوه بر تحصیل و تلاش زندگی پاک دارند روند رو به رشد را طی می کنند. خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقِيكُمْ» تقوا، عمق دین است. اگر تقوا داشته باشید رستگار خواهید شد. این یک قانون تخلف ناپذیر است. خداوند در سوره شمس ۱۱ بار قسم یاد می کند تا بفرماید که «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا» همانا کسی که تزکیه (و تقوا) [پیشه] کرد رستگار می شود. مفهوم آن این است که انسان بی تقوا که اهل غیبت، بد دهانی و.... است، نماز نمی خواند و روزه نمی گیرد، قطعاً رستگار نخواهد شد مگر این که از این مسیر اشتباه برگردد.

علاوه بر این موفقیت های دنیوی نشانه محبوب بودن نزد خداوند نیست. در سوره « زخرف » به تمامی کسانی که ممکن است موفقیت های مادی را به عنان معیار دوری و نزدیکی افراد به خدا قرار دهند چنین پاسخی می دهد:

«اگر بهره مندی کفار از مواهب مادی سبب نمی شد که همه مردم، امت واحد گمراهی شوند، ما برای کسانی که کافر می شدند خانه هائی قرار می دادیم با سقفهائی از نقره و نردبان هائی که از آن بالا روند! و برای خانه های آنها درها و تختهائی (زیبا و نقره گون) قرار می دادیم که بر آن تکیه کنند. و انواع وسائل تجملی، ولی تمام اینها متاع زندگی دنیاست و آخرت نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است. هر کس از یاد خدا رویگردان شود شیطانی را به سراغ او می فرستیم و همواره قرین او باشد. و آنها (شیاطین) این گروه را از راه خدا باز می دارند، در حالی که گمان می کنند هدایت یافتگان حقیقی آنها هستند.»^{۷۷۶}

کفر بی نماز

۱۸۶- آیا کسی که نماز را ترک کند کافر است؟

روایات متعددی نقل شده است که تارک نماز کافر است. رسول خدا - صلی الله علیه وآله - فرموده اند: «مَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ»^{۷۷۷}؛ «هر کس عمدا نمازش را ترک کند، کفر ورزیده است.» و در روایت دیگری که از امام صادق - علیه السلام - نقل شده ایشان بیان داشته اند: «إِنَّ تَارِكَ الصَّلَاةِ كَافِرٌ»^{۷۷۸}؛ «همانا ترک کننده نماز واجب، کافر است.» البته باید دانست کفر در فرهنگ قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) به پنج معنا آمده است:

۱- کسی که اعتقاد به خدا و رسول و معاد ندارد مانند مشرکان.

۲- کسی که حق را می پوشاند.

۳- کفر نعمت (کفران نعمت)

۴- کفر به معنای ترک دستور خداوند و مخالفت کردن با او.

۵- کفر به معنای براءت و بیزاری جستن

مرحوم مجلسی بزرگ (ره) می فرماید: «کفر» در روایات نماز به معنای چهارم - یعنی ترک دستور خداوند و مخالفت با اوست - می باشد و بقیه گناهان نیز کفر است؛ ولی نماز شدیدتر است.^{۷۷۹}

^{۷۷۶} - زخرف (۴۳)، آیات ۳۳ تا ۳۹

^{۷۷۷} - عوالی اللآلی، ج ۲، ص ۲۲۴

^{۷۷۸} - وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۴۲

^{۷۷۹} - محمد وحیدی، دانستنی های لازم از نماز، قم، موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۷ش،

به عبارت دیگر دو نوع کفر مطرح است؛ یکی کفر اعتقادی و دیگری کفر عملی. با این تفاوت که در شرک و کفر اعتقادی، کافر به طور کلی از دایره دین الهی و مسلمانی خارج است و از نظر فقهی نجس می باشد اما در کفر عملی، برخی رفتارهای او مانند مشرکان است مثل ترک کنندگان نماز که رفتار او شبیه کافران است. اما اعتقاد به خدا دارد در نتیجه مشرک و نجس نیست. به همین جهت، از لحاظ فقهی «کافر، کسی است خدا را منکر شود یا برای خدا شریک قرار دهد یا پیغمبری حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) را قبول نداشته باشد. همچنین اگر در یکی از اینها شک داشته باشد و نیز کسی که ضروری دین، یعنی چیزی را که مثل نماز و روزه، مسلمانان جزء دین اسلام می دانند، منکر شود کافر و نجس است، البته اگر چنانچه بداند آن چیز ضروری دین است و انکار آن چیز به انکار خدا یا توحید یا نبوت برگردد، نجس است و اگر نداند، احتیاطاً باید از او اجتناب کرد...»^{۷۸۰}

با توجه به آنچه آمد در مورد کفر کسی که نماز را ترک نموده باید گفت: ترک نماز چند قسم است:

۱. ترک نماز به طور کلی از روی انکار دین؛ بطوری که معتقد به خدا نیست و با لجاجت می گوید: اگر چه خدا گفته اما من انجام نمی دهم! در این صورت منکر ضروری دین شده و کافر است و از لحاظ فقهی نیز محکوم به نجاست می باشد و چنین فردی به عذاب ابدی دچار می گردد.

۲- ترک نماز به دلیل مسامحه کاری و کم اعتنایی به امور اخروی و اشتغال به سرگرمی های دنیوی. این قسم از ترک نماز موجب فسق است و گناه کبیره شمرده می شود اما چنین فردی مسلمان می باشد و از لحاظ فقهی نیز حکم به طهارت چنین فردی می شود.

۳. ترک نماز در برخی اوقات: فردی در اثر ضعف ایمان و کم اعتنایی به امر آخرت گاهی نماز می خواند و گاهی ترک می کند و یا در اثر اهمیت ندادن به اوقات نماز، گاهی آن را در وقتش ترک می کند به خیال آن که در خارج وقت آن را قضا کند.

این قسم سوم هر چند مانند دو قسم قبل نیست ولی چنین فردی از ضایع کنندگان نماز و سبک شمارندگان آن است و در روایات آمده است که چنین کسی مشمول شفاعت اهل بیت (ع) قرار نمی گیرد و به شفاعت محمد و آل محمد (ع) نائل نمی گردد هر چند تارک الصلاه شمرده نمی شود و از سبک شمرندگان نماز به حساب می آیند.

رفاه بی نمازها

۱۸۷- اگر نماز خواندن در رفع بلاها موثر است؟ پس چرا اروپایی ها وضعشان خیلی بهتر از

ماست؟!

در این باره اشاره به چند نکته شایان توجه است؛

^{۷۸۰} - توضیح المسائل مراجع، مطابق با فتاوی دوازده نفر از مراجع معظم تقلید، ج ۱، ص ۸۴، مسئله ۱۰۶ از رساله امام

۱. ارتباط و تاثیرگذاری متقابل جسم و روح و جهان مادی و معنویت به روشنی قابل اثبات است و بر کسی پوشیده نیست که نشاط روحی و شادی روانی بر شادابی جسمی اثر مثبت دارد هم جنان که سلامتی و تندرستی بر آسایش و آرامش درونی انسان تاثیرگذار است. البته میزان تاثیرگذاری متقابل وابسته به عوامل و موانع متعدد است.

۲. نشانه نظام مندی جهان آن است که هر رفتاری و سلسله عواملی، نتیجه خاص خوش را داشته باشد. به طور مثال اگر دانه گندم کاشته شود و مراحل داشت و رسیدگی به خوبی انجام شود برداشت محصول خوبی را نیز چه بسا به دنبال داشته باشد و در این باره تفاوتی میان مسلمان و غیر مسلمان نیست بلکه هر کس نتیجه کار منظم یا نامنظم خود را خواهد دید که در فرهنگ دینی از این نظام مندی عمومی به «مشیت عام» نام برده شده است.

بنابر دو اصل پیش گفته؛ انسان باید بر اساس نظام مندی جهان فعالیت کند و نباید مسلمان بودن با نماز خوان بودن بهانه شود که کارها از مسیر خودش با تخصص های لازم آن انجام نگیرد. اما باید دانست عوامل شکل دهنده نظام مندی جهان، شامل عوامل مادی و عوامل معنوی می شود و غفلت از هر کدام خسارت ها و ناکامی های خاص خودش را به دنبال خواهد داشت. توجه به عوامل معنوی در کنار عوامل مادی از غرور و ناامیدی جلوگیری می کند و انسان را از بن بست نجات می دهد. آیا می توان خنثی شدن توطئه آمریکا در طبرستان را با تمامی تجهیزات مادی استکبار جهانی انکار کرد و عوامل معنوی را نادیده گرفت؟

آیا می توان موفقیت های انسان های مومن و عالمان وارسته را با حداقل زندگی مادی انکار کرد؟! از این لطف ویژه خداوند به بندگان خوب در اصطلاح به «مشیت خاص» و «توفیق الهی» یاد می شود. کسانی که مشمول لطف خاص می شوند انتظار بیشتری نیز از آنها هست چنان که حضرت یونس (علیه السلام) به دلیل کم حوصلگی به سختی دریا و شکم ماهی گرفتار شد در حالی که گناهی از او سر نزده بود. کسانی که در محیط مذهبی و خانواده مذهبی نیز رشد کرده اند انتظار بیشتری از آنان هست و اگر نماز را سبک بشمارند چه بسا گرفتاری هایی به سراغ آنان هست و اگر نماز را سبک بشمارند چه بسا گرفتاری هایی به سراغ آنان بیاید که برای پیروان ادیان دیگر چنین اتفاقی نیفتد.

در هر صورت عوامل معنوی مانند رعایت تقوا، یاد خدا و نماز نقش بسیار مهمی در آسایش زندگی طبیعی انسان دارد. خداوند می فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»^{۷۸۱}؛ «و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت» و در مقابل اگر مردم به دین داری و نماز روی بیاورد این عمل آنها موجب نزول برکات دنیوی بر آنها خواهد شد همانگونه که خداوند متعال فرموده

^{۷۸۱} - طه (۲۰)، آیه ۱۲۴

است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ»^{۷۸۲}؛ «و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم» البته آثار متعددی که برای عبادتی مانند نماز در روایات بیان شده به این معنا نیست که لزوما همه آنها با هم در یک فرد ظهور می‌یابد بلکه ممکن است در هر فردی متناسب با شرایط روحی و جسمی او برخی در آنها تحقق یابد و یا در فردی که آمادگی و زمینه کامل دارد همه آنها محقق شود.

هم چنین، آثار مادی و معنوی فراوانی که در آیات و روایات برای نماز بیان شده مشروط به وجود شرایطی مثل اخلاص و توجه و حضور در نماز و مانند آن می‌باشد و علاوه بر آن باید موانع موجود بر سر راه تحقق این آثار نیز بر طرف گردد. مثلا اگر انسان نماز شب بخواند ولی از گناهان پرهیز نداشته باشد و یا نسبت به والدینش رعایت احترام را نکند و به به حق الناس بی توجه باشد، بدون شک این آثار زمینه تحقق و تبلور پیدار نمی‌کند.

بنابر آنچه گفته شد نماز و عبادت، برکات متعددی در زندگی انسان دارد که در جوامع توسعه نیافته با این همه مشکلات، زندگی تحمل پذیر شده است و اگر در جوامع توسعه یافته نیز نماز و عبادت نهادینه شود به طور بدیهی موفقیت های آنان بیشتر خواهد بود در غیر این صورت اگر چه ظاهر زندگی شان رفاه مند باشد ولی آرایش پایدار و معنوی نخواهند داشت. چنان چه مصرف بالای داروهای ضد افسردگی و آرامش بخش در آن کشورها دلیل روشنی بر این واقعیت است.

در پایان نباید فراموش کنیم که پیشرفت اغلب کشورهای غربی بر پایه چپاول ثروت های طبیعی و استعدادهای کشورهای جهان سوم صورت پذیرفته است و این امر هر چند ممکن است در یک بازه زمانی موجب رفاه در این کشورها گردد، اما با بیدار شدن ملت ها و ایستادگی آنها در برابر مستکبرین و قطع شدن دست ابرقدرت ها از این منابع باد آورده از چهره واقعی این کشورها پرده برخواهد داشت.

کما اینکه استقلال طلبی برخی از کشورهای اسلامی در سال های اخیر و کوتاه شدن دست استکبار از منابع طبیعی آنها به مرور چهره واقعی و نابسامان کشورهای اروپایی نمایان شده و مردم اروپا را با تصمیماتی همچون ریاضت اقتصادی مواجه نموده است؛ و تجمعات اعتراض آمیز کشورهای اروپایی و آمریکایی در قالب جنبش های والستریت و جنبش ۹۹ درصدی می باشد بهترین گواه بر این مطلب می باشد.

^{۷۸۲} - أعراف (۷)، آیه ۹۶

علت بی‌نمازی

۱۸۸- چرا بعضی‌ها نماز نمی‌خوانند با وجود اینکه بعضی‌ها به خدا و پیامبر و ۱۲ امام و قیامت

و... معتقدند؟

این مسأله علت‌های مختلفی می‌تواند وجود داشته باشد که فهرست وار اشاره می‌نمائیم.

- ا- صحیح نبودن مبانی دینی افراد که ممکن است این اشکال در اصول دین و یا فروع دین باشد مثل فرقه اهل حق که با وجود اعتقاد به معصومین علیهم السلام این بخش از دستور دینی را حذف کرده و نماز نمی‌خوانند.
- ب- داشتن ذهنیت منفی نسبت به دین و دستورات دینی
- ت- عدم آشنایی و جهل نسبت به دستورات اسلام
- ث- عدم آگاهی از جایگاه و اهمیت نماز در اسلام
- ج- عدم آگاهی از آثار و برکات دنیوی و اخروی نماز
- ح- عدم آگاهی از پیامدهای منفی دنیوی و اخروی نماز نخواندن
- خ- بلد نبودن نماز
- د- تبلی و کوتاهی در فراگیری آموزه‌های دینی از جمله نماز
- ذ- پرورش در محیطی که برای نماز ارزشی قائل نبوده اند
- ر- امید بی‌جای نسبت به رحمت الهی
- ز- برداشت سطحی از دین به گونه‌ای که برخی تصور می‌کنند تنها اعتقاد و ایمان به خدا و چهارده معصوم (علیهم السلام) برای نجاتشان کفایت می‌کند و لو اینکه مرتکب گناه شده و عمل صالح مانند نماز را بیجا نیاورند.
- س- تصور غلط از مفاهیم دینی مثلاً ممکن است برخی در برداشت از مفاهیم دینی مانند شفاعت دچار اشتباه شده باشند و تصورشان این باشد که با وجود ترک واجبات مانند نماز و انجام معاصی همچنان شفاعت شامل آنها می‌شود.
- ش- عملکرد منفی برخی مسئولین مملکتی یا افراد به ظاهر مذهبی و نماز خوان که موجب دلزدگی برخی از دین می‌گردد. به طور مثال شنیده اند که فلان مسئول یا روحانی فلان خلاف را کرده است، این باعث می‌شود که نسبت به متدینین بی‌اعتماد شده، نماز خواندن را بی‌اثر تلقی کنند و با خود بگویند اگر عبادت فایده داشت، اینان چنین گمراه نمی‌شدند. غافل از اینکه این هم یکی از راه‌های شیطان برای فریب انسان است و نباید عمل دیگران را ملاک دین‌داری دانست.
- ص- تجربه‌های تلخ از نماز یا محیط مذهبی زمینه بی‌نمازی برخی افراد را فراهم می‌کند به عنوان نمونه ممکن است فردی در دوران کودکی و نوجوانی با اشتیاق به مسجد بیاید اما در مسجد با

برخورد ناروا مواجه می شود این رویداد ممکن است تا همیشه عامل جدایی و حتی نفرت وی از نماز گردد.

ض- تهاجم فرهنگی دشمنان بوسیله شبهه در اعتقادات دینی، ایجاد بدبینی نسبت به کانون های مذهبی، باعث بازداری افراد بخصوص جوانان از شرکت در مراسم عبادی، نماز جمعه و جماعت و... خواهد بود.

ط- گسترش فساد و فحشا در جامعه و شنیدنی ها و دیدنی ها و لذت های نامشروع دنیوی که محصول فرهنگ غرب است، نیز باعث می شود جوانان نسبت به نماز و بندگی خدا و دین داری بی رغبت شوند و نوعی گریزی در آنان به وجود بیاید.

ظ- عامل دیگری که در سستی نماز و سایر فرایض عبادی می تواند موثر باشد غرور جوانی و تکبر و بزرگ منشی برخی از افراد است. صفت غرور از پست ترین اوصاف انسانی است که شاید بتوان گفت منشا تمام گناهان و معاصی می گردد. هرگاه این خصلت در کسی پا بگیرد و استقرار یابد فرد را به مهلکه های بزرگی می کشاند با متصف شدن به این صفت فرد چنین می پندارد که اگر در مقابل خدای خود سجده کند کوچک می گردد بنابراین برای اینکه بزرگی و غرورش محفوظ بماند در مقابل هیچ کس نباید سر تعظیم فرود آورد ولو در مقابل خداوند متعال. فلذا این خیالبافی شاعرانه و تصورات جاهلان او را از همه اوامر متعبدانه دور ساخته و مانعش می شود که او در مسیر سعادت خویش گام بردارد. این همان وصفی است که وقتی در ابلیس ظاهر و آشکار شد در مقابل دستور صریح خداوند سر باز زد و حاضر نشد امر الهی را در سجده بر آدم امتثال نماید.

تفاسس بی نماز

۱۸۹- تفاسس کسی که نماز نمی خواند در این دنیا و آخرت چیست؟

آنچه که در دنیا و آخرت نصیب بی نماز می شود و در آیات و روایات به آن تصریح شده از قرار ذیل می باشد:

یک - بی نماز در دنیا زندگی پرمشقتی دارد و در قیامت کور محسور می شود:
خدای متعال تصریح نموده هرکس از یاد الهی رویگردان شود زندگی سختی داشته و در قیامت کور محسور می شود آنجا که می فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»^{۷۸۳}؛ «و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محسور می کنیم!»

دو - بی نماز از یاری خداوند محروم است:

^{۷۸۳} - طه (۲۰)، آیه ۱۲۴

قدرت نماز گذاران از نماز و خداوند است. کسیکه نماز می خواند در هر نمازی با گفتن «ایاک نعبد و ایاک نستعین»^{۷۸۴}؛ «پروردگارا فقط تو را می پرستیم و فقط از تو یاری می جوئیم» از خداوند طلب یاری می جوید اما بی نماز خود را از این یاری محروم می نماید و ضعیف می ماند.

سه - بی نماز آرامش روحی ندارد:

کسی که نماز نمی خواند همواره مضطرب و نگران است، زیرا دل انسان تنها با نماز و یاد خدا آرام می شود: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^{۷۸۵}؛ «و نماز را برای یاد من بپادار!» و در آیات دیگری از قرآن برای این ذکر و یاد خدا ویژگی هایی مطرح نموده است از جمله اینکه یا ذکر و یاد الهی است که دلها آرام می گیرد «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^{۷۸۶}؛ «آگاه باشید، تنها با یاد خدا دلها آرامش می یابد!»

چهار - بی نماز در لحظه مردن با التماس درخواست بازگشت به دنیا را دارد

کسی که عمدا نماز را اقامه نمی کند هنگام مردن برای برگشت به دنیا و جبران گذشته ملتمسانه تقاضای برگشت می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: «يَا عَلِيُّ تَارِكُ الصَّلَاةِ يَسْأَلُ الرَّجْعَةَ إِلَى الدُّنْيَا» «یا علی تارک نماز بازگشت به دنیا را درخواست می کند» سپس در ادامه فرمود: «و این گفتار خداوند متعال است که در قرآن کریم فرموده است: «حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ - قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ؛ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا»^{۷۸۷}؛ «[آنان هم چنان به راه غلط خود ادامه می دهند] تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرا رسد [در آن حال] می گوید: پروردگار من! مرا باز گردان! شاید در آنچه ترک کردم [و کوتاهی نمودم] عمل صالحی انجام دهم [به او می گویند چنین نیست، [این سخنی است که او به زبان می گوید»^{۷۸۸}.

پنج - بی نماز حتما جهنمی خواهد بود!!

در قرآن کریم آمده: در قیامت یکی از سؤال هایی که بهشتیان از جهنمیان می پرسند در خصوص علت جهنمی شدن آنها می باشد که آنها جواب می دهند ما به خاطر این جهنمی شدیم که نماز نمی خواندیم. خداوند متعال این مکالمه را چنین بیان داشته: «فِي جَنَّتٍ يَتَسَاءَلُونَ؛ عَنِ الْمُجْرِمِينَ؛ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؛ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»^{۷۸۹}؛ «آنها (مومنان) در باغهای بهشتند، و سؤال می کنند... از مجرمان: چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟!» می گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم»

لذا عاقبت بی نماز گرفتار شدن به عذاب الهی است مگر اینکه توبه نموده و به جبران گذشته خود پردازد.

^{۷۸۴} - فاتحه (۱)، آیه ۴

^{۷۸۵} - طه (۲۰)، آیه ۱۴

^{۷۸۶} - رعد (۱۳)، آیه ۲۸

^{۷۸۷} - مؤمنون (۲۳)، آیه ۹۹ و ۱۰۰

^{۷۸۸} - بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۵۸

^{۷۸۹} - مدثر (۷۴)، آیات ۴۰ تا ۴۳

شش - حقارت بی نماز در قیامت

افراد بی نماز با حقارت و ذلیلانه وارد جهنم می شوند همانگونه که خداوند متعال فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»^{۷۹۰}؛ «آنان که از عبادت کردن به خداوند تکبر می ورزند، هرچه زودتر ذلیلانه به جهنم فرو خواهند رفت.»

غیر مسلمان بی نماز

۱۹۰- تکلیف این همه غیر مسلمانانی که نماز نمی خوانند چه می شود؟ آیا خداوند به خاطر اینکه

نماز نمی خوانند آنها را عذاب می کند و حال آنکه در بین آنها افرادی هستند که به بشریت

خدمت کرده اند مثل مخترعین و دانشمندان و پزشکان؟

در برابر این پرسش سه رویکرد وجود دارد:

یک: انحصارگرایی سخت گیرانه

بر اساس این گمانه در میان همه اهل زمین تنها پیروان دین و مذهب و فرقه واحدی اهل نجات و رستگاری اند. به عنوان مثال تنها مسلمان شیعه دوازده امامی پایبند به همه اصول مذهب و احکام شریعت امکان رستگاری دارد و دیگران همه نارستگارانند. چنین نگرشی نه مبنای خردپذیری دارد و نه با منطق اسلام سازگار می باشد. از نظر عقلی این گمانه مغایر با اصل غلبه خیر بر شر است و از نظر دینی با غلبه رحمت خدا و هدف اساسی خلقت انسان و ملاک ها و معیارهای رستگاری و نارستگاری ناسازگاری دارد.^{۷۹۱}

دو: تکثر گرایی نجات

بر اساس این گمانه، همه پیروان ادیان اهل نجات و رستگاری اند. به عبارت دیگر شرط نیک فرجامی فقط دین داری است و بس، اما این که کدامین دین را برگزینیم هیچ نقشی در این زمینه ندارد. این گمانه مبتنی بر پلورالیسم دین است که بطلان و ناراستی آن از نظر عقل و دین مورد بررسی واقع شد.^{۷۹۲}

سه: قرآن و نجات گرایی اعتدالی

قرآن در باب نجات نه سخت گیری انحصارگرایانه را بر می تابد و نه کثرت گرایی حق و باطل یکسان انگار را. در نگاه قرآن کفو و انحراف از دین حق دو گونه است:

^{۷۹۰} - غافر (۴۰)، آیه ۶۰

^{۷۹۱} - جهت آگاهی بیشتر بنگرید: شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، صص ۲۸۵-۲۸۸، تهران، صدرا

^{۷۹۲} - همان، صص ۲۸۵-۲۸۰

۱- کفر عناد و لجاجت (جحد)؛ کسی که اصطلاحاً به جاهل مقصر و کافر معاند معروفند. یعنی اسلام به آنها رسیده و آنان به حقانیت آن پی برده اند اما با لجاجت و سرکشی حاضر به پذیرش حق نیستند. این گونه افراد کافر، معاندند و مستحق عذاب دوزخ می باشند.

۲- **کفر جهالت و نادانی**؛ چنین کفری اگر ناشی از تقصیر و کوتاهی عمدی شخص نباشد، بلکه صاحب آن از سویدای دل جویای حقیقت و پیرو آن در حدی که با آن آشناست باشد و با قلب سلیم و تسلیم قلبی در برابر حق، خدا را ملاقات کند؛ خداوند او را معذب نمی سازد؛ چراکه عذاب خدا تابع حجت هایی است که بر بندگان تمام کرده و واکنش های منفی آگاهانه و حق ستیزانه آنها در برابر حجج الهی. قرآن ضمن آن که تنها دین حق و صراط نجات را آیین اسلام می داند به نکات مهمی در کنار این مسئله پیرامون شرایط نجات و رستگاری اشاره می کند از جمله: در باره قیامت می فرماید:

«يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»^{۷۹۳}؛ «در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی بخشد، مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید!»

و از طرف دیگر قرآن می فرماید: «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا»^{۷۹۴}؛ «و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم (تا وظایفشان را بیان کند).»

و در جاهای دیگر قرآن یادآور شده است که: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»^{۷۹۵}؛ «زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند!»

از آنچه گذشت روشن می شود که سعادت اخروی در گرو عوامل متعددی است از جمله:

- حسن فعلی یا گزینش راه درست،

- حسن فاعلی یعنی سلامت و پاکی درون و تسلیم امر حق بودن،

- برقراری حجت الهی و چگونگی برخورد و واکنش های انسان در برابر آن.

انگاره فوق خردپذیر ترین انگاره است؛ در این انگاره از سویی مسئولیت انسان در جستجو و گزینش راه حق محفوظ است و از دیگر سو هیچ انسانی صرفاً به جهت عدم دست یابی غیرارادی به راه حق و حقیقت مورد عذاب و شقاوت قرار نمی گیرد. بنابر این کسانی که پس از آگاهی از حق و آشکار شدن چهره اسلام، بر شرایع گذشته به ویژه با تحریفاتی که در آنها رخ داده باقی بمانند، از آنان پذیرفته نیست و از زیانکاران خواهند بود: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^{۷۹۶}؛ «و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است.»

^{۷۹۳} - (۲۶) الشعراء : ۸۸-۸۹

^{۷۹۴} - (۱۷) الإسراء : ۱۵

^{۷۹۵} - (۹) التوبة : ۱۲۰

^{۷۹۶} - (۳) آل عمران : ۸۵

مگر در مورد جاهلان قاصر که حکم آنان با خداست و به تناسب حسن فاعلی و حسن فعلی شان امید به لطف و عنایت الهی در مورد آنان وجود دارد.

بی نماز با حجاب

۱۹۱- جایگاه دختری که آرایش می کند ولی نماز می خواند و جایگاه دختری که نماز نمی خواند

و آرایش نیز نمی کند، نزد خداوند چگونه است؟

همان طور که نماز خواندن از دستورات مهم و اکید دین است رعایت عفاف و وقار برای یک زن و اجتناب از خودنمایی و آرایش حرام و نا به جا و خود را در معرض دید نامحرم قرار ندادن از سفارشات دین است و از آنجا که دین مجموعه ای کامل از دستورات و احکام و معارف و اخلاق است و دیندار کامل آن است که دین را در کلیت و جامعیت آن در همه ابعاد اجرا و پیاده نماید و هر کس در گوشه ای از ابعاد وسیع دین کوتاهی نماید به همان اندازه در دیانت ناقص است و پیامدهای منفی دنیوی و اخروی این کوتاهی نیز دامنگیرش خواهد شد.

هرچند تشخیص جایگاه واقعی انسان ها در نزد خداوند کار ساده ای نیست و به درستی نمی توان این جایگاه و موقعیت را تشخیص داد زیرا علاوه بر اعمال ظاهری انسان نیت ها و انگیزه های درونی آنها نیز در تعیین این موقعیت و جایگاه دخیل و موثر است و ما نوعاً راهی به درون انسان ها و تشخیص این نیت و انگیزه ها نداریم و نمی توان تنها بر اساس ظاهر اعمال انسان ها و نوع رفتار آنها در این باره قضاوت قاطع نمود. اما شاید بتوان گفت که در عین حال که ترک نماز و خودنمایی و آرایش در برابر نامحرم هر دو عملی خلاف و کوتاهی در امر بندگی است، ولی با توجه به اهمیتی که نماز در اسلام دارد و ستون خیمه دین محسوب می شود جرم ترک نماز بالاتر و سنگین تر است.

گذشته از اینکه خانم نمازخوانی که در اهل آرایش در برابر نامحرم است به خاطر روحیه معنوی حاصل از نماز و ارتباط با خدا راحت تر و زودتر راهنمایی و ارشاد می شود و امید است به برکت نماز دست از این گناهش بردارد ولی انسان بی نماز چون این زمینه را ندارد سخت تر و دیرتر ارشاد و راهنمایی به سوی نماز خواندن و انجام دستور الهی می شود.

۱۹۲- در معارف و تعالیم ما آمده است که قبول اعمال نیک انسان در گرو قبولی نماز است، حالا

فرض بفرمایید فرد تارک الصلواتی را که کارهای خیر زیادی انجام داده - کافر باشد یا مسلمان

- حالا مزد این اعمال چه می شود؟ آیا این مساله با عدالت خداوند منافات ندارد؟

در ابتدا گفتنی است؛ هر رفتار خوبی بدون سودمندی نیست. البته بعضی پاداش ها در همین دنیا داده می شود به طوری که گشایش ها و یا نعمت هایی در زندگی او سرازیر می شود و یا بلاهایی از او دفع می شود و در قیامت نیز حتی برای کافران عذاب جهنم دارای مراتب مختلف است و برای کافرانی که خدماتی داشته اند از تخفیف مجازات بهره مند خواهند شد. جهت توضیح بیشتر نیز به چند نکته می توان اشاره کرد:

۱- افرادی که به خدا و آخرت ایمان ندارند، طبعاً هیچ عملی را به منظور بالا رفتن به سوی خدا انجام نمی دهند، و چون به این منظور انجام نمی دهند قهراً سیر و سلوکی از آنها به سوی خدا و عالم آخرت صورت نمی گیرد؛ پس طبعاً آنها به سوی خدا و ملکوت خدا بالا نمی روند و به بهشت نمی رسند؛ یعنی به مقصدی که به سوی آن نرفته اند، به حکم آنکه نرفته اند، نمی رسند و این امر منافاتی با عدل الهی ندارد.^{۷۹۷}

۲- غیر مسلمانانی که به خدا و آخرت ایمان دارند و عمل خیر به قصد تقرّب به خداوند انجام می دهند، به موجب اینکه از نعمت اسلام بی بهره اند طبعاً از مزایای استفاده از این برنامه الهی محروم می مانند؛ از اعمال خیر آنها آن اندازه مقبول است که با برنامه الهی اسلام منطبق است؛ مانند انواع احسانها و خدمتها به خلق خدا. اما عبادات مجعوله که اساسی ندارد طبعاً نامقبول است و یک سلسله محرومیتهای که از دستنارسی به برنامه کامل ناشی می شود شامل حال آنها می گردد.

۳- عمل خیر مقبول، اعمّ از آنکه از مسلمان صادر شود یا از غیر مسلمان، یک سلسله آفتها دارد که ممکن است بعد عارض شود و آن را فاسد نماید. در رأس همه آن آفتها، ترک نماز می باشد.

راوی می گوید از امام صادق علیه السلام در خصوص آیه شریفه ای که می فرماید: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^{۷۹۸}؛ «هر کس به ایمان کافر شود به تحقیق عملش نابود شده و او در آخرت از زیانکاران است» سوال کردم آن حضرت در پاسخ فرمود: «ترک الصلاة الذی اقر به...»^{۷۹۹}

«ترک کردن نماز است چنان نمازی که به آن اقرار کرده است»

^{۷۹۷} - ر ک ترجمه تفسیر المیزان آیه ۳ سوره محمد، ج ۱۸، ص ۳۳۹

^{۷۹۸} - مائده (۵)، آیه ۵

^{۷۹۹} - بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۱۹

در خصوص افراد غیر مسلمان نیز هرچند اعمال خیر فراوانی به قصد تقرب به خدا انجام دهند، اما وقتی که حقایق اسلام بر آنها عرضه گردد تعصب و عناد بورزند و انصاف و حقیقت‌جویی را کنار بگذارند، تمام آن اعمال خیر هبا و هدر است همانگونه که خداوند متعال فرموده است: «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ»^{۸۰۰}؛ «اعمال کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، همچون خاکستری است در برابر تندباد در یک روز طوفانی! آنها توانایی ندارند کمترین چیزی از آنچه را انجام داده‌اند، به دست آورند»

۴- اعمال خیر افرادی که به خدا و قیامت ایمان ندارند و احياناً برای خدا شریک قائلند موجب تخفیف و احياناً رفع عذاب آنها خواهد بود.

مجلسی علیه الرحمه از «ثواب الاعمال» شیخ صدوق از علی بن یقین از حضرت امام موسی کاظم (علیه‌السلام) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

« در میان بنی اسرائیل مرد مؤمنی بود که همسایه‌ای کافر داشت که با آن مؤمن خوشرفتاری می‌کرد و در کارهای خیر دنیوی با او همراه بود. هنگامی که آن کافر در گذشت، خداوند خانه‌ای از گل در دوزخ برای او بنا کرد که او را از حرارت آتش حفظ می‌کرد و روزی‌اش از غیر جهنم به او می‌رسید، و به او گفته شد: این پاداش آن خوشرفتاری است که با فلان همسایه مؤمن خود داشتی و در کارهای پسندیده دنیوی همراه او بودی...»^{۸۰۱}

مرحوم مجلسی پس از نقل این روایت در کتاب شریف بحارالانوار می‌گوید: این روایت و امثال آن دلیل است که عذاب برخی از جهنمیان از کفار به خاطر اعمال نیکشان برداشته می‌شود. آیاتی که درباره کفار وارد شده که تخفیفی در عذابشان داده نمی‌شود در موردی است که چنین اعمال خیری از آنها صادر نشده باشد.^{۸۰۲}

۵- آیات و روایاتی که دلالت می‌کند اعمال منکران نبوت یا امامت و یا ترک کنندگان نماز مقبول نیست، ناظر به آن است که آن انکارها از روی عناد و لجاج و تعصب باشد؛ اما انکارهایی که صرفاً عدم اعتراف است و منشأ عدم اعتراف هم قصور است نه تقصیر، مورد نظر آیات و روایات نیست. این گونه منکران از نظر قرآن کریم، مستضعف و «مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ» به شمار می‌روند. و همانگونه که خداوند متعال فرموده: «مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ»^{۸۰۳}؛ «به فرمان خدا واگذار شده‌اند (و کارشان با خداست)؛ یا آنها را مجازات می‌کند، و یا توبه آنان را می‌پذیرد»^{۸۰۴}

^{۸۰۰} - ابراهیم (۱۴)، آیه ۱۸

^{۸۰۱} - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۶۹

^{۸۰۲} - بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۹۷

^{۸۰۳} - (۹) التوبة ۱۰۶

^{۸۰۴} - مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، ص ۳۴۱ با کمی حذف و اضافات جهت هماهنگ سازی با موضوع بحث کتاب

معاشرت با بی نماز

۱۹۳- در حدیثی خواندم: یک لقمه نان دادن به تارک الصلاه مانند کشتن هفتاد پیغمبر است و حتی

لبخند زدن به نماز نخوان، معصیت است، بنابراین آیا ما باید تارک الصلاه را طرد کنیم؟ چه

باید کرد؟

روایات فراوانی در شدت عقوبت و مجازات کمک به تارک الصلاه رسیده است. از جمله پیامبر اکرم (ص) در روایتی می فرماید: «مَنْ أَعَانَ عَلَى تَارِكِ الصَّلَاةِ بِلُقْمَةٍ أَوْ كِسْوَةٍ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ سَبْعِينَ نَبِيًّا أَوْ لُحْمًا أَدَمَ وَ آخِرُهُمْ مُحَمَّدٌ»^{۸۰۵}؛ کسی که ترک کننده نماز را با دادن طعامی یا لباسی یاری کند مثل این است که هفتاد پیامبر (ع) را کشته که اول آنها آدم (ع) و آخر آنها حضرت محمد (ص) است.»

ظاهراً منظور از کمک نکردن به تارک الصلاه، موردی است که اعانت و احسان سبب جرأت بر ترک نماز شود و شکی نیست که کمک به معصیت کار هر گاه موجب جرأت بر گناه و استمرار آن گردد حرام است و از باب نهی از منکر، ترک آن واجب است تا شاید با طرد شدن از جامعه اسلامی به خود آمده و به دامان دستورات اسلام بازگردند؛ ولی اگر کمک به تارک الصلاه سبب جرأتش بر ترک نماز نشود معلوم نیست که مورد این روایات باشد. گاه می شود که اعانت و یاری و احسان به تارک الصلاه، سبب ترک گناه او و عامل نماز خواندن او می شود و در این صورت بدون شک کمک به او امری مطلوب و در برخی موارد از باب امر به معروف واجب می شود.

دوستی با بی نماز

۱۹۴- من دوستی دارم که نماز نمی خواند من چند بار به او توصیه کرده ام که نمازش را بخواند

ولی باز هم احتمال زیادی می دهم که نمازش را نمی خواند در ضمن من این دوستم را خیلی

دوست دارم. از طرفی شنیده ام که دوستی با بی نماز گناه است، من اصلاً نمی خواهم دوستی

ام را با او به هم بزنم. آیا واقعا دوستی با بی نماز گناه است؟ اگر هست من باید چه کار کنم؟

خداوند در رابطه با دوستان خوب که برادران دینی ما به حساب می آیند می فرماید: «فَإِنْ تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ نَفَصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»^{۸۰۶}؛ اگر توبه کردند و نماز بر پا داشتند و زکات پرداختند، در این صورت برادران دینی شمايند. و ما آیات خود را برای گروهی که می دانند (و می اندیشند)، به تفصیل بیان می کنیم.»

^{۸۰۵} - جامع الأخبار، ص ۷۴

^{۸۰۶} - توبه (۹)، آیه ۱۱

در اینجا شرط دوستی و برادر دینی بودن زکات دادن و نماز خواندن شمرده شده است و اگر می خواهید ببینید که شخصی بدرد دوستی می خورد یا نه، ببینید که آیا واجباتش، از جمله نمازش را بجا می آورد یا نه؟

و همچنین در سوره الکهف آیه ۲۸ در رابطه با دوستان خوب می فرماید: «وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ أُمْرُهُ فُرُطًا»^{۸۷}؛ «با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می خوانند، و تنها رضای او را می طلبند! و هرگز بخاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها برمگیر! و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همانها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است.»

در اینجا نیز خداوند دوست خوب را کسی معرفی می کند که به یاد خدا باشد و به ذکر خداوند و نماز مشغول باشد.

در روایات نیز یکی از مهمترین ملاک های انتخاب دوست و همنشین را نماز قرار داده است. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده: «اخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ بِخَصَلَتَيْنِ فَإِنْ كَانَتْ فِيهِمْ وَ إِلَّا فَاغْزُبْ ثُمَّ اغْزُبْ ثُمَّ اغْزُبْ مُحَافِظَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ فِي مَوَاقِفِهَا وَ الْبِرُّ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَ الْيُسْرِ»^{۸۸}؛ «برادران خود را با دو خصلت آزمایش کنید پس اگر آن دو خصلت در آنها بود خوب است، و گر نه دور شوید، دور شوید، دور شوید: مواظبت او بر نمازهایش در اوقات آن، نیکی به برادران در سختی و گشایش.»

کسی که نماز نمی خواند جزء دوستان شما می باشد، اگر می دانید و یا احتمال می دهید که ارتباط با او ممکن است ایشان را به نماز بکشاند و یا اثرات خوبی بگذارد، با او ارتباط سازنده داشته باشید به این معنا که به اصلاح زیر بناهای فکری وی پرداخته و به مرور او را به خواندن نماز ارشاد نمائید و البته مراقب باشید که در اعتقادات و خلیقات شما اثر منفی نگذارد. زیرا در این صورت یعنی در صورت تاثیر او در شما، ادامه این ارتباط صحیح نبوده و شرعاً جایز نیست.

بنابراین اگر احتمال می دهید که نتیجه معکوس باشد رابطه دوستانه خود را قطع کنید گرچه در برخوردها با او گرم بوده و به او محبت نمائید. ادامه دوستی با افراد بی نماز که توجهی به خدا و دین ندارند و تاثیر پذیر هم نیستند، ممکن است در شما تاثیر منفی بگذارد و کم کم شما هم حس کنید که توجهتان به نماز و خداوند کم شده است.

^{۸۷} - الکهف آیه ۲۸

^{۸۸} - الکافی، ج ۲، ص ۶۷۲

تعامل با بی نماز

۴۵- وظیفه ما در برخورد با افراد تارک الصلاه چیست و نحوه برخورد ما با آنها باید چگونه

باشد؟

وظیفه هر یک از افراد به تناسب شرایط و جایگاهشان، در نحوه برخورد با افراد بی نماز متفاوت است که می توان تمامی این افراد را به سه گروه عمده تقسیم نمود.

کسانی که شرایط و توانایی امر به معروف و نهی از منکر نسبت به افراد بی نماز را دارند کسانی که شرایط امر به معروف و نهی از منکر به نماز را دارند وظیفه آنها در برخورد با افراد بی نماز آن است که پس از ریشه یابی علت روی نیاوردن فرد به نماز با رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر همراه با آرامش و اخلاق اسلامی و از طرق مختلف، فرد بی نماز را نسبت به خواندن نماز ارشاد نماید.

مثلا اگر علت بی نمازی فرد به دلیل ندانستن فلسفه و اسرار نماز می باشد وی را با حکمت ها و اسرار نماز آشنا نماید و اگر علت آن را در بلند نبودن نماز می بیند وی را با یاد دادن نماز یاری نماید و یا اگر علت آن وجود برخی سوالات و شبهات راجع به نماز می باشد به پاسخگویی نسبت به این سوالات اقدام نموده و یا او را با کتاب هایی که در همین زمینه تالیف گردیده آشنا نماید.^{۸۰۹}

اگر کسی تمامی وظایف خود را انجام دادیم، ولی فرد بی نماز آن‌ها را نپذیرفت، می توان با دوری کردن از وی مخالفت خود را اظهار نمود.

اما کسانی که شرایط امر به معروف و نهی از منکر نسبت به افراد بی نماز را ندارند این گروه از افراد کسانی هستند که به دلیل عدم آشنایی با احکام و روش های امر به معروف و نهی از منکر ممکن است نتوانند تاثیر مثبتی بر روی افراد بی نماز بگذارند و یا حتی در مواقعی ممکن است به جای اینکه کسی را نماز خوان کنند، شرایط را نیز بدتر نموده و وی را تا آخر عمر از دین متنفر نماید.

وظیفه چنین افرادی این است که قبل از هرگونه اقدامی، به دنبال شرایط تحصیل امر به معروف و نهی از منکر رفته، سپس در این راستا اقدام نمایند.

افرادی نیز وجود دارند که علاوه بر نداشتن شرایط امر به معروف به راحتی تحت تاثیر دیدگاه های افراد بی نماز قرار می گیرند.

ممکن است افرادی به دلیل ضعف بنیه های اعتقادی و یا عدم آشنایی کامل با ابعاد مختلف نماز به راحتی تحت تاثیر تفکرات فرد بی نماز قرار گرفته و خود نیز نماز را ترک نمایند.

وظیفه چنین افرادی - علاوه بر تقویت بنیه اعتقادی و مطالعه کافی راجع به نماز - پرهیز از هرگونه معاشرت با افراد بی نماز می باشد.

^{۸۰۹} - کتاب هایی همچون پرسمان قرآنی نماز؛ یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز و کتابی که هم اکنون آن را مطالعه می فرمائید .

۱۹۵- کسانی مدعی مراتب بالای عرفانی هستند؛ ولی نماز نمی خوانند! سوال من این است که آیا

کسی می تواند بدون نماز به مراتب بالای عرفانی رسید؟

چنین افرادی نه تنها به هیچ مرتبه ای از عرفان نرسیده اند؛ بلکه به درجات حیوانی سقوط کرده اند؛ زیرا عبادت رمز کمال انسانیت است و هر چه یقین و عرفان انسان بیشتر باشد، عبادت او از اوج بیشتری برخوردار خواهد بود؛ همانگونه که این امر در عبادت ها و نمازهای حضرت علی (علیه السلام) پیشوای عارفان جلوه گر بوده است تا جایی که در محراب نماز به شهادت رسید.

این ها گمراهانی ان که گمان می کنند معرفتی پیدا کرده اند؛ در حالی که هم خود و هم دیگران را فریب داده و گمراه می کنند. آنان نزدیکی و فنای فی الله را جهت توجیه بی توجهی خود نسبت به عبادت همچون نماز، روزه و... مطرح می کنند و می گویند:

این عبادات قشری است و ما به باطن و لب آن نائل گشته ایم!! این سخن پوچ و بی معنا است؛ زیرا هر یک از مراتب وجود انسان اعم از جسم و روح حظی از عبادت دارد و عابد حقیقی با تمام وجود، نیایشگر حق و حافظ ظاهر و باطن شریعت است.

شیخ صدوق در «باب حادی عشر» این گرایش ها را شرک به خدا می داند.

عرفان و شناخت واقعی، بنده را لحظه به لحظه مطیع تر می کند؛ به طوری که از عبادت و نیایش های خود لذت وافر می برد. چنین عاشق عابدی ع گاهی یک شب را به رکوع و شبی را به سجود و... می گذراند و هرگز خسته و ملول نمی شود و نمی تواند غذای معنوی و روحی عبادت و عشق به الل را ترک کند در روایتی آمده است: بدانید! نماز غذایی روحی و آسمانی است که خداوند برای زمینیان قرار داده است و آن را برای شایستگان رحمت خویش گوارا کرده است؛ خوراکی روحی و روانی که در هر شبانه روز پنج نوبت از آن تغذیه می کنند و ریشه می یابند.^{۸۱۰}

تأثیرگذاری بی نماز

۱۹۶- چرا من نباید با یک بی نماز در ارتباط باشم و حال آنکه هرکسی دیدگاه خودش را دارد؟

آدمی همان طور که می تواند بر محیط، دوستان، خواهر و برادر خود تأثیر بگذارد، از آنها نیز تأثیر می پذیرد. اگر یکی از دوستان مان یک لطیفه ی خنده دار تعریف کند، ما می خندیم. اگر یک حرف زشت به ما بزند، از دستش ناراحت می شویم. سوال چرا انسان با شنیدن یک حرف خوشحال و با شنیدن حرف

^{۸۱۰} - مجتبی کلباسی، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، نهم، ص ۱۱۹

دیگر ناراحت می شود؟ از این مطلب می توان یک قانون بدست آورد که انسان اثر پذیر است، اگر چه افراد در این زمینه متفاوت می باشند.

در مورد این سوال باید بگویم که نمی توان یک حکم کلی داد و عنوان کرد با کسی که نماز نمی خواند، ایرادی دارد، یا ندارد که ارتباط برقرار نمود چراکه حکم نزدیکان، دوستان، اثر پذیری افراد و اثر گذاریشان، در این مسئله باید مورد بررسی قرار گیرد.

اگر فرد بی نماز از افرادی است که جزء ارحام انسان محسوب می شود، هرگز نمی توان به خاطر ترک کردن نماز ارتباط خود را با او قطع نمود، زیرا خود این کار ترک صله ی رحم محسوب گردیده و حرام می باشد. ارحام عبارتند از: والدین، فرزندان، عموها، خاله ها، عمه ها، دایی ها و فرزندان آنها.

اگر رفت و آمد با ارحام باعث اثرات سوء بر افراد شده و در نماز خود ممکن است دچار سهل نگاری شود، لازم است که به حداقل ارتباط، مانند: تلفن زدن و کمتر رفت و آمد کردن و یا مدت کمتری را در آنجا ماندن بسنده کرد.

اگر کسی که نماز نمی خواند جزء دوستان می باشد، و می دانیم و یا احتمال می دهیم که ارتباط با او ممکن است وی را به نماز بکشاند و یا اثرات خوبی بگذارد، باید با او ارتباط داشته باشیم اما اگر در برقراری این ارتباط تحت تاثیر نظرات و دیدگاههای فرد بی نماز قرار گرفته و ممکن است وی نیز نماز را رها نماید در اینجا باید از برقراری ارتباط با او جدا پرهیز نمود.

بنابراین عدم اجازه ارتباط با بی نماز در جایی است که انسان به دلیل اثر پذیری، باورها و اعتقادات قلبی خود را از دست داده و به مرور او نیز از نماز رویگردان شود نه در جایی که می تواند دیگران را نسبت به نماز ارشاد نماید و یا به دلیل صله ارحام باید ارتباط خود را - ولو در پائین درجه آن - حفظ نماید.

خواستگار بی نماز

۱۹۷- آیا می توان با شخص بی نماز ازدواج کرد و جواب مثبت به خواستگاری وی داد؟

همانطور که می دانید ازدواج از جمله مسایل مهم در زندگی انسان می باشد که موفقیت در این امر باعث آرامش و موفقیت های بعدی انسان خواهد شد.

به طور خلاصه دو حالت در خصوص خواستگار بی نماز می تواند وجود داشته باشد

حالت اول: این خواستگار، ملاک های همسر مناسب از جمله ایمان قلبی و سلامت اعتقادی را دارا بوده و مشکل نماز نخواندن ایشان، یک مشکل عقیدتی نیست بلکه یک حالت روانی گذرای است که معمولاً در مراحل از زندگی انسان ها رخ می دهد.

بطور مثال نداشتن انگیزه قوی برای خواندن نماز، آگاه نبودن از فلسفه و اسرار نماز، داشتن سؤال و ابهام نسبت به بعضی از مسائل اعتقادی، آگاه نبودن از فلسفه و اسرار نماز که در صورت ازدواج با چنین فردی

می توان با انجام راه کارهایی، او را نسبت به انجام نماز تشویق کرده که البته این امر مهم، احتیاج به زمان، صبر و حوصله خواهد داشت.

در این حالت هر چند می توان نگاه مثبتی به این ازدواج داشت، اما کسی که می خواهد به چنین خواستگاری پاسخ مثبت دهد باید تمامی سختی های مسیر را نیز در نظر گرفته و با کنار گذاشتن احساسات خود تصمیمی عاقلانه اتخاذ نماید تا در آینده گرفتار پشیمانی و حسرت نگردد.

حالت دوم؛ که می توان در این زمینه متصور شد این است که مشکل نماز نخواندن ایشان ناشی از ضعف اعتقاد و ایمان وی می باشد در این صورت مساله عدم کفویت و نابرابری در ایمان به وجود می آید و ثمره ی آن چیزی جز کشمکش و آشفتگی های روانی در زندگی مشترک آینده تان نخواهد بود. زیرا کسی که پای بند به دین (که اصلی ترین مساله زندگی است) نباشد هیچ تضمینی وجود ندارد که پای بند به رعایت حقوق همسر و زندگی مشترک باشد. انسان دیندار هرگز نمی تواند با همسر بی دین کنار بیاید و با هم زندگی سعادت‌مندانه ای داشته باشند.

در پایان ذکر چند نکته ضروری می باشد:

۱- در مورد خواستگار نسبت به میزان پایبندی وی به مسائل اعتقادی باید تحقیقات لازم صورت پذیرد.
۲- ملاک قضاوت و تصمیم گیری نسبت به افراد، وضعیت فعلی آنها می باشد از همین رو به راحتی نمی توان به وعده های خواستگاران نسبت به نماز خوان شدن در آینده و یا توانایی خود نسبت به نماز خوان نمودن شوهر آینده اطمینان نمود.

۳- به گفته های خواستگاری اگرچه راست و واقعی باشد صد اعتماد نکند و تحقیق از کانال های دیگر رافراموش نکرده و در این زمینه از بررسی وضعیت خانواده، دوستان، رفت و آمد ها و... در تشخیص شخصیت افراد غافل نشوید.

۴- در اسلام هم کفو بودن دختر و پسر شرط ازدواج می باشد و از نظر معارف اسلام و روایات اهل بیت نیز سیره پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله) تنها چیزی که کفویت را احراز می نماید ایمان است. ایمان یعنی اعتقاد باطنی به خداوند و التزام عملی به مقتضای ایمان، یعنی به دین و آموزه اسلام. لذا پیامبر (صل الله علیه و آله) مردی سیاه پوست و فقیر به نام «جویر» را به «ذلفاء» دختر زیادبن لبید تزویج نمود و فرمود: «**الْمُؤْمِنُ كُفُوٌ لِلْمُؤْمِنَةِ وَالْمُسْلِمُ كُفُوٌ لِلْمُسْلِمَةِ**»^{۱۱۱}؛ «مرد مؤمن همتای زن مومن و مرد مسلمان همتای زن مسلمان است».

^{۱۱۱} - الکافی (ط - الإسلامية) / ج ۵ / ۳۴۱ / باب أن المؤمن كفو المؤمنة ص : ۳۳۹

ازدواج با دختر بی نماز

۱۹۸- می خواهم به یه دختر بی نماز پیشنهاد ازدواج بدم. خودم آدم بسیار مذهبی. اهل نماز شب و

دعای کمیل و زیارت عاشورا و... هستم. از لحاظ اسلام، ازدواج با بی نماز چگونه؟ آیا میشه

بعد از ازدواج یه دختر ۲۲ ساله رو نماز خون کرد؟ لطفا جواب تمام سوالم رو بدین.

ازدواج یکی از مهمترین حوادث زندگی است و نقش اساس در خوشبختی و سعادت یا بدبختی و شقاوت انسان دارد و از آنجا که مذهب و اعتقادات جزئی از زندگی فردی و اجتماعی انسانها بوده و در زندگی مشترک نقش تعیین کننده داشته و حتی گاهی اختلاف در این زمینه باعث اختلافات خانوادگی خواهد شد لذا به نظر می آید در این امر مهم با احتمالات پیش رفتن، و امیدواری بی جا به خود دادن نسبت به اینکه بعدا متدین می شود و نمازی می خواند، کار معقول و منطقی نباشد.

فراموش نکنیم که شخصی که تصمیم ازدواج با دیگری را دارد هدف از ازدواج او نمازخوان کردن و یا اصلاح اعتقادات طرف مقابلش نمی باشد بلکه می خواهد با ازدواجش به آرامش، سکون و... دست پیدا کند. چراکه طبق قانده همسر آدمی باید قبل از ازدواج همان گونه که حق است تربیت شده باشد، نه آنکه در منزل شوهر بخواهد تربیت شود؛ زیرا تجربه نشان داده آنهایی که همسر مناسب و تربیت یافته انتخاب نموده اند در ادامه زندگی با مشکلاتی مواجه می شوند چه رسد به آنکه شوهری بخواهد همسرش را در منزل خود (بر اساس شاخصه های مورد نظرش) تربیت نماید؛ لذا بهتر است وضعیت فعلی طرف مقابل را در نظر گرفته و به این دل خوش نکرد که بعد از ازدواج نماز خوان خواهد شد.

در نتیجه کسی که مقید به احکام شرعی و پایبند به دین و مسائل دینی هست و دوست دارد در آینده با همسری متدین زندگی کند باید از همان ابتدا همسری انتخاب کند که حد نصاب از ایمان و التزام عملی به احکام شرعی را داشته باشد و الا در آینده نزدیک نسبت به موضوعات مختلفی همچون طهارت و نجاست^{۸۱۲}، تربیت فرزند، مخالفت خانواده شوهر و... مواجه خواهد شد.

در پایان این نکته را نیز متذکر می شویم که در اسلام هم کفو بودن دختر و پسر شرط ازدواج می باشد و از نظر معارف اسلام و روایات مأثوره از اهل بیت و نیز سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) تنها چیزی که کفویت را احراز می نماید ایمان است. ایمان یعنی اعتقاد باطنی به خداوند و التزام عملی به مقتضای ایمان، یعنی به دین و آموزه های اسلام. لذا پیامبر خدا جویدر که مردی سیاه پوست و فقیر بود را به «دلفار» دختر زیادبن لبید تزویج نمود و فرمود: «الْمُؤْمِنُ كُفُوٌ لِلْمُؤْمِنَةِ وَالْمُسْلِمُ كُفُوٌ لِلْمُسْلِمَةِ»^{۸۱۳}؛ «مرد مؤمن همتای زن مؤمن و مرد مسلمان همتای زن مسلمان است»

^{۸۱۲} - کسی که نماز نمی خواند و تصمیم ندارد لباس و بدن خود را برای نماز پاک نگه دارد، به طور طبیعی نسبت به رعایت نجاست و پاکی سهل انگار خواهد بود و این مساله برای کسی که می خواهد نماز بخواند بسیار مشکل ساز می شود.

^{۸۱۳} - بحار، ج ۲۲، ص ۱۱۷

بنابراین در صورتی که انسان با همسری ازدواج کند که از نظر ایمانی و یا التزام عملی به احکام و اخلاق اسلامی همچون نماز مشکل دارد و از این نظر کفویت ندارد، نمی تواند آینده و خوشبختی خود را تضمین شده بداند.

نقش نماز در زندگی زناشویی

۱۹۹- میخواستم بدانم: وقتی اسلام اجازه ی ازدواج با زنان اهل کتاب که مسایلی مانند حجاب و نماز و روزه و... را رعایت نمی کنند را به مرد مسلمان می دهد آیا میتوان چنین نتیجه گرفت که از نظر اسلام این اعتقادات خود فرد است که اهمیت دارد و نه کسی که با وی زندگی میکند و یک انسان مسلمان باید بتواند همه نوع انسان و طرز فکری را تحمل نماید و با آنها در کمال آرامش زندگی مسالمت آمیز و سرشار از محبت و عشق داشته باشد و اگر مرد مسلمانی با زن مسلمانی که در بند رعایت مسایل شرعی نیست (منظورم انجام گناهان کبیره نیست) ازدواج کند آیا می تواند خیالش از این بابت راحت باشد که خداوند از بابت این ازدواج از او ناراضی نیست و تربیت فرزندانش را به چنین همسری بسپارد.

در ابتدا باید خاطر نشان کرد اینگونه نیست که اسلام به طور مطلق ازدواج با زنان اهل کتاب را اجازه داده باشد بلکه از نظر شرعی زنان اهل کتاب مانند مسیحی، یهودی و زرتشتی را می توان تنها به عقد موقت درآورد و قرار دادن آنها به عنوان شریک دائمی زندگی بوسیله ازدواج دایم جایز نیست. علاوه براینکه خانواده محیطی نیست که هر کس جدای از دیگری زندگی کرده و با دیگری کاری نداشته باشد بلکه تعامل و تفاهم حتی در اعتقادات و مذاهب لازم و ضروری خواهد بود لذا فرهنگ و اخلاق و نظام ارزشی و برنامه تربیتی هر خانواده تاثیر خود را بر روی فرزندش خواهد گذارد اگر فرهنگ و نظام ارزشی خانواده ها متفاوت است در رفتار و اخلاق و... فرزندانش تاثیر خواهد گذارد و این تاثیر در ادامه، زندگی مشترک شما را تحت تاثیر قرار می دهد و اختلاف فرهنگی متفاوت موجب از دست دادن برخی سطوح کفویت خواهد شد و زمینه ی بروز اختلاف خواهد شد.

از همین رو در روایاتی که به موضوع ازدواج و اهمیت آن و ملاک ها و معیارهای همسر شایسته و صالح پرداخته شده در درجه اول بر ایمان و پایبندی به دستورات و احکام الهی سفارش شده است و تاکید شده که انسان مومن باید همسری انتخاب کند که از نظر اعتقاد و ایمان هم کفو او باشد و از این جهت با هم هماهنگ و موافق باشند. اگر کسی این دستور و سفارش را عمل نکند و باکسی ازدواج کند که بی ایمان است و یا به مسائل شرعی و دینی اهمیت لازم را نمی دهد این کار او حرام شرعی و گناه نمی باشد ولی با

این کارش زندگی زنا شویی اش را در معرض خطر و تزلزل قرار داده و بنیان خانواده خود را بر شالوده ای ضعیف بنا نهاده و در ایجاد نسل و فرزندانی بی ایمان سهیم است.

توبه بی نماز

۲۰۰- کسی که تا کنون نماز نخوانده چگونه باید توبه کند؟

توبه با یک جرعه آغاز می شود، جرعه ای که در آغاز تنها یک نقطه نورانی و کوچک در قلب است، اما به تدریج تمام آسمان تیره و تاریک قلب را فرا می گیرد. این نقطه نورانی سفید، انسان را از گذشته تاریک به آینده روشن می برد. نسبت به گذشته تاریک و سیاه، احساس تلخی، پشیمانی و ندامت می کند و آسمان ابر گرفته قلب برای آینده ای روشن آماده بارش رحمت الهی می شود. قرآن، این کتاب نوید بخش رحمت، به همه مؤمنان فرمان توبه می دهد. در سوره تحریم، آیه ۸ می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَكْفُرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»^{۸۱۴}؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! با اخلاص کامل توبه کنید، باشد که پروردگار از گناهان شما در گذرد و به باغ هایی واردتان کند که در آن جویبارهایی جاری است.»

حقیقت توبه و استغفار، پشیمانی از گناه گذشته و عزم و تصمیم بر عدم ارتکاب آن در آینده است. اگر این حالت برای کسی پیش آمد، این نشانه توبه واقعی است و پذیرفته شدن توبه واقعی حتمی می باشد. اگر توبه واقعی صورت گیرد، قبولی آن از طرف خداوند قطعی است، چون خداوند فرموده: «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ»^{۸۱۵}؛ «او است که توبه را از بندگانش پذیرا می شود و گناهان را می بخشد.» روزی حضرت علی (علیه السلام) مردی را دید که بدون توجه به شرایط توبه فقط با زبان می گفت: «استغفر الله». حضرت به او فرمود: می دانی استغفار چیست؟ آن گاه شرایط استغفار را برای او توضیح داد و فرمود:

اول: باید از کارهای ناشایست گذشته ات پشیمان باشی؛

دوم: آن که تصمیم بگیری دیگر سراغ کارهای زشت قبلی نروی؛

سوم: اگر حقی از بندگان خدا برعهده توست (قرضی گرفته ای و پس نداده ای یا به زور چیزی را از مردم گرفته ای و یا...) ادا کنی؛

چهارم: اگر حقی از خدا برعهده توست (مثلاً نمازهایی از تو قضا شده و نخوانده ای) آنها را ادا کنی و....

آن گاه پس از این مراحل با زبان بگویی: «استغفر الله»^{۸۱۶}

پس توبه یک لفظ نیست؛ بلکه یک تحوّل در درون انسان و زندگی او است.

^{۸۱۴} - تحریم (۶۶)، آیه ۸

^{۸۱۵} - شوری (۴۲)، آیه ۲۵

^{۸۱۶} - نهج البلاغه، ص ۵۴۹

پس از پیدا شدن حالت توبه و پشیمانی و ندامت از کارهای ناپسند، چند عمل سزاوار است:
یک - سه روز روزه گرفتن؛ حضرت امام صادق(ع) می‌فرماید: «توبه نصح که خداوند به آن امر فرموده،
روزه گرفتن روز چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه است»^{۸۱۷}

دو - غسل توبه؛ حضرت رضا(ع) به کسی که می‌خواست از گناه «استماع» غنا توبه کند، فرمود: «فَاغْتَسِلْ وَ
صَلِّ مَا بَدَأَ لَكَ فَلَقَدْ كُنْتَ مُقِيمًا عَلَىٰ أَمْرِ عَظِيمٍ»^{۸۱۸}؛ «برخیز و غسل کن و هر چه می‌خواهی نماز بخوان زیرا
مداومت بر گناه بزرگی می‌کردی»

سه - خواندن دو یا چهار رکعت نماز؛ امام صادق(ع) می‌فرماید: «هر بنده‌ای که گناهی کرد، پس برخیزد و
تحصیل طهارت کند (وضو بگیرد) و دو رکعت نماز بخواند و از خداوند طلب آمرزش نماید، بر خدا است
که توبه‌اش را بپذیرد»^{۸۱۹}

چهار - استغفار و خواندن دعاهای توبه‌ای که از ائمه اطهار(ع) وارد شده است؛ خصوصاً دعاهای صحیفه سجادیه (به خصوص
دعای ۳۱) و نیز مناجات خمسۀ عشر (به خصوص مناجات اول) و... باید هنگام خواندن دعا، معانی آنها را متذکر باشد و
سعی کند که حالش با گفتارش یکی باشد.

بعد از توضیح معنا و شرایط توبه، روشن می‌شود که جبران گذشته در مورد نمازهای خوانده نشده، به این
است که ما علاوه بر پشیمانی دل، نمازهای قضا شده رابه جا بیاوریم. ۸۲۰

فصل چهاردهم: نمازهای واجب و مستحب

گفتار اول: نمازهای واجب

۲۰۱- نمازهای واجب کدام است؟ و بگویید هر کدام از آنها چند رکعت است؟ آیا در قرآن به آنها

اشاره‌ای شده است؟

نمازهای واجب شش تا است:

یک - نماز یومیه که در مجموع ۱۷ رکعت است: نماز صبح دو رکعت، نماز ظهر چهار رکعت، نماز عصر
چهار رکعت، نماز مغرب سه رکعت و نماز عشا چهار رکعت.

دو - نماز آیات: دو رکعت.

سه - نماز میت، یک رکعت ایستاده

^{۸۱۷} - وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۷۸

^{۸۱۸} - مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۱۲

^{۸۱۹} - وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۷۹.

^{۸۲۰} - در خصوص نحوه به جا آوردن نمازهای قضای زیاد بگونه ای که خسته کننده نباشد در فصل «قضای نماز» توضیح داده شده است.

چهار- نماز طواف واجب خانه کعبه: دو رکعت است، که بعد از طواف واجب خوانده می‌شود.
پنج - نماز قضای پدر که بر پسر بزرگ‌تر واجب است. تعداد رکعات آن بستگی دارد که پسر بزرگ‌تر چند رکعت از نمازهای قضا شده پدر را یقین دارد که به همان مقدار بر او واجب است.
شش - نمازی که به واسطه اجاره، نذر، قسم و عهد واجب می‌شود؛ تعداد رکعات هم بستگی دارد که هنگام نذر، اجاره، قسم و یا عهد، چند رکعت در نظر گرفته شده است.^{۸۲۱}

نماز میت

۲۰۲- علت اینکه برای اموات نماز خوانده می‌شود چیست؟ و چرا در نماز میت طهارت لازم

نیست و مانند دیگر نمازها سجده و رکوع ندارد؟

اما رضا علیه السلام در روایتی پیرامون علت اقامه نماز برای مردگان فرموده اند: به این وسیله برای میت شفاعت کرده و دعاء کنند خداوند او را بیمارزد چه آن که در هیچ وقتی از اوقات انسان نیازمندتر به طلب آمرزش و دعاء از آن ساعت نمی‌باشد.^{۸۲۲}

خواندن نماز بر میت را بدون طهارت جایز می‌باشد، زیرا در این نماز رکوع و سجود نیست بلکه دعا و سؤال رحمت است و در هر حالی می‌توان دعاء نمود و از خدا سؤال حاجت کرد چه در حال طهارت و چه در غیر آن و وضوء فقط در نمازی واجب است که رکوع و سجود دارد.^{۸۲۳}

نماز میت با دیگر نمازها به خاطر نداشتن سجده و رکوع تفاوت دارد زیرا مقصود از این نماز تذلل و خضوع و خشوع نمی‌باشد بلکه مراد شفاعت کردن از بنده‌ای است که از دنیا رفته و بدین وسیله از بازماندگان جدا گردیده است.^{۸۲۴}

فلسفه نماز آیات

۲۰۳- فلسفه اینکه در هنگام بروز زلزله، خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی و... باید نماز آیات

بخوانیم چیست؟

خواندن نماز آیات، برای توجه دادن به منشاء اصلی آفرینش و دگرگونیهای طبیعت، یعنی خدای تواناست و درسی از توحید به مردم می‌آموزد.

^{۸۲۱} - سعید شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اکبر، پاییز ۱۳۸۷ش، سوم، ص ۱۹۹

^{۸۲۲} - علل الشرائع-ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۴۵

^{۸۲۳} - علل الشرائع-ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۴۹

^{۸۲۴} - علل الشرائع-ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۴۷

روایت است که هنگام درگذشت ابراهیم، فرزند کوچک پیامبر، خورشید گرفت. مردم با خود می گفتند که این کسوف و خورشید گرفتگی، به خاطر فقدان پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای تصحیح افکار و برداشت ها منبر رفت و پس از حمد و ثنای پروردگار، فرمود:

اِيْهَا النَّاسُ! اِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ اَيَّتَانِ مِنْ اَيَاتِ اللّٰهِ، يَجْرِيَانِ بَاءِ مَرِّهِ مُطِيعَانِ لَهٗ لَا يَنْكَسِفَانِ اِنْ لِمَوْتِ اَحَدٍ وَلَا لِحَيَاتِهِ، فَاِذَا اُنْكَسَفَتَا اَوْ وَاَحِدُهُمَا مِنْهُمَا فَصَلُّوْا

ای مردم! خورشید و ماه، دو نشانه از نشانه های الهی اند، به فرمان او جریان دارند و مطیع اویند، و بخاطر مرگ یا زندگی کسی، گرفته نمی شوند. پس اگر هر دو یا یکی از آن دو گرفت، نماز بگذارید.^{۸۲۵}

امام رضا علیه السلام در بیان علت نماز آیات به هنگام کسوف فرموده اند: کسوف آیه ای است از آیات خدا که نمی دانیم به نشانه رحمت حق عز و جل ظاهر شده یا به منظور عذاب الهی پدید آمده، باری نبی اکرم صلی الله علیه و آله دوست دارند که امتشان هنگام ظهور کسوف در مقابل خالق و راحم فزع و جزع و تضرع نموده تا شر آن از ایشان دفع گشته و بدین وسیله از امر مکروه مترتب بر آن مصون بمانند چنانچه قوم یونس وقتی در مقابل حق عز و جل تضرع و جزع و فزع نمودند باری تعالی عذاب را از آنها برگرداند.^{۸۲۶}

امام صادق علیه السلام از پدرش نقل می کند که فرمود:

زلزله ها و گرفتگی ماه و خورشید و بادهای سخت و وحشت زاء، از نشانه های قیامت است. هر گاه یکی از اینها را دیدید، به یاد بر پائی قیامت بیفتید، به مسجدها پناه برید و نماز بخوانید.^{۸۲۷}

^{۸۲۵} - محسن قرائتی، پرتویی از اسرار نماز، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۷ ش، هجدهم، ص ۲۴۵

^{۸۲۶} - علل الشرائع-ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۵۱

^{۸۲۷} - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۸۷

عاقلانه بودن نماز آیات

۲۰۴- در رساله ها آمده است که در هنگام زلزله یا خورشید گرفتگی و... باید بلافاصله به نماز

آیات پرداخت و آن را به تأخیر نینداخت. سؤال آن است که در موقعی مانند زلزله اگر

خسارتی بار نیامده باشد اضطراب و ترس از زلزله مجدد است و اگر خرابی رخ داده باشد نیاز

است که انسان در آن شرایط حساس به کمک و امداد آسیب دیدگان بپردازد و چه بسا در آن

فاصله ۱۰ - ۱۵ دقیقه ای که صرف نماز آیات می شود بتواند جان عده ای را نجات دهد.

حتی در پدیده خورشید گرفتگی هم که به ندرت پیش می آید. آیا عاقلانه است انسان تماشای

این پدیده را رها کرده و به نماز آیات بپردازد، نمازی که بعدا هم می توان خواند اما پدیده

زیبای گرفتن خورشیدن ممکن است به ندرت پیش آید؟

درباره کمک به زلزله زدگان و تماشای خورشید گرفتگی باید به امور ذیل توجه نمود:

۱- به طور معمول خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی مدتی طول می کشد لذا می توان نماز آیات را خواند و از فرصت نگاه به حوادث و پدیده های طبیعی نیز با رعایت شرایط ایمنی بهره مند شد.

۲- مهم ترین وظیفه و اقدام امدادگران و نهادهای مسؤول ایجاد احساس آرامش و امنیت است، با توجه به خدا و این که همه اینها نشانه های قدرت و عظمت اوست و باید به او استغاثه نمود همه اضطرابها و دلهرهها برطرف شده، بهترین وضعیت روانی برای تصمیم گیری امدادگران (هم از حیث روحی خودشان و هم از این که مردم دچار اضطراب و ناامنی نیستند از این جهت خیال آنها آسوده می باشد) مهیا خواهد شد.

۳- تمامی زلزلهها، خرابی های سنگین و بنیان کن، به بار نمی آورند و برخی از آنها، جز خسارت های مالی غیرقابل توجه، چیزی را در پی ندارند. از این رو خواندن نماز آیات، در این فرض، هرگز مخالف عقل و درایت به نظر نمی رسد.

البته به اتفاق نظر علماء در تلاقی نماز آیات با واجبی مهم تر، نماز آیات به تأخیر می افتد.

۴- نماز آیات را می توان در دو دقیقه نیز خواند چون می توان یک سوره کامل را پنج قسمت تقسیم کرد و با هر رکوعی یکی از آنها را خواند. یعنی نماز آیات را به دو شکل می توان انجام داد (تفصیل بحث را در رساله های توضیح المسائل جستجو کنید).

سادسا، اگر چنین شد که زلزله بسیار شدید بود به طوری که خسارت های مالی و جانی زیادی را برآورد و یاری به دیگران نیز ممکن بوده و باعث بروز خطرات بیشتری نشود، در چنین شرایطی نه تنها فوریت نماز آیات مطرح نیست، بلکه آنچه واجب است، نجات جان خود و دستگیری از مسلمین و سپس به جا آوردن نماز آیات است.

زیرا احکام مذکور در حالت اختیار است. از این رو در صورتی که انسان به انجام کاری مضطر شده باشد و یا چیزی که عقلاً و شرعاً مهمتر از آن واجب است پیش آمده باشد لازم است تا واجب را به وقت مناسب‌تری واگذاشته و در عمل بدانچه که اضطراری است و یا مهمتر است بکوشد و گناهی مرتکب نشده است^{۸۲۸} «فمن اضطر غیر باغ ولا عاد فلا اثم علیه»^{۸۲۸}

به طور مثال، در منابع فقهی آمده است که اگر انسانی در هنگام گرسنگی، در حالت اضطرار قرار گرفت و مجبور شد تا از غذاهای حرام که واجب‌الاجتناب هستند، بخورد ولی نخورده و امساک کند کار صحیحی انجام نداده»^{۸۲۹}

این مسأله براساس قاعده «الاهم فالاهم» که یک اصل پذیرفته شده شرعی و عقلی است، بنا گذاشته شده است. نمونه آن در میان واجبات تزامم کار مهمتر مثل حفظ جان مؤمن با نمازهای یومیه است، مثلاً نمازگزار شخصی را که دچار تصادفی شده و یا در حال غرق شدن است، می‌بیند او باید نماز را رها کرده و به یاری صدمه دیده و غریق بپردازد. هر چند که اقامه نماز واجب است ولی چون کاری مهمتر از آن پیش آمده علماء به ترک واجب مهم و عمل به پیشامد اهم توصیه می‌کنند و از همین رو است که در نامه‌ای از امام رضا (ع) به علی ابن الفضل الواسطی آمده است که می‌توان نماز آیات را سواره نیز خواند.^{۸۳۰}

نتیجه این که اگر خواندن نماز آیات، چه در حال زلزله و چه غیر آن موجب عسر و حرج و یا ضرر مهم مالی و جانی، به انسان و یا فردی دیگر شود؟ لازم است که آن را ترک کرده و پس از انتفای ضرر، قضای آن را به جا بیاوریم. زیرا در دین اسلام که آیین زندگی سالم، عاقلانه و با رفاه و آسایش است عسر و حرج^{۸۳۱} و یا ضرر و ضرار نفی شده‌اند.^{۸۳۲}

گفتار دوم: نمازهای مستحب یا نافله

فلسفه نوافل

۲۰۵- نمازهای نافله کدامند و فلسفه آنها چیست؟

به جز نمازهای واجب و یومیه، نمازهای دیگری هم وجود دارد که انجام دادن آنها مستحب است. از آن جایی که این نمازها، اضافه بر نمازهای واجب است، به آنها نافله یا نوافل گفته می‌شود (به معنای زیادی و افزون). اساس و اهمیت نافله‌های مستحبی، به این است که جبران کننده نواقص و کمبودهای نمازهای

^{۸۲۸} - بقره (۲)، آیه ۱۷۳

^{۸۲۹} - مستند الشیعه، محقق نراقی، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث مشهد، ج ۱۵، ص ۲۰، چاپ اول، سال ۱۴۱۸ ه. ق

^{۸۳۰} - تفصیل وسائل الشیعه، الحر العاملی، مؤسسه آل‌البیت قم، ج ۷، ص ۵۰۲، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴ ه. ق

^{۸۳۱} - الذکری، شهید اول، طبع قدیم، چاپ سنگی، ص ۳۲، خط کرمانی، سال ۱۲۷۲ ه. ق

^{۸۳۲} - المراسم العلویه، سلار بن عبدالعزیز، نشر مجمع جهانی اهل بیت (ع)، سال ۱۴۱۴ ه. ق

واجب است و همچون صدقه‌ای است که انسان می‌پردازد. در حدیث است «نمازهای نافله به منزله هدیه است و در هر صورت پذیرفته می‌شود».^{۸۳۳}

نمازهای نافله دارای اقسام متعددی می‌باشد

برخی از آنها دارای زمان خاصی هستند مانند نافله‌های نمازهای واجب، نماز غفلیه، نمازهای شبهای ماه مبارک رمضان، نماز شب و....

برخی از آنها برای کار خاصی خوانده می‌شوند مثل نماز استخاره، نماز شکر، نماز زیارت و...

برخی از آنها نیز دارای هدف خاصی می‌باشند مانند نماز برای طلب رزق، نماز طلب باران، نماز حاجت و....^{۸۳۴}

در روایات و احادیث برای نمازهای نافله فلسفه و علت‌هایی ذکر گردیده از جمله:

الف - تکمیل نماز واجب با نماز مستحبی

امام باقر علیه السلام در روایتی فرموده اند: «نمازی که بنده به جا می‌آورد، گاهی نصف و گاهی یک سوم و گاهی چهارم و گاهی یک پنجم آن بالا برده می‌شود، زیرا بالا برده نمی‌شود مگر آن نمازی که با توجه و حضور قلب باشد، مردم مأمور به انجام نمازهای مستحب شده اند تا نقص نمازهای واجب آنان توسط مستحباب جبران شود».^{۸۳۵}

ب - رسیدن به بالاترین درجات کمال

در حدیثی به نام حدیث «قرب نوافل» آمده است: راوی از حضرت صادق (ع) و ایشان از جد بزرگوار خود پیامبر (ص) و پیامبر (ص) از خداوند عزوجل چنین نقل نموده: «به درستی که بنده من با نافله و کارهای مستحبی قرب را می‌جوید تا این که او را دوست بدارم و هنگامی که او را دوست داشتم گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند و زبان او می‌گردد که با آن سخن می‌گوید و دست او می‌گردد که با آن قهر خود را ابراز می‌کند».^{۸۳۶}

فوائد نمازهای نافله

۲۰۶- آثار و فوائد خواندن نمازهای نافله و مستحبی چیست؟

برای هر یک از نمازهای نافله و مستحبی آثار و فوائد بیشماری ذکر گردیده است که بیان تفصیلی آنها از گنجایش این نوشتار خارج است لذا برای آشنایی با آنها باید به کتب ادعیه همچون مفاتیح الجنان مراجعه نمود.

^{۸۳۳} - مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پائیز ۸۰ ش، چاپ نهم، ج ۲، ص ۱۲۳

^{۸۳۴} - هر یک از نمازهای مستحب دارای دستورالعمل خاصی می‌باشد که در کتب ادعیه همچون مفاتیح الجنان ذکر گردیده .

^{۸۳۵} - بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۲۸

^{۸۳۶} - اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۲، ح ۷

- اما اگر بخوائیم به گوشه ای از این آثار و فوائد اشاره نمائیم باید بگوئیم به عنوان نمونه:
- نماز شب: در روایات برای نماز شب خواص متعددی بیان شده مانند تقویت ایمان و انس به خداوند، زیادی روزی، زیبایی چهره و...
 - نماز جعفر طیار: جهت برآورده شدن حاجت یا رفع مشکل خوانده می شود
 - نماز شکر: که موجب ازدیاد نعمت می گردد
 - نوافل نمازهای واجب: برابر روایات نمازهای نافله مانند سدی هستند که از نمازهای واجب محافظت می کنند یا موجب جبران نقائص نماز می گردند.
 - برخی از نمازهای مستحبی باعث آمرزیده شدن گناهان می شوند.
 - برخی از نمازهای مستحبی زمینه ازدیاد روزی را فراهم می نمایند.
- ...

ثواب مستحبات

۲۰۷- فلسفه این ثواب های عجیب برای نماز های مستحبی در مفاتیح چیه؟ اغراقی در این زمینه

صورت نگرفته؟ فکر نمی کنید تأثیر سوئی در شیعیان بذاره؟

ثواب هایی که برای نمازهای مستحبی در کتاب مفاتیح و دیگر کتب ادعیه مطرح شده است اگر چه در نگاه اولیه اغراق آمیز به نظر می رسد اما اگر در کتاب های معتبر و با سند محکم باشد قابل قبول است مگر اینکه از منابع غیر معتبر نقل شده باشد که در این صورت باید سند آنها بررسی شود.

شیخ عباس قمی (ره) مولف کتاب مفاتیح الجنان خبره در فن حدیث بوده و مطالب نقل شده در مفاتیح عموماً سند دارد و خود ایشان در مواردی که سند محکم نداشته اشاره ورد کرده اند و یا نحوه صحیح آنرا آورده اند.

درباره ثواب های نمازهای مستحبی اشاره به چند نکته شایان توجه است؛

- ۱- فضل و رحمت الهی بی حد و حصر است و آن چه از شخص کریم انتظار می رود همانا لطف و رحمت بیش از حد معمول است. در غیر این صورت با دیگران تفاوتی نخواهد داشت لذا خداوند با گناهان براساس عدل برخورد می کند. اما در برابر نیکی ها و عبادت ها براساس لطف و رحمت پاداش می دهد. خداوند می خواهد زمینه های امید و با زگشت را در پیش پای مردم قرار دهد تا در صورت ارتکاب گناه و کوتاهی در عبادت خود را در بن بست نبینند و راه اصلاح وجود داشته باشد. لذا این عبادات مستحبی قرار داده شده تا راه جبرانی باشد باشد برای آنها که می خواهند در مسیر تکامل قدم بگذارند.
- ۲- این ثواب ها مشروط است به رعایت سایر شروط مثلاً نمازی که در آن وعده بخشش از گناهان داده شده مشروط است به صحیح انجام دادن عمل و رعایت سایر شرایط توبه از جمله تصمیم به عدم بازگشت

به گناه و جبران خطاهای گذشته مثل اداء حق الناس و... می باشد، لذا هرگز نباید تصور کرد که ذکر این ثواب ها چراغ سبزی است برای شیعیان جهت معاف شدن از تکالیف یا خدای ناکرده انجام معاصی. چراکه هیچ عملی مصونیت مادام العمر برای انسان به ارمغان نمی آورد بلکه باید به همه وظائف و تکالیف عمل کرد واجبات را انجام داد محرمات را ترک نمود و امید به فضل الهی داشت که این ثواب ها به ما داده شود.

۳- طبقه بندی ثواب ها متناسب با میزان تاثیرگذاری در هدایت انسان هاست. لذا اگر برای برخی عبادت ها و یا اعمال ثواب فراوان ذکر شده به این منظور است. به طور مثال برای شرکت در مجلس امام علیه السلام و یا گریه بر امام حسین علیه السلام و یا برخی نمازها، ثواب بسیار ذکر شده است. زیرا بسیار دیده شده که برخی افراد در بهره مندی از یک مجلس امام حسین علیه السلام و یا برگزاری یک نماز خاص نقطه عطفی در زندگی آنها صورت می پذیرد و موجب هدایت همیشگی آنها می شود.

نمازهای حاجت

۲۰۸- آیا اگر نمازهای مستحبی را که برای حاجت گرفتن می باشد، چرا من هر چه نماز می خوانم

حاجتم را نمی گیرم؟

در روایات اهل بیت علیهم السلام برای برخی از نمازهای مستحبی اثرات مخصوصی بیان شده است مانند نماز جعفر طیار که برای برآورده شدن حاجت یا رفع مشکل خوانده می شود یا نماز شکر که موجب ازدیاد نعمت می گردد و...، در خصوص اینگونه اعمال نباید فراموش کرد که هرچند خواندن آنها به هر مقدار برای انسان ثواب به دنبال دارد ولی بهره برداری کامل از آثار و خواص آنها زمانی خواهد بود که کمترین تغییری در آن ایجاد نگردد.

اما در خصوص اینکه با وجود خواندن اینگونه نمازها همچنان حاجت افراد برآورده نمی شود در احادیث معصومین علیهم السلام دلایل مختلفی ذکر گردیده است از جمله:

آلودگی به گناهان

مردی بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که ما دعا می کنیم و مستجاب نمی شود فرمود: «شما کسی را میخوانید که از او نمیترسید و نافرمانیش را میکنید چطور دعای شما را مستجاب کند.»^{۸۳۷}

در روایت دیگری نقل شده: گذر موسی علیه السلام به مردی از اصحابش افتاد که در سجده بود هنگامی که بازگشت باز همان شخص را در سجده دید فرمود: «اگر حاجتت بدست من بود هر آینه برآورده کرده بودم خداوند به او چنین وحی فرمود که اگر آنقدر برای من سجده کند که گردنش خورد شود از او نمی پذیرم تا اینکه از آنچه که ناخوشایند من است روی گرداند و به آنچه مطلوب من است روی آورد»^{۸۳۸}

^{۸۳۷} - ارشاد القلوب-ترجمه رضایی ج ۱-۳۶۵

^{۸۳۸} - گناهان کبیره شهید دستغیب

لذا در دوران امروز که دوران اباحه گری بوده و مردم از روی جهالت و یا ندانم کاری بسیاری از گناهان - همچون عدم رعایت پوشش اسلامی، برقرار روابط نامشروع و شنیدن موسیقی حرام و... - را برای خود حلال می دانند و با نفوذ امکاناتی همچون ماهواره و اینترنت در دل خانه ها به این گناهان بیشتر دامن می زنند؛ توصیه می کنیم با مطالعه کتاب گناهان کبیره شهید دستغیب در این زمینه اطلاعات خود را افزایش داده خدای ناکرده اگر دچار گناه می باشید آنرا ترک نموده و زمینه استجاب دعا را فراهم نمایید.

رعایت مصلحت

چه بسا برآورده شدن حاجت در همان زمان به مصلحت فرد نباشد و برآورده شدن حاجت، زمینه صدمات شدیدتر دنیوی و یا زیان اخروی را بدنبال داشته باشد، لذا خداوند متعال برای مصلحت بنده اش دعا را مستجاب نمی کند اما در قیامت، بیشتر از آنچه که تصور می نموده برایش جبران می نماید؛ امام صادق علیه السلام در اینخصوص می فرماید: «مؤمن خدای تعالی را در حاجتی می خواند خدای تعالی می فرماید: اجابت او را به تاخیر بیاندازید تا آنکه صدا و دعایش را بشنوم و وقتی که روز قیامت شد خدای تعالی می فرماید: بنده ام مرا خواندی و اجابت را به تاخیر انداختم و ثوابت چنین و چنان است و در فلان گرفتاری مرا خواندی من اجابت تو را به تاخیر انداختم و ثواب تو چنین و چنان است. در این هنگام مؤمن آرزو می کند که ای کاش هیچ دعایی از او در دنیا به اجابت نمی رسید چون که ثواب نیکوی آن را می بیند.»^{۸۳۹}

علاقه خداوند به مناجات بندگان

چه بسا خداوند استجاب دعا را به تاخیر می اندازد چراکه مناجات بنده اش را دوست دارد؛ امام باقر - علیه السلام - فرموده اند: «بسا مؤمن از خدا حاجتی بخواهد ولی اجابتش به تأخیر بیفتد، چون خداوند صدای دعا و آواز گریه اش را دوست دارد. آنگاه فرمود: به خدا سوگند! تأخیر آنچه مؤمنین در این دنیا طلب می کنند از جانب ذات اقدس الهی، از تعجیلش بهتر است، دنیا چه ارزشی دارد؟»^{۸۴۰}

از مجموع آیات و روایات به دست می آید هیچ دعایی از سوی خداوند بدون پاسخ نمی ماند. البته گاهی همان خواسته و حاجت مطرح شده اجابت می شود و گاهی جایگزین آن که مصلحت ما باشد اجابت می شود و گاهی بلا و ضد آن دفع می شود و گاهی ثواب و آثار آن در قیامت به بندگان می رسد.

امام سجاد (علیه السلام) در این باره فرموده اند: «الْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلَى ثَلَاثٍ - إِمَّا أَنْ يُدْخَرَ لَهُ وَإِمَّا أَنْ يُعَجَّلَ لَهُ - وَإِمَّا أَنْ يُدْفَعَ عَنْهُ بَلَاءٌ يُرِيدُ أَنْ يُصِيبَهُ»^{۸۴۱}؛ «مؤمن در دعاهای خود یکی از سه استفاده را می برد یا

^{۸۳۹} - عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۲۰۱؛ آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز، ص ۱۶۵

^{۸۴۰} - عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۲۰۰

^{۸۴۱} - بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۳۸

برایش ذخیره می‌شود و یا دعایش مستجاب می‌گردد و یا بلائی از او دفع می‌شود که باید دچار آن بلا میشد.»

نافله و حوصله

۲۰۹- چگونه می‌شود کسی نسبت به نمازهای مستحبی بی‌حوصله باشد؟ علت آن چیست؟

عوامل متعددی در بی‌حوصلگی افراد نسبت به نمازهای مستحبی تاثیر گزار است که در اینجا نمونه‌هایی را ذکر می‌نمائیم.

اول: عدم شناخت از احکام نمازهای مستحبی

یکی از عوامل مهمی که بی‌حوصلگی را در این زمینه فراهم می‌نماید عدم اطلاع دقیق از چگونگی نمازهای مستحبی و احکام آنها می‌باشد و به تعبیر دیگر سوء برداشت از چگونگی نمازهای مستحبی و سخت جلوه گر شدن آنها در منظر افراد، موجب بی‌رغبتی نسبت به انجام آنها می‌گردد.

در اینجا ذکر دو نکته در خصوص نمازهای مستحبی لازم است، تا بدانید خواندن نمازهای مستحبی به آن سختی که تصور می‌شود نیست.

۱- در نمازهای مستحبی رعایت تمامی شرایط نمازهای واجب لازم نمی‌باشد بلکه می‌توان آنها را در حال نشسته و در حال حرکت و هنگام راه رفتن و سواری بجای آورد و حتی رعایت قبله نیز لازم نمی‌باشد.^{۸۴۲}

۲- بنا به نظر تمامی مراجع: خواندن سوره در نمازهای مستحبی لازم نیست ولی در بعضی از نمازهای مستحبی (مثل نماز جعفر طیار که سوره مخصوصی دارد)، اگر بخواهد به دستور آن رفتار کند، باید همان سوره را بخواند.^{۸۴۳}

دوم: عدم اطلاع از آثار و برکات دنیوی و اخروی نمازهای مستحبی

عدم اطلاع از ثوابها و آثار و پیامدهای دنیوی و اخروی نمازهای مستحبی خود یکی از عوامل بی‌حوصلگی و بی‌توجهی به آنها می‌باشد و حال آنکه برخی از این نمازها دارای چنان آثاری می‌باشد که انسان به راحتی نمی‌تواند از کنار آن بی‌تفاوت بگذرد.

سوم: ارتکاب گناه

از عوامل مهمی که موجب می‌گردد تا انسان نسبت به نمازهای مستحبی بی‌حوصله گردد و در روایات ما نیز بر آن تاکید شده ارتکاب گناه می‌باشد.

شخصی به خدمت امام المتقین امیر المؤمنین علیه السلام آمد و گفت که:

^{۸۴۲} - مراجعه کنید به رساله دانشجویی و استفتائاتی که در این زمینه صورت گرفته است.

^{۸۴۳} - مراجعه کنید به رساله دانشجویی و استفتائاتی که در این زمینه صورت گرفته است.

مدتی شده است که از نماز شب خواندن محروم شده‌ام، حضرت فرمودند: «تو مردی هستی که گناهانت ترا به بند کشیده و مانع از نماز شب شده است» کنایه از آنکه گناه کردن در روز باعث محرومی از نماز شب است.^{۸۴۴}

چهارم: دنیا زدگی

غرق شدن در مسائل مادی و دنیایی یکی دیگر از عوامل بی حوصلگی انسانها برای عبادت می باشد. متأسفانه برخی از افراد بدلیل ضعف ایمان تمام زندگی را در همین دنیا خلاصه نموده اند و تمامی نیازها و احتیاجات خود را در مسائل دنیوی می بینند به همین دلیل تمامی سرمایه زندگی خود را برای به بدست آوردن لذتها و نیازهای دنیایی هزینه می نمایند و حال آنکه برای آخرت نیز ما نیازها و احتیاجاتی داریم که باید از همین سرمایه زندگی برای آن هزینه نمائیم.

لذا اگر انسانها واقعا به چنین نیازی ایمان داشته باشد با کمال شوق و اشتیاق بسوی نماز که یکی از بهترین سرمایه زندگی سعادت مند در آخرت می باشد روی می آورد و هر نوع بی حوصلگی از او دور می کنند. حضرت عیسی (علی نبینا و آله علیه السلام) نقش دنیا زدگی را در بی حوصلگی افراد نسبت به عبادات اینچنین ترسیم می نماید که: «همچنان که بیمار بر غذای لذیذ نگاه می کند و بدلیل شدت درد لذت آن را نمی چشد، همچنان فرد دنیادار نیز همراه با عشق به مال نه لذتی از عبادت می برد و نه شیرینی و حلاوتش را می چشد»^{۸۴۵}

پنجم: تنبلی

تنبلی افراد از دیگر عواملی که موجب بی حوصلگی در امور عبادی می گردد. به همین دلیل این مساله نیز در ادعیه ما مورد توجه قرار گرفته و در دعای ابوحمزه ثمالی در سحرهای ماه مبارک رمضان می خوانیم: «اللهم انی اعوذ بک من الکسل و الفشل و الجبن و النعاس...» یعنی خداوند پناه می برم به تو از کسالت و تنبلی و ترس و خواب آلودگی...

ششم: پرخوری و شکم پروری

پیامبر فرمود: «بپرهیزید از پرخوری که دل را مسموم بقساوت و سختی کند و اعضا را برای عبادت کند می کند...»^{۸۴۶}

^{۸۴۴} - منهاج النجاح فی ترجمه مفتاح الفلاح، ص ۳۵۵

^{۸۴۵} - تحف العقول-ترجمه جعفری، ص ۴۸۳

^{۸۴۶} - کتاب الروضه در مبانی اخلاق، ص ۱۵۹

۲۱۰- چگونه حال و حوصله و توان انجام یک نماز مستحب ۵۰ یا ۱۰۰ رکعتی را کسب کنم و حال

آنکه حتی حال و حوصله ۲ رکعت آن را هم نداریم؟!

قبل از پاسخگویی به سؤال باید بگوئیم که در اسلام آنگونه که در سوال آمده یک نماز ۵۰ یا ۱۰۰ رکعتی نداریم بلکه تمامی نمازهای مستحبی به غیر از موارد انگشت شماری که چهار رکعتی^{۸۴۷} و یا یک رکعتی^{۸۴۸} می باشند، مابقی دو رکعتی هستند و اگر هم گفته می شود مثلاً نماز شب نوزدهم ماه مبارک رمضان پنجاه رکعت است مراد از این نمازها خواندن آن به صورت دو رکعت، دو رکعت (یعنی ۲۵ نماز دو رکعتی) می باشد نه اینکه ۵۰ رکعت یکجا خوانده شود.

جهت کسب توفیق برای خواندن نمازهای نافله چند نکته و پیشنهاد ارائه می گردد:

الف - همواره از خداوند بخواهید و دعا کنید که خداوند توفیق برپایی نمازهای مستحبی را به شما عنایت فرماید و این از سیره پیامبران الهی همچون ابراهیم علیه السلام بوده که برای اقامه نماز دعا نموده اند: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ»^{۸۴۹}؛ «پروردگارا: مرا برپا کننده نماز قرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگارا: دعای مرا بپذیر!»

ب - بدانید به هر اندازه که کارهای خوب در این دنیا خود را سخت نشان دهد در آخرت پاداش آن به همان اندازه بیشتر خواهد بود کما اینکه امام باقر علیه السلام فرموده اند: «کار نیک و عمل خیر بهمان نسبتی که در قیامت سنگین و موجب سنگینی میزان انسان می شود برای مردم دنیا سنگین و دشوار است. و کار زشت بر اهل دنیا خفیف و سبک است (زود انجام میدهند) همچنان که در آن جهان خفیف و موجب سبکی میزان اعمال می شود.»^{۸۵۰}

ج - انسان برای انجام مستحبات همواره از لحاظ روحی دارای آمادگی نمی باشد بلکه گاهی اوقات در حال نشاط و آمادگی معنوی و گاهی اوقات هم آمادگی و نشاط لازم را ندارد لذا در تعالیم دینیمان توصیه شده در زمانیکه انسان آمادگی و نشاط کافی جهت انجام اعمال عبادی را ندارد خیلی به خود فشار نیارود تا این کار موجب نفرت و بی حوصلگی نسبت به انجام اعمال عبادی نگردد.^{۸۵۱}

^{۸۴۷} - مثل نماز معروف به نماز اعرابی که چهار رکعتی می باشد. در اینخصوص رجوع کنید به مفاتیح الجنان - قسمت باقیات الصالحات - نمازهای

مستحبی - نماز اعرابی

^{۸۴۸} - نماز یک رکعتی مانند نماز وتر در نماز شب خوانده می شود

^{۸۴۹} - ابراهیم (۱۴)، آیه ۴۰

^{۸۵۰} - بحار الانوار - ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، ج ۲، ص ۲۲۵

^{۸۵۱} - برگرفته از سخن امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه - بحار الانوار - ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، ج ۲، ص ۲۲۷

د - تا آنجا که ممکن است در فضاهای معنوی همچون مساجد و محافل معنوی مانند مراسمهایی که در شبهای احیا برگزار می گردد حاضر شده و نمازهای مستحبی را بجا بیاورید.

چراکه فضاهایی که معنوی باشند، ناخودآگاه انسان را تحت تأثیر قرار می دهند و به طور غیر مستقیم، بدون حساسیت فرد، سبب تأثیر گذاری می شوند.

و - این نکته را باید توجه داشته باشید که زمان برخی از نمازها گاهی منحصر در یک شب و یا یک روز خاص می باشد (مثل نماز روز عید غدیر و یا نماز شب نیمه شعبان) و از دست دادن آن یعنی از دست دادن تمامی آثار مادی و معنوی آن که ممکن از دیگر در طول زندگی برای افراد فراهم نگردد.

ه - سیره چهارده معصوم، اولیاء دین و علما دینی و حالات آنها را به هنگام برپایی نماز مطالعه نمائید و به دنبال این نکته باشید که چه انگیزه ای موجب می شد تا آنها نه ۵۰ رکعت و نه صد رکعت بلکه همچون حضرت علی علیه السلام هر شبانه روز ۱۰۰۰ رکعت نماز بخوانند.

ی - شرایط مساعد را برای خواندن نماز فراهم نمائید

مثلاً اگر قصد دارید نمازی را بخوانید قبل از آن استراحت لازم را بکنید، و خود را بیش از اندازه با اموراتی همچون برنامه های تلویزیونی، اینترنت و بازیهای کامپیوتری مشغول نکنید تا دیگر حوصله ای برای نماز خواندن برای شما فراهم نگردد.

نماز ازدواج

۲۱۱- نمازی برای یافتن همسری با ایمان و شایسته که از قول امام علی (ع) نقل شده را برایم

بنویسید؟

نماز مورد نظر شما نمازی است که امام علی علیه السلام برای تمام کسانی که تصمیم به ازدواج دارند توصیه نموده اند در این نماز ضمن اینکه درخواست از خداوند متعال می باشد، خود بیانگر عالی ترین معیارها در گزینش همسر شایسته نیز می باشد.

آنحضرت چنین فرموده اند: هر کس از شما برای ازدواج تصمیم گرفت، دو رکعت نماز بخواند، بعد سوره حمد و پس را قرائت کند و پس از آن حمد و ثنای الهی را بجای آورد، و بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً صَالِحَةً وَوَدُوداً وَوَلُوداً شُكُوراً قَنُوعاً غَيْرَ رَأٍ إِنَّ أَحْسَنَ شُكْرَتٍ وَ إِنَّ أَسَاتُ غَفْرَتٍ وَ إِنَّ ذَكَرْتُ اللَّهَ تَعَالَى أَعَانَتْ وَ إِنَّ نَسِيتُ ذَكَرَتْ وَ إِنَّ خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهَا حَفِظْتُ وَ إِنَّ دَخَلْتُ عَلَيْهَا سُرْتُ وَ إِنَّ أَمْرُهَا أَطَاعَتْنِي وَ إِنَّ أَقْسَمْتُ عَلَيْهَا أَبْرَتْ فَسَمِي وَ إِنَّ غَضِبْتُ عَلَيْهَا أَرْضَيْتَنِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ هَبْ لِي ذَلِكَ فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ وَ لَأُجِدُ إِلَّا مَا قَسَمْتُ لِي.»^{۸۵۲} «خدایا! زن صالح، با مودت، پر اولاد، سپاسگزار، قانع و

^{۸۵۲} - بحارالانوار، ج ۱۰۰، ابواب النکاح، باب ۶ الدعاء عند إرادة التزویج و الصیغه و الخطبة و آداب النکاح و الزفاف و الولیمة، ص ۲۶۸؛ همچنین نوادر راوندی، ترجمه صادقی اردستانی، نماز و دعا برای ازدواج، ص ۲۸۲

تسلیم و با غیرت نصیب من گردان، که اگر خوبی کنم سپاسگزار باشد، و اگر خدا را فراموش کردم مرا یاد آوری کند، آنگاه که خانه را ترک می‌کنم حافظ زندگی و آبرو باشد، و آنگاه که به خانه می‌آیم مرا خوشحال و مسرور کند، اگر به او دستور دادم اطاعت کند، و اگر برای او قسم خوردم آن را بپذیرد، و اگر نسبت به او عصبانی و خشمناک شدم مرا راضی و خرسند گرداند.

ای خدای صاحب جلال و بزرگواری! چنین زنی را قسمت من گردان، زیرا من از آستان پر عظمت تو کمک می‌گیرم، و جز آنچه تو قسمت من می‌کنی، چیزی را سراغ ندارم.»

ایشان در ادامه روایت این وعده را به کسانی که این نماز را می‌خوانند داده است که هر کس اینگونه عمل نماید خداوند متعال آنچه را خواسته است را به او عنایت فرماید.

نماز غفیله

۲۱۲- نماز غفیله چیست و چگونه خوانده می‌شود؟

یکی از نمازهای مستحبی «نماز غفیله» است که بین نماز مغرب و عشا خوانده می‌شود. درباره نماز غفیله امام صادق علیه السلام فرموده اند: «هر کس بین نماز مغرب و عشا این دو رکعت نماز را بخواند، خداوند آنچه سؤال کند به او عطا می‌نماید.»^{۸۵۳}، همچنین از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله نقل شده: «در ساعت غفلت اگر دو رکعت نماز - هر چند خفیف و مختصر خوانده شود خداوند آن شخص را اهل دار کرامت (بهشت) قرار می‌دهد.»^{۸۵۴}

گفتنی است که کلمه غفیله از ماده غفلت است و علت این که این نماز را غفیله می‌گویند، به خاطر این است که ساعت غفلت (بین مغرب و عشا) خوانده می‌شود؛ زیرا معمولاً در این ساعت شیطان سعی می‌کند افراد را از یاد خدا و فضیلت و صف‌ناپذیر ناپله غافل نماید.

درباره کیفیت نماز غفیله گفتنی است: در رکعت اول بعد از حمد، به جای سوره این آیه را بگوید: «وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ». در رکعت دوم نیز بعد از حمد این آیه را بخواند: «وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ». و در قنوت آن بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا» [و به جای این کلمه حاجت خود را ذکر و سپس بگوید:] «اللَّهُمَّ أَنْتَ وَ لِي نِعْمَتِي وَ الْقَادِرُ عَلَيَّ طَلَبْتِي تَعَلَّمْ حَاجَتِي فَاسْأَلُكَ

^{۸۵۳} - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۲۱

^{۸۵۴} - همان، ص ۱۲۰

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ - عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي». می توان نماز غفيله را به جای دو رکعت نافله نماز مغرب به جای آورد^{۸۵۵}.

نماز شاه پریان

۲۱۳- این نماز شاه پریان که در ماه رجب برگزار می شود، آیا سند شرعی دارد؟

نمازی به این اسم در منابع اسلامی و کتب دعا وارد نشده است اما شاید مراد شما از این نماز، نماز شب جمعه اول ماه رجب باشد که به شب « لیلۃ الرغائب » - یا به تعبیر برخی « شب آرزوها » است - باشد. که اگر منظور این است باید گفت در کتاب مفاتیح الجنان در خصوص فضائل و نحوه اقامه این نماز چنین آمده: « از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد شده: هر که این نماز را بگذارد چون شب اول قبر او شود حق تعالی بفرستد ثواب این نماز را به سوی او به نیکوتر صورتی با روی گشاده و درخشان و زبان فصیح پس با وی گوید ای حبیب من بشارت باد تو را که نجات یافتی از هر شدت و سختی گوید تو کیستی به خدا سوگند که من رویی بهتر از روی تو ندیدم و کلامی شیرین تر از کلام تو نشنیده ام و بویی بهتر از بوی تو نبویدم گوید من ثواب آن نماز که در فلان شب از فلان ماه از فلان سال بجا آوردی آدم امشب به نزد تو تا حق تو را ادا کنم و مونس تنهایی تو باشم و وحشت را از تو بردارم و چون در صور دمیده شود من سایه بر سر تو خواهم افکند در عرصه قیامت پس خوشحال باش که خیر از تو معدوم نخواهد شد هرگز و کیفیت آن چنان است که روز پنجشنبه اول آن ماه را روزه می داری چون شب جمعه داخل شود ما بین نماز مغرب و عشاء دوازده رکعت نماز می گذاری هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعت از آن یک مرتبه حمد و سه مرتبه انا انزلناه و دوازده مرتبه قل هو الله احد می خوانی و چون فارغ شدی از نماز هفتاد مرتبه می گویی اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَ عَلَيَّ آلِهِ [وَ آلِ مُحَمَّدٍ] پس به سجده می روی و هفتاد مرتبه می گویی سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ پَسِ سِرِّ سَجْدَةٍ بِرِ مِ دَارِي وَ هَفْتَادِ مَرْتَبَةٍ مِي گویی رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْظَمُ پس باز به سجده می روی و هفتاد مرتبه می گویی سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ پَسِ حَاجَتِ خُودِ رَا مِي طَلْبِي كِه اِنْ شَاءَ اللهُ بِرَأُورِدَه خَوَاهِدِ شُد»^{۸۵۶}

^{۸۵۵} - توضیح المسائل مراجع، م ۷۷۵، آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۷۷۶، آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۷۸۱، دفتر آیت الله خامنه ای.

^{۸۵۶} - مفاتیح الجنان، اعمال مشترک ماه رجب، اعمال شب جمعه ماه رجب

گفتار سوم: نماز جماعت

آیه نماز جماعت

۲۱۴- آیا آیه ای که در مورد نماز جماعت در قرآن وجود دارد؟

خداوند متعال در آیه ۴۳ سوره بقره دستور به حضور نماز جماعت داده و فرموده است: «وَارْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ»^{۸۵۷}؛ «با رکوع کنندگان رکوع کنید»

مفسرین در توضیح این آیه چنین گفته اند: با اینکه این دستور اشاره به مساله نماز جماعت است، ولی از میان تمام افعال نماز تنها "رکوع" را بیان کرده و می گوید: «با رکوع کنندگان رکوع کنید» این تعبیر شاید به خاطر آن باشد که نماز یهود مطلقاً دارای رکوع نبود، این نماز مسلمانان است که یکی از ارکان اصلی آن، رکوع محسوب می شود.

جالب اینکه نمی گوید: نماز بخوانید، بلکه می گوید: اَقِمْوُا الصَّلَاةَ (نماز را بپا دارید) یعنی تنها خودتان نمازخوان نباشید بلکه چنان کنید که آئین نماز در جامعه انسانی بر پا شود، و مردم با عشق و علاقه به سوی آن بیایند.^{۸۵۸}

اولین نماز جماعت پیامبر (صل الله علیه و آله)

۲۱۵- اصل نماز پس از معراج واجب شد، پس قضیه اولین نماز جماعت پیامبر(ص) با مولا

علی(ع) در سال های قبل از معراج چیست؟

بر اساس آنچه که در منابع روایی شیعه از امام صادق علیه السلام نقل گردیده اولین نماز جماعت توسط پیامبر خدا (صل الله علیه و آله) و امیرالمومنین علیه السلام و جعفر طیار برگزار گردید. امام صادق (علیه السلام) داستان برگزاری اولین نماز جماعت را اینچنین نقل فرموده اند: اول نماز جماعتی که رسول خدا خواند تنها امیر المؤمنین با او بود ابو طالب به آنها گذشت و جعفر همراهش بود باو گفت پسر جانم به پهلوی عموزادهات وصل شو، چون رسول خدا احساس کرد که او بنماز ایستاد پیش ایستاد از آن رو ابو طالب شاد برگشت و می گفت:

علی و جعفرم پشت و پناهند بگاه سختی و هنگام شدت

نسازم من پیامبر خوار و بیکس نه فرزندم که باشد مرد همت

شما دست از محمد بر ندارید ز باب و مام باشد بن عموتان^{۸۵۹}

^{۸۵۷} - بقره (۲)، آیه ۴۳

^{۸۵۸} - مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۱، ص ۲۰۹

^{۸۵۹} - شعر عربی که ابوطالب گفته اند و در متن روایت آمده این ابیات می باشد

آن اول جماعت بود که در آن روز اقامه شد ^{۸۶۰}. و پس از این دو زید بن حارثه و خدیجه کبرا به آنها ملحق شدند. ^{۸۶۱}

اما در توضیح اینکه این نمازها قبل از معراج و واجب شدن نماز بوده خاطر نشان می کنیم که هرچند نماز پس از معراج بر مسلمانان واجب گردید اما قبل از معراج این عمل برای پیامبر اسلام واجب و بر دیگر مسلمانان نیز مستحب موکد بود. ^{۸۶۲} لذا هیچ جای منافاتی ندارد که شخصیت های بزرگواری همچون علی علیه السلام و جعفر طیار و حضرت خدیجه علیه السلام به این مساله پایبند بوده و برای نماز خود به پیامبر اقتدا نمایند.

فلسفه و فوائد نماز جماعت

۲۱۶- فلسفه و فوائد نماز جماعت در چیست؟

برپایی نماز جماعت فلسفه و فوائد بی شماری دارد که در این قسمت به برخی اشاره می شود.

یک - آثار معنوی

الف - استجاب دعا

پیامبر(ص) فرمود: «چون بنده خدا نماز را به جماعت گزارد و پس از آن حاجتی را از خدا بخواهد، خدای عزوجل از وی حیا می کند که پیش از روگرداندن او، حاجتش را برآورده نسازد» ^{۸۶۳}

ب - درمان نفاق

پیامبر(ص) فرمود: «هرکس چهل روز در نماز جماعت شرکت کند و به طور مرتب نماز گزارد، دو برائت نامه و دو سند رهایی بخش به او می دهند: ۱ - نجات از آتش، ۲ - رهایی از نفاق» ^{۸۶۴}

ج - در پناه خدا بودن

امام صادق(ع) فرمود: «هر کس که نماز صبح و عشا را به جماعت بخواند، او در پناه خدای عزوجل است» ^{۸۶۵}.

إِنَّ عَلِيًّا وَ جَعْفَرًا تَقِي عِنْدَ مُلِمِّ الزَّمَانِ وَالْكَرْبِ
وَاللَّهُ لَا أَخْذُلُ النَّبِيَّ وَلَا يَخْذُلُهُ مِنْ نَبِيِّ دُو حَسَبِ
لَا تَخْذُلًا وَ أَنْصُرًا ابْنَ عَمَّكُمَا أُخِي لِأُمِّي مِنْ بَيْنِهِمْ وَ أَبِي

^{۸۶۰} - شیخ صدوق، أمالی الصدوق، ص ۵۰۸، المجلس السادس و السبعون

^{۸۶۱} - نجفی خمینی محمد جواد، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۹۸ ق، اول، ج ۹، ص ۹۷

^{۸۶۲} - طباطبایی سید محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش، پنجم، ج ۱۳، ص ۳۵؛ نماز در قرآن و حدیث، محمدی ری شهری، آذرماه ۱۳۷۵؛ نجفی خمینی محمد جواد، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۹۸ ق، اول، ج ۱، ص ۲۸

^{۸۶۳} - إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۱۸۳

^{۸۶۴} - إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۱۸۴

د - كفاره گناهان

امام باقر(ع) فرمود: «سه چیز كفاره و پوشاننده گناهان است: ۱ - وضو ساختن در هوای سرد، ۲ - راه رفتن در شب و روز به سوی نمازها، ۳ - محافظت بر نمازهای جماعت»^{۸۶۶}

ه - مونس در قبر

پیامبر(ص) فرمود: «آگاه باشید هر که به طرف مسجد برای اقامه نماز جماعت حرکت کند، به هر قدمی هفتاد هزار حسنه و ثواب برای او نوشته شود... و اگر در همین حال بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته بر او بگمارد که او را در قبرش زیارت کنند و در تنهایی مونس او باشند و برایش استغفار کنند تا برانگیخته شود»^{۸۶۷}

و - عبور از صراط

رسول خدا(ص) فرمود: «هر کس در هر کجا که باشد، اگر بر جماعت مداومت کند، مانند برق سریع و درخشان همراه نخستین گروه بهشتیان از روی صراط می‌گذرد...»^{۸۶۸}

ز - آزادی از آتش دوزخ

رسول خدا(ص) فرمود: «هر کس چهل روز در نماز جماعت شرکت کند و به طور مرتب نماز گزارد... دو برائت نامه و سند رهایی بخش به او می‌دهند: ۱ - نجات از آتش، ۲ - رهایی از نفاق»^{۸۶۹}

ن - نجات از مراحل ترسناک قیامت

رسول اکرم(ص) فرمود: «...در روز قیامت خداوند، همه انسان‌ها را برای حساب گرد می‌آورد. پس هر مؤمنی که در نماز جماعت شرکت کند، خداوند سختی‌ها و دشواری‌های روز قیامت را برایش آسان می‌سازد؛ آن گاه فرمان می‌دهد که او را روانه بهشت سازند»^{۸۷۰}

ی - ترفیع مقام

رسول خدا(ص) فرمود: «ای علی! سه چیز موجب ترفیع مقام و درجه مؤمن است:

۱ - وضوی کامل در هوای سرد، ۲ - انتظار نماز بعد از نماز، ۳ - شرکت مداوم در نمازهای جماعت»^{۸۷۱}

دو - آثار فردی

پیامبر خدا صل الله علیه و آله راجع به مسجد که کانون برگزاری نماز جماعت می باشد فرموده اند: هر که پیوسته به مسجد رود یکی از هشت فائده را برد:

^{۸۶۵} - المحاسن، ج ۱، ص ۵۲

^{۸۶۶} - بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۰

^{۸۶۷} - بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۹

^{۸۶۸} - بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۳

^{۸۶۹} - رشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۱۸۴

^{۸۷۰} - بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۶

^{۸۷۱} - بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۰

- آیه محکمی از قرآن (که از آن بهره یابد)

- یا رفیقی که از او فایده برد

- یا علم تازه‌ای فرا گیرد

- یا از رحمتی که در انتظارش بوده برخوردار شود

- یا سخنی بشنود که دلیل راه شود

- یا مانع گناه گردد

- یا (لا اقل) از شرم و حیا دست از معصیت بشوید

- یا از ترس ترک گناه کند.^{۸۷۲}

سه - آثار اجتماعی

الف - تقویت روحیه اخوت و برادری

نماز جماعت، مقدمه وحدت صفوف و نزدیکی دلها و تقویت کننده روح اخوت است. نوعی حضور و غیاب بی تشریفات، و بهترین راه شناسائی افراد است.

رسول خدا صل الله علیه و آله نتیجه صفوف به هم پیوسته نماز جماعت را از بین رفتن روحیه اخوت و برادری دانسته و می فرمودند: منظم و صاف بایستید و گر نه دلهایتان هم مختلف خواهد شد...^{۸۷۳}

قال رسول الله - صلی الله علیه وآله :-

استووا تستوی قلوبکم و تماسوا تراحموا؛

صفهای نماز جماعت را هماهنگ و تنظیم نمایید تا دلهایتان متعادل شود، و با هم در تماس باشید تا مهربانی افزوده شود.

(کنز العمال، ج ۷، ص ۶۲۳)

ب - حسن شهرت در جامعه

پیامبر(ص) فرمود: «هر که نمازهای پنجگانه را با جماعت بخواند، به او گمان هر خیر و نیکی را داشته باشید»^{۸۷۴}

چهار - آثار سیاسی

- ترویج و تبیین معارف الهی و شعائر دینی

امام رضا(ع) در باره فلسفه نماز جماعت فرموده است: «نماز جماعت بدان جهت قرار داده شد که اخلاص، توحید، اسلام و عبادت خداوند آشکار و ظاهر باشد»^{۸۷۵}

^{۸۷۲} - تحف العقول عن آل الرسول ص، ص ۲۳۵

^{۸۷۳} - سنن النبی صلی الله علیه و آله با ترجمه ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۲۶۷

^{۸۷۴} - بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲

^{۸۷۵} - عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۹

- شکوه و عظمت اسلام

حضور جمعی مسلمانان در مساجد، ضمن آنکه عظمت و بزرگی جماعت مسلمانان را می‌رساند؛ بیانگر قدرت مسلمین و الفت دلها و انسجام صفوف است.

تفرقه‌ها را می‌زداید، بیم در دل دشمنان می‌افکند، منافقان را مایوس می‌سازد، خار چشم بدخواهان است.

نماز جماعت، نمایش حضور در صحنه و پیوند امام و امت می‌باشد.

- وحدت و تعاون

نماز جماعت، نمایانگر وحدت مسلمانان و محل تجلی همدلی، تعاون و همکاری آنان با همدیگر است. امام رضا (علیه السلام) در بیان یکی دیگر از فلسفه‌های نماز جماعت فرموده اند: «مع مافیة من المساعدة علی البرّ و التقوی»^{۸۷۶}؛ «علاوه بر اینکه در نماز جماعت است پیشی گرفتن بر نیکوکاری و پرهیزکاری است»

چهار- آثار اخلاقی، تربیتی

الف - کبر زدایی

در نماز جماعت، افراد در یک صف قرار می‌گیرند و امتیازات موهوم صنفی، نژادی، زبانی، مالی و... کنار می‌رود و صفا و صمیمیت و نوع دوستی در دلها زنده می‌شود و مؤمنان، با دیدار یکدیگر در صف عبادت، احساس دل‌گرمی و قدرت و امید می‌کنند.

روحیه فردگرایی و انزوا و گوشه‌گیری را از بین می‌برد و نوعی مبارزه با غرور و خودخواهی را در بر دارد.

ب - نظم و انضباط

نماز جماعت، عامل نظم و انضباط و وقت‌شناسی است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله دست به شانه‌های ما می‌گذاشت و می‌فرمود: منظم و صاف بایستید و گر نه دل‌هایتان هم مختلف خواهد شد...^{۸۷۷}

اهمیت نماز جماعت

۲۱۷- لطفا در مورد اهمیت و ضرورت حضور در نماز جماعت توضیح دهید؟

اسلام دینی فردگرا و عزلت‌پذیر نیست. عبادات اسلامی، ضمن آن که برای تصفیه باطن و نفس انسانی وضع شده است، هیچ‌گاه فرد را گسسته از جامعه نمی‌نگرد و برنامه‌های خود را به گونه‌ای تنظیم نموده

^{۸۷۶} - عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۹

^{۸۷۷} - سنن النبی صلی الله علیه و آله با ترجمه ترجمه‌فارسی، ج ۱، ص ۲۶۷

که حضور اجتماعی یک فرد مسلمان حفظ شود، عبادات جنبه جمعی و اجتماعی پیدا کند و روح عبادت و پرهیزکاری بر جامعه سایه افکند. بنابراین عبادت و تقوا در اسلام، صرفاً مربوط به کنج خانه ها و نهانخانه دل نیست؛ بلکه دستورالعملی اجتماعی است و باید فرهنگ آن، بر همه فعالیت های فردی و اجتماعی حاکم شود و چنین چیزی جز با تجمعات عبادی امکان پذیر نیست. پس نماز فرادا اگر هم رابطه قلبی نیرومندتری برقرار کند، اما عبادت و ارتباط با خدا را به یک شعار و کنش جمعی و اجتماعی مبدل نمی سازد، فرهنگ دینداری را در جامعه نمی گستراند و مظاهر اجتماعی را تحت پوشش فرهنگی عبادی قرار نمی دهد.

از همین رو در اسلام جایگاه و اهمیت این حضور اجتماعی به صورت های مختلف تذکر داده شده است که در اینجا به چند مورد اکتفا می نمائیم.

الف - حضور در نماز جماعت با هر دشواری که باشد

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - در باب اهمیت حضور در نماز جماعت فرموده اند: «در نماز جماعت شرکت نمایید، گرچه آن را بر سر آهن نوک نیزه و انجام دهید (یعنی هر قدر سخت و دشوار باشد، از حضور در جماعت دریغ نکنید).»^{۸۷۸}

ب - حضور در نماز جماعت بر همه لازم است حتی نابینایان

شخص نابینایی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد عرض کرد: ای رسول خدا! من چشم ندارم، صدای اذان را می شنوم؛ ولی کسی را ندارم که مرا کمک نماید تا به مسجد آمده و با شما جماعت بخوانم. حضرت فرمودند: از منزلت به مسجد طنابی بکش و به وسیله آن به جماعت شرکت کن.^{۸۷۹}

ج - برخورد شدید پیامبر با تارکان نماز جماعت

«رسول خدا (ص) روزی پس از ادای نماز صبح در مسجد رو به اصحاب کرده و از حال مردی که نامشان را یک به یک برد پرسید که آیا اینان به جماعت حاضر شده اند؟ اصحاب عرض کردند: نه یا رسول الله. حضرت با تعجب پرسید آیا غایبند؟ بعد فرمود: به راستی که هیچ نمازی بر منافقان از این نماز (صبح) و نماز عشاء دشوارتر نخواهد بود.»^{۸۸۰}

د - اجازه تاخیر در نماز اول وقت به خاطر جماعت

جمیل بن صالح از امام صادق (ع) سؤال کرد: کدام یک از این دو افضل است: انسان در اول وقت نمازش را بخواند یا مقداری نماز را تاخیر بیندازد تا با اهل مسجد به جماعت نماز بخواند، زمانی که مسجد امام

^{۸۷۸} - الکافی، ج ۸، ص ۳۴۸

^{۸۷۹} - تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۶

^{۸۸۰} - بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۹

جماعت دارد؟ حضرت فرمود: «نماز را به تاخیر بینداز، با اهل مسجد نماز بخوان، زمانی که مسجد امام جماعت دارد.»^{۸۸۱}

ه - غیر قابل جبران بودن ثواب جماعت از دست رفته

عبدالله بن مسعود روزی به تکبیر اول نماز جماعت نرسید و برای جبران فوت این ثواب یک بنده آزاد کرد، آمد خدمت رسول خدا (ص) عرض کرد: یا رسول الله من به تکبیر اول نماز جماعت نرسیدم و جهت جبران یک بنده آزاد کردم. آیا با این کار آن ثواب فوت شده را درک خواهم کرد؟ حضرت فرمود: خیر، ابن مسعود گفت: یک بنده دیگر آزاد خواهم کرد آیا به ثواب فوت شده خواهم رسید؟ حضرت فرمودند: خیر، ای ابن مسعود اگر آن چه در زمین است در راه خدا انفاق کنی ثواب فوت شده را درک نخواهی کرد.^{۸۸۲}

و - قطع رابطه با تارک نماز جماعت

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «کسی که بدون عذر موجهی با مسلمین در مسجد نماز جماعت نمی خواند نمازش کامل نیست، و کسی که در منزلش نماز می خواند و نسبت به جماعت مسلمین بی توجه است غیبتش جایز است و کسی که نسبت به جماعت مسلمین بی توجه است از عدالت ساقط است و واجب است دوری کردن از او.»^{۸۸۳}

ز - الزام به ترک همسایگی مسجد برای تارکان جماعت

به حضرت علی (ع) خبر دادند که در کوفه قومی هستند در همسایگی مسجد، که به جماعت مسلمین در مسجد حاضر نمی گردند امام فرمود: باید به جماعت ما و نماز با ما در مسجد حاضر شوند، و گرنه باید کوچ کنند و از همسایگی مسجد دور شوند و با ما همسایه نباشند و ما نیز با آنان مجاور نباشیم.^{۸۸۴}

ن - محرومیت امور اجتماعی تارکان نماز جماعت

به امیرالمؤمنین علی (ع) خبر رسید که گروهی برای نماز در مسجد حاضر نمی شوند. حضرت خطبه ای خواند و در آن خطبه چنین فرمود: به درستی که گروهی برای نماز در مساجد ما حاضر نمی شوند پس با ما هم، نه غذا بخورند، نه آب بیاشامند و نه مشورت کنند و نه از ما (زن) بگیرند و از غنایم ما چیزی اخذ نکنند، تا این که در نماز جماعت با ما حاضر شوند.^{۸۸۵}

ی - ترک جماعت موجب عدم قبولی نماز

^{۸۸۱} - وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۳۰۸

^{۸۸۲} - مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۲۵

^{۸۸۳} - الإستبصار، ج ۳، ص ۱۲

^{۸۸۴} - وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۹۶

^{۸۸۵} - همان

رسول خدا - صلی الله علیه وآله - فرمود: «کسی که بدون عذری در جماعت مسلمانها در مسجد شرکت نکند، نمازش پذیرفته نیست.»^{۸۸۶}

حضور قلب و نماز جماعت

۲۱۸- نماز خواندن در خانه با حضور قلب بهتر است یا در مسجد بدون حضور قلب؟

نماز یک عبادت تک منظوره نیست؛ بلکه هندسه آن چند ضلعی است و به یک هدف خاصی محدود نمی‌شود.

اگر هدف نماز، تنها لذت ذکر و معرفت بود، این پیشنهاد کاملاً صحیح بود که با رفتن به کنج عزلت و گوشه نشینی و مراقبت فردی، بیشتر می‌توان آن حالات معنوی و عرفانی را تحصیل کرد؛ ولی نماز اسلام، نمازی است که دارای بعدی کاملاً اجتماعی است. به همین جهت اصل در نماز، جماعت است و «ضمایر جمع» در سوره حمد، شاهد مدعای ما است. پس بایستی با نماز در جامعه، حرکت کرد و هنر این است که آدمی، به گونه‌ای باشد که در عین اشتغالات گوناگون، از ذکر خداوند غافل نگردد و همواره او را حاضر و ناظر ببیند و در حقیقت در همه احوال، مشغول به نماز باشد.

نماز اسلام، نماز ناهی از منکر و عمود برپایی خیمه دین است و چنین عبادتی، با گوشه‌گیری تحقق نمی‌یابد.^{۸۸۷}

از سویی دیگر روایاتی که در خصوص جایگاه، اهمیت و ثواب نماز جماعت ذکر گردیده همه گویای آن است که هیچ چیز نسبت به نماز جماعت اولویت ندارد بگونه‌ای که حتی با وجود اهمیت زیاد نماز اول وقت، در روایات اجازه تاخیر در نماز اول وقت داده شده تا انسان فضیلت نماز جماعت را درک نماید^{۸۸۸} و یا توصیه شده نماز به صورت جماعت خوانده شود و لو اینکه بر نوک نیزه باشد (اشاره به اینکه ولو در سختترین شرایط باشد).^{۸۸۹}

گذشته از اینکه علمای اخلاق یکی از راههای کسب حضور قلب در نماز را حضور در نماز جماعت ذکر نموده اند چرا که در نماز جماعت برخی مسولیت های نماز بر عهده امام جماعت گذاشته شده و انسان با تمرکز بیشتری می تواند نماز خود را اقامه نماید بویژه اینکه اگر امام جماعت به عنوان حقله وصل خالق و مخلوق، از علما و اولیاء الهی باشد. +

^{۸۸۶} - تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۴۱

^{۸۸۷} - مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پائیز ۸۰ ش، چاپ نهم، ج ۲، ص ۳۷

^{۸۸۸} - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۸

^{۸۸۹} - الکافی، ج ۸، ص ۳۴۸

یهود و نصاری امت اسلام

۲۱۹- آیا این حدیث صحیح است که پیغمبر(ص) فرمود بر یهود و نصاری سلام کنید و بر یهود و

نصاری امت من سلام نکنید؟ گفته اند منظور از یهود و نصاری کسانی اند که صدای اذان و

اقامه را می شنوند و در نماز و جماعت شرکت نمی کنند؟ لطفا منبع و مأخذ این حدیث را

بیان کنید؟

در هیچ یک از منابع حدیثی چنین روایتی نیافتیم در کتاب ضیاء الصالحین جوهرچی که از کتب دعا است و در همین دهه های اخیر نوشته شده این گونه آمده قال الرسول (صلی الله علیه وآله): سلّموا علی الیهود والنصاری ولا تسلّموا علی یهود أمتی، قیل: یا رسول الله ومن یهود أمتک؟ قال: من یسمع الأذان والإقامة ولا یحضر الجماعة. اُبر یهود و نصاری سلام کنید و بر یهود امت من سلام نکنید گفته شد ای رسول خدا یهود امت شما کیانند حضرت فرمود کسانی که صدای اذان و اقامه را می شنوند و در جماعت شرکت نمی کنند { لکن همان گونه که گفتیم این کتاب از کتابهایی است که در همین عصر خودمان نوشته شده و این که نویسنده این کتاب این نقل را از کدام منبع نقل کرده برای ما معلوم نیست.^{۸۹۰}

نماز جماعت کارمندان

۲۲۰- با توجه به اینکه در روایات تاکید زیادی به اقامه نماز اول وقت شده است، در ساعاتی که

انسان به عنوان کارمند متعهد است کاری را برای کارفرما و ارباب رجوع انجام دهد، چگونه

باید عمل کند تا هم از ثواب نماز اول وقت محروم نشود و هم کارفرما و ارباب رجوع از کار

او راضی باشد؟

درباره تقدم نماز بر کار و اقامه آن در اول وقت، سفارش و دستورات زیادی وارد شده است. فرقی هم نمی کند که شخص در منزل باشد، یا محل کار و یا مسجد. در هر حال مستحب و شایسته است که او نماز را در اول وقت بخواند. در ادارات نیز معمولاً بعد از چندین ساعت کار و فعالیت، بیست دقیقه تا نیم ساعته کارمندان اجازه می دهند که در نمازهای جماعت ادارات شرکت کنند و این به معنای از بین بردن حق ارباب رجوع نیست؛ زیرا همه مسلمانان - چه کارمند و چه ارباب رجوع - وظیفه دارند نماز را در اول وقت به جا آورند.

اما در عین حال اگر کارهای اداری به نحوی بود که تا وقت نماز، امکان حل و فصل آنها نبود و ارباب رجوع نیز منتظر رسیدگی به کار ضروری خود بودند و در صورت به تاخیر افتادن، احتمال ناراحتی و ضرر

^{۸۹۰} - ضیاء الصالحین/الجوهرچی/ص ۴۸۲

و زیان وجود دارد؛ در این صورت بهتر است کارمندان، رسیدگی به کار ارباب رجوع را - آن هم در شرایط استثنایی - مقدم کنند و نماز خود را بعد از آن بخوانند^{۸۹۱}.

فضیلت نماز جماعت

۲۲۱- اگر ممکن است ثواب نماز جماعت را برایم بنویسید؟

یکی از زیباترین روایاتی که ثواب نماز جماعت در آن تبیین شده است روایت نقل شده از پیامبر خدا صل الله علیه و آله می باشد که فرمود:

جبرئیل با هفتاد هزار ملک بعد از نماز ظهر نزد من آمد، و گفت: ای محمد! همانا خداوند سلام بر تو می فرستد و دو هدیه برای شما فرستاده که برای هیچ پیامبری تاکنون نفرستاده است، رسول خدا (ص) فرمود: آن دو هدیه چیست؟ جبرئیل فرمود:

(اول) - سه رکعت نماز وتر (دو رکعت شفع - یک رکعت وتر).

(دوم) - نمازهای پنج گانه به صورت نماز جماعت.

رسول خدا (ص) فرمود: ای جبرئیل! نماز جماعت چه فایده ای برای امت من دارد؟ جبرئیل فرمود: یا محمد! (برای هر نفر که در نماز جماعت شرکت کند، پاداش ذکر نمود):

- در نماز جماعت دو نفر اقتداء کند. خداوند برای هر یک نفر در هر یک رکعت یکصد و پنجاه (۱۵۰) نماز می نویسد.

- زمانی در نماز جماعت سه نفر اقتدا کند. خداوند برای هر یک نفر در هر یک رکعت ششصد (۶۰۰) نماز می نویسد.

- زمانی که در نماز جماعت چهار نفر اقتدا کند. خداوند برای هر یک نفر در هر یک رکعت یک هزار و دویست (۱۲۰۰) نماز می نویسد.

- زمانی که در نماز جماعت شش نفر اقتدا کنند خداوند برای هر یک نفر در هر یک رکعت چهار هزار و هشتصد (۴۸۰۰) نماز می نویسد.

- زمانی که در نماز جماعت هفت نفر باشند، خداوند برای هر یک نفر در هر یک رکعت نه هزار و ششصد (۹۶۰۰) نماز می نویسد.

- زمانی که در نماز جماعت هشت نفر اقتدا کنند، خداوند برای هر یک نفر در هر یک رکعت نوزده هزار و دویست (۱۹۲۰۰) نماز می نویسد.

- زمانی که در نماز جماعت نه نفر باشند، خداوند برای هر یک نفر در هر یک رکعت سی و شش هزار و چهارصد (۳۶۴۰۰) نماز می نویسد.

^{۸۹۱} - مجتبی کلباسی، یکصدوده پرسش درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، نهم، ص ۱۳۶

- زمانی که در نماز جماعت ده نفر باشند، خداوند برای هر یک نفر در هر یک رکعت هفتاد و دو هزار و هشتصد (۷۲۸۰۰) نماز می نویسد.^{۸۹۲}

- اگر تعداد افراد از ده نفر گذشت، در این صورت آسمان صفحه و کاغذ و درختان قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده باشند، نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.

ای محمد! درک تکبیر اول نماز با امام جماعت، فضیلت دارد بر ششصد هزار حج و عمره و هفتاد هزار بار بهتر است از دنیا و آن چه در دنیا هست، و یک رکعت نماز پشت سر امام به جماعت خواندن، بهتر است از صد هزار دینار صدقه به مساکین دادن، و یک سجده مؤمن با امام در نماز جماعت بهتر است از صد بنده آزاد کردن.^{۸۹۳}

امام جماعت

۲۲۲- در خوابگاهی که هستیم، برای درک فضیلت نماز جماعت هر بار یکی از بچه های خوابگاه

جلو می ایستد و به او اقتدا می کنیم آیا این کار درست است؟

تلاش برای برپایی نماز جماعت امر بسیار شایسته و پسندیده است اما کسی که قرار است به عنوان امام جماعت به او اقتدا نمائیم باید دارای ویژگی هایی باشد که مهمترین آنان، درستی و صحت قرائت حمد و سوره و اذکار نماز است و رعایت عدالت به این معنا که مرتکب گناه کبیره نشده باشد و اصرار بر گناه صغیره نداشته باشد و علاوه به این معنا که مرتکب گناه کبیره نشده باشد و اصرار بر گناه صغیره نداشته باشد و علاوه بر این دو شرط اساسی، شرایط دیگری نیز لازم است و به هر مقدار از ویژگی های اخلاقی و فضایل نیز بهره مند باشد اولویت دارد به عنوان نمونه:

- ولایت اهل بیت (علیهم السلام) را قبول داشته باشد

امام رضا علیه السلام فرموده اند: «لَا يُقْتَلَى إِلَّا بِأَهْلِ الْوَلَايَةِ»^{۸۹۴}؛ «اقتدا نمی شود مگر به اهل ولایت»

- بهترین فرد یک جمع باشد

رسول خدا صل الله علیه و آله فرمودند: «إِمَامُ الْقَوْمِ وَأَفْضَلُهُمْ فَقَدِّمُوا أَفْضَلَكُمْ»^{۸۹۵}؛ «امام جماعت هر جمعی نماینده آن در پیشگاه خداوند می باشد، پس برای امامت جماعت خود بهترینها را برگزینید.»

^{۸۹۲} - در یک حساب ساده اگر تنها ثواب نماز جماعت ده نفره را در نظر بگیریم، ثواب هر رکعت نماز جماعت برابری می کند با ثواب یازده سال نمازی که انسان بصورت فرادا بخواند و اگر کسی نماز یک شبانه روز خود - که هفده رکعت می باشد - را به جماعت بخواند، ثواب آن برابری می کند با ثواب کسیکه حدود ۱۹۰ سال عمر کرده و نماز خود را به فرادا خوانده است. آیا حیف نیست که انسان چنین ثواب عظیمی را به خاطر تنبلی و

یا کوتاهی از دست بدهد!؟

^{۸۹۳} - بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۵

^{۸۹۴} - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۲

^{۸۹۵} - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۴۷

- باید دارای مبانی اعتقادی صحیح باشد مثلاً اهل غلو نسبت به معصومین علیهم السلام نباشد، جبرگرا نباشد و...^{۸۹۶}

- فاسد و بی خرد نباشد

از اباذر (ره) نقل شده: «إِنَّ إِمَامَكَ شَفِيعُكَ إِلَى اللَّهِ فَلَا تَجْعَلُ شَفِيعَكَ سَفِيحاً وَ لَا فَاسِقاً»^{۸۹۷}؛ «همانا امام و پیشنماز تو، شفیع و واسطه تو به درگاه با عظمت الهی است، پس هرگز کسی را که فاسد و بی خرد است وسیله و شفیع خود به درگاه الهی قرار مده.»

- فاجر نباشد

امام رضا علیه السلام فرموده اند: «لَا صَلَاةَ خَلْفَ الْفَاجِرِ»^{۸۹۸}؛ «نماز خواندن پشت سر فاجر صحیح نیست»

- آشناترین افراد به احکام دینی^{۸۹۹}

- امامت وی مورد رضایت مامومین باشد^{۹۰۰}

علاوه بر روایات گفته شده شرایط امام جماعت از لحاظ فقهی نیز در رساله های عملیه بطور تفصیل ذکر گردیده که برای اطلاع بیشتر می توانید به رساله مرجع تقلید خود مراجعه نمایید.

پول گرفتن امام جماعت

۲۲۳- چرا امام جماعت مساجد برای خواندن نماز پول دریافت می کنند؟

در پاسخ این سوال در استفتائات مقام معظم رهبری چنین آمده است: «پول گرفتن برای اصل نماز جایز نیست ولی باید توجه داشته باشید که معمولاً این پول برای مقدمات آن از قبیل کرایه ماشین یا پول بنزین و امثال ذلک می باشد لذا اشکال ندارد»^{اجوبه الاستفتاءت، ص ۵۶۸}

بنابراین امام جماعتی برای خواندن نماز پول دریافت نمی کند و گرفتن چنین پولی شرعاً جایز نیست و حرام است.

اما گاهی برای برپایی نماز جماعت؛ هزینه هایی مثل؛ هزینه رفت و آمد؛ کرایه ماشین و... پرداخت می شود که این نیز بصورت کلی برای تمام ائمه جماعات نیست اکثر ائمه جماعات چیزی از مردم دریافت نمی کنند. ائمه جماعات در ادارات و کارخانه ها و حسینیه ها و منازل شخصی کرایه رفت و آمد را نه از مردم بلکه از همان بانی یعنی اداره و شرکت و یا شخص بانی دریافت می کنند.

^{۸۹۶} - رک وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۹ باب دهم ابواب الصلاه الجماعه

^{۸۹۷} - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۴

^{۸۹۸} - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۵

^{۸۹۹} - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۴۶

^{۹۰۰} - ر ک وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۴۸ باب بیست و هفتم

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که بالأخره عده ای از افراد در این راه هستند و بر خلاف تصور قالبی برخی اکثریت هیچ مبلغی از دولت دریافت نمی‌کنند و هزینه زندگی آنان با اندک شهریه ای که از طرف حوزه علمیه و مراجع به آنان پرداخت می‌کنند اداره می‌گردد برای تداوم این راه بالأخره باید هزینه های زندگی تأمین بشود چه اینکه از ابتدای تشکیل حوزه های علمیه این حمایت مردم بوده که این حرکت مردمی را بارور و شکوفاتر ساخته است.

نکته دیگر اینکه گرفتن این وجوه اگر از نظر اخلاقی حتی برای هزینه های رفت و آمد سؤال برانگیز باشد ما باید به این مسئله توجه کنیم که اخلاق و ظایف هر کسی را با نگاه به خود او مشخص می‌کند مثلاً به انسان متمکن و دارا می‌گویند به مستمندان کمک کنید و به مستمندان می‌گویند تا جایی که می‌توانید دست به سوی کسی دراز نکنید، به کسی که قرض الحسنه داده می‌گویند چیزی زیادتر از قرضی که دادی دریافت نکن و به گیرنده می‌گویند چیزی روی قرضی که گرفتی بگذار و بعنوان هدیه بده، به جوانان می‌گویند به پیشکسوتان جامعه احترام بگذارید ولی به پیران می‌گویند توقع احترام و بلند شدن از کسی نداشته باشید بنابراین در این مورد نیز اخلاق به روحانی می‌گویند که حداقل امکان هزینه های خود را از جای دیگر تأمین کن و برای اقامه نماز جماعت چیزی دریافت نکن ولی در عین حال به مردم نیز می‌گویند که هزینه های رفت و آمد کسی را که از راهی دور برای اقامه نماز جماعت به اینجا می‌آید تأمین کنید. و ما نباید با تمسک به حکم اخلاقی درباره فرد دیگر مسئولیت را از گردن خود ساقط کنیم.

در نتیجه اولاً برای نماز کسی وجهی دریافت نمی‌کند و اخذ چنین پولی حرام است. ثانیاً اکثر روحانیت چیزی حتی بعنوان هزینه های رفت و آمد نیز دریافت نمی‌کنند مانند کسانی که در مساجد و حسینیه های عمومی نماز اقامه می‌کنند. ثالثاً در شرکتها و ادارات و منازل اگر نماز جماعت برپاشده و امام جماعت چیزی دریافت می‌کند بابت هزینه رفت و آمد است نه خود نماز. رابعاً هزینه روزمره زندگی روحانیانی که در ادارات و کارهای اجرایی دولتی اشتغال ندارند باید به گونه ای تأمین شود که این راه تداوم داشته باشد چه اینکه تا کنون مردم از این قشر حمایت کرده اند.

البته این مسئله را با هدیه ای که در ماه رمضان و یا محرم مردم از بین خود برای روحانی جمع آوری می‌کنند اشتباه نگیرید در این موارد مردم از خود چیزی را بعنوان نذر یا هدیه به روحانی پرداخت می‌کنند.

۲۲۴- آیا اقتدا به اهل تسنن در نماز کار درستی می باشد و حال آنکه این امر با شرایطی که برای

امام جماعت گفته شده منافات دارد؟

شرکت در نماز جماعت اهل تسنن در مکه و مدینه چند فلسفه و هدف منطقی، عقلی و شرعی را به همراه دارد که بر اساس آن اکثر فقها به جواز شرکت در نمازهای جماعت اهل تسنن فتوا داده اند و شرط عدالت در این مورد ساقط شده است.^{۹۰۱}

شرکت نکردن شیعیان در نمازهای جماعت و یا خارج شدن آنان در هنگام نماز از مساجد، موجب وهن تشیع بوده و و این امر به هیچ وجه جایز نمی باشد.

در شرایط فعلی که دشمنان اسلام و مسلمین در صددند با تکیه بر عقاید مذهبی، میان فرقه های مختلف جهان اسلام تفرقه ایجاد نمایند شرکت نکردن در نمازهای جماعت بهانه لازم را در اختیار بدخواهان و دشمنان اسلام خواهد داد که به مصلحت مسلمانان و شیعیان نخواهد بود.

هر چند فقها به جواز نماز جماعت با اهل تسنن فتوا داده اند ولی برخی از فقها اعاده آنرا نیز لازم دانسته اند که این حاکی از حفظ وحدت با مسلمانان و پرهیز از ایجاد تفرقه در صفوف آنان است. علاوه بر اینکه در سیره معصومین علیهم السلام موردی نیست که حاکی از حاضر نشدن ایشان در جماعات مسلمین و فاصله گرفتن ایشان از حضور در این گونه اجتماعات باشد. بلکه بالعکس توصیه به حضور در جماعات شده کما اینکه امام صادق (علیه السلام) در این باره فرموده اند: «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ ص.»^{۹۰۲}؛ «هر کس با ایشان (اهل سنت) در صف اول نماز کند (از روی تقیّه) همانند کسی است که در صف اول پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز کرده باشد.»

نماز تراویح

۲۲۵- چرا نمازهای مستحبی را به جماعت خوانده نمی شود؟ در حالی که اهل تسنن در ماه

رمضان نماز تراویح را به جماعت می خوانند؟

باید توجه داشت که انسان ها دارای دو بعد فردی و اجتماعی اند، اسلام به عنوان یک آیین جامع و کامل برای تمام ابعاد زندگی بشر، برنامه ها و دستورات سعادت بخشی را ارائه داده است، که به طور طبیعی تکامل و تقرب انسان ها به مقامات عالی و در نهایت خدای سبحان در پرتو عمل و بستر آن دستورات و آموزه ها متجلی و متحقق خواهد شد. شاید بر همین اساس باشد که شارع مقدس به انسانها دستور داده

^{۹۰۱} - برای اطلاع بیشتر به نظر مراجع در این خصوص مراجعه نمائید .

^{۹۰۲} - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص : ۳۷۹

است که نمازهای واجب را به جماعت که مظهر شکوه، صفا، همدلی، وحدت و تفاهم است بخوانند، زیرا حضور در جماعات جنبه های اجتماعی انسان را اشباع، مسؤولیت های اجتماعی و نظارت همگانی را تضمین کرده و سرانجام یک جامعه بالنده و آرام و سالم می سازد.

اما در خصوص جماعت خواندن نمازهای مستحبی از منظر شیعه دو مساله قابل طرح می باشد:

اول: در فقه شیعه نیز بر اساس آنچه که از پیامبر و اهل بیتش (علیهم السلام) دستور داده شده، نماز باران به لحاظ اینکه دارای جنبه های اجتماعی، همگانی و عمومی است از دیگر نمازهای نافله استثناء شده و به جماعت خوانده می شود، اما سایر نمازهای مستحبی و نوافل و به خصوص نماز شب چون بیشتر برای تربیت، سازندگی، تهذیب و اصلاح فرد - که البته مقدمه برای اصلاح جامعه است - در نظر گرفته شده است، به طور فرادا و پنهانی خوانده می شود و لذا پیامبر مکرم اسلام (ص) فرموده است: «صلاتها الرجل تطوعا حیث لایراه الناس یعدل صلاته علی اعین الناس خمسا و عشرین؛ نماز مستحبی که در مکان دور از دید مردم خوانده شود از نظر ثواب و ارزش معنوی معادل با بیست و پنج نماز است که در معرض دید مردم به جا آورده شود»^{۹۰۳}

دوم: آن نمازی که زمینه ساز طرح چنین سوالی شده و نقطه تمایز دیدگاه شیعه با برادران اهل تسنن در نمازهای مستحبی می باشد؛ نمازی است که پیروان این مذهب در ماه های مبارک رمضان به جا می آورند.^{۹۰۴}

بر اساس روایاتی که حضرت علی علیه السلام نقل شده چنین نمازی در زمان رسول خدا صل الله علیه و آله وجود نداشته و در دوران خلیفه دوم رسم گردیده است.

آنحضرت در این باره فرموده اند: «بخدا سوگند که من بمردم فرمان دادم در ماه رمضان همان نماز فریضه را بجماعت بخوانند و به آنها اعلام کردم که جماعت در نماز نافله بدعت است و خود ساخته است و دستور خدا نیست شیون و فریاد جمعی از لشکریانم بلند شد که بهم راه من با دشمن جنگ میکردند، داد میزدند ای مسلمانان سنت عمر دگرگون شد، علی ما را از نماز نافله ماه رمضان باز میدارد و من ترسیدم که در یک سو از لشکرم شورشی بر پا کنند»^{۹۰۵}

به همین دلیل از آنجا که در زمان رسول خدا صل الله علیه و آله چنین نمازی وجود نداشته شیعیان نیز به دلیل پابندی به احکام الهی و سنت رسول خدا (صل الله علیه و آله) چنین نمازی را به جا نمی آورند.

^{۹۰۳} - نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ص، ص ۵۴۵

^{۹۰۴} - این نماز به نماز تراویح معروف است

^{۹۰۵} - الکافی، ج ۸، ص ۶۲

نخواندن حمد در جماعت

۲۲۶- چرا در نماز جماعت مأموم حمد و سوره را قرائت نمیکنند؟

درباره چرایی این امر به دو موضوع می توان به چند نکته اشاره کرد:

۱- یکی از اسرار نماز جماعت تبعیت از امام است که نوعی تمرین ولایت مداری و اتحاد بر تبعیت از امام عادل است.

۲- نماز جماعت که به صورت گروهی برگزار می شود، یک نفر امام و دیگران تابع و پیرو او هستند. در قرآن می خوانیم: «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^{۹۰۶}؛ «و چون قرآن خوانده می شود، گوش بدان فرا دهید و خاموش مانید، امید که بر شما رحمت آید.» واژه «أنصتوا» از ماده «انصات»، به معنای سکوت توأم با گوش دادن است. در برخی روایات نیز آمده است: هنگامی که در نماز جماعت هستید و امام جماعت مشغول قرائت قرآن (خواندن حمد و سوره) می باشد، بر شما لازم است که به او گوش داده و سکوت اختیار کنید.^{۹۰۷}

البته این حکمت بیشتر با نمازهای جهریه (نمازهایی که بلند خوانده می شوند، مانند نماز صبح و مغرب و عشا) سازگار است؛ از این رو فقها فتوا داده اند که در همین نمازها چنانچه مأموم صدای امام جماعت را نشنود، می تواند خود به قرائت بپردازد.^{۹۰۸}

اما در مورد نمازهای اخفاتیه (نمازهایی که آهسته خوانده می شوند، مانند: ظهر و عصر) در روایات آمده است که قرائت حمد و سوره همه مأمومین تنها به امام اختصاص یافته و بر عهده او است.^{۹۰۹}

۳- اگر بنا بود حمد و سوره را مأمومین بخوانند، سروصدای آنان در بین نمازها موجب اختلال در نظم جماعت و از بین رفتن تمرکز و حضور قلب افراد در نماز می گشت.

دست دادن بعد نماز جماعت

۲۲۷- دست دادن بعد از اتمام نماز از کجا ریشه گرفته؟

مصافحه با برادران مؤمن، در هر زمان و مکان امری مستحب است؛ چه بعد از نماز و چه مواقع دیگر. در روایات اسلامی، فصلی درباره مصافحه وجود دارد؛ از جمله: در یکی از این روایات آمده است: «وقتی دو مؤمن با هم مصافحه می کنند، هم چنان که در فصل خزان برگ از درختان می ریزد، گناهان آنها می ریزد»^{۹۱۰}

^{۹۰۶} - أعراف (۷)، آیه ۲۰۴

^{۹۰۷} - ر.ک سید هاشم بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۵۷؛ شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۲۰

^{۹۰۸} - ر.ک سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۸۲۲، مسئله ۱۴۶۲

^{۹۰۹} - سعید شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اکبر، پاییز ۱۳۸۷ش، سوم، ص ۲۹۰

^{۹۱۰} - بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۳۰۲

در داستان معراج هم آمده است که رسول خدا(ص) در محلی (در سفری که به عالم بالا داشتند) نماز خواندند و پیامبران و ملائکه به آن حضرت اقتدا نمودند. حضرت ابراهیم(ع) نیز در طرف راست حضرت بود و بعد از نماز با رسول خدا(ص) مصافحه کرد^{۹۱۱}

توفیق نماز جماعت

۲۲۸- عوامل سلب توفیق نماز جماعت چیست؟

سلب توفیق شرکت در نماز جماعت می تواند معلول عواملی باشد که فهرست وار به آن اشاره می نمائیم:

- نداشتن برنامه مناسب دراز مدت و برنامه ریزی نا درست و ناقص برای امور جاری و روزانه
- عدم آگاهی از آثار و برکات و ثواب های نماز جماعت
- عدم آگاهی از پیامدهای دنیوی و اخروی ترک نماز جماعت
- اهمیت قائل نشدن برای نماز جماعت و مقدم داشتن امور مادی و روزمره گذرا بر امور معنوی و ماندگار معنوی و دینی

- ضعف اراده در تصمیم گیری و سستی در اجرای برنامه های از پیش تنظیم شده

- انجام گناهان و ارتکاب معاصی

- مجالست و همنشینی با افرادی که به امور دینی و مذهبی بی توجه و یا بی اعتقاد هستند

- نچشیدن لذت عبادت و انس با خدا به طور کلی و آشنا نبودن با شیرینی نماز جماعت

گفتار چهارم: نماز جمعه

تاریخچه نماز جمعه

۲۲۹- نماز جمعه چگونه بوجود آمده؟ اولین نماز جمعه را پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در چه

زمانی و کجا اقامه نمودند؟

روایتی از «ابن عباس» نقل شده و در آن اشاره دارد که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله وسلم) قبل از مهاجرتشان به مدینه به اقامه نماز جمعه مأمور شدند، ولی به سبب شرایط سختی که از طرف کفار به ایشان تحمیل می شد، نمی توانستند مردم را برای نماز سیاسی عبادی جمعه حاضر نمایند، لذا دستور فرمودند این نماز در مدینه اقامه شود؛ از همین رو به یکی از اصحاب خود در مدینه به نام مصعب بن عمیر نامه نوشتند که نماز جمعه را در آن جا به جای آورد^{۹۱۲}.

^{۹۱۱} - بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۳۱۸، ح ۳۲

^{۹۱۲} - سیوطی جلال الدین، الدر المثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق،

اما اولین جمعه‌ای که خود رسول خدا ص با اصحابش تشکیل دادند، هنگامی بود که به مدینه هجرت کردند، آنحضرت پس از اقامت چهار روزه در "قبا" و بنا نهادن مسجد قبا، روز جمعه به سوی مدینه حرکت کرده^{۹۱۳} و به هنگام نماز جمعه به محله "بنی سالم" رسید، و مراسم نماز جمعه را در آنجا برپا داشتند، و این اولین جمعه‌ای بود که رسول خدا ص در اسلام بجا آورد، خطبه‌ای هم در این نماز جمعه خواند که اولین خطبه حضرت در مدینه بود^{۹۱۴}.

فلسفه نماز جمعه

۲۳۰- در مورد فلسفه نماز جمعه توضیح بدید؟ الان که اخبار روز دنیا را با کیفیت بهتر از رسانه ها

می شنویم، چه نیازی به نماز جمعه است؟ تأثیرش چیست؟

نماز جمعه، قبل از هر چیز یک عبادت بزرگ دسته جمعی است، و اثر عمومی عبادات را که تلطیف روح و جان، و شستن دل از آلودگی‌های گناه و زدودن زنگار معصیت از قلب می‌باشد، در بردارد، بخصوص این که مقدمات دو خطبه دارد که مشتمل بر انواع مواظ و اندرزها و امر به تقوا و پرهیزگاری است. و اما از نظر اجتماعی و سیاسی، یک کنگره عظیم هفتگی است که بعد از کنگره سالانه حج، بزرگترین کنگره اسلامی می‌باشد.

در حقیقت اسلام، به سه اجتماع بزرگ اهمیت می‌دهد:

اجتماعات روزانه که در نماز جماعت حاصل می‌شود.

اجتماع هفتگی که در مراسم نماز جمعه است.

و اجتماع حج که در کنار خانه خدا هر سال یکبار انجام می‌گیرد.

نقش نماز جمعه در این میان بسیار مهم است بخصوص این که یکی از برنامه‌های خطیب در خطبه نماز جمعه، ذکر مسائل مهم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است و به این ترتیب این اجتماع عظیم و پرشکوه می‌تواند منشاء برکات زیر شود:

- آگاهی بخشیدن به مردم در زمینه معارف اسلامی و رویدادهای مهم اجتماعی و سیاسی.

- ایجاد همبستگی و انسجام هر چه بیشتر در میان صفوف مسلمین به گونه‌ای که دشمنان را به وحشت افکند و پشت آنها را بلرزاند.

- تجدید روح دینی و نشاط معنوی برای توده مردم مسلمان.

- جلب همکاری برای حل مشکلات عمومی^{۹۱۵}.

ج ۶، ص ۲۱۸

^{۹۱۳} - فاصله میان قبا و مدینه بسیار کم است و امروز قبا یکی از محله‌های داخل مدینه است.

^{۹۱۴} - مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۲۴، ص ۱۳۰

^{۹۱۵} - همان، ج ۲۴، ص ۱۳۳

- میعادگاه نمازگزاران مؤمن، جهت دیدار و زیارت یکدیگر
- علی علیه السلام فرمود: رفتن به نماز جمعه موجب زیارت و زیبایی است، سؤال شد: ای امیر مؤمنان! زیبایی چگونه به وجود می‌آید؟ علی علیه السلام پاسخ داد: نماز جمعه نورانیت به وجود می‌آورد، و به زیارت و دیدار اهل ایمان هم نایل می‌شوید^{۹۱۶}.
- نمایش وحدت و قدرت مسلمانان
- موجب تقویت روحیه اخوت و برادری در بین مسلمانان
- موجب یکپارچگی مسلمانان و خنثی شدن توطئه‌های تفرقه افکنانه و شایعه‌های دشمنان اسلام است.
- موجب رشد فکری، سیاسی مسلمان
- ایجاد تقویت روحیه جمعی و اجتماعی بگونه‌ای که و انزوا و فردگرایی از بین می‌رود.
- سنگر نماز جمعه، بهترین جای دعوت مردم به بسیج شدن برای جهاد و دفاع و حل مشکلات اجتماعی و یاری‌رسانی به دیگران است^{۹۱۷}.

اهمیت نماز جمعه

۲۳۱- بر اساس چه دلیلی می‌شود اهمیت نماز جمعه را برای دیگران تبیین کرد؟

بهترین دلیل بر اهمیت این فریضه بزرگ اسلامی قبل از هر چیز آیات سوره جمعه است، که به همه مسلمانان و اهل ایمان دستور می‌دهد به محض شنیدن اذان جمعه به سوی آن بشتابند، و هر گونه کسب و کار برنامه مزاحم را ترک گویند، تا آنجا که اگر در سالی که مردم گرفتار کمبود مواد غذایی هستند کاروانی بیاید و نیازهای آنها را با خود داشته باشد به سراغ آن نروند، و برنامه نماز جمعه را ادامه دهند.

در احادیث اسلامی نیز تاکیدهای فراوانی در این زمینه وارد شده است از جمله: در حدیثی از امام باقر ع می‌خوانیم: «صلاة الجمعة فریضه، و الاجتماع اليها فریضه مع الامام، فان ترک رجل من غیر علة ثلاث جمع فقد ترک ثلاث فرائض، و لا يدع ثلاث فرائض من غیر علة الا منافق»؛ «نماز جمعه فریضه است و اجتماع برای آن با امام (معصوم) فریضه است، هر گاه مردی بدون عذر سه جمعه را ترک گوید فریضه را ترک گفته و کسی سه فریضه را بدون علت ترک نمی‌گوید مگر منافق».

و در حدیث دیگری از رسول خدا می‌خوانیم: «من اتى الجمعة ايمانا و احتسابا استأنف العمل»؛ «کسی که از روی ایمان و برای خدا در نماز جمعه شرکت کند گناهان او بخشوده خواهد شد و برنامه عملش را از نو آغاز می‌کند».

^{۹۱۶} - نوادر راوندی-ترجمه صادقی اردستانی، ص ۲۲۳

^{۹۱۷} - محسن قرائتی، پرتویی از اسرار نماز، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷ ش، هجدهم، ص ۲۳۵

روایات در این زمینه بسیار است که ذکر همه آنها به طول می‌انجامد در اینجا با اشاره به یک حدیث دیگر این بحث را پایان می‌دهیم.

کسی خدمت رسول خدا ص آمد، عرض کرد یا رسول الله! من بارها آماده حج شده‌ام اما توفیق نصیب نشده فرمود: «علیک بالجمعه فانها حج المساکین»؛ «بر تو باد به نماز جمعه که حج مستمندان است» (اشاره به اینکه بسیاری از برکات کنگره عظیم اسلامی حج در اجتماع نماز جمعه وجود دارد)^{۹۱۸}.

نماز جمعه در عصر غیبت

۲۳۲- چرا نماز نماز جمعه و عیدین در زمان غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فی فرجه الشریف)

واجب نیست اما در زمان حضور ایشان واجب می‌شود؟

از لحاظ فقهی نماز جمعه با حصول شرائط آن به دلیل آیه ۹ سوره جمعه واجب است. «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ یَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِکْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَیْعَ ذَلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون ندای نماز روز جمعه در دهند، به نماز بشتابید و داد و ستد را رها کنید. اگر دانا باشید، این کار برایتان بهتر است.»

همچنین اخبار و روایات فراوانی دلالت بر وجوب آن دارد که به دو نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. قال امیر المومنین علیه السلام: «... الْجُمُعَةُ وَاجِبَةٌ عَلَی كُلِّ مُؤْمِنٍ...»^{۹۱۹}؛ «نماز جمعه بر هر مومنی

واجب است»

۲. قال الباقر علیه السلام: «... صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي جَمَاعَةٍ وَ هِيَ الْجُمُعَةُ...»^{۹۲۰}؛

نماز جمعه نمازی است که خداوند آن را به جماعت واجب گردانیده است.»

اما وجوب عینی آن مشروط به حضور امام معصوم (علیهم السلام) می‌باشد چراکه در بعضی از روایات شرط حضور امام را ذکر گردیده است. از آن جمله:

عن ابی جعفر الباقری قال: «صَلَاةُ الْجُمُعَةِ فَرِيضَةٌ وَ الْجَمَاعَةُ إِلَيْهَا فَرِيضَةٌ مَعَ الْإِمَامِ»^{۹۲۱}؛ «نماز جمعه و اجتماع

بر نماز جمعه با وجود امام واجب است.»

از جمع این دو دسته روایات و ادله، فقهای عظام نتیجه گرفته‌اند که نماز جمعه در زمان حضور امام علیه السلام واجب و در غیبت امام با حصول شرایط دیگر مستحب است.

^{۹۱۸} - مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۲۴، ص ۱۳۲

^{۹۱۹} - وسائل الشیعة ج ۷، ص ۲۹۷، باب ۱، ح ۴

^{۹۲۰} - وسائل الشیعة ج ۷، ص ۲۹۷، باب ۱، ح ۱

^{۹۲۱} - وسائل الشیعة ج ۷، ص ۲۹۷، باب ۱، ح ۵

علاوه بر ادله فقهی گفته شده حکمت های متعددی نیز برای عدم وجوب نماز جمعه در زمان غیبت و وجوب آن در زمان حضور امام زمان عجل الله تعالی فی فرجه الشریف وجود دارد که تنها به دو مورد اکتفا می نمائیم:

الف - اینکه نماز جمعه در عصر غیبت واجب نمی باشد برای این است که حاکمان جور، در زمان های مختلف، کمتر بتواند از نماز جمعه (و عید)، برای اهداف و مقاصد خود بهره ببرند و با تظاهر به اسلام و استفاده از احساسات مذهبی مردم، منافع خود را تامین کنند، این نمازهای پرجمعیت در زمان غیبت واجب نشده است. اگر به تاریخ مراجعه کنیم، می بینیم که بنی امیه و بنی عباس چگونه به نام اسلام، حتی از اعیاد به نفع حکومت های خود بهره می بردند. از این رو در روایات رسیده از اهل بیت (علیه السلام) وجوب نماز جمعه و عید مقید به زمان حضور معصوم شده است^{۹۲۲}.

ب - وجوب نماز جمعه و عیدین در زمان حضور امام زمان عجل الله تعالی فر فرجه الشریف، پشتیبانی عمیق و موثر از دولت کریمه زمان حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می تواند باشد؛ چرا که با واجب بودن این نماز در عصر حضور، هر هفته میلیون ها مسلمان در نماز جمعه سراسر جهان حاضر می شوند و در چنین شرائطی وحدت و انسجامی وصف ناشدنی بر نفوس مسلمین جهان سایه خواهد داشت و وحشتی از این حضور در دل دشمنان اسلام افکنده خواهد شد.

فضیلت نماز جمعه

۲۳۳- آیا برای حضور در نماز جمعه در احادیث، ثوابی ذکر گردیده است؟

در روایات معصومین علیهم السلام ثواب های بیشماری برای نمازگزاران نماز جمعه ذکر گردیده که به تعدادی از آنها اشاره می نمائیم:

- استجابت دعا

امام صادق - علیه السلام - فرموده اند: «السَّاعَةُ الَّتِي يُسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مَا بَيْنَ فَرَاغِ الْإِمَامِ مِنَ الْخُطْبَةِ إِلَى أَنْ يَسْتَوِيَ النَّاسُ فِي الصُّفُوفِ»^{۹۲۳}؛ «ساعتی که دعا در آن مستجاب است روز جمعه و فاصله میان پایان خطبه، تا به صف ایستادن مردم می باشد.»

- ضمانت بهشت

از علی (ع) نقل شده که فرمود: «ضَمِنْتُ لِسِتَّةٍ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ مِنْهُمْ رَجُلٌ خَرَجَ إِلَى الْجُمُعَةِ فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ»^{۹۲۴}؛

^{۹۲۲} - مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پائیز ۸۰ ش، چاپ نهم، ج ۲، ص ۳۲

^{۹۲۳} - تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۳۵

^{۹۲۴} - وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۰۸

« برای شش نفر بهشت را ضامن هستم که خداوند به آن ها عطا کند: از آن ها مردی است که در راه رفتن به نماز جمعه بمیرد.»

- ثواب حج

رسول خدا -صلی الله علیه وآله - فرمودند:

«إِنَّ لَكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ حَجَّةٌ وَعُمْرَةٌ فَالْحَجَّةُ الْهَجْرَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ وَالْعُمْرَةُ أَنْتَظَارُ الْعَصْرِ بَعْدَ الْجُمُعَةِ»^{۹۲۵}؛ هر روز جمعه برای شما ثواب یک حج و یک عمره است، حج شما شتاب و مبادرت به نماز جمعه و عمره است، حج شما شتاب و مبادرت به نماز جمعه و عمره شما انتظار اقامه نماز عصر پس از نماز جمعه است.»
- حرام شدن آتش جهنم بر انسان

در روایتی از امام صادق - علیه السلام - آمده: «مَا مِنْ قَدَمٍ سَعَتْ إِلَى الْجُمُعَةِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهَا عَلَى النَّارِ»^{۹۲۶}؛ هرگامی که به سوی نماز جمعه برداشته شود، خداوند آتش دوزخ را بر صاحب آن گام حرام می کند.»

ترک نماز جمعه

۲۳۴- اگر رفتن به نماز جمعه که اجباری نیست پس چرا حدیثی را دیده ام که اگر کسی بیش از

سه هفته بی دلیل به نماز جمعه نرود مهر نفاق و... بر دلش می خورد؟

از امام باقر(ع) روایت شده است که: «صَلَاةُ الْجُمُعَةِ فَرِيضَةٌ وَالْاجْتِمَاعُ إِلَيْهَا فَرِيضَةٌ مَعَ الْإِمَامِ فَإِنْ تَرَكَ رَجُلٌ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ ثَلَاثَ جُمُعٍ فَقَدْ تَرَكَ ثَلَاثَ فَرَائِضٍ وَ لَا يَدْعُ ثَلَاثَ فَرَائِضٍ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ إِلَّا مُنَافِقٌ»^{۹۲۷}؛ نماز جمعه فریضه و واجب است و اجتماع به سوی آن همراه با امام فریضه است و هر کس بدون علت سه جمعه نماز جمعه را ترک کند سه فریضه را ترک کرده و ترک نمی کند سه فریضه را بدون علت مگر منافق.»

مذمت‌های شدیدی که در مورد ترک نماز جمعه آمده است و تارکان جمعه در ردیف منافقان شمرده شده‌اند در صورتی است که نماز جمعه واجب عینی باشد یعنی در زمان حضور امام معصوم و مبسوط الید و اما در زمان غیبت بنا بر اینکه واجب مخیر باشد (تخیر میان نماز جمعه و نماز ظهر) و از روی استخفاف و انکار انجام نگیرد مشمول این مذمتها نخواهد شد، هر چند عظمت نماز جمعه و اهمیت فوق العاده آن در این حال نیز محفوظ است^{۹۲۸}.

نکته دیگر این که اطلاق منافق در روایات همه جا در ردیف کافر نمی باشد که احکام منافق بر او بار شود. البته در صورتی که ترک فریضه جمعه یا هر فریضه دیگری به جهت انکار قلبی آن باشد این در حقیقت

^{۹۲۵} - بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۲۱۴

^{۹۲۶} - الأملی للصدوق، ص ۳۶۶

^{۹۲۷} - وسائل الشیعه، آل البيت، ج ۷، ص ۲۹۸

^{۹۲۸} - مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۲۴، ص ۱۳۳

همان نفاقی خواهد بود که از کفر هم بدتر است. ولی اگر به جهت انکار آن نباشد نوعی نفاق در درون شخص نفوذ کرده گرچه احکام منافق اصطلاحی بر شخص جاری نخواهد بود. در هر حال نماز جمعه یکی از تکالیفی است که ایمان انسان را تقویت می نماید و از بی تفاوتی در قبال جامعه اسلامی و مسلمین جلوگیری می کند و تخییری بودن آن دلیل بر کم اهمیتی آن نیست بلکه بین نماز ظهر و جمعه، به جا آوردن جمعه افضل است. در نتیجه بسیار مناسب است انسان بدون عذر آن را ترک ننماید. به هر ترتیب کسی که در میان مسلمانها باشد ونسبت به مصالح مسلمانها بی تفاوت باشد و در اجتماع آنها حاضر نشود، به نوعی نفاق درونی دچار شده است.

خطبه نماز جمعه

۲۳۵- چرا برای نماز جمعه خطبه قرار داده شده؟ و علت اینکه امام جمعه بعد از اتمام خطبه اول

می نشیند و سپس برمی خیزد و خطبه دوم را شروع می کند چیست؟

در روایتی امام رضا علیه السلام به بیان علت قرار داده شدن خطبه برای نماز جمعه پرداخته و فرموده است: «جمعه محل اجتماع عموم بوده لذا خداوند متعال خواسته است که امام جمعه سبب شود برای موعظه مردم و ترغیب نمودن آنها به طاعت و ترس از گناه و انجام تکالیف و بازداشتن شان بر آنچه اراده دارند که عبارت باشد از مصلحت دین و دنیای آنها و نیز به ایشان خبر دهد از آفات و احوالی که در آنها ضرر و منفعت آنها می باشد در حالی که ائمه جماعات در غیر جمعه فاعل این امور نمی توانند باشند زیرا تنها امامی که منفصل از نماز و جدا از آن می تواند این امر را عملی سازد امام جمعه می باشد»^{۹۲۹}.

اما علت اینکه امام جمعه بعد از اتمام خطبه اول می نشیند و سپس برمی خیزد و خطبه دوم را شروع می کند این است که امام جمعه با این کار بین دو خطبه فاصله می اندازد تا دو خطبه صدق کند نه یک خطبه.

نماز جمعه در صدر اسلام

۲۳۶- آیا در صدر اسلام و در زمان ائمه اطهار(ع) وقتی نماز جمعه برپا می گردید آیا در خطبه

دوم اسامی چهارده معصوم ذکر می شد؟

متأسفانه پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مسیر وصایت ائمه معصومین علیه السلام به انحراف کشیده شده و حکومت اسلامی به دست ناهلان سپرده شد بگونه ای که در دوره ای به مدت هشتاد سال، ضمن حذف نام امیرمومنان (ع) از میان خلفای راشدین، در آغاز خطبه بر او لعن نیز می کردند

۹۲۹ - علل الشرائع-ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۳۹

و این روند یعنی حذف نام معصومین علیهم السلام از خطبه ها در دوران حیات خود ائمه علیهم السلام نیز ادامه داشت.

نکته جالب توجه در این زمینه آن است که: سلام، درود و دعا بر پیامبر (ص) و آل او در خطبه نماز جمعه، میان فقه شیعه و سنی یکی است، البته با این تفاوت که: بنا به فقه اهل سنت پس از «آل محمد»، اصحاب را ذکر می کنند و نام خلفای راشدین را می آورند و ضمن دعا برای مومنین، خلیفه مسلمین را نیز دعا می کنند^{۹۳۰}، اما در فقه شیعه، پس از «آل» نام ائمه اطهار(ع) را به ترتیب بیان شده و برای مومنین دعا می شود^{۹۳۱}.

قنوت نماز جمعه

۲۳۷- دلیل اینکه نماز جمعه دو قنوت دارد و قنوت اول آن قبل از رکوع و قنوت دوم بعد از رکوع

خواننده می شود چیست؟

نخست باید دانست در عبادات دو فاکتور مهم «تعبد» و «تنوع» بسیار درخشنده است و عبادت الهی را برای بندگان لذت بخش و سازنده می گرداند. لذا تفاوت رکعات نماز در شبانه روز و تفاوت نمازهای عیدین و نماز جمعه و داشتن دو قنوت قبل و بعد از رکوع، در همین راستا قابل تفسیر و پذیرش است.

در خصوص خواندن دو قنوت قبل و بعد از رکوع نماز جمعه نیز روایات متعددی وجود دارد، از جمله روایت امام صادق علیه السلام که فرموده اند: «كُلُّ الْقُنُوتِ قَبْلَ الرَّكُوعِ إِلَّا الْجُمُعَةَ فَإِنَّ الرَّكْعَةَ الْأُولَى الْقُنُوتُ فِيهَا قَبْلَ الرَّكُوعِ وَالْآخِرَةَ بَعْدَ الرَّكُوعِ»^{۹۳۲}؛ «قنوت ها - در تمام نماز ها - قبل از رکوع می باشد مگر قنوت نماز جمعه که رکعت اول آن، قنوت قبل از رکوع می باشد و رکعت دیگر قنوت بعد از رکوع می باشد» به هر صورت علاوه بر تعبدی بودن این دو قنوت، یکی از نکاتی که در این دستور دینی مشاهده می شود ایجاد تنوع در احکام می باشد و همین تنوع علاوه بر اینکه مانع خستگی ناشی از تکرار و همسانی می شود دو مزیت دیگر نیز به همراه دارد:

الف - نشاط بیشتر به آن جهت که از بعد روان شناختی، انسان ها در انجام کارهای جدید با یک انگیزه و هیجان بیشتری اقدام به عمل می کنند.

ب - به یادماندن و بر جسته شدن و ممتاز شدن این عبادت از عبادت های مشابه. ببینید فرم نماز جمعه به گونه ای است که در ذهن نقش می بندد و لذا حتی اگر نحوه برگزاری آن را فراموش کند اما می داند این

^{۹۳۰} - ابن قدامه، المغنی، کتاب صلاه الجمعه، ج ۱، ص ۳۸۴.

^{۹۳۱} - حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۴۲، باب ۲۵ از ابواب صلوه الجمعه. الکافی، ج ۳، ص ۴۲۲

^{۹۳۲} - الإستبصار، ج ۱، ص ۴۱۸

یک نماز معمولی نیست. نماز جمعه نیز به دلایل مختلف از جمله حکمت فوق الذکر متفاوت از نمازهای معمولی و دارای دو قنوت است.

مراجع و نماز جمعه

۲۳۸- با توجه به اهمیت نماز جمعه، شرکت رهبری و علماء چگونه خواهد بود؟

مقام معظم رهبری به دلیل آنکه حضور و شرکتشان در نماز جمعه نیازمند فراهم نمودن شرایط و زمینه های امنیتی لازم بوده و محدودیتهایی را برای مردم بهمراه خواهد داشت، به طور منظم در نماز جمعه حضور پیدا نمی کنند، تا مردم بتوانند بدون وجود محدودیتهای دست و پا گیر و به آسانی در نماز جمعه شرکت نمایند. در میان علماء، بسیاری از علماء در نماز جمعه شرکت دارند. در میان مراجع تقلید نیز برخی در نماز جمعه شرکت می کنند و برخی دیگر از مراجع بزرگوار تقلید نیز بیشتر به دلیل کهولت سن در نماز جمعه شرکت نمی کنند و همانگونه که در روایات نیز آمده حضور نماز جمعه برای کسانی که دارای کهولت سن می باشند الزامی نیست، کما اینکه امام الباقر - علیه السلام - در حدیثی فرموده اند: «وضعها عن التسعة: عن الصغیر و الکبیر و المجنون و المسافر و العبد و المریض و المراءة و الاعمی و من کان علی راس فرسخین...»^{۹۳۳}؛ «خداوند... وجوب نماز جمعه را از نه دسته برداشته است: خردسال، سالخورده، دیوانه، مسافر، برده، مریض، زن، نابینا، و هرکس در فاصله دوفرسنگی با نماز جمعه قرار دارد.»

جوانان و نماز جمعه

۲۳۹- چرا مهم است که من به عنوان یک جوان در نماز جمعه شرکت نمایم؟

در موقعیت کنونی شرکت در نماز جمعه برای جوانان و نوجوانان، از چند جهت دارای اهمیت فراوانی می باشد.

اول: یکی از مهمترین نیازهای نوجوانان و جوانان امروز به عنوان آینده سازان و پاسداران ارزش های اسلام و انقلاب اسلامی تقویت بنیه های معنوی و آشنایی کامل با معارف اسلامی می باشد و از آنجا که یکی از خطبه های نماز جمعه به طرح مباحث دینی و اخلاقی اختصاص دارد، به خوبی پاسخگوی این نیاز جوانان می باشد.

دوم: در شرایط فعلی کشور عزیزمان که دشمنان داخلی و خارجی با انواع توطئه ها و فتنه ها در صدد جدا کردن نسل نو از دستاوردهای انقلاب می باشند؛ این حضور در نماز جمعه است که می تواند آنها را در برابر اینگونه توطئه ها ایمن نماید.

^{۹۳۳} - من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۰۹

سوم: حضور در نماز جمعه و آشنایی با مسائل روز جهان اسلام موجب احساس مسولیت بیشتر جوانان و نوجوانان در برابر جهان اسلام گردیده و آنها را برای دفاع از اسلام در تمامی عرصه ها فراهم می نماید. چهارم: از دیگر ضرورت های حضور نوجوانان و جوانان فراهم شدن شرایط مناسب در نماز جمعه ها جهت آشنایی به وظایف اجتماعی آن ها می باشد که این امر موجب می شود تا در این عرصه نیز جوانان و نوجوانان حضور پرشورتری داشته باشند.

پنجم: حضور پرشور و بالنده نوجوانان و جوانان در نماز جمعه، نشانه شکست دشمنان در تهاجم فرهنگی بوده و موجب یاس و ناامیدی آنان می گردد و از سویی دیگر همین امر باعث دلگرمی متدینین و خدمتگزاران نظام مقدس اسلامی در راستای خدمت رسانی بیشتر به جوانان می گردد.

گفتار پنجم: نماز عیدین

فلسفه نماز عید

۲۴۰- چرا روز فطر به عنوان عید قرار داده شده است؟

در روایت اهل بیت علیهم السلام در خصوص فلسفه قرار داده شدن روز فطر به عنوان عید دو علت عمده ذکر گردیده است

الف: آن که روز فطر اولین روزی است که پس از یک ماه روزه گرفتن، خداوند متعال در آن اجازه خوردن و آشامیدن را به بندگانش داده است لذا حق تعالی دوست دارد که مردم در این روز اجتماع کرده و او را حمد نموده و تقدیش نمایند.

ب: اجتماع مردم جهت حمد و سپاس در برابر نعمت هایی که خداوند متعال بر بندگانش منت نهاده بوسیله اقامه نماز و پرداخت زکات فطره و...^{۹۳۴}

خطبه نماز عید

۲۴۱- فلسفه اینکه در نماز عید خطبه ها را بعد از نماز می خوانند اما در نماز جمعه این مساله

برعکس می باشد چیست؟

امام رضا علیه السلام در تبیین علت این مساله فرموده اند: «به خاطر آن که جمعه امر مستمر و دائمی است و در هر ماه چند مرتبه و در هر سال تعداد زیادی مراسم نماز جمعه اجراء می شود و قاعدتا و غالبا هر امری که بر مردم زیاد تکرار شد از آن ملول شده و حتی الامکان سعی می کنند آن را ترک کنند لذا در نماز جمعه خطبه را اول قرار دادند تا بدین وسیله مردم را نگه داشته تا در نماز شرکت کنند و اما نماز عیدین در

^{۹۳۴} - علل الشرائع-ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۵۱

هر سال دو مرتبه انجام می‌شود و آن از نماز جمعه اعظم و اهمّ می‌باشد و ازدحام و اجتماع شرکت‌کنندگان در آن بیشتر و مردم در آن راغب‌تر هستند و به فرض اگر بعد از نماز برخی و اندکی از مردم متفرق شوند عموم و اکثرشان باقی می‌مانند و همان طوری که گفتیم نفرات متفرقین زیاد و کثیر نیست تا با پراکنده‌شدنشان نماز سبک شمرده شود و موجب استخفاف آن فراهم گردد^{۹۳۵}».

گفتار ششم: نماز شب

نماز شب در قرآن

۲۴۲- آیا برای خواندن نماز شب در قرآن دستوری وجود دارد؟

از آیات قرآن استفاده می‌شود که نماز شب از مستحباتی است که سخت مورد تأکید قرار گرفته است خداوند متعال در سوره اسرا برای رسیدن انسان‌ها به مقام محمود توصیه به نماز شب نموده و فرموده است: «و من الیل فتهجد به نافله لک عسی أن یبعثک ربک مقاما محمودا»^{۹۳۶}؛ «و پاسی از شب را [از خواب برخیز و] قرآن [و نماز] بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است که پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد!»

در سوره مزمل نیز از پیامبر (صلی الله علیه و آله) دعوت به خواندن نماز شب نموده و بیان داشته: «یا ایها المزمل * قم الیل الا قليلا * نصفه او انقص منه قليلا * اوزد علیه و رتل القرآن ترتیلا»^{۹۳۷}؛ «ای جامه به خود پیچیده! شب را جز کمی، بپاخیز! نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن، یا بر نصف آن بیفزا و قرآن را با دقت و تأمل بخوان.»

در سوره سجده نیز خداوند متعال در تمجید از کسانی که نماز شب به پا می‌دارند فرموده است: «تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم خوفا و طمعا و مما رزقناهم ینفقون، فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قره اعین جزاء بما کانوا یعملون»^{۹۳۸}؛ «پهلوه‌های آنها از بستر خواب فاصله می‌گیرد (از خواب بر می‌خیزند) و پروردگارشان را از روی بیم و امید می‌خوانند و از آنچه به آنان داده ایم انفاق می‌کنند. هیچ کس نمی‌داند که به پاداش عملشان چه چشم روشنی‌ها برای آنان پنهان و ذخیره شده است.» اگر در فضیلت شب زنده داری و نماز شب چیزی جز همین یک آیه نبود برای اهل ایمان کافی بود که همه روز را به انتظار آمدن شب و خلوت با دوست باشند.

۹۳۵ - علل الشرائع-ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۴۱

۹۳۶ - اسراء (۱۷)، آیه ۷۹

۹۳۷ - مزمل (۷۳)، آیه ۴-۱

۹۳۸ - سجده (۳۲)، آیه ۱۶ و ۱۷

نماز شب پیامبر صل الله علیه و آله

۲۴۳- سوالی برایم پیش آمده، چرا نماز شب بر پیامبر(ص) واجب بوده و بر بقیه مسلمانان مستحب

است؟

قبل از پاسخ به این سوال چند نکته قابل توجه است:

اول - دستور به قیام برای نماز شب در مورد پیامبر در چند جای قرآن آمده است. از جمله در سوره ی مزمل خداوند به پیامبر می فرماید: «يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ * قُمْ أَيْلًا إِلَّا قَلِيلًا»^{۹۳۹}؛ «شب را - جز کمی - به پا خیز». گر چه مخاطب در آیات مذکور پیامبر اکرم (ص) است ولی ذیل سوره نشان می دهد که مؤمنان نیز در این برنامه با شخص پیامبر(ص) همگام بودند حال این قیام شب در اوایل دعوت پیامبر (ص) بر همگان واجب بوده است یا نه؟ «بعضی از مفسران معتقدند این امر در ابتدا بر همگان واجب بوده بعداً آیه ی آخر همین سوره این حکم را نسخ کرده و این در فاصله ای حدود یک سال بوده است. ولی همان گونه که مرحوم طبرسی می فرماید: در ظاهر آیات این سوره چیزی که دلیل بر نسخ باشد، به چشم نمی خورد و بهتر است که گفته شود این قیام عبادت مستحب و سنت مؤکد بوده و هرگز جنبه ی وجوب نداشته جز در مورد شخص پیامبر اکرم (ص)^{۹۴۰}»

آیه ی دیگری که بر وجوب نماز شب برای پیامبر اکرم (ص) دلالت می کند آیه ۷۹ از سوره اسرا است. خداوند در این آیه می فرماید: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا»^{۹۴۱}؛ «قسمتی از شب را تهجد کرده و نافلة بخوان امید است که پروردگارت تو را به مقام بسندیده ای برساند.»

دوم - از نظر قرآن و سنت و نیز در سلوک ارباب معرفت نافلة شب شرط وصول به حق و نیل به کمالات معنوی و روحانی است. نافلة شب در ایجاد پیوند میان انسان و خداوند اثر شگرفی دارد و هر چه مسئولیت انسان سنگین تر و مهم تر باشد نیاز او به ارتباط و انس با خدا و اتصال به مبدا قدرت و عظمت و تاییدات الهی بیشتر است. بیداری در دل شب و مناجات با خالق هستی و راز و نیاز با او دل را صفا می بخشد و انوار الهی را در دل وارد می سازد و ریشه ایمان انسان را عمیق تر و استوارتر می کند.

بنابراین اینکه نماز شب تنها بر آن حضرت واجب بوده و برای سایرین مستحب است، دلیل شرعی دارد چون مسئولیت سنگین نبوت و هدایت خلق آن هم در بالاترین حد قابل تصور و نیز مدیریت معنوی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی آن حضرت از همه سنگین تر بوده و نیاز به ارتباط و پیوند با حق و تاییدات الهی در مورد او بیشتر بوده بنا بر این بیش از همه نیاز به خلوت و مناجات با معشوق داشته و این انس و

^{۹۳۹} - مزمل (۷۳)، آیه ۱ و ۲

^{۹۴۰} - تفسیر نسیم حیات، تفسیر جزء، ۳، ۲۹، ص ۱۵۳؛ تفسیر کشف، ج ۲ و ۱، ص ۶۴۴

^{۹۴۱} - اسراء (۱۷)، آیه ۷۹

ارتباط آن هم در موثرترین اوقاتش که نیمه شب و در دل سحر است در مورد او به شکل وجوب و حتمی بوده است.

از سویی دیگر ظرفیت عظیم معنوی پیامبر ص - که مولود ایمان بی نظیر و معرفت بی مانند آن سرور کائنات است نیز این قابلیت را به او می بخشد که موضوعی مانند عبادت شبانه و نافله شب در مورد او واجب باشد و ترک آن برای او جایز نباشد.

البته نباید تصور شود که مستحب بودن یک عمل خصوصاً نماز شب که از اهمیت فوق العاده ای در ساخت و ساز انسان بر خوردار است، از اهمیت آن می کاهد. بلکه پس از انجام واجبات، انجام نماز شب از اوج و اهمیت ویژه ای در مسیر خود سازی برخوردار است.

برکات نماز شب

۲۴۴- اگر نماز شب بخونیم چی نصیبمان می شود؟ لطفاً در مورد آثار و فضایل این نماز برایم

بنویسید.

از آیات قرآن و روایات استفاده می شود که نماز شب از مستحباتی است که فضایل بیشماری داشته و آثار عمیق و گسترده ای در روح و روان و همچنین اعمال و دنیا و آخرت انسان دارد از جمله:

رسیدن به مقام شفاعت

ا-

در قرآن به پیامبر(ص) خطاب شده است: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا»^{۹۴۲}؛ «و پاسی از شب را(از خواب برخیز، و) قرآن(و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقام بلند محمود (مقام شفاعت شده) برساند»

نماز شب بهترین ابزار رفع مشکلات زندگی

ب-

رسول خدا -صلی الله علیه وآله - می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَهُوَ يُضْرَبُ عَلَيْهِ بِحَزَائِمٍ مَعْقُودَةٍ فَإِذَا

ذَهَبَ ثُلَاثًا اللَّيْلِ وَ بَقِيَ ثُلَاثُهُ أَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ لَهُ قُمْ فَادْكُرِ اللَّهَ فَقَدْ دَنَا الصُّبْحُ - قَالَ فَإِنْ هُوَ تَحَرَّكَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ انْحَلَّتْ عَنْهُ عُقْدَةٌ وَ إِنْ هُوَ قَامَ فَتَوَضَّأَ وَ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ انْحَلَّتْ عَنْهُ الْعُقْدَةُ كُلُّهُنَّ فَيُصْبِحُ حِينَ يُصْبِحُ قَرِيرَ الْعَيْنِ»^{۹۴۳}؛ «ای مردم! هیچ کس از شما نیست مگر این که مشکلات همچون کمربندی او را محاصره کرده است. پس زمانی که دو سوم از شب گذشت (و یک سوم آن باقی ماند) ملکی بر او وارد می شود و به او می گوید: برخیز و ذکر خداوند بگوی که صبح نزدیک است اگر او حرکت کرد و ذکر خداوند گفت، یک

۹۴۲ - همان

۹۴۳ - آمالی المفید، ص ۱۸۹

گره از گرفتاری هایش گشوده خواهد شد و اگر او برخاست و وضو گرفت و به نماز ایستاد، تمامی گره های گرفتاری از او گشوده می شود و صبحگاهان شادمان و با روشنی چشم از خواب برمی خیزد.»

ت- بخشش گناهان روز انسان

در حدیثی حضرت صادق(ع) در تفسیر آیه مبارکه «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»^{۹۴۴}؛ «بی شک کارهای نیک، کارهای بد را پاکسازی می کند» فرمود: «صَلَاةُ اللَّيْلِ تَذْهَبُ بِذُنُوبِ النَّهَارِ»^{۹۴۵}؛ «نماز شب گناهان روز را پاک می کند»

ث- زیبایی چهره

در حدیثی از امام زین العابدین(ع) پرسیدند: «مَا بَالُ الْمُتَهَجِّدِينَ بِاللَّيْلِ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ وَجْهًا قَالَ لَأَنَّهُمْ خَلُّوا بِرَبِّهِمْ فَكَسَاهُمُ اللَّهُ مِنْ نُورِهِ»^{۹۴۶}؛ «چرا چهره و صورت شب زنده ترین این چنین زیبا است؟ فرمود: چون آنان با پروردگار خویش خلوت کرده اند و خداوند به آنها جامه ای از نور خویش پوشانده است»

ج- به دنبال داشتن دوستی خداوند متعال

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: شنیدم رسول خدا(ص) می فرمود: «مَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا إِلَّا لِإِطْعَامِهِ الطَّعَامَ - وَصَلَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ»^{۹۴۷}؛ «خداوند ابراهیم را دوست خود قرار نداد مگر به این خاطر که سفره اش باز بود و هنگامی که مردم در خواب بودند به نماز می ایستاد»

ح- سلامتی بدن و زیاد شدن روزی

در روایتی آمده است: «نماز شب باعث شرف و آبروی مؤمن، سلامت بدن، کفاره گناهان، برطرف کننده وحشت قبر، سفید شدن صورت و نورانی شدن آن و زیاد شدن رزق می شود».

خ- نجات از وحشت قبر

امام باقر - علیه السلام - می فرماید: «صَلِّ رُكْعَتَيْنِ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ لَوْحَشَهُ الْقُبُورِ»^{۹۴۸}؛ «برای نجات از وحشت قبر، دو رکعت نماز در دل شب بخوان»

د- کسب هیبت و ابهت با نماز شب

امیرالمومنین علی - علیه السلام - می فراید: «ان الله سبحانه وضع خمسة في خمسة: العز في الطاعة، والذل في المعصية و الحكمة في جوف البطن و الهيبة في صلاة الليل و الغنا في القناعة»^{۹۴۹}؛ «خداوند متعال پنج

۹۴۴ - (۱۱) هود ۱۱۴

۹۴۵ - بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۱۴۳

۹۴۶ - بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۱۵۹

۹۴۷ - بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۸۴

۹۴۸ - بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۴۸

۹۴۹ - إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۱۱۹

چیز را در پنج چیز دیگر قرار داده است: عزت را در بندگی، ذلت را در معصیت، حکمت را در کم خوردن و خالی بودن شکم، هیبت و ابهت را در روی آوردن به نماز شب و ثروتمندی و بی نیازی را در قناعت.

د- طولانی شدن عمر

ثامن الحجج علی ابن موسی الرضا - علیه السلام - فرموده اند: «عَلَيْكُمْ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ فَمَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يَقُومُ آخِرَ اللَّيْلِ فَيُصَلِّيَ ثَمَانِيَّ رَكَعَاتٍ وَرَكَعَتِي الشَّفْعِ وَرَكَعَةَ الْوَيْتِ وَاسْتَعْفَرَ اللَّهَ فِي قُنُوتِهِ سَبْعِينَ مَرَّةً إِلَّا أُجِيرَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَ مُدَّةً لَهُ فِي عُمْرِهِ وَ وَسَّعَ عَلَيْهِ فِي مَعِيشَتِهِ»^{۹۵۰}؛ «بر شما باد به نماز شب، زیرا هر بنده ای که در آخر شب بیدار شود و هشت رکعت نماز شب، و دو رکعت نماز شفع، و یک رکعت نماز وتر بخواند و در قنوت آن، هفتاد بار استغفار کند خداوند او را از عذاب قبر و آتش در امان دارد و عمر او را طولانی کرده و به زندگی او گشایش خواهد داد.»

ر- رفع غم اندوه و گرفتاری های مالی

عن الصادق - علیه السلام - : «صَلَاةُ اللَّيْلِ تُحَسِّنُ الْوَجْهَ وَ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُطَيِّبُ الرِّيحَ وَ تُدِرُّ الرِّزْقَ وَ تَقْضِي الدَّيْنَ وَ تَذْهَبُ بِالْهَمِّ وَ تَجْلُو الْبَصَرَ»^{۹۵۱}؛ «نماز شب باعث زیبایی سیما و نیکویی اخلاق و خوشبویی بدن و فراوانی رزق و مایه ادای قرض ها و از بین رفتن اندوه و تقویت نور چشم است.»

ز- کسب جایگاه مخصوص در بهشت

پیامبر اعظم - صلی الله علیه وآله - فرمود: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ غُرَفًا يُرَى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَ بَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا يَسْكُنُهَا مِنْ أُمَّتِي مَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ وَ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ أَفْشَى السَّلَامَ وَ صَلَّى بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامُ»^{۹۵۲}؛ «در بهشت غرفه هایی است که داخل آن از بیرون و بیرون آن از درون نمایان است و در آن افرادی از امت من اسکان می یابند که سخن شایسته بر زبان می آورند و به اطعام طعام می پردازند و سلام را در میان مردم گسترش می دهند و همیشه روزه دارند و شب هنگام که همگان در خوابند، به نماز برمی خیزند.» (نورالانقلین، ج ۳ ص ۲۶۳).

س- گریان نبودن در قیامت

امام صادق - علیه السلام - می فرماید: «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً عَيْنٌ غُضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ سَهَرَتْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ»^{۹۵۳}؛ «در قیامت همه چشم ها گریان است مگر سه چشم:

- چشمی که از (دین و نظر به) آنچه خداوند حرام کرده بر هم نهاده شود؛

- چشمی که در شب جهت عبادت بیدار بماند.

^{۹۵۰} - مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۳۱

^{۹۵۱} - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۴۲

^{۹۵۲} - بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۹

^{۹۵۳} - الکافی، ج ۲، ص ۴۸۲

- چشمی که در دل شب از خوف خدا بگرید.»

بیدار شدن برای نماز شب

۲۴۵- دوست دارم نماز شب بخوانم اما هر چه تلاش می کنم در دل شب برای نماز شب بیدار شوم،

نمی توانم. برای بیدار شدن چه کار باید بکنم؟

قبلا در پاسخ به سوالی مربوط به بیدار شدن برای نماز صبح راهکارهای مفصلی ارائه گردید از جمله:

- تنظیم برنامه ای منسجم و منظم جهت جلوگیری از خستگی مفرط

- انتقال فعالیت های شبانه به بعد از نماز صبح

- خوردن شام سبک آنهم در ابتدای شب

- نخوردن غذا قبل از خواب

- زود خوابیدن

- پر خوری نکردن

- داشتن خواب قبل از ظهر

- انتخاب محل مناسب جهت خواب و بیدار شدن به موقع

- استفاده از ساعت و...

اگر کسی تمامی آنچه که در خصوص بیدار شدن به موقع نماز برای صبح گفته شد را رعایت نماید به راحتی می تواند برای نماز شب نیز بیدار شود علاوه بر اینکه جهت بیدار شدن برای نماز شب می توان به دستور العملی که از سوی امام صادق علیه السلام بیان گردیده عمل نمود، بدین صورت که هنگام خواب آیه آخر سوره کهف را قرائت نموده: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»^{۹۵۴} پس از آن این دعا را بخوانید: «اللَّهُمَّ لَا تَنْسِنِي ذِكْرَكَ وَ لَا تَوَمِّنِي مَكْرَكَ وَ لَا تَجْعَلَنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَ انبِهْنِي لِأَحَبِّ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ أَدْعُوكَ فِيهَا فَتَسْتَجِيبَ لِي، وَ أَسْأَلُكَ فَتَعْطِينِي وَ اسْتَغْفِرَكَ فَتَغْفِرَ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» امام صادق (ع) فرموده است که اگر این آیه را بخوانی در هر ساعت از شب که اراده کنی بیدار می شوی و این به تجربه هم ثابت شده است.^{۹۵۵}

^{۹۵۴} - کهف (۱۸)، آیه ۱۱۰

^{۹۵۵} - شیخ طبرسی، الآداب الدینیة للخرانة المعینیة، احمد عابدی، زائر، قم، چاپ ۱۳۸۰ ش، اول، ص ۳۲۳

توفیق نماز شب

۲۴۶- من بعضی مواقع تمامی کارهایی را که باید برای نماز بیدار شوم را انجام می دهم اما نمی

دانم چرا برای نماز بیدار نمی شوم و این توفیق را از دست می دهم. علت آن چیست؟

فراهم نمودن برخی مقدمات همچون زود خوابیدن و غذای سبک خوردن و... جهت بیداری سحر تنها بخشی از عوامل درک این نماز با فضیلت می باشد اما بخش مهم دیگری که نباید از آن غافل بود، مربوط به ترک اموری است که توفیق نماز شب را از انسان سلب می نماید.

در روایات از گناه به عنوان مهمترین عامل سلب توفیق از نماز شب یاد شده است. به عنوان نمونه شخصی به خدمت امام المتقین امیر المؤمنین علیه السلام آمد و گفت که: «مدتی شده است که از نماز شب خواندن محروم شده‌ام، حضرت فرمودند: تو مردی هستی که گناهانت ترا به بند کشیده و مانع از نماز شب شده است»^{۹۵۶} کنایه از آنکه گناه کردن در روز باعث محرومی از نماز شب است.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ الْكَذِبَةَ فَيُحْرَمُ بِهَا صَلَاةَ اللَّيْلِ فَإِذَا حُرِمَ صَلَاةَ اللَّيْلِ حُرِمَ بِهَا الرِّزْقُ»^{۹۵۷}؛ «کسی یک دروغ گوید بدان از نماز شب محروم شود و با محروم شدن از نماز شب از روزی محروم شود»

لذا جهت توفیق یافتن برای خواندن نماز شب، باید نسبت به این مساله بسیار حساس بود تا بواسطه گناه درک لذت نماز شب را از دست نداد.

فوائد پزشکی نماز شب

۲۴۷- در مورد فوائد پزشکی نماز شب، مطالب کامل می خواستم.

علاوه بر تمامی فوائد روحی و جسمی که نماز شب مانند دیگر نمازها دارد^{۹۵۸}، زمانبندی این نماز به گونه ایست که متناسب با تمامی شرایط فیزیولوژی بدن تنظیم گردیده، و اگر چنانچه یک فرد به توصیه های رسول خدا (صل الله علیه و آله) عمل نماید و شبها زود بخوابد و قبل از طلوع فجر بیدار شود بهترین بهره را از خواب برده و مفیدترین شرایط را برای سلامتی بدن خود فراهم می سازد و آفات فراوانی را از جسم و جان خود دفع می نماید که برخی از آنها از قرار ذیل می باشد.

الف - آرامش عضلانی

دانش پزشکی امروزه به اثبات رسانده که اگر شخصی در ساعت حدود ۱۰ شب بخوابد و حدود نیم ساعت قبل از اذان صبح بیدار شود (یعنی حدودا ۷ ساعت بخوابد) در ساعت حدود یک بامداد در بدن او برخی

^{۹۵۶} - مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة، ص ۲۹۰

^{۹۵۷} - بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۱۶

^{۹۵۸} - به فصل آثار و فوائد نماز مراجعه نمایند.

مواد شیمیایی شبه «مورفین» ترشح می شوند (این مواد به عنوان گروهی « اندروفین ها » و « آنگفالین ها » نامگذاری شده اند) و اثر مستقیمی بر قسمت‌های مختلف بدن از جمله عضلات اسکلتی دارند و در طول روز پس از آن، منجر به آرامش و راحتی عضلانی برای فرد می شوند. بر خلاف زمانی که انسان بیشتر یا کمتر از این مقدار بخوابد در اینصورت این مواد کمتر ترشح شده و انسان از آرامش و استراحت عضلانی به اندازه کافی بهره مند نمی شود.^{۹۵۹}

ب- کاهش عوارض قلبی

بررسی های علمی نشان می دهد که سکتة قلبی غالباً در ساعات اولیه صبح رح می دهد در مقاله ای که در نشریه پزشکی « لانست، Lancet » در تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۹۸۸ م به چاپ رسیده آمده است: « از ساعت ۲ الی ۴ بعد از نیمه شب فشار خون به پایین ترین حد خود می رسد که این امر ابتدا به سکتة قلبی را در این ساعات افزایش می دهد بنابراین بیدار شدن در این ساعات (یعنی اواخر شب) و اقامه نماز شب از سکتة قلبی و دیگر عوارض و بیماریها قلبی جلوگیری می نمایند.

علاوه بر اینکه در خواب طولانی و مستمر انسان در معرض ابتلا به دیگر بیماریهای قلبی بخصوص بیماری « تصلب شرایین » قرار می گیرد که سحرخیزی از خواب طولانی و پیوسته جلوگیری و به دنبال آن دچار اینگونه امراض نمی گردد.^{۹۶۰}

ج - تقویت دستگاه ایمنی بدن

یکی از هورمون هایی که نقش کلیدی در ایمنی بدن ایفا می نماید و مقاومت بدن را در برابر میکروبها و ویروسها افزایش می دهد می دهد و در پیشگیری نیمازیها مختلف همچون بیماریهای قلبی و سرطان نقش اساسی دارد و زندگی انسان را پایدار و توام با تندرستی می گرداند هورمون « ملاتونین » می باشد.^{۹۶۱} با توجه به اینکه نماز شب عامل افزایش ترشح این هورمون می باشد می توان نماز ملکوتی شب را عامل موثر در تقویت دستگاه ایمنی بدن برشمرد.^{۹۶۲}

د - تقویت بینایی

ملاتونین در چشم از سلول های چشم محافظت نموده و از کدر شدن عدسی یا کپول چشم - که دید را مختل می کند و موجب ابتلا به بیماری « آب مروارید » می شود جلوگیری می کند.^{۹۶۳} لذا افزایش ترشح این هورمون بواسطه خواندن نماز شب می تواند نقش موثری در تقویت بینایی انسان داشته باشد.^{۹۶۴}

^{۹۵۹} - اسرار پزشکی نماز شب، محمود غفاری، شهاب الدین، دوم، ۱۳۸۴ش، ص ۶۳

^{۹۶۰} - همان، ص ۷۸

^{۹۶۱} - همان، ص ۹۶

^{۹۶۲} - همان، ص ۹۹

^{۹۶۳} - همان، ص ۱۰۰

وجوب نماز شب

۲۴۸- آیا این روایت از امام صادق(ع) است که می فرماید: «هر کس نماز شب نخواند از شیعیان ما

نیست.»؟ اگر این صحت دارد یعنی نماز شب امری است واجب؟ و هر کس آن را طبق این

حدیث انجام ندهد شیعه نیست؟

همانگونه که در پرسش مطرح گردیده امام صادق - علیه السلام - فرموده اند: «لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ لَمْ يُصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ»^{۹۶۵}؛ «از شیعیان ما نیست کسی که نماز شب را به جای نیاورد.» اما باید به این نکته توجه داشت که شیعه در روایات به دو معنا اطلاق می شود، به یک معنا تمامی کسانی که ولایت امیرالمؤمنان و فرزندان آن حضرت تا امام دوازدهم را پذیرفته اند شیعه محسوب می شوند، لکن در بسیاری از روایات شیعه بودن به عنوان مقامی خاص و بالا برای کسانی که در تمام گفتار و رفتارشان تبعیت از امام معصوم می کنند معرفی شده.

براساس برخی از روایات چنین مقامی را افرادی هم چون سلمان و ابوذر و دیگر خواص از نزدیکان ائمه دارا بوده اند و هر کسی نمی تواند ادعای آن را داشته باشد، در این روایات دیگر شیعیان که به این مقام شیعه خالص و حقیقی نرسیده اند به عنوان محبان و موالیان اهل بیت معرفی شده اند. بنابراین روایتی که می فرماید، از شیعیان ما نیست کسی که نماز شب را ترک کند مراد شیعه حقیقی و خالص است که به مرتبه بالای ایمان و تبعیت از اهل بیت رسیده است که قطعاً کسی که دارای چنین مقامی است، نمی شود تارک نماز شب باشد و در صورتی که ترک کند از شیعیان حقیقی آنان محسوب نمی شود.

در هر صورت مقصود اهتمام به نماز شب است و اینکه شیعه کامل مورد نظر ائمه(ع) کسی است که به نماز شب اهمیت بدهد. امید است خدا توفیق دهد و خودمان هم همت داشته باشیم و نماز شب خوان شویم و امام صادق(ع) را از خود راضی کنیم.

نماز شب با خواب آلودگی

۲۴۹- خواندن نماز شب که این همه توصیه شده اگر حتی از روی خواب آلودگی و خستگی و

بدون حضور قلب هم خوانده شود هم درست است؟

چنین نماز شبی نه تنها درست و صحیح است بلکه یکی از بالاترین ارزش های نماز شب این است که انسان در عین خستگی و خواب آلودگی برای کسب رضایت الهی به اقامه نماز بایستد؛ در حدیثی قدسی آمده است:

^{۹۶۴} - برای کسب اطلاع بیشتر رجوع کنید به کتاب «اسرار پزشکی نماز شب، محمود غفاری»

^{۹۶۵} - روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۳۲۱

وقتی که بنده‌ای در نیمه شب برای نماز و طاعت خداوندی برخیزد و سپس خواب بر وی غلبه کند و در اثر چرت به چپ و راست متمایل شود و چانه‌اش به سینه‌اش بچسبد. خداوند امر می‌کند درهای آسمان باز می‌شود و سپس به ملائکه می‌فرماید: به این بنده من نگاه کنید و ببینید در اثر تقرب به من و انجام عملی که بر وی واجب نکرده‌ام به چه روزی افتاده و من سه خصلت به این بنده عطا می‌کنم. گناهان او را می‌بخشم، یا توبه مجددی برایش فراهم می‌کنم و روزی‌اش را زیادت‌تر می‌کنم و من همه شما را شاهد می‌گیرم که این سه چیز را به وی بدهم.^{۹۶۶}

نماز شب آسان

۲۵۰- با توجه به اینکه من مشهدی هستم و اذان صبح حدود ساعت ۴,۳۰ دقیقه بامداد هست و همچنین علاقه بسیار زیادی که به خواندن نماز شب دارم، ولی متأسفانه علیرغم خواندن آیه آخر سوره کهف و صرف غذای سبک در آخر شب به سختی از خواب بیدار می‌شم، چون اگر بخوام ساعت ۴ برای نماز شب بیدار بشم، شب باید ساعت حداقل ساعت ۹,۳۰ تا ۱۰ بخوابم و این یک کم برایم سخت است. آیا برای درک ثواب نماز شب راه حل آسان‌تری وجود ندارد؟

مواردی که گفته شد، در بیدار شدن برای نماز شب و رفع کسالت در آن هنگام، بسیار مؤثر است اما آنچه امروزه متدینین و بویژه جوانان را برای شب زنده داری با مشکل مواجه نموده، بیدار بودن بی دلیل آنها تا پاسی از شب در مقابل تلویزیون و رایانه و... می‌باشد و حال آنکه دیدن بسیاری از سریالها و فیلم‌های تلویزیون و حضور در جلسات دوستانه و یا وب گردی‌های طولانی، علاوه بر اینکه ضرورتی ندارد بلکه ممکن است سودمند نیز نبوده و چه بسا زمینه‌های گناهان متعددی را برای انسان فراهم نماید.

بنابراین در صورتی که مقدور است باید حدود ساعت ۱۰ شب خوابید و در طول روز نیز یک ساعت استراحت نمود. اگر چه ممکن است روزهای اول، عملی نمودن این برنامه کمی مشکل باشد، اما پس از مدت زمان اندکی افراد به این وضع، عادت خواهند نمود.

با پیاده نمودن این برنامه اگر بتوان تنها نیم ساعت قبل از اذان صبح بیدار شد، افراد هم نماز شب را درک خواهند نمود و هم توفیق خواندن نماز صبح در اول وقت را پیدا خواهند کرد.

اما اگر شرایط شما به گونه‌ای است که نمی‌توان ساعت ۱۰ شب بخوابید - از آنجا که وقت نماز شب از نیمه شب شرعی تا اذان صبح می‌باشد و از سویی دیگر می‌توان آن را بصورت مختصر نیز خواند - برای درک فضیلت نماز شب، بعد از نیمه شب شرعی که معمولاً حدود ساعت یازده و بیست دقیقه به بعد می‌

^{۹۶۶} - الجواهر السنیة - کلیات حدیث قدسی، ص ۷۰۷

باشد^{۹۶۷}، هشت رکعت از نماز شب و ده دقیقه قبل از نماز صبح، نماز شفع و وتر را بصورت مختصر - مثلاً بدون قرائت سوره و با بصورت نشسته - بخوانید؛ و یا تمامی یازده رکعت را بطور مختصر بعد از نیمه شب بخوانید و اگر خواندن یازده رکعت بصورت مختصر برای فردی سخت جلوه نمود می تواند تنها به اقامه نماز شفع و وتر اکتفا نمائید و به مرور زمان خود را به بیدار شدن در پایان شب عادت داده و مستحبات دیگر نماز شب را به آن اضافه نمود.

با این حال اگر کسی باز هم توفیق نماز شب را از دست داد می تواند قضای آن را در روز بعد بجا آورده و فضیلت نماز شب را تا حدودی درک کند؛ چرا که رسول خدا -صلی الله علیه وآله - فرمودند: «ان الله یباهی بالعبء یقضی صلوٰه اللیل بالنهار یقول: ملائکتی عبدی یقضی ما لم افترضه علیه الشهدوا انی قد غفرت له»^{۹۶۸}؛ «همانا خداوند مباحات می کند به بنده ای که نماز شب را در روز قضا کند و می فرماید: ای فرشتگان من! بنده من قضا می کند چیزی را که من براو واجب نکرده ام گواه باشید که من او را آمرزیدم. خاتمه

سیر مطالعاتی نماز

۱۴۶- لطفاً یک سیر مطالعاتی کامل درباره نماز معرفی نمائید.

سیر مطالعاتی پیشنهادی که در زمینه نماز می توانیم خدمت شما ارائه نمائیم از قرار ذیل می باشد:

اول: مطالعه جهت درک جایگاه و اهمیت نماز

چرا که با وجود درک اهمیت نماز انسان نسبت به آن اشتیاق پیدا کرده و خود را نسبت به اداء این فریضه ملزم می نماید که در این باره نیز می توانید به کتاب های ذیل مراجعه نمائید.

- اهمیت نماز از دیدگاه اسلام، مؤلف: محسن قرائتی، ناشر: اداره تبلیغات

- ارزش و اهمیت نماز (بزبان ساده)، مؤلف: محمد تقی صرّفی، ناشر: ستاد اقامه نماز خوزستان

- نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، مؤلف: رحیم کارگر محمدیاری، ناشر: ستاد اقامه نماز

دوم: آثار و فوائد دنیوی نماز

در این باره تقریباً در تمامی کتاب هایی که راجع به نماز نگاشته شده مطالبی یافت می شود اما بطور خاص راجع به فوائد و آثار دنیوی نماز می توانید به کتاب های ذیل مراجعه نمائید.

- چهل نکته پزشکی پیرامون نماز نوشته: دکتر مجید ملک محمدی

- نماز از دیدگاه دانشمندان، رحیم کارگر

- نماز و جامعه شناسی، علیرضا وحدت پناه، ناشر: ستاد اقامه نماز و احیای زکات

^{۹۶۷} - برای اطلاع دقیق از زمان نیمه شب شرعی می توانید به اخبار شبانگاهی صدا و سیما که معمولاً ساعت نیمه شب شرعی هر شب در پایان آن

اعلام می گردد مراجعه نمائید.

^{۹۶۸} - بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۲۰۲

- راز نیایش (فواید طبی و درمانی نماز)، گودرز نجفی، ناشر: شرکت چاپ و نشر بین الملل
سوم: مطالعه کتب مربوط به احکام نماز
- در صورت عدم صحت نماز انسان بهره ای از فواید بی شمار نماز نخواهد برد چراکه دروازه بهره‌مندی از آثار و برکات نماز، صحیح بودن آن است که این امر نیز بدون آشنایی با احکام نماز مسیر نخواهد شد لذا این زمینه علاوه بر مراجعه به رساله مرجع تقلید خود و در می توانید به کتاب های ذیل مراجعه نمایید:
- آموزش احکام (سطح متوسط) پسران، مؤلف: محمد حسین فلاح زاده، ناشر: الهادی.قم
- آموزش احکام (سطح متوسط) دختران، مؤلف: محمد حسین فلاح زاده، ناشر: الهادی.قم
- احکام نماز، مؤلف: عبد الرحیم موگهی، ناشر: شفق
- یادگیری احکام به روش آسان، مؤلف: احمدی میانجی، مرتضی بنی فضل، ناشر: امور تربیتی آموزش پرورش منطقه ۲ قم
- چهارم: آشنایی با فلسفه، اسرار نماز
- اسرار، فلسفه و چرایی نماز، مفاهیم بلند نماز را برای انسان بازگو می نماید بگونه ای که موجب می شود تا انسان درک عمیقی نسبت به مفاهیم بلند آن پیدا کرده و زمینه حضور قلب در نماز و معراج انسان به مراتب عالی کمال را فراهم نماید.
- در این خصوص نیز کتاب های زیادی به رشته تحریر در آمده که تعدادی از آنها از قرار ذیل می باشد:
- حکمت و فلسفه نماز و روزه، مؤلف: نبوی، ناشر: مکتب قرآن
- آیین پارسایی (فلسفه نماز در اسلام)، مؤلف: محسن طالعی نیا، ناشر: خزر
- علل الشرائع-ترجمه ذهنی تهرانی
- از ژرفای نماز، مؤلف: مقام معظم رهبری
- پرتوی از اسرار نماز، مؤلف: محسن قرائتی، ناشر: ستاد اقامه نماز
- راز و رمز نیایش، مؤلف: اسد الله اسدی گرمارودی، ناشر: سبجان
- تفسیر نماز، مؤلف: محسن قرائتی، ناشر: ستاد اقامه نماز
- اسرار الصلوٰه، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی
- آداب الصلوٰه، امام خمینی
- اسرار نماز، علی اکبر مهدی پور
- اسرار عبادات، آیه الله جوادی آملی
- اسرار نماز شهید ثانی ترجمه مهدی پور
- پنجم: مطالعه کتب مربوط به سوالات و شبهات پیرامون نماز
- کتاب حاضر که در پیش روی شماست، سید حسن موسوی

- پرسمان قرآنی نماز، سعید شمس

- یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز ج ۱ و ج ۲، مجتبی کلباسی

ششم: آداب و مستحبات نماز

از شرایط کمال نماز که زمینه ساز بهره مندی بیشتر انسان از نماز می باشد رعایت آداب و مستحبات نماز است که در این خصوص نیز می توانید به کتاب: آداب و مستحبات نماز، مؤلف: عباس عزیزی، ناشر: ستاد اقامه نماز مراجعه نمائید.

هفتم: آشنایی با نماز جماعت

دسترسی انسان به بالاترین پاداش های نماز، در نماز جماعت تبلور پیدا می کند تا جایی که بر اساس روایات دینی اگر تعداد افراد شرکت کننده در نماز از ده نفر عبور نماید دیگر کسی قادر به اندازه گیری ثواب آن نمی باشد.

لذا لازم است برای شناخت نماز جماعت و جایگاه، اهمیت و فضایل آن مطالعاتی نمود که در این زمینه نیز دو کتاب به شما معرفی می گردد.

- ثواب نماز جماعت و گناه و ترک آن، مؤلف: مجتبی باجلان، ناشر: برهان

- فوائد و آثار نماز جماعت، مؤلف: سید ابراهیم سید علوی، ناشر: معاونت فرهنگی امور مساجد

هشتم: تعقیبات نماز

تعقیبات نماز مکمل نماز می باشد و آشنایی و عمل به آنها آثار و برکات فراوانی دارد که در این زمینه می توانید علاوه بر مراجعه به کتاب مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی به کتاب تعقیبات نماز از معصومین (ع)، مؤلف: عباس عزیزی، ناشر: نبوغ نیز مراجعه نمائید.

نهم: کتب حدیثی نماز

مطالعه ای جامعه در خصوص روایات مربوط به نماز، نگرشی نو و جامع در خصوص نماز به انسان ارائه می نماید که در این باره نیز می توانید به کتب ذیل مراجعه نمائید.

- جامع آیات و احادیث موضوعی جلد اول و دوم، مؤسسه فرهنگی نبوغ

- چهل حدیث پیرامون نماز، صالح کلیاتی

- چهل حدیث در اهل نماز، نوری اشتهاوردی

علاوه بر موارد گفته شده کتاب های بسیاری راجع به نماز به رشته تحریر درآمده که برای مطالعه می توانید به آنها مراجعه نمائید که به دلیل طولانی نشدن فقط به معرفی آنها اکتفا می نمائیم:

الف: کتاب هایی عمومی نماز

- ۱۰۰۱ نکته درباره نماز، حسین دیلمی

- ۱۱۴ نکته درباره نماز، محسن قرائتی

- وصال دوست، رحیم کارگر
- آشنایی با نماز، محمدتقی صرفی
- دانستنی های لازم از نماز محمد وحیدی، موسسه بوستان کتاب
- نماز در آئینه قرآن، عباس عزیزی، ناشر ک ستاد اقامه نماز
- کلید بهشت، مؤلف: حبیب الله ارزانی، ناشر: کانون پژوهش
- نماز آرام بخش قلب و روح، مؤلف: مهدی مشایخی، ناشر: مولف
- معراج مومنین، مؤلف: آمنه فلاحی فیروز سالاری، ناشر: آشینا
- ب: نماز شب
- نماز شب (حیبی)، مؤلف: یدالله بهتاش، ناشر: سبحان،
- رهروان شب، مؤلف: سید حسن رضوی قمی، ناشر: هما
- شب مردان خدا، مؤلف: سید محمد ضیاء آبادی، ناشر: بنیاد بعثت
- نماز شب، مؤلف: محمد تقی مقتدری، ناشر: فرهنگ اسلامی
- ج: مساجد
- سیمای مسجد (جلد یک)، مؤلف: رحیم نوبهار، ناشر: مولف
- سیمای مسجد (جلد دو)، مؤلف: رحیم نوبهار، ناشر: مولف
- بهداشت مسجد، مؤلف: محمد مهدی اصفهانی، ناشر: ستاد اقامه نماز
- د: داستان و رمان
- داستانها و حکایت های نماز (یک)، مؤلف: رحیم کارگر محمدیاری، ناشر: ستاد اقامه نماز
- داستان نماز عارفان، مؤلف: سید مهدی شمس الدین، ناشر: ستاد اقامه نماز
- بهترین پناهگاه، مؤلف: رحیم کارگر محمدیاری، ناشر: ستاد اقامه نماز
- داستانهای نماز، مؤلف: مرتضی عطائی، ناشر: ستاد اقامه نماز خراسان
- چهل داستان در باره نماز، مؤلف: ید الله بهتاش، ناشر: سبحان
- قصه های نماز، مؤلف: جلالی عزیزی، ناشر: پیام آزادی
- پیش از نماز، مؤلف: مصطفی محمدی، ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی
- بوی عطر نماز، مؤلف: محمد ناصری، ناشر: کتابهای قاصدک
- نماز عشق، مؤلف: رضا شیرازی، ناشر: پیام آزادی
- شکوه محراب (قصه های نماز)، مؤلف: لطیف راشدی، ناشر: حوزه علمیه قم

خداوند متعال توفیق درک حقیقت نماز را به ما عنایت فرماید و همه ما را از اقامه کنندگان واقعی نماز

قرار دهد

« رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ »^{۹۶۹}

سید حسن موسوی

پنجشنبه ۱۳۹۲/۱۱/۱۷ هـ ش

^{۹۶۹} - ابراهیم (۱۴)، آیه ۴۰

فهرست منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللالی، قم، انتشارات سید الشهداء (ع) قم، ۱۴۰۵ هـ. ق، چاپ اول
۴. ابن فهد حلی، عدۀ الداعی و نجاح الساعی، قم، دار التکاب اسلامی، ۱۴۰۷ ق، اول
۵. ابو القاسم پاینده، نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ص، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش، چهارم
۶. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ ق، اول
۷. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، قم، دار الکتب الإسلامیه قم، ۱۳۷۱ هـ. ق، دوم
۸. سید عبد الله شبر، اخلاق (ترجمه‌ی اخلاق)، شیخ محمدرضا جباران، مؤسسه‌ی انتشارات هجرت، ۱۳۷۸ ش، چهارم
۹. محمود غفاری، اسرار پزشکی نماز شب، شهاب الدین، ۱۳۸۴ ش، دوم
۱۰. امام خمینی (قدس سره)، سر الصلاة، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ش، ششم
۱۱. امام عسکری علیه السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۹ ق، اول
۱۲. آیت الله شهید مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری
۱۳. آیت الله مهدوی کنی، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، هفتم، ۱۳۷۶ ش
۱۴. بهاء الدین خرمشاهی - مسعود انصاری، پیام پیامبر، تهران، ناشر: منفرد، ۱۳۷۶ ش، اول
۱۵. تاج الدین شعیری، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی، ۱۴۰۵ ق، اول
۱۶. جامع آیات و احادیث موضوعی جلد اول و دوم، مؤسسه فرهنگی نبوغ، ناشر مؤسسه فرهنگی انتشارات نبوغ
۱۷. حسن بن شعبه حرّانی، تحف العقول، بهراد جعفری، تهران، اسلامیة، ۱۳۸۰ ش، اول
۱۸. حسینی جرجانی سید امیر ابوالفتوح، آیات الأحکام (الجرجانی)، تهران، انتشارات نوید، ۱۴۰۴ ق، اول
۱۹. امام خمینی «ره»، آداب الصلاة، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ش، هفتم

۲۰. دکتر مجید ملک محمدی ، ۴۰ نکته پزشکی پیرامون نماز ، همدان ، معارف ، ۱۳۷۶ ش
۲۱. رساله توضیح المسائل مراجع
۲۲. سید مجتبی حسینی ، رساله دانشجویی ، دفتر نشر معارف ، ۱۳۸۸ ش ، چهاردهم
۲۳. سعید شمس ، پرسمان قرآنی نماز ، سبط اکبر ، پاییز ۱۳۸۷ ش ، سوم
۲۴. سید رضی ، نهج البلاغه ، سید جعفر شهیدی ، تهران ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۸ ش ، چهاردهم
۲۵. سید فضل الله راوندی ، نوادر رانندی ، صادقی اردستانی ، تهران ، بنیاد کوشانپور ، ۱۳۷۶ ش ، اول
۲۶. سیوطی جلال الدین ، الدر المنثور فی تفسیر المأثور ، قم ، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی ، ۱۴۰۴ ق
۲۷. شیخ حر عاملی ، وسائل الشیعه ، قم ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، ۱۴۰۹ هـ . ق ، اول
۲۸. شیخ حسن دیلمی ، إرشاد القلوب إلى الصواب ، قم ، شریف رضی ، ۱۴۱۲ ق ، اول
۲۹. شیخ حسن فرزند شیخ طبرسی ، مکارم الأخلاق ، قم ، شریف رضی ، ۱۳۷۰ ش ، چهارم
۳۰. شیخ صدوق ، الخصال ، قم ، جامعه مدرسین ، ۱۳۶۲ ش ، اول
۳۱. شیخ صدوق ، أمالی الصدوق ، بیروت ، اعلمی ، ۱۴۰۰ ق ، پنجم
۳۲. شیخ صدوق ، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ، قم ، دار الرضی ، ۱۴۰۶ ق ، اول
۳۳. شیخ صدوق ، علل الشرائع ، قم ، داوری ، اول
۳۴. شیخ صدوق ، عیون أخبار الرضا علیه السلام ، تهران ، نشر جهان ، ۱۳۷۸ ق ، اول
۳۵. شیخ صدوق ، معانی الأخبار ، قم ، جامعه مدرسین ، ۱۴۰۳ ق ، اول
۳۶. شیخ صدوق ، من لا یحضره الفقیه ، قم ، جامعه مدرسین ، ۱۴۰۴ ق ، دوم
۳۷. شیخ طوسی ، الإستبصار ، تهران ، دار الکتب الإسلامیه ، ۱۳۹۰ هجری قمری ، سوم
۳۸. شیخ طوسی ، تهذیب الأحکام ، تهران ، دار الکتب الإسلامیه ، ۱۳۶۵ ش چهارم
۳۹. شیخ کلینی ، الکافی ، تهران ، اسلامیه ، ۱۳۶۲ ش ، دوم
۴۰. طباطبایی سید محمد حسین ، تفسیر المیزان ، موسوی همدانی سید محمد باقر ، قم ، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم ، ۱۳۷۴ ش ، پنجم
۴۱. طبرسی فضل بن حسن ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، تهران ، انتشارات ناصر خسرو ۱۳۷۲ ش ، سوم
۴۲. طیب سید عبد الحسین ، أظیب البیان فی تفسیر القرآن ، تهران ، انتشارات اسلام ، ۱۳۷۸ ش ، دوم
۴۳. عبد الرزاق گیلانی ، مصباح الشریعه ، عبد الرزاق گیلانی ، تهران ، پیام حق ، ۱۳۷۷ ش ، اول
۴۴. عبد الواحد تمیمی آمدی ، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ، قم ، دفتر تبلیغات ، ۱۳۶۶ ش ، اول
۴۵. عزیز الله عطاردی ، مسند الإمام الرضا علیه السلام ، مشهد ، آستان قدس (کنگره) ، ۱۴۰۶ ق ، اول

۴۶. علامه طباطبائی ، سنن النبی صلی الله علیه و آله ، محمد هادی فقهی ، تهران ، کتاب فروشی اسلامیة ، ۱۳۷۸ ش ، هفتم
۴۷. علامه عبد الحسین امینی ، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب ، قم ، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه ، ۱۴۱۶ ه ق ، اول
۴۸. علامه مجلسی ، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام ، تهران ، اسلامیة ، مکرر
۴۹. علی رضا صابری یزدی / محمد رضا انصاری محلاتی ، الحکم الزاهره ، انصاری ، قم ، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۵ ش ، دوم
۵۰. علی مشکینی ، تحریر المواعظ العدیدیه ، قم ، الهادی ، ۱۴۲۴ ق ، هشتم
۵۱. علیرضا وحدت پناه ، نماز و جامعه شناسی ، ستاد اقامه نماز و احیای زکات ، بهار ۸۴ ، دوم گودرز نجفی ، راز نیایش (فواید طبی و درمانی نماز) ، شرکت چاپ و نشر بین الملل ، پاییز ۸۶ ش ، سوم
۵۲. فتال نیشابوری ، روضه الواعظین و بصیره المتعظین ، قم ، انتشارات رضی ، اول
۵۳. قاضی قضاعی ، شهاب الأخبار ، تهران ، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۶۱ ش ، اول
۵۴. قمی علی بن ابراهیم ، تفسیر قمی ، قم ، دار الکتاب ، ۱۳۶۷ ش ، چهارم
۵۵. گنابادی سلطان محمد ، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده ، خانی رضا / حشمت الله ریاضی ، تهران ، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور ، ۱۳۷۲ ش
۵۶. محدث اربلی ، کشف الغمه فی معرفه الأئمه ، تبریز ، بنی هاشمی ، ۱۳۸۱ ق ، اول
۵۷. محدث عاملی ، الجواهر السنیة - کلیات حدیث قدسی ، زین العابدین کاظمی خلخالی ، تهران ، انتشارات دهقان ، ۱۳۸۰ ش ، سوم
۵۸. محدث نوری ، مستدرک الوسائل ، قم ، مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم ، ۱۴۰۸ ه . ق ، اول
۵۹. محسن قرائتی ، پرتویی از اسرار نماز ، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن ، ۱۳۸۷ ش ، هجدهم
۶۰. محسن قرائتی ، تفسیر نماز ، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن ، ۱۳۸۷ ش ، سیزدهم
۶۱. محسن قرائتی ، یکصد و چهارده نکته درباره نماز ، تهران ، ستاد اقامه نماز ، ۱۳۷۴ ش
۶۲. محمد رضا رضوان طلب ، پرستش آگاهانه ، ستاد اقامه نماز ، ۱۳۷۵ ش ، دوم ، ص ۱۱۴
۶۳. محمد وحیدی ، دانستنی های لازم از نماز ، قم ، موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) ، ۱۳۸۷ ش ، چهارم
۶۴. مکارم شیرازی ناصر ، تفسیر نمونه ، تهران ، دار الکتب الإسلامیه ، ۱۳۷۴ ش ، اول

۶۵. میرزا جواد آقا ملکی تبریزی ، أسرار الصلاة ، ، رضا رجب زاده ، انتشارات پیام آزادی ، ۱۳۷۸
شمسی ، هشتم

۶۶. نجفی خمینی محمد جواد ، تفسیر آسان، تهران ، انتشارات اسلامیه ، ۱۳۹۸ ق ، اول

۶۷. عباس عزیزی ، نماز در آئینه قرآن ، ستاد اقامه نماز ، ۱۳۷۹ ش ، ششم

۶۸. علیرضا وحدت پناه ، نماز و جامعه شناسی ، ستاد اقامه نماز و احیای زکات ، ۱۳۸۴ ش ، دوم

۶۹. ورام ابن ابی فراس ، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر) ، قم ، مکتبه فقیه ، اول

۷۰. مجتبی کلباسی ، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز (دفتر اول و دوم) ، ناشر : ستاد اقامه نماز ،

چاپ اول - پائیز ۸۰ ش

۷۱. مجتبی کلباسی ، یکصد و ده پرسش درباره نماز ، انتشارات ستاد اقامه نماز ، ۱۳۸۸ ش ، نهم